



انجمن معارف اسلامی ایران

پژوهش‌های اخلاقی

بلاغ

فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی (شاپا: ۳۲۷۹-۲۳۸۳)

سال نهم - شماره دو - زمستان ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۳۴

صاحب امتیاز: انجمن معارف اسلامی

مدیر مسئول: دکتر رضا حاجی ابراهیم

سر دبیر: دکتر محمود قیوم زاده

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا امینی، دکتر محسن جوادی، دکتر احمد دیلمی،

دکتر امیر دیوانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر جعفر صدری،

دکتر امیرعباس علیزمانی، دکتر محمود قیوم زاده، دکتر عبدالله نصری.

مدیر داخلی و دبیر تحریریه: علیرضا معظمی

ویراستار: زینب صالحی

مترجم: احسان

صفحه آرا: کامپیوتر احسان ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۷۸

ویرایش: حمید رضا علیزاده

یادآوری: فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی در زمینه‌های فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، اخلاق

کاربردی، اخلاق تطبیقی، چالش‌های اخلاقی دنیای جدید و تربیت اخلاقی مقاله می‌پذیرد.

مسئولیت مطالب هر مقاله از هر نظر بر عهده نویسنده است.

نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ مانعی ندارد.

فصلنامه در ویرایش، اختصار و اصلاح مقاله‌ها آزاد است.

آدرس پستی: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، ساختمان کتابخانه، دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

تلفن: ۰۳۲۱۰۳۳۶۰، آدرس الکترونیک: Akhlagh_1393@yahoo.com

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلامی (ISC) و ایران ژورنال و همچنین در پایگاه اطلاعات علمی

جهاد دانشگاهی (SID) نمایه می‌شود. نویسندگان محترم می‌توانند از طریق این پایگاه به نشانی

www.SID.ir) مقالات خود را به صورت الکترونیکی (on-line) جهت بررسی به این نشریه ارسال کرده و

آن را رهگیری (Tracing) کنند و یا به ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال دارند.

بر اساس مجوز شماره ۳/۱۱/۳۶۵۲ مورخه ۱۳۸۹/۳/۳ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور در

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درجه علمی - پژوهشی به فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی اعطا شد.

پژوهش‌های اخلاقی - سال نهم - شماره دو - زمستان ۱۳۹۷

شماره سالی ۳۴

(فصلنامه باخیزنده صاحبان اندیشه، قلم و مقالات منتشر می‌شود.)

راهنمای شرایط تنظیم و ارسال مقالات

از نویسندگان درخواست می‌شود:

۱. مقاله ارسالی از ۲۰ صفحه (هر صفحه ۳۰۰ کلمه) بیشتر نشود.
۲. مقاله ارسالی، باید در یک نسخه در محیط word با دقت تایپ و اصلاح شده (با طول سطر ۱۲ سانتیمتر، قطع وزیری) و بر یک روی صفحه A4 همراه با فایل آن به وب سایت یا ایمیل مجله (Akhlagh_1393@yahoo.com) ارسال شود.
۳. مقاله ارسالی حتماً باید تألیفی باشد و مقالات ترجمه‌ای در صورتی قابل چاپ خواهند بود که همراه نقد و بررسی باشند.
۴. مقاله ارسالی باید دارای بخش‌های ذیل باشد:
 - الف. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و در حد امکان چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
 - ب. مقدمه و نتیجه‌گیری.
 - ج. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آن (حداکثر ۵ واژه).
 - د. تعیین رتبه علمی نویسنده و مترجم و ایمیل نویسنده / نویسندگان هر درج اسامی و اصطلاحات مهجور، در پایین هر صفحه ضروری است.
۵. منابع و ارجاعات مقاله باید کامل و دقیق باشد، از ارسال مقالات با منابع ناقص جداً خودداری فرمایید.
۶. در صورتی که توضیحات پانویس‌ها فراوان باشد به پی‌نویس منتقل کنید.
۷. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد.
۹. منابع مورد استفاده در پایان مقاله به شکل زیر نوشته شود:

الف) کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.

ب) مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره مجله.

پژوهش‌های اخلاقی
فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی
زیر نظر هیأت تحریریه
سال نهم، شماره دو، زمستان ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۳۴

- ۵ / بررسی کارکرد مصلحت در تربیت و اخلاق نگاری در مواجهه با اطفال
علی اصفهانیان سمنانی / سید محمد موسوی بجنوردی / سید محمد حسینی
- ۳۳ / مولفه‌های اخلاقی در ساختار مدل تجاری بین ایران و روسیه
بیت اله اکبری مقدم / علیرضا کشاورز قاسمی
- ۴۹ / پشتوانه اخلاقی در ضمانت اجرایی مصوبات دولت در ایران و آمریکا
محمدسعید انصاری / علی آل بویه / نادر مردانی
- ۶۹ / بررسی نظام اخلاقی در داوری حاکم بر سرمایه گذاری خارجی در ایران با نگاهی
به اسناد بین المللی / حبیب الله براهویی مقدم / محمد ابو عطا / حمید مسجدسرای
- ۸۵ / کاربردهای اخلاقی کیفی در ضمانت اجرای نقض اسرار تجاری از منظر فقه امامیه،
حقوق ایران و آمریکا / علی بیگزاده / جعفر کوشا / سیدباقر میرعباسی
- ۱۰۵ / عوامل و آثار بزه دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی
تلگرام و اینستاگرام / محمد صادق چاووشی / هادی کرامتی معز
- ۱۲۳ / مذاکره مجدد در قراردادهای بالادستی صنعت نفت از منظر حقوق و اخلاق
راحله سید مرتضی حسینی / بهرام تقی پور / مهدی عباسی سرمدی / فاطمه امیری
- ۱۴۵ / بررسی مفهوم سلم و همزیستی مسالمت آمیز از نظر ملاهادی سبزواری در مقایسه با
مولانا و حافظ / محمدجواد سامی / محمد یوسف نیری
- ۱۵۷ / تحلیل شخصیتی تربیتی طرفین اختلافات دستگاههای دولتی و مرجع صالح
رسیدگی به آنها / عبدالمحمد سانیری / احمد اسدیان
- ۱۸۷ / رویکرد اخلاقی انسانی به دکتربین ساختار حمایت مالکیت فکری از اختراعات نانو
در سازمان جهانی تجارت / رضا سعودی / سید قاسم زمانی / ابو محمد عسگرخانی
- ۲۰۷ / ارائه الگوی عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر اساس رویکرد
پدیدارشناسی / نیما شجاعی / کامبیز حیدرزاده / احمد روستا
- ۲۳۵ / مدل سازی ویژگیهای بسته بندی محصولات غذایی و تاثیر آن بر روی تصمیم گیری
خرید مشتریان با رویکرد اخلاقی / داریوش زارعی / حسین وظیفه دوست / وحید رضا میرابی
- ۲۴۷ / حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی در سایه آموزه‌های
اخلاقی / مریم شمعونی اهوازی / منصور عطاشنه / باسم موالی زاده
- ۲۶۹ / تبیین اخلاق نخبگی و الگوسازی از نخبگان بر مبنای متون اسلامی ایرانی با تکیه بر
آثار ناصر خسرو، قشیری و هجویری / حبیب اله گرگیچ / حبیب جدیدالاسلامی قلعه نو
- ۲۹۷ / بررسی تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجاده و بوستان سعدی
لیلا مرادی / سید محمد امیری / محبوبه خراسانی
- ۳۱۵ / بررسی رابطه اخلاق کار اسلامی با تعهد سازمانی کارکنان و تاثیر آن بر ابعاد
عملکردی خوشه های صنعتی / رضا یادگاری / کمال الدین رحمانی / فرزین مدرس خیابانی
- 1-16 / چکیده مقالات به لاتین (Abstracts)

بررسی کارکرد مصلحت در تربیت و اخلاق‌نگاری در مواجهه با اطفال

علی اصفهانیان سمنانی^۱

سید محمد موسوی بجنوردی^۲

سید محمد حسینی^۳

چکیده

از آنجا که در تحقق تربیت عالی‌ه برای اطفال در مواجهه با مسایل جدید حادث‌شده بهترین معیار، استفاده از عنصر «مصلحت» است، این پژوهش، با استفاده از ویژگی‌های مصلحت در فقه و با بیان معیارها و دستورالعمل‌های اخلاق اسلامی، مصالح بنیادین در تربیت را برای اطفال ترسیم می‌کند. الگوی اخلاقی و تربیتی مورد نظر با تاکید بر حوایج معنوی اطفال تشریح شده‌است. با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و با در نظر داشتن ابعاد زندگی اطفال و رعایت ظرافت‌های مخصوص مواجهه با آنان، ضعف مفهوم مصالح تربیتی اطفال در مقام استنباط و اجرا، مورد بازنگری جامعی قرار گرفته و تربیت به نحو احسن، که می‌بایست با ارزش‌های اخلاقی و موازین حقوق اسلام همسو گردد، بیان می‌شود.

چگونگی اجرای مصلحت و اخلاق‌مداری در امور تربیتی اطفال، کارکرد اساسی در رشد و کرامت اطفال داشته و تشخیص و تکلیف‌مداری آن به والدین و ولی و اگذار شده‌است. شیوه بیان حدود مصلحت در امور تربیتی و اختیارات اولیا و ولی، دچار کاستی‌های فراوانی است و باید با احصاء محورهای اصلی مصالح تربیتی، دامنه رفتار والدین و ولی را به منظور تحقق اخلاق حسنه در مواجهه با امور تربیتی و تأمین منافع عالی اطفال، هدفمند نمود.

واژگان کلیدی

مصلحت، اخلاق، تربیت، منافع، حمایت.

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق دانشکده‌الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال. تهران،

Email: aliesfahanian@gmail.com

۲. استاد، دانشکده‌الهیات، دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: moosavi@ir.khomeini.ac.ir

۳. استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

Email: sm_hosseini@azad.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

طرح مسأله

مسائل مطرح شده در موضوع بررسی اینجانب، به طور کلی مربوط به چگونگی استفاده از مصلحت در رعایت غبطه اطفال در موضوع تربیت آنان، بدون گرفتار شدن به آسیب‌های اجتماعی آن است. نقش مهم مصلحت و نبود رویه‌ای ثابت در اعمال و رفتار اولیا و ولی، باعث می‌شود که تحقیقات مفصلی در این زمینه لازم آید. پژوهش‌های انجام شده پیرامون مصلحت اطفال در فقه، با محوریت موضوع مصلحت، بسیار نادر می‌باشد. چنانکه در کتب فقهی علاوه بر اینکه به طور خاص و مستقیم به بررسی نقش مصلحت و با دیدگاه اخلاق نگاری اسلامی برای اطفال نپرداخته‌اند، بلکه به طور ضمنی و آن هم بدون واکاوی و به شکلی صرفاً توصیفی، مطالبی را ارائه داده‌اند. از گذشته مصلحت در استنباط احکام در معنای عام مورد توجه فقها بوده و در مورد آن آرای متنوعی صادر شده‌است؛ جمعی از فقها برای شرایط مصلحت اثری قابل نشده و بعضی نیز نظرات دیگری را مطرح کرده‌اند. به طور کلی مصلحت در ساختار فقه امامیه، دلیل مستقل در عرض کتاب و سنت به کار نرفته؛ اما بر خلاف برخی از رویه‌های فقهی امامیه همچین بر اساس دلایل عقلی و نقلی، دارای ماهیت مشخص و ابزاری روشن در استنباط است. آنچه مشاهده می‌شود در تمامی این بیانات فقهی به مصلحت از آنچه مورد نیاز موضوع این پیشنهاد می‌باشد، نپرداخته و موضوع حدود مصلحت اطفال را ناگفته گذاشته‌است. از آنجاییکه حقوق کشورهای اسلامی از مذهب و فقه اسلامی سرچشمه می‌گیرد، لازم می‌شود تا نظرات فقها، پیرامون موضوع بررسی بیان گردد. چرا که فقهای اسلامی به فراخور منطقه زیستی خود، فتاوی متفاوتی را در این باره ارائه نموده‌اند. نگاهی کلی در برخی آیات و روایات و غفلت از گزاره‌های انسانی قابل تعمیم اسلامی گاهی این سوء برداشت را به وجود می‌آورد که از حقوق اطفال غفلت شده‌است. به طور مثال روایاتی که در آن حق تأدیب اطفال مجاز شمرده شده‌است و لحاظ همین ساده‌انگاری و توجه به پوسته دین در قوانین جزائی موجب شده تا نوعی «تجری» نسبت به نقض حقوق انسانی اطفال و تربیت آنان در جامعه در حال نهادینه شدن باشد.

اهمیت و سرنوشت ساز بودن تعلیم و تربیت، اعتبار دستورالعمل‌های تربیتی با اتکا به فقه اسلامی را دو چندان می‌سازد. از این رو، لازم است میان دانش فقه و علوم تربیتی، تعامل بیشتری برقرار شود. یکی از مظاهر این داد و ستد، تعیین اصول و روشهای تربیتی براساس روش‌شناسی فقهی است. از دیدگاه فقه اسلامی، رفتارهای آموزشی و تربیتی، مانند همه رفتارهای اختیاری مکلفان، حکمی شرعی دارد. «فقه در امور تربیتی» با هدف تعیین احکام شرعی رفتارهای اختیاری مکلفان در عرصه تعلیم و تربیت، می‌کوشد با استفاده از روش‌شناسی اجتهادی و استنباطی، به این هدف دست یابد. پژوهش حاضر، با مفروض دانستن امکان و ضرورت حضور فقه در عرصه تعلیم و تربیت، در صدد است که شماری از احکام مربوط به مصالح تربیتی اطفال

را از منظر فقهی، بررسی و احکام شرعی آن‌ها را از ادله تفصیلی آن استنباط کند. این پژوهش، از روش تحلیل محتوا، با تأکید بر روش استنباطی و اجتهادی رایج در فقه شیعی، بهره برده و اساسی‌ترین دستاورد آن، عبارت است از: نظام باید و نبایدهای رفتاری که بر اساس احکام پنجگانه شرعی تبیین می‌شود.

در راستای رسیدن به اهداف تحقیق، نوشتار حاضر با منظور قرار دادن موضوعات فوق و پرسش‌هایی درباره رابطه فقه و مصالح تربیتی از قبیل سوالات ذیل طرح شده و تلاش می‌کند اهمیت و جایگاه مصالح تربیتی اطفال را در فقه بررسی کرده و نسبی و متغیر بودن این عنصر مهم را بیان کند. از قبیل اینکه آیا مصلحت پیرامون تربیت اطفال در ابعاد گسترده با نبود رویکردهای فقهی مواجهه و نیاز به پر کردن نواقص این مهم دارد؟ آیا مصالح تربیتی که در منابع فقهی فعلی پیرامون مصلحت طفل مطرح می‌شود، ضابطه‌مند است؟ آیا می‌توان شرایط جدیدی در بیان تعریف مصلحت تربیت اطفال در حقوق موضوعه در قالب سازه حقوقی با استفاده از منابع و تعاریف فقهی وارد نمود؟ در این بررسی، پس از توضیح برخی واژگان و طرح موضوع، مباحث اصلی ادامه یافته‌است.

روش و شیوه تحقیق

تحقیق در این راستا به شیوه تحلیلی و توصیفی می‌باشد که از طریق منابع کتابخانه‌ای و مطالعه پیرامون موضوع فوق صورت گرفته‌است. این نوشتار با هدف بررسی پرسش‌های مهم درباره نحوه تبیین مصلحت‌نگری برای اطفال با توجه به ضوابط فقهی تدوین شده است و تلاش شده تا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به مهم‌ترین مباحثی که در خصوص رعایت مصلحت اطفال پرداخته شود و به محوریت مصلحت در موضوعاتی مانند تأثیر مصلحت در تصدی و حدود اختیارات تربیتی ولایت قهری، تأثیر مصلحت اطفال در اعمال ولایت و سرپرستی و در نهایت به نسبی و متغیر بودن این عنصر مصلحت و معیار آن دقت نموده‌است.

مبحث اول: مصلحت در لغت

نگاه کلی در آثار لغت پژوهان نشان می‌دهد که مصلحت به دو معنی استعمال می‌شود:

- ۱- مصلحت همانند منفعت است هم در لفظ و هم در معنی و در این فرض یا مصدر میمی است به معنی صلاح به همان سان که منفعت مصدر میمی و به معنی نفع است.
- ۲- مصلحت به کاری گفته می‌شود که به منفعت و سود بیانجامد. در این فرض، مصلحت مجازاً استعمال شده و از باب اطلاق مسبب بر سبب تازیان می‌گویند: «تجارت مصلحت است، و در طلب علم مصلحت است. چه تجارت و چه علم هر دو پدید آورنده مصلحت‌اند و نه خود آن و مصلحت به این معنی ضد مفسده است و آن دو نقیض هم‌اند و غیر قابل جمع.» (حامد العالم، ۱۴۱۵ق، ۱۲۳)

با این همه به نظر می‌رسد این‌گونه برداشت‌ها ناشی از احکام و ضوابط شرعی است و تغییری در مفهوم مصلحت ایجاد نمی‌کند. از این رو، برخی از محققان بر این باورند که «مصلحت در دانش فقه و علوم پیرامون آن معنا و اصطلاح خاصی ندارد و تتبع در متون فقهی به طور قطع ثابت می‌کند که مصلحت به معنای لغوی و عرفی آن (خیر و صلاح) به کار رفته است.» (علیدوست، ۱۳۸۴، ۹۴) بدین ترتیب، مصلحت اطفال چیزی است که هم جنبه‌های مادی و هم نیازهای روحی و معنوی او را در بردارد و در این میان توجه به مقاصد و کمالات انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. لذا می‌توان استنباط نمود که بیان مصلحت در موضوعات تربیتی اطفال توأم با واژه‌هایی چون خیر، صلاح، تأمین جنبه‌های مادی و معنوی و مقاصد شریعت و کمالات انسانی توأم است.

مبحث دوم: اطفال در لغت و فقه

«طفل از نظر لغت به نوزاد گفته می‌شود و نوزاد هر حیوان وحشی را نیز طفل می‌گویند.» (جوهری، ۱۴۲۰، ۱۷۵۱) اما در اصطلاح فقها و شرع به کسی که به سن بلوغ نرسیده است طفل می‌گویند که مرادف صغیر است، صاحب مجمع‌البیان می‌نویسد: «طفل صغیر از مردم است و صغیر کسی است که بالغ و رشید نشده باشد و هر دو برای خارج شدن صغیر از محجوریت لازم است. (همان) بلوغ که در لغت به معنی رسیدن به امری است.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۰) صاحب جواهر به استناد روایات « شرعاً فهمیدن بلوغ را برای پسران رسیدن به سن پانزده سال می‌داند.» (نجفی، ۱۳۶۳، ۱۶) زیرا فهم عرف از بلوغ رسیدن به حالتی نفسانی است نه سن خاص که لکن برای حل مشکلاتی که رخ می‌دهد، در صورت شک در بلوغ افراد روایاتی که از معصومین رسیده است سن خاصی را معین نموده است و همان‌طور که بیان شد نظر مشهور فقهاء برای پسران پانزده سال و نه سال برای دختران می‌باشد.

«سفه در مقابل رشد است و سفیه کسی است که اموال خود را در راه‌هایی که شایستگی عقلاً را ندارد صرف کند هر چند عقلاء اهل دنیا باشند و مرجع آن به عرف است که بی‌تردید به مجرد صرف مال در مطلق معصیت سفه محقق نمی‌شود زیرا تذبذب نیست و یا این که عرفاً سفه محقق نمی‌شود.» (نجفی، ۱۳۶۳، ۵۲) رشد در اثر نمو قوای دماغی در شخص بوجود می‌آید و تشخیص رشد هر فرد به وسیله آزمایش در اموری که مناسب با وضعیت اجتماعی او می‌باشد به عمل می‌آید تا قدرت و استعداد او در حسن اداره و تصرف او را در اموالش دانسته شود که از حیل‌های شیادان آسوده می‌ماند. در مقابل رشد سفه است، از این جهت سفیه را غیر رشید می‌گویند. در صورتی که دو شرط بالا که یکی مربوط به نمو جسمانی و دیگری راجع به نمو دماغی و روحی است با یکدیگر در کسی جمع شود معلوم می‌شود که دوران صغر و طفل بودن پایان یافته است و از محجوریت خارج شده است. بلوغ در قرآن مجید مشتقات کلمه‌ی بلوغ کراراً

به کار رفته‌است ما در اینجا به آیاتی که از بلوغ سخن گفته و در تعریف بلوغ می‌تواند مورد توجه قرار گیرد می‌پردازیم.

نخست آیه شش از سوره نساء است: «یتیمان را بیازمایید تا هنگامی که به زناشوئی برسند اگر از ایشان رشد و خردمندی یافتید آنگاه اموالشان را به آن‌ها بازگردانید» که در این آیه شریفه اماره و نشانه بلوغ را رسیدن به نمو جسمانی و آمادگی برای ازدواج و شرط دادن اموالشان را احراز رشد او بیان کرده‌است.

دومین آیه، آیه شریفه (۵۹) سوره نور است: «و آنگاه که اطفال شما به حد احتلام برسند باید برای ورود به منازل اجازه بگیرند مثل کسانی که قبل از ایشان بودند و اذن می‌گرفتند خداوند این‌گونه نشانه‌های خویش را به شما نشان می‌دهد و او دانای حکیم است.»

در هر دو آیه از کلمه بلغ استفاده شده‌است، لیکن اولی توانایی رسیدن به «نکاح» و دومی رسیدن به «حلم» را ذکر کرده‌است. هر دو آیه توانایی احکام نکاح را نشانه بلوغ می‌داند و در آیه (۵۹) سوره نور وظیفه بالغین را معین می‌کند که طفل به محض دستیابی به این قدرت موظف به اجازه گرفتن برای ورود به منازل است. اما آیه ششم سوره نساء یک قید اضافی دارد که آن را از آیه (۵۹) سوره نور متمایز می‌کند. این آیه که یک موضوع مالی در رابطه با اطفال مطرح می‌کند صرف رسیدن به قدرت بر نکاح را برای دادن اموال طفل یتیم به وی کافی نمی‌داند بلکه لازم می‌داند که درباره او رشد نیز صورت گیرد یعنی کمال عقل او برای حفظ منافع مالی وی ثابت گردد. با توجه به موارد فوق می‌توان با وحدت ملاک، اماره‌ها و نشانه‌ها سن رشد را برای تمیز کودک در نظر گرفت.

مبحث سوم: همه چیز در خدمت مصالح عالی و تربیتی اطفال

فقه و تربیت دو عرصه مهمی هستند که نقش برجسته‌ای در زندگی طفل ایفا می‌نمایند. تربیت همه جانبه طفل از نیازهای اساسی وی است و اطفال در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش نایل می‌آیند. از سوی دیگر، شریعت و بعد عملی آن یعنی فقه جایگاه ویژه‌ای در زندگی انسان دارد و مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، زندگی او را احاطه کرده‌است. این دو عرصه با پیشرفت زندگی بشر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، شکل جدیدی به خود گرفته و رسالتی نوین پیدا کرده‌است. چرا که از سویی، نهاد تربیت به یکی از نهادهای بنیادین در زندگی اطفال تبدیل شده و زمینه‌ساز موفقیت انسان در سایر ابعاد گشته و از سوی دیگر، فقه از ایفای نقش در محدوده زندگی فردی انسان فراتر رفته و رسالتی نوین یافته و می‌بایست پاسخگوی نیازهای شرعی انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی باشد. آن چه در این میان مهم می‌نماید بررسی زمینه‌های ارتباط و تعامل این دو عرصه مهم در زندگی اطفال در یک جامعه اسلامی است. چرا که فقه به عنوان دانشی که ماهیت دینی و اسلامی دارد با تربیت به عنوان فرایندی که می‌تواند

اسلامی باشد، دارای تأثیراتی نسبت به همدیگر هستند که آثار و نتایج آن‌ها در جهت دهی نظام تعلیم و تربیت جامعه اسلامی آشکار می‌گردد. زیرا از سویی، نقش فقه در تربیت می‌تواند به فرایند اسلامی‌سازی تربیت کمک نموده و بخشی از محتوای تربیت اسلامی را پوشش دهد و از سوی دیگر، تربیت با اصول و شیوه‌هایی که دارد ضمن ارائه موضوعات جدید در عرصه اجتهاد و فقهت، می‌تواند به فرایند پایبند شدن افراد جامعه اسلامی به فقه و احکام فقهی، کمک شایان توجهی نماید. از این رو، به طور اختصار به مفهوم صلاح و منفعت از منظر فقه می‌پردازیم، سپس اشاره‌ای به زمینه‌هایی که امکان تعامل این دو را فراهم می‌سازد خواهیم داشت.

مفهوم خیر، صلاح و منفعت که از واژه مصلحت فهمیده می‌شود می‌تواند همه خواسته‌ها و آرزوهای انسان را پوشش دهد؛ هر چند در مصادیق آن اختلاف و اشتباه فراوان است. «ادیان الهی به طور عام و دین اسلام به طور خاص مدعی خیر و صلاح بشر هستند که از طریق آن، سعادت و رستگاری انسان رقم می‌خورد.» (مجلسی، ۱۳۶۱، ۲۰۲) صلاح، خیر و سعادت وقتی به دست می‌آید که دستورها و خواسته‌های اسلام جامه عمل بپوشد. «هر کس از مرد یا زن، عمل نیک انجام دهد در حالی که ایمان داشته باشد پس او را بی‌تردید (در دنیا) به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم داشت و (در آخرت) پاداششان را در برابر عمل‌های بسیار خوبشان خواهیم داد.» (سوره نحل، آیه ۱۶)؛ بنابراین؛ مصلحت و عمل؛ ارتباط نزدیک و مستقیم می‌یابند. در مجموعه آموزه‌ها و معارف اسلامی؛ شاخه‌ای که با عمل و رفتار بیش از سایر شاخه‌ها مرتبط می‌شود؛ فقه است تا آن‌جا که موضوع اصلی فقه را از جنس افعال شمرده‌اند؛ از این رو مصلحت و فقه هم ارتباط روشن و منطقی می‌یابند. حلقه اتصال احکام و مصلحت، همان عمل و رفتار است، به اینگونه که فقه؛ اعمال و رفتار را ساماندهی می‌کند تا انسان از رهگذر آن به خیر و صلاح دست یابد.

پیامبر بزرگ اسلام درسی بزرگ داد؛ اما تشریفات ظاهری را که به مصلحت خود و همراهان بود کنار گذاشت. مصالح اطفال در این حال، با رعایت تشریف ناسازگار است. طفل انتظار محبت و نوازش را دارد. او به این که این‌جا کوچه است و پیامبر رهبر بزرگ بشریت است و این جمعیت که با او هستند شئونی دارند که باید رعایت شود، نمی‌اندیشد و رهبر بزرگ اسلام این امور را نادیده گرفت و بدین وسیله عمل خود را سرمشق جهانیان قرار داد، گرچه او این سرمشق را به زبان نیز رانده است. (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۱۲۶) محمد بن علی بن‌الحسین می‌گوید: «رسول خدا(ص) توصیه می‌فرمود: کسی که در نزد وی کودکی است، باید کودکانه رفتار نماید.» (همان، ۴۸۳) بدین‌سان روشن می‌گردد که حضرت عملاً و با رفتار مناسب خود خط بطلان بر تمام سنت‌های گذشته کشید و رفتار انسانی او موجب حیات بشریت گردید و حقوق از دست رفته اطفال در سیره آن حضرت تجلی یافته و رونق پیدا کرد، همان‌طور که در برخورد با

عثمان بن مظعون آمده که «پیامبر(ص) وی را دید که پسر بچه‌ای با خود دارد و او را می‌بوسد. رسول خدا(ص) پرسید: این بچه خودت است؟ گفت: بلی. فرمود: دوستش داری عثمان؟ گفت: بلی ای رسول خدا، بخدا قسم دوستش دارم! فرمود: آیا محبت تو را نسبت به او بیشتر نکنم؟ عرض کرد: چرا پدر و مادرم فدایت. فرمود: هرکس کودک خردسالی از نسل خود را خوش حال کند، خداوند در روز قیامت او را خوش حال گرداند». (هندی، ۱۹۹۸، ۵۸۶) باید همه چیز و همه کس در راه پی‌ریزی اساس خوشبختی اطفال به کار بیفتد. هیچ مصلحتی بالاتر از مصلحت تربیتی اطفال نیست. در ادامه به بیان مصادیقی از مصالح وضع شده، برای اطفال از منظر احکام و فقه اسلامی، تحت عناوین: تعلیم و تربیت و تأمین حوایج مادی و معنوی در امور تربیتی اطفال می‌پردازیم.

مبحث چهارم: مصالح اطفال در تعلیم و پرورش آنان

مراد از موضوعات مربوط به مصالح فقهی، تربیتی مصالحی است که مشترک میان فقه و تربیت اطفال است و هر کدام به گونه‌ای درباره آن‌ها بحث می‌کنند. برای مثال، طفل و مسائل مربوط به وی هم در فقه مورد بررسی قرار می‌گیرد و هم در تربیت، هرچند نوع نگاه هر یک به طفل متفاوت از دیگری است. حوزه تعلیم و تربیت، موضوعات متعددی را به فقه عرضه می‌کند و فقیه پس از شناخت قیود و شرایط این موضوعات، احکام فقهی آن‌ها را بیان می‌کند. بی‌شک میزان و نحوه شناخت فقیه از موضوع می‌تواند در استنباط و برداشت وی از آن‌ها مؤثر باشد. به طوری که گاهی موجب تغییر حکم در نظر فقیه گردد. تأثیری که تعلیم و تربیت در این زمینه می‌تواند نسبت به فقه داشته‌باشد این است که با تکیه بر اصول و شیوه‌های خاص خود به تبیین و تحلیل موضوعات تربیتی پردازد و نتایج آن را در اختیار فقیه قرار دهد و فقیه در پرتو این نتایج به استنباط احکام پردازد. در یک تعریف می‌توان گفت «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن.» (مطهری، ۱۳۷۷، ۵۵۲) بنابراین تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه، حیوان و انسان صادق است. از همین‌جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور کند.

چنانکه هدف تعلیم و تربیت باید رشد فکری اطفال، پرورش استعدادهای او، پرورش قوه قضاوت او، پرورش حس مسئولیت اخلاقی و اجتماعی او و بار آوردن او به عنوان یک عضو مفید جامعه، تحت شرایط مساوی با دیگران باشد. منافع و مصالح عالیه اطفال باید سرلوحه رفتار کسانی باشد که مسئولیت تربیت و هدایت اطفال را به عهده دارند. این مسئولیت در مرحله اول متوجه پدر و مادر اطفال می‌باشد. مطهری می‌فرماید: «تربیت در انسان باید بر شکوفا کردن روح

باشد، آیا دوره‌های مختلف هم از این نظر فرق می‌کند یا نه؟ مسلم فرق می‌کند. بعضی دوره‌ها تناسب و موقعیت بسیار بهتری برای شکوفا شدن استعدادها دارد، همین دوره بعد از هفت سالگی، دوره بسیار مناسبی است برای شکوفا شدن روح از انواع استعدادها و لذا جزء بهترین دوران عمر هرکسی همان دوران محصل بودن او است» (مطهری، ۱۳۷۳، ۶۳) انسان برای رسیدن به کمال در مدارج فضیلت احتیاج به تعلیم و تربیت شایسته دارد. «در حقوق اسلام به موضوع تربیت فرزندان و اطفال ارزش فوق‌العاده‌ای داده شده و یکی از وظایف مهم والدین در برابر فرزندان این است که به تربیت اخلاقی و پرورش فکری و عقلی آنان همت گمارند و اطفال و نوجوانان را به تحصیل علم و فراگیری آگاهی‌های شغلی مناسب برای امرار معاش و رفع حوائج ضروری زندگی وادار و تشویق کنند.» (صفایی، امامی، ۱۳۸۷، ۳۶۶) پیامبر(ص) فرمود: «میان فرزندان خود در عطا و بخشش به عدالت رفتار کنید، همان‌طور که دوست دارید آنان نیز، در احترام و محبت میان شما عادلانه عمل کنند. یا فرمود: از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان‌طور که شما نیز دوست دارید آن‌ها اطاعت و احترامتان کنند. یا فرمود: خداوند متعال دوست دارد که میان فرزندان خود یکسان عمل کنید، حتی در بوسیدن آنان.» (هندی، ۱۹۹۸، ۴۴۴) یا فرمود: «میان فرزندان خود در نهمان به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که شما خود نیز دوست دارید آنان در احترام و محبت (نسبت به شما) به عدالت رفتار کنند.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۲۰)؛ اسلام به خوبی به این مسأله توجه دارد که افراد بشر همه دارای یک نوع استعداد نیستند. رشد روانی و اجتماعی کودک از همان سنین طفولیت آغاز می‌شود و اگر با مانعی روبرو نشود به موازات رشد جسمی به سوی کمال می‌رود. احساس امنیت و اطمینان خاطر از نیازهای اساسی است که اگر در دوران کودکی و نوجوانی تأمین و برقرار شود، پایه رشد مطلوب و سلامت تن و روان گذارده می‌شود.

کارشناسان تربیتی معتقد هستند: «کودک در اوایل وجود، هنوز شکل نگرفته و برای هر یک از سعادت و شقاوت قابلیت دارد. می‌تواند یک انسان کامل گردد و می‌تواند به صورت یک حیوان پست و فرومایه درآید. سعادت و شقاوت آینده هر فرد به کیفیت پرورش او بستگی دارد.» (امینی، ۱۳۶۸، ۱۱) می‌توان گفت که «هدف اصلی از نگهداری، نگاهداشت مصلحت تربیتی اطفال است و در حقیقت از نظر شرعی در حضانت به گونه‌ای هماهنگی با طبیعت صورت گرفته است.» (سبزواری، ۱۴۱۷، ۲۷۶) علت قرار دادن سرپرست برای اطفال نیز، رعایت و جلب مصلحت وی و دفع ضرر و فساد از امور صغیر و تأمین مصالح تربیتی طفل است، زیرا اصل بر این است که هیچ فردی بر دیگری حاکمیت، سلطه و ولایت ندارد و اقتداری که از نظر شرع و عقل بر امور صغیر تحت عنوان ولایت قهری منظور شده تنها برای حمایت از او است. صاحب جواهر، در مورد علت بر اولویت حضانت نگهداری فرزندان ذکور تا ۲ سال و فرزندان اناث تا ۷

سال از سوی مادر، می‌نویسد: «زیرا پدر نسبت به تربیت پسر و مادر برای تربیت دختر، سزاوارتر است.» (نجفی، ۱۳۶۳، ۲۹۱)

در جایگاه تربیت در حقوق اطفال می‌توان گفت، مجموعه‌ای از انتظارات و وظایف مشخصی است که بر عهده والدین، خویشان و در مراحل بالاتر، دولت‌ها و حتی همه افراد بشر بوده که در راستای رشد، تعالی و بالندگی اطفال قرار دارد. این حقوق دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است. در یک تقسیم‌بندی کلی حقوق اطفال به دو نوع مادی و معنوی قابل تقسیم است که در مباحث بعدی به آن اشاره خواهیم کرد. چنانکه به تعبیری یکی از حقوق معنوی اطفال حق تربیتی می‌باشد. لیکن در زمینه مصالح تربیتی اطفال موارد ذیل از منظر فقه قابل بیان است.

۱- پرورش و آموزش تجربه‌ها: تأکید پیامبر مکرم گواه این مطلب می‌باشد که فرموده‌است: «فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و قرآن خواندن، چون حافظان قرآن روز قیامت در پناه خدا و با انبیاء و برگزیدگان او هستند. و باز فرمود: به فرزندانشان خود احترام بگذارید و آنان را نیکوتر تربیت نمایید. و باز فرمود: هیچ پدری به فرزند خود چیزی بهتر از تربیت نیکو نبخشید.» (هندی، ۱۹۹۸، ۴۵۶) والدین باید در جهت پرورش فرزندانشان تلاش بسیار نموده و تجربه‌های درست و آموزنده خود را در اختیار ایشان قرار داده و سعی در آموزش صحیح و متناسب آن‌ها داشته باشند. از دیگر حقوق اطفال آموختن اصول اعتقادی و تکالیف عملی دینی است که قطعاً در سایه عمل کردن خود والدین، بهتر در ذهن و روح اطفال جای گرفته و به آن مأنوس می‌گردد. همچنین پیرامون آموزش رفتار در خانه باید گفت رفتارهای فرزندانشان در اجتماع و منزل، تابع نوع برخورد و آموزش‌های خود پدر و مادر در محیط خانه است.

۲- موعظه و اندرز: «پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی کار نیک یا بد باشد، و در دل سنگی یا در گوشه‌ای از آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می‌آورد، خداوند دقیق و آگاه است. پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکبیا باش که این از کارهای مهم است.» (سوره لقمان، آیه ۱۷) «با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.» (سوره لقمان، آیه ۱۸) «در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن و از صدای خود بکاه و هرگز فریاد مزین که زشت‌ترین صداها صدای الاغ‌هاست.» (سوره لقمان، آیه ۱۹) «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومن بگو: جلباب‌ها خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سر زده توبه کنند خداوند همواره آمرزنده رحیم است.» (سوره احزاب، آیه ۵۹)

۳- مسئولیت‌پذیری: تربیت فرزندان امری تدریجی است که به صبر و حوصله نیاز دارد. در طول دوران کودکی، والدین موظفند راه و رسم و شیوه برخورد با مشکلات و رفتار در شرایط بحرانی یا وفور نعمت را به فرزندان بیاموزند. این امر مهم همیشه با بحث‌های نظری و نصیحت‌های بدون عمل، کارآیی ندارد، بلکه باید فرزندان را درگیر زندگی روزمره کرد و شرایط مختلف زندگی را به ایشان نشان داد. پدر لازم است تکیه‌گاه و مددکار فرزندان خود بوده و او را در سراسیمگی زندگی یاری رساند، همان‌طور که می‌فرماید: «خدا رحمت کند پدران و مادرانی را که فرزندان‌شان را بر نیکی کردن به خودشان کمک کنند» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۸) و نیز فرمود: «خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را بر نیکی کردن به خود کمک کند.» (کلینی، ۱۳۸۸، ۵۰) برای تحقق این هدف لازم است والدین نسبت به حس مسئولیت‌پذیری فرزندان واکنش نشان داده و آن‌ها را در شرایط تجربه زندگی قرار دهند. از جهتی دیگر، والدین باید با نظارت دقیق و کنترل مسئولیت‌هایی که به فرزندان واگذار می‌کنند زمینه تربیت صحیح آن‌ها را فراهم آورند. نمونه‌ای از این امر را می‌آوریم. در آن هنگام که خواهرت در نزدیکی کاخ فرعون راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند و دایه خوبی برای او خواهد بود؟ پس تو را به مادرت بازگردانیم، تا چشمش به تو روشن شود و غمگین نگردد.» (سوره طه، آیه ۴۰) و مادر موسی به خواهر او گفت: «وضع حال او را پیگیری کن. او نیز از دور ماجرا را مشاهده کرد در حالی که آنان بی‌خبر بودند.» (سوره قصص، آیه ۱۱) در داستان حضرت موسی (ع) مادر ایشان به دلیل مسائل امنیتی، پیش فرعونیان نرفت بلکه خواهر موسی را فرستاد تا هم او را زیر نظر بگیرد و هم مذاکرات کفالت را انجام دهد. در واقع اینجا مادر به دخترش مسئولیتی می‌دهد تا انجام دهد و او نیز به خوبی از عهده آن بر می‌آید. همچنان که در ادامه داستان می‌بینیم با انجام مذاکرات شایسته، موسی را به مادر بر می‌گرداند. در حین عمل نیز سعی می‌کند صندوق برادر را از دور زیر نظر داشته‌باشد تا اینکه این مراقبت بسیار عادی باشد و سبب حساسیت و تحریک دشمن نگردد.

مبحث پنجم: مصلحت در حوائج تربیت معنوی اطفال

تربیت روحی و درونی از ابعاد مهم تربیت اطفال است و مشتمل بر رابطه انسان با خداوند و نیازهای تعالی بخشی طفل است. اهمیت این بُعد از آن جهت است که تربیت درونی و روحی طفل پیش درآمد تربیت در بُعد اجتماعی و بیرونی او است. طفلی که بر خویش مسلط گردید و درون خویش را آباد و توانست تا در مسیر رشد روحی خود رابطه خود با خداوند را اصلاح نماید، در اصلاح رابطه خود با دیگران نیز موفق‌تر عمل خواهد نمود. از این رو، در فقه اهمیت زیادی به پرورش این بعد داده شده و باب‌های فقهی و گسترده به این بُعد از ابعاد وجودی انسان اختصاص یافته‌است. به طور کلی بخش عبادات فقه، تأمین‌کننده این بعد تربیتی است و در این رابطه،

باب‌هایی چون نماز، روزه و حج نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. می‌توان گفت بدین منظور در ابتدا در مجموعه توصیه‌ها و احکام شریعت، به موضوع هویت اطفال در امر تربیتی آنان توجه ویژه شده‌است. نکته قابل توجه این است که از یک‌سو، این دستورات، یکسره جنبه حقوقی ندارند، بلکه به لحاظ ماهیت و ظرافت موضوع، بسیاری از آن‌ها دستورالعمل‌هایی اخلاقی‌اند، مانند: مهربانی کردن، احترام نهادن، نصیحت کردن، چشم‌پوشی کردن از خطاها و لغزش‌ها. سیره عملی پیامبر اکرم و پیشوایان دینی در برخورد با فرزندان و به‌طور کلی، اطفال و نیز دیگر اعضای خانواده و بستگان خود، و تأکید فراوان آن‌ها بر خوش‌خلقی و برحذر داشتن از اخلاق بد، به خوبی نشان‌دهنده این جهت‌گیری و توجه در امور تربیت معنوی اطفال است. عبدالله بن مسعود از رسول اکرم (ص) پرسید: «بزرگترین گناهان چیست؟» حضرت فرمود: (کشتن فرزند به‌خاطری که در خوردن با تو شریک است.) (طوسی، ۱۳۸۷، ۴) و بعد از فتح مکه در جریان بیعت از زنان یکی از موادی که باید آنان با رسول خدا (ص) متعهد می‌شدند این بود که فرزندان خود را نکشند. (متن آیه ۱۲ از سوره ممتحنه) بدین وسیله اسلام به اطفال حق حیات قایل شد. زندگی آنان را تضمین کرد و سایر حقوق آنان را به رسمیت شناخت و در جامعه تثبیت نمود. رسول اکرم (ص) به اطفال احترام می‌گذاشت، از کنار بازی آن‌ها به آرامی می‌گذشت تا مزاحم لحظه‌های شاد آنان نگردد، هیچ وقت آنان را موجود کوچک و حقیر به حساب نمی‌آورد، و با همهٔ بچه‌ها در خور شأن و منزلت آنان رفتار می‌نمود. انس بن مالک می‌گوید: «رسول خدا (ص) وقتی از کنار بچه‌ها می‌گذشت به آن‌ها سلام می‌کرد.» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۱۶) سسیا نقل می‌کند «پیامبر (ص) بر جوانان در حال بازی کردن وارد شده به آنان سلام می‌نمود. همچنین می‌گوید: ما بچه‌های نوجوانی بودیم رسول خدا (ص) بر ما وارد شد و به ما سلام نمود.» (سجستانی، بی‌تا، ۱۴۷) در سنن کبرای بیهقی آمده‌است که ابن عباس می‌گوید: «پیامبر (ص) از کشتن کودکان مشرکین خودداری می‌کرد و هیچ یک از آنان را به قتل نمی‌رساند. بعد می‌گوید: کشتن اطفال جایز نیست مگر این که به اندازه‌ی حضرت خضر، راجع به کسی که می‌کشی آگاهی داشته باشی.» (بیهقی، بی‌تا، ۵۳)

در موضوع تربیت معنوی اطفال در ابتدا به هویت بخشی به اطفال، که از جمله حقوق مهم آنان داشتن نام است، اشاره می‌کنیم. این امر مهم‌ترین عامل شناسایی و هویت مستقل هر فرد به شمار می‌رود. نام، همواره از تولد تا مرگ و حتی پس از مرگ، همراه و ملازم فرد است و تأثیر اجتماعی و تربیتی ویژه‌ای بر او دارد؛ از این‌رو در احادیث اسلامی بر انتخاب نام نیکو برای اطفال تأکید شده‌است. حق نام و نسب از جمله حقوق معنوی در امر تربیت مورد اشاره در اسلام می‌باشد. نسب در لغت به معنی خویشاوندی و نژاد است و در اصطلاح حقوقی عبارت است از رابطه خویشاوندی بین دو نفر که یکی از نسل دیگری یا هر دو از نسل شخص ثالثی باشند. رسول خدا (ص) سفارش نموده «اسم نیکو برای اولاد برگزینید و آن را به‌عنوان یک حق از طرف

فرزندان به عهده والدین قرار داده» (هندی، ۱۹۹۸، ۴۱۶) همچنین می‌فرماید: «شما در روز قیامت به نام خود و پدرانانتان خوانده می‌شوید پس در انتخاب نام نیک اهتمام کنید.» (همان، ۴۱۸) «نسب علاقه‌ای است بین دو نفر که به سبب تولد یکی از آن‌ها از دیگری یا تولدشان از شخص ثالثی حادث می‌شود. نسب مترادف با قرابت نسبی است و در رابطه طبیعی و خونی بین کلیه خویشاوندان نسبی خط مستقیم یا خط اطراف را در بر می‌گیرد. این نسب به معنی عام است. اما نسب به معنی خاص عبارت است از رابطه پدر فرزندی و به دیگر سخن، رابطه طبیعی و خونی میان دو نفر است که یکی به طور مستقیم (بدون واسطه) از صلب یا بطن دیگری به دنیا آمده‌است.» (امامی، ۱۳۸۹) داشتن نام، یک حق طبیعی و ضرورت عرفی - اجتماعی محسوب می‌شود و البته هر منطقه و هر فرد و قومی به تناسب احوال روحیاتشان و سوابق تاریخی - جغرافیایی و بر اساس مدل زبانی و گفتاری، از اسم‌های خاصی بیشتر استفاده می‌کنند. دین اسلام به جهت رعایت همه مسائل شخصی و اجتماعی انسان به این مهم نیز توجه کرده‌است. قرآن یکی از وظایف والدین در قبال فرزندان را تعیین نام نیکو و مناسب می‌داند. «ای زکریا ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش یحیی است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم.» (آیه ۷ سوره مریم)

اطفال در بدو تولد قادر به انتخاب و گزینش نام نیک برای خود نیستند، و خداوند این حق را برای والدین قرار داده‌است، از طرف دیگر انتخاب اسم یک ضرورت است و ابتدای امر تربیت برای اطفال از این موضوع شروع می‌شود و انسان فاقد مسمی قابل تعریف و تشخیص نخواهد بود. خداوند در (آیه ۱۳ سوره حجرات) می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است.» مهمترین فلسفه نام‌گذاری همین است که انسان قابل خطاب باشد و دیگران بتوانند بخوبی با او ارتباط برقرار نمایند.

از جمله موارد نیازهای معنوی در امر تربیت اطفال موضوع ولایت ولی در امور مالی و غیر مالی است که به اتفاق فقها مشروط به رعایت مصلحت اطفال می‌باشد. به طور مثال در صورتی که کار تربیتی و اموری که برای تربیت و آینده اطفال ضرر داشته‌باشد و یا اجیر نمودن طفل برای انجام آن امور به مصلحت او نیست، حتی در صورتی که وجود ضرر و عدم آن مورد تردید باشد، جایز نیست که ولی در این باره اقدام نماید. به عبارت دیگر، همان‌گونه که بعضی از فقها فرموده‌اند «در جواز تصرفات ولی، در اموال اطفال احراز مصلحت شرط است و مصلحت واقعی که در ظاهر مورد تردید باشد کفایت نمی‌کند.» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۱۶۳) باید دانست که توجه به این مطلب در اعمال سرپرستی و تربیت اطفال اهمیت فراوان دارد؛ برای نمونه محبت کردن و

تهیه‌ی وسایل رفاهی مطلوب و تأمین نیازهای مادی برای فرزند از قبیل تهیه‌ی پوشاک و تغذیه‌ی متنوع بالاترین منافع مادی در امور تربیتی طفل را در بردارد، در حالی که گفت و گوی صمیمانه‌ی پدر با کودک و آموزش کمک به فقرا و اصلاح رفتار اجتماعی به وی چیزی است که تحت عنوان منفعت قرار نمی‌گیرد، بلکه مشمول عنوان مصلحت اطفال خواهد بود.

از جمله مصالح معنوی اطفال موضوع مهم تغذیه در سلامت روح و جان اطفال است. از آیات ۵ سوره طارق و ۱۵ سوره حج و ۱۹ کهف و ۲۴ عبس نکات مهمی به دست می‌آید. بدین معنا که عمل انسان در گرو غذایی است که می‌خورد و تاثیر خوراک حلال و خوردن غذاهای پاک، انجام اعمال نیک را در پی دارد. هم‌چنان که با خوردن غذاهای پست و حرام انسان به فسق و فجور گرایش پیدا می‌کند. خداوند می‌فرماید: «و از آن‌چه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه‌اش را بخورید» (مائده، ۸۸) و نیز می‌فرماید: «ای پیامبران! از خوراکی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آن‌چه انجام می‌دهید دانایم» (مؤمنون، ۵۱). نیاز انسان به غذا، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز روزمره او است که از تولد تا مرگ وی را همراهی می‌کند، و حتی انبیا و اولیاء الهی نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

تأمین مصلحت اطفال در موضوعاتی مانند: رشد، تندرستی، خلق و خوی، رفتار، توانمندی و شایستگی، تکثیر نسل و تولید مثل همه به نوعی تاثیر گرفته از تغذیه سالم هستند. باید اذعان داشت بهترین غذا برای نوزادان، شیر مادر است. خداوند سبحان حداقل و حداکثری برای آن قائل شده که حد اقل شیردهی مادران به نوزادان ۲۱ ماه (احقاف آیه ۱۵) و حداکثر شیردهی مادران به نوزادان ۲۴ ماه می‌باشد (بقره آیه ۲۳۳).

شاید بتوان گفت کسب حلال، نوعی از فعالیت اقتصادی است که در چارچوب قوانین اسلامی و شرعی انجام می‌شود و مهمترین خصیصه آن چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ معنوی متوجه خود انسان بوده و از طرفی رعایت کردن حق الناس می‌باشد. بنابراین حرمت بخشی از فعالیت‌های اقتصادی بسیار روشن است. مانند مالی که از راه دزدی، کلاه‌برداری، رشوه، گرفتن، مالی که از راه ربا به دست می‌آید، خوردن مال یتیم، پولی که از راه معامله اشیایی مانند حرام مانند معامله مواد مخدر، قاپچاق و غیره به دست می‌آید. یا کسانی که در معاملات اموال خوب و بد را مخلوط می‌کنند و می‌فروشند یا کسانی که اموال خراب را عمداً به جای سالم می‌فروشند. همه موارد فوق مصداق مال حرام به حساب می‌آیند و خوردن آن‌ها اثرات منفی بر خود انسان و فرزندان انسان بر جا می‌گذارد. «در منابع اسلامی بسیار تأکید شده‌است که انسان روزی خود و فرزندان خویش را از راه حلال به دست آورد. در بعضی روایات، ائمه طاهربین(ع) تلاش برای به دست آوردن روزی حلال را از شمشیر زدن در میدان جنگ سخت‌تر شمرده‌اند.» (ری شهری، ۱۴۱۶، ۵۰۹) لذا باید تأکید داشت که تشویق و هدایت والدین در تأمین رزق حلال برای اطفال،

از جمله اموری است که در مصلحت اطفال حایز اهمیت است. مال حرام بر صالح بودن فرزند تأثیر منفی دارد چه در حیطة زمانی انعقاد نطفه که والدین مال حرام خورده باشد و یا اینکه مادر در زمان بارداری از مال حرام استفاده کرده باشد و یا ممکن است در طول دوران طفولیت مال حرام بخورد. تأثیر رزق حلال در تأمین مصلحت اطفال انکار ناپذیر است و روایات از تأثیر منفی مال حرام بر روح و روان انسان خبر داده است. که مخاطب این روایات اطفال است. زمانیکه مال حرام بر روی بزرگسالان می‌تواند اثر منفی داشته باشد بر روی اطفال در دوران طفولیت نیز می‌تواند همان اثر را داشته باشد.

به نکاتی از سخن علما در مورد تأثیر منفی غذای حرام بر مسائل معنوی انسان اشاره می‌شود که این تأثیرات شامل اطفال نیز می‌گردد. «وجود انسان دو بعد دارد: یکی بعد جسمی او که تحت تأثیر ظاهری و مادی غذا است و معمولاً ما در مورد ظاهر غذایی که می‌خوریم دقت کافی را به کار می‌بریم و به بعد معنوی که حلال و حرام بودن آن است کمتر توجه می‌کنیم. بعد دیگر انسان روح اوست؛ که غذا به شدت بر آن تأثیر گذار است، تا جاییکه در حالات بعضی از اولیاء و بزرگان نوشته‌اند که با خوردن یک لقمه شبهه‌ناک آن هم به صورت اتفاقی تا مدت‌ها از توفیق نماز شب محروم می‌شده‌اند.» (گوهری، ۱۳۷۷، ۳۶) نراقی در کتاب معراج السعاده می‌نویسد: «دلی که از لقمه حرام روئیده باشد، کجا و قابلیت انوار عالم قدس کجا و نطفه‌ای که از مال حرام رسیده باشد به مرتبه رفیع انس با پروردگار چه کار، چگونه پرتو عالم نور به دلی تابد که غذای حرام آن را تاریک کرده و کی پاکیزگی و صفا برای نفسی حاصل می‌شود که کثافات مال شبهه‌ناک آن را آلوده و چرک‌آلود نموده باشد.» (نراقی، ۱۳۷۵، ۳۱۳) از آنچه گفته شد و همچنین بنا به اصل علیت، غذای حرام بر روح و روان انسان بسیار تأثیر گذار است و این تأثیر بر روان فرزند و مصلحت طفل به هیچ وجه قابل انکار نیست.

بی‌تردید نفع اطفال در این است که در بالاترین سطح آسایش و رفاه، با دسترسی به امکانات لازم زندگی مدرن رشد و بالندگی یابد، لیکن اوضاع و احوال و تفاوت عرف و فرهنگ در جوامع سبب می‌شود تا مصلحت جنبه‌های متفاوتی به خود بگیرد. چه بسا عرف جامعه در شرایطی، عملی را به صرفه و صلاح مولی‌علیه به حساب آورد و جامعه‌ای دیگر در شرایط متفاوت نامناسب قلمداد کند. با این همه، باید اصل را بر این نهاد که اقدام ولی قهری برای خیرخواهی و مصلحت مولی‌علیه است و تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده معتبر و نافذ است، لذا نیاز نیست که ولی به اثبات حسن نیت یا مفید بودن عمل خویش همت گمارد.

اطفال پس از مدتی به سن رشد و کمال می‌رسند، نیازهای تربیتی آنان افزایش یافته و به تناسب آن توقعات‌شان هم بالاتر می‌رود. با توجه به حساسیت این دوره و وجود زمینه‌های کجروی و انحراف که مانع از تربیت طفل می‌شود، می‌توان به عمق دیدگاه رسول اکرم (ص) رسید و این که چرا حضرت فرموده است: «از جمله حقوق فرزند بر پدرش این است که هر گاه به

سن بلوغ رسید او را همسر دهد.» (هندی، ۱۹۹۸، ۴۵۷) شاید می‌توان ولایت حاکم بر نکاح ایتام را از باب حسبه اثبات نمود. با این توضیح که قدر متیقن از ادله‌ای که بر این حکم دلالت دارد، مواردی است که شارع مقدس اجازه انجام آن را به مکلف داده‌است و تزویج ایتام با فرض نیاز و رعایت مصلحت، از این امور است و با عنایت به این که یتیم سرپرستی غیر از حاکم شرعی ندارد، بنابراین باید حاکم یا کسی که به او اجازه داده‌است، در این‌باره دخالت نماید. خویی در این‌باره نگاشته‌است: «تزویج یتیم و مجنون با فرض وجود مصلحت، لازم است و باید انجام شود و به ناچار باید شخصی متصدی آن باشد و با فرض عدم وجود وصی، حاکم عهده دارد این مسئولیت است، زیرا قدر متیقن از کسی که می‌تواند عهده‌دار این مسئولیت اوست.» (انصاری، ۱۳۹۱، ۶۸-۶۹) فقه اسلامی به موضوع ازدواج توجه خاصی را مبذول داشته چرا که حساسیت امر تزویج برای اطفال از اقدامات مهم در تربیت آنان و تامین صلاح و تکامل شخصیتی اطفال به شمار می‌رود.

از جمله تامین حوایج معنوی در امور تربیتی و آینده اطفال، رعایت مصالح آنان در امر مهم ازدواج است. که این امر بیشتر در فقه به آن پرداخته شده‌است. با بررسی تاریخ و شرایط خاص اجتماعی صدر اسلام، به ویژه در زمینه تزویج، می‌توان این نتیجه را گرفت که تشریح قانون ولایت بر تزویج صغار، برای پدر و جد پدری در موقعیت و شرایط خاص آن دوره، نه تنها حقی را از فرزندان ضایع نکرده، بلکه خدمت بزرگی جهت تامین تربیت نیز به آنان نموده‌است، زیرا «در شرایطی که برخی از خویشاوندان به خصوص خویشاوندان پدری، به خود حق می‌دادند سرنوشت دختر یا پسری را به میل خود تعیین نموده و برای او همسر انتخاب نمایند، اسلام این سنت غلط را نسخ نموده و انتخاب همسر را پس از بلوغ، حق دختر و پسر و پیش از بلوغ در صورت نیاز فقط در اختیار پدر و جد پدری قرار داده که هم نسبت به فرزند خود دلسوزتر هستند و هم به مصالح او آشناتر می‌باشند، در عین حال نفوذ تصرفات آنان را مشروط به عدم مفسده یا مصلحت فرزند نمود.» (انصاری، ۱۳۹۱، ۸۲)

در این امر با عنایت به حساسیت و ضرورت تاثیر ازدواج اطفال به منظور تکمیل فرآیند تربیتی آنان توضیح بیشتری لازم می‌آید. در امر نکاح روایات مستقیضه وجود دارند که به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- روایاتی که دلالت دارند بر این که جایز است پدر و جد پدری دختر صغیر خود را به عقد نکاح دیگری درآورند و چنین عقدی نافذ است و بعد از بلوغ، دختر نمی‌تواند آن را فسخ نماید (البته در صورتی که با رعایت مصلحت او انجام شده باشد). مانند این که ابن بزیع در روایت صحیح نقل می‌کند، «از امام رضا(ع) سوال کردم، دختر صغیری پدرش او را به عقد دیگری درآورده و در حالی که هنوز صغیر بوده، پدر فوت می‌کند، بعد از آن که به حد بلوغ رسید و در حالی که هنوز مدخول بها قرار نگرفته است، آیا ازدواج انجام شده بر او نافذ است یا این که اختیار

دارد آن را فسخ نماید؟ حضرت فرمودند: (ازدواج پدر بر او نافذ است.) «عاملی، ۱۴۰۳، ۲۷۵) به نظر می‌رسد اقدام ولی در این خصوص به منظور تربیت و تامین منافع مادی و معنوی طفل مورد پذیرش قرار گرفته‌است.

۲- روایاتی است که از آن‌ها استفاده می‌شود. اگر عقد ازدواج که توسط پدر و جد پدری بر دختر صغیر وارد شده، متعارض یکدیگر باشند مانند آن که «پدر، دختری را به عقد فردی در آورده و جد پدری فرد دیگری را مورد نظر دارد) نکاح جد مقدم است.» (همان، ۲۸۹)

۳- روایاتی که دلالت دارند اگر بین دختر و پسری که به سن بلوغ نرسیده‌اند، عقد نکاح برقرار شود، از یکدیگر ارث می‌برند. (همان، ۲۹۲)

۴- روایاتی است که دلالت دارد در صورت ایجاد عقد نکاح بین دختر و پسر صغیر، باید توسط پدر یا کودک در صورتی که صاحب اموال باشد، مهریه پرداخت شود. (همان، ۲۸۷)

شایان ذکر است منظور از مصلحت آن است که بر اساس معیارهای خیرویت و مناسبات زمان و مکان و موازین منطقی و عقلی و عرف معتبر بدست آمده باشد. بدین معنا که تصمیم ولی در این امر توأم با رعایت جنبه‌های تربیتی و موازین عقلی در این خصوص باشد. در کتاب النکاح اثر خوئی می‌خوانیم: «اگر برای دختری دو خواستگار وجود داشته باشد بر سرپرست دختر بچه لازم است خواستگاری که از نظر شرافت و زیادی یا کمی مهریه از خواستگار دیگر شایسته‌تر است را انتخاب کند و اگر بر اساس میل درونی، یکی را انتخاب کند تصحیح چنین عقدی مشکل است.» (خوئی، ۱۴۰۷، ۱۸۳)

لیکن وقتی مفاد دلیل یک حکم، مطلق باشد تقیید به مصلحت طفل در این مورد مخالف با شرع محسوب می‌شود. در کتاب کفایه الاحکام می‌خوانیم: «سرپرست دختر بچه نمی‌تواند تمام مهریه دختر را ببخشد بلکه لازم است مقداری از آن را کم یا زیاد حفظ کند و آن مقداری را که می‌بخشد لازم نیست حتماً به مصلحت دختر باشد زیرا نصوص در این زمینه اطلاق دارند و شرط مصلحت را بیان نکرده‌اند.» (سبزواری، ۱۳۸۱، ۱۸۳)

برخی از فقها در مورد شرط بودن مصلحت در ولایت بر اطفال ادعای اجماع کرده‌اند، برای نمونه عاملی گفته‌است: «این مسئله از مسائلی است که در آن اختلافی میان مسلمانان نیست. مرحوم مراغی نیز نگاشته‌است: تصرف ولی در امور اطفال بر اساس ادله و اجماع فقها مشروط به مصلحت اطفال است، زیرا قدر متیقن از ادله ولایت است.» (مراغی، ۱۴۱۸، ۵۹۹)

در این که آیا علاوه بر رعایت مصلحت اطفال توسط ولی، عدالت وی نیز شرط است، به گونه‌ای که تصرفات ولی فاسق، بی‌تاثیر باشد یا خیر، دو دیدگاه مطرح شده‌است:

۱- برخی از فقها مانند، فخر المحققین، (حلی، ۱۳۶۳، ۶۲۷) آن را لازم دانسته‌است، مستند این قول، وجوهی است که از آن‌ها جواب داده شده‌است. (خیمینی، ۱۳۶۸، ۴۴۹)

۲- دیدگاه دوم که در بین فقها مشهور است، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آن را

پذیرفته‌اند، (نجفی، ۱۴۲۳، ۱۴) عدالت را شرط ندانسته‌اند. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲۳۲) لنگرانی در این باره می‌نویسد: «مقتضای اطلاق ادله، ثبوت ولایت پدر و جد پدری است و مقید به عدالت آن‌ها نیست. چنان که در مومنین نیز این‌گونه می‌باشد، بنابراین اگر مومنی، فاسق بود یا در حین انجام مسئولیت فاسق شد، فسق او موجب سقوط ولایت وی نمی‌گردد، به طوری که اگر در تصرفات خود نسبت به اموال اطفال مصلحت را رعایت نمود، به دلیل اینکه فاسق است بی‌تأثیر باشد و مانند دخالت کسی باشد که شرعاً ولایت ندارد بلکه با رعایت مصلحت، دخالت آنان صحیح است هر چند فاسق باشند.» (انصاری، ۱۳۹۱، ۴۰) باید اذعان داشت رعایت مصالح اطفال در امور تربیتی در وهله اول می‌بایست اولیا و سرپرستان طفل دارای صلاحیت‌های انسانی باشند تا بتوانند تصمیمات مادی و معنوی در امور تربیتی برای اطفال را به شایستگی اتخاذ نمایند.

اقدام ولی نسبت به نکاح صغار باید در جهت غبطه و رعایت صلاح و سود و تامین امور تربیتی آنان باشد، یا این که مستلزم مفسده و ضرر بر آنان نباشد در غیر این صورت، یعنی اگر ازدواج به مصلحت صغیر نباشد یا مضر به حال او باشد، مانند این که با وجود دو خواستگار، ولی از نکاح دختر صغیره‌اش با فرد صالح خودداری نماید و او را به عقد دیگری در آورد یا به کمتر از مهرالمثل (مهریه‌ای که برای دختران هم‌شان او در نظر گرفته می‌شود) تزویج نماید یا برای همسر پسر صغیر خود مهریه‌ای بیش‌تر از مهرالمثل در نظر بگیرد این پرسش مطرح است که آیا عقد نکاح باطل است یا متوقف بر اجازه صغیر و صغیره بعد از بلوغ می‌باشد؟ در این باره بین فقها اختلاف نظر وجود دارد: دیدگاه مشهور فقها این است که «در این گونه موارد، عقد به صورت فضولی واقع می‌شود و موقوف بر آن است که صغیر پس از بلوغ اجازه دهد یا رد نماید که در صورت اجازه، صحیح و در صورت رد باطل است.» (جبل عاملی، ۱۳۸۸، ۱۳۹) البته اگر ولی، دختر صغیره خود را به مهریه‌ای که کمتر از مهرالمثل است، تزویج نماید، برخی از فقها فرموده‌اند: «عقد، صحیح و مهریه تعیین شده، باطل و متوقف بر اجازه دختر صغیره بعد از بلوغ می‌باشد، اگر آن را اجازه داد، صحیح، و الا باید زوج مهرالمثل را بپردازد.» (انصاری، ۱۳۹۱، ۷۹) می‌توان نتیجه گرفت که مصلحت در ازدواج این است که انسان را به اهداف فوق برساند، از این‌رو در تزویج ولایی، ولی نمی‌تواند تمام توجه خود را به امور مادی معطوف دارد و فقط بالا بودن مهریه یا توانایی زوج را در نظر بگیرد. چرا که امر تربیتی طفل می‌طلبد که تمامی مصالح در جنبه‌های مادی و معنوی طفل دیده شود. لیکن از آن چه گفته شد می‌توان بیان داشت که حکم ولایی ازدواج صغار ناظر به دوران‌های گذشته و زمان صدر اسلام است. بنابراین در ازدواج صغار باید رعایت مصلحت شود و چون مصلحت امر نسبی و عرفی است، رعایت آن در ازدواج صغار در این زمان کمتر از اتفاق می‌افتد. و حکم ولایت بر ازدواج صغار، در موارد ضروری اعمال می‌گردد.

مبحث ششم: مصالح در احکام تربیتی اطفال

برخی احکام تأثیر بسزایی در روند تربیتی اطفال دارند که مهمترین آن تأثیر در اخلاقیات

برجسته و والا است و این همان مصالح عالی تربیتی طفل در احکام است. برای مثال، نماز و روزه از جمله واجباتی است که جنبه‌های اخلاقی آن‌ها بسیار چشم‌گیر و برجسته است. در هر صورت، «والدین باید احکام شرعی و همه وظایف دینی اعم از واجبات و محرمات را به فرزند خویش بیاموزند، خواه خود آنان آموزش دهند و یا این‌که این وظیفه واجب را به آموزگار بسپارند.» (خویی، ۱۴۱۶، ۲۶۴). همچنین «باید کودکان را پیش از بلوغ، به روزه گرفتن عادت داد.» (حلی، ۱۴۰۸، ۱۸۰) همان‌طور که «تمرین کودک به نماز خواندن، از سن شش سالگی استحباب دارد.» (حلی، ۱۴۱۳، ۳۱۳) شهید نیز به صراحت می‌گوید «که مراد از تمرین نماز، عادت‌دهی و عادت‌سازی پیش از بلوغ است.» (عاملی، ۱۴۱۰، ۵۷۰) اهمیت عادت به نماز تا آن‌جا است که «برای مربیان و والدین مستحب است که کودکان خود را به خواندن نمازهای قضا نیز تمرین دهند.» (سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۲۶) دوران طفولیت و نقش بی‌بدیل والدین در تأثیرگذاری بر فرزندان و نیز اهمیت اعتقادات در سعادت و شقاوت ابدی فرزندان، حایز اهمیت است. مدعا این است که والدین نسبت به اعتقاد فرزندان به عقاید اسلامی، وظیفه‌ای الزامی دارند. به عبارت دیگر، تربیت اعتقادی فرزندان بر والدین، واجب است. چنانکه نماز انسان را از منکرات و پلیدی‌ها باز می‌دارد، مایه صفای قلب و آرامش دل می‌شود، تواضع و فروتنی را به بار می‌آورد و پرهیز از غضب و تعدی به حقوق دیگران را به دنبال دارد. روزه نیز بهترین شیوه برای حفظ نفس و مبارزه و تسلط یافتن بر آن است، انسان روزه‌دار از بسیاری گناهان و محرمات پرهیز می‌نماید. اهمیت مصلحت در تبیین موضوعات تربیتی شخصیت اطفال، بر کسی پوشیده نیست و در همین راستا نقش خانواده در شکل‌گیری بینش‌ها و نظام باوری اطفال نقشی بی‌بدیل است. تربیت اعتقادی و آموزش معتقدات، به تناسب مراحل تربیت و رشد ذهنی و شناختی طفل، مقتضیاتی دارد. صرف‌نظر از اصل وظیفه‌مندی والدین در تربیت اعتقادی، در خصوص مصالح در احکام تربیتی اطفال باید اذعان داشت اسلام دین جامع و جاودانه‌ای است که سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده و برای تکامل وجودی و تربیت یکایک افراد و نظام دادن به جوامع بشری، قوانین و مقررات فردی و اجتماعی بسیاری را وضع نموده‌است. یکی از ویژگی‌های قانون و مقررات اسلام، واقع‌بینی و هماهنگی آن‌ها با فطرت انسان و قابلیت اجرا و ضمانت اجرایی آن است. با توجه به همین خصیصه است که خدای متعال اطفال را که هنوز به رشد جسمی و عقلی مناسب برای به دوش کشیدن بار تکلیف و مسئولیت نرسیده‌اند، از انجام بسیاری از وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی معاف داشته و بلوغ را شرط بسیاری از احکام تربیتی و تعالی بخشی قرار داده‌است. در اهمیت این موضوع فرستاده خدا(ص) درخصوص ملامت در تربیت اطفال حتی درباره بوسیدن فرزند هم‌چنین تصریح و تعبیر فرموده است: «فرزندان خود را زیاد ببوسید، زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبتی در بهشت فراهم می‌شود که فاصله میان هر مقامی، ۵۰۰ سال است.» (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ۴۸۵) «حق فرزند بر عهده

پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را بیاموزد و جز غذای پاک و حلال برای او فراهم نیاورد.» (هندی، ۱۹۹۸، ۴۴۳) امام علی (ع) می‌فرماید: «حق فرزند بر والدین، آن است که نام او را نیکو انتخاب کند.» (صبحی، ۱۳۹۵، ۳۹۱) از این دست روایات بسیار نقل شده و در تشریح احکام اسلام قول و فعل و تقریر معصوم، حجت است. بی‌گمان تاثیر مبانی تربیت در اسلام که عبارت است از قانونمندی های عینی و واقعی فرایند تربیت که مربوط به «هست‌ها» است و از واقعیات خارجی حکایت دارد، انکار ناپذیر است. فقه به عنوان یک دانش شرعی و اعتباری، می‌تواند در مبانی تربیت تأثیرگذار باشد. اگر مراد این باشد که احکام فقهی مبتنی بر واقعیات عینی و متکی بر معیارهای واقعی است و بخشی از این واقعیات، واقعیات‌های تربیتی است. کوشش نویسنده این است که مباحث مربوط به نگرش فقه به مصالح تربیتی اطفال را در یک چارچوب کلی بیان نماید. پیش از طرح و بررسی این مسئله لازم است انواع حکم را در بیان مصالح تربیتی اطفال، بررسی و اقسام هر یک را بیان نماییم.

گفتار اول: مصلحت در احکام تکلیفی اطفال

می‌توان گفت کارکرد دیگری که فقه می‌تواند در تربیت ایفا نماید، استفاده از روش‌های آموزش احکام فقهی در امور تربیتی و به کار بستن آن‌هاست. تأثیر فقه در این زمینه از آن جهت است که فقه در امور تربیتی هم اطلاعاتی را پیرامون مکلفان ارائه می‌دهد و هم روش‌های خود را در آموزش احکام و چگونگی به کار بستن آن‌ها برای اطفال عرضه می‌کند و از این راه، زمینه ترویج بیش تر فقه و ارتقای تربیت اطفال در جامعه و پای بندی به آن را فراهم می‌سازد.

احکام شرعی را از جهات گوناگون تقسیم کرده‌اند. تقسیمی که در این مبحث مورد نظر است، تقسیم حکم به تکلیفی و وضعی است. «منظور از حکم تکلیفی، از احکام پنج‌گانه وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه است. هر حکم دیگری خارج از این احکام پنج‌گانه را حکم وضعی نامند.» (فیض، ۱۳۸۱، ۱۲۹) نائینی در تعریف حکم وضعی نوشته‌است: «حکم وضعی آن دسته از احکام و مجعولات شرعی است که متضمن بعث و زجر نباشد؛ مراد ایشان از بعث و زجر همان احکام پنج‌گانه است.» (نائینی، ۱۳۷۶، ۳۸۴) شایان ذکر است که خمینی «خلافت، نبوت، امامت و قضاوت را بدون هیچ دغدغه‌ای جزء احکام وضعی قرار داده‌است.» (خمینی، ۱۳۵۸، ۱۲۵) موضوعات احکام شرعی به عناوین اولیه، دارای یکی از احکام پنج‌گانه وجوب، حرمت، کراهت، استحباب و اباحه است، ولی ممکن است همان موضوع، عنوان ثانوی به خود بگیرد و حکم آن تغییر نماید. برای مثال، روزه به عنوان اولی بر هر مسلمانی در ماه رمضان واجب است، حال اگر همین روزه نسبت به شخصی عنوان ثانوی پیدا کند و برای او به خاطر مریض بودن ضرر داشته‌باشد، حکم آن تغییر می‌کند و برای چنین فردی وجوب نخواهد داشت. یکی از تأثیراتی که تربیت می‌تواند از جهت موضوعی در فقه داشته‌باشد ایجاد عناوین ثانویه فقهی است. برای مثال، در صورتی که تنبیه کودکان به عنوان اولی و با حدود معینی جایز باشد ولی بر اساس تشخیص

متخصصان تربیتی، آثار سویی بر آن به طور کلی و یا به صورت موردی مرتب شود، در این جا تنبیه عنوان ثانوی پیدا می‌کند و به تبع آن، حکم اولی آن یعنی جواز تنبیه تغییر می‌کند و حکم عدم جواز را پیدا می‌کند.

شایان ذکر است واجبات و محرمات دو بخش اساسی و کلیدی احکام فقهی هستند که به دلیل متکی بودن آن‌ها به مصالح و مفسدات قطعی و تأثیرگذاری آن‌ها در امور تربیتی، مورد تأکید شارع بوده و شارع به سهل انگاری و کم‌توجهی نسبت به آن‌ها راضی نیست. از این رو، ضروری است پیش از آن که اطفال به حد بلوغ شرعی برسند و این احکام درباره آن‌ها حتمیت یابد، زمینه رویارویی درست با این احکام در آنان ایجاد شود. جالب آن که در فقه بدین امر مهم تربیتی توجه شده و باب‌ها و مسائل گوناگونی به آن اختصاص یافته که از مجموع آن‌ها، این اصل تربیتی مهم استنباط می‌گردد. برای نمونه، در جنبه زمینه‌سازی آمده‌است: «پدر و جدّ پدري شرعاً موظف به تربیت فرزندان و تمرین آن‌ها به عبادت می‌باشند، بنابراین باید برای نماز، ایشان را از خواب بیدار کنند» (محقق داماد، ۱۳۷۵، ۳۹) «فقه‌های همه مذاهب اسلامی بر این عقیده‌اند که تکالیف الزامی از کودکان برداشته شده و واجباتی مانند نماز، روزه، زکات و ترک محرمات، مشروط به رسیدن زمان بلوغ است.» (عاملی، ۱۴۱۰، ۱۰۵) به نظر می‌رسد نظر فقه‌های پیرامون تکالیف الزامی بر اساس سنجش میزان عقل و قوه تمییز برای اطفال باشد که این موضوع با در نظر گرفتن مصالح آنان است. این موضوع تربیتی در فقه مورد توجه قرار گرفته و با بررسی مجموعه فقه معلوم می‌شود که شارع دو نوع برخورد با احکام فقهی داشته‌است: در ارتباط با احکام الزامی یعنی واجبات و محرمات در شرایط عادی و معمولی بسیار سخت‌گیر است و انعطافی از خود نشان نمی‌دهد، اما در مواجهه با احکام غیر الزامی بسیار آسان‌گیر و انعطاف‌پذیر است. عده‌ای معتقدند تکالیف الزامی نیز از اطفال برداشته شده و در نتیجه عبادات مستحبی اطفال مشروعیت ندارد. در مقابل عده‌ای بر این نظرند که درست است تکالیفی الزامی از اطفال برداشته شده، اما تکالیف غیر الزامی در حق اطفال تشریح شده و در نتیجه عبادات آنان مشروع خواهد بود و می‌توانند به قصد اطاعت و امتثال این قبیل اوامر را انجام دهند. این دسته از فقها تصریح کرده‌اند «حتی انجام واجبات و ترک محرمات با قصد اطاعت و امتثال در حق اطفال مشروع است، با این تفاوت که واجبات و محرمات در حق آنان مانند مستحبات و مکروهات است. در نتیجه تکالیف در حق اطفال منحصر به مستحب، مکروه و مباح خواهد بود. این نظر مورد تأیید بسیاری از فقه‌های مذاهب مختلف است.» (یزدی، ۱۳۹۱، ۳۸۲) طرفداران هر دو نظریه برای اثبات مدعای خود دلایلی آورده‌اند که برای رعایت اختصار از نقل و بررسی آن‌ها خودداری می‌کنیم و به ادامه موضوع بحث، یعنی احکام وضعی اطفال، می‌پردازیم.

گفتار دوم: مصلحت در احکام وضعی اطفال

پیش‌تر بیان شد که شارع با در نظر گرفتن مصالح و قوه ادراک اطفال، در امور تربیتی،

احکام تکلیفی الزامی را به لحاظ رعایت مصلحت اطفال از عهده آنان برداشته و بلوغ از شرایط توجه احکام الزامی به درخصوص امور تربیتی طفل محسوب می‌شود. اما در احکام وضعی، وضع به گونه دیگری است و مشهور میان علما آن است که احکام وضعی حتی در اطفال هم ثابت است و بلوغ در احکام وضعی شرط نیست. مرحوم بجنوردی آن را از قواعد مشهور می‌شمرد. (بجنوردی، ۱۳۶۸، ۱۶) از جمله دلایل شرط نبودن بلوغ در احکام وضعی به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود.

۱- اجماع: علما اجماع دارند که اگر کودکی مال دیگری را تلف کرد ضامن است و نیز هیچ اختلافی میان علما نیست که قاعده «ضمان ید» شامل کودکان می‌شود. مثلاً اگر کودکی بر مال دیگری مسلط شود و آن را غصب نماید و آن مال در دستش تلف شود، ضامن آن مال است. حتی اگر مالی را که کودک غصب کرده در دست غیر کودک تلف شود، کودک ضامن آن است. همچنین اگر مالی که کودک غصب کرده، به وسیله آفات آسمانی نیز تلف شود، کودک ضامن است. از نظر فقهای در احکام وضعی بلوغ شرط نیست و نمی‌توان گفت فقها در این اتفاق نظر، به عمومات ادله ضمان اعتماد کرده‌اند، زیرا بین فقها در شمول این عمومات نسبت به اطفال اختلاف نظر وجود دارد. پس این اجماع، اجماعی است که می‌توان بدان اعتماد نمود. (بجنوردی، ۱۳۶۸، ۱۶۷) «سیره متشرعه سیره متدینین بلکه همه عقلای عالم بر این است که اگر طفلی مال دیگری را تلف کرد و یا غصب نمود و آن مال تلف شد، آن کودک ضامن است. شارع مقدس نیز از این سیره نه تنها منع نکرده، بلکه اطلاق ادله آن را امضا نموده است.» (همان)

۲- روایات و ادله عامه در ابواب مختلف: «روایات و ادله عامی که در باب‌های ضمانات، نجاسات، طهارت، احیاء موات، دیات و حیازات وارد شده، شامل اطفال نیز می‌شود.» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۳۲۶-۳۲۹) در باب طهارت و نجاست نیز میان بالغ و غیر بالغ تفاوتی نیست. چرا که مصلحت طفل اقتضا دارد از همان ابتدا با اصول شرعی که در تکامل روحی وی مؤثر واقع می‌شوند آشنا گردد. بدن انسان وقتی با نجس ملاقات کند، نجس می‌شود چه بالغ باشد و چه غیر بالغ. در صورت شست و شو نیز طبق شرایط پاک و طاهر می‌شود و اطفال و غیر اطفال در این جهت تفاوتی ندارند به نظر می‌رسد احکام وضعی در امور تربیتی از منظر شارع به گونه‌ای هستند که لازم است در تربیت اطفال اعمال گردد. و در این خصوص تفاوتی در تربیت طفل بالغ یا نابالغ گذاشته نشده است. در حدیث صحیح، یونس بن یعقوب می‌گوید: «به امام صادق (ع) نوشتم برادرانی صغیر دارم، چه زمانی به اموال آن‌ها زکات تعلق می‌گیرد؟ در جواب فرمود: آن گاه که نماز بر آن‌ها واجب شود، پرداخت زکات واجب می‌شود، از ایشان سوال کردم تا زمانی که نماز بر آن‌ها واجب نشده، زکات واجب نیست؟ فرمود: اگر با اموال آن‌ها تجارت شود، باید زکات آن تجربه پرداخت گردد.» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ۸۵) عمار ساباطی می‌گوید: «از امام صادق (ع) سؤال کردم که چه هنگام بر پسر نماز واجب است؟ فرمود: زمانی که سیزده ساله شود و اگر قبل از

سیزده سالگی احتلام شود نماز بر او واجب و قلم تکلیف بر او جاری می‌گردد. دختر نیز همانند پسر است؛ اگر حیض شود، نماز بر او واجب و قلم تکلیف بر او جاری می‌گردد.» (جرعاملی، ۱۴۰۳، ۳۲)

مبحث هفتم: تربیت و تامین مصالح دنیوی و اخروی طفل

دانشمندان اسلامی در بیان مفهوم اصطلاحی مصلحت، تعابیر و برداشت‌های گوناگونی را بیان کرده‌اند؛ برای نمونه برخی مصلحت را «دفع ضرر یا جلب منفعت برای دین و دنیا دانسته‌اند.» (قمی، ۱۳۸۷، ۹۲) به نظر بعضی نیز مصلحت عبارت است از «آنچه با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی یا هر دو، موافق بوده و نتیجه‌ی آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد.» (حلی، ۱۳۶۳، ۲۲۱) در بیان تربیت طفل و احصاء مصالح تربیتی به مفاهیم نفع و ضرر طفل در تربیت و رشد کمالات معنوی باید توجه بیشتری نمود. به همین منظور مختصری به عناصر نفع و ضرر و تامین مصالح دنیوی و اخروی در تعریف مصلحت تربیتی در ادامه اشاره می‌نماییم.

در یک بیان کلی باید اذعان داشت که تامین مصالح تربیتی اطفال توأم با رعایت نفع و ضرر دنیوی و اخروی آنان است. همان‌طور که محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۵، ۴۲۶) می‌گوید، «ضرری که مفسده آن بیش از مصلحت مورد نظر باشد مانند اینکه اگر رعایت مصلحت برای اطفال موجب تحقق ضرری شود که مفسده آن کمتر از مصلحت مورد نظر باشد طبق قاعده اهم و مهم که خود یکی از مستندات تقیید به مصلحت است می‌توان به آن مصلحت عمل کرد.» لیکن نفع و ضرر و جایگاه آن در قوانین موضوعه قاعداً می‌بایست با مباحث مبانی علم حقوق همراه باشد. در این قوانین مسأله مصلحت به عنوان یک مبناى تشریح و جعل قانون و نیز عامل ترجیح احکام و قوانین به هنگام تعارض و تراحم و همچنین مبنای صدور احکام در مواقع سکوت قانون مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین باید دقت نمود در مصالح تربیتی اطفال، در صورت تراحم دو حکم برای تربیت آنان، از قاعده اهم و مهم بر اساس رعایت نفع و ضرر آنان پیروی کرد.

صاحب جواهر نیز مصلحت را به فوائد دنیوی و اخروی تعبیر نموده‌است: «از اخبار و سخن فقها و ظاهر قرآن فهمیده می‌شود که معاملات و غیر آن برای مصالح و فوائد دنیوی و اخروی مردم است، آنچه که از نظر عرف مصلحت و فایده نامیده می‌شود» (نجفی، ۱۳۶۳، ۳۴۴) ممکن است، برخی بر این باور باشند که «منفعت» همان «مصلحت» است و در نتیجه فقط تقابل «مصلحت» با «مفسده» معنا دارد و دیگر تقابل‌ها نیز به آن ملحق می‌شود. جوهری و صاحب المنجد، «صلاح را به ضد فساد تعریف نموده‌اند.» (جوهری، ۱۳۶۸) ابن منظور نیز «اصلاح را نقیض افساد و مصلحت را به صلاح تعبیر می‌کند.» (ابن منظور، ۱۴۱۰، ۵۱۶) همچنین «خیر و صلاح و مصلحت به حرکتی تعبیر شده که مطابق حکمت باشد، از این رو می‌تواند در قالب ضرر زدن یا سود رساندن تحقق یابد، نظیر مرض که گاه صلاح انسان است. چرا که موجب تقویت

ایمان وی می‌شود.» (العسکری، ۱۳۹۰، ۳۲۰) لذا پر واضح است که می‌توان گفت از جمله شرایط مصالح تربیتی اطفال، مصلحتی است که تامین‌کننده مصالح دنیوی و اخروی طفل و با در نظر گرفتن حکمت نفع و ضرر دنیوی و معنوی طفل باشد.

به نظر می‌رسد با عنایت به تعاریف فوق‌الذکر و همانطور که اشاره رفت، با جمع مفاهیمی چون نفع، صلاح، ضرر یا ضرری که مفسده کمتری دارد، قاعده اهم و مهم و ترجیح احکام به هنگام تعارض، بتوان مفهوم کلی عنوان «مصلحت در اجرای امور تربیتی برای طفل» را بیان نمود. چراکه به نظر نویسنده، مصالح تربیتی را نمی‌توان در یک تعریف و یا جمله احصا نمود و از جمع مفاهیمی که در بالا اشاره رفت می‌توان مصلحت نوعی را به صورت کلی به تصویر کشید. در بیان و احراز مصالح تربیتی اطفال مذاقه بیشتری لازم است. اینکه صرف تصور وجود مصلحت در موضوعات تربیتی کفایت می‌کند و یا اینکه باید این مصلحت واقعی باشد محل بحث است. در ارتباط با این مطلب در فقه و امور تربیتی موضوع کاملاً واضحی دیده نمی‌شود. لیکن در کتاب‌های فقهی و اصولی ما همیشه اصل وجود مصالح و مفاسد و تبعیت احکام از آنها به عنوان یک پیش فرض و اصل مسلم پذیرفته شده است، به عنوان مثال در بحث از اعتبار مصلحت یا کفایت عدم مفسده (عدم ضرر) در نفوذ تصرفات پدر و جد پدری، فقها به نکته ظریفی اشاره نموده‌اند و آن این که «آیا فقط احراز مصلحت یا عدم مفسده شرط است، هرچند در متن واقع چنین نباشد؛ که اگر چنین باشد مانند اینکه برای ولی احراز شد فروش مال صغیر دارای مصلحت است و در متن واقع چنین نبود، معامله باطل نیست، بلکه نافذ است. یا این که باید در عالم واقع، این شرط وجود داشته باشد؛ و اگر چنین باشد مانند اینکه فروش مال صغیر برای او مضر باشد، معامله آن باطل است هر چند ولی در حین فروش علم به ضرر پیدا نکند. یا این که هر دو شرط لازم است، یعنی باید در واقع دارای مصلحت باشد، ولی نیز علم به آن پیدا کند. از بعضی از ادله، نظریه دوم استفاده می‌شود یعنی وجود مصلحت یا عدم مفسده واقعی و علم به آن توسط ولی شرط است.» (انصاری، ۱۳۹۱، ۴۰) و یا در جایی دیگر می‌خوانیم «سرپرست کودک به شرطی می‌تواند مال او را رهن دهد که برای حفظ و نگهداری کودک نیازمند قرض گرفتن باشد و در این کار باید مصلحت کودک لحاظ شود.» (خوانساری، ۱۳۵۵، ۳۵۰)

نتیجه‌گیری

۱. نگاه کلی و معیارهای موجود در شرع پیرامون مصالح تربیتی اطفال بیان گردیده‌اند، لیکن در مواجهه با مسائل جدید روزمره، موضوعات جدیدی برای زندگی و امور تربیتی اطفال حادث می‌شود که نیازمند مصلحت‌نگری می‌باشد. تربیت با چارچوب فقه دارای حدود و ضوابطی است. لذا با همان دستگاه اجتهادی که داریم می‌توانیم در اینجا وارد شویم و چارچوب و حدود کلی مصلحت تربیتی اطفال را رقم بزنیم. فقه اسلامی عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای فقهی در عصرهای متمادی و برای نسل‌های گوناگون بوده‌است. با توجه به تحولات فرهنگی و اجتماعی، جمع‌آوری و تدوین مجموعه موضوعات تربیتی و پاسخ‌های فقهی مربوط به آن‌ها می‌تواند به تدوین عرصه «فقه تربیتی» بینجامد. همان‌طور که در متن اشاره رفت، با استفاده از صلاح و منفعت که مفاهیمی آمیخته از حواجی مادی و معنوی اطفال در امور تربیتی هستند، می‌توان نگرش فقه و دستگاه اجتهادی را با تاکید بر تامین منافع معنوی و اخروی و تعالی بخش برای طفل، در ارائه الگوی تربیتی اسلامی، پویا و فعال نمود.

۲. احکام وضعی و آثار حقوقی مترتب بر این احکام، بنابر ملاک‌های گزاره‌های شرعی تا حدی سعی در تحدید اختیارات ولی قهری در امور تربیتی و حواجی مادی و معنوی طفل نموده و ولی قهری نمی‌تواند به میل و سلیقه‌ی خویش هر تصمیم یا تصرفی را در مورد شئون مولی‌علیه و اموال او عملی سازد یا فراتر از محدوده خیر اندیشی اقدام کند. بلکه موظف است در این قبیل تدابیر و تصرف‌های خود، مصلحت مولی‌علیه را در جنبه‌های مختلف تربیتی منظور نماید و نباید عملی را برخلاف مصلحت و غبطه تربیتی او انجام دهد. افزون بر این، ریشه احکامی چون جواز یا لزوم اقدام برای سرپرستی افراد محجور و ناتوان و حفظ اموال و نفوس آن‌ها، برگرفته از بنای عقلاست که به تأیید شرع مقدس نیز رسیده‌است و روشن است که ملاک اصلی در این خصوص نزد خردمندان، حفظ مصالح افراد تحت سرپرستی در جمیع امور تربیتی است، بر همین جهات باید پذیرفت که نظریه مبتنی بر لزوم رعایت مصلحت مولی‌علیه در تدابیر تربیتی و تصرف‌های ولی و سرپرست او از نظر فقه دارای اعتبار و وجاهت است.

۳. در حوزه فقه، تربیت و نگهداری، عمده‌ترین کاستی‌ها و اشکالات را می‌توان عدم تصریح و ذکر موارد جامع و کامل در مورد موانع محدود کننده اختیارات اولیا در امور تربیتی طفل دانست. از جمله کاربرد مصلحت تربیتی اطفال زمانی بازخورد آن مصالح اطفال را تحت تاثیر قرار می‌دهد که دارای ضمانت‌اجرای لازم باشد. اطفال به تنهایی نمی‌توانند از حقوق خود دفاع و از آن استیفا نمایند.

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او نداند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. سلام و مورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی‌شائبه‌ی او، با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگاریم.

اما از آنجایی که تحلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می‌کند و سلامت امانت‌هایی را که به دستش سپرده‌اند، تضمین؛ بر حسب وظیفه و از باب «من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ»: از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر سید محمد موسوی بجنوردی، که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این مقاله را بر عهده گرفتند؛ از استاد صبور و با تقوا، جناب آقای دکتر سید محمد حسینی که مشاوره این مقاله را تقبل زحمت فرمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. امامی، سید حسن. (۱۳۸۹). دوره حقوق مدنی، تهران: اسلامیه.
۲. امینی، ابراهیم. (۱۳۶۸). آیین تربیت، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات اسلامی.
۳. انصاری، قدرت‌الله. (۱۳۹۱). احکام و حقوق کودکان در اسلام، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
۴. صفائی، سید حسین. و امامی، اسدالله. (۱۳۸۲). حقوق خانواده، (جلد اول)، تهران.
۵. علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). فقه و مصلحت، (چاپ اول)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. گوهری، سید اسماعیل. (۱۳۷۷). مفاسد مال و لقمه حرام، تهران: انتشارات احمدی.
۷. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۵). قواعد فقه، بخش مدنی، (چاپ پنجم)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت در اسلام، (چاپ بیست و چهارم)، تهران: انتشارات صدرا.
۹. _____ (۱۳۷۴). مجموعه آثار، (جلد سوم)، تهران: صدرا.

منابع عربی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسین. (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه المدرسین.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۰ق). لسان العرب، (جلد دوم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. اردبیلی، مولی احمد. (۱۴۰۳قمری). مجمع الفوائد و البرهان، قم: جامعه المدرسین.
۶. بجنوردی، سید حسن. (۱۳۶۸ق). القواعد الفقیهیه، (جلد چهارم)، نجف اشرف: مطبعة الاداب.
۷. بیهقی، ابی بکر أحمد بن الحسین بن علی، السنن الکبیر، (جلد نهم)، المطبعة دارالفکر النشر: دارالفکر، بیروت لبنان، بی تا.
۸. جبل عاملی، زین الدین بن علی. (شہید ثانی). (۱۳۸۸). الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: مکتبه الداوری.
۹. جوهری، ابی نصر اسماعیل بن حماد. (۱۴۲۰ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دار الکتب

الاسلامية.

۱۰. حامد العالم، يوسف. (۱۴۱۵ق)، المقاصد العامة للشريعة الاسلاميه، (چاپ دوم)، المعهد المالمی للفکر الاسلامی، قاهره. دارالحدیث.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

۱۲. حلّی، محمد بن حسن. (۱۳۶۳). الفوائد فی شرح القواعد، قم: موسسه مطبوعات اسماعیلیان.

۱۳. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، تصحیح گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، (جلد اول)، قم: انتشارات اسلامی.

۱۴. حلّی، نجم‌الدین جعفر بن الحسن. (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، (جلد اول)، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۱۵. خوانساری، سید احمد. (۱۳۵۵ شمسی). جامع المدارک، تهران: مکتبه الصدوق.

۱۶. خویی، ابوالقاسم. (۱۴۰۷ قمری). مبانی تکمله المنهاج، قم: دار الهادی.

۱۷. _____ (۱۴۱۶). صراط النجاة، مع حواشی شیخ جواد تبریزی، محقق: موسی مفید الدین عاصی، جلد سوم، قم: مکتب نشر المنتخب.

۱۸. خمینی (ره)، روح‌الله. (۱۳۶۸). کتاب البیج، قم: اسماعیلیان.

۱۹. خمینی (ره)، روح‌الله. الرسائل، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴ق). مفردات فی غریب القرآن، (جلد اول)، دفتر نشر کتاب.

۲۱. سبزواری، ملا محمد باقر. (۱۳۸۱) کفایه الاحکام، اصفهان: مدرسه صدر مهدوی، چاپ سنگی.

۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳)، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، (جلد هفتم)، قم: مکتب آیه‌الله السید السبزواری.

۲۳. سجستانی الازدی، اَبی داود سلیمان بن الاشعث، سنن اَبی داود، (جلد چهارم)، (چاپ اول)، بیروت: لبنان. دار ابن حزم.

۲۴. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل. (۱۴۱۲ هـق) مکارم الأخلاق، قم: انتشارات شریف رضی.

۲۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق). المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: مکتبه المرتضوی

۲۶. عاملی، شیخ زین الدین بن علی بن احمد. (شہید ثانی). (۱۴۱۰ قمری). الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، (چاپ اول)، قم: انتشارات داوری.

۲۷. عسکری، اَبی هلال. (۱۳۹۰) الفروق اللغویة، مؤسسه نشر الاسلامی، قم: جامعه المدرسین.

۲۸. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۴۱۷ قمری). المستصفی فی علم الاصول، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

۲۹. فیاض، محمد اسحاق. (۱۳۶۹ شمسی) محاضرت فی اصول الفقه، (جلد دوم)، (تقریرات درس سید ابوالقاسم خوئی) قم: امام موسی صدر.

۳۰. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۸۷ق). تفسیر القمی، (جلد دوم)، قم: علامه.
۳۱. کرکی، شیخ علی بن عبد المعالی (محقق کرکی). (۱۴۱۵ قمری). جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل بیت.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸قمری). الاصول من الکافی، (جلد ششم)، دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الانوار، (جلد هجدهم)، دارالکتب الاسلامی، تهران.
۳۴. محدث نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ هق). مستدرک الوسائل، (جلد پانزدهم)، مؤسسه آل البيت قم.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۱۶). میزان الحکمه، (جلد دوم)، نشر سازمان تبلیغات.
۳۶. مراغی، میر عبد الفتاح. (۱۴۱۸ق). العناوین، قم: الاسلامی.
۳۷. نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۵). معراج السعاده، انتشارات مطبوعاتی حسینی.
۳۸. نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۳). جواهر الکلام، (جلد ۲۶) تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۹. _____ شرائع الاسلام، الشیخ عباس القوجانی، (جلد دوم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. هندی، علاء‌الدین علی‌المتقی بن حسام‌الدین. (۱۹۹۸م)، کنز العمال، تحقیق محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۱. یزدی، محمد کاظم. العروه الوثقی، تهران: مطبعه حیدری

مؤلفه های اخلاقی در ساختار مدل تجاری بین ایران و روسیه

بیت اله اکبری مقدم^۱

علیرضا کشاورز قاسمی^۲

چکیده

در دنیای پر تلاطم امروز، همه کشورها به فکر صادر نمودن کالاهای خویش به خارج از بازارهای داخلی می باشند. با توجه به تغییر سریع محیط کسب و کار در سطح بین المللی بررسی عوامل موثر بر عملکرد صادراتی بنگاه های اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پژوهش حاضر دارای دو بخش است بخش اول شامل یک تحلیل کمی با استفاده از یک مدل شبه جاذبه بوده و در بخش دوم که بر اساس تکنیک معادلات ساختاری انجام شده است تاثیر عوامل فردی و محیطی بر عملکرد صادراتی بنگاه های تجاری مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که تعداد بنگاه های صادر کننده به کشور روسیه در استان های قزوین و تهران محدود می باشد لذا برای نمونه گیری از روش ((در دسترس)) استفاده شده و تعداد ۳۹ پرسشنامه بین صادرکنندگان اصلی توزیع شده است. یافته های پژوهش حاکی از این است که تجارت بین ایران و روسیه از قانون مزیت نسبی هکشر - اوهلین تبعیت کرده همچنین تجارت بین این دو کشور برای ایران بین صنعتی است نه درون صنعتی. در تحلیل کیفی نیز تحقیق حاضر به این نتیجه رسیده است که عواملی مانند اعتماد صادرکنندگان ایرانی به بخش خصوصی وارد کننده روسی و وجود بستر قابل اعتماد بانکی برای نقل و انتقالات ارزی و همچنین توجه به سایر مناطق روسیه (به جز مسکو) در بین سایر عوامل فردی و محیطی دارای رتبه های اول تا سوم عملکرد صادراتی بنگاه های تجاری ایرانی می باشند.

واژگان کلیدی

مؤلفه های اخلاقی، مدل شبه جاذبه، مزیت نسبی هکشر - اوهلین، عملکرد صادراتی، بین صنعتی،

درون صنعتی.

۱. استادیار، دانشکده اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (عهده دار مکاتبات).

Email: akbari.beitollah@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده اقتصاد، سازمان مدیریت صنعتی، DBA، قزوین، ایران.

Email: keshavarz41@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

طرح مسأله

جهانی شدن، فرآیند گام به گام توسعه ی تجارت بین الملل است که به موجب آن یک شرکت به طور افزایشی، درگیر عملیات تجارت از طریق محصولات خاص در بازارهای منتخب می شود (دعایی و حسینی رباط، ۱۳۸۹)؛ در این میان، صادرات را می توان، نقطه ی شروعی برای جهانی شدن پنداشت. صادرات به صورت ارتباط و کارکردن با بازارهای بین المللی حرفه ای و حرفه ای های بازار در آن سوی مرزها تعریف می گردد و در سالهای اخیر، همگام با رشد اقتصاد جهانی به عنوان یکی از فعالیتهای اقتصادی که نسبت به دیگر فعالیتها رشد بیشتری دارد، مورد توجه قرار گرفته است. در حقیقت صادرات به عنوان یک فعالیت تجاری ضروری برای اقتصاد ملی به شمار می رود. صادرات در سطح شرکت نیز به عنوان امکانی برای فروش بیشتر، سودآوری بیشتر، استفاده از اقتصاد مقیاس برای کاهش هزینه های توسعه ی محصول، افزایش استاندارد زندگی برای مشتریان و بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان تلقی می شود (رسولی مدنی لنگرودی و همت پور، ۱۳۹۳).

با توجه به اهمیت فزاینده صادرات در دنیای متلاطم امروزی، اکثر شرکتها به فکر صادر نمودن کالاهای خویش به خارج از بازارهای داخلی افتاده اند و همچنین ارتباط بین فعالیت های صادراتی و عملکرد به موضوع بسیار پراهمیتی در تدوین و اجرای استراتژیها و نیز عرصه ی تجارت بین المللی برای شرکت ها مبدل شده است (اورال، ۲۰۰۹).

سهم ایران از بازار روسیه کمتر از ۰/۱ درصد است این در حالی است که کشور ترکیه با شرایطی مشابه ایران ۱۹ برابر ایران به روسیه صادرات انجام می دهد (اتاق بازرگانی تهران). بررسی آمار و اطلاعات واردات روسیه نشان می دهد که سهم محصولات کشاورزی در واردات روسیه بسیار چشم گیر است. گوجه فرنگی، مرکبات، انگور، زردآلو، گیلاس و سایر میوه و سبزیجات در مجموع بیش از ۸۰ درصد صادرات ترکیه به روسیه را تشکیل می دهد.

اگر مجموع هزینه های تولید و صادرات را در نظر بگیریم ایران به آسانی در این کالاها با ترکیه رقابت خواهد کرد. روسیه هشتمین وارد کننده انگور در جهان است. این یعنی بازاری بسیار بزرگ برای انگور ایران (مخصوصاً استان قزوین) این در حالی است که سهم صادرات انگور ایران به روسیه بسیار ناچیز می باشد.

صادرات شوینده ها و بسیاری از کالاهای صنعتی به روسیه امکان پذیر است و در دوره های خاص برای مدت کوتاهی نیز تحقق یافته است اما متأسفانه در حال حاضر ارزش آنها بسیار ناچیز است.

هزینه حمل و نقل در بخش تجارت بین الملل از جمله هزینه های بسیار تأثیرگذار بر رقابتی شدن محصول در سطح بین المللی است (ایران پرور و گلریز ۱۳۹۳) بازار روسیه یکی از بزرگترین بازارهای نزدیک به ایران بوده و به دلیل وجود دریای خزر و امکان انتقال کالا از

طریق دریا هزینه حمل و نقل پائین می باشد.

در صورت رفع موانع و مشکلات موجود در مسیر تجارت ایران و روسیه می توان انتظار افزایش شدید صادرات ایران به روسیه و از این طریق علاوه بر ارزآوری از طریق صادرات غیر نفتی با توسعه بخش تولیدی ایران با هدف صادرات به کاهش رکود بدون افزایش تورم دستیابی پیدا نمود.

بررسی کمی و کیفی صادرات ایران به روسیه از طریق مدل سازی و بررسی بعضی عوامل ساختاری مانند شناخت بازار و اعتماد صادرکنندگان و وارد کنندگان و ... می تواند منتج به راهکارهای عملی در مسیر توسعه صادرات ایران به روسیه گردد .

به منظور بررسی مزیت نسبی و بین صنعتی یا درون صنعتی بودن تجارت بین ایران و روسیه از ابزار اقتصاد سنجی استفاده خواهد شد. همواره تجارت از قانون مزیت نسبی تبعیت نمی کند و لازم است در تحقیقات تجربی این موضوع بررسی و اثبات گردد. همچنین بین صنعتی بودن تاثیر صادرات کالاهای ایران به روسیه موضوع حائز اهمیتی است که نمی توان به آسانی مشاهده نمود و لازم است از طریق یک مدل سازی مناسب به این موضوع پرداخته شود. تاثیر عوامل کیفی نیز که به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم بندی شده است با استفاده از یک پرسشنامه مناسب و مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل خواهد شد. نگاهی به حجم صادرات ایران به روسیه و مقایسه ی آن با کشور ترکیه می تواند اثباتی بر وجود مسئله فوق باشد.

جدول (۱-۱) مهمترین اقلام صادراتی ایران به روسیه در سال ۲۰۱۴

نام کالا	ارزش (میلیون دلار)
پسته	۷۰
سیمان	۳۴
خیارشور	۳۲
کشمش	۳۸
سبزیجات	۱۷
مکمل های دارویی	۱۲
انگورتازه	۱۰
میوه تازه	۱۰
رب گوجه فرنگی	۶

در مقابل در همین سال واردات روسیه از ترکیه به شرح جدول زیر است:
جدول (۱-۲) مهمترین اقلام صادراتی ترکیه به روسیه در سال ۲۰۱۴

میلیون دلار	محصول
۹۷۹	وسایل نقلیه
۹۱۰	میوه و آجیل
۷۹۶	ماشین آلات صنعتی
۵۷۲	سبزیجات خام
۳۸۶	وسایل الکترونیکی
۳۴۴	مواد پلاستیکی
۲۹۸	پوشاک بافتنی
۲۵۱	سایر پوشاک
۲۳۱	پارچه
۱۹۷	آهن و فولاد

منبع: گزارش اتاق بازرگانی ایران

همان طور که در دوجداول فوق قابل مشاهده است سهم صادرات ایران به روسیه بسیار کمتر از ترکیه بوده و نمی توان پذیرفت که کشور ترکیه از نظر درجه ی توسعه یافتگی چنین فاصله ای را با ایران داشته باشد. لذا مشکل باید در جای دیگری باشد و نیاز است با انجام تحقیقات و مدل سازی شناخت کافی از چالش های پیش روی صادرات به روسیه بدست آمده و حل گردد.

با نگاهی دقیق تر به جداول فوق می توان حدس زد که صادرات ایران به روسیه از قانون مزیت نسبی تبعیت می کند البته نمی توان این موضوع را با قاطعیت بیان کرد و ضروری است این مسئله با استفاده از مدل های مناسب مورد بررسی قرار گیرد.

۱. فرضیه های تحقیق

در تحقیق حاضر هشت فرضیه به شرح ذیل مورد آزمون قرار گرفته است:

- (۱) تجارت بین ایران و روسیه بر اساس قانون مزیت نسبی صورت گرفته است.
- (۲) تجارت بین ایران و روسیه بین صنعتی است .
- (۳) اعتماد واردکنندگان روسی به توانایی صادراتی ایران تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
- (۴) شناخت کافی وارد کنندگان روسی از شرکت های اصلی صادر کننده ایرانی تاثیر مثبت و

- معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
- ۵) آشنایی به رویه های حاکم بر دستگاه های نظارتی روسی (گمرگ، استاندارد و) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد .
- ۶) توجه به سایر مناطق روسیه (به جزء مسکو) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
- ۷) اعتماد صادر کنندگان ایرانی به بخش خصوصی واردکننده روسی تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
- ۸) وجود بستر قابل اعتماد بانکی برای نقل و انتقالات ارزی (LC) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

۲. مروری بر نظریات تجارت بین الملل

در این بخش نظریات تجارت بین الملل بر اساس کلاسیک و نوین مورد بررسی قرار می گیرد. سعی شده است نحوه ی ارتباط بین نظریات با توجه به هدف تحقیق حاضر تنظیم شود.

۲-۱. نظریه مرکانتلیسم

واژه مرکانتلیسم توسط آدام اسمیت (پدر علم اقتصاد) مورد استفاده قرار گرفت . وی در کتاب ثروت ملل خود از این واژه استفاده کرده است. اساس این نظریه بر این عقیده استوار است که کشورها می باید از صادرات حمایت کرده و واردات را محدود نمایند.

۲-۲. نظریه مزیت مطلق

این نظریه توسط آدام اسمیت (۱۷۷۶) ارایه شده است. براساس نظریه مزیت مطلق هر کشور می بایست در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آن کارایی بیشتری دارد. آدام اسمیت اعتقاد داشت که بر اساس نظریه مرکانتی لیسم کشورها قادر به منفعت همزمان از تجارت نخواهند بود. همچنین بر اساس نظر آدام اسمیت ثروت یک کشور طای انباشته شده در کشور نیست بلکه مجموعه ی کالاها و خدماتی است که در اختیار شهروندان قرار میگیرد.

۲-۳. نظریه مزیت نسبی

آنچه به عنوان سوال مهم پس از ارایه نظریه مزیت مطلق توسط آدام اسمیت از نگاه منتقدان مطرح شد این بود که اگر یک کشور در تولید همه ی کالاها مزیت مطلق داشته باشد یا کشوری در تولید هیچ کالایی مزیت مطلق نداشته باشد شرایط چگونه خواهد بود ؟ پاسخ این سوالات توسط دیوید ریکاردو (۱۸۱۷) ارایه شد. براساس نظریه ریکاردو :

«یک کشور مانند یک شخص از صادرات کالاها و خدماتی که در آن بالاترین مزیت نسبی را دارد و وارد کردن کالاها و خدماتی که در آن پایین ترین مزیت نسبی را دارد منفعت خواهد برد».

۴-۲. نظریه مزیت نسبی هکشر - اوهلین

بر اساس مدل مزیت نسبی هکشر و اوهلین تجارت بین الملل جبران کننده توزیع نامتوازن منابع بهره ور در سطح جغرافیایی است. (کاروت و اوسوالد ۱۹۸۲). این که کشوری از نفت غنی باشد و در نتیجه صادر کننده نفت شود کاملاً واضح است اما نظریه هکشر - اوهلین به جای تمرکز روی کالا به عنوان تولید تمرکز دارد.

۵-۲. نظریه کراویس

در مدل کراویس (Kraavis) (۱۹۵۶) آن چه موجب تجارت بین کشورها است سطح دسترسی به کالاهاست. بر اساس این نظریه هر کشور تولید کننده و صادر کننده، کالایی است که توسط کار فرمایان و نوآوران داخلی تولید شده باشد. در واقع در دسترس بودن به معنی برخورداری از یک تابع عرضه با کشش است. بنابراین تفاوت در سطح درآمد دسترسی بین کشورهای مختلف مبنای تجارت خواهد بود.

۶-۲. نظریه لیندر

لیندر (Linder) (۱۹۶۱) در نظریه تجارت بین الملل خود به عوامل طرف تقاضا اهمیت می دهد. در واقع در این نظریه عواملی چون، تشابه در سطح درآمد بین ملل و ویژگی های توزیع درآمد در الگوی تجارت موثر است.

۷-۲. نظریه پوسنر (Posner)

پوسنر (۱۹۶۱) تاثیر تکنولوژی را بر تجارت مورد بررسی قرار می دهد بر اساس نظر وی تغییرات پیوسته تکنولوژی بر الگوی تجارت بین الملل تاثیر خواهد گذاشت. پوسنر معتقد است که کشورهای طرف تجاری از نظر مواهب اولیه و توابع تولید هم ارز هستند اما سطح تکنولوژی در آنها متفاوت است.

۸-۲. نظریه ورنون (Vernon)

نظریه ورنون (۱۹۶۶) در واقع حالت توسعه یافته نظریه پوسنر است. براساس این نظریه توسعه محصول جدید در دوره های مختلف صورت خواهد پذیرفت و در هر مرحله مزیت نسبی کشور تغییر خواهد کرد.

۹-۲. نظریه کروگمن (Krugman)

کروگمن (۱۹۷۹) به نقش صرفه جویی ناشی از مقیاس در تجارت تاکید می کند. بر اساس نظریه کروگمن دو بنگاه متفاوت ممکن است کالاهای یکسان با کمی تفاوت را با یکدیگر تجارت کنند. شرایط استفاده از ناهمگنی در کالاهای و صرفه جویی ناشی از مقیاس در واقع وضعیت بازار را به رقابت ناقص تبدیل کرده و نتیجه این تجارت موجب افزایش رفاه خانوارها خواهد شد زیرا وجود کالاهای متمایز تنوع انتخاب مصرف کنندگان را افزایش خواهد داد.

۱۰-۲. نظریه براندر - کروگمن (Brander- Krugman)

این نظریه که در سال ۱۹۸۳ توسط براندر و کروگمن ارائه شده کمی با نظریه قبل متفاوت است. در واقع اصول اولیه یکسان است اما تفاوت در دلیل تجارت بنگاه‌ها بین دو کشور است. بر اساس این مدل دو بنگاه از دو کشور ممکن است تصمیم به دامپینگ محصول خود در کشور مقابل بگیرند. دامپینگ به این معنا است که هر کشور در کشور دیگر محصول خود را ارزانتر از داخل به فروش برساند. این وضعیت نوعی انحصار چند جانبه به حساب می‌آید. این مدل ابتدا توسط براندر (۱۹۸۱) عنوان شد و سپس توسط براندر و کروگمن (۱۹۸۳) توسعه داده شد.

۳. پیشینه تحقیق

بالدوین (Baldwin 1996) بر اساس مدل سولونشان داد که تجارت می‌تواند با ایجاد پیشرفت تکنولوژی به صورت برونزا موجب افزایش نسبت سرمایه به کار (سرمایه سرانه) شده واز این طریق بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت ایجاد کند. بر این اساس تجارت قادر خواهد بود رشد پایداری به وجود آورد زیرا پیشرفت تکنولوژی قادر است یک رشد پیوسته و پایدار را تضمین نماید. بالدوین نشان می‌دهد بنگاه‌های تولیدی که کالاهای صادراتی دارند از تکنولوژی سرمایه بر بیشتری استفاده می‌کنند و به همین دلیل پیشرفت تکنولوژی سریعتر صورت خواهد پذیرفت. راولت و همکاران (۲۰۰۷) در تحقیقی که در مورد تجارت بین کشورهای اروپای غربی و OECD انجام دادند با استفاده از مدل جاذبه به این نتیجه رسیدند که تجارت بین این کشورها بر اساس نظریه مزیت رقابتی هکشل - اوهلین صورت گرفته این تجارت درون صنعتی بوده در حالی که انتظار بر آن بود که بین صنعتی باشد!

در این تحقیق با تخمین پارامترهای مدل جاذبه ضرایب مربوط به درآمد ملی سرانه مثبت بدست آمده که نشان دهنده این است که تجارت بین دو منطقه بر اساس قانون مزیت نسبی هکشر - اوهلین (H-O) صورت پذیرفته است. ضریب مربوط به شکاف تولید ناخالص ملی سرانه بین دو منطقه ۰.۳۳۴ شد و به این نتیجه رسیده اند که تجارت بین این دو منطقه درون صنعتی می‌باشد نه بین صنعتی.

کروگمن و ابست فلد (krugman and obstfeld 2000) بر اساس یک مدل تعادل عمومی و در شرایط بازار رقابت ناقص و وجود صرفه جویی ناشی از مقیاس نشان می‌دهند که تجارت برای کشورها سودمند است در این مدل که به تئوری جدید تجارت (New theory of trade) معروف است اثبات می‌کنند که حتی در شرایط بازار رقابت ناقص و بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس باز هم تجارت سودمند خواهد بود.

حقیقی، فیروزیان و نجفی مجد (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان "شناسایی عوامل تعیین کننده عملکرد صادراتی در صنعت مواد غذایی" نشان دادند که اندازه شرکت، تجربه صادراتی، محرک

های صادراتی، مشکلات صادراتی، مزیت‌های رقابتی، تعهد صادراتی، کانال‌های صادرات مستقیم و هزینه‌های تبلیغات خارجی بر عملکرد صادراتی تأثیر دارند.

سوری و تشکینی (۱۳۸۸) در تحقیقی تحت عنوان ((عوامل مؤثر بر تجارت متقابل ایران با بلوک‌های منطقه ای)) با استفاده از مدل جاذبه نشان دادند که اندازه اقتصادی، درآمد سرانه و ساخت از مهمترین متغیرهای توضیح دهنده تجارت متقابل ایران و کشورهای هدف تجاری می‌باشند. همچنین در این پژوهش نشان داده شده است که بین تجارت و تفاوت درآمد دو کشور نیز رابطه مثبت وجود دارد.

کوچک زاده و همکاران (۱۳۹۲) و جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۹۱) و سلمانی و رضازاده (۱۳۹۰) در خصوص تأثیر نااطمینانی نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی ایران تحقیق نموده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که عدم اطمینان نرخ ارز (نوسانات غیر متعارف نرخ ارز) موجب خروج صادرکنندگان از بخش‌های صادراتی و کاهش صادرات غیر نفتی می‌شوند.

هراتی و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از یک مدل جاذبه به بررسی عوامل مؤثر بر صادرات ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که صادرات ایران تا حدود زیادی با توجه به عوامل الگوی جاذبه قابل توجیه است.

۴. مدل شبه جاذبه برای آزمون فرضیه‌های یک و دو

بررسی ادبیات موضوع در خصوص مدل جاذبه نشان می‌دهد که اولین بار تین برگر (۱۹۶۲) از این مدل استفاده کرده و پس از آن محققان زیادی از مدل جاذبه استفاده نموده‌اند.

برای تخمین پارامترهای مدل ابتدا لازم است آن را به صورت خطی تبدیل کنیم برای این منظور می‌بایست از معادله لگاریتم بگیریم که خواهیم داشت

$$\text{Log Trade} = \beta_0 + \beta_1 \log \text{GDP}_{It} + \beta_2 \log \text{GDP}_{Rt} + \beta_3 \log \text{IGDP}_{It} - \text{GDP}_{RtI} + \beta_4 \log(\text{er})_t + e_t$$

که در آن GDP_I و GDP_R تولید ناخالص داخلی ایران و روسیه بوده و er نیز نرخ ارز (قیمت یک واحد روبل به ریال) بوده و trade نیز حجم تجارت بین ایران و روسیه است. انتظار بر آن است که در صورت وجود مزیت نسبی ضریب شکاف GDP ‌ها مثبت شده و در صورت بین‌صنعتی بودن تجارت این ضریب بزرگتر از واحد شود.

نتایج برازش مدل فوق با استفاده از OLS به شرح زیر است
جدول شماره (۱-۵) تخمین پارامترهای مدل شبه جاذبه

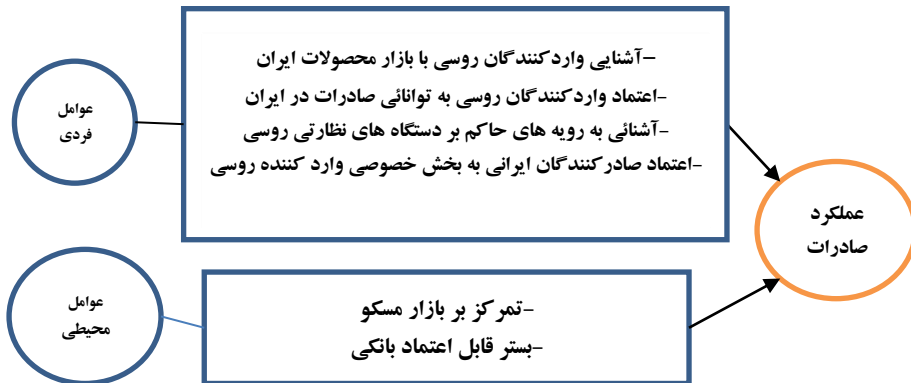
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سایر آماره ها
β_0	7/9699	1/700357	۴/۶۸۷	F آماره 12/12945
B1	2/08326	0/688022	۳/۰۲۷۹	DW آماره ۱۱/۵۵
B2	-4/40652	2/033881	۲/۱۶۷-	R ² آماره ۰/۷۳
B3	2/80379	1/388913	۲/۰۱۹	R̄ ² آماره ۰/۶۷
B4	-0/13833	0/168050	۰/۸۳۳-	

منبع : یافته های تحقیق

به منظور بررسی خوبی برازش آزمون های فروض کلاسیک شامل نرمال بودن جزء اخلاص، عدم خود هم بستگی، عدم وجود نا همسانی واریانس و هم خطی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه های دو تا هشت

به منظور پاسخ گوئی به سایر پرسش ها و آزمون فرضیه ها از تکنیک تحلیل عاملی و معادلات ساختاری استفاده خواهد شد و پرسش نامه محقق ساخت که برای این منظور تهیه خواهد شد مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. مدل تحلیلی این پرسش نامه به شکل زیر است.



همانطور که مشاهده می شود در مدل فوق متغیر وابسته عملکرد صادرات بوده و متغیر های مستقل اجزاء عوامل فردی و محیطی می باشند .

همانطور که قبلاً توضیح داده شد پرسشنامه محقق ساختی برای تحقیق حاضر آماده شده و توسط ۳۹ نفر از مدیران ارشد بنگاه های صادر کننده کالا به روسیه تکمیل شده است. البته سوالات مربوط به بخش عملکرد صادراتی بر اساس تحقیق زو و همکاران (۱۹۸۶) می باشد.

روش تجزیه و تحلیل پرسشنامه، معادلات ساختاری می باشد و از نرم افزار smart Pls به دلیل محدودیت حجم نمونه بهره گرفته شده است. در این بخش ابتدا تلاش شده تا پایایی و روایی پرسشنامه با استفاده از آماره های استخراج شده از نرم افزار نشان داده شود و سپس با مشخص کردن سطح معنی داری ضرایب مسیر نتایج حاصل تفسیر شده است.

جدول (۱-۶) بررسی فرضیه های تحقیق

نتیجه آزمون	آماره t	ضریب مسیر	فرضیه ها
عدم رد فرضیه	۲۸۰۴	۲۸۰۴	تجارت بین ایران و روسیه بر اساس قانون مزیت نسبی صورت گرفته است.
عدم رد فرضیه	۲۸۰۴	۲۸۰۴	تجارت بین ایران و روسیه بین صنعتی است .
عدم رد فرضیه	۲۰۶۹	۰.۱۲۹	اعتماد واردکنندگان روسی به توانایی صادراتی ایران تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
عدم رد فرضیه	۲۲۸۰	۰.۱۱۵	آشنایی واردکنندگان روسی با بازار محصولات ایران تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد
عدم رد فرضیه	۱۹۸۶	۰.۱۹۴	آشنایی به رویه های حاکم بر دستگاه های نظارتی روسی (گمرگ، استاندارد و) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد
عدم رد فرضیه	۲۴۵۰	۰.۲۰۲	توجه به سایر مناطق روسیه(به جزء مسکو) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
عدم رد فرضیه	۳۳۲۹	۰.۲۶۹	اعتماد صادر کنندگان ایرانی به بخش خصوصی واردکننده روسی تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.
عدم رد فرضیه	۳۱۴۴	۰.۲۱۲	وجود بستر قابل اعتماد بانکی برای نقل و انتقالات ارزی(LC) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

منبع: یافته های تحقیق

۶. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها

فرضیه ۱: تجارت بین ایران و روسیه بر اساس قانون مزیت نسبی صورت گرفته است. افزایش شکاف تولید ناخالص داخلی می تواند به معنی افزایش شکاف تکنولوژی باشد که خود بیانگر این واقعیت است که هر کشور بر نوع خاصی از تکنولوژی و عوامل تولید تکیه خواهد کرد و با استفاده از عوامل تولید فراوان خود به تولید کالاهای تجاری خواهد پرداخت . بنابراین نتیجه حاصل نشان دهنده ی تایید نظریه مزیت نسبی هکشر - اوهلین در تجارت بین ایران و روسیه است.

فرضیه ۲: تجارت بین ایران و روسیه بین صنعتی است.

شدت تکیه بر مزیت نسبی هکشر - اوهلین در تجارت بین ایران و روسیه بسیار بالاست و هنوز نتوانسته ایم وارد شرایط نوین تجارت گردیم(حتی از مرحله ی درون صنعتی عمودی نیز

فاصله ی زیادی داریم) تاریخ اقتصادی کشورهای توسعه یافته نشان می دهد. این کشورها به جای تکیه صرف بر مزیت های نسبی خود به مرور با اعمال انواع حمایت های هدفمند، مشروط و مدت دار از تولیدات داخلی به خلق مزیت روی آورده اند و به این ترتیب تردیدی در مورد توسعه نظام صنعتی به خود راه نداده اند.

فرضیه ۳. اعتماد واردکنندگان روسی به توانایی صادراتی ایران تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

بر اساس نتایج مستخرج ضریب مسیر متغیر اعتماد واردکنندگان روسی به توانایی صادراتی ایران معادل ۰.۱۲۹ بدست آمد این بدان معنی است که به ازای هر یک درصد بهبود در اعتماد سازی حدود ۰.۱۳ درصد بهبود در عملکرد صادراتی ایران ایجاد خواهد شد

فرضیه ۴. شناخت کافی وارد کنندگان روسی از شرکت های اصلی صادر کننده ایرانی تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

ضریب مسیر ۰.۱۵۵ بدست آمده بیانگر این واقعیت است که تلاش برای شناساندن بیشتر بازار محصولات ایرانی به واردکنندگان روسی می تواند موجب بهبود عملکرد صادراتی ایران گردد.

فرضیه ۵. آشنایی به رویه های حاکم بر دستگاه های نظارتی روسی (گمرک، استاندارد و) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد .

در بررسی اولیه ای که در فصل دوم تحقیق انجام شد مشاهده گردید که رویه های حاکم بر دستگاه های نظارتی روسی (گمرک، استاندارد و ...) بسیار پیچیده است، عدم آشنایی صادرکنندگان ایرانی با این رویه ها می تواند بر عملکرد صادراتی ایران تاثیر منفی داشته باشد. بر اساس نتایج فصل چهارم هر یک درصد آشنایی بیشتر صادرکنندگان ایرانی با رویه های حاکم بر دستگاه های نظارتی روسی می تواند ۰.۱۹ درصد بهبود عملکرد صادراتی ایران ایجاد کند.

فرضیه ۶. توجه به سایر مناطق روسیه (به جزء مسکو) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

همان طور که در فصل سوم تحقیق حاضر توضیح داده شد برای تهیه پرسشنامه مناسب چندین مصاحبه ی طولانی با صاحب نظران و تاجران بزرگ داشتیم. تمرکز صادرکنندگان در بازار مسکو به دلایل ساختاری و فرهنگی عامل مهم در پایین بودن توان رقابتی ایران با سایر کشورهای صادر کننده به روسیه به نظر می رسد این واقعیت در یافته های فصل چهارم کاملاً قابل مشاهده است. بر اساس نمودار (۲-۴) توجه به سایر مناطق روسیه (به جز مسکو) تاثیر مثبت قابل توجهی بر حجم صادرات ایران به روسیه خواهد داشت.

فرضیه ۷. اعتماد صادر کنندگان ایرانی به بخش خصوصی واردکننده روسی تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق هر یک درصد تلاش در جهت تقویت رویه‌های صادراتی به منظور افزایش سطح اعتماد صادرکننده ایرانی به بخش خصوصی وارد کننده روسی قادر است حدود ۰.۲۷ درصد بهبود در عملکرد صادراتی ایران به روسیه ایجاد نماید

فرضیه ۸. وجود بستر قابل اعتماد بانکی برای نقل و انتقالات ارزی (LC) تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم صادرات ایران به روسیه دارد.

بر اساس یافته‌های تحقیق عامل وجود بستر قابل اعتماد بانکی از بین عوامل مورد بررسی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد. براساس یافته‌ها یک درصد تلاش در جهت ایجاد بستر قابل اعتماد بانکی برای نقل و انتقالات ارزی قادر است ۰.۲۱ درصد بهبود در عملکرد صادراتی ایران به وجود آورد.

۷. پیشنهادات سیاستی

با توجه به نتایج تحقیق و پارامترهای استخراج شده در تحقیق حاضر پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به پذیرش فرضیه «مزیت نسبی هکشر - اوهلین» در تجارت بین ایران و روسیه پیشنهاد می‌گردد دولت و بخش خصوصی بر روی عوامل تولید فراوان در ایران و کمیاب در روسیه تمرکز کرده و سرمایه‌گذاران را به این سمت سوق دهند.

۲. با توجه به پذیرش «فرضیه بین صنعتی بودن» به منظور خروج از این وضعیت پیشنهاد می‌گردد در صدور کالاهای صادراتی بازنگری صورت گیرد و صنایع تبدیلی در ایران کالاهای با شکلی که در روسیه مصرف می‌شود تبدیل و سپس صادر شود حمایت دولت از صادرکنندگان ایرانی می‌تواند به این بنگاه‌ها جرات نفوذ در بازار روسیه را داده و با بزرگ شدن بازار مصرفی و شرایط تقاضا برای این بنگاه‌ها با کمی تفاوت در تولید کالا می‌توانند محصولات مشابه محصولات روسی را به روسیه صادر کنند. وارد شدن به مرحله درون صنعتی عمودی می‌تواند گام مهمی در حرکت به سمت توسعه یافتگی برای ایران باشد. برای این منظور لازم است در فرهنگ مصرفی بازار روسیه بررسی بیشتر صورت پذیرد تا مراحلی که بر روی کالاهای صادراتی ایران در روسیه انجام می‌شود در خود ایران انجام شده و ارزش افزوده‌ی آن به سایر صنایع تعلق گیرد.

۳. با توجه به تایید فرضیه «اعتماد واردکنندگان روسی به توانایی صادراتی ایران» تلاش گردد تا از طریق روابط بین اتاق‌های بازرگانی طرفین و برگزاری نشست‌های منظم جلب اعتماد لازم صورت پذیرد. البته برگزاری دوره‌های آموزشی برای تجار ایرانی در جهت انجام مذاکرات صحیح می‌تواند به جلب اعتماد بیشتر وارد کنندگان روسی کمک شایانی نماید. در حال حاضر این دوره‌ها به صورت جدی در اتاق‌های بازرگانی انجام نمی‌شود.

۴. با توجه به تایید فرضیه «آشنایی واردکنندگان روسی با بازار محصولات ایران» پیشنهاد می‌گردد با کمک دولت و اتاق‌های بازرگانی نمایشگاه‌های تخصصی در خصوص این کالاها در ایران و روسیه تشکیل شده و شرکت تجار ایرانی در نمایشگاه‌های بین‌المللی توسط دولت تسهیل گردد.

۵. با توجه به تایید فرضیه توجه به سایر مناطق روسیه (به جزء مسکو) پیشنهاد می‌گردد از طریق اتاق‌های بازرگانی سایر مناطق روسیه ارتباطات بیشتری صورت پذیرد و اطلاعات کامل‌تری از این بازارها در اختیار صادرکنندگان ایرانی قرار گیرد. برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی در این مناطق (به جای برگزاری این نمایشگاه‌ها در مسکو) می‌تواند شناخت تجار ایرانی و روسی را از یکدیگر بیشتر نماید البته ضروری است دولت در این زمینه تسهیلات لازم را برای برگزاری نمایشگاه فراهم نماید. مخصوصاً به صادرکنندگان کوچک که توان رقابت در شهر بزرگی همچون مسکو را ندارند و نمی‌توانند به طور پیوسته محصولات جدید وارد بازار کنند پیشنهاد می‌گردد محدوده‌های جغرافیایی کوچک را برای عرضه انتخاب نمایند.

۶. با توجه به پذیرش فرضیه «آشنایی صادرکنندگان ایرانی با رویه‌های گمرکی و ... روسیه» پیشنهاد می‌گردد در هنگام صدور کارت بازرگانی دوره‌ی آشنایی با رویه‌های گمرکی کشورهای هدف برای عضو جدید اجباری باشد و آموزش حرفه‌ای لازم در این زمینه توسط اتاق‌های بازرگانی به اعضاء ارایه شود. با توجه به این که معمولاً در این رویه‌ها تغییراتی ایجاد شود بهتر است در زمان‌های مشخصی این دوره‌ها برای بازرگانان تکرار شود.

۷. با توجه به پذیرش فرضیه «اعتماد صادرکنندگان ایرانی به بخش خصوصی واردکننده روسی» پیشنهاد می‌گردد صادرکنندگان ایرانی کالاهای خود را به افراد و شرکت‌های ناشناخته بدون دریافت تضمین نفروشدند و در صورت تمایل همکاری با تجار ایرانی مقیم روسیه نیز ضمن تحقیق درباره خوشنامی آن‌ها، تضمین و وثیقه لازم را در ایران در برابر ارسال کالا دریافت نمایند.

۸. با توجه به پذیرش فرضیه «وجود بستر قابل اعتماد بانکی برای نقل و انتقالات ارزی» پیشنهاد می‌گردد دولت با همکاری بانک‌ها از فضای پس‌ابرجام حداکثر استفاده در این جهت را به عمل آورد. آموزش تجار و بازرگانان در خصوص انواع راهکارهای نقل و انتقال ارز و میزان ریسک هر یک از آن‌ها می‌تواند موجب کاهش تاثیر منفی وجود چنین بستری گردد.

فهرست منابع

۱. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۳۹۴) "صادرات ایران به روسیه، چالش‌ها و راهکارها" گزارش کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران
۲. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران (۱۳۹۴) "بررسی بازار روسیه و چالش‌های صادرات با تأکید بر محصولات کشاورزی و صنایع غذایی"
۳. اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (۱۳۹۶) ((بررسی مسایل روز اقتصاد ایران)) معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی ایران
۴. -حقیقی، محمد، فیروزیان، محمود، نجفی مجد، صمد (۱۳۸۷). شناسایی عوامل تعیین کننده عملکرد صادراتی در صنعت مواد غذایی. مدیریت بازرگانی، ۱(۱): ۳-۲۰.
۵. جعفری صمیمی، احمد، حیدرزاده، ناهید و مددی، حمید (۱۳۹۱) ((نااطمینانی نرخ ارز و صادرات غیر نفتی: مطالعه موردی ایران. مجله تحقیقاتی آسیای میانه، شماره ۱۱))
۶. سوری - امیررضا تشکینی، احمد (۱۳۸۸) ((عوامل مؤثر بر تجارت متقابل ایران با بلوک‌های منطقه ای)) فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال سوم، شماره ۳ (۱۵۸-۱۳۵)
۷. شورورزی م.ر، مرادی م.، قمیان م.م. ۱۳۹۰. کارت ارزیابی متوازن و اندازه‌گیری عملکرد سازمان‌های بخش عمومی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، شماره ۱، صص ۱۰۱-۱۲۲.
۸. کوچک زاده [اسمت، جلالی اسفندآبادی، سید عبدالمجید، (۱۳۹۲) "تأثیر نااطمینانی نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی" تحقیقات اقتصادی کشاورزی - دوره ۵ شماره ۱۹.
۹. هراتی، جواد؛ بهراد امین مهدی؛ کهرازه، ساناز؛ (۱۳۹۴) بررسی عوامل مؤثر بر صادرات ایران (الگوی جاذبه) مجله پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی شمار ۲۱.
10. Errol E . Joseph – Brue E . Winston(2005) “A Corre latin of servant leadeship , leader trust , and organizational trusr” leadership &organization Development Journal , Vol 26 Issu1
11. G.Gudgin,Ken couts , N.Gibson , J Buchanan(2017). The Role of Grarity Models in Estimating The Ecinomic Impact of BREXIT.Centre for Business reseaxh unirersity of Cambridge , working paper No490
12. Krugman Paul R.(1979) “Increasing Return , monopolistic Competition and International Trade” Journal of International Economics ,vol.9 ,No.4
13. Krugman Paul R. & obstfeld Maurice (2000) “International Economics Theory – New Delhi , Addison – Wesly Longman
14. Linder S.B.(1961) – “An Essay on Trade & Transformation New York , Jhon wiley

15. Lages, L.F. Montgomery, D.B. (2004) "Export performance as an antecedent of export commitment and marketing strategy adaptation: Evidence from small and medium-sized exporters", *European Journal of Marketing*, Vol. 38 Iss: 9/10, pp.1186 - 1214
16. Leonidou, L. C. Katsikeas, C.S. Samiee, S. (2002) Marketing Strategy determinants of export performance: a meta-analysis, *Journal of Business Research*, Vol. 55, pp. 51-67.
17. Paul R. Krugman, Maurice Obstfeld (2003). *International Economics (Theory and policy) sixth edition*, ISBN:0-321-11639-9
18. Posner M.V. (1961). "International Trade & Technical change" *Oxford Economic papers*, vol 13. No3
19. Rault, Ch. Sova, R & Sova, M (2007). Modeling international trade flows between Eastern European countries and OECD countries. *IZA discussion paper No. 2851*, June 2007
20. Richard E. Baldwin, Seghezza (1996) "Trade – Induced investment – LED growth"
21. Vernon R. (1966) "International Investment & International Trade in the Product Cycle" *Quarterly Journal of Economics*, vol.80, No.2
22. Zou, S. Taylor, C. R. and Osland, G.E. (1986)
23. A cross – National Generalized Export performance Measure. *Journal of International Marketing* Vol.6, No.3.

پشتوانه اخلاقی در ضمانت اجرایی مصوبات دولت در ایران و آمریکا

محمدسعید انصاری^۱

علی آل بویه^۲

نادر مردانی^۳

چکیده

مجلس شورای اسلامی در مهم‌ترین وظیفه خود؛ یعنی قانونگذاری به مقتضای اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت عام دارد و می‌تواند در عموم مسائل، قانون وضع کند. با وجود این، مجلس در انجام این نقش، محدودیت‌هایی دارد که در اصول مختلف قانون اساسی مقرر شده است. از جمله در اصل ۷۲ آمده است: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی، مغایرت داشته باشد...» کلیه قوانین باید به تایید شورای نگهبان برسد مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان، اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان، و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاء شورای نگهبان» در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند. مجمع تشخیص مصلحت نظام تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کند در قانون آمریکا هر سه قوا مجریه، قضائیه و مقننه کاملاً مستقل از هم دیگر عمل می‌کنند رئیس‌جمهور رای اعتماد را از کنگره نمی‌گیرد اما برای وزرایش به کسب رای دو سوم از سناتورها نیاز دارد و بودجه کشور به تصویب نمایندگان کشور آمریکا برسد هدف این پژوهش ضمانت اجرایی مصوبات دولت در ایران و آمریکا می‌باشد.

واژگان کلیدی

قوه مقننه، مجلس، دولت، قانون اساسی، شورای نگهبان، مصوبات، آمریکا، رئیس‌جمهور.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته علوم انسانی، حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، واحد امارات متحده عربی.
Email: m.saeidansari@yahoo.com

۲. استادیار، رشته تخصصی فقه و اصول، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: dr.alebouyeh@yahoo.com

۳. دانشیار، رشته تخصصی حقوق عمومی و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران.
Email: drnadmardani@gmail.com

طرح مسأله

نیاز هر کشور به وجود قانون برای تنظیم زندگی اجتماعی افراد جامعه و بر عهده داشتن وظیفه قانون گذاری از سوی دستگاهی خاص امری ضروری و غیر قابل انکار است در عصر حاضر با کنار گذاشتن حکومت های استبدادی این وظیفه بر عهده نمایندگان مردم در پارلمان قرار گرفته است (حسینی، ۱۳۹۲: ۲). در جمهور اسلامی ایران امر خطیر قانون گذاری بر عهده مجلس شورای اسلام گذاشته شده است حسب قانون اساسی، صلاحیت مجلس در این امر عام است اما مقصود از صلاحیت عام به این معنا نیست که مجلس در وضع قانون هیچ محدودیتی ندارد بلکه براساس اصول قانون اساسی محدودیت هایی وجود دارد که غفلت از آن منشا بسیاری از چالش های حقوقی و اساسی می شود (حسینی، ۱۳۹۲: ۳). واژه مجلس در لغت به معنای گرد هم نشستن و محل تشکیل جلسات گروهی است. در دین مبین اسلام همواره به اهمیت شور و مشورت تأکید فراوانی شده است و خداوند به پیامبر(ص) که رهبر جامعه اسلامی بود، دستور می دهد تا در کارها با مردم مشورت کند (کوشک و آجر لو، ۱۳۸۷: ۵). قوانین اساسی کشورها را به گونه ای کلی و مبنایی اصل تفکیک قوا را پذیرفته اند (جلالیان، ۱۳۹۵: ۲).

نهاد مجلس در معنای امروزی آن نخستین بار در اندیشه سیاسی مغرب زمین تولد، رشد و تکامل یافت. در دوره حکومت قاجار و در سال های شکل گیری نهضت مشروطه، مفهوم مجلس مانند بسیاری از مفاهیم و اندیشه های مغرب زمین به سپهر اندیشه ای سیاسی و اجتماعی ایرانیان وارد شد. در این زمان بسیاری از روشن فکران، روحانیون و رجال سیاسی برای رفع مشکلات عدیده جامعه ایران و مقابله با خیره سری های نظام استبداد چنگ به دامن مشروطیت و مهم ترین نهاد آن مجلس زدند. در این میان روحانیون بر آن بودند تا با بهره گیری از نظام مشروطه و نظام پارلمانتاریسم اصول و احکام اسلام را در جامعه جاری سازند. به طور کلی بسیاری از هواداران مشروطیت بر آن بودند تا با برقراری نظام پارلمانتاریسمی قاطبه جامعه را به سوی رفاه و امنیت و ترقی سوق دهند. جایگاه و کارکرد مجلس در نظام مبتنی بر اسلام از جمله موضوعات بسیار مهمی است که در فلسفه سیاسی و حقوقی حکومت های دینی باید به آن پاسخ داد. در نظام های عرفی دنیا مجلس در امر قانون گذاری فعال مایشاء است، لکن در نظام مبتنی بر اسلام قوانین باید مبتنی بر اصول اسلامی باشد (کوشک و آجر لو، ۱۳۸۷: ۵). در کشورهایی که تفکیک قوا صورت پذیرفته است، پارلمان قوه قانون گذاری را تشکیل می دهد. پارلمان در بیشتر کشورها از دو مجلس تشکیل می شود. یکی مجلسی که اعضای آن مستقیماً توسط مردم انتخاب می شوند مانند مجلس شورای اسلامی ایران، مجلس عوام انگلستان، مجمع ملی فرانسه و مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا و دیگری مجلسی که اعضای آن با شرایط محدودتری و نه ضرورتاً رای مردم انتخاب می شوند. امتیازی که نمایندگان مجلس از آن برخوردار می شوند که براساس آن

نمی‌توان آنها را بدون اجازه مجلس به هر اتهامی بازداشت کرد (حسینی، ۱۳۹۲: ۹).

۱. مفاهیم

۱-۱. مصوبه

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران نهادی است که ریشه در ارا عمومی دارد و طبق قانون اساسی مدون سهم قابل توجهی از حاکمیت در نظام سیاسی کشور را اعمال می‌نماید قوه مقننه حق خدادادی مردم و مظهر اراده عام ملت است که در آن سر نوشت سیاسی و اجتماعی مردم رقم می‌خورد (کوزه گر، ۱۳۹۶: ۲۰).

۱-۲. دولت

دولت در علم سیاست، دستگاهی سیاسی اجباری با حکومتی متمرکز است که انحصار استفاده درست از اجبار و زور درون یک قلمرو جغرافیایی معین را حفظ می‌کند. در زبان عامیانه و رسانه‌ها دولت معمولاً به معنی قوه مجریه یا هیئت وزیران است که این کاربرد از واژه دولت تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد (وب سایت دولت).

۱-۳. شورای نگهبان

شورای نگهبان از جمله نهادهای نظارتی نظام جمهوری اسلامی ایران است، تمامی قوانین مجلس شورای اسلامی پیش از ابلاغ، به تأیید این شورا می‌رسد تا مغایر شرع و قانون اساسی نباشد. (کوزه گر امین، ۱۳۹۶: ۲۸).

۱-۴. مجلس

به مجموعه‌ای از افراد گفته می‌شود که در هر کشور به منظور وضع قوانین و نظارت بر اجرای آنها معمولاً با رای آزاد، مستقیم و مخفی مردم انتخاب می‌شوند. در ایران به پارلمان، مجلس گفته می‌شود (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

۲. اختیارات و صلاحیت های مجلس شورای اسلامی

تصمیمات قانونی مجلس: این گونه تصمیمات، بدون دخالت شورای نگهبان اعمال می‌گردد و برای تأیید آن نیاز به نهاد دیگری نمی‌باشد.^۱ این وضعیت به قرار زیر است:

الف) رسیدگی به صحت صدور اعتبار نامه نمایندگان

کاندیداهای مجلس شورای اسلامی بعد از تمام شدن انتخابات و دریافت اعتبارنامه از حوزه انتخابیه خود روانه مجلس می‌شوند، شایان ذکر است که برای بررسی صحت صدور اعتبارنامه،

۱. اصل نود سوم قانون اساسی « مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاء شورای نگهبان»

دو شیوه قضائی و سیاسی وجود دارد که کشور ما ایران، از شیوه سیاسی^۱ آن هم به صورت مضاعف^۲ آن استفاده می‌کنند.

ب) انتخاب شش عضو حقوقدان شورای نگهبان

این شش نفر از میان افرادی که از سوی رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی می‌شوند، توسط مجلس شورای اسلامی انتخاب می‌گردند^۳ مجلس شورای اسلامی غیر از موارد ذکر شده، تصمیمات قانونی دیگری نیز در رابطه با قوه مجریه دارد که اینگونه تصمیمات برای جلوگیری از خودسری‌ها و خودکامگی‌ها و قانون شکنی‌های این قوه به حقوق مردم، بکار گرفته می‌شود و از طریق مکانیسم خاصی اعمال می‌گردد. این مکانیسم، شامل سؤال و استیضاح از رئیس جمهور^۴ همچنین مسئولیت سیاسی وزراء در برابر مجلس به صورت رأی اعتماد^۵ و نیز حضور در مجلس^۶ و پاسخ به سؤال و استیضاح نمایندگان می‌باشد.

لازم به توضیح است که مجلس حق دارد با تصمیمات قانونی خود به تحقیق و تفحص در تمام امور کشور پرداخته،^۷ و در خصوص شکایات مردم از طرز کار سه قوه نیز به رسیدگی آن بپردازد^۸

۱. با توجه به این که کار رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان ماهیتاً یک کار قضائی می‌باشد، قرار دادن آن در دست یک نهاد سیاسی

برخلاف نصفت و عدالت قضایی است، زیرا این امر باعث می‌شود که هرگاه اکثریت مجلس در دست یک حزب یا گروه با نگرش سیاسی مخصوص به خود قرار گیرد، بی طرفی در رسیدگی را نقض نموده و از آن به عنوان ابزار انتقام جویانه ای بر علیه رقبای سیاسی استفاده کنند، که در این صورت مصیبت بار و خطرناک خواهد بود. چنان که در دوران استبداد بعد از انقلاب مشروطه، هرگاه بنا بر این بود که از وارد شدن نمایندگان مخالف به مجلس جلوگیری شود، از طریق را اعتبارنامه وی مانع ورود او به مجلس می‌شدند، ضمناً این عمل، مجلس نظارت قبلی شورای نگهبان را تحت الشعاع قرار داده و آن را بی اثر می‌سازد، زیرا کلیه کاندیداها قبل از شروع انتخابات می‌بایست از صافی شورای نگهبان عبور کرده تا صلاحیت آنها تایید گردد، لذا وجود نظارت مضاعف در این خصوص به نوعی بی اعتبار ساختن آراء مردم نیز تلقی می‌گردد.

۲. ن. ک. ب: اصل نود و نه قانون اساسی جمهوری اسلامی و مواد شش تا بیست و یکم آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

۳. بند دوم اصل نود و یکم قانون اساسی: (شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رای مجلس انتخاب می‌گردند).

۴. اصل هشتاد و هشت و هشتاد و نه قانون اساسی

۵. اصل هشتاد و هشت و یکصد و سی و سه همان قانون

۶. اصل هفتادم همان قانون

۷. اصل هفتاد و ششم همان قانون

۸. اصل نودم همان قانون

۳. نظارت مجلس

عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادها و موافقتنامه های بین المللی، اعلام حکومت نظامی، اخذ و اعطای وام و یا کمک های بلاعوض داخلی و خارجی، هرگونه تغییر در خطوط مرزی کشور، استخدام کارشناس خارجی، واگذاری بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشند (اصول ۷۷ لغایت ۸۳ ق.ا.ق.۱) (حسینی، ۱۳۹۶: ۴).

صلاحیت عام مجلس در امر قانونگذاری نظام حقوقی و سیاسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی است (قانون اساسی، اصل ۱) و به همین دلیل، امور کشور باید به اتکا آرا عمومی باشد (اصل ۶) (سادات حسینی، ۱۳۹۶: ۴)

۴. اصل رجحان قانون اساسی

اصل نود و سوم قانون اساسی مقرر می دارد:

« مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان، اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان، و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاء شورای نگهبان» این اصل نشان می دهد که قانون اساسی، برای حفظ موقعیت خود اعتبار ویژه و پر معنایی به شورای نگهبان داده، این شورا را با ترکیب مضاعف خود - فقها و حقوقدانان^۱، از چنان قدرتی برخوردار کرده است که موجودیت و اعتبار مجلس شورای اسلامی را متوقف به موجودیت پشتیبان و حافظ خود کرده است (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۳۰).

طبق اصل هفتاد و دوم: "مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع نماید که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است."

۵. عدم مغایرت مصوبات قوه مقننه با قانون اساسی

با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند. مجلس شورای اسلامی دارای صلاحیت عام قانونگذاری است. ایفای این وظیفه نوعی نظارت حقوقی نسبت به حوزه اجرایی و سایر امور کشور میباشد. (سادات حسینی، ۱۳۹۶: ۲) و با توجه به اصل ۷۲ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی

۱. طبق اصل نود و یکم قانون اساسی: "تعداد اعضاء شورای نگهبان دوازده نفر می باشد که شش نفر آن از فقهاء عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز که انتخاب این عده با مقام رهبری است، و شش نفر حقوقدان، در رشته های مختلف حقوقی از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه، به مجلس شورای اسلامی معرفی می شوند و با رأی مجلس انتخاب می گردند."

مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده برعهده شورای نگهبان است که تصوب مصوبات به دو صورت است الف. قوانین معمولی، که باید به تایید شورای نگهبان برسد و قوانین خاص سازمان دهنده، که به دلیل بنیادی بودن این گونه قوانین، جهت کلی آن در قانون اساسی مشخص گردیده است؛ اما تصویب جزئیات و فروعات آن بر عهده مجلس شورای اسلامی گذاشته شده است. صلاحیت مجلس در رابطه با تصویب این گونه قوانین (برخلاف قوانین دسته اول)، یک نوع صلاحیت تکلیفی است، زیرا این گونه قوانین به عنوان اصول حیاتی جامعه، مدنظر قانونگذار اساسی قرار گرفته است (فیاضی و حق شناس، ۱۳۹۶: ۲۰).

۶. مراحل تصویب مصوبات مجلس

بر خلاف برخی از کشورها که در صورت درخواست بعضی از مقامات یا شکایت بعضی افراد، مرجع صلاحیت‌دار (شورای قانون اساسی، دادگاه قانون اساسی یا محاکم دادگستری) وارد رسیدگی می‌شود و انطباق یا عدم انطباق قانون عادی را با قانون اساسی اعلام می‌دارد ولی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کلیه مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان ارسال شود و شورا آنها را بررسی و نظر خود را اعلام دارد و هیچ مصوبه‌ای بدون ارسال به شورای نگهبان و اعلام نظر شورا بر عدم مغایرت آن با قانون اساسی و موازین شرع عنوان «قانون» پیدا نمی‌کند. قانون اساسی در اصل ۹۴ لازم دانسته است که تمام مصوبات مجلس شورای اسلامی جهت بررسی به شورای نگهبان ارسال شود. این اصل می‌گوید: کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت، مصوبه قابل اجرا است. هم مصوبات قوه مقننه و هم دولت (مصباح نسب و موسی زاده، ۱۳۹۶: ۱۵).

پس یکی از وظایف شورای نگهبان تفسیر قانون اساسی است. تفسیر در لغت به معنای «پرده‌برداری و کشف مراد از لفظ مشکل است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۹۵). اظهار معنای معقول از یک کلام یا کلمه ... آمده است (اصفهانی، ۱۳۸۲: ۶۳۶) بنابراین، تفسیر، پرده برداشتن از غوامض و مشکلات یک لفظ یا یک جمله و برگرفتن نقاب از چهره آن است به تعبیر دیگر، «تعیین معنی درست و گستره قاعده حقوقی را تفسیر آن قاعده می‌گویند. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۰۸).

مجلس شورای اسلامی رای اعتماد یا عدم اعتماد نیز به وزرا می‌دهد که شورای نگهبان به این مرحله نظارتی ندارد و کاملاً مستقل است (مرتضایی، ۱۳۹۰: ۱۰).

۷. مهلت بررسی مصوبات در شورای نگهبان

همان طور که اشاره شد، مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان ارسال شود. شورای نگهبان در اظهارنظر، از محدودیت زمانی برخوردار است. اصل ۹۴ مقرر داشته است که شورای نگهبان در موارد عادی باید حداکثر ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول، آن را بررسی نماید و اگر مغایرتی با قانون اساسی یا احکام شرعی در آن مشاهده کرد، جهت تجدید نظر به مجلس گزارش کند. ممکن است به دلیل تراکم کار یا حجم بالای مصوبات مجلس، شورای نگهبان قادر نباشد ظرف ده روز مصوبه را بررسی کند و مهلت بیشتری لازم داشته باشد؛ در این صورت، می‌تواند حداکثر ده روز دیگر مهلت بخواهد که اصطلاحاً به آن «استمهال» گفته می‌شود. اصل ۹۵ قانون اساسی در این خصوص می‌گوید: «در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهارنظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل، خواستار تمدید وقت شود. بدین ترتیب، هرگاه شورای نگهبان پس از ده روز یا در صورت استمهال پس از بیست روز راجع به مصوبه‌ای اظهار نظر نکرده باشد، این مصوبه قابل اجرا تلقی خواهد شد» (سلیمی، ۱۳۹۳: ۷-۱۸).

مهلت اظهارنظر در موارد فوری: «اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار، می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه با طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع نمایند. اما وقتی طرح یا لایحه فوری در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.» شایان ذکر است که موضوع: «فوریت لایحه قبلا از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی به اطلاع شورای نگهبان می‌رسد.»^۱

۸. مسئولیت رئیس جمهور

رئیس جمهور طبق اصل یک صد و سیزده قانون اساسی مسئولیت اجرای قانون اساسی را عهده دار می‌باشد (انصار دزفولی، ۱۳۹۰: ۴۱).

۹. دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری نیز در اجرای اصل اخیرالذکر: «شکایات واصله در خصوص مخالفت تصویب نامه‌ها و یا آئین نامه‌های دولتی با مقررات اسلامی را به شورای نگهبان ارجاع می‌نماید تا در صورت تشخیص شورای نگهبان مبنی بر خلاف شرع بودن آنها، حکم ابطال آن را صادر نماید.»^۲

۱. ماده ۸۶ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

۲. قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴

۱۰. موارد حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس

در خصوص طرحها و لوایح فوری، شورا بلافاصله پس از رأی مجلس و یا حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، نظر خود را اعلام می‌دارد، و از این طریق، فوریت اجرای مصوبه مجلس تأمین می‌شود و از امکان بروز خسارات احتمالی جلوگیری می‌شود. در این گونه موارد، جلسه شورای نگهبان تا اعلام نظریه نهایی ادامه می‌یابد و اعضاء حق خروج از جلسه را ندارند. شورای نگهبان در رابطه با طرحها و لوایح مفصل می‌تواند با حضور خود در مجلس به صورت تدریجی، طرحها یا لوایح مطرح شده را مورد بررسی قرار داده تا پس از دریافت کل مصوبه بتواند در مهلت مقرر، نظر خود را در خصوص مغایرت یا عدم مغایرت با موازین شرعی و قانون اساسی اعلام نماید، و از این جهت با کمبود وقت روبرو نشود. حضور اعضاء شورا در مجلس موجب می‌شود که این شورا پس از استماع بحث‌ها و مذاکرات، با آگاهی و قوت بیشتری نسبت به مصوبات مجلس اظهار نظر کند. این که چه لایحه یا طرحی فوری می‌باشد در این خصوص، آئین نامه داخلی مجلس^(۱) آن را به «یک فوریتی»، «دو فوریتی» و «سه فوریتی» تقسیم کرده است. اما خود شورای نگهبان در نظریه تفسیری مورخ ۱۴ آبان ۶۸ خود اعلام داشت که: «مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نود و هفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه ای است که تاخیر در رسیدگی به آن ملتزم وقوع خسارات یا فوت فرصت باشد، و لوایح و طرح‌هایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست را شامل نمی‌شود.» بدین طریق از آنجا که در طرحها و لوایح «یک فوریتی» دلیل حادی برای فوریت ملاحظه نمی‌شود، شورای نگهبان مکلف به حضور در مجلس نمی‌باشد. (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۳۸).

۱۱. مهلت اظهار نظر در مورد مصوبات جلسات غیر علنی

جلسات مجلس شورای اسلامی را به دو قسمت جلسات «علنی» و «غیرعلنی» تقسیم کرده استدر شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد در جلسات غیر علنی مجلس موجب می‌شود که مصوباتی را نیز در پی داشته باشد که در این صورت حضور اعضای شورای نگهبان در جلسات غیر علنی مجلس الزامی می‌باشد، زیرا طبق اصل مذکور: «مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان باشد». بدیهی است با عدم حضور اعضاء این شورا مصوبه مجلس عنوان قانونی پیدا نخواهد کرد. در جلسات غیر علنی به جز نمایندگان مجلس، هیچ کس حق حضور نخواهند داشت، و اشاء مذاکرات آن ممنوع بوده بعضی از صاحب نظران معتقدند که چون قانون اساسی جلسات فوری را از جلسات غیر علنی جدا نساخته است، لذا شورای نگهبان

باید طبق ماده هشتاد و ششم آئین نامه داخلی مجلس: «نظر خود را حتی المقدور بلافاصله پس از رأی مجلس و در غیر این صورت حداکثر تا بیست و چهار ساعت ابراز نمایند.» لذا از این نظر، فرقی میان جلسات فوری یا جلسات غیر علنی نخواهد بود. (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۴۰).

در صورتی که شورای نگهبان در تایید مصوبه سکوت اختیار کند مجلس بعد از طی ۱۰ روز می تواند آن را اجرا کند اگر از دیدگاه شورای نگهبان آن غیر شرعی باشد با احاطه امر از سوی مقام رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام می توان مانع اجرای آن شد (حسینی، ۱۳۹۶: ۵).

۱۲. رسیدگی شورای نگهبان نسبت به تصویب قانون از طریق همه پرسی

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران که طبق اصل ششم^۱ قانون اساسی در آرای عمومی مردم ریشه دارد، به دو صورت زیر به مرحله اجراء گذاشته می شود:

تصویب غیر مستقیم: که به وسیله نمایندگان مردم در مجلس انجام می شود

تصویب مستقیم: براساس اصل پنجاه و نهم اساسی: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»^۲

۱۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام

به دلیل این که شورای نگهبان باید مصوبات مجلس را تایید کند مجلس راهی به جز اطاعت از نظرات شورا ندارد اما این امر به آسانی ممکن نیست به خاطر همین مجمع تشخیص مصلحت نظام تاسیس شد و براساس اصل یک صد و دوازدهم قانون اساسی برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند. «تصمیمات لازم را اتخاذ کند» (وکیلان، ۱۳۹۱: ۲۷۱-۲۹۹).

۱۳-۱. اعضای شورای مصلحت نظام که به انتخاب رهبر انتخاب می شوند

۱- فقهای شورای نگهبان (شش نفر)، ۲- رؤسای سه قوه (سه نفر)، ۳- وزیر مربوطه، ۴- رئیس کمیسیون مربوطه مجلس، ۵- صاحب نظران در مسائل فقهی و سیاسی به عنوان نمایندگان

۱. اصل ششم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظائر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.»

۲. مانند امضاء رئیس جمهوری و ابلاغ به مسئولان اجرایی و انتشار آن.

رهبری (نه نفر) مقام رهبری آنان را برای مدت سه سال منصوب می‌کند.^۱ ریاست این مجمع را رئیس جمهور بر عهده دارد^۲، و جلسات آن نیز حداقل ماهی یکبار، و با حضور یازده نفر تشکیل می‌شود. تصمیم‌گیری در خصوص مصوباتی که مورد اختلاف میان مجلس شورای اسلامی با شورای نگهبان باشد، رأی مثبت اکثریت مطلق حاضرین را لازم دارد، و مواردی که در اجرای بند هشت از اصل یکصد و دهم قانون اساسی، جهت حل معضلات نظام توسط رهبری به این مجمع ارجاع می‌گردد، با رأی مثبت اتخاذ تصمیم خواهد شد^۳ این مجمع، با دارا بودن اختیارات فوق العاده مذکور و همچنین اموری که از سوی مقام رهبری^۴ تحت عنوان، معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نمی‌باشد.^۵ به آن ارجاع می‌شود، به عنوان عالیترین مرجع تصمیم‌گیری در کشور محسوب شده، و مصوبات آن نیز به تأیید

۱. غیراز وزیر مربوطه و رئیس کمیسیون مربوطه مجلس، بقیه افراد از اعضاء ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشند.

۲. ماده ۳ آئین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۶۸/۸/۲ که در تاریخ ۱۳۶۸/۹/۲۱ به تأیید مقام رهبری رسیده است. ضمناً قبل از پایان دومین دوره ریاست جمهوری حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی مقام معظم رهبری ایشان را به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای مدت ۵ سال منصوب نمودند.

۳. ماده ۶ آئین نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام

۴. در اجرای بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی تاکنون موارد متعددی از سوی مقام رهبری تحت عنوان معضلات نظام به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع و مورد تصویب قرار گرفت که اهم آن به شرح ذیل می‌باشند:

الف- قانون نحوه وصول مطالبات بانکها (مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۵)

ب- قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی (مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۷)

ج- قانون حق کسب و پیشه یا تجارب (مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲۵)

د- قانون تخلفات، جرائم و مجازات اسناد سجلی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۱۰)

ه- قانون تشکیل محکمه انتظامی قضاات (مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳)

و- قانون حل معضل ماده ۱۲ قانون زمین شهری (مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

۵. بند ۸ الحاقی به اصل یکصد و ده قانون اساسی

مقام رهبری احتیاج ندارد، و به محض تصویب و انتشار لازم الاجرا می‌گردد.^۱

۱۳-۲. اختیارات مجمع تشخیص مصلحت در زمینه قانونگذاری

در مباحث پیشین، این نکته را مورد تأکید قرار دادیم که مصلحت‌اندیشی بر مبنای حاکمیت ملی از جمله وظایف مجلس شورای اسلامی است که با کارشناسی در موضوعات مختلف، آن چه را که مطابق مصلحت مردم تشخیص داده اند وضع و تصویب کنند. مصوبات آن نیز با توجه به حاکمیت شرع و سندیت قانون اساسی، نباید با این دو مغایرت داشته باشد. تضمین اجرای آن نیز بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است.^۲

۱۴. دولت آمریکا

نظام ایالات متحده سیستم قوا را به شکل مستقل قبول کرده است (الکساندر^۳، ۲۰۱۰: ۱۲۶-۱۲۷).

نمایندگان سیزده ایالت^۴ برای تدوین قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، در چهاردهم ماه مه ۱۷۸۷ میلادی در شهر فیلادلفیا گرد آمدند، و بحث و بررسی پیرامون طرح «قانون اساسی» را آغاز کردند.

این نمایندگان در آغاز جرج واشنگتن^۵ رهبر انقلابی و استقلال طلب را به ریاست کنوانسیون برگزیدند که صرفنظر از تعداد نمایندگان آنها^۶، هر ایالت دارای یک رأی مساوی بود. این کنوانسیون طی شانزده هفته بحث و تبادل نظر با مرزبندی بین اختیارات حکومت

۱. لازم به توضیح است که در فرمان مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ مقام رهبری تعداد این اعضا (اعم از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی) را به ۳۵ نفر افزایش داده است که طبق این فرمان جلسات مجمع در هنگام بحث در مصوبات مورد تعارض مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان فقط با حضور اعضای حقیقی بعلاوه رؤسای محترم سه قوه، و وزیر مربوطه یا رئیس دستگاهی که موضوع مورد بحث در مجمع مربوط به آن دستگاه است تشکیل و تصمیم گیری خواهد شد. ضمناً در آخرین تغییر تمامی اعضای این مجمع با توجه به مسئولیت‌ها، خبرویت، سابقه کار و جهات فکری و ذهنی آنان از سوی مقام رهبری برای مدت پنج سال منسوب گردیده اند و به عنوان مستشار عالی و کارآمد رهبری (نه دستگاه قانونگذاری) مأموریت یافتند در جایگاه این هیئت عالی رهبری را در وظایف مهم مشاورت در سیاست گذاری کلی نظام یاری، و نقش مشاور کارآمد و مورد اعتماد رهبری را ایفاء نمایند. ۲. اصل نود و یک قانون اساسی.

3 . Alecsander

۴. این ایالات عبارتند از ۱- ویرجینیا، ۲- نیوهمپشایر، ۳- ماساچوست، ۴- نیویورک، ۵- نیوجرسی، ۶- پنسیلوانیا، ۷- کانکتیکات، ۸- دلاور، ۹- مریلند، ۱۰- کارولینای شمالی، ۱۱- کارولینای جنوبی، ۱۲- جورجیا ۱۳- نیوانگلند (نقل از کتاب امریکا حکومتی به دست مردم از انتشارات اداره اطلاعات و روابط فرهنگی سفارت کبرای آمریکا در ایران) ص ۱۷۸-۱۷۹

5 . Gorge Washington

۶. در کنفرانس فیلادلفیا پنجاه و پنج نماینده شرکت کردند.

مرکزی و حکومت‌های ایالتی، سندی را در هفت ماده به نام: «طرح قانون اساسی ایالات متحده» به تصویب رساندند. (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۴۱).

مجلس نمایندگان ایالات متحده اتاق کنگره ایالات متحده است، مجلس سنا که به عنوان مجلس نمایندگان است. با هم قانون اساسی ایالات متحده را تشکیل می‌دهند که از نمایندگان مردم تشکیل شده است (مجلس نمایندگان آمریکا، ۲۰۱۶). در ماه دسامبر ۲۰۱۴، حقوق سالانه هر نماینده ۱۷۴،۰۰۰ دلار بود (سالارز و بنفیت^۱، ۲۰۱۴: ۱۰۰).

صلاحیت‌ها و اقتدارات قانونگذاری را به کنگره تفویض کرده است. همچنین بند یک از ماده دو: «اقتدارات اجرایی را به رئیس جمهور» قضایی را به دیوان کشور و دادگاه‌های زیردست آن که طبق تصمیم کنگره و به اقتضای احتیاج به وجود خواهند آمد، سپرده است. هر یک از ایالات متحده نیز به صورت جداگانه دارای یک قوه مقننه و یک رئیس قوه مجریه و دستگاه قضایی می‌باشند که در رأس آن دیوانعالی ایالت قرار دارد (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۵۴).

کنگره ایالات متحده آمریکا از دو مجلس، یکی مجلس نمایندگان ایالات متحده آمریکا با ۴۳۵ عضو و دیگری مجلس سنا ایالات متحده آمریکا با ۱۰۰ عضو تشکیل شده است که به صورت مشترک به امر قانون‌گذاری مشغول هستند. علاوه بر این دو مجلس، کنگره چهار نوع کمیته دیگر نیز دارد که عبارت‌اند از:

کمیته‌های اصلی کنگره ایالات متحده آمریکا

کمیته‌های فرعی کنگره ایالات متحده آمریکا

کمیته‌های مشترک کنگره ایالات متحده آمریکا

کمیته کنفرانس کنگره ایالات متحده آمریکا

قوه مقننه آمریکا، دومجلسی است و قوانین باید به تصویب هر دو مجلس و سپس به توشیح رئیس‌جمهور برسد به جز قوانین مربوط به درآمد دولت که تنها مجلس نمایندگان صلاحیت رسیدگی به آن را دارد و تأیید صلاحیت نامزدان ریاست‌جمهوری و تصویب معاهدات که تنها سنا صلاحیت رسیدگی به آن را دارد، در بقیه موارد، لویح جهت تبدیل شدن به قانون، باید اکثریت هر دو مجلس را به دست آورد (اسچیلر و توماس، ۲۰۱۳: ۵).

۱۵. مراحل تصویب قانون در آمریکا

مرحله اول: تهیه و نگارش پیش‌نویس لایحه

مرحله دوم: ارجاع پیش‌نویس لایحه به کمیته‌های دائمی

مرحله سوم: ارجاع لایحه از کمیته دائمی به صحن مجلس بررسی‌کننده

مرحله چهارم: ارجاع مصوبه نهایی اولین مجلس بررسی کننده به مجلس بررسی کننده دوم
مرحله پنجم: ارجاع لایحه مجلس سنا و نمایندگان به یک کمیته کنفرانس
در صورت وجود مغایرت بین مصوبه مجلس سنا با نمایندگان (که با موافقت مشروط
مجلس دوم با لایحه مجلس اول صورت می گیرد)، هر دو مصوبه جهت همسان سازی و
یکسان سازی و رسیدن به یک لایحه واحد، به یک کمیته کنفرانس، ارجاع می شود. نام دیگر
کمیته کنفرانس، کمیته مصالحه است (برانک^۱، ۲۰۱۷: ۵۱).

مرحله ششم: ارجاع لایحه مصوب کمیته کنفرانس به صحن مجلس نمایندگان و سنا
کمیته کنفرانس، لایحه نهایی که شامل توصیه‌هایی به هر دو مجلس است را طراحی
کرده و به مجلسین می فرستد تا مورد رأی گیری واقع شود. در این حالت، نمایندگان و سناتورها
فقط حق دارند با لایحه کمیته کنفرانس، موافقت یا مخالفت نمایند و نمی توانند این لایحه را
اصلاح کنند. غالباً لایحه کمیته کنفرانس مورد تصویب هر دو مجلس واقع می شود. در این
صورت به مرحله هفتم می رسیم در غیر این صورت، لایحه مجدداً به کمیته کنفرانس ارجاع
می شود

مرحله هفتم: ثبت لایحه نهایی شده در دفتر چاپ دولت
پس از تصویب لایحه توسط هر دو مجلس، مصوبه جهت ثبت، به دفتر چاپ دولت ارسال
می گردد.

مرحله هشتم: ارسال لایحه به حضور رئیس جمهور
پس از ثبت لایحه در دفتر چاپ دولت، رئیس جمهور ده روز فرصت دارد که مصوبه
مجلسین را توشیح یا رد کند.

الف) موافقت با مصوبه کنگره (در فرصت ده روزه)
در این صورت، رئیس جمهور مصوبه را توشیح می کند و مصوبه تبدیل به قانون می شود و
به اداره ثبت و بایگانی ملی ایالات متحده جهت مستندسازی، ثبت و انتشار ارجاع می شود.

ب) مخالفت با مصوبه کنگره (در فرصت ده روزه)
رئیس جمهور در صورت مخالفت با مصوبه کنگره، می تواند از دو اهرم زیر برای رد آن
استفاده کند: (سیلدو^۲، ۲۰۱۵: ۵۷).

۱۵-۱. وتوی قانونی

در این صورت، مصوبه از طرف رئیس جمهور رد شده و با ذکر دلیل به کنگره مسترد

۱. Brudnick

۲. Sidlow

می‌گردد. پس از آن، مخالفت رئیس‌جمهور در نشریه کنگره منتشر می‌گردد و بعد به یکی از مجلسین فرستاده می‌شود و در باره آن رأی‌گیری می‌گردد. چنان‌که که مجلس اول، بر نظر کنگره پا فشاری کند و با حداقل دوسوم آرا به وتوی رئیس‌جمهور، رأی نه بگوید، وتوی رئیس‌جمهور وتو می‌شود و به مجلس دوم فرستاده می‌شود و چنان‌که مجلس دوم هم با حداقل دوسوم آرا وتوی رئیس‌جمهور را وتو کند، مصوبه تبدیل به قانون می‌شود. چنان‌که یکی از مجلسین، نتواند رأی حداقل دوسوم را به دست بیاورد، لایحه از دستور کار خارج می‌شود و به قانون تبدیل نمی‌شود (سیلدو، ۲۰۱۵: ۵۸).

چنانچه در مرحله ششم، هر دو مجلس با حداقل دوسوم آرا لایحه‌ای را تصویب کنند، نیازی به توشیح رئیس‌جمهور ندارند و رئیس‌جمهور هم نمی‌تواند مصوبه کنگره را رد کند و لایحه تبدیل به قانون می‌شود.

۱۵-۲. وتوی تأخیری

وتوی تأخیری یا وتوی غیر مستقیم، اهرم دیگر رئیس‌جمهور برای رد مصوبه کنگره است. وتوی تأخیری زمانی رخ می‌دهد که در فرصت دهروزه رئیس‌جمهور، عمر کنگره فعلی به پایان می‌رسد و در صورت وتوی قانون توسط رئیس‌جمهور، کنگره فرصت رأی‌گیری برای وتوی نظر رئیس‌جمهور را نخواهد داشت؛ بنابراین، رئیس‌جمهور مصوبه کنگره را نه رد می‌کند و نه توشیح؛ پس سکوت می‌کند. به این نوع وتو، وتوی تأخیری می‌گویند (هاپر^۱، ۲۰۱۵: ۹۰).

رئیس قوه مجریه رئیس‌جمهور است و از طریق رای مستقیم و آرای مجمع انتخاباتی انتخاب می‌شود رئیس‌جمهور رای اعتماد را از کنگره نمی‌گیرد و کنگره نیز متقابلاً نمی‌تواند با رای عدم اعتماد، هیأت دولت یا وزرا را برکنار کند. قوه قضائیه کاملاً مستقل عمل می‌کند و نه قوه مجریه و نه قوه مقننه نمی‌توانند بر روند تصمیم‌گیری‌های آن تأثیر بگذارند. به عبارت دیگر، رئیس‌جمهور یا کنگره نمی‌توانند مصوبات قانونی دیوان عالی فدرال را باطل اعلام نمایند یا از اجرای آن‌ها سر باز زنند (زارعی و مالمیر، ۱۳۹۴: ۵۸).

بر مبنای این اصل، اگر چه قدرت رئیس‌جمهور از رای مردم مشروعیت می‌یابد و وی به کنگره جوابگو نیست، لیکن برای انتخاب وزرای خود به کسب رأی مثبت دو سوم سناتورها نیاز دارد. به علاوه بودجه کشور باید به تصویب مجلس نمایندگان برسد و به همین دلیل رئیس‌جمهور همواره باید دیدگاه و مواضع نمایندگان ملت را مد نظر قرار دهد. حق استیضاح رئیس‌جمهور (روند استیضاح در ایالات متحده آمریکا) نیز یکی دیگر از مواردی است که کنگره می‌تواند نظارت خود را بر رئیس‌جمهور اعمال کند. در صورت تخلف آشکار رئیس‌جمهور از

قوانین، طرح استیضاح در مجلس نمایندگان مطرح می‌شود و اگر با رأی اکثریت نمایندگان به تصویب برسد، سنا با تشکیل دادگاهی رئیس جمهور را محاکمه خواهد کرد. پس از شنیدن دفاعیات رئیس جمهور، سناتورها تشکیل جلسه می‌دهند و نظر خود را در خصوص اتهامات وارده به رئیس جمهور اعلام می‌کنند. اگر وی نتواند رأی اکثریت سناتورها را جلب کند، محکوم شده، از سمت خود عزل می‌شود (الکساندر، ۲۰۱۰: ۱۲۳-۱۲۶).

در مقابل نظارت کنگره بر رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه نیز از حق وتوی مصوبات قوه مقننه (وتوی مصوبات کنگره در ایالات متحده آمریکا) برخوردار است و می‌تواند هر یک از مصوبات مجلس نمایندگان و سنا را رد نماید. این امر سبب می‌شود نمایندگان کنگره نتوانند بر خلاف مصالح عمومی جامعه تصمیم‌گیری نمایند و از این طریق از ظهور «دیکتاتوری اکثریت» جلوگیری به عمل می‌آید.^۱

اما در عین حال حق وتوی رئیس جمهور نامحدود نیست و کنگره می‌تواند با کسب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس نمایندگان و سنا وتوی رئیس جمهور را باطل نمایند. بدین ترتیب راه برای کار شکنی رئیس جمهور بسته خواهد شد. هر چند که کنگره به دلیل ساختار دو حزبی خود و حضور اقلیت پر قدرت قادر نیست همواره برای ابطال وتوهای رئیس جمهور، رأی دو سوم مجموع نمایندگان را کسب نماید و همین امر مانع عمده‌ای بر سر ابطال وتوها ایجاد می‌کند که خود نوعی توازن را میان قوه مجریه و قوه مقننه بوجود می‌آورد (سینگل و میشر^۲، ۲۰۱۵: ۱۴).

دادگاههای حکومت فدرال آمریکا به دو صورت تشکیل یافته‌اند: این دادگاهها یا به موجب نص صریح اصل سوم قانون اساسی و بر پایه جواز که در این اصل وجود دارد، به وجود آمده‌اند، و یا به صورت دادگاههایی هستند که صرفاً در اثر تصمیم کنگره به وجود آمده‌اند. لازم به توضیح است که طبق قانون اساسی، اعمال اقتدارات قوه قضائیه حکومت ایالات متحده، فقط در صلاحیت دادگاههای قانون اساسی است که به سه درجه دیوانعالی کشور و دادگاههای استیناف^۳ فدرال و دادگاههای ناحیه ای فدرال^۴ تقسیم می‌شوند. در متن قانون اساسی ایالات متحده، فقط نام دیوانعالی کشور فدرال ذکر شده است (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۸۷).

نوع دیگر از دادگاههای ایالات متحده، دادگاههای قانونگذاری (دادگاههای قوه مقننه) می‌باشند. این دادگاهها صلاحیت اعمال اقتدارات قوه قضائیه ایالات متحده را ندارند، و از نظر طبیعت دعاوی که به این گونه دادگاههای ارجاع می‌شود، با طبیعت دعاوی ای که به

1 . <http://www.america.gov>
 2 . Singer , Misher
 3 . Circuit courts of Appeals
 4 . District courts.

دادگاه‌های قانون اساسی حکومت فدرال ارجاع می شود فرق دارند.

دادگاه‌های ناحیه ای در پایین ترین درجه از سلسله مراتب دادگاه‌های فدرال می باشند که: « دارای نود و یک واحد قضائی در خاک آمریکا هستند، و هر ایالت حداقل دارای یک دادگاه ناحیه ای است، و ممکن است ایالتی به نسبت جمعیت و وسعت و حجم دعاوی دارای چند دادگاه ناحیه ای باشد. کشور ایالات متحده آمریکا به یازده منطقه قضائی (مدار قضائی) تقسیم شده است، که برای هر یک از این مناطق یک دادگاه استیناف وجود دارد. این دادگاهها، مافوق دادگاه های ناحیه ای هستند. احکام صادره از این گونه دادگاهها، در اغلب موارد قطعی است، و اگر پرونده ای به نقض قانون اساسی فدرال مربوط باشد و یا صحت و سقم آن در رابطه با نکات مهم قانون اساسی مطرح باشد، برای رسیدگی تمیزی، به دیوانعالی ارجاع می شود، و نه قاضی دیوان هر یک به پرونده های یکی از شعب یازده گانه دادگاههای پژوهش رسیدگی می کنند. دیوان کشور، عالیترین دادگاه در ایالات متحده آمریکا محسوب می شود. گاهی مشاهده می شود که از نظر سازمان و صلاحیت قضات، میان ایالات اختلافاتی وجود دارد. دادگاههای ایالات که حدود نود و پنج درصد کل دعاوی توسط آنها رسیدگی می شود، دادگاههایی هستند که حقوق روز مره مردم ایالات مانند قراردادهای، شبه جرم، روابط خانوادگی وارث، جرائم و مجازاتها و مقررات اقتصادی لازم الاجراء را رسیدگی و اجراء می کنند. دادگاههای صلح (پائین)، قضات این نوع دادگاهها که غالبا در روستاها (البته نه الزاما) انجام وظیفه می کنند، به: «قضات صلح» شهرت دارند، و از میان اعضای حزب انتخاب می شوند. حقوق آنها متناسب با جرمه واصله و یا درصدی که از حق الوکاله و کلاء می گیرند تأمین می شود. دادگاههای شهرستان، صلاحیت این گونه دادگاهها عمومی است، و سوابق کار دادرسی و تصمیمات اتخاذ شده از سوی دادگاه، در محل دادگاه ضبط و حفظ می شود. دادگاههای استیناف وابسته، این دادگاهها تقریبا در یک سوم از ایالات آمریکا وجود دارند. اغلب در یک ایالت یک دادگاه استیناف وجود دارد که دارای سه تا نه قاضی می باشد. این تعداد قضات، به صورت جمعی در جلسات شرکت می کنند. دادگاههای عالی، در هر ایالت یک دادگاه عالی وجود دارد که در رأس هرم قضائی آن ایالت قرار دارد و با داشتن پنج تا نه قاضی، چند شعبه را تشکیل می دهند. در محدوده مسائل و موضوعات حکمی و حقوقی بررسی انجام داده، و حکم صادر می کنند. نظارت قضائی بر مصوبات کنگره، مردم ایالات متحده اعتقاد دارند که برای حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی، باید یک نوع نظارت قضائی بر مصوبات کنگره و سایر دستگاه‌های حکومتی ایالات وجود داشته باشد تا قوانین مغایر با قانون اساسی را کأن لم یکن اعلام کند (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۹۰). نقش دیوانعالی کشور در قانونگذاری ملی، موضوع نقش دیوانعالی کشور در قانونگذاری ملی، از مدتها پیش مورد بحث صاحب نظران سیستم حقوقی آمریکا بوده است. عده ای از صاحب نظران، دیوانعالی را قانونگذار

و عالیترین محکمه و حافظ قانون اساسی، و حامی آزادیهای آمریکائی دانسته اند، و عده ای دیگر دیوانعالی را با یابنده قانون به حساب نمی آورند؛ بلکه دیوانعالی را سازنده قانون و قانونگذاری محسوب می کردند که البته از نظر این عده، دیوانعالی حق ویژه قانونگذاری را غصب کرده و نه مرد مسن را مانع و رادعی می دانستند که از دید آنها، می بایست تغییر یابد. برای بعضی از صاحب نظران نیز، دیوانعالی یک کارگزاری سیاسی است. ولی تردیدی نیست که برای همه آنها، دیوانعالی یک دادگاه قانونی، و نوع قانونگذاری آن یک قانونگذاری قضائی، و قدرت قانونگذاری آن مشابه قوه مقننه است؛ اما از آنجا که دیوان به صورت یک محکمه می باشد، تحت شرایط خاص و محدود کننده ای قرار دارد که کارگزاران قوه مقننه و مجریه آن را تجربه نمی کنند لذا این امر ماهیتی دوگانه، که همان ماهیت سیاسی و حقوقی است، به دیوان می بخشد که این مسأله یکی از دشوارترین نوع بررسی ها، در سیستم حقوقی و سیاسی آمریکائیه با شمار می رود. در عین حال، این امکان نیست بتوان در خصوص قدرت دیوانعالی یا وظیفه آن بصورت انتزاعی صحبت کرد؛ زیرا دیوانعالی مانند سایر کارگزارها دارای قدرت و وظایف مختلفی است، و به این بستگی دارد که کی و چه هنگامی می خواهد به نفع یا بر علیه سایر قدرت های سیاسی عمل کند. بنابراین، در این گونه موارد، مهمترین مطلب، رابطه دیوانعالی با سایر مؤسسات سیاسی و نفوذ و تأثیر آن بر این گونه مؤسسات و پی آمد فعالیت هایش بر حکومت اکثریت و دموکراسی است. در رابطه با موضوع فوق، دو پژوهش ارزنده و قابل توجه، در طی سالهای اخیر توسط رابرت دال و جان اتان کاسپر به عمل آمد که اولی تحت عنوان «دیوانعالی به عنوان قانونگذار ملی»، و دومی با عنوان «دیوانعالی و قانونگذاری ملی» به ترتیب در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۷۶ ارائه گردید. دال ارائه دهنده یک نظریه پیچیده سیاسی و نقشی که دیوانعالی ایفاء می کند می باشد (حمیدیان، ۱۳۷۸: ۹۰).

۱۶. مجلس نمایندگان امریکا

مجلس نمایندگان متشکل از اعضای است که هر دو سال یک بار از سوی مردم ایالات مختلف انتخاب می شوند، و رأی دهندگان در هر ایالت باید واجد شرایط رأی دادن به پر تعداد ترین شاخه دستگاه قانونگذاری کشور باشند (فاورو، ۱۳۸۹: ۴۱). مجلس نمایندگان با کمک رئیس جمهور باید بودجه کشور را تعیین کنند (هودیبرگ^۱، ۲۰۱۸: ۱۰).

نتیجه گیری

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان، اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان، و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضاء شورای نگهبان» طبق اصل هفتاد و دوم: "مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع نماید که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است." تمام مصوبات مجلس چه دولت چه مقننه باید برای نظارت به شورای نگهبان ارسال شود و شورای نگهبان ۱۰ روز وقت دارد که آنها را بررسی کند در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهارنظر نهایی کافی نداند، می تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل، خواستار تمدید وقت شود. جلسات مجلس شورای اسلامی را به صورت است «علنی» و «غیرعلنی» در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، جلسه غیر علنی تشکیل می شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند.» تصمیمات لازم را مجمع تشخیص مصلحت نظام اتخاذ می کند. نظام ایالات متحده سیستم قوا را به شکل مستقل قبول کرده است رئیس قوه مجریه رئیس جمهور است و از طریق رای مستقیم و آرای مجمع انتخاباتی انتخاب می شود قوه قضائیه کاملاً مستقل عمل می کند و نه قوه مجریه و نه قوه مقننه نمی توانند بر روند تصمیم گیری های آن تأثیر بگذارند. اگر چه قدرت رئیس جمهور از رای مردم مشروعیت می یابد و وی به کنگره جوابگو نیست، لیکن برای انتخاب وزرای خود به کسب رأی مثبت دو سوم سناتورها نیاز دارد. به علاوه بودجه کشور باید به تصویب مجلس نمایندگان برسد و به همین دلیل رئیس جمهور همواره باید دیدگاه و مواضع نمایندگان ملت را مد نظر قرار دهد. در مواردی که رئیس جمهور تخلف کند کنگره می تواند نظارت خود را بر رئیس جمهور اعمال کند. در صورت تخلف آشکار رئیس جمهور از قوانین، طرح استیضاح در مجلس نمایندگان مطرح می شود و اگر با رأی اکثریت نمایندگان به تصویب برسد، سنا با تشکیل دادگاهی رئیس جمهور را محاکمه خواهد کرد. پس از شنیدن دفاعیات رئیس جمهور، سناتورها تشکیل جلسه می دهند و نظر خود را در خصوص اتهامات وارده به رئیس جمهور اعلام می کنند. اگر وی نتواند رأی اکثریت سناتورها را جلب کند، محکوم شده، از سمت خود عزل خواهد شد. مجلس نمایندگان هر دو سال یک بار از طرف مردم انتخاب می شوند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، لسان العرب، (۱۴۰۸). (دارالجلیل - دار لسان العرب)، ج ۴، ص ۱۹۵.
۲. انصاری دزفولی، مرتضی، (۱۳۹۰). نقش مجلس در دو نظام ریاستی و پارلمانی، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۸۵.
۳. جلالیان، عسگر، (۱۳۹۵). کارآمدی مجلس شورای اسلامی و راهکارهای ارتقای آن در حقوق داخلی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۲.
۴. حمیدیان، حسن، (۱۳۷۸). کنترل قوه مقننه در ایران و آمریکا، با مقدمه حسین صفایی، ویرایش فریده مهدوی دامغانی، اهواز.
۵. حسینی، ابراهیم، (۱۳۹۲). محدودیت های مجلس شورای اسلامی در قانون گذاری، کومت اسلامی/ سال هفدهم، شماره چهارم.
۶. حسینی، راحله سادات، (۱۳۹۶). نحوه نظارت حقوقی بر اعمال حکومت با بررسی کارکردهای قانونگذاری و نظارتی اصول، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۹.
۷. راغب اصفهانی، (۱۳۸۲). مفردات الفاظ قرآن، انتشارات ذوی القربی، چاپ سوم، قم، ص ۶۳۶.
۸. زارعی، محمد حسین؛ مالیری، احمد، (۱۳۹۴). مفهوم و مبانی کنترل قضایی با تاکید بر نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۴۲.
۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، تهران، ج ۲، ص ۲۰۸.
۱۰. فولادوند، سجاد، (۱۳۹۳). تفویض اختیارات قانون گذاری در نظم اساسی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق عمومی مازندران
۱۱. کوزه گر، امین، (۱۳۹۶). حدود نظرت شورای نگهبان و مصوبات مجلس شورای اسلامی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق دانشگاه مازندران دانشکده حقوق سیاسی.
۱۲. کوشکی، محمد صادق؛ آجرلو، اسماعیل، (۱۳۸۷). وظایف مجلس و شرایط و قلمرو قانون گذاری از منظر مرحوم آخوند خراسانی (ره)، مقاله ۷، دوره ۹، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صفحه ۱۹۳-۲۳۱.
۱۳. فاوورو، لویی، (۱۳۸۹). دادگاههای قانون اساسی ترجمه دکتر علی اکبر گرجی، انتشارات جنگل، چاپ اول.
۱۴. فقهی، ابوالحسن؛ ذاکری، محمد؛ اسدی، اسماعیل، (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد مجلس شورای اسلامی، فصلنامه رهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۲.
۱۵. مصباح نصب، روح اله؛ موسی زاده، ابراهیم، (۱۳۹۶). چرایی مستر بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، فصلنامه علمی و حقوقی قانون باز، دوره سوم.
۱۶. مرتضایی، احمد، (۱۳۹۰). بررسی قلمرو نظارت شورا نگهبان، مجله معرفت، شماره ۱۶۵.

۱۷. وکیلیان، حسن، (۱۳۹۱). گونه شناسی قدرت سیاستگذاری قوای تقنینی، نظریه‌ها و دیدگاهها، فصلنامه راهبرد شماره ۶۳، صص ۲۷۱-۲۹۹.

18. Bill Hopper . (2015). U.S. House of Representatives. Office of the Historian. Retrieved January 12, 2015.

19. Brudnick, Ida A. (2017) . Members' Representational Allowance: History and Usage (PDF). Washington, DC: Congressional Research Service. Retrieved October 24, 2017.

20. Christoyannopoulos, Alexandre .(2010). Christian Anarchism: A Political Commentary on the Gospel. Exeter: Imprint Academic. pp. 123-126. Revelation.

21. Hudiburg, Jane A.(2018). House Voting Procedures: Forms and Requirements Washington,; Congressional Research .

22. Schaller, Thomas. (2015) . Multi-Member Districts: Just a Thing of the Past?". University of Virginia Center for Politics. Retrieved November 2, 2015.

23. Salaries and Benefits of U.S. (2014) .Congress Members Retrieved December 24.

24. Singer, Michelle .(2015). "Under the Influence". CBS News. January 12, 2015.

25. Sidlow, Edward; Henschen, Beth .(2015) . America at Odds, Alternate Edition (6 ed.). Belmont, California: Wadsworth Cengage Learning. p. 246. ISBN 0495503703. Retrieved January 10, 2015.

26. United States House of Representatives, Ballotpedia. Accessed November 23, 2016. "There are seven states with only one Alaska, Delaware, North Dakota, South Dakota, Vermont and Wyoming."

۲۷. سایت دولت ایران

۲۸. سایت دولت امریکا

۲۹. قانون نحوه وصول مطالبات بانکها (مصوب ۱۳۶۸/۱۰/۵)

۳۰. قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی (مصوب ۱۳۶۹/۹/۲۷)

۳۱. قانون حق کسب و پیشه یا تجارب (مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۲۵)

۳۲. قانون تخلفات، جرائم و مجازات اسناد سجلی (مصوب ۱۳۷۰/۵/۱۰)

۳۳. قانون تشکیل محکمه انتظامی قضات (مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳)

۳۴. قانون حل معضل ماده ۱۲ قانون زمین شهری (مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

بررسی نظام اخلاقی در داوری حاکم بر سرمایه گذاری خارجی در ایران با نگاهی به اسناد بین المللی

حبیب الله براهویی مقدم^۱

محمد ابو عطا^۲

حمید مسجدسرایي^۳

چکیده

همان طور که در حقوق داخلی برای رفع و حل و فصل اختلافات بین افراد موسسات شرکت ها دولت ها مقررات و قوانین وضع شده و تشکیلاتی به این منظور ایجاد شده است. در روابط بین الملل نیز برای حل و فصل اختلافات افراد و اشخاص اعم از کشوری و سازمانی بین المللی و شرکتی نیز از قدیم الایام مقرراتی ولو ناقص وجود داشته و در محدوده خود به آن اختلافات رسیدگی می شد. تجارت بین المللی به عنوان آخرین و مهمترین تحول قانونگذاری ایران در زمینه ی داوری عمدتاً با هدف ترویج داوری و یکنواختی و هماهنگی با نظام حقوقی بین المللی به تصویب رسید. سرمایه گذاری خارجی از جمله حوزه های است که بشدت تحت تاثیر آرای داوری بین المللی بوده است و اولین گام در این راستا ایجاد یک نظام حقوقی مناسب برای برقراری تعادل و توازن می باشد که از طریق اعمال مکانیسم های مالی و وضع قوانین و مقررات مناسب، تضمین های لازم به سرمایه گذاران داده شود. لذا در این پژوهش چهارچوب ها و راه های حل اختلاف بین سرمایه گذار های خارجی و دولت ها در زمان بروز اختلاف بررسی شده است.

واژگان کلیدی

نظام اخلاقی، سرمایه گذاری، داوری سرمایه گذاری، اپکسید، معاهدات دوجانبه سرمایه گذاری.

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email: Barahooi.h@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه سمنان.

Email: abuata.mohammad759@gmail.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان.

Email: Masjedsoraie1980@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۶

طرح مسأله

سرمایه گذاری مفهومی است که تعریف دقیق آن را باید در علم اقتصاد جست و جو نمود؛ ولی حقوقدانان و مراجع حل اختلاف بین المللی، برای رسیدگی به اختلافات حقوقی ناشی از سرمایه گذاری، به ناچار در تکاپوی ارائه تعریف حقوقی سرمایه گذاری می باشند. در این میان، مراجع داوری بین المللی، به درستی صلاحیت خود را محدود به اراده طرفین ننموده و می کوشند با تفسیر مقررات لازم الاجرای میان طرفین، سرمایه گذاری را تعریف نمایند و حوزه صلاحیت خود را معین کنند. این گفته، به معنای کم ارزش خواندن توافق و اراده طرفین نیست، بلکه تاکید بر صلاحیت مرجع داوری و نقش تفسیر در تعیین مفهوم سرمایه گذاری است^۱.

تجارت بین المللی به عنوان آخرین و مهمترین تحول قانونگذاری ایران در زمینه ی داوری عمدتاً با هدف ترویج داوری و یکنواختی و هماهنگی با نظام حقوقی بین المللی به تصویب رسید. برخی از مهمترین ویژگی های این قانون را می توان بدین شرح برشمرد: هماهنگی قابل قبول با نظام حقوقی بین المللی، پذیرش داوری نهادی پذیرش استقلال موافقتنامه ی داوری از قرارداد اصلی و قاعده ی صلاحیت داور برای تعیین صلاحیت خود، امکان صدور دستور موقت توسط داور، پذیرش اختیار طرفین در تعیین قانون حاکم، پیشبینی مقررات مربوط به جرح و جایگزینی داوران و تأکید بر اصول دادرسی منصفانه.

سرمایه گذاری خارجی از جمله حوزه های است که بشدت تحت تاثیر آرای داوری بین المللی بوده است و اولین گام در این راستا ایجاد یک نظام حقوقی مناسب برای برقراری تعادل و توازن می باشد که از طریق اعمال مکانیسم های مالی و وضع قوانین و مقررات مناسب، تضمین های لازم به سرمایه گذاران داده شود.

داشتن قوانین مدون رابطه مستقیم با سرمایه گذاری خارجی دارد و گشودن جهان تازه بر روی سرمایه گذاران خارجی بدون داشتن قوانین مدون می تواند بسیار مخاطره انگیز باشد یک قانون سرمایه گذاری خارجی باید ضمن برخورداری از صراحت کافی جامع کلیه ضوابط و مقررات قانونی که به نحوی موثر در حقوق و تعهدات سرمایه گذاری خارجی است باشد به نحوی که آنها را بالقوه از مراجعه به دیگر قوانین که باعث بلا تکلیفی است بی نیاز گرداند.

فقدان ساختار های مناسب برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری منجر به تلاش جدیدی در این زمینه در دهه ۱۹۶۰ شد، هدف از این تلاش، ایجاد ساز و کار خاصی برای حل و فصل اختلافات بین دول پذیرنده سرمایه و سرمایه گذاران خارجی بود. هیات اجرایی بانک

۱. عسگری، پوریا، ۱۳۹۴، حقوق سرمایه گذاری خارجی در رویه داوری بین المللی، تهران، انتشارات شهر دانش،

جهانی ماموریت یافت که موضوع را بررسی و گزارش نماید.^۱ هیات مذکور به همراه کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد، گزارشی ارایه کرد و با تصویب هیات مدیره بانک جهانی، در تاریخ ۱۰ سپتامبر ۱۹۶۴ مقرر شد و در ۱۸ مار ۱۹۶۵ مورد پذیرش مدیران اجرایی بانک جهانی قرار گرفت. در طول سال‌های بعد، عضویت در کنوانسیون ادامه داشت و تا لحظه نگارش این سطور در اوت ۲۰۱۰، بر اساس اطلاعات موجود در پایگاه اینترنتی ایکسید، ۱۵۵ کشور کنوانسیون را امضا کرده و از این میان ۱۱۴ کشور، اسناد تصویب را نیز تسلیم نموده‌اند.^۲ در دواوری داخلی، دخالت و نظارت قانونی بر فرایند دواوری نسبت به دواوری بین‌المللی بیشتر است، زیرا همه عناصر اختلاف و رسیدگی مربوط به یک نظام حقوقی ملی است. در حالی که در دواوری بین‌المللی مقرر ممکن است صرفاً محل دواوری باشد و ارتباط معناداری با اختلاف مورد نظر نداشته باشد. به اضافه این که تفاوت فرهنگ‌ها، زبان‌ها و نظام‌های حقوقی ملی مربوط، تقاضا دارد که مقررات قابل انعطاف‌تری اتخاذ شود.

صلاحیت مرکز حل اختلاف سرمایه‌گذاری بانک جهانی مطابق ماده ۲۵ کنوانسیون ایکسید، محدود به دعاوی حقوقی است که به صورت مستقیم ناشی از سرمایه‌گذاری باشند و لذا مرجع دواوری ایکسید، در خصوص اختلافاتی که بر مبنای معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری نزد آن طرح می‌شوند.

اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، در راستای صیانت از اموال و دارایی‌های عمومی و دولتی در صورت بروز دعوای حقوقی، تشریفات را مقرر نموده تا این هدف بهتر محقق شود. برخی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی حکم این اصل را با اصل سرعت در امر تجارت، ناسازگار می‌دانند، در حالی که جذب سرمایه‌گذاری و انواع دیگر تجارت، در راستای پیشرفت اقتصادی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.^۳ با توجه به یک دهه تحریم کشورمان و توافق برجام و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و همچنین سرمایه‌گذاری ایرانیان در خارج از کشور و در هنگام ایجاد اختلاف که طبق چه اصول و روشی نسبت به حل اختلاف منصفانه بیانجامد تحقیق حاضر می‌تواند راه‌گشا باشد در واقع پژوهشی تازه و تحقیقی جدید و نوآورانه است.

۱. عسکری، ۱۳۹۴، پیشین، ص ۸۴

۲. Redfern Alan and M. Hunter, Law and practice of International Commercial Arbitration, Sweet and Maxwell, P12, ۲۰۰۴.

۳. جلالی، محمود ۱۳۸۹؛ حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق دواوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران، مجله تخصصی الهیات و حقوق. مجله حقوقی، ش ۵

۱. حقوق بین الملل و حل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری خارجی

حقوق بین الملل به عنوان حقوق حاکم بر مراودات و روابط جاری و ساری در عرصه بین المللی، باید بتواند خود را با پیشرفت‌های موجود در جامعه جهانی تطبیق دهد و مقررات مربوط به اقسام این روابط و همکاری‌ها را تدوین نماید یا توسعه دهد و به ویژه از حقوق بین الملل انتظار می رود که تسهیلات لازم برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات میان کنشگران عرصه بین المللی را در اختیار آنان قرار دهد. بار سنگین این مسؤولیت، حقوقدانان بین المللی را ناگزیر از مطالعه فرآیندهای مربوط به اقسام همکاری‌های بین المللی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نموده که از جمله مهم ترین آن‌ها، روابط اشخاص خصوصی خارجی سرمایه گذار و دولت است که به واقع از لوازم اساسی اقتصاد مدرن به حساب می آید و در عین حال، دستمایه بروز اختلافات فراوانی نیز شده است.^۱ حجم بالای سرمایه گذاری‌های خارجی، سبب شده تا پای حقوق بین الملل به این عرصه از روابط اقتصادی نیز گشوده شود و امروزه شاهد تصویب و انعقاد قریب به شش هزار معاهده بین المللی هستیم. به عبارتی دیگر، حقوق بین الملل، با تاسی از علم اقتصاد به ارائه تعریف حقوقی از مفهوم سرمایه گذاری و حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری می پردازد.

۱-۱. سرمایه گذاری خارجی در معاهدات بین المللی و رویه داوری

نخستین معاهده دوجانبه سرمایه گذاری، در سال ۱۹۵۹ میان آلمان و پاکستان منعقد شد. این معاهده، در تعریف سرمایه گذاری مقرر می داشت:

«عبارت «سرمایه گذاری» باید شامل انتقال سرمایه گذاری در سرزمین طرف دیگر معاهده باشد و می تواند به اشکال گوناگون در قالب ارز، کالا، حقوق مالکانه، امتیاز و دانش فنی باشد. این عبارت، همچنین شامل بازگشت سرمایه نیز هست» و «هر قبیل مشارکت شرکت و دارایی که به واسطه اموال فوق شکل گرفته باشد نیز به منزله سرمایه گذاری خواهد بود.»

به طور کلی می توان گفت، معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری که در سال‌های اخیر منعقد شده اند، سرمایه گذاری را شامل موارد ذیل می دانند: اموال منقول و غیر منقول، سود شرکت‌ها، دعاوی پولی و اجرایی دارای ارزش اقتصادی، حقوق مالیکت فکری و حق امتیازهای منشعب از حقوق عمومی.

مراجعه داوری برای تعیین تعریف سرمایه گذاری در معاهدات دو جانبه سرمایه گذاری، به متن و لسان معاهده مراجعه می کنند. در واقع دیوان باید برای تشخیص و تعیین سرمایه گذاری،

1. Rudolf Dozer and Christoph Schreuer, principles of International Investment Law, Oxford, 2008, p.60

2. Kenneth J. Vandevelde, Bilateral Investment Treaties: History, policy and Interpretation, Oxford, 2010, p.122

خصیصه اقتصادی مجموعه اقدامات سرمایه‌گذار را مدنظر قرار دهد. همچنین باید کلیت یک سرمایه‌گذاری، ملاک تشخیص باشد.^۱ رویه داوری نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، قراردادهای میان خواهان و دولت میزبان از نظر مراجع داوری، مصداق سرمایه‌گذاری شناخته شده است. مراجع داوری در پرونده‌های *Argentin v. Azurix*، *Argentin v. Vivendi*، *Turkey v. PSEG* و *Ecuador v. Occidental*، قراردادهای حق الامتیاز را به مثابه سرمایه‌گذاری دانسته‌اند. البته رویه داوری، علاوه بر قراردادهای حق الامتیاز، سایر قراردادها را نیز در برخی موارد، به عنوان سرمایه‌گذاری شناسایی کرده است.^۲ بنابراین در بیشتر مواردی که اختلافی در قالب معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری بروز می‌کند، مراجع داوری با احراز وجود سرمایه‌گذاری، به این اختلاف رسیدگی می‌کنند.

۱-۲. معاهدات سرمایه‌گذاری و تفسیر آن‌ها بر مبنای حقوق بین‌الملل در رویه داوری بین‌المللی

- کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در ماده ۳۱ به شرح زیر، به تبیین قاعده کلی تفسیر پرداخته است:
- ۱- معاهده باید با حسن نیت و مطابق با معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آن‌ها داده می‌شود و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر شود.
 - ۲- به منظور تفسیر معاهده، سیاق، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضمائم نیز می‌شود، مشتمل است بر:
 - هر توافق مربوط به معاهده که در ارتباط با انعقاد معاهده، میان کلیه طرف‌های معاهده صورت گرفته باشد.^۳
 - هر سندی که در ارتباط با انعقاد معاهده، توسط یک یا چند طرف معاهد تنظیم شده باشد و سایر طرف‌ها آن را همچون سندی مرتبط با معاهده پذیرفته باشند.
 - ۳- موارد زیر را نیز باید همراه با سیاق در نظر گرفت:
 - هر توافق موثر میان طرف‌های موثر میان طرف‌های معاهده در مورد تفسیر معاهده یا اجرای مقررات آن.
 - هر رویه موخر بر اجرای معاهده که دلالت بر توافق طرف‌های متعاهد در رابطه با تفسیر معاهده داشته باشد.

1. Salini Costruttori S.P.A.v Morocco ICSID Case No. ARB/00/4, Decision on Jurisdiction 23JULY 2001.

2. IESI S.P.A.et ASTALDI S.P.A.v.Algeria, ICSID case NO.ARB/05/3, Decision on Jurisdiction, 12July2006.

۳. رک: ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۴، حقوق معاهدات بن‌المللی، کتابخانه گنج دانش چاپ دوم، صص ۳۴۸-۳۱۸.

- هر قاعده مرتبط حقوق بین الملل که در روابط میان طرف‌های معاهده قابل اجرا باشد».

مراجع دوری بین‌المللی، برای تفسیر معاهدات سرمایه‌گذاری در بدو امر، ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات را مورد استناد قرار می‌دهند.^۱ برای مثال، مرجع دوری در قضیه Siemens v. Argentina بیان داشت:

«طرفین اختلاف، هر دو، مباحث خود را بر مبنای بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص تفسیر معاهدات بیان نموده‌اند... دیوان دوری در رسیدگی به اختلاف میان طرفین این قواعد تفسیر را مدنظر قرار خواهد داد».

اکثر قریب به اتفاق معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، حاوی قواعد همسان و یک شکلی هستند و بی تردید، تفاوت‌هایی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد. توجه به شباهت‌های موجود در معاهدات سرمایه‌گذاری، در وهله نخست هر خواننده‌ای را بر آن می‌دارد تا معنای یکسانی را بر عبارات مشابه و یا بسیار نزدیک مندرج در معاهدات گوناگون، بار نماید مگر آنکه حکم دیگری از اوضاع و احوال حاکم بر آن معاهده، قابل استخراج باشد.^۲

در کاربرد این رهیافت، همواره باید سایر قواعد تفسیر را به خاطر داشت و لازم است تا هر معاهده را با توجه به سیاق آن و موضوع و هدف آن مورد تفسیر قرار داد؛ زیرا محتمل است عبارتی که در سیاق یک معاهده معنای خاصی دارد. در سیاق معاهده‌ای دیگر معنای کاملاً متفاوتی داشته باشد. به همین دلیل است که مراجع دوری بین‌المللی اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری تمایل چندانی به پیروی از رویه گات یا سازمان جهانی تجارت از خود نشان نمی‌دهند.^۳

دوری سرمایه‌گذاری تا حدودی از عدم هماهنگی آراء دوری رنج می‌برد و می‌توان به مواردی اشاره کرد که آراء متناقضی از سوی مراجع دوری در قضایای مشابه و حتی در قضیه‌ای واحد توسط مراجع موازی، صادر شده است که می‌توان این موارد را دسته‌های ذیر خلاصه نمود:

۱- بسیاری از معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری، در شرط مربوط به رضایت برای مراجعه به دوری به عباراتی نظیر «همه اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری» یا «هرگونه اختلاف حقوقی ناشی از سرمایه‌گذاری» اشاره دارند.

۲- شروط فراگیر نیز آن چنان که بیان شد، موضوع تفاسیر متفاوتی از سوی مراجع دوری

1. Canfor corporation v. US.Terminal Forest Products Ltd v. US. UNCITRAL Order Of the Consolidation Tribunal.7 2005 .para 59.

2. Methanex v. USA.UNCITRAL. Preliminary. Award On Jurisdiction 7Agust 2002.paras.103-105

3. Aguas del Tunari S.A.v Republic Of Bolivia. ICSID Case No. ARB/02/3 Decision on jurisdiction 21Octobr 2005.para91.

بین‌المللی بوده است.^۱

۳-۱. حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری از طریق داوری بین‌المللی و قانون

حاکم بر حل اختلاف

قلمرو حقوق بین‌الملل، صحنه حضور و فعالیت دولت‌هاست که نقش آفرینان اصلی آن می‌باشند. رایج‌ترین شکل حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، داوری است و امتیاز مهم این شیوه در مقایسه با توسل به حمایت دیپلماتیک آن است که عوائد دعاوی مربوط به خود مدعیان خصوصی است. داوری، بیشتر بعد از جنگ‌های جهانی متداول بوده و کشورهای فاتح طی عهدنامه‌هایی که با کشورهای مغلوب منعقد می‌کردند، هیأت‌های داوری مختلط تاسیس می‌نمودند و اتباع آن‌ها حق داشتند دعاوی خود را علیه کشور مغلوب نزد هیأت داوری مربوط مطرح سازند. در دهه ۱۹۶۰، کنوانسیون واشنگتن به تصویب دولت‌ها رسید و به موجب آن مرکز داوری حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع سایر دول (ایکسید) تاسیس شد.^۲

فقدان ساختارهای مناسب برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری منجر به تلاش جدیدی در این زمینه در دهه ۱۹۶۰ شد. هدف از این تلاش، ایجاد و سازوکار خاصی برای حل و فصل اختلافات بین دول پذیرنده سرمایه و سرمایه‌گذاران خارجی بود. این کوشش از بانک جهانی به عنوان نهادی که مرتبط با توسعه اقتصادی است، آغاز گردید.

دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی، شناخته شده‌ترین نهاد داوری تجاری بین‌المللی است که در سال ۱۹۲۳ تشکیل شد و مقر آن در فرانسه است. این دیوان در زمینه یکی دیگر از موسسات فعال در عرصه داوری بین‌المللی است. این موسسه در سال ۱۹۲۶ در ایالات متحده آمریکا تشکیل گردید. دیوان داوری بین‌المللی لندن نیز به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای داوری بین‌المللی است که در سال ۱۸۹۲ تشکیل شده است. اتاق بازرگانی استکهلم، مرکز داوری بین‌المللی هنگ کنگ و کمیته بین‌المللی داوری اقتصادی و تجاری چین نیز از دیگر موسسات فعال در عرصه داوری بین‌المللی داوری اقتصادی و تجاری چین نیز از دیگر موسسات فعال در عرصه داوری بین‌المللی هستند. مراکز داوری تحت نظارت کمیته مشورتی حقوقی آسیا-آفریقا در کوالالامپور و قاهره نیز از جمله نهادهای معتبر و فعال در این زمینه می‌باشند.^۳

1. Eureka B.V.v.Republic of Poland. Partial Award.19August 2005.para.243.

۲. همان

۳. رک: محبی، محسن، ۱۳۸۳، دیوان داوری ایران- ایالات متحده آمریکا، ترجمه حبیبی مجنده، نشر فردافر، صص ۵۱-۲۱

۲. نظام داوری ایکسید و شناسایی و اجرای احکام آن

مختصات اصلی نظام داوری ایکسید یعنی موضوعاتی مانند رژیم رضایت به داوری، صلاحیت موضوعی و صلاحیت شخصی ایکسید را مورد بحث قرار گرفته شده است.

۲-۱. رژیم رضایت در داوری ایکسید

نظام داوری در ایکسید با توجه به ماهیت آن (داوری دولت-سرمایه گذار) از این اصل مستثنی نیست. رژیم رضایت در داوری ایکسید در ماده ۲۵ کنوانسیون متجلی است که بر آن بر رضایت کتبی طرفین اختلاف یعنی دولت و سرمایه گذار خارجی تصریح شده است. عدم تعیین دقیق ویژگی‌های شکلی و ماهوی و چگونگی اعلام رضایت به داوری در کنوانسیون ایکسید موجب گردیده که در گذر زمان شاهد ظهور رویه‌ای باشیم که بسیاری دامنه و گسترده آن و فراتر از منظور دولت‌های متعاقد در هنگام مذاکره و تدوین کنوانسیون می‌دانند.^۱

۲-۲. «صلاحیت موضوعی» و «صلاحیت شخصی» در داوری ایکسید

منظور از کاربرد مفهوم «صلاحیت» برای مرکز، تعیین حد و مرز خارجی فعالیت‌های بخش‌های معاهده‌ای ایکسید دارای دو قفل صلاحیتی^۲ است. قفل اول، مربوط به الزامات صلاحیتی معاهده دو جانبه و قفل دوم مربوط به الزامات صلاحیتی مندرج در ماده ۲۵(۱) کنوانسیون در ارتباط با نوع اختلافات می‌باشند.^۳

دیوان‌های ایکسید در چندین قضیه با استناد به اینکه کنوانسیون عمدا سرمایه گذاری را تعریف نکرده و آن را به رضایت طرفین واگذار کرده است، بیشتر تمایل داشتند که سرمایه‌گذاری را صرفاً از منظر رضایت به داوری ایکسید ببینند و به عبارتی دیگر، شرط سرمایه‌گذاری را با شرایط رضایت ادغام کنند. ولی در مجموع، گرایش غالب همچنان معیار دوگانه است.^۴ هنگامی که طرفین رضایت خود را اعلام کردند، نمی‌توانند به طور یک جانبه آن را پس بگیرند. این بدین معنی است که دیوان از این اختیار برخوردار است که رضایت یک طرف را در مقابل تلاش آن برای ارائه یک تفسیر محدود از رضایت خود، تفسیر نموده و صلاحیت خود را اعمال نماید.

۲-۳. نظام شناسایی و اجرای احکام ایکسید

نظام شناسایی و اجرای احکام ایکسید یکی از مختصات بارز و مهم وجه ممیزه داوری ایکسید از سایر انواع داوری‌ها، اعم از داوری موردی و سازمانی می‌باشد. به طور کلی، برای

۱. عسگری، پوریا، ۱۳۹۴، پیشین، ص ۶۰

2. Jurisdictional Keyhole

3. Todd Weiler, Investment Treaty Arbitration and International Law, JurisNet, 2008, p.120.

4. Pierre- Emmanuel Duponti, The Notion of ICSID Investment: Ongoing Confusion or Emerging Synthesis? The Journal of World Investment & Trade, Vol. 12, No.2, April 2011, pp. 251-253.

اجرای رأی داوری خارجی، در سطح کشورهای جهان سه روش متفاوت وجود دارد: روش اول، تشبیه رأی داوری خارجی به یک حکم قضایی خارجی است که در این صورت، همان شرایطی که برای شناسایی احکام دادگاه‌های دولتی خارجی مقرر است بر شناسایی احکام داوری خارجی نیز اعمال می‌شود. روش دوم، تشبیه رأی داوری خارجی به قرارداد است که در آن، رأی داور تعهدی مشابه تعهدات ناشی از قرارداد برعهده محکوم علیه ایجاد می‌کند. روش سوم، تشبیه رأی داوری خارجی به رأی داوری داخلی است که در آن، رأی داوری خارجی با همان روش اجرای رأی داوری داخلی در آن کشور که معمولاً تشریفات ساده تری نسبت به اجرای احکام دادگاه‌ها دارد، به مورد اجرا گذاشته می‌شود.^۱

۳- حقوق بین الملل و سلب مالکیت از سرمایه‌گذاران خارجی

سلب مالکیت و مصادره اموال سرمایه‌گذاران خارجی از سالیان گذشته در مرکز اختلافات دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی قرار داشته و تنها تعداد محدودی از سرمایه‌گذاران به موجب توافقی که وفق حقوق بین‌الملل با دولت میزبان منعقد نموده بودند، توانستند با مراجعه به مراجع داوری بین‌المللی از حقوق خود در مقابل مصادره و سلب مالکیت دفاع کنند. و سایرین یا به حمایت دیپلماتیک دولت متبوع خود چشم داشتند. و یا به محاکم ملی دولت میزبان پناه می‌بردند. مراجع داوری بین‌المللی نیز با توجه به موازین حقوق بین‌الملل به توصیف وضعیت و حل اختلافات میان دولت میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی اقدام می‌کنند.

۳-۱ فقدان تعریف دقیق و جامع از سلب مالکیت

به طور کلی مفهوم سلب مالکیت عبارت است از خلع مالکیت به واسطه دولت که موجب پرداخت غرامت است^۲ و یا اقدامات موردی دولت که برای سلب مالکیت از یک شخص حقیقی یا حقوقی خاص انجام می‌شود. بنابراین، می‌توان در گام نخست، سلب مالکیت را اقدامی مشروع تلقی کرد که مشروعیت آن منوط به پرداخت غرامت شده است. در فقدان تعریف دقیق و جامع، مراجع داوری با توسل به منابع و عناصر گوناگونی به اختلافات ناشی از سلب مالکیت و مصادره، رسیدگی می‌نماید که از جمله این منابع می‌توان به حقوق بین‌الملل و نیز حقوق داخلی اشاره نمود.

۳-۲ مفهوم و محتوای سلب مالکیت در معاهدات

دشواری‌های موجود در تعیین معنای دقیق مصادره و سلب مالکیت از منظر حقوق بین‌الملل، برخاسته از لحن کلی موجود در معاهدات دو جانبه و چند جانبه حمایت از سرمایه‌گذاران

۱. ر.ک: خزاعی، حسین، ۱۳۷۷، شناسایی و اجرای احکام داور بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۹، ص ۳۸-۴۴

2. Ibid., p.266.

خارجی و به تبع آن تفاوت در دیدگاه‌های مراجع داوری بین‌المللی است. معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری که طی سال‌های اخیر میان دولت‌ها منعقد شده است، نشان می‌دهد که در اینجا هم رویه دولت‌ها، همسان نیست. اما می‌توان به عنوان نتیجه، قائل بر آن بود که دولت‌ها به طور کلی به دنبال آن هستند که استانداردهای حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص سلب مالیکت را به نحوی در معاهدات رعایت می‌کنند.

۳-۳. مصادره و سلب مالکیت از دیدگاه استانداردهای حقوق بین‌الملل

مراجع داوری، برای درک بهتر مفهوم سلب مالیکتف به کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر که حاوی مفادی در خصوص حمایت از مالکیت هستند نیز مراجعه می‌کنند. از این میان، می‌توان به ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره نمود. بند ۲ ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره نمود. بند ۲ ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

«واحدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالیکت محروم نمود.»

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، در ماده ۲۱ مقرر می‌دارد:

۱- هر کس حق دارد که از دارایی خود استفاده کند و برخوردار شود. قانون می‌تواند چنین استفاده‌ای را تابع مصلحت جامعه نماید.

۲- هیچ کس از دارایی و اموال خود جز با پرداخت غرامت عادلانه براساس نفع عمومی یا مصلحت اجتماعی، و به نحوی که قانون مقرر کرده است، محروم نخواهد شد...»

۳- ماده ۱ نخستین پروتکل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بیان می‌دارد:

۴- «حمایت از مالکیت: هر شخص حقیقی می‌تواند به صورت مسالمت آمیز از مایملک خود بهره‌مند شود. هیچ کس از دارایی خود محروم نمی‌شود مگر بنا به منافع عمومی و مشروط به شرایطی که قانون مقرر می‌کند و نیز اصول کلی حقوق بین‌الملل...»

۴. حقوق بین‌الملل و مشروعیت سلب مالکیت از سرمایه‌گذاران خارجی

حمایت از مالکیت خصوصی، همواره در حقوق بین‌الملل وبه ویژه در حوزه استانداردهای رفتار با بیگانگان مطرح بوده است.^۱ حمایت از دارایی‌های بیگانگان در مقابل مصادره، برای سالیان مدیدی در محور مباحث حقوق بین‌الملل قرار داشت و به همین دلیل است که کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در تدوین حقوق مسؤولیت بین‌المللی نیز در تدوین حقوق مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها، توجه ویژه‌ای به مسؤولیت دولت به هنگام اضرار به افراد و اموال بیگانه داشته است.^۲

1. De sobla claim (Usv..panama). Award.29June 1933..6 UNRIAA.P366.

2. UN Doc.A/CN.4/119. Yearbook of International Law Commission.1959. Special

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه‌هایی که در خصوص حاکمیت بر منابع طبیعی صادر نموده، شروط فوق‌الذکر را مدنظر قرار داده است. برای مثال، قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی که در سال ۱۹۶۲ در خصوص حاکمیت دائمی ملت‌ها بر منابع طبیعی صادر شده است، مقرر می‌دارد:

« ملی سازی، مصادره یا سلب مالکیت باید بر مبنای یا دلایل اهداف عمومی و منافع ملی یا امنیتی که به وضوح از منافع شخصی و خصوصی داخلی و خارجی اولی‌تر هستند، بنا شده است. در چنین مواردی، طبق قواعد لازم‌الاجرای کشوری که در اعمال حاکمیت خود، دست به این اقدامات زده و وفق حقوق بین‌الملل، باید غرامت مناسب به مالک پرداخته شود»^۱.

۴-۱. مشروعیت سلب مالکیت در معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری

بی‌تردید، معاهدات دو جانبه و چند جانبه حمایت از سرمایه‌گذاری، بیش از هر چیز دیگر، منعکس‌کننده دیدگاه‌های غربی هستند و به همین دلیل در اغلب معاهدات دو جانبه و نیز منشور انرژی یا پیمان نفتا، مقرراتی به چشم می‌خورد که حاوی تجویز سلب مالکیت از اتباع طرف دیگر معاهده است. البته سلب مالکیت، در صورتی مجاز شمرده شده که غیر تبعیض‌آمیز و در راستای اهداف عمومی بوده و همراه با پرداخت غرامت باشد. در برخی از معاهدات نیز، شرط قانونی بودن به عنوان شرط چهارم مشروعیت سلب مالکیت، لحاظ شده است.^۲

۵. تبیین جایگاه حقوق بین‌الملل در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی

امروزه داوری اختلافات میان سرمایه‌گذاران خارجی و دول میزبان آن‌ها، تا حدود زیادی در ساز و کار طراحی شده در کنوانسیون ایکس‌بی‌دی متمرکز شده است؛ ولی بررسی رویه داوری در گذشته مشخص نموده که هر چند حجم عمده‌ای از داوری اوراق بازرگانی بین‌المللی یا حتی داوری‌های موردی تحت قواعد آنیسترال نیز هنوز در پرونده‌های متعددی به حل و فصل اختلافان ناشی از سرمایه‌گذاری می‌پردازند. شاید این طور تصور شود که داوری‌های خارج از نظام ایکس‌بی‌دی که بر مبنای قواعد مورد توافق طرفین و یا قواعد طراحی شده‌ای همچون قواعد آنیسترال صورت می‌گیرند، رویه داوری بین‌المللی خارج از ایکس‌بی‌دی، مبین آن است که در اختلافات ناشی از قراردادهای سرمایه‌گذاری نیز، مراجع داوری ضمن توجه به موازین مورد توافق طرفین و از جمله حقوق داخلی دولت میزبان، استانداردها و قواعد حقوق بین‌الملل را به ویژه در حوزه‌های حمایت از سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران خارجی و سلب مالکیت اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، به کار می‌گیرند.

Raooprters 4th Reoprt on State Responsibility.

1. Un Doc A/res/1803(xvii).General Assembly Reslution on permanent Sovereignty over Natural Resources.14 Desources.14 December 1962.para.4.

2. Peter T. Mughtinski.Multinational Enterprises & The Law.2nd Edition.Oxford.2007.p.692.

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت، معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری که در سال‌های اخیر منعقد شده‌اند، سرمایه‌گذاری را شامل موارد ذیل می‌دانند: اموال منقول و غیرمنقول، سود شرکت‌ها، دعاوی پولی و اجرایی دارای ارزش اقتصادی، حقوق مالیکت فکری و حق امتیازهای منشعب از حقوق عمومی. بنابراین، دیوان باید برای تشخیص و تعیین سرمایه‌گذاری، خصیصه اقتصادی مجموعه اقدامات سرمایه‌گذار را مدنظر قرار دهد. همچنین باید کلیت یک سرمایه‌گذاری، ملاک تشخیص باشد. همچنین، از نظر مراجع داوری، در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، تفکیکی میان سرمایه‌گذاری انجام شده توسط سرمایه‌گذار یا سلف وی وجود ندارد. اکثر قریب به اتفاق معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، حاوی قواعد همسان و یک شکلی هستند و بی تردید، تفاوت‌هایی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد. توجه به شباهت‌های موجود در معاهدات سرمایه‌گذاری، در وهله نخست هر خواننده‌ای را بر آن می‌دارد تا معنای یکسانی را بر عبارات مشابه و یا بسیار نزدیک مندرج در معاهدات گوناگون، بار نماید مگر آنکه حکم دیگری از اوضاع و احوال حاکم بر آن معاهده، قابل استخراج باشد. در کاربرد این رهیافت، همواره باید سایر قواعد تفسیر را به خاطر داشت و لازم است تا هر معاهده را با توجه به سیاق آن و موضوع و هدف آن مورد تفسیر قرار داد؛ زیرا محتمل است عبارتی که در سیاق یک معاهده معنای خاصی دارد. در سیاق معاهده‌ای دیگر معنای کاملاً متفاوتی داشته باشد. به همین دلیل است که مراجع داوری بین-المللی اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری تمایل چندانی به پیروی از رویه‌گات یا سازمان جهانی تجارت از خود نشان نمی‌دهند.

به طور کلی رایج‌ترین شکل حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، داوری است و امتیاز مهم این شیوه در مقایسه با توسل به حمایت دیپلماتیک آن است که عوائد دعاوی مربوط به خود مدعیان خصوصی است. داوری، بیشتر بعد از جنگ‌های جهانی متداول بوده و کشورهای فاتح طی عهدنامه‌هایی که با کشورهای مغلوب منعقد می‌کردند، هیأت‌های داوری مختلط تاسیس می‌نمودند و اتباع آن‌ها حق داشتند دعاوی خود را علیه کشور مغلوب نزد هیأت داوری مربوط مطرح سازند. در دهه ۱۹۶۰، کنوانسیون واشنگتن به تصویب دولت‌ها رسید و به موجب آن مرکز داوری حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع سایر دول (ایکسید) تاسیس شد. بنابراین، اختلافات قراردادی میان دولت میزبان و سرمایه‌گذاران خارجی، تنها در حوزه حقوق داخلی آن دولت قابل طرح بود.

مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (ایکسید) یک نهادی اداری است که تسهیلات لازم برای حل و فصل اختلاف سرمایه‌گذاری از طریق سازش یا داوری را ارائه می‌کند. این مرکز یک دیوان داوری یا دادگاه بین‌المللی نیست که رأساً در سازش یا داوری درگیر

شود بلکه خدماتی را برای این منظور ارائه می‌کند. بنابراین منظور از کاربرد مفهوم «صلاحیت» برای مرکز، تعیین حد و مرز خارجی فعالیت‌های بخش‌های معاهده‌ای ایکسید دارای دو قفل صلاحیتی است. به طور کلی برای اینکه رأی داوری در کشور خارجی قابلیت اجرا پیدا کند باید شرایطی را مطابق نظام حقوقی کشور محل اجرای رأی دارا باشد. معمولاً در قوانین ملی کشورها، موانعی بر سر راه اجرای احکام داوری وجود دارد که به طور عمده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. الف) عدم رعایت شرایط دادرسی؛ ب) مغایرت حکم با نظم عمومی؛ ج) داور یا داوران خارج از حیطه صلاحیتی خود رأی داده باشند؛ د) عدم اهلیت طرفین دعوی؛ ه) رأی داوری هنوز برای طرف‌ها لازم‌الرعایه نشده یا توسط مرجع صالح یا به موجب قانون کشوری که حکم در آن صادر شده نقض شده یا به حالت تعلیق درآمده باشد.

به طور کلی، در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است که سلب مالکیت تنها در مواردی که دولت، به گرفتن اموال خصوصی اقدام می‌کند محقق نمی‌شود، بلکه وقتی از دولت سالب مالکیت، به شخص حقیقی یا حقوقی دیگری نیز مالکیت را واگذار می‌کند، سلب مالکیت محقق شده است. بنابراین، نباید اینگونه تصور شود که عدم توفیق دولت‌ها در انعقاد یک کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بوده است، بلکه به نظر می‌رسد کشمکش‌های سیاسی در مورد حدود و ثغور حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، سد راه اصلی در نیل به این مقصود باشد. همچنین عقیده غالب بر آن است که شکست مذاکرات در چارچوب سازمان جهانی تجارت نیز بیشتر از آنکه به مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری ربط داشته باشد، به سایر مسائلی مربوط بوده است که ارتباط مستقیمی به سرمایه‌گذاری خارجی خصوصی نداشته‌اند.

فهرست منابع

۱. عسگری، پوریا، ۱۳۹۴، حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی، تهران، انتشارات شهر دانش، ص ۸۴.
۲. جلالی، محمود، ۱۳۸۹؛ حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری از طریق داوری ایکسید و ضرورت الحاق ایران، مجله تخصصی هیات و حقوق، مجله حقوقی، ش ۵.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۴، حقوق معاهدات بن‌المللی، کتابخانه گنج دانش چاپ دوم، صص ۳۱۸-۳۴۸.
۴. محبی، محسن، ۱۳۸۳، دیوان داوری ایران - ایالات متحده آمریکا، ترجمه حبیبی مجنده، نشر فردا، صص ۵۱-۲۱.
۵. خزاعی، حسین، ۱۳۷۷، شناسایی و اجرای احکام داور بین‌المللی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۹، ص ۳۸-۴۴.
6. Redfern .Alan and M. Hunter, Law and practice of International Commercial Arbitration, Sweet and Maxwell, ۲۰۰۴ P12.
7. De sobla claim(Usv..panama) .Award.29June 1933..6 UNRIAA.P366.
8. UN Doc.A/CN.4/119. Yearbook of International Law Commission.1959. Special Raoprters 4th Reoprt on State Responsibility.
9. Un Doc A/res/1803(xvll).General Assembly Reslution on permanent Sovereignty over Natural Resourecs.14 Desources.14 December 1962.para.4.
10. Peter T. Muchtinski.Multinational Enterprises & The Law.2nd Edition.Oxford.2007.p.692.
11. Rudolf Dozer and Christoph Schreuer, principles of International Investment Law,Oxford,2008, p.60
12. Kenneth J. Vandevelde, Bilatral Investment Treaties: History , policy and Interpretation ,Oxford,2010,p.122
13. Salini Costruttori S.P.A.v Morocco ICSID Case No. ARB/00/4,Decision on Jurisdiction 23 JULY 2001.
14. IESI S.P.A.et ASTALDI S.P.A.v.Algeria, ICSID case NO.ARB/05/3, Decision on Juridicition, 12 July 2006.
15. Canfor corporation v. US.Terminal Forest Products Ltd v. US.

- UNCITRAL Order Of the Consolidation Tribunal.7 2005 .para 59.
16. Methanex v. USA.UNCITRAL. Preliminary. Award On Jurisdiction 7August 2002.paras.103-105
17. Aguas del Tunari S.A.v Republic Of Bolivia. ICSID Case No. ARB/02/3 Decision on jurisdiction 21Octobr 2005.para91.
18. Eureko B.V.v.Republic of Poland. Partial Award.19August 2005.para.243.
19. Todd Weiler, Investment Treaty Arbitration and International Law, JurisNet, 2008,p.120.
20. Pierre- Emmanuel Duponti, The Notion of ICSID Investment: Ongoing Confusion or Emerging Sysnthesis? The Journal of World Investment & Trade, Vil. 12, No.2, April 2011, pp. 251-253.
21. Peter T. Muchtinski.Multinational Enterprises & The Law.2nd Edition.Oxford.2007.p.692.

کاربست اخلاقی کیفری در ضمانت اجرای نقض اسرار تجاری از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و آمریکا

علی بیگزاده^۱

جعفر کوشا^۲

سیدباقر میرعباسی^۳

چکیده

اسرار تجاری از شاخه‌های ارزشمند مالکیت فکری هستند که مانند اموال مادی نیازمند حمایت در برابر هرگونه تعرض و تجاوز اشخاص می‌باشند. بنابر این حفظ و صیانت از اسرار تجاری، غالب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را به تدوین قواعد حقوقی خاص ناظر به حمایت کیفری از این دارایی بسیار ارزشمند سوق داده است. در این مقاله پس از بیان کلیاتی از مالکیت فکری، اسرار تجاری و مالیت آن، و برخی مفاهیم مرتبط با این موضوع پرداخته شده است و در نهایت ارزیابی حمایت کیفری از اسرار تجاری از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است و هدف این مقاله مقایسه حمایت کیفری از دیدگاه فقهای امامیه، حقوق ایران و آمریکا است که نتایج آن حاکی از این است که مخالفت برخی از فقها با اصل حمایت از مالکیت فکری فاقد استدلال قانونی بوده و همچنین بطور صریح هم به حمایت کیفری توجه نداشته‌اند و موضع حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا نسبت به حمایت همه جانبه از اسرار تجاری ناکارآمد و ضعیف می‌باشد.

واژگان کلیدی

حقوق مالکیت فکری، اسرار تجاری، نقض، ضمانت اجرای کیفری.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

Email: ali.bigzadeh1@gmail.com

۲. استاد راهنما و استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران.

Email: alirezarostami364@gmail.com

۳. استاد مشاور و استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Email: mirabbasi@ut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۹

طرح مساله

در دنیای کنونی دارایی‌های فکری ارزشمندترین دارایی محسوب می‌شوند و بعنوان یک شاخه مهم از دانش حقوقی جایگاه مهمی در بین سایر رشته‌های حقوق پیدا نموده است. علیرغم اینکه هرگاه در ابتدای سخن از دارایی، ذهن انسان خود بخود به سمت دارایی‌های عینی و ملموس همچون زمین، پول و ... سوق پیدا می‌کند. اما در هزاره جدید، علی‌رغم اینکه مالکیت‌های فکری فاقد جنبه عینی و ملموس هستند، دارای ارزشی فراتر از مالکیت‌های عینی می‌باشند. حقوق مالکیت فکری از شاخه‌های نوین حقوقی است که ناشی از هنر، ابتکار و خلاقیت انسان است و حجم وسیعی از قوانین و رویه محاکم در سطح ملی و انبوهی از اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه فراملی نشان از اهمیت آن است.

بطور کلی، می‌توان مالکیت فکری را به مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی - هنری تقسیم نمود و هر کدام از این شاخه‌ها خود دارای مصادیق متعددی می‌باشند. در این مقاله اسرار تجاری را که یکی از مصادیق مهم مالکیت صنعتی است و با توجه به نقض و اجمال حقوق ایران در خصوص حمایت‌های کیفری از اسرار تجاری و دیدگاه برخی فقهای امامیه به مالیت اسرار تجاری بدون پرداختن به حمایت کیفری از این شاخه مهم از حقوق مالکیت فکری و از طرفی دیگر ناکارآمدی حقوق موضوعه ایران در حمایت همه جانبه از اسرار تجاری، سوال مطروحه در مقاله حاضر این است که؛ موضع فقه اسلامی، حقوق موضوعه ایران و آمریکا در خصوص حمایت کیفری از اسرار تجاری چگونه است؟ که مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی در جهت پاسخ - گویی به این پرسش سامان یافته است.

با این توضیح، هدف مقاله حاضر، بررسی و مقایسه دیدگاه فقهای امامیه، قوانین و مقررات موضوعه ایران با آمریکا در زمینه حمایت کیفری از اسرار تجاری بعنوان یکی از مصادیق مهم ارزشمند مالکیت صنعتی، به منظور شناخت کاستی‌ها و مغایرت‌های دیدگاه‌های فقهای، قوانین ایران و آمریکا در این شاخه مهم از دانش حقوقی است. بدین ترتیب قبل از ورود به بحث ضمانت اجراهای کیفری به بررسی برخی از مفاهیم این دسته از مقررات بنا به اهمیت موضوع پرداخته می‌شود.

مالکیت فکری

بهتر است قبل از پرداختن به مفهوم مالکیت فکری نگاهی هم به موضوع مالکیت داشته باشیم، بطور کلی مالکیت، رابطه‌ای اعتباری است که بین شخص و شیء مادی تصور می‌شود و در اصطلاح حقوقی، مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قانون، تصرف در مالی را به خود اختصاص داده و به هر طریق که مایل است از تمام منافع آن استفاده

ببرد، با توجه به حدود و شرایط مندرج در مواد ۳۰^۱ و ۱۳۲ قانون مدنی^۲ و اصل ۴۰ قانون اساسی^۳ جمهوری اسلامی ایران اهمیت مالکیت بیان شده است. (آقایی، ۱۳۸۲: ص ۱۶) و اینکه حقوق باید از مالکیت اشخاص بر حسب مورد و به انحاء گوناگون حمایت و صیانت نماید. در اینجا اشاره به تئوری «جرمی بنتام» خالی از لطف نمی‌باشد: نمی‌باشد «مالکیت و حقوق با هم متولد می‌شوند و با هم می‌میرند و قبل از ایجاد، حقوق مالکیت و اموال نیز وجود نداشته است (Bentham, 1975: P. 69) برخی از حقوق دانان بیان نموده‌اند: «مالکیت حق استعمال و بهره‌برداری و انتقال یک چیز به هر صورت از سوی مالک در ملک و مال خود است، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۳۱۵۲). بر این اساس مضمون مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی نیز در همین راستا می‌باشد.

بنابر این حقوق مالکیت فکری موضوعاتی را شامل می‌گردد که حاصل تراوشات فکری انسان است علیرغم اینکه موضوع این شاخه مهم از حقوق ذاتاً غیر ملموس می‌باشد اما در واقع ماحصل دانش و اطلاعات انسانی و دارای ارزش اقتصادی است.

بنابر این قلمرو مالکیت فکری شامل تمام چیزهایی است که در دنیای کنونی بعنوان اموال فکری و دارای قابل شناسایی می‌باشند و تلاش بشر این است که از این اموال فکری بهره برداری مادی نماید مانند اسرار تجاری و علائم تجاری و ... که از مصادیق حقوق مالکیت صنعتی می‌باشند.

اسرار تجاری

از مصادیق مهم مورد حمایت مقنن در مالکیت صنعتی، اسرار تجاری است. اسرار تجاری به عنوان دانش فنی و گردآوری اطلاعات مورد استفاده‌ای است که در انجام و اجرای فعالیت‌های صنعتی خاص و یا توسعه فنون سودمند یک هدف صنعتی ضرورت دارد (میرحسینی، ۱۳۹۳: ص ۲۳۵).

اسرار تجاری به عنوان شکل یا نوعی از اطلاعات تجاری با ارزش است که مالک، آن را با یک معیار معقول محفوظ نموده، دارای ارزش اقتصادی و امتیاز بالقوه‌ای برای دارنده آن در امر تجارت است و تلاش متعارف و معقولی برای پنهان داشتن و عدم دسترسی به آن صورت

۱. ماده ۳۰ قانون مدنی: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد»

۲. ماده ۱۳۲ قانون مدنی: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.»

۳. اصل چهارم قانون اساسی: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.»

می‌گیرد. بر این اساس اسرار تجاری به هر نوع اطلاعاتی اطلاق می‌شود که دارای ارزش اقتصادی بوده و دارنده جهت جلوگیری از افشای آن تدابیر خاصی را اندیشیده باشد به عنوان مثال اسرار تجاری می‌تواند فرمول یک ترکیب غذایی یا شیمیایی یا لیست مشتریان یک بنگاه تجاری باشد مانند فرمول کوکا کولا (Coca-Cola). (Jarrett and Chandler, 2013: P. 8). بنابراین مال شامل پول و تمامی اشکال دیگر ثروت اعم از ملموس و غیر ملموس است. مانند سرمایه در جریان و دارائی‌های فکری که شامل سرمایه‌هایی است که از لحاظ عینی فاقد وجود خارجی بوده و سرمایه در جریان شامل اموالی است که جنبه ملموس و مادی دارند و به صاحب آن حقوقی اعطا می‌کند که در صورت تعرض از ناحیه دیگران در دادگاه قابل استیفاست (Elliott and Quinn, 2006: P 188). از طرفی دیگر اسرار تجاری به رازی که برای مالک آن امتیاز بالقوه یا بالفعل در امر تجارت محسوب می‌شود و دارنده این امتیاز باید با اقدامات متعارف از آن محافظت نماید، تعریف شده است (Gesmer, 1990: p. 2). بنابراین تمام کسب و کارها برای خود اسراری دارند که باید برای جلوگیری از افشای آن توسط عموم تدابیری فراهم نمایند. برخی از صاحبان این کسب و کارها زیرکانه به اهمیت این اسرار پی برده و راهکارهای دقیق و جامعی را برای تضمین حمایت از آنها در مقابل هرگونه افشایی که به ضرر آنان باشد، تمهید می‌نمایند. از طرفی برخی فقهای امامیه در مال بودن آنچه حاصل تلاش و فکر انسان است مانند اسرار تجاری اختلافی ندارند. و هرچیزی که قابلیت تملک داشته باشد را مال نامیده- اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ص ۶۳۶). یا «المال ما یبذل بازائه المال» یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. اما بهتر است بیان شود که: مال چیزی است که نزد مردم مطلوب باشد و بطور مستقیم و یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می‌کند (محقق داماد، ۱۳۹۶: ص ۱۴۷). در تعریفی دیگر مال چیزی است که به علت منافع واقعی یا اعتباری آن، مورد رغبت عقلا واقع شده و در مقابل آن نقدینه یا چیز دیگری می‌پردازند (گرجی، ۱۳۶۹: ص ۳۱۱). از میان معانی فوق کلمه «مال» چیزی است که دارای ارزش اقتصادی بوده و پرداخت پول یا کالای با ارزش دیگری در مقابل آن، شرعاً و عقلاً جایز است. بر این اساس اسرار تجاری که در شرایط کنونی نقش مهمی در شکوفایی اقتصادی و رشد نظام رقابت تجاری دارد مانند سایر اموال دارای ارزش اقتصادی و دارای مالیت می‌باشد.

از طرفی دیگر با توجه گذشت زمان و تحول ثروت و مال، احتمال اینکه چیزی قبلاً مال محسوب شده اما امروزه دیگر ارزش مال بودن نداشته و آن چیزی که قبلاً مال نبوده اما امروزه با توجه به شرایط کنونی مال به حساب آید و از طرفی دیگر اموال آینده هم هنوز ناشناخته می-باشند (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ص ۲۲۷).

عنوان‌های مشابه برای نقض این شاخه از حقوق مالکیت فکری، سرقت اسرار تجاری،

«جاسوسی اقتصادی» و مانند آن بعضاً در نوشته‌های حقوقی دیده می‌شود و با آنکه قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲، عنوان نقض اسرار تجاری بکار برده ولی باید گفت نقض خود یک رفتار است و به ویژگی چیزی تعلق می‌گیرد. در این جا ویژگی اسرار تجاری محرمانگی آنهاست و این محرمانگی است که در اصل نقض می‌گردد نه خود اسرار. شاید عنوان افشای سیر صحیح‌تر باشد اما نقض آن دارای مفهوم نیست و عنوان این بند از این جهت انتخاب شده است که افشاء، سرقت، یا جاسوسی نسبت به اطلاعات نهانی تجاری به جهت از میان انداختن محرمانگی آنها چهره سرزنش آمیز به خود می‌گیرد. بنابر این در مال بودن اسرار تجاری تردیدی وجود ندارد و همچنین بنابه تعریف برخی از فقها در مال بودن اسرار تجاری تردیدی وجود ندارد و کالاهای فکری نیز همانند کالاهای مادی و ملموس موجد حق مالکیت است و امروزه بعنوان مهمترین دارایی شناخته شده و تمامی حقوقی که سایر دارایی‌های ملموس دارند در اسرار تجاری نیز قابل تسری است.

موضع فقها در مورد مالکیت فکری

حال که به موضع قوانین موضوعه ایران و آمریکا در مورد اسرار تجاری بعنوان یکی از شاخه‌های مهم دانش حقوق پرداختیم، موضع فقها را در این مورد و بطور کلی در رابطه با مالکیت فکری به نظرات موافقان و مخالفان می‌پردازیم. با توجه به اینکه مالکیت فکری بطور اعم و اسرار تجاری مورد نظر نگارنده در مقاله حاضر از لحاظ فقهی از مباحث مستحدثه می‌باشد ابتدائاً به چند مورد از دیدگاه مخالفان و بعد به دیدگاه موافقان می‌پردازیم.

موضع مخالف مالکیت فکری

امام خمینی (ره) به ناسازگاری مالکیت فکری با قاعده تسلیط اعتقاد داشتند و در این راستا چنین فرمودند: در مالکیت فکری از جمله حق تالیف و حق اختراع را قبول نداشتند و آنچه نزد برخی «حق طبع» نامیده شد بعنوان حق شرعی رد نمودند و منع تسلط مردم بر اموالشان را بدون هیچ گونه عقد و شرطی جایز نمی‌دانستند و صرفاً با نوشتن حق چاپ محفوظ است چیزی را موجب نمی‌شود و برای دیگران هم طبع و تقلید را جایز است (موسوی خمینی، ۱۴۰۹ ق: ص ۶۲۵). در توجیه این نظریه شارع تحریر الوسیله عدم اتفاق نظر عقلاء را بیان فرمودند یعنی به مجرد چاپ کتاب برای صاحب چاپخانه حقی ایجاد نمی‌شود و همچنین توافق عقلاء بر منع تقلید قطعیت پیدا نکرده و عقلاً تقلید در امور صنعتی و ساختن شیء از روی نمونه را نفی کنند و چاپ کتاب نیز این جریان خارج است اما دیدگاه امام (ره) اگرچه نسبت به حق مادی پدیدآورنده موضعی منفی است اما در مورد حق معنوی مولف در استعلامی که از ایشان بعمل آمد تحریف کتاب و استفاده غیرمجاز از آن را جایز نمی‌دانستند.

برخی دیگر از فقها در توجیه اینکه مالکیت فکری از طرف شارع امضا و اعتبار نشده است

آن را از لحاظ شرعی قابل حمایت نمی‌دانند. آیت الله صافی گلپایگانی در این مورد چنین بیان می‌کند: «حق طبع، حق تالیف و حق اختراع را به مفهوم قوانین موضوعه جدید با احکام و نظامات اسلامی قابل تطبیق نمی‌داند علیرغم اینکه در زمان شارع نیز تالیف، اختراع و ابتکار نیز وجود داشته است اما برای مبتکر، مخترع و محقق حقی اعتبار نشده و بنا بر عدم اعتبار بوده است ولو به این معنا که چون مورد توجه نبوده است آثار مترتب بر آن مشروعیت نداشته؛ شارع هم با عدم تشریح این حق روش عرف را امضا فرموده است. بطور کلی مشروعیت حقوق مالکیت فکری را ثابت نمی‌داند هر چند ترتب برخی از آثاری که بر این حقوق مترتب می‌گردد به طور شرط ضمن عقد امکان‌پذیر است، اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوی این حقوق دارند با شرط قابل تأمین نمی‌باشند (اصغری اقمشهدی، ۱۳۹۱: صص ۳۱-۳۲). استدلال مخالفان شرعی بودن حقوق مالکیت فکری از یک طرف به دلیل مغایرت آن با «قاعده تسلیط» و از طرف دیگر به نظر این عده از فقها «عدم ردع» نسبت به حقوق جاری در زمان شارع امضای آن تلقی می‌شود اما نسبت به حقوق رایج در زمانهای بعدی چنین نیست (زرکلام، ۱۳۹۳: ص ۲۴).

موضع موافقان مالکیت فکری

برخی از فقها با یک دید کلی به موضوع مالکیت فکری پرداخته‌اند و فقه و نظام فقهی را بعنوان یک کل در نظر داشته‌اند و بعنوان یک ضرورت در زندگی فردی و اجتماعی و چاره‌اندیشی جهت رفع کمبودها نگریده‌اند و با تکیه بر قاعده لاضرر و سیره عقلا به سازگاری مالکیت فکری و فقه اعتقاد داشته‌اند. بعنوان مثال آیت الله الظمی سید علی خامنه‌ای مالکیت فکری را بطور کلی امری شرعی می‌دانند و نقض آن را بدون اجازه پدیدآورنده جایز نمی‌دانند هرچند اعتقاد به حق انحصاری پدیدآورنده آن دارند اما دلیلی برای آن ذکر ننموده‌اند (نقیبی، ۱۳۸۶: ص ۲۷۲).

لذا مصالح مرسله که یکی از منابع در فقه اهل سنت می‌باشد احترام به مالکیت فکری، بنابر مصلحت اندیشی با تصرفات و مقاصد شرع مقدس همخوانی دارد ولی دلیل مشخصی از طرف دین در الغا یا اعتبار آن به دست ما نرسیده است، بنابر این اگر مجتهد نظیر واقعه مورد نیاز خود را در شریعت بیابد به قیاس و در غیر این صورت به مصالح مرسله پناه می‌برد (نقیبی، ۱۳۸۶: صص ۴۰-۴۱). براین اساس دیدگاه‌های موافق با مالکیت فکری با نقاط قوت و ضعف خود با توجه به شرایط کنونی و به لحاظ ماهیت متغییر آن، احکام و قوانین نیز می‌توانند متغییر باشند شکل گرفته است و بعنوان احکام ثانوی که شارع مقدس وضع قواعد مناسب با اوضاع و احوال و شرایط زمانی و مکانی با رعایت چارچوب معین، به عهده ولی امر گذاشته شده است و شاخه مالکیت فکری نیز مانند سایر پدیده‌های حقوقی دارای ثبات و دوام نخواهد بود و اقتضائات زمانی آن را دچار دگرگونی می‌کند و به تبع آن دیدگاه‌های موافق فقها در وضع مقررات و قوانین مرتبط

در ثبات حقوق مالکیت فکری در ساختار حقوق و نهادهای مرتبط سرنوشت ساز می‌باشد. حضرت آیت الله جعفر سبحانی چنین بیان فرمودند: « در باره حق ... و حق امتیاز و مشابه آنها، هر نوع عملی که در نظر عرف و عقلاً منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم است و شرعاً حرام می‌باشد (نظرزاده، ۱۳۹۰: ص ۲۱۷).

آیت الله فاضل لنکرانی مطابق بنای عقلاً، حقوق مالکیت فکری را قابل حمایت و شرعی می‌داند و چنین بیان می‌دارند که حقوق مالکیت فکری از نظر عقلاً حقی شناخته شده و آثاری بر آن مترتب است و تا زمانی که دلیل شرعی بر نفی حق بودن آن نباشد نمی‌توان آن را نفی کرد و ادله‌ای مانند « الناس مسلطون علی اموالهم » نمی‌تواند نافی حق بودن آنها باشد. (لنکرانی، ۱۳۷۹: ص ۴۰۲).

آیت الله ناصر مکارم شیرازی در مشروعیت حقوق مالکیت فکری چنین بیان می‌کنند: « حق طبع، تالیف و اختراع و مانند آن یک حق شرعی و قانونی است و اهمیت آن کمتر از مالکیت عینی نیست و باید به حقوق مالک آن احترام گذاشت و در عصر کنونی این حق عرفاً و عقلاً به رسمیت شناخته شده است و بدون شک اگر کسی آثار فکری دیگری را بدون اجازه مالک آن، نادیده بگیرد ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است. و مرتکبان این اعمال غیرقانونی ضامن هستند (www.Portal.anhar.ir). آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی یکی دیگر از فقهای معاصر بطور کلی در حقوق مالکیت فکری چنین اعتقاد دارند که حق مالکیت فکری را مشروع دانسته و هر نوع بهره برداری غیر مجاز از حاصل کار پدیدآورندگان آنها را حرام و غصب و معاملات راجع به حقوق پدیدآورندگان را فضولی تلقی کرده و حمایت از آن را لازم شمرده‌اند (زرکلام، ۱۳۹۳: ص ۲۵). آیت الله محمد یزدی در زمان تصدی ریاست قوه قضاییه در سالهای ۱۳۶۸ - ۱۳۷۸ به تمامی همکاران قضایی خود در خصوص نقض آثار ادبی و هنری و اختراعات و ... در حمایت از خالقان آثار فکری، اعمال قوانین و مقررات موضوعه در حمایت از مالکان آثار فکری تجویز نموده بود (آیتی، ۱۳۷۵: ص ۵۲).

بنابراین اسرار تجاری بطور اخص در مقاله حاضر، بعنوان یک ضرورت شناخته شده و نیاز جوامع امروزی می‌باشد و در عرصه رقابت، کسب و کار و تبادلات تجاری و بازرگانی دولتها دارای اهمیت زیادی می‌باشد و از مقوله‌هایی است که حمایت از آن اجتناب ناپذیر است. از طرفی دیگر قلمرو و نقش اسرار تجاری و حمایت از آن نیز در عصر معاصر نظر فقها را بخود جلب نموده و علیرغم اینکه در برهه‌ای از زمان برخی از فقها مخالف آن بودند اما اغلب فقهای معاصر حمایت از این شاخه از دانش حقوقی جهت توسعه و پیشرفت علم و تکنولوژی اصلی ضروری و اجتناب ناپذیر دانسته و حتی حکومت اسلامی را موظف به رعایت حقوق افراد مرتبط با این شاخه حقوقی می‌دانند بر این اساس حقوق مالکان آثار فکری در ایران از مبنا شرعی برخوردار است و

باید مطابق قوانین و مقررات محترم شمرده شود.

نباید ناگفته گذاشت که در قوانین و مقررات ما که بر گرفته از شرع مقدس اسلام بوده و قواعد مهمی مانند قاعده لاضرر و تسلیط بر آن حکومت می‌کند، نمی‌توان حق مشروع پدیدآورندگان آثار فکری را نادیده گرفت و این حقوق با نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه مخالفتی ندارد. اگر چه فقها نظر مخالف به مالکیت فکری بعنوان حق ندارند اما به تفصیل به موضوع مالکیت فکری نپرداخته‌اند و مطابق آثار آنها نمی‌توان تعریف فقهی از مالکیت فکری به دست داد و بیشتر به موضوعات آن پرداخته‌اند.

بدین ترتیب اگر اختلافاتی بین فقهای معاصر در خصوص مشروعیت و حمایت از مالکیت فکری وجود دارد اما در شرایط کنونی و اهمیت روبه‌تزايد این شاخه از دانش حقوقی، مراجع قانونگذاری و خصوصاً شورای نگهبان بعنوان نهاد کنترل کننده قانونگذاری، مشروعیت و لزوم حمایت از تمامی مصادیق مالکیت فکری بخاطر نقش و جایگاه آن در توسعه اجتماعی - اقتصادی صحنه گذاشته است. و از طرفی دیگر شش نفر از اعضای شورای نگهبان از فقهای جامع‌الشرایط می‌باشند. لذا مطابق اصول متعدد قانون اساسی و از جمله اصل چهارم: « کلیه قوانین و مقررات ... باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص مغایرت با شرع بر عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است» بنابر این تمامی مقررات و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران، دارای صبغه شرعی بوده و مغایرتی با شرع ندارند.

موضع حقوق موضوعه ایران در حمایت کیفری از اسرار تجاری

با عنایت به قوانین موجود جهت حمایت کیفری از اسرار تجاری، متأسفانه در قوانین کیفری به طور واضح و روشن اسرار تجاری را مورد حمایت قرار نداده است که حمایت از این مقوله مهم از مالکیت صنعتی نواقصی وجود دارد و اصلاح قوانین کیفری مرتبط با این موضوع برای مقابله با ناقضان اسرار تجاری مانند سایر مصادیق مالکیت صنعتی که در ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی بیان شده است ضروری بنظر می‌رسد و تا زمانی که این خلاء قانونی وجود دارد امیدی به حمایت از مالکان اسرار تجاری نیست. از طرفی دیگر در بعضی قوانین متفرقه ماند؛ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ استفاده نمود:

قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵)

از لحاظ کیفری ماده ۶۴۸ قانون مذکور، واژه اسرار را بصورت عام بیان داشته است، با توجه به محدود بودن حوزه شمول نقض اسرار که بصورت مطلق و عام بیان شده است و بیشتر به اسرار خانوادگی، دولتی، حرفه‌ای و شغلی مربوط است تا به اسرار تجاری، بنابر این عدم شفافیت برای مراجع قضایی ابهام و سر در گمی ایجاد خواهد کرد.

قانون ثبت اختراعات صنعتی، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷

متأسفانه در قانون ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی بطور واضح از اسرار تجاری حمایت بعمل نیامده است. و تنها در ماده ۶۱ این قانون به جرم انگاری حقوق ناشی از گواهینامه اختراع در ماده ۱۵ و حقوق ناشی از ثبت طرح صنعتی در ماده ۲۸ و حقوق ناشی از ثبت علامت تجاری در ماده ۴۰ بیان و جرم انگاری شده، علیرغم اینکه اسرار تجاری یکی از مصادیق مهم مالکیت صنعتی است اما در قانون ثبت اختراعات مغفول مانده است اما در ماده ۶۲ قانون مارالذکر چنین اشعار می‌دارد: «در صورت تعارض مفاد این قانون با مقررات مندرج در معاهدات بین‌المللی راجع به مالکیت صنعتی که دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها پیوسته و یا می‌پیوندد، مقررات معاهدات مذکور مقدم است» بهتر بود که مقنن حمایت از اسرار تجاری را همانند سایر مصادیق مالکیت صنعتی در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و بصورت منسجم در جرم انگاری و ضمانت اجرای کیفری آن اهتمام می‌ورزید.

به نظر نگارنده آنچه که حایز اهمیت می‌باشد این است که در مورد حمایت از اسرار تجاری که از مصادیق مهم و ارزشمند در قلمرو رقابت تجاری قلمداد می‌گردد، گر چه قانونگذار در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۷ سایر مصادیق مالکیت صنعتی از قبیل: اختراع، علائم تجاری و ... با اعمال ضمانت اجرای کیفری اسباب جلوگیری از نقض آنها را فراهم نموده اما با توجه به اهمیت روز افزون اسرار تجاری که بعضاً نقض آن موجب ضرر و زیان‌های هنگفتی برای صاحبان آن فراهم می‌نماید از دید قانونگذار مغفول مانده است و بعضاً ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده تناسبی با نقض حقوق صاحبان این حق نداشته و فاقد بازدارندگی می‌باشد و در عمل مراجع قضایی را با ابهام و سردرگمی مواجه می‌نمایند که نهایتاً به قوانین متفرقه دیگری استناد می‌نمایند و این امر در مواردی منجر به تشتت آراء خواهد شد.

قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲

در ماده ۶۴ و ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ مقررات صریحی در حمایت از رقابت مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی و فضای مجازی هر چند به صورت ناقص وضع شده غافل از اینکه هنوز حمایت از اسرار تجاری در فضای مادی به دست فراموشی سپرده شده به جز برخی قوانین آن هم بصورت مبهم به آن پرداخته شده است که این حمایت ناکارآمد تامین کننده خواسته مالکان آثار فکری نمی‌باشد. همچنین در ماده ۱۷ چنین اشعار می‌دارد: «هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصاً خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد

شد» همانطوری که مشاهده می‌شود حوزه شمول و حمایت از اسرار دیگری در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی است.

لازم به ذکر است که قانون مذکور یک قانون خاص است و تنها نقض اسرار تجاری ناظر به تجارت الکترونیک و در فضای مجازی می‌باشد و سایر اسرار تجاری خارج از موضوع قانون تجارت الکترونیکی می‌باشد. و از طرفی دیگر مطابق ماده ۷۵ قانون مارالذکر نقض اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی و به منظور رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی باشد بنا بر این در صورتی که شخصی در نقض اسرار تجاری فاقد قصد خاص رقابت، منفعت و یا ورود خسارت و ضرر به بنگاه‌های تجاری باشد از شمول قانون مذکور خارج است و ضمانت اجرای کیفری را تنها برای مستخدمان بنگاه‌های تجاری در نظر گرفته است. ایراد دیگر وارده به این قانون این است که تنها حمایت تحصیل و افشای اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی می‌باشد و سایر عناوین مجرمانه نسبت به اسرار تجاری از قبیل سرقت، تخریب و یا جاسوسی اقتصادی را تحت حمایت قرار نداده است.

رکن مادی نقض محرمانگی اسرار تجاری همان است که در ماده ۶۴ آمده است. با این حال ماده ۷۵ نیز گونه‌ای خاص از نقض محرمانگی را مطرح کرده است.

نقض محرمانگی تجاری یا افشای اسرار تجاری در قانون تجارت الکترونیک بر دو گونه است:

الف - نقض محرمانگی عام: این عنوان مجرمانه همان تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاهها و موسسات برای خود یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی است. رفتارهای فیزیکی این جرم دو تاست. یکی تحصیل که به معنی به دست آوردن اسرار است و دیگری افشا یا در دسترس عموم قرار دادن است. ملاک در دسترس عموم نبودن یکی ملاک نوعی است البته منظور عموم افراد یک جامعه نمی‌باشد بلکه عموم افراد دست اندر کار در یک حرفه و تجارت معین ملاک هستند (جاوید نیا، ۱۳۸۷: ص ۲۷۸). «مازین»^۱ حقوقدان فرانسوی بیان می‌کند که «راز میان سه نفر رازی عمومی تلقی می‌شود» (رهبری، ۱۳۹۵: ص ۱۳۵) بنا بر این ارزش اسرار تجاری به این است که محرمانه باقی بماند، رفتارهای فیزیکی فوق هر دو مثبت و آنی هستند.

ب - نقض محرمانگی خاص: مشخصه این نوع از افشای اسرار در مقایسه با نقض محرمانگی عام در وجود برخی شرایط از جمله سوء نیت خاص مرتکب است. رفتار فیزیکی این جرم البته دقیقاً همان رفتارهای جرم پیشین است؛ یعنی تحصیل و افشاء. بستر جرم نیز واحد است ولی در اینجا مرتکب باید سوء نیت خاص رقابت، منفعت، یا ورود خسارت به بنگاه‌های

1. Mazrin

تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی داشته باشد. همچنین تحصیل سر یا افشای آن باید موجب نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشای اسرار شغلی و یا دستیابی غیر مجاز گردد. بنابر این قوانین موضوعه ایران در رابطه با جرم انگاری و حمایت از اسرار تجاری بخصوص در فضای مادی و واقعی فاقد بازدارندگی می باشد و بازدارندگی تنها در صورتی به پیشگیری از جرم اشاره دارد که اشخاص را به عواقب ناخوشایند ارتکاب جرم تهدید نماید و سیاست اصلی بازدارندگی، تهدید به مجازات یا اجرای آن برای کاهش انگیزه ارتکاب جرم است، یعنی استفاده از ضمانت اجرای کفیری به عنوان بازدارنده ای که از یک طرف مانع تکرار جرم از سوی مجرم شده و از سویی دیگر انگیزه دیگران را برای ارتکاب آن جرم کاهش دهد (الهام و احمدی، ۱۳۹۶: ص ۱۳۹) از طرفی دیگر به منظور پیشگیری و بازدارندگی صرفاً تدابیر ماهوی کافی نیست بلکه باید ساختار و شیوه رسیدگی مناسب برای عملیاتی کردن و تضمین مقررات ماهوی برنامه ریزی شود که فقدان تشکیلات منسجم و قواعد حمایتی شکلی، اجرای تدابیر ماهوی را با چالش و چه بسا با شکست مواجه می سازد (نیازپور، ۱۳۹۳: ص ۱۰۱). بر این اساس هر چند قوانین ایران ضمانت اجراهای کفیری غیر کارآمد جهت حمایت از نقض اسرار تجاری پیش بینی نموده است اما قواعد شکلی حمایتی خیلی ضعیف تر می باشند. علی‌رغم اینکه راهکارهای کفیری برای مقابله با نقض اسرار تجاری در نظر فقها بیان نشده است و در قوانین ایران نیز فاقد جنبه بازدارندگی به معنای واقعی می‌باشد. بدین ترتیب ضرورتی اجتناب ناپذیر است که مقنن باید با جرم انگاری مناسب و استفاده از تجربه سایر کشورها خلاءهای موجود را جبران نماید.

موضع حقوق آمریکا در حمایت از اسرار تجاری

بموجب « قانون جاسوسی اقتصادی » در سال ۱۹۹۶ بموجب مواد ۱۸۳۱-۱۸۳۹ برای اولین بار در این کشور به موضوع نقض اسرار تجاری پرداخته شد هرچند که قبل از این تاریخ در ۱۹۰۵ در مورد افشا کردن اطلاعات دولتی و در اختیار دیگران قراردادن جرم انگاری شده بود، بموجب قانون اخیر اسرار تجاری شامل فرمول‌ها، الگو، برنامه، ابزار، شیوه فن یا فرایندی است که دارای ارزش اقتصادی، محرمانه و تحت تدابیر متعارف قرار دادن می‌باشد (Jarrett and Chandler, 2013: p. 155)

در نظام حقوقی آمریکا، در ماده (۲) ۱ قانون یکنواخت، ذیل تعریف تصاحب ناروا، صرف دستیابی به اسرار تجاری به صورت نامشروع (جاسوسی اقتصادی) سبب مسئولیت شناخته شده است. بدون آنکه شخص مرتکب از اطلاعات مذکور استفاده یا آنها را افشاء کرده باشد. به عبارت دیگر، چنانچه در اثر دستیابی نامشروع شخص به اسرار تجاری، ضرری متوجه دارنده، نشده باشد، این امر نیز مانع از مسئول شناختن فرد نخواهد بود. باید توجه داشت، چنانچه فرد با شیوه‌های مشروع به اسرار تجاری دست یافته باشد، مسئول قلمداد نخواهد شد. (دانش نازی، ساعت چی و

قبولی درفشان، ۱۳۹۲: ص ۱۱۷) بطور کلی در قانون جاسوسی اقتصادی مصادیق نقض اسرار تجاری چنین بیان شده است:

۱- سرقت، تصاحب نمودن بدون اجازه، حمل، پنهان کردن یا بدست آوردن آنها از طریق فریب و کلاهبرداری؛

۲- هر نوع کپی برداری بدون اجازه؛ تکثیر کردن، عکسبرداری، انتقال، تخریب، ارسال از طریق ایمیل و پست الکترونیکی بدون اجازه؛

۳- دریافت، خرید آن با علم به تعلق آن به دیگری؛

۴- شروع به جرم هر کدام از موارد مذکور؛

۵- تبانی و توطئه برای ارتکاب هر کدام از موارد ۱ تا ۳ (Jarrett and chandler 2013: pp. 158-159).

بنابر این در نظام عدالت کیفری امریکا انواع مصادیق نقض اسرار تجاری بخوبی روشن شده است و زمانی تحت حمایت قرار می‌گیرند که بعنوان اطلاعات باشند، دارای ارزش اقتصادی و اقدامات معقول و مناسب از جانب مالک و دارنده قانونی اسرار تجاری جهت مخفی و محرمانه نگهداشتن آنها برای محافظت صورت گرفته باشد.

با توجه به اهمیتی که در قانون امریکا برای اسرار تجاری قایل شده است نقض اسرار تجاری را بعنوان جرم مطلق در نظر گرفته، یعنی به صرف این که شخصی اسرار تجاری دیگری را بطور غیر قانونی نقض نموده و یا آن را افشا کرده باشد، بدون توجه به این که آیا این نقض موجب ضرر و زیانی به مالک آن و یا سود و منفعتی به ناقض آن یا شخص مورد نظر وی شده است یا خیر، جرم تحقق یافته تلقی می‌شود و شخص مرتکب دارای مسئولیت خواهد بود.

شرایط حمایت از اسرار تجاری در قوانین امریکا

برای اینکه اطلاعاتی بعنوان اسرار تجاری تلقی گردد و تحت حمایت قرار گیرند احراز شرایط ذیل لازم است:

۱- دارای ارزش باشد؛ اسرار تجاری باید برای دارنده آن ارزشمند بوده و در بازار کسب و کار در بین سایر دارای ارزش اقتصادی بالقوه یا بالفعل و یا دارای ارزش رقابتی باشد.

۲- محرمانه بودن اطلاعات؛ اسرار تجاری زمانی محرمانه و افشا نشده تلقی می‌گردد که مالک آن از تدابیر معقولی برای عدم دسترسی دیگران تلاش نموده باشد و جز از طریق غیرقانونی، تحصیل آن مشکل باشد.

۳- ناشناخته بودن آن از جانب دیگران؛ از دسترس عموم و سایر رقبای تجاری دور بوده و خصوصاً در بین رقبای تجاری بعنوان راز تجاری باشد و به راحتی توسط عموم قابل دستیابی نباشد.

۴- اقدامات معقول در حفظ محرمانه بودن آن؛ باید اقدامات متناسب با اسرار تجاری برای حفاظت و محرمانه بودن آن از جانب مالک و دارنده آن صورت گیرد و فاش شدن اسرار تجاری بدلیل اهمال و کوتاهی دارنده آن نباشد که این مورد می‌تواند حمایت از اسرار تجاری را کمرنگ جلوه دهد (امینی و نجفی توانا، ۱۳۹۰: صص ۱۵۷-۱۵۹) / (Jarrett and Chandler, 2013: pp 162-170)

حمایت کیفری اسرار تجاری در حقوق آمریکا

البته در قوانین برخی از کشورها مانند ایالات متحده هر نوع اطلاعات قابل ارزش تجاری مربوط به دارنده آن (مالک) که توسط عموم قابل رویت و استفاده نمی‌باشد را سیر تجاری تلقی نموده و نقض آن را جرم و دارای ضمانت اجرای کیفری دانسته است مانند: سوابق کسب و کار، مهندسی داده‌ها، اطلاعات مالی و حتی لیست مشتریان بنگاه‌ها و سرقت اسرار تجاری را ۱۵ سال حبس و ۵ میلیون جزای نقدی در صورتی به منزله «جاسوسی اقتصادی» باشد به موجب ماده ۱۸۳۱ قانون کپی رایت آمریکا، و آن زمانی است که این اطلاعات از جانب یک دولت خارجی نقض شده باشد. و در سایر موارد ۱۰ سال حبس و ۲۵۰،۰۰۰ دلار جزای نقدی در نظر گرفته شده است (ماده ۱۸۳۲ بخش ۱۸ (Jarrett and Chandler, 2013: p.8). مانند دعوای ایالات متحده در سال ۲۰۰۰ م علیه «مارتین» که لیست مشتریان «آژانس توریستی» و یا فناوری ساخت لنزهای داخل چشمی شرکت تولیدکننده آن و در مقابل لیست جراحان چشم پزشک مشتری این کالا را اسرار تجاری واجد شرایط می‌دانستند (Jarrett and Chandler, 2013: p.169). بنابراین در قانون آمریکا این رفتار مجرمانه به عنوان سرقت اسرار تجاری و در مواردی که عامل خارجی در آن دخالت داشته به عنوان «جاسوسی اقتصادی» تلقی و مجازات هر کدام به تناسب آثار آن تعیین شده است.

در نظام حقوقی آمریکا قبل از سال ۱۹۹۶ پرونده‌های اسرار تجاری توسط قوانین فدرال قابل تعقیب کیفری بود؛ قوانینی که بدون در نظر گرفتن مبانی پیچیده تجارت مدرن، وضع گردیده بودند و جاسوسی اقتصادی مشمول جرم انگاری قرار نگرفته بود. (دانش نازی، ساعت چپ، قبولی درفشان، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳) به منظور جلوگیری از سرقت اسرار تجاری و حمایت از انتقال تکنولوژی و کسب و کار و فقدان حمایت کارآمد کیفری از اسرار تجاری و نقش و جایگاه اسرار تجاری در رونق اقتصاد سیاست‌گذاران نظام حقوقی آمریکا را به تصویب قانون جاسوسی اقتصادی ۱۹۹۶ ترغیب نمود. در این قانون با رویکرد جامعی به منظور حمایت کیفری موثر در اسرار تجاری توجه دارد.

رییس جمهور آمریکا «ویلیام. جی. کلینتون»^۱ در راستای اهمیت حمایت از اسرار تجاری و در حمایت از قانون جاسوسی اقتصادی مذکور چنین بیان نمود: قانون جاسوسی اقتصادی مصوب ۱۹۹۶ به موجب مواد ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ بخش ۱۸ قانون مذکور در رابطه با اسرار تجاری، که تمامی انواع تجارت داخلی و خارجی به منظور جلوگیری از جاسوسی اقتصادی و تهدید علیه منافع ملی و حیاتی را شامل می‌شود و اعمال مجازات بر عاملان آن مورد حمایت قرار می‌دهد (Jarrett and Chandler, 2013: pp. 156-157).

مطابق آنچه در مورد اسرار تجاری و ضمانت اجرای کیفری اشاره شد چنین به نظر می‌رسد که موضوع مالکیت صنعتی که در رونق و پویایی اقتصادی مهمترین نقش را ایفا می‌کند، در جرم انگاری، شناسایی دقیق اسرار تجاری و ضمانت اجرای کیفری در نظام عدالت کیفری ایران با خلاءهای فراوانی مواجه می‌باشد و مقنن در این زمینه باید در شناسایی دقیق مفهوم اسرار تجاری و جرم انگاری آن در فضای مادی و مجازی در راستای تعهدات و اسناد بین المللی تلاش نماید. اما نظام حقوقی آمریکا با شناسایی دقیق مفهوم اسرار تجاری و اعمال مجازات‌های شدید بویژه در جاسوسی اقتصادی و حمایت کیفری مناسب در تحقق اهداف بازدارندگی ارتکاب این جرایم دارای تاثیرات بیشتری است.

تطبیق نظام‌های حقوقی ایران، آمریکا و فقه اسلامی در خصوص حمایت کیفری از اسرار تجاری

اهمیت و نقش اسرار تجاری در رونق و رشد اقتصادی و مبادلات تجاری بین دولتها در شرایط کنونی مستلزم دقت در شناخت مفهوم اسرار تجاری و به تبع آن جرم انگاری و اعمال ضمانت اجرای کارآمد و موثر به منظور بازدارندگی و تامین اهداف مجازات‌ها می‌باشد. اسرار تجاری باید در یک قانون منسجم و بصورت افتراقی تدوین شود. علیرغم تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در سال ۱۳۸۶ که صراحتاً از اسرار تجاری ذکر نشده است، ناچاراً برای شناسایی، مصادیق و ضمانت اجرای اسرار تجاری باید به قوانین مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون جرایم رایانه‌ای، تجارت الکترونیکی و ... مراجعه کنیم. بنابراین این عدم ذکر اسرار تجاری در قانون مالکیت صنعتی از ایرادات مهم به نظام عدالت کیفری ایران می‌باشد.

با توجه به اینکه از مهمترین علل و انگیزه‌هایی که اشخاص را به سمت ارتکاب این جرایم سوه می‌دهد، تحصیل مال و کسب ثروت و درآمد است که این موضوع در نقض اسرار

۱. ویلیام جفرسون "بیل" کلینتون که از ۲۰ ژانویه ۱۹۹۳ تا ۲۰ ژانویه ۲۰۰۱ ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا را بر عهده داشت.

تجاری واضح است لذا مطابق نظریه « حسابگرایی جزایی » جرمی بنتم و تحلیل اقتصادی از جرم، و سود و زیان احتمالی مورد نظر مرتکب جرم، ضمانت اجراهای کیفری در صورتی دارای بازدارندگی و پیشگیری موثر می باشند که ضرر ارتکاب جرم همواره بیشتر از منافع آن باشد (الهام و احمدی، ۱۳۹۶: ص ۱۳۸). واکنش و ضمانت اجرای کیفری علیه بزهکاران باید در راستای توجیه اهداف مجازات و دارای خصیصه بازدارندگی باشد و با تهدید به مجازات ترغیب شوند که مرتکب این جرایم نشوند (سبحانی، ۱۳۹۳: صص ۱۲۵-۱۲۲). بدین ترتیب ضمانت اجرای کیفری مندرج در ماده ۶۴۸ ق.م.ا که تا یک سال حبس و تا شش میلیون ریال جزای نقدی و ماده ۶۴ قانون تجارت الکترونیکی مجازات حبس تا دو سال و جزای نقدی ۵۰ میلیون ریال که این مبلغ با توجه به تورم و کاهش ارزش پول، میزان جزای نقدی مذکور فاقد بازدارندگی می باشد و با توجه به سودهای هنگفتی که از نقض و سرقت اسرار تجاری عاید ناقضان می گردد ناچیز و نامتناسب بوده و جرم انگاری مناسبی در رابطه با سرقت اسرار تجاری که تمامی رفتارهای مجرمانه نقض اسرار تجاری در قوانین کیفری ایران انجام نشده است و ضمانت اجراهای موجود ناکافی و بازدارندگی می باشند. بر این اساس تلاش جهت رفع این معضل و خلاء قانونی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. و تا زمانی که سیاست کیفری مشخص و مناسبی به منظور حمایت از این حق اتخاذ نگردد تحقق رشد اقتصادی و دغدغه مالکان اسرار تجاری در این زمینه حل نخواهد شد.

لیکن در نظام حقوقی آمریکا در حمایت از اسرار تجاری بعنوان یکی از ارزشمندترین دارایی‌های فکری مصادیق و مفاهیم آن کاملاً روشن شده و حقوق اسرار تجاری همانند سایر اشکال مالکیت‌های فکری تحت حمایت این نظام حقوقی قرار گرفته و هر نوع استفاده غیر مجاز با رویکردهایی برخلاف شیوه‌های تجارت صادقانه، مورد حمایت موثر و مناسب قرار گرفته است. همانطوری که بیان شد قانون حمایت از اسرار تجاری در آمریکا با شناسایی وسیعی که از مصادیق اسرار تجاری از جمله اطلاعات مشهود و نامشهود اقدام به ارائه مصادیق آن، شرایط حمایت و نحوه حمایت از آن، نسبت به قوانین ایران جامع تر و کامل تر می‌باشد. با توجه به اهمیتی که اسرار تجاری در توسعه و رشد اقتصادی دارند از ضمانت اجراهای شدیدتری در مقایسه با دولت ایران برای حمایت از مالکان اسرار تجاری پیش بینی کرده‌اند. بعنوان مثال در قانون جاسوسی اقتصادی ۱۹۹۶ با توجه به اهمیت حمایت از اسرار تجاری و شیوه ارتکاب آن بموجب مواد ۱۸۳۲-۱۸۳۱ در صورتی که جاسوسی اقتصادی به سود دولت خارجی یا به نمایندگی آنان باشد مجازات آن شدیدتر می‌باشد. لذا مشاهده می‌شود در نظام حقوقی آمریکا تناسب بین جرم و مجازات که می‌تواند بازدارندگی در پی داشته باشد مورد توجه قرار گرفته است. هرچند که در عمل تشدید مجازات و مجازات‌های کیفری بویژه حبس آثار و تبعات اقتصادی

برای دولت و سایر اشخاص دارد و حتی جزای نقدی نیز بعضاً در توان مرتکب نیست و به حبس بدل از جزای نقدی تبدیل می‌شود اما نباید صرفاً بخاطر این مسائل از ضمانت اجرای کیفری حبس یا جزای نقدی که نقش مهمی در بازدارندگی و حمایت از اسرار تجاری دارند چشم پوشی کرد، لذا برخورد قاطع و اعمال مجازات مناسب با ناقضان اسرار تجاری باعث تشویق صاحبان فکر و ایده شده که خود در رشد و توسعه اقتصادی و تجاری و تولید ثروت نقش مهمی را ایفا می‌نمایند.

بنابر مراتب فوق نظام حقوقی امریکا نسبت به نظام عدالت کیفری ایران در شناسایی و قلمرو مفهوم اسرار تجاری و اعمال ضمانت اجرای کیفری مناسب و کارآمد، نسبت به قوانین ایران منسجم تر و کارآمدتر می‌باشد. از طرفی دیگر نظام فقهی ما که ریشه آن به صدر اسلام برمی‌گردد هیچگونه منعی از استفاده و تجربه دیگران برای فراگیری علم و دانش از دیگرانرا قایل نشده است. همان‌طوریکه پیامبر اکرم - صلی الله و آله - فرمودند: «اطلبوا العلم ولو بالصین» یعنی برای تحصیل دانش و علم به دورترین نقطه سفر کردن است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ص ۲۷). بنابر این پیامبر اکرم (ص) حکمت را گمشده مومن تلقی و فراگیری آن را حتی از غیر مسلمان هم فاقد اشکال می‌داند. شایان ذکر است در صدر اسلام کشور چین نمادی از دوری راه مطرح بوده و نه نمادی از بلاد غیر مسلمان، معنای آن بیشتر واجب کفایی دانستن علم مشروع برای امور مسلمین بوده است.

نتیجه‌گیری

از جمع بندی مباحث پیش گفته، نتیجه گرفته می‌شود که مالکیت فکری بطور اعم و اسرار تجاری بطور اخص در مقاله حاضر بنابه دلایل متعدد در دنیای کنونی به یک دارایی با ارزش مالی تبدیل شده است و امروزه در رونق و توسعه تجارت و اقتصاد از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و همچنین بدلیل اهمیت رو به تزاید آن، حمایت قوانین و موافقت‌نامه‌های متعدد، توجه حقوق دانان و فقهای اسلامی را به خود جلب نموده به گونه‌ای که دیدگاه‌های مخالف و موافق در این شاخه مهم حقوق به چشم می‌خورد، لیکن اختلاف برخی از فقها در رابطه با مالکیت فکری در خصوص مالکیت آن در شرایط زمانی خاص بوده است نه در مالیت تلقی کردن این حق، و با اثبات مالیت حقوق مذکور از باب حکم حکومتی، شرعی دانسته شده است. و همان‌طوری در مقایسه قوانین و مقررات ایران با قوانین آمریکا نشان می‌دهد که در نظام حقوق مالکیت فکری ایران در رابطه با حمایت کیفری از اسرار تجاری نواقص و مغایرت‌هایی زیادی وجود دارد که بهتر است قوانین مرتبط با این شاخه مهم از دانش حقوقی مورد بازنگری قرار گیرند. بدین ترتیب مهمترین پیشنهادهاتی که مورد نظر نگارنده است شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- بر این اساس، ایران مانند سایر کشورهای پیشگام در زمینه حمایت از اسرار تجاری، علاوه بر انطباق قوانین و مقررات خود با قواعد و مقررات جهانی و معاهدات بین المللی باید برای توسعه بسترهای اجرای موثر حقوق مالکیت فکری از طریق اقداماتی نظیر تسهیل رویه‌ها و فرایندهای مختلف نظام حمایت از حقوق مالکیت فکری، تربیت و استخدام نیروهای متخصص در این رشته از دانش حقوقی و حتی تمهیداتی جهت دادرسی و رسیدگی افتراقی به دعاوی مرتبط با آن تلاش نماید.

۲- بازنگری و به روز کردن قوانین موجود مانند قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و ۱۳۸۷ و اصلاحات آن، جرم انگاری نقض اسرار تجاری، جاسوسی اقتصادی، مداخله در اسرار تجاری مسروقه در فضای مادی و حمایت همه جانبه از اسرار تجاری را مورد توجه قرار داده شود.

۳- قوه مقننه و نهادها و مراجع رسمی مرتبط، باید با همکاری اساتید دانشگاه بطور کلی و متخصصین در امر مالکیت فکری برای شناسایی و به روز نمودن این قوانین و حتی استفاده از تجربه کشورهای موفق در این زمینه تلاش مضاعف و استفاده بهینه نمایند.

از این رو بهتر است که قانونگذار ما نیز تلاش نماید با لحاظ نمودن مبانی فقهی و اسلامی در رابطه با حمایت کارآمد از اسرار تجاری که نقش مهمی در پیشرفت و توسعه تجاری، جلب سرمایه گذاری و ایجاد اشتغال ایفا می نماید، با رعایت فرهنگ، اعتقادات و عرف حاکم بر جامعه از تجربه سایر کشورها که در این زمینه موفق بوده اند استفاده نماید تا مراجع قضایی در چارچوب یک نظم حقوقی منظم در تصمیم گیری مناسب نسبت به نقض اموال و دارایی های فکری به نحو شایسته عمل نمایند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقایی، محمدعلی (۱۳۸۲)، شرح مختصر اصطلاحات حقوقی، تهران: خط سوم.
۳. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۱۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. اصغری اقمشه‌دی، فخر الدین (۱۳۹۱)، درآمدی بر حقوق مالکیت فکری، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
۵. الهام، غلامحسین و احمدی زهرا (۱۳۹۶) "بررسی ضمانات اجراهای مالی در زمینه حقوق رقابت"، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۳۱.
۶. آیتی، حمید (۱۳۷۵)، حقوق آفرینش‌های فکری، تهران: نشر حقوقدان.
۷. امینی، محمد و نجفی توانا، علی (۱۳۹۰). "حمایت کیفری از اسرار تجاری در حقوق ایران و قوانین فدرال امریکا"، مجله حقوق اسلامی، شماره ۲۹، صص ۱۵۳-۱۸۱.
۸. جاویدنیا، جواد (۱۳۸۷)، جرایم تجارت الکترونیک، تهران: انتشارات خرسندی.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۱). ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، تهران: گنج دانش.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه، قم: انتشارات آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. دانش نازی، حمید رضا، ساعت چی، علی و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۲). "مطالعه تطبیقی حمایت مدنی و کیفری از حقوق اسرار تجاری در نظام حقوقی ایران و آمریکا"، دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۴، صص ۱۰۴-۱۳۳.
۱۲. زرکلام، ستار (۱۳۹۳). حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. رهبری، ابراهیم (۱۳۹۵). حقوق اسرار تجاری، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. سبحانی، مهین (۱۳۹۳) "بازدارندگی حقوق بین الملل کیفری و تاثیر آن در جوامع انتقالی"، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۱۹.
۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). موجبات ضمان درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، تهران: نشر میزان.
۱۶. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). مقالات حقوقی، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. لنکرانی، فاضل (۱۳۷۹). جامع المسائل استفتائات، جلد اول، قم: چاپ مهر.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶). قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۹. موسوی خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۰۹ ق). تحریر الوسیله، ج ۲، قم: موسسه تنظیم و نشر

آثار امام خمینی (قدس سره).

۲۰. میر حسینی، سید حسن (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: انتشارات میزان.
۲۱. نظرزاده، مرضیه (۱۳۹۰). حقوق معنوی آثار فرهنگی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، قم: بوستان کتاب.
۲۲. نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر، تهران: امیرکبیر.
۲۳. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۳). "اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران" مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، صص ۹۱-۱۱۱.
24. Elliot Catherine & QUINN Frances(2000),English legal system, 3th edition, England, Longman
25. Gesmer, Lee. T(1990) "Protection of Trade Secrets in the Computer Industry"; At available, www.gesmer.com/news/protection-of-trade-secret-in-the-computer-industry
26. Gopalakrishnan, N,S(1988) "Protection of Property and Criminal Law(A Study With Special Reference To Intellectual Property)" Cochin
27. -Jarrett, Marshall. H. Chandler, Cameron G(2013) Prosecuting Intellectual Property Crimes: 4th edition,Published by Office of legal Education Executive office for United State Attorneys
28. www.Portal.anhar.ir

عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

محمد صادق چاووشی^۱

هادی کرامتی معز^۲

چکیده

کودکان و نوجوانان؛ آسیب پذیرترین قشر در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام هستند؛ شبکه‌های اجتماعی کاربران کم سن را در معرض حجم عظیمی از اطلاعات قرار می‌دهند که بخشی از آن‌ها به دلیل عدم تناسب با رشد سنی و عقلی و میزان دانش کودک می‌تواند آثار زیان باری به همراه داشته باشد. از این رو، ضروری است که مهارت‌های لازم برای حضور در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام به کودکان و والدین آن‌ها آموخته شود و همچنین عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی این قشر آسیب پذیر در شبکه‌های اجتماعی شناسایی شود تا از آسیب‌های احتمالی پیشگیری شود.

در این مقاله با روش تحقیق تحلیلی - توصیفی به صورت کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری به ارزیابی عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

بزه‌دیدگی اخلاقی، شبکه اجتماعی تلگرام، شبکه اینستاگرام، کودکان و نوجوانان.

۱. مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

Email: m.chavooshi1363@yahoo.com

۲. مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: keramatihadi@ut.ac.ir

(نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۱

طرح مسأله

این روزها شبکه‌های اجتماعی سایبر نظیر اینستاگرام و تلگرام به پدیده‌ای مهم و پرطرفدار در میان تمامی سنین تبدیل شده و حتی کودکان و نوجوانان را نیز درگیر خود کرده است. کودکانی که با همکلاسی‌های خود گروه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام تشکیل داده‌اند؛ کم نیستید و حتی می‌توان ردپای کاربران کم سن و سال را در شبکه‌های اجتماعی بزرگ تری همچون اینستاگرام نیز مشاهده کرد. هرچند حضور در شبکه‌های اجتماعی در قرن حاضر امری اجتناب ناپذیر است، اما می‌تواند در کنار محاسن که برای کاربران خود به همراه دارد، مشکلاتی نیز ایجاد کند که به نوبه خود تبعات فراوانی برای تمام سنین و اقشار و به خصوص کودکان و نوجوانان به همراه دارد.

با وجود تمام مخاطرات حضور در فضای مجازی، بسیاری از افراد کم سن، اشتیاق فراوانی به حضور در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا باید مانع آن‌ها شد؟ قطعاً منع آنها نمی‌تواند کمک کننده باشد. به این دلیل که از یک سو منع کودکان در انجام هر کاری می‌تواند اثرات منفی (نظیر خشم و لجبازی) در آن‌ها ایجاد کرده و به مراتب آن‌ها را برای استفاده از این شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش ترغیب کند؛ از سوی دیگر، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سایبری، مزایای گسترده‌ای نیز به همراه دارند. تا حدی که امروزه حتی مدارس نیز برای سهولت در امر آموزش و ارتباط نزدیک‌تر با اولیاء دانش آموزان از امکانات فضای مجازی بهره می‌گیرند.

از این رو، ضروری است که مهارت‌های لازم برای حضور در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام به کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها آموخته شود تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری شود؛ یکی از مهم‌ترین نقش‌ها برای حضور سالم کودکان در شبکه‌های اجتماعی را والدین و متولیان امور آموزش به ویژه مشاوران و روان‌شناسان مدرسه بر عهده دارند.

آگاه کردن کودکان و نوجوانان از مخاطرات و سوء استفاده‌های احتمالی و ضرورت حفظ حریم شخصی، اولین گام در آموزش نحوه استفاده سالم از فضای مجازی است. ضروری است که به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود که چنانچه مشکلی در فضای مجازی پیش آمد، چه اقداماتی باید انجام دهند. بنابراین، لازم است که در برنامه آموزش رسمی مدارس، زمان خاصی به آموزش حفظ امنیت شخصی در فضای مجازی اختصاص داده شود. به علاوه، به دلیل آگاهی و تجربه اندک و تأثیرپذیری بالا در این دوره سنی، والدین باید نظارت فعالانه‌ای بر حضور این گروه‌های سنی در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام داشته باشند. والدین می‌توانند با انجام فعالیت‌های مشترک در اینترنت نظیر جستجو و یادگیری مطالب جدید، فرصتی را برای حضور خود در کنار فرزندشان، در هنگام استفاده از اینترنت فراهم کنند. والدین و متولیان آموزش می-

توانند با ارائه اطلاعات صحیح و افزایش آگاهی کودکان و نوجوانان مانع از تأثیرگذاری اطلاعات اشتباه و گمراه کننده و ترویج کننده سبک‌های غلط زندگی شوند.

برای حضور کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام باید قوانین خاصی وضع شود. مدت زمان حضور در فضای مجازی در روز باید مشخص باشد. زمانی که فرد، مدت زمان زیادی را بی هدف در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشد، به احتمال بیشتری در معرض محتواهای نامناسب قرار می‌گیرد. به علاوه، والدین باید امکان نظارت بر محتوایی که در دسترس فرزندشان قرار می‌گیرد، نیز داشته باشند. بی شک، هر چه سن فرد کمتر باشد، این مسأله اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد و بنابراین نباید از طریق رمزگذاری بر روی دستگاه‌ها، دسترسی والدین محدود شود. نکته قابل تأمل این است که والدین باید مهارت کافی را در زمینه نحوه قانونگذاری و نظارت بر فعالیت فرزندشان در فضای مجازی را کسب کنند. چنانچه نظارت به شیوه صحیح انجام نگیرد، ممکن است سبب ایجاد مشکلات و چالش‌هایی در رابطه والدین و فرزندشان شود. زیرا این عمل ممکن است از سوی فرزندان نوعی بی‌اعتمادی والدین تلقی شود و در نتیجه سبب لجبازی و پنهان کاری آن‌ها شود. لذا برای جلوگیری متخصص در این زمینه نظیر روان‌شناسان و مشاوران مشورت شود.

با این اوصاف نگارنده در این مقاله در پی پاسخگویی به این سوالات هستند که عوامل موثر بر بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام چیست؟ بایسته‌های حقوقی در الزام به اخلاق در مورد شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام در مورد کودکان و نوجوانان چیست؟ به نظر می‌رسد ضعف تربیت اخلاقی جامعه، ضعف قوانین و سازکارهای فنی نظارت بر ترافیک دیتای شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام، سبک زندگی مدرن شهری و جهانی شدن، و عدم طراحی و اجرای یک نظام حمایت کیفری افتراقی از امنیت اخلاقی کودکان نسبت به بزرگسالان در جامعه (ضعف تقنینی، ضعف قضایی، ضعف اجرایی و ضعف مشارکتی)، عمده‌ترین عوامل موثر در بزهکاری و بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام است و همچنین به نظر می‌رسد اعمال مجازات بر شخصیت مجازی افراد در کنار اعمال مجازات بر شخصیت حقیقی؛ پالایش موقت و دائم محتواهای غیراخلاقی و در صورت امکان، حذف آن‌ها در کنار قطع دسترسی کاربران مروج ردایب اخلاقی به شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام یا اخذ جریمه‌های مالی از این گونه کاربران، از جمله بایسته‌های حقوقی در الزام به اخلاق در مورد شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام است.

۱. مبانی نظری بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

شبکه‌های اجتماعی، افراد همفکر را در تمام جهان گرد هم می‌آورد و محیطی را می‌سازد

که در آن جرم می‌تواند آموخته شود. میان نظریه یادگیری اجتماعی و جرایم مرتبط با رایانه‌ها و اینترنت، ارتباط برقرار است. مثلاً نظریه یادگیری اجتماعی، جرم را در قالب چهار فرایند تعریف می‌کند: معاشرت ترجیحی، تعریف، تقلید و تقویت ترجیحی (Akers, 1998, 29). به گفته ساترلند (۱۹۷۴)، جرم با فرآیند معاشرت ترجیحی آغاز می‌شود که شامل تعامل با افرادی است که به رفتار بزهکارانه علاقه مند هستند. این تعاملات می‌توانند به صورت تبادلات مستقیم یا غیرمستقیم باشند و شامل ارتباطات کلامی و غیر کلامی گردند (Akers, 1998, 29)؛ این‌ها شامل تبادلات با اشخاص، گروه‌های اولیه، گروه‌های ثانویه و گروه‌های مرجع هستند.

ابزارها و خدمات اینترنتی در پی آنند که به اجتماعات برخط، انتخاب‌های فراوانی را به گردانندگان سایت‌ها برای برقراری ارتباط میان خود کاربران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بدهند. به عنوان مثال، اتاق‌های گفت و گو و [سیستم] پیام‌های فوری، امکان تبادلات همزمان دو طرفه را فراهم کرده‌اند و به اعضای اجتماعات برخط، امکان دریافت بازخورد فوری از اعضای که با آن‌ها در ارتباط هستند را می‌دهند. تابلوهای پیام از سوی دیگر حالتی غیرهمزمان دارند. اما آرایه‌کننده یک بایگانی برای ایجاد تبادل میان اعضای اجتماع (فضای مجازی) هستند که برای تمام اعضا قابل جست و جو و در دسترس و در نتیجه قابل یادگیری است.

ایمیل‌ها و بلاگ‌ها قابلیت ادغام در ساختاری از یک اجتماع برخط را دارند تا بتوانند از تعاملات دو طرفه میان اعضا پشتیبانی نمایند. محتواهایی که به وسیله‌ی گردانندگان یک اجتماع [در فضای مجازی] در قالب یک صفحه وب یا تقویمی بر خط از رخدادهای اجتماع انتشار می‌یابد، اگرچه ارتباطات را به تعاملی یک طرفه تبدیل می‌کند اما اعضا را در معرض ایده‌ها و افکاری قرار می‌دهد که می‌توانند حمایت‌کننده جرم باشند و مشارکت در چنین اجتماعی را تغذیه نمایند.

از خلال همین تعاملات یا از خلال فرآیند معاشرت ترجیحی است که مردم فنون ارتکاب یک عمل مجرمانه، انگیزه‌ها، رویکردها و عقلانی جلوه‌دادهایی که در راستای یک عمل مجرمانه خاص است را می‌آموزند^۱. عقلانی جلوه دادن ارتکاب جرم، محدودیت‌های روان‌شناختی علیه رفتار بزهکارانه (مثلاً گناهکار بودن) را خنثی می‌کند. سایکس و ماتزا (۱۹۵۷) از ۵ نوع عقلانی جلوه دادن یا «فن خنثی‌سازی» سخن می‌گویند که از سوی بزهکاران برای تشریح درگیر شدنشان در جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بزهکاران می‌توانند مسئولیت درگیر شدن در جرم را انکار نمایند و گناه را بر دوش نیروهای خارج از کنترل خویش مانند دوستان ناباب یا والدین ناخوشایند بگذارند. بزهکاران می‌توانند با انکار یا کوچک‌انگاری آسیب‌های حاصل [از

1 . Akers, R, 1998, . Op.cit , p29.

ارتکاب جرم]، جرم را کم اهمیت جلوه دهند. بزهکاران همچنین با مستحق دانستن بزه‌دیده نسبت به آنچه به دلیل ارتکاب جرم بر سرش آمده یا بیان این که معلوم نیست ضرری به بزه‌دیده رسیده باشد چون هنگام ارتکاب جرم، حضور فیزیکی نداشتند، تلاش می‌کنند تا کار خود را عقلانی نمایند.

۲. مفهوم شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی عموماً برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت هستند که محتوای کاربر تولید شده شامل برداشت و تجارب مصرف‌کنندگان را در بر گرفته و به صورت آنلاین آن‌ها را به اشتراک گذاشته و امکان دسترسی آسان را فراهم می‌آورند. همچنین می‌توان رسانه‌های اجتماعی را به عنوان یک گروه از برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت که بر روی پلت فرم وب ۲ از سراسر جهان وجود دارد و کاربران را قادر به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، افکار، تجارب، چشم اندازه‌ها، اطلاعات، و ایجاد روابط می‌سازد، توضیح داد (chung, 2015: 220).

شبکه‌های اجتماعی شیوه تعامل افراد با یکدیگر و با شرکت‌ها را تغییر داده‌اند. ظهور وب ۲ صرف‌کنندگان را قادر ساخته است تا به طور فعال عمل کنند و نسبت به کارهایی که شرکت‌ها انجام می‌دهند واکنش نشان دهند و همچنین، مصرف‌کنندگان اطلاعات خود از محصولات و خدمات را به جای منابع آفلاین، از طریق منابع الکترونیکی دهان به دهان (Electronic Word of Mouth)، مانند شبکه‌های اجتماعی انتقال دهند. در حالی که اطلاعات تجاری سنتی، مانند تبلیغات روبه رشد است، تمایل مصرف‌کنندگان به همکاری آنلاین در ایجاد عقاید و ایده‌های محصولات و خدمات نیز رو به فزونی است. یک نظرسنجی جهانی در میان ۲۸۰۰۰ پاسخ دهنده اینترنتی نشان داد که تنها در حدود ۴۶٪ به تبلیغات سنتی اعتماد دارند، در حالی که ۹۲٪ بازاریابی دهان به دهان از دوستان و خانواده و ۷۰٪ بررسی آنلاین مصرف‌کننده اعتماد دارند (Dijkmans, 2015: 63). در این نظرسنجی سایت‌های رسانه‌های اجتماعی عاملی مهم شناخته شده‌اند (محمدامینی و خلعتبری، ۱۳۹۴: ۳).

شبکه‌های اجتماعی، نسل جدیدی از وب سایت‌ها هستند که این روزها در کانون توجه کاربران جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. این گونه سایت‌ها بر مبنای تشکیل اجتماعات آنلاین فعالیت می‌کنند و هر کدام دسته‌ای از کاربران اینترنتی را با ویژگی خاصی گردهم می‌آورند. به عبارت ساده‌تر، شبکه‌های اجتماعی را گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که امکان دستیابی به نحو جدیدی از برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری محتوا را در اینترنت فراهم آورده‌اند. امروزه میلیون‌ها نفر از کاربران اینترنت، عضو صدها شبکه اجتماعی متفاوت هستند و بخشی از فعالیت آنلاین روزانه را در فضای اینترنت را در این سایت‌ها انجام می‌دهند (محکم کار و حلاج، ۱۳۹۳: ۸۷).

۳. عوامل بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

شبکه اینستاگرام در درجه اول یک پدیده ارتباطی محسوب می‌شود که این ویژگی در درازمدت بر روی بازتعریف شخصیت فرد تأثیرات زیادی خواهد داشت که امروزه ما تغییر شخصیت کاربران این شبکه‌ها در جامعه را به طور ملموسی مشاهده می‌کنیم.

تأثیر دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام این است که به تک تک کاربران خود هویت کاذب و غیر واقعی می‌دهد افرادی که در داده‌ها، مراودات و گفتگوهای خود تنها به فضای مجازی بسنده می‌کنند خود به خود به لحاظ هویتی یک هویت کاذب پیدا کرده و به سمت توهم پردازی و خیال بافی می‌روند که این معضل باعث می‌شود که غالب کاربران این فضا قادر نباشند تصمیمات مناسب، به هنگام، عینی و واقعی در زندگی خود بگیرند.

بررسی‌ها نشان داده است که شخصیتی که این فضا به کاربران فضای مجازی می‌دهد تا حد زیادی با شخصیت اصلی فرد متفاوت است؛ یک کاربر می‌کوشد تا نداشته‌های خود را به صورت مجازی نمایش دهد و یا اینکه تحت تأثیر مقایسه خود با سایر کاربران قرار گرفته و از شخصیت‌های کاذب دیگران برای شکل دادن شخصیت مجازی خود استفاده کند؛ در این فضا امکان بروز بسیاری از جرایم و جنایات برای فرد ایجاد می‌گردد.

بنظر نگارنده مهم‌ترین تأثیری که شبکه اجتماعی می‌تواند در درازمدت بر افراد بگذارد گرفتن انواع نبوغ و خلاقیت و نوآوری از افراد است که موجب کاهلی، افسردگی و بروز یک سری حالات روانی غیر قابل قبول و غیر عادی در فرد می‌شود. این حالات روانی غیر قابل قبول و غیر عادی در فرد می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از رفتارها و ناسازگاری‌ها در خانواده‌ها شود که با ادامه این حالات و پایین آمدن آستانه تحمل افراد یک خانواده، زمینه جدایی اعضای یک خانواده از هم شروع شود.

مهم‌ترین علل جرایم و انحرافات کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از منظر جرم‌شناسی عبارتند از:

۳-۱. عدم آگاهی از ساختار و چگونگی کارکرد شبکه‌های اجتماعی

سهل الوصول شدن استفاده از سایت‌های اینترنتی و همچنین عضویت در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام موجب شده تا طیف گسترده‌ای از اقشار کودک و نوجوان به راحتی در این فضاهای تبادل اطلاعات عضو شوند، بدون این که آگاهی کافی و درستی از شرایط، امکانات و چگونگی کارکرد هر یک از این فضاها داشته باشند. برای مثال بسیاری از کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از برخی امکانات این شبکه در مورد این که چه طیفی از کاربران این شبکه قادر به دیدن عکس‌های وی هستند یا می‌توانند اطلاعات خصوصی وی را مشاهده کنند مطلع نیستند. لذا به راحتی به انتشار و اشتراک‌گذاری مطالب و محتوای خصوصی خود

دست می‌زنند و همین باعث سوء استفاده برخی کاربران فرصت طلب می‌شود.

۲-۳. عدم آگاهی والدین نسبت به فضای تبادل اطلاعات

بسیاری از والدین با توجه به اختلاف سنی و شرایط متفاوت دوران رشد خود و تفاوت‌های فاحش ارزشی حاکم بر دنیای آنها با دنیای فرزندان خود، از آسیب‌ها و فرصت‌های شبکه مجازی غافلند. لذا قادر به مدیریت و درک درست رفتارهای فرزندان خود نبوده و این عامل باعث تشدید در معرض آسیب قرار گرفتن فرزندان می‌شود.

۳-۳. عدم آگاهی کاربران از قوانین و جرایم فضای تبادل اطلاعات

با توجه به نوپا بودن شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام و گستردگی سیل‌وار کاربران این شبکه طی چند سال، بتدریج جرایم فضای سایبری در حال عیان شدن است، اکثر کاربران اینترنتی از قوانین شبکه‌های اجتماعی سایبری؛ پس از انتشار محتوایی که به نظر آن‌ها، امری عادی و غیرمجرمانه تلقی می‌شود، به عنوان مجرم احضار یا دستگیر شوند که این عدم آگاهی در جای خود باعث افزایش جرایم این فضا می‌شود (کرامتی معز؛ صدر و مقدم ۱۳۹۶: ۳۹).

۴. آثار عوامل بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

۴-۱. نابودی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با ماده‌ی «ارتباط» ایجاد می‌شود و سازنده صورت‌هایی همچون جامعه مدنی است که در قالب آنها کنشگران به تشخیص وضعیت موجود، شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها، و تعیین موقعیت آرمانی قادر می‌شوند. آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این اصطلاح در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط بین اعضای یک گروه بوده؛ به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیارهای رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند.

یکی از پیامدهای مثبتی که برای سرمایه اجتماعی برمی‌شمرند، تأثیر آن بر عملکرد کارآمد و اثربخش نهادهای حکومتی است. در بحث سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب تصور بر این است که سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا شهروندان و حاکمان رفتارهایی را پیشه کنند که در نهایت منافی مانند حکومت مسئول، پاسخگو و کارآمد ایجاد می‌کند. همچنین سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا مشارکت شهروندان در حوزه‌های عمومی افزایش پیدا کند و نهادینه شود. شهروندانی که در حوزه‌ها و فضاهای عمومی مشارکت می‌ورزند، همواره و مداوم سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت‌ها را رصد و پیگیری کرده و نسبت به نقد و ارزیابی آنها می‌کوشند.

سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر مصرف شود افزایش خواهد یافت و در صورت عدم مصرف رو به کاهش و نابودی خواهد گذارد. سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا همکاری و تعامل میان اعضای گروه‌های اجتماعی به سهولت انجام گرفته و هزینه‌های عمل کاهش یابد. سرمایه

اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی است و هرچه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت، سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل پرهزینه خواهد بود. در مقابل، وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه‌های تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می‌یابد و در نتیجه، عملکرد گروه بهبود می‌یابد. پس، هرچه سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر باشد، هزینه همکاری و تعامل کمتر است، و در نتیجه، دستیابی به اهداف بیشتر است. سرمایه اجتماعی می‌تواند به شیوه‌های مختلف موجب تقویت حکمرانی خوب شود. نخست، سرمایه اجتماعی آگاهی شهروندان را نسبت به امور عمومی افزایش می‌دهد و در نتیجه موجب می‌شود تا مسئولان حکومتی بر کارایی خود بیفزایند؛ فرایندی که موجب توسعه جامع می‌شود. دوم، سرمایه اجتماعی اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و در نتیجه بخش قابل توجهی از منابع حکومت را که صرف نظارت و کنترل بر اعضای جامعه می‌شد، برای سرمایه‌گذاری‌های ضروری - تر آزاد می‌شود (Grabosky, 2007: 38)

برآورد ارائه شده از نسبت سرمایه اجتماعی با امنیت ملی حکایت از آن دارد که سطح تعامل سرمایه اجتماعی با امنیت ملی از حد ابزاری فراتر رفته و تأثیری گفتمانی را در پی داشته است. در این تلقی تازه معنای امنیت با مؤلفه‌های نرم‌افزاری فهم و درک می‌شود که اصولاً با عناصر «سرمایه اجتماعی» انطباق بیشتری دارند تا عناصر و منابع سخت قدرت. به عبارت دیگر، امنیت بر بنیاد سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد (Grabosky, 2007: 38).

قدرت نرم با تأکید بر اصول و هنجارهایی چون اعتماد، باور، تعلق و ... چارچوب نوینی را بنیاد می‌گذارد که نه تنها به صورت مستقل تولید نیرو می‌کنند بلکه افزون بر آن ضریب کارآمدی منابع سخت قدرت را نیز افزایش می‌دهد. با این استنتاج راهبردی، در عصر حاضر نمی‌توان به درک و تقویت امنیت ملی، بدون توجه به تقویت میزان سرمایه اجتماعی در یک کشور اندیشید. کودکان و نوجوانان، گونه‌های فراموش شده در مبارزه جهانی با جرائم شبکه‌های اجتماعی‌اند؛ بی‌تردید، اگر موضوع بزهکاری و بزه‌دیدگی سایبری کودکان به درستی مورد توجه متولیان سیاست جنایی کشور نباشد، سرمایه اجتماعی ملت ایران دچار لطمه‌ی جبران‌ناپذیر خواهد شد و منابع انسانی این کشور نیز وضعیتی چون هدررفت منابع مادی این مرز و بوم خواهد یافت.

۴-۲. بسط هرزه‌نگاری اخلاقی علیه کودکان و نوجوانان

در مورد اخلاق کاربر در فضای سایبر، با تأکید بر تغییرات فناوری‌های نوین ارتباطی، مساله

اصلی، فهم این امر است که آیا کاربران در فضای مجازی به آنچه که در دنیای حقیقی اعتقاد دارند، عمل می‌کنند؟ آیا فضای مجازی، ارزش‌های اخلاقی خاص خود را می‌طلبد یا همان اصول اخلاقی دنیای حقیقی در آن بازتعریف می‌شود؟ به علت مجازی بودن روابط در اینترنت کم‌توجهی به اخلاق از سوی برخی کاربران تبدیل به یک دغدغه اساسی شده است. توجه به اخلاق برای سلامت روابط مهم است و فضای مجازی نیز از این مسأله مجزا نیست و کاربران باید توجه جدی به اخلاق‌مداری داشته باشند. با توجه به این که در عصر ارتباطات هستیم و هر فردی روزانه بخشی از وقت خود را با توجه به نوع فعالیتی که دارد در فضای مجازی سپری می‌کند اخلاق‌مداری هم‌چنین پای‌بندی به اصول قانونی اینترنت آراش کاربران را به‌دنبال دارد. پیشرفت‌های فناورانه نقشی اساسی در گسترش و بسطِ هزینه‌نگاری در دنیای امروز ایفا می‌کند. ورود سیستم‌های ضبط دیجیتال در دهه‌ی ۱۹۷۰ برای همیشه دسترسی مصرف کنندگان هزینه‌نگاری به این محصولات را تغییر داده و فیلم‌های هزینه‌نگاری را جایگزین تئاتر کرد (دیده بان، ۱۳۹۳: ۸۱)؛ اشخاصی که هیچگاه حاضر نبودند به فروشگاه‌های ویژه‌ی بزرگسالان رفته و محصولات هزینه‌نگاری را خریداری یا کرایه کنند، اینک می‌توانند به راحتی و تنها با یک فشار انگشت، تصاویر و فیلم‌های هزینه‌نگاری را از اینترنت بارگیری (دانلود) کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد وب سایت‌های مختص سکس از ۲۸ هزار وب سایت در سال ۱۹۹۸ به بیش از ۴/۲ میلیون در سال ۲۰۰۷ رسیده است که این رقم ۱۲ درصد کل وب سایت‌های موجود در دنیا را تشکیل می‌دهد (دیده بان، ۱۳۹۳: ۸۱).

از طرفی تعاملات جهانی امروز که مبتنی بر اینترنت و فضای رایانه‌ای است، بدون استفاده از این ابزار کارآمد تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. در واقع فناوری اطلاعات (IT) بیشتر ابعاد زندگی اشخاص را دربر گرفته است (جعفری فرد، ۱۳۹۳: ۳۹)؛ زیرا اینترنت و فضای سایبر (مجازی) علاوه بر اینکه محتوای «روی خط»^۱ بیشتری را برای تعداد پرشماری از افراد فراهم می‌آورد، راه‌های سودمند و نوینی را برای نشر و جمع‌آوری اطلاعات پیش روی کاربران قرار می‌دهد؛ از این رو، اینترنت به سرعت تبدیل به مهمترین رسانه هزینه‌نگاری گردیده است و به تدریج، جایگزین گونه‌های سنتی هزینه‌نگاری شده است. بر اساس یک گزارش، فروش نشریات هزینه‌نگاری پنت‌هاوس^۲ از ۳/۵ میلیون دلار در دهه‌ی ۸۰ به حدود ۸۵۰ هزار دلار در سال ۲۰۰۱ تنزل یافته است. همچنین، پلی بوی که تا سال ۲۰۰۰، با همان شیوه‌های سنتی کار کرده است. نسبت به سه سال پیش از آن، ۱۲ درصد کاهش فروش داشته و میزان ضرر ۵/۳ میلیون دلاری آن به ۴۶/۶ میلیون دالر بالغ شده است؛ همچنین، برآورد شده است که در هزاره جدید، بین ۵ تا

۱۰ درصد از کل پولی که بصورت آنلاین در اینترنت خرج میشود، به سمت وب سایت‌های هرزه نگاری مختص بزرگسالان علیه کودکان روانه گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۷).

آمار و ارقام مذکور در بالا موید آن است که اینترنت هرزه نگاری را از حالت سنتی درآورده و ابزار کارآمدی برای سوء استفاده کنندگان جنسی فراهم آورده است. این فناوری نوین ارتباطی، سبب شده حجم آثار هرزه نگارانه چندبرابر شده و تعداد دریافت کنندگان تصاویر و حجم تصاویر و فیلم‌های مستهجن بصورت غیرقابل تصویری افزایش یابد؛ برغم مارک لاسر، اینترنت به علت قابلیت دسترسی آسان، توانایی همگان در پرداخت بهای آن و ناشناس ماندن کاربران، به یکی از مهم‌ترین منابع اشاعه هرزه نگاری تبدیل شده است (طلاکش، ۱۳۹۴: ۶۷).

پژوهش‌ها از روزافزون شدن استفاده از پایگاه‌های اینترنتی ویژه سکس و تصاویر مستهجن علیه کودکان حکایت می‌کنند. برخی از پایگاه‌های اینترنت، صحنه‌های جنسی را در عریان‌ترین، صریح‌ترین و غیراخلاقی‌ترین وجه ممکن به نمایش می‌گذارند. در گذشته، برای دستیابی به مجله‌های هرزه نگارانه و یافتن مسائل جنسی، افراد می‌بایست به مکان‌های ناسالم و نکبت بار مراجعه میکردند، ولی امروزه باوجود اینترنت، دسترسی به این موارد بسیار آسان شده است و هرساله برحجم اینگونه هرزه‌نگاری‌ها افزوده می‌شود. در سال ۱۹۹۸ دکتر کوپر^۱ با معالجه صدها کاربر متصل بطور همزمان، پی برد که ۱۵ درصد آنان به یکی از پایگاه‌های سکسی متصل بودند. همچنین، پژوهشی درسال ۱۹۹۹ نشان داد که ۳۱ درصد از کاربران متصل به اینترنت در یک زمان، به پایگاه‌هایی اتصال داشتند که به سکس اختصاص داشت. همچنین، پژوهشی که زیر نظر موسسه بازپروری معتادان به سکس در لوس آنجلس انجام شد، نشان داد که هر هفته ۲۵ میلیون نفر امریکایی به پایگاه‌های اینترنتی ویژه سکس متصل می‌شوند. و این که، اساساً ۶ درصد از بازدیدکنندگان هرگونه پایگاه اینترنتی، درپی موضوع‌های مربوط به سکس و تصاویر هرزه نگارانه هستند (کرامتی معز و عبدالهی: ۱۳۹۶: ۶۹).

امروزه هرزه نگاری یکی از عمده‌ترین موضوعات علیه کودکان در شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام تبدیل شده است و متأسفانه راهی برای پیشگیری از انتشار و دستیابی به مطالب خلاف عفت عمومی توسط مسئولان ارائه نشده و تلاش‌های متخصصان امر تاکنون نتیجه بخش نبوده است.

۴-۳. افزایش جرایم علیه اخلاق جنسی و عفت عمومی

در عصر جهانی شدن، مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی عبارتند از: تبدیل شدن اطلاعات به مرکز تصمیم‌گیری، کاستن از محدودیت زمانی و مکانی، فراگیری تأثیرات

فناوری‌های جدید، سرعت، تمرکززدایی، تنوع‌بخشی و انبوه‌زدایی، انعطاف‌پذیری و شفافیت و علنی‌بودن (کرامتی معز؛ صدر و مقدم ۱۳۹۶: ۳۸) فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در توسعه دموکراسی، مهار قدرت و سیاستمداران، گسترش آزادی و حقوق بشر و همبستگی مثبت نقش بسزایی داشته‌اند؛ لیکن در کنار این تأثیرهای مفید، تضعیف تهدید نرم ارزش‌های اخلاقی و سنتی، نابرابری و انواع شکاف، سودجویی، تعاملات نامناسب و ناشناخته و پریسک و .. را نیز به همراه داشته است. جرایم سایبری منافی عفت، از خطرترین جلوه‌های تهدید نرم علیه امنیت اخلاقی جوامع ارزشی نظیر ملت ایران است. پنج دانش حقوق کیفری، جرم‌شناسی، سیاستگذاری جنایی و حقوق بشر، جامعه‌شناسی جنایی چه تعاملی می‌توانند داشته باشند تا نظام منسجم و مقتدری از کنش و واکنش در قبال جرایم شبکه‌های اجتماعی ناقض عفت اخلاقی طراحی شود و راهبردسازی کند؟

بدون شک مبارزه با جرایم شبکه‌های اجتماعی به مراتب دشوارتر و تخصصی‌تر از پیشگیری و مبارزه با جرایم سنتی است و دلیل این امر، تفاوت در ویژگی‌های جرایم شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام در مقایسه با جرایم سنتی است.

یکی از این تفاوت‌ها، تفاوت در جنبه‌های مکانی و زمانی جرم است. جرایم سنتی در بیشتر موارد دارای وضعیتی ایستا هستند و مرتکبان جرم مجبورند در زمان و مکان خاصی برای ارتکاب جرم حضور یابند و منتظر باشند تا آماج‌های جرم (بزه‌دیدگان، اموال و...) نیز همان جنبه‌های زمانی و مکانی را با آن‌ها به اشتراک گذارند؛ در حالی که ارتکاب جرم در شبکه‌های چنین محدودیتی را ندارد و مرتکبان جرم می‌توانند در هر زمان و مکانی، بزه‌دیدگان بالقوه‌ی مورد نظر خویش را با یک کلیک شناسایی کرده و جرم مورد نظر را عملی سازند.

تفاوت دیگر، امکان‌پذیر بودن انجام تمامی فعالیت‌های رایانه‌ای در خلوت است؛ انجام فعالیت در خلوت، از آنجهت که باعث می‌شود فرد بتواند بدون مشاهده‌ی شخص ثالثی و یا حتی بهتر از آن، بی‌آنکه کسی اجازه‌ی تعرض به حریم خصوصی وی را داشته باشد مطابق میل خود عمل کند، مانعی اساسی در جهت اجرای تدابیر پیشگیرانه به خصوص از نوع اجتماعی آن محسوب می‌شود (جلالی فراهانی و باقری اصل، ۱۳۸۵: ۱۴۹) چرا که رسالت اصلی تدابیر پیشگیرانه‌ی اجتماعی، جلوگیری از شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه است و محیطی که فرد با آن در تعامل است بیشترین نقش را در شکل‌گیری و جهت‌دهی انگیزه‌های درونی انسان‌یفا می‌کند؛ در نتیجه فضای سایبر این امکان را فراهم آورده است که در خصوصی‌ترین و ایمن‌ترین مکان، زمینه‌های ارتکاب شدیدترین ناهنجاری‌ها و شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه و منحرفانه فراهم گردد.

ویژگی دیگری که جرایم شبکه‌های اجتماعی را از جرایم سنتی متمایز می‌سازد، امکان

ارتکاب این نوع جرایم در فضایی فرا ملی است؛ فرا ملی بودن این فضا به این معناست که در مواجهه با جرایم سایبری - بر خلاف جرایم سنتی - با هنجارها و باورهای مشترکی روبرو نیستیم تا عمل ارتكابی به اتفاق عموم جامعه، ضد هنجار تلقی شود بلکه عمل ارتكابی در این فضا، در ترازوی هنجارها و باورهای متفاوتی سنجیده می‌شود؛ بنابراین این امکان وجود دارد که آنچه بر اساس فرهنگ و هنجارهای مردم یک جامعه (کشور) خلاف اخلاق و جرم محسوب می‌شود بر اساس فرهنگ و هنجارهای جامعه‌ای دیگر، ارزش و مورد قبول عامه مردم آن باشد. این امر در مورد جرایم منافی عفت و اخلاق از مصادیق بیشتری برخوردار است؛ بطوریکه بسیاری از اعمالی که در برخی کشورها از جمله کشورهای اسلامی، خلاف عفت و اخلاق محسوب می‌شوند و در مجموعه قوانین جزایی آن‌ها جرم‌انگاری شده‌اند، در سایر کشورها نه تنها جزیی از فرهنگ عامه به شمار می‌آیند بلکه از سوی دولت‌ها قانونمند نیز گشته‌اند.

بی تردید، همانگونه که استفاده صحیح و مناسب از این فضا می‌تواند آثار مثبت و قابل توجهی را به همراه داشته باشد، استفاده نادرست و عدم رعایت هنجارها و احتیاط‌های لازم می‌تواند آثار زیانباری را به بار آورد؛ از جمله حوزه‌هایی که می‌تواند قربانی این آثار سوء قرار گیرد حوزه‌ی خانواده و عفت عمومی است که موضوع بحث مقاله حاضر می‌باشد. در رابطه با تاثیر جرایم منافی عفت بر نهاد خانواده، باید اذعان داشت که از یک سو جرایم منافی عفت باعث تاثیرگذاری مستقیم بر نهاد خانواده می‌شوند و در فروپاشی این نهاد مقدس نقش به‌سزایی دارند و از سویی دیگر، نهاد خانواده می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از این نوع جرایم ایفا نماید (کرامتی معز و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۲).

در کشور ما نیز قانونگذار موادی از قانون را در جهت مقابله با این پدیده اختصاص داده است که می‌توان اهم آن را مواد ۷۴۲ - ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (فصل جرایم رایانه‌ای) دانست؛ اگرچه در این مواد از لفظ پورنوگرافی استفاده نشده است اما موارد مذکور از مصادیق پورنوگرافی محسوب می‌شوند. در ماده ۷۴۲ قانون مذکور، انتشار، توزیع و یا معامله‌ی محتویات مستهجن جرم دانسته شده و بر طبق بند «الف» ماده‌ی ۷۴۳ قانون مذکور، تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع و یا فریب افراد به منظور دستیابی به محتویات مستهجن و همچنین آموزش و یا تسهیل نمودن شیوه‌ی دستیابی به چنین محتویاتی جرم انگاری شده است. امروزه در فضای مجازی اشخاص حقیقی و حقوقی زیادی وجود دارند که به انتشار، توزیع و یا معامله‌ی محصولات پورنو می‌پردازند و با انتشار تبلیغات جنسی، افراد زیادی را جهت دستیابی به محصولات مستهجن تحریک کرده و یا فریب می‌دهند و یا با راه‌اندازی سایتهای اینترنتی به آموزش دستیابی به محصولات پورنو و یا تسهیل این امر، مانند ارائه فیلترشکن‌های غیرمجاز می‌پردازند؛ از همین رو قانونگذار با وضع مواد فوق گام مؤثری در جهت مقابله با چنین جرایمی

برداشته است.

در مورد تحریک، ترغیب و یا فریب افراد به منظور ارتکاب جرایم منافی عفت و یا انحرافات جنسی باید گفت مورد دیگری که در ماده ۷۴۳ قانون مذکور جرم‌انگاری شده است تحریک، ترغیب و یا فریب دیگری به منظور ارتکاب جرایم منافی عفت و یا انحرافات جنسی، می‌باشد. تفاوت این جرم با جرم پورنوگرافی در این است که در جرم پورنوگرافی، مجرم اقدام به انتشار و رواج محصولات پورنو می‌کند در حالی که در این مورد، مجرم فرد یا افرادی را در جهت ارتکاب جرایم منافی عفت و یا انحرافات جنسی تحریک کرده و یا فریب می‌دهد برای نمونه می‌توان به سایت‌های فروانی اشاره نمود که مراجعین خود را به ارتکاب انحرافات جنسی از قبیل همجنس‌بازی تشویق کرده و گاه با بیان مسائل واهی اقدام به فریب آن‌ها در جهت ارتکاب چنین اعمال شنیعی می‌نمایند. در این راستا، دولت‌ها نه با یک شخص به عنوان مجرم، بلکه در اکثر مواقع با سامانه‌ی وسیعی رو به رو هستند که کشورهای زیادی نیز از آن پشتیبانی می‌کنند، نمونه‌ی این مورد همان اشاعه‌ی انحراف همجنس‌بازی است که امروزه در برخی از کشورهای غربی رواج یافته و مسئولین این کشورها از طرق گوناگون و با صرف هزینه‌های فراوان در جهت ترویج آن تلاش میکنند تا از این رهگذر افراد جامعه را به رهاکردن نهاد خانواده و روی آوردن به این سبک زندگی ترغیب نمایند. با این حال، اگرچه وضع قوانین موجود، در جهت مقابله با این نوع از جرایم تا حدی پاسخگو بوده است اما تدابیر پیشگیرانه‌ای نیز باید اتخاذ گردد تا به عنوان مکملی در کنار قوانین، مانع از شیوع این جرایم شود.

در برخی موارد، انگیزه‌ای که افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت سوق می‌دهد نه اقتصادی است و نه ضد دینی و سیاسی؛ بلکه ارضای تمایلات جنسی است که آن‌ها را به ورطه-ی ارتکاب جرم می‌کشاند؛ چنین افرادی محیط سایبر را مکان امنی برای تخلیه و ارضای مطالبات جنسی نامشروع خویش دانسته و با توجه به امکاناتی که این فضا در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (از قبیل پنهان ماندن هویت واقعی مرتکب و دسترسی سریع‌تر و آسان‌تر به قربانیان مورد نظر در مقایسه با دنیای فیزیکی) اقدام به فریب کاربران و یا تشویق و ترغیب آن‌ها در جهت انجام اعمال منافی عفت مورد نظر خویش، می‌نمایند.

در ورود به محیط تلگرام و اینستاگرام اگرچه ارمان‌آور پیامدهای مثبتی برای انسان بوده است اما وی را در معرض آسیب‌ها و انحرافات اخلاقی جدیدی قرار داده است؛ انحرافات که به دلیل نقش آن در شیوع جرایم منافی عفت، توسط قانونگذار مورد جرم‌انگاری نیز قرار گرفته است؛ اما واقعیت این است که صرف جرم‌انگاری و مجازات نتوانسته است موجب بازدارندگی بزهکاران بالقوه از ارتکاب این نوع جرایم گردد؛ از این رو باید تدابیری اندیشید که اساساً انگیزه‌ی ارتکاب چنین جرایمی در افراد جامعه ایجاد نگردد. برای تحقق این هدف، بکارگیری تدابیر

پیشگیرانه‌ی اجتماعی جامعه‌مدار و رشدمدار می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد؛ البته این امر مشروط به حصول شرایطی است؛ در حوزه‌ی تدابیر پیشگیرانه‌ی جامعه‌مدار در صورتی می‌توان به نتیجه‌بخش بودن این تدابیر امیدوار بود که علاوه بر عموم مردم، نهادها و سازمان‌های مربوطه نیز در ارائه و حمایت از این تدابیر نقش خود را به خوبی ایفا نمایند؛ در رابطه با تدابیر پیشگیرانه‌ی رشدمدار نیز اصلی‌ترین نهاد تاثیرگذار را می‌توان نهاد خانواده دانست، چرا که این تدابیر زمانی کارآمد خواهد بود که از دوران کودکی به اجرا در بیایند و نهاد خانواده بعنوان اولین محیط مورد برخورد کودک، بهترین محیط برای اجرای این تدابیر محسوب می‌شود. بدیهی است والدین زمانی می‌توانند رسالت نهاد خانواده در اجرای این تدابیر را به انجام رسانند که خود، از خطرات و انحرافات فضای سایبر که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزه‌ی ارتکاب جرایم منافی عفت گردد، آگاه باشند از این رو ابتدا باید زمینه‌ی آشنایی آنها را با محیط سایبر و جنبه‌های مثبت و منفی آن فراهم ساخت و سپس آنها را در اتخاذ و اجرای تدابیر لازم یاری نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، کودکان و نوجوانان با اینترنت بزرگ شده‌اند و به نوبه خود، به شدت با فرصت‌های متعدد استفاده برخط از این ابزار، آشنا هستند. کودکان و نوجوانان با استفاده روش‌های مختلف مربوط به ارتباط رایانه‌ای مانند ایمیل، چت، پیامک و شبکه‌های اجتماعی، درگیر جریان جامعه پذیرگی برخط و آنلاین هستند. به علاوه، کودکان و نوجوانان، نه تنها با استفاده از اینترنت در جریان جامعه پذیرگی قرار دارند، بلکه زمان زیادتری را به کار ارتباطات اینترنتی اختصاص می‌دهند؛ متأسفانه به رغم این که استفاده از وسایل ارتباط رایانه‌ای، قادر به ایجاد تعاملاتی مثبت می‌باشد و کاربران را در توسعه روابط مورد علاقه خویش توانا می‌سازد اما زمانی که کودکان و نوجوانان، اوقات زیادی از زندگی خویش را صرف ارتباطات آنلاین می‌کنند، خود را در معرض خطر فزاینده بزه‌دیدگی نیز قرار می‌دهند.

کودکان و نوجوانان بزه دیده در تحقق جرم علیه خویش نقشی نداشته‌اند و به خواست بزه‌کار قربانی شده‌اند. در این گروه افرادی حضور دارند که بزه دیدگی آن‌ها مبتنی بر بی احتیاطی، تقصیر و رفتار تحریک کننده ایشان نیست و این گروه صرفاً به علت قرار گرفتن در مسیرهای بزه‌کاری، قربانی جرم شده‌اند. در خصوص بزه دیدگی سایبری این افراد را می‌توان کسانی دانست که هیچ گونه رفتار پرخطری را در محیط سایبری انجام ندادند، اما قربانی جرم شده‌اند. برخی قربانیان جرائم سایبری تنها به علت فقدان آگاهی دچار بزه دیدگی می‌شوند، به گونه‌ای که عملاً نقشی در تحریک بزه کار به ارتکاب جرم نسبت به خودشان نداشته‌اند؛ لکن در تحقق جرم نیز مطلقاً بی تاثیر نبوده‌اند، چرا که نا آگاهی و سهل انگاری‌شان موجبات این بزه دیدگی را فراهم کرده است؛ این دسته افراد بر خلاف، بزه دیدگان واقعی که هیچ گونه بی

احتیاطی موثر در وقوع بزه دیدگی نداشته‌اند، با سهل‌انگاری خود بزه دیده واقع شده‌اند. در واقع این دسته از بزه‌دیدگان سایبری به‌طور همزمان قربانی بی‌احتیاطی خود و رفتار مجرمانه بزه‌کار شده‌اند و به تعبیری بزه‌دیدگی آن‌ها منشأً دوگانه دارد، که تا حدود بسیاری رفتار پرخطرشان موجب تحقق و تشدید رفتار مجرمانه نسبت به ایشان شده است.

در رابطه با شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت که هر چند شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام ممکن است ابزاری در جهت ارتکاب جرم باشد اما از یک طرف دیگر مدیریت صحیح رسانه‌ها و محیط‌های اینستاگرام و تلگرام کمک‌شایانی به پیشگیری از جرم می‌کند.

انعطاف‌پذیری و سادگی بی‌نظیر شبکه‌های اجتماعی سایبری در امر کاربری، موانعی مانند محدوده سنی و میزان دانش و مهارت را از میان برداشته است؛ اما این وضعیت دغدغه‌هایی را هم برمی‌انگیزد، زیرا امکان انواع سوء استفاده‌ها به‌طور غیرقابل باوری افزایش می‌یابد. از این‌رو باید برای بهره‌برداری صحیح و سودمند از امکانات، هنجارهایی را وضع و با ناهنجاری‌ها مقابله کرد. با این حال، از آنجا که این هنجارها بر مبنای ویژگی‌های منحصر به فرد فضای سایبر تنظیم می‌شوند و برای آن‌ها در دنیای فیزیکی مشابهی وجود ندارد؛ چنانچه کاربران - که همانند کودکی نوپا در این دریای بی‌کران رها هستند - مورد اطلاع‌رسانی کافی و صحیح قرار نگیرند؛ هرگونه مقابله با هنجارشکنی‌های سایبری با ایرادات جدی حقوقی مواجه خواهد بود.

کودکان و نوجوانان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام باید مورد آموزش قرار گیرند تا میزان مشارکت خود در ارتباط آنلاین خویش در شبکه‌های اجتماعی را محدود به افرادی کنند که آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اطمینان دارند. کودکان و نوجوانان اطلاعات شخصی خویش را در اختیار افرادی کاملاً غریبه می‌گذارند و احتمال این نیز وجود دارد که رابطه مجازی آن‌ها به شکل غیر آنلاین از دیگر طرق ارتباطی و اغلب شخصی، ادامه پیدا نماید و امکان بزه‌دیدگی فیزیکی وجود دارد. اگر کودکان و نوجوانان ارتباطات آنلاین خود را به افرادی که می‌شناسند، محدود نمایند، خطر بزه‌دیدگی غیر آنلاین آن‌ها نیز کاهش می‌یابد.

آگاهی بخشی و آگاه کردن مردم از طریق بسیج کردن همه امکانات موجود؛ با توجه به اینکه بیشتر استفاده‌کنندگان از اینترنت و فضای مجازی کودکان و نوجوانان هستند، فرهنگ سازی برای کاهش پیامدهای آن ضروری است. یکی از علت‌هایی که ما استفاده درست از بعضی از وسایل را نمی‌دانیم فرهنگ غلطی است که برای ما درونی شده است و نمی‌دانیم که هر وسیله‌ای جدید که وارد جامعه می‌شود باید کاربرد آن در مواردی باشد که برای مردم و اجتماع مفید است و همیشه به دنبال جاذبه و سرگرمی نباشیم و جذابیت را فدای منفعت نکنیم. همچنین باید از طریق امکاناتی که در زیر ذکر می‌شود فواید اینترنت و کاربردهای آن آموزش داده شود و تشویق‌شان کرد که به جای صرف کردن ذهنشان به کارهای بیهوده به مسائل علمی و شکوفایی

جامعه توجه نمایند و از نعمت‌های خدا بهترین استفاده را انجام دهند و از لحظه لحظه زندگی‌شان بهترین بهره برداری را نمایند و قدر ثانیه‌هایی را که می‌گذرد بدانند و از این مسأله غافل نشوند که هر ثانیه عمر هیچ بازگشتی نیست. امکاناتی که می‌توان از آنها استفاده کرد به شرح زیر هستند:

صدا و سیما، خوشبختانه موقعیت خوبی از جهت توجه مردم به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داریم و باید از این امکان استفاده کرد و به مردم آگاهی داد. استفاده از نشریات و روزنامه‌ها که وزارت ارشاد باید برنامه ریزی کند. پخش آگهی‌های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو و تلویزیون در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از اینستاگرام و تلگرام؛ پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب شبکه‌های اجتماعی از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی است. استفاده از امکانات عظیم آموزش و پرورش که بازنده‌ترین نیروها و دلسوزترین نیروها (یعنی به وسیله معلمان) هدایت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم را برعهده دارد. باید از امکانات مربیان تربیتی و سایر امکانات آموزش و پرورش برای آگاه کردن دانش آموزان با خطرتهاجم فرهنگی دشمن استفاده کرد؛ یکی از محیط‌های مهم و تأثیرگذار بر نوجوانان، مدرسه است. اقدامات مناسب اولیای مدرسه می‌تواند از بخشی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام را پیشگیری کند.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، محسن (۱۳۹۱)؛ هرزه نگاری در جرم‌شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان البرز.
۲. جلالی فراهانی، امیرحسین و رضا باقری اصل (۱۳۸۵)؛ پیشگیری اجتماعی از جرایم سایبری راهکاری اصولی برای نهادهای سازنده اخلاق سایبری، دومین همایش منطقه‌ای اخلاق و فناوری اطلاعات، تهران، مرکز تحقیقات مخابرات ایران،
۳. جعفری فرد، علی (۱۳۹۳)؛ علل و پیامدهای هرزه نگاری اینترنتی و جنبه‌های کیفری آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۴. دیده بان، صارم (۱۳۹۳)؛ بررسی جرم‌شناسی هرزه نگاری کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۵. طلاکش، شادی (۱۳۹۴)؛ هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی شهید اشرفی اصفهانی.
۶. کرامتی معز، هادی و عبدالهی، سامان (۱۳۹۶)؛ بایسته‌های جرم انگاری در حقوق خانواده با تأکید بر حفظ کیان خانواده، قم: انتشارات نوید حکمت، چاپ اول.
۷. کرامتی معز، هادی و حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۶)؛ تقابل ضمانت اجرای کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ویژه پیشگیری از جرم و حقوق.
۸. کرامتی معز، هادی؛ صدر، محمدحسن و مقدم، علی (۱۳۹۶)؛ رویکرد پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری از بزه‌دیدگان تروریسم در فضای سایبر، مجله دانش انتظامی زنجان، شماره ۲۴.
۹. محکم کار، ایمان و حلاج، محمد مهدی (۱۳۹۳)؛ فضای مجازی، ابعاد، ویژگی‌ها و کارکردهای آن در عرصه هویت، با محوریت شبکه‌های اجتماعی مجازی، فصلنامه معرفت، شماره ۲۰۱.
۱۰. محمدامینی، شقایق و خلعتبری، محمد (۱۳۹۴)؛ بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام و کارکردهای آن، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، مالزی.
11. Akers, R, (1998)., Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance. Boston, MA: Northeastern University press.
12. Chung, N. and C. Koo (2015). "The use of social media in travel information search." Telematics and Informatics 32(2).
13. Grabosky, p , 2007, the Internet, technology and organised crime, paper presented at Organised Crime in Asia conference, Nation University of Singapore.

مذاکره مجدد در قراردادهای بالادستی صنعت نفت از منظر حقوق و اخلاق

۱ راحله سید مرتضی حسینی

۲ بهرام تقی پور

۳ مهدی عباسی سرمدی

۴ فاطمه امیری

چکیده

به دلیل خصیصه طولانی مدت بودن قراردادهای بالادستی صنعت نفت همواره این امکان وجود دارد که این قراردادها در معرض تغییر بنیادین اوضاع و احوال قرار بگیرند. بدین صورت که با تغییر شرایط اقتصادی، سیاسی، فنی و یا تغییر قوانین تعادل اقتصادی آن بر هم بخورد، به گونه ای که اجرای تعهد برای یکی از طرفین بسیار دشوار شود در حالی که ممکن است طرف مقابل از این شرایط سود ببرد. در چنین حالتی مذاکره مجدد یکی از راهکارهایی است که می تواند به رفع این مشکل کمک نماید. امری که امروزه در بسیاری از این قراردادها مورد توجه طرفین قرار می گیرد. با استفاده از این شیوه، طرفین می توانند قرارداد را مورد بازبینی قرار داده و ادامه اجرای آن را امکانپذیر نمایند، طرفین ملزم می باشند با رعایت اخلاق و حسن نیت راه را برای ایجاد توافق برای رفع مشکل و خروج از بن بست بوجود آمده هموار سازند. مذاکره مجدد ممکن است به صورت شرط در زمان انعقاد قرارداد در آن درج شود یا اینکه بعد از تغییر شرایط طرفین بر آن توافق نمایند. این شرط موجب ثبات قرارداد می شود و همین موضوع باعث تشویق شرکتهای خارجی به سرمایه گذاری در پروژه های نفتی شده و در نتیجه توسعه اقتصادی کشور میزبان را بدنبال خواهد داشت. در واقع این شرط یک مکانیزم حل اختلاف است که مانع از انحلال قرارداد در صورت تغییر اوضاع و احوال خواهد شد. ضمن اینکه رعایت اخلاق و حسن نیت، طرف قرارداد را ملزم به جدیت در مذاکره و دادن پیشنهادات منطقی و قابل اجرا می نماید.

واژگان کلیدی

قراردادهای بالادستی صنعت نفت، تغییر بنیادین اوضاع و احوال، مذاکره مجدد، اخلاق در مذاکره مجدد، تعادل اقتصادی، قرارداد مشارکتی، قرارداد امتیازی، قرارداد خدمت.

۱. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی
Email: Rahilhossein@yahoo.com
۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.
Email: Taghipour.bahram@yahoo.fr
۳. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی.
Email: sarmadi@khu..ac.ir
۴. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).
Email: f.amiri9977@gmail.com

طرح مسأله

قراردادهای تجاری بین‌المللی مانند قراردادهای سرمایه‌گذاری و قراردادهای انتقال تکنولوژی معمولاً قراردادهای طولانی مدت می‌باشند که اجرای آنها چندین سال به طول می‌انجامد. قراردادهای بالادستی صنعت نفت در زمینه اکتشاف و تولید نیز در زمره همین قراردادهای قرار می‌گیرند. همین خصیصه باعث می‌شود که در طول اجرا در معرض تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی تغییر قوانین قرار می‌گیرند. این تحولات ممکن است باعث تغییر بنیادین اوضاع و احوالی گردد که عقد بر مبنای آنها منعقد گردیده و در نتیجه باعث به هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد یا مشکل و هزینه بر شدن اجرای آن شود. امری که متعهد را در شرایط دشوار و ناخواسته ای قرار خواهد داد. توجه به این نکته ضروری است که تغییر اوضاع و احوال به گونه ای نیست که مصداق قوه قاهره بوده و در نتیجه متعهد را از اجرای تعهداتش معاف نماید. در این حال از یک سو اصل لزوم قراردادها است که مانع از انحلال یا فسخ قرارداد خواهد شد ضمن اینکه به دلیل اهمیت ویژه قراردادهای نفتی و گره خوردن آن با منافع عمومی و همچنین صرف زمان و عموماً هزینه بسیار در انعقاد آنها عملاً این راهکار نمی‌تواند مناسب باشد و از دیگر سو الزام متعهد به انجام این تعهد دشوار که مخالف با خواست اولیه طرفین در انعقاد قرارداد می‌باشد می‌تواند خارج از عدالت و انصاف باشد. در چنین حالتی یکی از شیوه‌هایی که برای خروج طرفین از این وضعیت می‌تواند راهگشا باشد برگشت طرفین به میز گفتگو و مذاکره مجدد می‌باشد. این راهکار امروزه در بسیاری از قراردادهای بالادستی صنعت نفت مورد توجه قرار گرفته است. از این رو این مقاله در صدد آن هستیم که با بررسی انواع، ویژگیها و شرایط مذاکره مجدد، امکان اعمال آن را در قراردادهای نفتی مورد بررسی قرار دهیم.

۱. تعریف مذاکره مجدد

با توجه به اینکه حفظ و بقای عقد نقش برجسته ای در قراردادهای تجاری بین‌المللی بازی میکند مخصوصاً در مواردی که توازن و تعادل عقد به دلیل عوامل خارج از اراده طرفین بهم خورده است یکی از راهکارهای باقی ماندن قرارداد، استفاده از شرط مذاکره مجدد است. " شروط مذاکره مجدد به شروطی گفته می‌شود که در صورت وقوع حادثه یا حوادث خاص، طرفین را وادار می‌کند تا به مذاکره برگردند و شرایط قرارداد را بازمینی کنند (Gotenda, 2003:1462). مذاکره مجدد فرایندی است که با استفاده از آن طرفین سعی می‌کنند قرارداد را با شرایط جدید یا تقاضای جدید منطبق نمایند (شیروی، شعبانی جهرمی، ۱۳۹۱:۱۶۳).

۲. انواع مذاکره مجدد

مذاکره مجدد ممکن است به صورت شرط در ضمن قرارداد اصلی درج شده باشد یا ممکن

است بدون اینکه در قرارداد اولیه قید شده باشد میان طرفین واقع شود.

۱-۲. مذاکره مجدد بدون شرط

این نوع از مذاکره مجدد ممکن است به صورت بعد از قرارداد^۱ و یا خارج از قرارداد^۲ واقع شود.

مذاکره مجدد بعد از قرارداد مربوط به زمانی است که قرارداد پایان یافته و طرفین قانوناً تعهدی در قبال یکدیگر ندارند با این وجود تصمیم می‌گیرند که رابطه قراردادی خود را از طریق مذاکره تجدید نمایند. به این روند گاهی اوقات تجدید قرارداد^۳ نیز گفته می‌شود. (Salacuse, 2000: 1320).

اما مذاکره مجدد خارج از قرارداد، یکی از طرفین برای رهایی خود از تعهدات قراردادی بدنبال مذاکره مجدد می‌باشد بدون اینکه مبنایی برای مذاکره مجدد در قرارداد وجود داشته باشد (Salacuse, 2000: 1321). در چنین حالتی ممکن است درخواست مذاکره مجدد را مطرح نماید. در قراردادهای نفتی این درخواست ممکن است از جانب سرمایه‌گذار یا کشور میزبان انجام شود. زمانی که به دلیل کاهش ارزش پول، تورم یا عوامل دیگر تعادل اقتصادی قرارداد بهم بخورد.

ارزیابی مقایسه‌ای سیستم‌های حقوقی نشان می‌دهد که بیشتر قوانین مدنی سیستم‌های حقوقی اروپایی صریحاً وظیفه مذاکره مجدد را بر طرفین قرارداد تحمیل نمی‌کنند اگرچه در قوانینشان تغییرات غیر منتظره را به رسمیت شناخته‌اند. در بیشتر این قوانین و سیستم‌های حقوقی اصل حسن نیت به عنوان مبنای مذاکره مجدد در نظر گرفته شده است. با این وجود سیستم‌های حقوقی رویکردهای متفاوتی نسبت به مذاکره مجدد دارند

۱-۱-۲. رویکرد سیستم‌های حقوقی

۱-۱-۱-۲. سیستم کامن لا

سیستم کامن لا به خصوص حقوق انگلیس تاکیدش بر اجرای عقد می‌باشد. قضاوت کامن لا تمایل به حفظ قرارداد دارند با این وجود در برخی از قراردادها با استناد به مفهوم "عقیم ماندن"^۴ به طرفین اجازه داده می‌شود که خود را از قید تعهدات قراردادی رها سازند در صورتی که دستیابی به هدف اساسی قرارداد غیر ممکن باشد (Kolo, Walde, 2000: 34) یا اجرای قرارداد از نظر فیزیکی یا حقوقی غیر ممکن شود یا اگر اجرای قرارداد در شرایطی کاملاً متفاوت

1- Post-deal

2- Extra-deal

3- Renewal Contract

4- Frustration

از توافق اولیه امکانپذیر است. این نظریه بسیار مضیق تفسیر می شود تا درجه ای از تعدیل را که جامعه تجاری آن را عادلانه می بیند ایجاد کند (Al Qurashi, 2005: 271).

اما در حقوق امریکا رویکرد آزادانه تری در مورد معافیت از اجرا در صورت تغییر اوضاع و احوال وجود دارد. این رویکرد که تحت عنوان "غیر عملی شدن تجاری" معرفی شده است و در بخش ۶۱۵-۲ قانون تجارت متحدهالشکل و در بخش (۲) ۲۶۸ بازبینی (دوم) قراردادهای بیان شده است. بر اساس دکترین غیرعملی بودن، معافیت از اجرای قرارداد در موارد دشواری بیش از حد مانند کمبود شدید مواد خام یا تعطیلی غیر قابل پیش بینی منبع ذخیره اصلی می تواند اعمال شود. بنابراین در چنین مواردی طرفین می توانند درخواست مذاکره مجدد بدهند (Al Qurashi, 2005: 271).

می توان نتیجه گرفت که تصمیمات دادگاههای آمریکا و انگلیس نه تنها اصل الزام آور بودن قراردادهای را مجدداً تأیید می کند، همچنین نشان که در صورت فقدان شرط مذاکره مجدد در توافقات، طرفین نمی توانند انتظار داشته باشند که دادگاه به راحتی حکمی بر خلاف قرارداد صادر نماید تنها به این دلیل که متعهد در شرایط سختی و دشواری می باشد (Kolo, Walde, 2000: 35).

۲-۱-۱-۲. سیستم حقوق نوشته

در حقوق المان دکترینی تحت عنوان "ترک اساسی تجارت"^۱ در ماده ۲۴۲ قانون مدنی وجود دارد در رابطه با زمانی که اساس و مبنای معامله در حال از بین رفتن و فروپاشی است. این دکترین امکان تعدیل یا فسخ قرارداد را می دهد در صورتی که تغییر غیرقابل کنترل در اوضاع و احوال قرارداد رخ دهد که منجر به عدم تعادل اساسی قرارداد و ایجاد تعهدات ناروا بر یکی از طرفین قرارداد شود. (Al Qurashi, 2005: 272). در حقوق فرانسه نیز اصل لزوم قراردادهای مورد حمایت قرار گرفته است. بنابراین معافیت از اجرای تعهدات قراردادی تنها در صورتی امکان پذیر است عدم اجرا به دلیل فورس مازور باشد. با این وجود این موقعیت سختگیرانه بوسیله اصل حسن نیت و انصاف که در مواد ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵ قانون مدنی آمده است قابل تحمل تر شده است. به اضافه دکترین عدم پیش بینی^۲ در این کشور ایجاد شده است که در مورد قراردادهای دولتی می باشد. این اصل به دادگاهها اجازه می دهد که قرارداد را در صورتی که تعادل اقتصادی آن به صورت جدی تحت تاثیر تغییر اوضاع و احوال قرار بگیرند تعدیل کنند. اشاره به این نکته ضروری است که دکترین عدم پیش بینی از اهمیت خاصی در قراردادهای نفتی برخوردار است زیرا

1 - Commercial Impracticability
2 - Geschäftsgrundlage Wegfall der
3 - Imprevison

همواره دولتها یا شرکتهای دولتی یک طرف این قراردادها می باشند. (Al Qurashi, 2005: 273). بنابراین حقوق فرانسو در صورتی امکان رهایی از تعهدات قراردادی را فراهم می کند که یک تغییر غیرقابل پیش بینی عمده بر مبنای که طرفین بر اساس آن در مورد توافق اصلی مذاکره کرده بودند تاثیر بگذارد و منجر به عدم تعادل شدید در توزیع منافع قراردادی شود (Kolo, Walde, 2000: 36).

در حقوق سوئیس دکترین عدم امکان، اجازه عدم اجرای تعهدات قراردادی در صورت عدم امکان آنها را می دهد. مگر اینکه شرط قراردادی مخالف با آن وجود داشته باشد. بر این اساس دادگاههای سوئیس در صورت مختل شدن تعادل اقتصادی قرارداد به دلیل تغییر بنیادین اوضاع و احوال به قرارداد خاتمه داده یا آن را تعدیل می کنند. قانون مدنی ایتالیا و یونان شامل قوانینی است که در صورت اختلال عمیق در تعادل اقتصادی قرارداد به دلیل وقوع تغییرات فوق العاده سخت و غیرقابل پیش بینی شرایط امکان تعدیل یا فسخ قرارداد را می دهد. (Al Qurashi, 2005: 273).

بسیاری از سیستمهای حقوقی دیگر مانند اسکانندیناوی و روسیه متضمن نسخه ای از قاعده ربوس^۱ یا همان تغییر بنیادین اوضاع و احوال هستند. که در صورت اختلال شدید در تعادل تعهدات طرفین، ناشی از تغییر شدید اوضاع و احوال قانون راهی را برای خاتمه قرارداد یا مذاکره مجدد باز می کند. البته این قاعده در دادگاهها به صورت محدود عمل می شود و اجازه رهایی آسان از مسوولیت های قراردادی را نمی دهد. (Kolo, Walde, 2000: 36).

۲-۱-۱-۳. حقوق بین الملل

در حال حاضر دکترین تغییر اوضاع و احوال^۲ به طور وسیعی در حقوق بین الملل مورد پذیرش قرار گرفته است. قاعده تغییر بنیادین اوضاع و احوال در ماده ۶۲ کنوانسیون وین مطرح شده است. البته این ماده کاربرد بسیار محدودی در قضایای استثنایی دارد برای اینکه از استفاده بیش از حد از قاعده جلوگیری شود و از عدم قطعیت نسبت به لزوم توافقات بین المللی مندرج در ماده ۲۶ کنوانسیون اجتناب شود. به علاوه ادعا شده است که تعهد برای مذاکره مجدد در قراردادهای سرمایه گذاری بین المللی زمانی ایجاد می شود که تعادل قراردادی موجود در زمان انعقاد قرارداد به دلیل تغییر اساسی اوضاع و احوال دگرگون شود. این نظر بر اساس قطعنامه های مختلف مجمع عمومی سازمان ملل می باشد که مورد حمایت کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است.

این مفهوم همچنین توسط اعضای اوپک تایید شده که از مشروعیت مذاکره مجدد در

1 - Rebus sic stantibus

2 - rebus sic stantibus

قراردادهای امتیازی حمایت کردند و این امر را به عنوان اساس بیانیه قطعنامه سیاست نفتی سال ۱۹۶۸ قرار دادند. قطعنامه ای که سرآغاز تغییر در روابط میان کشورهای میزبان و شرکتهای نفتی بود. البته هیچ اجماعی بر وجود وظیفه مذاکره مجدد در توافقات فراملیتی وجود ندارد. کشورهای در حال توسعه ادعا می کنند در توافقاتی که میان دولتها و سرمایه گذاران خارجی برای بهره برداری از منابع طبیعی منعقد می شود، مفهوم لزوم قراردادهای بوسیله اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی از اعتبار ساقط شده است. از طرف دیگر کشورهای غربی بر اصل لزوم قراردادهای و حمایت از سرمایه گذاری خارجی پافشاری می کند. با این وجود، باید تاکید شود که اصرار کشورهای توسعه یافته بر اصل لزوم قراردادهای به هیچ وجه صراحتا یا ضمنا اعمال مفاهیم حقوق قراردادی مانند تغییر اوضاع و احوال را رد نمی کند. اما ادعای کشورهای در حال توسعه را مبنی بر حق تغییر یک جانبه فقط بر اساس حق حاکمیت یا سیاست اقتصادی جدید را نمی پذیرد. با توجه به تمام موارد فوق واضح نیست که در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال در قراردادهای سرمایه گذاری منعقد شده با دولت آیا وظیفه مذاکره مجدد برای طرفین وجود دارد یا خیر.

۲-۲. مذاکره مجدد مشروط (حین قرارداد)

در تلاش برای ثبات و حفظ تعادل قراردادی ممکن است شرط مذاکره مجدد در قراردادهای گنجانده شود. چنین شروطی طرفین را ملتزم می کنند که در صورت بهم خوردن تعادل قرارداد اقدام به بازنگری آن نمایند. شرط این امکان را فراهم می کند که در زمانهای معین یا در صورت وقوع حوادث یا اوضاع و احوال خاص یکی از طرفین قرارداد برای مذاکره مجدد یا بازبینی شروط خاص یا کل شروط قرارداد درخواست بدهد (Momberg Uribe, 2011: 224). برخی از حقوقدانان معتقدند این شروط منحصرآ قابل استفاده در قراردادهای سرمایه گذاری بین المللی میان اشخاص خصوصی و نهادهای دولتی می باشند. این قراردادهای نوعا طولانی مدت هستند و شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می تواند در طول این دوره به طور اساسی تغییر کند و به طور چشمگیری منافع اقتصادی مورد نظر متعاقبین را دگرگون نماید. همچنین استدلال می شود که شرط مذاکره مجدد هم می تواند از حق حاکمیت دولت برای تغییر قوانین موثر بر قرارداد حمایت کند و هم از حقوق سرمایه گذار خصوصی. بدین گونه که این شروط به دولت اجازه می دهد قوانینش را تغییر دهد و در مقابل سرمایه گذار حق دارد بازنگری یا تعدیل برای برگرداندن تعادل اقتصادی میان طرفین بر اساس شرط مذاکره مجدد را بخواهد (Berger, 2003: 1349-1350).

۲-۲-۱. انواع مذاکره مجدد مشروط

شرط مذاکره مجدد را می توان به چندین دسته تقسیم نمود که عبارتند از:

الف) مذاکره مجدد محدود^۱: در این دسته از شروط حوادثی که باعث ایجاد مذاکره مجدد می شوند و شرایط آنها توسط طرفین مشخص می شود. بنابراین تنها در صورت وقوع همان شرایط خاص امکان استناد به شرط وجود دارد. نمونه این گونه شروط در ماده ۹ توافقنامه متمم قرارداد امتیازی میان دولت کویت و شرکت نفت مستقل آمریکایی (AMINOIL) آمده است (Kroll, 2004: 16)

ب) مذاکره مجدد موسع^۲: در این نوع از مذاکره مجدد شرایط و حوادث ایجاب کننده مذاکره بیان نشده است و هر تغییری می تواند دستاویز استناد به شرط قرار گیرد. از جمله مواردی که اینگونه شروط در قرارداد بیان شده می توان به ماده ۱۷.۸ قرارداد مشارکت سال ۱۹۹۲ میان شرکت نفت و گاز ملی ویتنام و شرکت Lasmo اشاره نمود. (Al Qurash, 2005: 278)

ج) شرط بازبینی یا تجدید نظر^۳: در قراردادهای طولانی مدت مانند قراردادهای نفتی و صنایع معدنی ممکن است طرفین تعهد کنند که در زمانهای معینی برای بازبینی توافقشان مذاکره داشته باشند. با توجه به این نکته که طرفین بایستی مشکلات عملی ایجاد شده در قرارداد را با حسن نیت مورد بحث و بررسی قرار دهند. با اینکه عبارت "مذاکره"^۴ یا "مذاکره مجدد"^۵ در شرط استفاده نشده است اما تفسیر معقول این است که گفته شود قرارداد شامل یک تعهد ضمنی برای طرفین است که در مورد مشکلات ایجاد شده با حسن نیت مذاکره نمایند. (Salacuse, 2013: 284)

د) قواعد شرط باز^۶: به دلیل سختی ها و ریسکهای طبیعی در مذاکره برای تمهیداتی که در آینده اتفاق بیفتند برخی از توافقات مقرر می دارند که مذاکره در مورد برخی موضوعات معین به آینده موکول شود. شاید سالها پس از امضای قرارداد و ایجاد پروژه این مذاکرات صورت بگیرد. به این شروط، شروط باز گفته می شود زیرا مسئله مورد نظر برای مذاکره در آینده آزاد گذاشته می شود. البته در مفهوم سختگیرانه، مذاکرات بعدی شروط باز واقعا یک مذاکره مجدد درباره تمام امور قرارداد محسوب نمی شود زیرا به دلیل وجود شرط باز طرفین هنوز در مورد تمام موضوعات توافق نکرده اند. با این حال، در معنای وسیعتر مذاکره شروط باز در آینده، تاثیر خواهد داشت بر رابطه میان طرفین قرارداد به طور کلی. به علاوه غیر قابل تصور نیست که طرفین

-
- 1- Limited Renegotiation Clause
 - 2- Wide Renegotiation Clause
 - 3- Review Clause
 - 4- Negotiation
 - 5- Renegotiation
 - 6- Open-Term Provision

قرارداد بتوانند از شانس مذاکره مجدد شروط باز استفاده کنند برای مطالبه امتیازات جدید یا تغییر در سایر شروط قرارداد از طریق مذاکره مشترک. (Salacuse, 2013: 285)

ه) شرط تعدیل خودکار^۱: برخی از قراردادها ممکن است شامل شروطی باشند که در صورت تغییر برخی از شاخص‌ها یا وقوع شرایط خاص قیمت قرارداد به طور خودکار و متناسب با شرایط تغییر نماید (شیروی، ۱۳۹۵: ۶۱۵).

۳- معایب و مزایای شرط مذاکره مجدد

استفاده از شرط مذاکره مجدد در قرارداد میتواند معایب و مزایایی به دنبال داشته باشد. از مزایای این شرط می‌توان به انعطاف پذیر شدن قرارداد و ایجاد ثبات در آن اشاره نمود، بعلاوه این شرط می‌تواند باعث حفظ اختیارات دولت میزبان شود ضمن اینکه امکان از بین بردن شکاف قراردادی در فرهنگ‌های تجاری مختلف را نیز فراهم می‌نماید. اما در عین حال ممکن است موجب ابهام در قرارداد شده یا باعث بالا بردن هزینه آن گردد و حتی در مواردی ممکن است دستاویزی برای دولت میزبان جهت تغییر شرایط قرارداد گردد.

۴- تعهدات ناشی از شرط مذاکره مجدد

وجود شرط، طرفین را ملزم به مذاکره برای بازبینی عقد می‌نماید و امتناع یکی از طرفین در تناقض با قرارداد و نقض وظیفه بوده و الزام به جبران خسارت را به همراه خواهد داشت. اما باید توجه نمود الزام به مذاکره به معنی الزام به توافق نمی‌باشد. زیرا ممکن است طرفین بعد از مذاکره مجدد به توافقی دست پیدا نکنند و این امر مسئولیتی به دنبال نخواهد داشت. به طور مثال در قضیه مربوط به شرکت Aminoil و دولت کویت، دیوان داوری نظر داد که حوزه تعهد به مذاکره در نظر گرفته شده در ماده ۹ شامل یک تعهد به مذاکره می‌باشد نه یک تعهد به توافق (Bernardini, 2008: 105).

می‌توان گفت برای طرفین دو وظیفه وجود دارد یکی ورود به مذاکره و دیگری مذاکره با حسن نیت. و اگر این رفتار همراه با حسن نیت منجر به توافق میان طرفین نشد مسئولیتی به دنبال نخواهد داشت. البته طرفین بایستی با جدیت مذاکرات را پیش ببرند به این معنی که هدفشان حل اختلاف ایجاد شده باشد و برای این منظور لازم است طرفین انعطاف پذیر بوده و برای دستیابی به توافق از برخی از خواسته‌هایشان صرف نظر نمایند (Kolo & Walde, 2000: 57). ضمن اینکه طرفین بایستی پیشنهادات جدی و واقع بینانه طرح نمایند. زیرا در غیر این صورت ضمن اینکه از اصل حسن نیت عدول نموده اند برایشان مسئولیت ایجاد خواهد شد. با وجود اینکه طرفین با توافق شرط مذاکره مجدد را در قرارداد درج می‌نمایند اما معمولاً ضمانت

اجرائی برای آن در نظر نمی‌گیرند و باید از اصول کلی حقوقی استفاده نمود. علاوه بر آنچه بیان شد وظایف دیگری نیز در زمان مذاکره مجدد وجود خواهد داشت که عبارتند از:

۱- بر اساس اصل "نه منفعت نه زیان"^۱ تعادل اقتصادی قرارداد باید حفظ شود پس نمی‌توان به عنوان نتیجه مذاکرات یکی از طرفین فقط سود ببرد و طرف دیگر متحمل زیان شود (Horn, 1985: 28) در واقع نتیجه عادلانه مذاکرات این خواهد بود که هزینه‌های ایجاد شده میان طرفین تقسیم شود و بر این اساس هم طرف زیان دیده و هم طرف منتفع باید در زیان ایجاد شده شریک باشند.

۲- هدف شرط مذاکره مجدد، محدود به تعدیل قرارداد در صورت تغییر اوضاع و احوال است نه بازسازی تمام قرارداد مگر اینکه این موضوع به وضوح در شرط بیان شده باشد. (Berger, 2003: 1365)

۳- طرفین ملزم هستند که تمام اطلاعات و حقایق مربوط به موضوع مذاکره را بیان نمایند و حق ندارند مطالبی را از طرف دیگر مخفی کنند و در غیر این صورت اقدامشان بر خلاف اصل حسن نیت بوده و مسئولیت بدنبال خواهد داشت.

۵- تکلیف قرارداد در مدت مذاکره

در صورت وقوع شرایط برای اجرای شرط مذاکره مجدد آنچه بایستی مد نظر قرار بگیرد تکلیف تعهدات ناشی از عقد اصلی در زمان مذاکرات می‌باشد. ممکن است طرفین در ضمن شرط نسبت به این موضوع تصمیم‌گیری کرده باشند اما اگر توافق طرفین در این رابطه ساکت باشد، برخی از حقوقدانان معتقدند که در طول دوره مذاکرات، اجرای عقد باید استمرار پیدا کند زیرا توقف عقد خلاف اصل بوده و وجود شرط مستلزم توقف اجرای شرط نمی‌باشد (عبداللطیف به نقل از اپتی، ۲۰۱۵: ۱۶۹). در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UNIDROIT) در ماده ۳-۲-۶ آمده است:

"۱) در مورد عسر و حرج، طرف زیان دیده حق دارد درخواست مذاکره مجدد بدهد...

۲) درخواست مذاکره مجدد به خودی خود، حق خودداری از اجرای تعهدات را به طرف زیان‌دیده نمی‌دهد..."

برخی با استناد به ماده ۱۱۳۵ قانون مدنی فرانسه استدلال نموده‌اند که متعاملین علاوه بر نتایج مستقیم ناشی از عقد، به آثار ناشی از عرف، انصاف و قانون نیز که از ماهیت عقد سرچشمه می‌گیرد متعهد می‌شوند که مقتضی توقف عقد در زمان مذاکره می‌باشد. زیرا نتیجه عرفی

چنین شرطی، ضرورت توقف عقد به دلیل نابرابر شدن تعهدات موجود در آن می باشد. (بیگدلی به نقل از گستن، ۱۳۸۶: ۵). برخی دیگر نیز معتقدند ادامه اجرای عقد در این حالت به معنی اجرای تعهدات متعهد به همان شرایط گذشته می باشد که سبب ورود ضرر یا دشواری برای متعهد شده و در واقع شرط مذاکره مجدد جلوگیری از آنها ایجاد شده است. از این رو توقف اجرای تعهدات را منطقی تر می دانند. (عبداللطیف به نقل از محمد غانم، ۲۰۱۵: ۱۷۲)

برخی آراء دیوان داورى اتاق بازرگانی بین المللی در پاریس نیز به همین نظر اشاره دارد. مانند رای مربوط به قضیه شماره ۲۶۹۵ در دعوی که طرفین آن شرط مذاکره مجدد را در ضمن عقد اصلی درج نموده بودند اما نه به صراحت و نه به طور ضمنی اشاره ای به توقف عقد در طول مذاکرات ننموده بودند با این وجود دیوان حکم به توقف اجرای عقد در طول مذاکرات داد. مشابه همین نظر در قضیه شماره ۲۸۹۴ نیز تکرار گردید. (جاسم، بی تا: ۱۶).

نظر بینابینی نیز در این رابطه مطرح شده بدین گونه که بهتر است میان دو دسته از قراردادهای تفکیک قائل شد. بدین ترتیب که اگر در ضمن قرارداد اصلی علاوه بر پیش بینی شرط مذاکره مجدد، محدوده نابرابر شدن عقد را نیز در نظر گرفته باشند، در صورت رسیدن به سقف مورد نظر، عقد متوقف خواهد شد اما در صورتی که چنین محدوده ای در نظر گرفته نشده باشد بایستی اجرای عقد تداوم پیدا کند. (عبداللطیف به نقل از فیبر، ۲۰۱۵: ۱۷۰).

راه حل دیگری که برای این مسئله بیان شده استفاده از قاعده "حداقل اجرا"^۱ است که درخواست برای مذاکره مجدد می تواند یا بایستی شامل یک پیشنهاد مبنی بر اجرای حداقل تعهدات زیان دیده در طول مذاکرات باشد. مثلاً در کنار درخواست برای تعدیل قیمت به عنوان هدف اصلی از مذاکره، پیشنهاد از جانب فروشنده می تواند متضمن کاهش در کمیت کالایی باشد که باید در طول مذاکره تحویل داده شود. (Mombert Urbin, 2011: 230). یعنی تعهدات قراردادی متوقف نشود بلکه حداقلی از تعهدات در طول مذاکرات انجام شود.

بررسی نظرات ارائه شده می تواند این نتیجه را در بر داشته باشد که هیچ یک از نظرات به تنهایی نمی تواند راهگشای موضوع باشد و بهتر است برای حل مسئله تلفیقی از نظرات را به کار بست. به این صورت که اگر طرفین میزان مشخصی از نابرابری را در نظر گرفته باشند با رسیدن به محدوده توافق شده اجرای قرارداد متوقف شده و طرفین منتظر نتیجه مذاکرات شوند زیرا در چنین پیش بینی به معنی عدم صحت ادامه عقد در شرایط ایجاد شده است. اما اگر چنین پیش بینی در عقد صورت نگرفته باشد از آنجایی که برای توقف اجرای عقد دلیلی وجود ندارد اجرای تعهدات بایستی ادامه پیدا کند اما طرف زیان دیده می تواند تقاضای اجرای حداقل تعهدات را در

زمان مذاکرات داشته باشد.

۶- نتیجه مذاکره

۶-۱. در صورت موفقیت مذاکرات

در صورتی که مذاکره مجدد میان طرفین ثمربخش بوده و طرفین به توافق دست پیدا نمایند تردیدی نخواهد بود که قرارداد با شرایط مورد توافق طرفین ادامه پیدا خواهد کرد. باید توجه نمود که این توافق همان توافق سابق است که برخی شرایط آن تغییر نموده است و بنابراین تبدیل تعهدی صورت نگرفته و به تبع آن، آثار مربوط به تبدیل تعهد در این حالت اعمال نشده و در فرض وجود تضمیناتی برای قرارداد اولیه تضمینات به قوت خود باقی خواهند ماند.

اما اگر مذاکرات طرفین منجر به توافق نشود این امر می تواند ریشه در سوء رفتار و سوء نیت طرف قرارداد داشته باشد که به زیان دیده حق مطالبه خسارت وارده را خواهد داد (Momberg Uribe, 2001: 231) ضمن اینکه به نظر می رسد در چنین حالتی با استناد به تخلف شرط بتواند عقد را نیز فسخ نماید. ولی در صورتی که با وجود حسن نیت و تلاش طرفین باز هم توافقی حاصل نشود راهکارهای متفاوتی از سوی حقوقدانان مطرح شده است. البته ممکن است طرفین در زمان درج شرط در قرارداد برای چنین موردی چاره اندیشی کرده باشند مثلاً در مدل قرارداد مشارکت اکتشاف و تولید دولت قطر ۱۹۹۴ آمده که در صورت عدم موفقیت طرفین در دستیابی به توافق برای بازنگری قرارداد، هر کدام از طرفین می تواند موضوع را به داوری ارجاع دهد. (Bernardini, 2008: 110)

۶-۲. در صورت عدم موفقیت مذاکرات

بیشترین بحث در مورد نتیجه مذاکرات مقدماتی زمانی ایجاد می شود که طرفین در دستیابی به توافق ناکام می مانند. در مواردی با تمام تلاش و حسن نیتی که طرفین به خرج می دهند باز هم امکان دستیابی به توافق میسر نمی شود اما گاهی اوقات سوء رفتار و سوءنیت طرف قرارداد مانع از دستیابی به توافق می شود. اگر دلیل عدم موفقیت، امتناع یکی از طرفین برای ورود به مذاکرات یا رفتار همراه با سوءنیت وی باشد مقصر محسوب شده و طرف زیان دیده می تواند خسارت وارد شده را مطالبه نماید. (Momberg Uribe, 2001: 231) ضمن اینکه به نظر می رسد در چنین حالتی با استناد به تخلف شرط بتواند عقد را نیز فسخ نماید. اما اگر با وجود تلاش طرفین

دستیابی به توافق ناموفق باشد در اینکه چه اثری بر عقد وارد می شود اختلاف نظر وجود دارد. که در ذیل به بررسی این نظرات خواهیم پرداخت.

۶-۲-۱. پیش بینی طرفین در مورد عدم موفقیت مذاکرات

ممکن است طرفین، در مورد عدم موفقیت احتمالی آن نیز تصمیم گیری کرده باشند که

در این حال، بر اساس تصمیم طرفین عمل خواهد شد. مثلاً در مدل قرارداد مشارکت اکتشاف و تولید دولت قطر سال ۱۹۹۴ آمده که در صورت عدم موفقیت طرفین در دستیابی به توافق برای بازنگاری قرارداد، هر کدام از طرفین می‌تواند موضوع را به داوری ارجاع دهد. (Bernardini, 2008: 110). ضمن اینکه طرفین می‌توانند توافق نمایند که در صورت عدم دستیابی به توافق هر کدام از طرفین حق فسخ عقد را داشته باشند بدون اینکه ملزم به جبران خسارت باشند.

۲-۲-۲-۶. عدم پیش بینی طرفین در مورد عدم موفقیت مذاکرات

در مواردی ممکن است راجع به سرنوشت عقد در صورت ناموفق بودن مذاکرات مجدد پیش بینی از جانب طرفین عقد صورت نگرفته باشد. از این رو حقوقدانان راه حل‌های مختلفی را مطرح می‌نمایند.

۱-۲-۲-۶. خاتمه قرارداد

برخی نظر به خاتمه قرارداد داده‌اند. اینان معتقدند طرفین قرارداد با درج شرط مذاکره مجدد تمایل به اصلاح قرارداد داشته‌اند حال که این امکان فراهم نشده نباید آنها را وادار به ادامه رابطه قراردادی نمود که تمایلی به آن ندارند. (بیگدلی به نقل از پلرین، ۱۳۶۸: ۵). این شیوه می‌تواند به عنوان آسانترین راه حل مطرح شود اما مناسب برای منافع طرفین نخواهد بود مخصوصاً اگر طرفین تمایل به حفظ قرارداد داشته باشند یا اینکه منافع عمومی یا منافی برای شخص ثالث در قرارداد وجود داشته باشد (Momborg Uribe, 2011: 231).

۲-۲-۲-۶. ادامه اجرای قرارداد اولیه

عده‌ای بر این نظرند که نتیجه حقوقی عدم موفقیت مذاکره مجدد، باقی ماندن قرارداد به همان صورت اولیه است. طرفین لازم است به دلیل اصل الزام آور بودن قراردادهای تعهداتشان را همانگونه که در قرارداد اولیه بوده انجام دهند. در صورتی که دولت میزبان از انجام تعهدات قراردادی امتناع نماید این امر در تناقض با قرارداد بوده و خسارت ناشی از این نقض بر اساس شرایط قرارداد اصلی محاسبه خواهد شد (Kroll, 2004: 292). اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز در شرط مدل در سال ۱۹۸۵ اشاره کرده است که در صورت عدم توافق طرفین در مورد تعدیل عقد، در مدت ۹۰ روز از تاریخ مطالبه مذاکره، عقد بر اساس شروط اولیه ادامه پیدا خواهد کرد. (عبداللطیف، ۲۰۱۵: ۱۸۵)

۳-۲-۲-۶. ارجاع به طرف ثالث

اما بحث برانگیزترین راه حل مربوط به امکان اجازه به دادگاه برای تعدیل قرارداد در صورت عدم دستیابی طرفین به توافق است. در مورد امکان دخالت دادگاهها رویه‌های مختلفی وجود دارد. حقوق مدنی جدید آلمان و هلند به صراحت، امکان تعدیل قرارداد بوسیله دادگاه در صورت تغییر شرایط را فراهم کرده است. اما حقوق انگلستان این ایده را رد کرده است. در مورد

امکان تعدیل قرارداد در دیوان داوری بین المللی این امر زمانی امکان پذیر است که ترکیبی از شرط مذاکره مجدد و توافق داوری در قرارداد وجود داشته و صراحتاً به داور امکان تعدیل قرارداد در صورت عدم موفقیت مذاکرات داده شود.

اما یک رویکرد کاملاً متفاوت توسط "اصول قراردادهای تجاری بین المللی"^۱، "اصول حقوق قراردادهای اروپایی"^۲ و "طرح چارچوب مشترک مرجع"^۳ اتخاذ شده است. بدین ترتیب که اگر طرفین در دوره زمانی معقول نتوانند به توافق دست پیدا کنند هر کدام از طرفین می تواند به دادگاه برای تعدیل قرارداد در شرایط جدید درخواست بدهد و دادگاه بر اساس اختیاراتی که دارند می توانند میان اصلاح قرارداد یا خاتمه آن هر کدام را که مناسب تر با شرایط می دانند انتخاب کنند. (Momberg Uribe, 2011: 232)

با وجود تمام این نظرات همچنان اختلاف به قوت خود باقی می باشد. می توان گفت در چنین حالتی قانون حاکم بر قرارداد میتواند نقش مهمی را ایفاء نماید و بر اساس اینکه کدامیک از این راهکار را پذیرفته باشد سرنوشت عقد تعیین خواهد شد.

۷. کاربرد شرط مذاکره مجدد در قراردادهای نفتی بین المللی

با توجه به تنوع قراردادهای نفتی و تفاوت میان حقوق و تکالیف طرفین در هر کدام از این قراردادها اعمال شرط مذاکره مجدد بسته به نوع قرارداد ممکن است متفاوت باشد. بنابراین این شرط را در انواع مختلف قراردادهای نفتی بررسی خواهیم کرد.

۷-۱. قراردادهای امتیازی^۴

قراردادهای امتیازی قدیمی ترین نوع قراردادهای نفتی می باشند. که به موجب آنها کشور میزبان، مخزن یا میدان نفتی را به منظور اکتشاف، توسعه، بهره برداری و بازاریابی محصولات به یک شرکت خارجی واگذار نموده و در مقابل مبلغی را به عنوان حق امتیاز دریافت می کند (رحیمی، ۱۳۹۵: ۳۵). این دسته از قراردادها به دو دسته سنتی و جدید تقسیم می شوند. در قراردادهای امتیازی سنتی، دولت میزبان به طور کلی هیچ اداره و نظارتی بر فرایند استخراج و تولید نداشت. همین ویژگیها باعث میشد که عملاً شرط مذاکره مجدد در آنها راهی نداشته باشد. این قراردادها به دلیل سهم کم دولت میزبان در فرایند تولید و منابع استخراج شده کم تغییر نموده و قراردادهای امتیازی جدید جایگزین آنها گردید. در قراردادهای جدید دولت از نقش بیشتری برخوردار است و جایگاه سرمایه گذار خارجی به پیمانکاری که از طرف دولت در قبال

1 - Unidroit Principle of International Commercial Contracts (PICC)
 2 - Principle of European Contract Law (PECL)
 3 - Draft Common Frame of Reference (DCFR)
 4 - Concession Contracts

دریافت حق الزحمه مشغول فعالیت می باشد تنزل پیدا کرده است (زحمتکش، ۱۳۹۳: ۴۰۶). همانند قراردادهای امتیازی در لیبی، کویت، آنگولا، اکوادور و عمان (Randon, 2011: 63). در این دسته از قراردادها امکان گنجاندن شرط مذاکره مجدد وجود دارد زیرا این قراردادها در زمره قراردادهای طولانی مدت قرار می‌گیرند ضمن اینکه هر دو طرفین در شروط مالی مانند مالیات که ممکن است به دلیل تغییر شرایط تحت تاثیر قرار بگیرد ذینفع می باشند. بنابراین در زمان انعقاد قرارداد امتیازی، دولت میزبان و شرکت سرمایه گذار با درج شرط مذاکره مجدد در زمان انعقاد قرارداد می توانند امکان بازبینی قرارداد در صورت وقوع حوادث غیر منتظره را فراهم نمایند. در همین زمینه کمیته فنی در شرکتهای نفتی چند ملیتی همینطور کمیته روابط خارجی و سنا و... توصیه می کنند که دولت آمریکا شرکت های نفتی را برای گنجاندن شرط مذاکره مجدد خودکار نسبت به شروط مالی در هر پنج تا ده سال در مقررات قراردادهای امتیازی تشویق کند. (Abdullah Hamad, 2017: 41). از جمله قراردادهای امتیازی که از شرط مذاکره مجدد استفاده نموده است قرارداد دولت کویت با شرکت امریکایی امین اوپل در سال ۱۹۴۸ است که در ماده ۹ آن به شرط مذاکره مجدد اشاره شده بود.

۲-۷. قراردادهای مشارکتی

نوع دیگری از قراردادهای نفتی قراردادهای مشارکتی هستند که در دو دسته قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری و مشارکت در تولید منعقد می شوند.

۱-۲-۷. قرارداد مشارکت در سرمایه گذاری^۱

در این قراردادها یک شرکت مشترک، متشکل از شرکت ملی نفت و شرکت سرمایه گذار بین المللی تشکیل می شود که به عنوان یک شرکت واحد، عملیات نفتی را انجام می دهد. بنابراین مدیریت و مالکیت میان هر دو شرکت تقسیم می شود. (زحمتکش، ۱۳۹۳، ۴۰۸) در این قراردادها دولت و شرکت نفتی در سود و خطرپذیری موضوع توافقنامه نفتی سهیم می باشند (رضائیان مهر، ۱۳۹۳، ۲۳) و مشترکا تمام حقوق و هزینه های عملیات اکتشاف، توسعه و استخراج میانشان تقسیم می شود (Abd Gadas & Karimsharif, 2014: 39). در این قراردادها نیز درج شرط مذاکره مجدد مفید خواهد بود زیرا هم مدت قراردادها طولانی می باشد و احتمال تغییر اوضاع و احوال بسیار زیاد هست و هم اینکه انعقاد قرارداد بر اساس احتمال وجود منابع در یک منطقه بوده و قطعیتی در این زمینه وجود ندارد و همیشه این امکان وجود دارد که فرضیات و احتمالات اشتباه بوده و عملیات ناموفق باشد در چنین حالتی وجود شرط مذاکره مجدد می تواند به بازنگری قرارداد کمک نماید.

۲-۲-۷. قرارداد مشارکت در تولید^۱

در این قراردادها دولت میزبان مالکیت و مدیریت بر منابع طبیعی را در اختیار دارد و کنترل بر بهره برداری از نفت در اختیارش می باشد. شرکت خارجی به عنوان پیمانکار، وظیفه ارائه خدمات فنی و مالی برای اجرای عملیات اکتشاف و توسعه را بر عهده دارد. در این قراردادها اگر عملیات، منجر به تولید تجاری شود، شرکت خارجی بخشی از نفت یا گاز تولیدی را دریافت خواهد کرد اما اگر عملیات به نتیجه نرسد ریسک عدم کشف با شرکت سرمایه گذار خواهد بود. (Bindemann, 1999: 13-18). در واقع این قرارداد یک روش خرید خدمت است و پرداخت دستمزد از طریق پرداخت بخشی از تولیدات صورت می گیرد (امین زاده، آقابابایی دهکردی، ۱۳۹۳: ۹).

در این قراردادها طرف دولتی و پیمانکار در مورد کشف و استخراج نفت دارای هدف مشترک می باشند اما در بسیاری از موارد طرف دولتی توجهی به دغدغه های اقتصادی پیمانکار ندارد و از آنجایی که ریسک اقتصادی قرارداد بر عهده پیمانکار می باشد همین امر در بروز اختلاف میان طرفین موثر می باشد. مثلاً ممکن است دولت در جهت پاسخگویی به نیازهای اجتماعی یا محلی تمایل به توسعه میدان نفتی داشته باشد اما پیمانکار به دلیل حجم نامناسب مخزن برای صادرات بلند مدت تمایلی به این امر نداشته باشد و همین موضوع زمینه ساز اختلاف میان طرفین شود. در چنین حالتی وجود شرط مذاکره مجدد طرفین را از بن بست خارج خواهد نمود. (امانی، شفیق زاده خولنجانی، ۱۳۹۱: ۱۶۰). یک مثال از قراردادهای مشارکت در تولید که مذاکره مجدد در مورد تعادل اقتصادی قرارداد را پذیرفته است در ماده (۱۰) ۱۷ مدل هندی قراردادهای مشارکت در تولید^۲ آمده است که بر اساس آن هر گونه تغییر در قوانین که بر منافع اقتصادی قرارداد تاثیر بگذارد باید با مشورت طرفین باشد. (Oyewunmi, 2011: 13). نمونه قراردادهای دیگری که می توان اشاره نمود که حاوی شرط مذاکره مجدد می باشند قرارداد مشارکت در تولید قطر سال ۱۹۹۴، قرارداد مشارکت در تولید ترکمنستان ۱۹۹۷ و قرارداد مشارکت در تولید غنا ۱۹۷۴ می باشد. (Ai Qurashi, 2005: 287)

۳-۷. قراردادهای خدماتی^۳

در این نوع از قراردادها کشور میزبان کنترل و نظارت بیشتری بر منابع معدنی ملی دارد. در این قراردادها کشور میزبان خدمات یک شرکت نفتی را خریداری می نماید و در مقابل مبلغ یا سهم از پیش تعیین شده ای را دریافت می دارد. (زحمتکش، ۱۳۹۳، ص ۴۱۱) در این قراردادها

1- Production Sharing Contract

2- Indian Model Production Sharing Contract 2009, art 17(10)

3- Service Contract

معمولا سهم شرکت نفتی خارجی به صورت نقد پرداخت می‌گردد. (Likosky, 2009: 14). این نوع از قراردادهای سه دسته تقسیم می‌شوند.

۷-۳-۱. قراردادهای خدماتی صرف^۱

این دسته از قراردادهای برای عملیات تولید استفاده شده و در عملیات اکتشافی کاربردی ندارند. حق الزحمه به صورت معین و مقطوع و به صورت نقد پرداخت می‌گردد. (رحیمی، ۱۳۹۵، ص ۴۴) در واقع در این از قراردادهای شرکت خارجی به عنوان پیمانکار وظیفه انجام امور معینی را بر عهده دارد که در مقابل آن حق الزحمه دریافت می‌کند و قاعدتا در هر شرایطی ملزم می‌باشد که وظیفه محوله را انجام دهد بنابراین تغییر اوضاع و احوال ممکن است بر انجام تعهدش تاثیر گذاشته و آن را دشوار نماید یا تعادل اقتصادی قرارداد فیما بین را تحت تاثیر قرار دهد. پس قراردادن شرط مذاکره مجدد کارگشا خواهد بود. البته باید توجه نمود که شرکت خارجی هیچ وظیفه‌ای در قبال عدم استخراج و ناموفق بودن پروژه بر عهده نداشته و قاعدتا شرط مذاکره مجدد در این زمینه منعقد نخواهد شد.

۷-۳-۲. قراردادهای ریسکی خدمت^۲

در این نوع از قراردادهای تصمیم‌گیری در مورد پروژه به صورت مشترک توسط طرفین و بوسیله کمیته‌های مشترک صورت می‌گیرد (ایرانپور، ۱۳۸۶: ۱۹). اما تمام ریسک عدم اکتشاف منابع نفتی بر شرکت خارجی وارد می‌شود. در این قراردادهای شرکت نفتی به عنوان پیمانکار تمام خدمات فنی و مالی را انجام می‌دهد و در مقابل بعد از کشف میدان و تولید تجاری آن، هزینه‌های انجام داده را دریافت می‌نماید. (رحیمی، ۱۳۹۵: ۴۷). در این قراردادهای شرط مذاکره مجدد در صورتی که تغییر اوضاع و احوال باعث دشوار شدن انجام تعهد شود می‌تواند به یاری شرکت خارجی بیاید.

۷-۳-۳. قراردادهای بیع متقابل^۳

قراردادهای بیع متقابل از دسته قراردادهای خدماتی هستند که بعد از انقلاب در صنعت نفت ایران مورد استفاده قرار است و در حال حاضر نسل چهارم این قراردادهای رونمایی شده است. در این قراردادهای شرکت نفتی خارجی، تمام هزینه‌های مالی و اقدامات لازم جهت ساخت و راه اندازی تجهیزات و انتقال تکنولوژی را بر عهده می‌گیرد و در مقابل پس از موفقیت پروژه، هزینه‌ها و سود سرمایه‌گذار از طریق اختصاص بخشی از محصولات، پرداخت می‌شود. (Shiravi & Ebrahimi, 2006: 201). در این قراردادهای به دلیل ساختار ویژه‌ای که دارند شرح کار مشخص

1 - Pure Service Contract

2 - Risk Service Contract

3 - Buy Back Contracts

تری وجود دارد. با این حال در مواردی نیاز به مذاکره مجدد طرفین است. مثلاً با وجود اینکه در قراردادهای بالادستی یک طرح جامع توسعه^۱ اولیه وجود دارد که با توجه به آن اطلاعات اولیه مخزن تعیین می‌شود، با این حال بر اساس مشخصات میدان و نوع سنگها و شرایط زمین شناسی اطلاع دقیق تری در طول دوره بدست می‌آید که برای اصلاح طرح جامع نیاز به انعطاف پذیری قرارداد می‌باشد (شافع و رحیمی، ۱۳۹۴: ۵۶). وجود شرط مذاکره مجدد می‌تواند این قابلیت را به قرارداد بدهد.

راهکار مشخص شده برای مذاکره مجدد در قراردادهای بیع متقابل این است که ابتدا "کمیته مشترک مدیریت"^۲ که از نمایندگان پیمانکار و کارفرما تشکیل شده است بایستی موضوع را بررسی و به اتفاق آراء تصمیم‌گیری نماید. در صورت عدم موفقیت کمیته در اخذ تصمیم مقتضی، موضوع به مدیران ارشد ارجاع خواهد شد و در صورتی که مدیران ارشد نیز موفق به اتخاذ تصمیم مناسب نشوند موضوع قابل ارجاع به داوری می‌باشد. (شیروی و شعبانی، ۱۳۹۱: ۱۸۲).

۸- مذاکره مجدد از منظر اخلاق

حقوق اسلام بر مبانی و اصول بسیاری استوار است اما به طور کلی می‌توان گفت محور همه مقررات قواعد اسلامی یا عدالت است و یا اخلاق. با توجه به اینکه عدالت به عنوان یکی از فضائل مهم، چیزی جدای از اخلاق نمی‌باشد (قربان نیا، ۱۳۷۸، ۱۰۰) می‌توان پی برد که حقوق اسلامی بر مبنای اخلاق و ویژگیها و معیارهای آن بنا نهاده شده است. بحث اخلاق در دین اسلام از آنچنان جایگاهی برخوردار می‌باشد که پیامبر اسلام (ص) هدف از بعثت خود را پایه آن قرار داده است (کوشا، ۱۳۸۴، ۵۲). یکی از اصول مهم حاکم بر قراردادهای حقوقی نیز که در بحث مذاکره مجدد باید به آن توجه نمود اصل حسن نیت می‌باشد. حسن نیت در واقع مفهومی است اخلاقی که به مرور به علم حقوق راه پیدا کرده و در آن نهادینه شده است. می‌توان گفت قاعده حسن نیت یکی از نمونه‌های تاثیر اخلاق بر حقوق می‌باشد. (جعفرزاده و سیمایی صراف، ۱۳۸۴: ۱۴۰). حسن نیت به عنوان یک مفهوم اخلاقی در حقوق اسلامی در موارد زیادی مورد تاکید قرار گرفته است (حاجی پور، ۱۳۹۵: ۱۰۲).

فرهنگ حقوقی بلک حسن نیت را اینگونه تعریف کرده است: "یک حالت ذهنی قائم بر صداقت در عقیده یا هدف، وفاداری به تعهد یا التزام در مقابل دیگری می‌باشد به همراه رعایت استانداردهای تجاری متعارف و رفتار منصفانه در یک کسب و پیشه معین یا تجارت یا فقدان قصد تقلب یا تحصیل سود بر خلاف وجدان" (Garner, 2004: 713). شاید بتوان تعریفی از

1 - Master Management Committee (JMC)

2 - Joint Management Committee (JMC)

حسن نیت به شرح ذیل ارائه کرد: "رفتاری صادقانه، منصفانه و معقول که در مرحله ی گفتگوهای مقدماتی، انعقاد، اجرا و تفسیر قرارداد، عرفاً از طرفین نسب به یکدیگر و یا حتی نسبت به اشخاص ثالثی که با قرارداد ارتباط پیدا می کنند، انتظار انجام آن می رود" (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۶۷). وجه مشترک این تعاریف، صداقت و راستی در قرارداد و ایفای وظایف قراردادی به گونه‌ای صادقانه، منصفانه و معقول است. در واقع مبنای اصل حسن نیت در قراردادهای بین‌المللی را اموری چون اخلاق و ارزشهای فطری انسانی، ضرورت‌های خاص حوزه تجارت، ارج نهادن به نظم عمومی و اقتضای ذات قرارداد دانسته اند. (جعفرزاده و سیمائی صراف، ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۴۱)

طرفین قرارداد ملزم می باشند از زمان شروع به مذاکره برای انعقاد قرارداد تا خاتمه و اجرای قرارداد، مبنای اخلاقی و حسن نیت را رعایت نمایند. در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال یکی از راهکارهایی که پیش پای طرفین قرار می گیرد مذاکره مجدد می باشد و این امر به منظور خارج نمودن توافق میان طرفین از بن بست می باشد و همانطور که در مباحث پیشین اشاره شد طرفین ملزم به رعایت حسن نیت در ورود به مذاکرات و دادن پیشنهادات منطقی می باشند. این امر تا حدی دارای اهمیت است که در صورتی اثبات سوء نیت یکی از متعاملین، طرف زیان دیده ضمن داشتن حق فسخ قرارداد می تواند خسارت وارده ناشی از این اقدام غیر اخلاقی را نیز مطالبه نماید.

نتیجه گیری

از آنجایی که قراردادهای نفتی معمولاً برای دوره های زمانی طولانی مدت منعقد می شوند همواره این امکان وجود دارد که در معرض تغییر بنیادین اوضاع و احوال قرار بگیرند موضوعی که ممکن است بر تعادل اقتصادی قرارداد اثر گذاشته و انجام آن را برای یکی از طرفین دشوار و پر هزینه نماید. وجود راهکاری که بتواند ضمن احترام به اصل لزوم قراردادها به حل این مشکل کمک نماید می تواند ضمن ثبات عقد مانع از انحلال آن نیز گردد. مذاکره مجدد می تواند به خوبی این وظیفه را انجام دهد. این شرط می تواند حمایت لازم را از قرارداد در صورت تغییر اوضاع و احوال به عمل آورد. ضمن اینکه امکان اختلاف میان طرفین را کاهش داده و به نوعی از اعمال دولت میزبان که ممکن است به ضرر طرف مقابل باشد جلوگیری می نماید. امروزه در قراردادهای نفتی به شیوه های مختلف از این شرط استفاده می شود. گاه در زمان انعقاد در قرارداد پیش بینی می شود و گاه پس از ایجاد تغییرات بر آن توافق می شود. وجود شرط می تواند این اطمینان را در طرفین ایجاد کند که ابزاری در قرارداد وجود دارد که می تواند اجرای قرارداد را حتی در صورت تغییر شرایط تضمین نماید. و این موضوع می تواند باعث جذب سرمایه گذار و در نتیجه توسعه اقتصادی کشورهای میزبان که عموماً از کشورهای در حال

توسعه می باشند گردد و در نتیجه از این طریق می توانند نیاز خود را به فن آوری لازم در صنعت نفت و تجربه و تخصص مورد نیاز برآورده سازند. همچنین در صورتی که کشور میزبان نیاز به تغییر قوانین و مقررات داشته باشد می تواند از این شرط استفاده نماید. البته وجود شرط نه تنها برای کشور میزبان بلکه برای شرکتهای سرمایه گذار نفتی نیز سودمند است زیرا در مواردی که تعادل اقتصادی قرارداد بهم خورده است می توانند از آن استفاده نمایند. نکته که در درج این قرارداد بایستی مورد توجه بگیرد این است که طرفین بایستی با تعیین دقیق محدوده شرط، استفاده از آن را راحت تر و سودمندتر نمایند. می توان گفت که این شرط یک مکانیزم حل و فصل اختلافات است که می تواند مانع از خاتمه آنها به دلیل تغییر اوضاع و احوال شود و طرفین با توافق همدیگر اقدام به اصلاح قرارداد نمایند ضمن اینکه حتی در فرض عدم توافق، طرفین با ارجاع امر به داور یا دادگاه همچنان می توانند امکان ادامه اجرای قرارداد را میسر نمایند. بنابراین استفاده از این شرط می تواند بسیار راهگشا باشد. نکته حائز اهمیت دیگر در این بحث توجه به مباحث اخلاقی مذاکره مجدد می باشد زیرا رعایت حسن نیت که یکی از مباحث اخلاقی راه یافته به امور حقوقی است دارای اهمیت بسیار می باشد و طرفین ملزم می باشند ضمن رعایت اخلاق و حسن نیت وارد مذاکره مجدد شده و نسبت به ارایه پیشنهادات منطقی برای حل مشکل پیش آمده اقدام نمایند. و همین وظیفه اخلاقی و حقوقی بدنیال خود ضمانت اجرایی مانند الزام به جبران خسارت را نیز خواهد داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- ابراهیمی، یحیی (۱۳۸۸). "مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قراردادها"، حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۱، ۹۰-۶۱.
- ۲- امین زاده، الهام و آقابابایی دهکردی، پیمان، ۱۳۹۳، "بررسی قرارداد مشارکت در تولید و مقایسه آن با بیع متقابل"، حقوقی دادگستری، شماره ۸۷، سال ۷۸، ۳۰-۷.
- ۳- ایرانپور، فرهاد، ۱۳۸۶، "مبانی عمومی قراردادهای نفتی"، فصلنامه حقوق، شماره ۳، ۲۸-۱.
- ۴- بیگدلی، سعید، ۱۳۸۶، "شرط مذاکره مجدد (هاردشیپ)"، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۸ و ۹، ۸-۳.
- ۵- جعفرزاده، میرقاسم و سیمائی صراف، ۱۳۸۴، "حسن نیت در قراردادهای بین‌المللی: قاعده ای فراگیر یا حکمی استثنایی"، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱، ۱۲۵-۲۳۸.
- ۶- جنیدی، لعیا، ۱۳۷۶، قانون حاکم در داوریهای تجاری بین‌المللی، چاپ اول، تهران: دادگستر.
- ۷- حاجی پور، مرتضی، ۱۳۹۵، "نقش محدود کننده حسن نیت در مذاکرات"، پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۱۴، ۸۱-۱۰۸.
- ۸- رحیمی، فتح‌الله، ۱۳۹۵، حقوق قراردادهای نفت و گاز: تحول تدریجی قراردادهای بین‌المللی نفتی ایران، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- ۹- رضائیان مهر، مصطفی، ۱۳۹۳، "بررسی ویژگی های قراردادهای بین‌المللی نفتی"، اکتشاف و تولید، نفت و گاز، شماره ۱۲۲، ۲۱-۲۷.
- ۱۰- زحمتکش، حسین، ۱۳۹۳، "رژیم حقوقی و ترتیبات مالی در قرارداد های بالادستی در صنعت نفت"، فصلنامه حقوق، شماره ۳، ۴۲۰-۴۰۱.
- ۱۱- شافع، میر شهبیز و رحیمی، فتح‌الله، ۱۳۹۴، "دگردیسی و تکامل مرحله ای قراردادهای بین‌المللی نفتی بیع متقابل در بستر حقوق ایران"، دانش حسابرسی، شماره ۵۸، ۶۴-۲۹.
- ۱۲- شیروی، عبدالحسین و شعبانی جهرمی، فریده، ۱۳۹۱، "مذاکره مجدد در قراردادهای سرمایه گذاری نفتی"، مطالعات اقتصاد انرژی، شماره ۳۴، ۱۸۴-۱۶۱.
- ۱۳- قربان نیا، ناصر، ۱۳۷۸، اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران، سمت.
- ۱۴- کوشا، ابوطالب، ۱۳۸۴، اصل حداکثر حسن نیت در معاملات بیمه و نیم‌نگاهی به آن در سایر عقود و قراردادهای دیدگاههای حقوقی، شماره ۳۶ و ۳۷، ۴۹-۶۹.

ب) عربی

- ۱۵- جاسم، اسبیل باقر، بی تا، "النظام القانونی لشرط اعاده التفاوض (دراسة فی عقود التجاره الدولیه)"، موجود در: www.repository.uobabylon.edu.iq/journal-view.aspx?dpp=687

١٦- عبداللطيف، هني، ٢٠١٦، "حدود الاخذ بفكرة اعادة التفاوض فى العقد (دراسة المقارنة)"، رساله دكتورى، جامعه ابى بكر بلقايد.

ج) انگلیسی

- 17- Abd Ghadas, Zuhairah Ariff & Karimsharif Sahar, 2014, 'Types and Features of International Petroleum Contracts', South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law, 4(3), 34-41.
- 18- Abdullah Hamad, Sarbast, 2017, 'Renegotiation Clause in International Petroleum Contracts', Master Program
- 19- Al Qurashi, Zeyad, 2005, 'Renegotiation of International Petroleum Agreements', Journal of International Arbitration, 22(4), 261-300.
- 20- Berger. K.p, 2003, 'Renegotiation and Adaptation of International Investment Contract: The Role of Contract Drafters and Arbitrators', Vanderbilt Journal of Transnational Law, 36, 1347- 1381.
- 21- Bernardini, Piero, 2008, 'Stabilization and Adaptation in Oil and Gas Investments', Journal of World Energy Law & Business, 1(1), 98-112.
- 22- Bindermann, Kirsten, 1999, Production-Sharing Agreements: An Economic Analysis, Oxford Institute for Energy Studies.
- 23 -Garner, A, Bryan, 2004, Black's Law Dictionary, 8th edition, Thomson Publication, USA.
- 24- Gotanda, Y. John, 2003, 'Renegotiation and Adaptation Clause in Investment Contracts, Revisited', Vanderbilt Journal of Transnational Law, 36(1461), 1461-1473.
- 25- Horn, N, 1985, 'Changes in Circumstances and the Revision of Contracts in Some European Law and International Law, available on: www.trans-leg.org/113700
- 26- Kolo, A. & Waelde, T. W, 2000, 'Renegotiation and Contract Adaptation in the International Investment Project: Applicable Legal Principles and Industry Practices', the Journal of Word Investment and Trade, 1(1), 5-55.
- 27- Kroll. S, 2004, 'The Renegotiation and Adaptation of Investment Contract', Oil, Gas & Energy Law Journal, 1.
- 28- Likosky, Michael, 2009, 'Contracting and Regulatory Issues in the Oil and Gas and Metallic Minerals Industries', Transnational Corporations, 18(1), 1-42.
- 29- Momberg Urbin, Rodrigo Andres, 2011, 'The Effect of Change of

- Circumstances on the Force of Contracts', PhD thesis.
- 30- Oyewunmi, T, 2011, 'Stabilisation and Renegotiation Clauses in Production Sharing Contracts: Examining the Problems and Key Issues', OGEL, 9(6), 1-25.
- 31- Peter, w, 1995, 'Arbitration and Renegotiation of International Agreements', Hague: Kluwer Law International.
- 32- Randon, Jenik, 2011, 'The ABCs of Petroleum Contracts: License-Concession Agreements, Joint Ventures, and Production-Sharing Agreements', available on: <http://openoil.net/wp-content/uploads/2011/12/chapter-3-reading-material1.pdf>>accessed 20 Jun 2016.
- 33- Salacuse, J. W, 1998, 'Ten Ways that Culture Affects Negotiating Style: Some Survey Results', Negotiation journal, 221- 240.
- 34- Salacuse, J. W, 2000, "Renegotiating International Project Agreements", Fordham International Law Journal, 24 (4), 1319-1370.
- 35- Salacuse, J. W, 2001, 'Renegotiating International Business Transaction: the Continuing Struggle of Life Against Form', The International Lawyer, 35(4), 1507-1541.
- 36- Salacuse, J. W, 2013, the Three Laws of International Investment: National, Contractual, and International Frameworks for Foreign Capital, First Edition, Oxford University Press.
- 37- Nasrollah Seyed ,Ebrahimi & Abdolhossein ,Shirav -
buyback through oilfields s'Iran of development and Exploration
.۲۰۶-۱۹۹ ,۳۰ ,Forum Resources Natural
- 38- Walde, T.W, 2008, 'Renegotiating Acquired Rights in the Oil and Gas Industries: Industry and Political Cycles Meet the Rule of Law', Journal of World Energy Law & Business, 1(1), 55-97.
- 39- Zaccaria, Elena Christine, 2005, 'The Effect of Changed Circumstances in International Commercial Trade', International Trade & Business Law, 6, 135-182.

بررسی مفهوم سلم و همزیستی مسالمت آمیز از نظر ملاهادی سبزواری در مقایسه با مولانا و حافظ

محمدجواد سامی^۱

محمد یوسف نیری^۲

چکیده

آرامش در رفتار و گفتار حکیم سبزواری محصول، اندیشه صلح گرایانه و مسالمت آمیز اوست. هدف مقاله نمایش تأثیر صلح و همزیستی در رفتار گوینده سخن است. این مساله از دوستی حکیم، با مولانا و حافظ نشأت می‌گیرد. این مقام اخلاقی و عرفانی حاصل نشد، مگر مصایب گوناگون، چون بیماری، قحطی، جنگ‌های داخلی، فتنه باب و جنگ‌های تفریس و فاجعه کرمان، جنگ ده ساله با روسیه سرزمین‌های شمال غرب ایران را از کشور جدا کرد. در این عصر اندیشه حکیم سبزواری بر دوره قاجاری سایه افکنده و خردگرایی بر افکار ستیزه جویانه حاکم می‌شود. در نگاه حکیم رایحه صلح و دوستی جایگزین جنگ و مخاصمه است. مساله مورد بحث این که چرا حکیمان، شاعران و عارفان از دیگران صلح دوست ترند. این مفهوم در اندیشه حکیم تحت تأثیر حکمت متعالیه ملاصدرا با شعر مولانا و حافظ مضاعف می‌شود. این نوشتار به شیوه کتابخانه‌ای به بررسی علت قرابت مردم با عارفان می‌پردازد. این حرکت وقتی به سر انجام می‌رسد که حکیم سبزواری خرد گرایی را در اشتهای با فلسفه به کار می‌گیرد و با عمل به نکات اخلاقی و ادبی به نحوی عمل می‌کند. که مردمان آن دوره در جنگ سالار الدوله خانه او را محل امن و بسط از دو طرف نزاع قرار می‌دهند.

واژگان کلیدی

حافظ، حکمت، سلم، مثنوی، همزیستی.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز.

Email: mjsami430@gmail.com

۲. استاد دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز.

Email: nayyeri@hofez.shirazu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۷

طرح مسأله

حکیم ملاحادی سبزواری متوفای ۱۲۸۹ هـ. در فلسفه، ادبیات، کلام و عرفان سرآمد بود. می‌توان او را مرد صلح نامید. خردگرایی را در فلسفه و حکمت و عفو و دوستی را در اخلاق به ظهور رسانید. این نوشتار مسائل اخلاقی حکیمی را مورد کاوش قرار می‌دهد، که میان رشته‌ای عمل کرده و در چند رشته به اوج علمی عصر خویش نائل آمده است. در مفهوم عرفانی صلح تحت تأثیر مولانا سه جلد کتاب شرح لغات مثنوی را به یادگار گذاشته و در سخن او تأثیر حافظ را به خوبی می‌توان مشاهده کرد.

توجه فیلسوف به شعر آن هم غزل کار او را متفاوت از دیگر همسانان خود می‌کند. از دیر باز عالمان به شعر نگاهی ویژه داشته‌اند. حکمت با شعر آمیخته و کلام برهانی، ساده‌ترین راه تفاهم بوده است. وی چون اکثر فلاسفه ایران از هنر شعر بهره گرفته و با زبان فارسی و عربی طرح بحث کرده، با نگاه علمی به شعر پرداخته است. توجه به مثنوی مولانا را می‌توان در شرح حکمت سبزواری ملاحظه کرد (غلامی، ۱۳۹۲: ۲۸۷). در نظر ملاحادی اقیانوس معرفت عمیق‌تر به چشم آمده و دقیق‌تر بر قلم جاری گشته است. در باره مولانایی که می‌دانست کتابش جهانگیر خواهد شد، بسیار اندیشه می‌کند (کمپانی زارع، ۱۳۹۰: ۳۰).

نی که هم تورات و انجیل و زبور شد گواه صدق قرآن ای شکور
(دفتر سوم بیت ۲۵۳۷)

مولانا انعکاس معارف کتاب خود را نامتناهی می‌داند.

گر شود بیشه قلم دریا مدید مثنوی را نیست پایانی امید

(دفتر ششم بیت ۲۲۴۸)

حکیم اکثر کتب فلسفی خود را به نظم در می‌آورد، کتاب حکمت و منطق را منظومه نامیده، بوسیله شعر مردمان را با حکمت آشتی می‌دهد. وی شاعری است که به علم توجه کرده از قالب برهان خارج نشده و رنگ فلسفی و عرفانی شعرش غالب بر افکار و ابیات اوست (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵۳). حکیم علاقه به غزل را پنهان نکرده و انتظار آن بود که مثنوی یا بحر طویل می‌سرود، کاش حکیم به جای غزل مثنوی گوی بود تا می‌توانست این حجم زیاد معانی فلسفی را در قالب شعر در آورد.

می‌توان گفت حکیم از مثنوی بی‌نیاز نبود (غلامی، ۱۳۹۲: ۲۹۵) سیدعلی قاضی طباطبائی شاگرد با واسطه ملاحادی اواخر عمر که کمتر بر مطالعه توانائی داشته. شیخ عباس قوچانی برای وی مثنوی می‌خواند (همان: ۲۹۵).

حکیم سبزواری معتقد است که مولانا در مثنوی جمع میان شریعت و طریقت و حقیقت

نموده است (همان: ۲۹۹) برای مثال در این بیت
بشنو از نی چون حکایت می‌کند
و ز جدائی‌ها شکایت می‌کند

(دفتر اول سطر اول)

حکیم نی را که روح قدسی آدمی است نمونه‌ای جامع از کائنات فرض کرده و دور ماندن از اصل خویش را موجب دل‌تنگی می‌داند. هستی را با فلسفه صدرایی برهانی می‌کند و معتقد است مخلوقات عاشق خداوند و مشتاق لقای اویند.
ذره ذره عاشقان آن کمال
می‌شتابد در علو همچون نهال

(مولانا)

سبزواری عشق را مانند وجود دارای معنی و حقیقتی واحد می‌داند و می‌گوید حقیقت وجود محبت است، عشق محبت بی حساب است. آنجا که قرآن فرمود (یحبههم و یحبونه) (مائده ۵۴) خداوند جلوه‌های خود را دوست دارد، عاشق مخلوقات خویش است.
نیست فرقی در میان حب و عشق
شام در معنی نباشد جز دمشق

(دیوان اسرار غزل ۷۴)

پس به صورت عالم اصغر تویی
پس به معنی عالم اکبر توئی

(حکیم)

سبزواری دل‌بسته عرفان مولوی است و تلاش می‌کند سخن عارفان را به زیور برهان بیاراید. حکایت نی مثنوی بر زبان ملاحادی جاری است.
اعیان همه آئینه و حق جلوه‌گر است
یا ذات حق آئینه و اعیان صور است

علامه محمدتقی جعفری که به مثنوی توجه ویژه دارد، می‌گوید: چرا ملاحادی مثنوی را تفسیر قرآن می‌نامد؟ زیرا ۲۲۰۰ آیه‌ای که مولانا از آن بهره گرفته دو سوم کل آیات قرآن است درحالی که تعداد روایات به کار رفته در کتاب مثنوی مطابق مضامین قرآنی به ۵۰۰ مورد هم نمی‌رسد (جعفری، ۱۳۷۰: ۵۶).

از ویژگی غزل‌های حکیم در مقایسه با مولانا اصرار بر طرح یک موضوع است، لذا شعر او را به سمت غزل‌های آئینی و توحیدی سوق می‌دهد. البته او را با حافظ و مولانا مقایسه نمی‌توان

کرد (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵۴) وی در مقام تصحیح ابیات مولانا نسخه‌های متعددی را ملاک قرار داده، برای نقدیک لفظ به دیگر نسخ مراجعه می‌کند. براساس درک خود اجتهادی عمل می‌کند و گاه ترکیبی از دوشیوه را با هم به کار می‌برد برای نمونه:

آن دمی کز وی مسیحیا دم نزد حق ز غیرت نیز بی ما هم نزد
(مولانا دفتر دوم)

لفظ غیرت با عبارت با ما هم نزد سازگار نیست و درست‌تر آنکه بگوئیم بی ما هم نزد (غلامی، ۱۳۹۲: ۳۰۹). سبزواری به دنبال گمشده خود است و آن را خیر محض میدانند که می‌جوید و به سوی کمال می‌شتابد (قانعی، ۱۳۹۲: ۳۱۶)

مولانا به مفهوم عشق جانی دوباره بخشیده، بدان بسیار توجه می‌کند.

عشق جو شد بحر را مانند دیگ عشق ساید کوه را مانند ریگ
(مولانا، مثنوی، ۵/ ۲۷۳۵)

حکیم به عشق توجه فلسفی مبذول داشته و آن را حقیقت واحد می‌داند. تا به دان پایه که شاگردان حکیم به مثنوی توجه ویژه مبذول داشته‌اند، تا آنجاکه وجه برجسته عملکرد حکمای مکتب تهران را توجه به مثنوی می‌دانند (صدوقی سه‌ها، ۱۳۹۴: ۷۷). سلطان محمد گنابادی صاحب تفسیر بیان السعاده متوفای ۱۳۷۱ هـ. شاگرد ملاهادی سبزواری به مثنوی و مولانا عشق می‌ورزیده (تابنده، ۱۳۵۰: ۲۵۱).

درباره این شعر

لاف ز نم لاف که تو راست کنی لاف مرا ناز کنم ناز که من در نظرت معتبرم
گنابادی گفته: از مولوی ناز را هم می‌خرند. این رویکرد به شعر از طرف فیلسوفی خرد گرا باعث شد که این سوال بی پاسخ جوابی در خور بیابد. این سؤال که مقام مولوی برتر است یا حافظ بهتر آن است که به اشعار آنان توجه کنیم به پاسخ نزدیک خواهیم شد. از این بیت معلوم می‌شود. حافظ معتقد است که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها، اما مولانا می‌گوید:

عشق از اول چرا خونی بود تا گریزد آنکه بیرونی بود
معلوم می‌شود آخرین مرتبه عشق نزد حافظ، اولین مرتبه نزد مولانا است (ذاکری، ۱۳۸۳: ۳۰).

حافظ و اسرار:

حکیم ملاهادی براساس علاقه و افری که به غزل دارد. به استاد غزل توجه کرده، تا آنجا که علامه قزوینی به حافظانه بودن برخی از غزلهای حکیم اشاره می‌کند (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۶۵). از نمودهای عارفانه و شوق انگیز سبزواری:

در لوح وجود از همه نقشی که نگارند بینم الف قامت دلدار و دگر هیچ

(غزل ۶۵، دیوان حکیم، اسرار: ۳۴)

نیست بر لوح دلم جز الف قامت دوست چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم
(دیوان حافظ، غزل ۳۱۷)

ملمعات شعری حکیم نسبت به حافظ بسیار زیاد است، لذا غزل‌های او به قصیده میل پیدا می‌کند. حکیم تحت تاثیر زبان حافظ، الفاظ فلسفی را بسیار استفاده می‌کند و همین مساله فهم غزل و شیرینی و روانی کار او را مشکل و از اشاعه و همه گیر شدن دور می‌کند.

حافظ اگر سجده تو کرد مکن عیب کافر عشق ای صنم گناه ندارد
(دیوان حافظ، غزل ۱۲۷)

حکیم تحت تاثیر ادبیات عرفانی با واژه های این رشته نه تنها بیگانه نبوده که در مرحله عمل از شاعرانی که به عرفان نظری صرف پرداخته اند پاسخی در خور دارد زیرا وی استاد عرفان عملی است در این زمینه می‌سراید:

ای صنم اسرار را مران ز در خویش زانکه بغیر از درت پناه ندارد
(دیوان اسرار: ۳۸، غزل شماره ۷۹)

از مجموعه غزلیات حکیم سبزواری تعدادی به سبک عراقی و استقبال از شعر حافظ سروده شده به همین میزان دو برابر آن غزلها موضوعاتی در حد یک مصرع و یا بیت متاثر از خواجه است و در بقیه، عبارات و کلمات چون صنم و یار و دوست، عشق و رخ مشترک بین شعرا و عرفا است. از این گزاره معلوم می شود که رویکرد حکیم به شعر و شاعری از سر تفتن نبوده که نکات حکمت آمیز و اخلاقی را که بوی سلم و مدارا از آن به مشام می رسد را در خود نهفته دارد.

آن شاه که گاهی نظری سوی گدا داشت یا رب زسرم سایه لطفش ز چه واداشت
فقر و غنا، دارا و گدا در ادب عرفانی تداعی کننده جمله الفقر فخری سید کاینات است . بی نیازی از غیر و وابستگی دایمی به او.

(غزل، ۱/۴۶، دیوان، ۳۰)

حکیم تحت تاثیر حافظ غزلیاتی با ترجیع بند واحد دارد.

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاده مشکلها
(دیوان حافظ سطر اول)

الا یا ایها الورقی ثری تثری اطلعن عنها که اندر عالم قدسی ترا باشد نشیمنها
(غزل ۱ دیوان اسرار: ۱۵)

فلسفه به قدری بر اندیشه حکیم سایه افکنده که عرفان را در اشعارش به حاشیه رانده، باتوجه به دیوان اسرار به تأثیر او از حافظ پی خواهیم برد و چه بسا در طرح موضوع عمیق فکری

از حافظ غنی تر باشد، اما ظرافت‌های شاعری حافظ را ندارد (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۵۷). حکیم در وصف حافظ می‌سراید:

هزاران آفرین بر جان حافظ همه غرقیم در احسان حافظ
(غزل ۱۱۲ دیوان اسرار: ۴۸)

ملاهادی در بیان مفاهیم صلح و دوستی بسیار متأثر از دو شاعر نامدار ایرانی است. وقتی از او درخواست شد، شرحی بر مثنوی نوشت. سلطان مرادمیرزا در راه فتح هرات به سال ۱۲۸۳ هـ. به خراسان وارد شد، در سبزوار با تقدیم نسخه خطی شرح اصول کافی ملاصدرا به حکیم سبزواری از وی درخواست تالیف شرح بر مثنوی نمود که مورد قبول حکیم قرار گرفت (رضا نژاد، ۱۳۷۱: ۱۵۶). وقتی حکیم این کتاب را تالیف کرد با شرح مثنوی وقار شیرازی روبه‌رو شد، گفته: اگر از این کتاب مطلع بودم، هرگز دست به تالیف شرح مثنوی نمی‌زدم. عنوان اسرار بر او چنان سبقت گرفت که او را حکیم اسرار نامیدند. او این کلمه را از این غزل حافظ انتخاب کرده:

الا ای طوطی گویای اسرار مبادا خالیست شکر ز منقار
به مستوران مگو اسرار مستی حدیث جان می‌رس از نقش دیوار
در سبک و سیاق شاعر معروف شیرازسرود

(غزل ۲۳۸ صفحه ۳۱۶ حافظ)

ترسم این دلق ملمع که تو داری اسرار می فروشش بیکی جرعه نگیرد بگرو
(غزل ۶/۱۴۹، دیوان اسرار: ۵۹)

علت آن که حکیم سبزواری را حکیم صلح لقب دادیم، به مناسبت نوع رفتارهای او در دوران حضور در سبزوار بود. وی در غائله سالارالدوله که دوره ناامنی خراسان بوده، بسیار منطقی عمل کرد. این غائله تا ۱۲۶۲ قمری ادامه می‌یابد. که در دهه اول حضور مستمر حکیم در سبزوار است. استادی با حدود ۵۰ سال سن خود را از غلطیدن در ورطه هولناک غائله‌ای که می‌توانست دامن شهر را به آتش بکشد، دور و مردم شهر را از مقابله با سالارالدوله مصون می‌دارد. شهر سبزوار به دو دسته تقسیم شده بود.

عده‌ای در زمره شورشیان حسن خان و جعفر قلی خان کرد و بهمن میرزا در سپاه سالارالدوله فعال بودند و عده‌ای هم در سپاه حسام السلطنه که از طرف ناصرالدین شاه و حکومت وقت مأمور نظم خراسان بود مشغول بودند. حکیم مردم را از شرکت در شورش بازمی‌داشت.

استدلال او این بود، که روزی این غائله پایان می‌یابد و حکومت و شاه و نمایندگان او به این سرزمین باز خواهند گشت. این حادثه زمانی رخ داد که در جنوب کشور اشغالگران بندر خرمشهر را مورد تعدی قرار داده بودند و آشوب ترکمانان در اطراف خراسان به اوج رسیده بود و

فتنه باب در قلعه طبرسی در خراسان در اوج فعالیت خود بود (رضا نژاد، ۱۳۷۱: ۲۷). چون سالارالدوله در خراسان یاغی شد، حسام السلطنه برای سرکوب او حرکت کرد. از طرف حسام السلطنه حواله جویی برای اسبان به نام حاج عبدالوهاب بدست حکیم رسید. وی دستور داد، جوها را به مأمور حکومتی تحویل دهند. اما اسبان از خوردن جوها امتناع کردند. حسام السلطنه برای عذرخواهی به مدرسه حکیم رفت و او را مورد سؤال قرار داد که حواله برای شما نبود چرا پرداخت کردید. حکیم گفت: آن شخص قدرت پرداخت نداشت. بروید اسبان جوها را خواهند خورد (مدرسی، ۱۳۳۴: ۴۰). جورج دوگوبینو این مسأله را به عنوان وجه برجسته زندگی حکیم یاد می‌کند و از اهمیت و احترام معنوی حکیم می‌داند. حسام السلطنه در زمان پیروزی بر سالارالدوله به احترام، خانه و مدرسه حاجی را مأمون و محل بست قرار داد. هر کس از بستگان و یاوران سالارالدوله به آنجا پناهنده می‌شد در امان بود. این داستان هنوز در سبزواری بر سر زبانهاست (اسراری، ۱۳۳۲: ۴۱). حکیم به وظیفه شرعی و وجدانی خود عمل می‌نمود و خود را در دام صاحبان مناصب نیانداخت و درصدد جلب توجه عامه مردم برنیامد و در معرض بیع و شرای صاحبان اغراض واقع نشد (آشتیانی، ۱۳۶۰: ۳۹).

در صلح خواهی و دوری از بداخلاقی حکیم پیش قدم بود. در زمین کشاورزی که از پدرش به ارث رسیده بود به طور معمول گندم می‌کاشت و این چنین بود که فصلی تریاک و فصلی گندم کاشته می‌شد وقتی از ایشان خواستند که اجازه دهد که در آن زمین تریاک بکارند، در جواب گفت: من هرگز تخم مرگ نمی‌کارم (مدرسی، ۱۳۳۴: ۳۴).

هر کو نگاشت مهر و ز خوبی گلی نچید در رهگذار باد نگهبان لاله بود (غزل ۲۱۴ ص ۱۴۵)

جورج دوگوبینو که سبزواری را در ۷۰ سالگی دیدار می‌کند می‌گوید: وی در ایران بقدری بلند مرتبه است که ایرانیان عموماً نسبت به او عزت و احترام فوق‌العاده قائلند، باید او از فیلسوفان بزرگ محسوب شود. حتی دربار شاهی به تجلیل مقام او می‌پردازند (ایزتسو، ۱۳۹۲: ۳۷).

ادوارد براون در کتاب یکسال در میان ایرانیان می‌آورد، حکیم سبزواری قیافه‌ای لاغراندام، نحیف، متواضع، نجیب و از لحاظ اخلاقی جالب توجه و در اکل غذا محتاط بود. وی دعوت بزرگان را برای حضور نمی‌پذیرفت، مبدا مجبور به خوردن غذای چرب و مقوی شود (ادوارد براون، ۱۹۵۰: ۴۱).

کیوان قزوینی معتقد است: هیچکس اسباب قطیبت را مانند سبزواری نداشت. از راه علم دخیل نمود. با روسای بلاد هم بزم نشد، تا از آنان پیش افتد (کیوان، بی‌تا: ۲۴).

در غزل حافظ مفهوم صلح بسیار دلفروز است اما بدون دم همت بدست نمی‌آید. در بحث تطبیق رفتارهای صلح‌گرایانه حکیم و حافظ این نکته قابل توجه است که این

سادگی و تواضع و متانت و خاکساری به آسانی بدست نمی‌آید. تحصیل هر کدام از این صفات سالها عمر و مراقبه لازم دارد.

حکیم متاله عارف متصوف و مرتاض متشرع عصر ما در این صد سال گذشته حکمت و معقول را همانطور تاسیس کرد، که شیخ مرتضی انصاری فقه و اصول را (مدرسی چهاردهی، ۱۳۳۴:).

به چشم اهل حقیقت شود مجاز حقیقت شریعت است طریقت است شریعت (دیوان اسرار: ۲/۱۲)

معروف است: شاگرد حکیم سبزواری حاج ملا اسماعیل واعظ وقتی به تهران آمد به کنایه بر سر منبر در قدح حاج ملاعلی کنی عالم مشهور پایتخت عصر ناصری این بیت از حافظ را خواند:

مبوس جز لب معشوق و جام می حافظ که دست زهد فروشان خطاست بوسیدن (غزل ۳۹۳: ۲۶۶)

تا وقتی ملاعلی کنی زنده بود ملا اسماعیل واعظ که به تکفیر ملاعلی به اسماعیل مکفر لقب گرفته بود در تبعید از تهران بسر برد (رضا نژاد، ۱۳۷۱: ۱۲۶). بر همین اساس در میان شاگردان نامی حکیم مطرودین و مسلوبین امور حکومتی وجود دارند هم چنان که شعرای نامداری چون محوی شاعر دارابی معلم اخلاق و امثال ادیب پیشاوری فراوان یافت می‌شوند. دیوان اسرار به فارسی از لحاظ ادبی متوسط، ولی شورانگیز و دلپذیر و پر معنی است. اغلب غزلیات او بوی حافظ دارد و به استقبال او رفته و از افکار او الهام گرفته است (برخواه، ۱۳۹۲: ۲۶). می‌توان گفت صبغه فلسفی آن بر دیگر وجوه فزونی دارد فلسفه که عشق به حکمت است در سراسر آثار حکیم موج می‌زند.

چنان کارمز عشق او به رسوائی کشید اسرار که خواند داستان ما به داستان در دبستانها (دیوان اسرار، ۱۷)

ملاهادی کمتر گوشت می‌خورد، اگر در خانه حیوانی را می‌کشند از آن غذا میل نمی‌کرد و می‌گفت نمی‌خواهم جانداری برای من جانم گرفته شود (مدرسی چهاردهی، ۱۳۳۴: ۳۵). وی در مقابل دوستانش، خود را ذره‌ای هم به حساب نمی‌آورد. از نشانه‌های دوستی او به انسان و طبیعت و مسالمت می‌توان به شاگردان طبیب سبزواری نظر دوخت. شاگردانی که همه عمر خویش را صرف حکمت و عرفان و تعالی اخلاق اجتماعی نمودند نیمی از وقت روزانه را به طبابت در بعد از ظهر و فراغت از تحصیل حکمت مصروف می‌داشتند. از جمله آنان می‌توان به میرزا نصرت طبیب قوچانی، سید الحکما شرف الدین مرعشی جد ایت الله مرعشی که تا ۱۰۵ سالگی به طبابت مشغول بود نظر انداخت میرزا حسین طبیب قزوینی و شیخ ابراهیم تهرانی و

افتخار الحکمای طالقانی و حکیم دارابی و چند تن دیگر را می توان نام برد.
یار دارد سر صید دل حافظ یاران شهابازی به شکار مگسی می آید
(حافظ، غزل ۲۳۰ ص ۳۰۸)

هر که زخم کاری اسرار را دیده داند صید آن شستیم ما
(حکیم، غزل ۸/۴: ۱۵)

ملاهادی ترجیع بندهایی از حافظ دارد و علاوه بر آنکه مفاهیم کلی شعرش را از حافظ و
مولانا می گیرد گاه عین جملات حافظ را تکرار می کند. برای نمونه در پاسخ به این غزل حافظ:

روشنی طلعت تو ماه ندارد پیش تو گل رونق گیاه ندارد
(دیوان حافظ، غزل ۱۲۷: ۸۶)

حسن رخی کان تر است ماه ندارد گو به رخس طره سیاه ندارد
(دیوان اسرار: ۳۸، غزل ۷۹)

سیدحسن امین معتقد است: حافظ زمان ناپذیر است، زیرا پیام او جهانی است. این مفهوم کلی را در زندگی حکیم متأثر از حافظ می توان یافت که، وی صلح طلب است. رویکرد او به علوم متنوع و متعدد نشان دوری او از جنگ و جدال و میل مفرط او به چنگ و رباب دارد تا بدان مرتبه که درس موسیقی نظری را در میان دروس مدرسه او می یابیم و شاگردان موسیقی شناس او چون میرزا اسماعیل طالقانی شهره عام اند.

بدیع الزمان فروزانفر نگاه فرازمانی و فرامکانی شعر حافظ را تصریح می کند و او را حافظه صلح جهانی می نامد. بهاءالدین خرمشاهی حافظ پژوه عبارت صلح کل و صلح جهانی را از حافظ می داند. سیدحسن امین معتقد است: حافظ چون از مروت و جوانمردی یا از مدارا و تسامح و تساهل می گوید زمان ناپذیر است.

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا
(حافظ، غزل ۵)

حافظ را حافظه ایرانیان دانسته اند و پیام صلح جهانی او را فراسرزمینی می دانند. شرق و غرب، مسلمان و نامسلمان در این پدیده مورد توجه اویند.

پرفسور امین بر این باور است که شعر حافظ سبک خاص خوانش خود را دارد و اگر با آن سبک خوانده شود معنا تمام می شود بطور نمونه:

عشقت رسد به فریاد ار خود به سان حافظ قرآن ز بر بخوانی با چارده روایت
(حافظ، غزل ۹۴)

اگر مثل حافظ بتوانی قرآن را با چهارده قرائت بخوانی تلفظ مفید فایده نبوده که رهزن طریق است. هرگاه چون حافظ قرآن را با چهارده روایت تلاوت کنی، آنچه که به فریادت می

رسد عشق است.

کیش تو عاشق کشی مهر و وفا کار من از لب تو حرف تلخ و ز لب من مرجبا

(دیوان اسرار غزل ۶/۱۰)

وقتی از وی خواسته شد که زندگی نامه خود را بنویسد، به داماد خود واگذار کرد و وقتی آن نوشته را مملو از توصیف و تعریف یافت، خود مبادرت به نوشتن کرد.

رندی خاص خود را داشت، رند درنگاه مولانا و حافظ عنصری دل آگاه است. از عشق که می‌گوید یعنی رند باش.

بلعجبی های عشق بین که مسخر کرده جهان آن شه و سپاه ندارد

(اسرار دیوان: ۳۸، غزل ۵/۷۹)

نکته: شعر حافظ متأثر از مثنوی است. دیوان سبزواری مملو از نکات عرفانی حافظ است. ملاهادی حکیمی است که عارفی چون حافظ را قدر می‌شناسد و تفسیر و تاویل های معرفتی او را درک می‌کند و از او الگو می‌گیرد.

(حکیم، غزل ۳/۱۰)

آنکه پامال جفا کرد چو خاک راهم خاک می بوسم و عذر قدمش می خواهم

(غزل ۳۵۳ ص ۵۶ حافظ)

گویند زمین ملکی حکیم را دیگری تصرف کرد و شخم زد و به حکیم اطلاع دادند که اجازه خلع ید دهید، گفت چند روزی امانت نزد ما بود، حال چندی نزد او بماند(مدرسی، ۱۳۳۴: ۳۴).

آن کیست کز روی کرم با من وفاداری کند بر جای بدکاری چو من یکدم نکوکاری کند

(غزل ۱۸۶: ۸۸ حافظ)

اشعار حافظ از صلح و دوستی سخن می‌گوید برای نمونه:

چو یار بر سر صلح است و عذر می طلبد توان گذشت ز جور رقیب در همه حال

(غزل ۳۰۳)

پیش بالای تو میرم چه به صلح و چه به جنگ چون به هر حال برازنده صلح آمده ای

(غزل ۴۲۲)

ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری نیل مراد بر حسب فکر و همت است

(غزل ۴۵۱)

اشعار حکیم سبزواری در وصف ساقی، می و زهد نشان از گرایش او به سلم و صلح دارد برای نمونه:

ساقی قدحی در ده تقریب و تعلل چیست ایام بهار آمد بی باده نشاید زیست

به مصداق این سخن که چونکه گل رفت و گلستان شد خراب بوی گل را از که جویم از

گلاب آثار به جا مانده از حکیم سبزواری در زمینه تالیفات شروح و حواشی و تعلیقه ها به حدی فراوان است که در این مقال نمی گنجد. به ذکر این نکته بسنده می کنیم که مدارس مورد استفاده وی در کسب علم و ادب را می توان بر شمرد از آن جمله مدرسه حاج حسن واقع در حرم رضوی، مدرسه کاسه گران اصفهان واقع در بازار اردستان که اساس حکمت وی در این مدرسه شکل گرفت. مدرسه شمسبیه محل تلمذ ملا اسماعیل و مدرسه معصومیه کرمان که دوران ریاضت و خود سازی در آن گذشت و ۳۷ سال پایانی عمر حکیم به تربیت هزاران شاگرد نامدار در مدرسه حاج عبدالصانع فصیحی را بایستی در تشکیل شخصیت اخلاقی و حکمی او حایز اهمیت دانست.

(دیوان اسرار: ۳۴)

مائیم اصل و جمله فروغ فروغ ماست گر خواجه منکر است بنوشد ز جام ما

(دیوان اسرار: ۲۲)

نتیجه گیری

در این نوشتار، ضمن پرداختن به زندگی حکیم سبزواری فیلسوف قرن سیزدهم هجری (۱۲۸۹-۱۲۱۲ ه.ق) علاقه او را در رویکرد صلح محور به شعر مورد توجه قرار داده، تا نوع تاثیر عارفانه مولانا (۶۷۲-۶۰۴ ه.ق) و صالحانه حافظ (۷۹۲-۷۲۷ ه.ق) نمایان شود تا بهره ای از شعرای بزرگ ایرانی برده باشیم. حکیم سبزواری که فیلسوفی بنام و عارفی تمام است در مواجهه با شعر مولانا متولد ۱۲۷۳ میلادی و حافظ متولد ۱۳۹۶ میلادی در تفسیر آن تلاش کرده، که از هنر برهان، بهره گیرد که این می تواند ضمن تلقی ضعف، نقطه قوت هم به حساب آید. وی از شیوه علمی خارج نشده بر اساس ذوق تاله و حکمت متعالیه صدرایی و با عینک علوم عقلی با اساتید شعرایران پرواز کرده و از کلمات و جملات آنان تصویر گرفته و در کتب خود بکار برده است. آنچه در این فعالیت محور اساسی مقاله است، نشان باز بودن پنجره صلح است در جهان حکمت و فلسفه. اندیشه سلم و مدارا و مسالمت جویی در تک تک رفتار و اعمال حکیم به خوبی متجلی است.

تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید تو یکی نه ای هزاری تو چراغ خود بر افروز

(شمس تبریزی)

فهرست منابع

۱. اسراری سبزواری، ولی الله (۱۳۳۲) // شرح زندگانی حاج ملاهادی سبزواری / چاپ بیهق: سبزواری.
۲. آشتیانی، سیدجلال (۱۳۶۰) // مجموعه رسائل حکیم سبزواری / دانشگاه فردوسی: مشهد.
۳. اکبری، منوچهر (۱۳۹۲) // مقاله حافظ شیرین گفتار و حکیم صاحب اسرار در کتاب سبزواری پژوهی / خانه کتاب: تهران.
۴. ایزتسو، توشی هیکو (۱۳۹۲) // تحلیلی تازه از فلسفه حاج ملاهادی سبزواری / (ترجمه مجتبیوی) بنیاد حکمت: تهران.
۵. برخوا، فاطمه (۱۳۹۲) // سبزواری پژوهی / انتشارات خانه کتاب: تهران.
۶. براون، ادوارد (۱۹۵۰) // یکسال در میان ایرانیان / ترجمه منصوری، چاپ معرفت: تهران.
۷. تابنده، حسین (۱۳۵۰) // نابعه علم و عرفان / انتشارات حقیقت: تهران.
۸. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰) // مولوی و جهان بینی ها / انتشارات: بی‌نا.
۹. حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۳۲) // دیوان غزلیات / علامه قزوینی، قاسم غنی، انتشارات زوار: تهران.
۱۰. ذاکر عباسعلی، محمدرضا (۱۳۸۳) // قصیده عشقیه / انجمن آثار و مفاخر، تهران.
۱۱. رضائزاد، غلامحسین (۱۳۷۱) // زندگی، آثار ملاهادی سبزواری / انتشارات سنایی: تهران.
۱۲. زارع کمپانی، مهدی (۱۳۹۰) // مسائل وجودی انسان / نگاه معاصر: تهران..
۱۳. سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۴) // شرح مثنوی / تصحیح مصطفی بروجردی، وزارت ارشاد: تهران.
۱۴. شمس الدین محمد (۱۳۹۳) // حافظ به سعی سایه / انتشارات سازمان اسناد کتابخانه ملی: تهران.
۱۵. صدوقی سها، منوچهر (۱۳۹۴) // حکیم تهران ویژه نامه / شماره ۷ نشر زیتون: قم.
۱۶. غلامی، طاهره (۱۳۹۲) // مقاله مواجهه حکیم سبزواری با مولانا و مثنوی وی / خانه کتاب: تهران.
۱۷. کیوان، عباسعلی (بی‌تا) // بهین سخن / بی‌نا: تهران.
۱۸. قانع، مهناز (۱۳۹۲) // مقاله اسرار از زبان اسرار سبزواری پژوهی / خانه کتاب: تهران.
۱۹. مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۳۴) // زندگانی و فلسفه حاج ملاهادی سبزواری / انتشارات طهوری: تهران.
۲۰. مولانا (۱۳۸۰) // مثنوی معنوی / ریتولد نیکلسون انتشارات طلایه: تهران.
۲۱. مولوی جلال الدین (۱۳۷۶) // مثنوی معنوی / تصحیح عبدالکریم سروش انتشارات علمی: تهران.

تحلیل شخصیتی تربیتی طرفین اختلافات دستگاه‌های دولتی و مرجع صالح رسیدگی به آنها

عبدالمحمد سانیری^۱

احمد اسدیان^۲

چکیده

واضح است که حصول خواسته قانونی خواهان یا دستگاه دولتی مدعی، مستلزم ارائه مدارک و مستندات لازم به منظور صدور رأی قاطع از سوی مرجع صالح است که به نوبه خود نیاز به طی تشریفات مهم دادرسی، خصوصاً فرآیند تبادل لوایح با طرف دعوا و اختلاف دارد. در این صورت این پرسش مطرح خواهد شد که تشریفات رسیدگی به دعاوی و اختلافات اشخاص با دولت و یا دعاوی و اختلافات دستگاه‌های دولتی دارای چه شرایطی می‌باشد؟ و چه اصولی بر آن حاکم می‌باشد؟ در دعاوی و اختلافات اشخاص با دولت، این پرسش که شخصیت خواهان و خوانده در تمامی دعاوی مطروحه در دیوان عدالت اداری از رویه واحدی تبعیت می‌کنند یا نه و اینکه منظور از خوانده در دعاوی دیوان، شامل دعاوی علیه موسسات غیردولتی نیز می‌شود، در این پژوهش مطرح است؛ که از نتایج حاصله این تحقیق می‌توان دریافت که شخصیت خواهان و خوانده با یکدیگر متفاوت بوده و خواهان هر شخص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی است و خوانده اعم از واحدهای دولتی و مأمورین آنها و تشکیلات و نهادهای انقلابی است و باید گفت در دعاوی دیوان، خوانده شامل مأمورین و موسسات غیردولتی نیز می‌باشد.

اما گاه ممکن است بین دستگاه‌های دولتی اختلافاتی به وجود بیاید که در این صورت با بررسی آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها در خواهیم یافت که کلیه اختلافات دستگاه‌های اجرایی به معاونین حقوقی دستگاه‌های مزبور ارجاع می‌شود تا چنانچه علت بروز مشکل به لحاظ عدم اطلاع کافی از قوانین، مقررات و اصول مسلم حقوقی باشد، مسأله با توافق بر وجود حکم مشخص در منابع یاد شده، مرتفع شود و چنانچه حل اختلاف میسر نشود، مراتب در کمیسیونی مرکب از معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری و معاونین حقوقی وزارت امور اقتصادی و دارایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مطرح و اتخاذ تصمیم خواهد شد و اصول حاکم بر تشریفات دادرسی‌های قضایی در رسیدگی به این اختلافات مطرح نیست.

واژگان کلیدی

تحلیل شخصیتی، مرجع صالح، دعاوی، اختلافات، دولت، دستگاه‌های اجرایی.

۱. دانشجوی دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی (نویسنده مسئول).

Email: teamworkir1@gmail.com

۲. دکترای حقوق عمومی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

Email: teamworkoir2@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۲

طرح مسأله

هر چند دو اصطلاح دعوا و اختلاف مترادف به نظر می‌رسند اما از لحاظ تخصصی دارای تفاوت‌های ظریفی هستند. باید پذیرفت اختلاف زمانی محقق می‌شود که یک طرف در برابر خواست دیگری پاسخ منفی دهد، در حالی که ممکن است با وجود اختلاف، هیچ یک از طرفین، دعوائی را در مرجعی مطرح نکرده باشند. تعریفی که در حقوق داخلی ما از دعوا ارائه شده است عبارت است از: توانایی قانونی مدعی حق تضییع یا انکار شده، در مراجعه به مراجع صالح در جهت به قضاوت گذاردن وارد بودن یا نبودن ادعا و ترتیب آثار قانونی مربوطه.

بنابراین پس از مراجعه به مراجع صالح جهت به قضاوت گذاردن اختلاف است که دعوا مصداق می‌یابد، در حالی که پیش از این مراجعه، اختلاف موجود بوده است. با این توضیح نسبت منطقی قابل تصور میان اختلاف و دعوا، عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر دعوائی دربردارنده اختلاف است، اما برخی اختلافات منتهی به دعوا می‌شوند و برخی منتهی به دعوا نمی‌شوند. این تلقی در حقوق دیگر کشورها نیز دیده می‌شود.

مهم‌ترین اصلی که در قانون اساسی راجع به حل و فصل اختلافات دستگاه‌های دولتی ملاحظه می‌شود اصل ۱۳۹ است به موجب این اصل: «دعای راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.»

اختلافات بین دستگاه‌های اجرایی که در نظام اداری ایران وجود دارد می‌تواند از جمله موانع انجام مسئولیت‌ها به نحو احسن باشد، و اکثر دستگاه‌های دولتی با این معضل مواجه هستند و گریزی از آن نیست. اما با توجه به این مسأله و اهمیت غیر قابل انکار آن در روند اجرایی مسئولیت‌های محوله هنوز درباره این مسأله (چگونگی حل و فصل اختلافات بین دستگاه‌های دولتی در ایران) تحقیقات چندانی صورت نگرفته است، وجود یکی دو مورد قانون و تصویب نامه در ارتباط با حل و فصل اختلاف بین دستگاه‌های دولتی (که با توجه به ماهیتشان جهت اقامه دعوا علیه یکدیگر به محاکم عمومی نمی‌توانند مراجعه نمایند، زیرا یکی از شرایط اساسی رجوع به مراجع عمومی جهت اقامه دعوا، داشتن شخصیت حقوقی مستقل برای چنین اقامه کننده دعوا است در حالی که این دستگاه‌ها به اعتبار شخصیت حقوقی دولت می‌باشند و شخص حقوقی مستقلی به حساب نمی‌آیند) نیز ناشی از ضرورت اجباری می‌باشد که مسئولان اداری را واداشته که فقط با اتکا به تجربه کاری و معطوف ساختن توجه شان به مورد یا موارد اختلافی حاصله به وضع مقررات ارائه شده دست یازند بدون اینکه توجهی به سایر مسائل از جمله آشنایی با قوانین و اصول مسلم حقوقی، رعایت اصل سلسله مراتب قانونی و ... که همه

این موارد مستلزم وجود تخصصی حقوقی است، داشته باشد.

از سویی دیگر در اختلافات بین اشخاص با دولت نیز شخصیت خواهان در دیوان عدالت اداری از موضوعات مورد بحث در باب دیوان عدالت اداری است که بر محدوده صلاحیتی آن تأثیرگذار است. از ابتدای تأسیس دیوان عدالت اداری اینکه نوع شخصیت خواهان به لحاظ عمومی یا خصوصی بودن در پذیرش دعاوی در دیوان اثرگذار است و می‌توان خصوصی بودن شخصیت خواهان را به عنوان ضابطه‌ای برای تشخیص دعاوی قابل طرح در دیوان لحاظ کرد یا خیر، محل اختلاف بوده است.^۱

وجود دو اصل ۱۷۰ و ۱۷۳ در قانون اساسی - که در یکی از واژه "مردم" و در دیگری از واژه "هر کس" در خصوص شخصیت خواهان استفاده شده است - زمینه را برای توجه به اهمیت شخصیت خواهان در دعاوی که در دیوان طرح می‌شود، فراهم کرده است. علاوه بر دو اصل ۱۷۰ و ۱۷۳ قانون اساسی، مواد ۱۱ قانون دیوان مصوب سال ۶۰، مواد ۱۳ و ۱۹ قانون دیوان مصوب سال ۸۵ و مواد ۱۰ و ۱۲ قانون جدید دیوان عدالت اداری نیز در خصوص شخصیت خواهان در دیوان عدالت اداری مورد تفسیر و توجه قرار می‌گیرد. با وجود اینکه قانون دیوان تاکنون دو بار تغییر کرده است، الفاظ و عبارات در رابطه با شخصیت خواهان تغییری ننموده است.

اصل ۱۷۰ قانون اساسی گویای یکی از صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری، مبنی بر رسیدگی به مقررات و آیین‌نامه‌های دولتی است که منجر به صدور رأی ابطال می‌شود. صلاحیت رسیدگی به آیین‌نامه‌ها در ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری از صلاحیت‌های هیأت عمومی شمرده شده است. و موارد مذکور مستند ما برای تبیین خواهان و خواننده در هیأت عمومی خواهند بود.

عبارتی از اصل مذکور که برای تبیین خواهان در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مد نظر است عبارت "هر کس" می‌باشد که به صورت مطلق بیان شده است و می‌توان از آن تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق عمومی و خصوصی را استنباط کرده و چنین بیان نمود که تمامی اشخاص مذکور می‌توانند در جایگاه خواهان هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار بگیرند. به استناد همین برداشت در ماده ۱۲ قانون دیوان که صلاحیت‌های هیأت عمومی را بیان کرده است واژه "اشخاص حقیقی یا حقوقی" به تمامی افراد حقوق خصوصی و عمومی تفسیر می‌شود. همچنین در آراء هیأت عمومی دیده می‌شود که دیوان عدالت اداری شکایت

۱- امامی، محمد و سلیمانی، مهستی، بهار ۱۳۹۳، شخصیت خواهان در دیوان عدالت اداری، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره اول، ص ۴۵.

شورای های اسلامی، شکایات سازمان بازرسی کل کشور، شکایت مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه و شکایت دیوان محاسبات را پذیرفته است.^۱

همچنین در مورد اینکه چه کسانی در جایگاه خوانده هیئت عمومی دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرند نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. البته راجع به اینکه در هیئت عمومی صرفاً از اشخاص حقوق عمومی می‌توان شکایت کرد بحثی وجود ندارد، اما در مورد مصادیق اشخاص حقوق عمومی تشتت آراء وجود دارد.

از اصل ۱۷۳ قانون اساسی بر می‌آید «خوانده» در دعوایی که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی آن را دارد، «مأمور دولتی» و «واحد دولتی» است. این اصل می‌گوید: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.»

در رابطه با واژه «دولت» باید گفت این واژه در قانون اساسی ۳۱ بار به صورت مجزا تکرار شده و البته در برخی اصول نیز با پیشوندهایی همراه شده است. اما نکته قابل توجه این است که در هر یک از این اصول با توجه به شواهد و قرائن موجود در خود اصل و سایر اصول، واژه دولت متفاوت معنا می‌شود. با دقت در اصول قانون اساسی دو معنا برای دولت استنباط می‌شود. اول، دولت به معنای عام که شامل حاکمیت و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد؛ مانند اصول سوم، یازدهم و...، دوم، دولت به معنای هیأت وزیران مانند اصول پنجاه و دوم، هفتاد و نهم، یکصد و سی و پنجم و...^۲

اینکه دولت را در اصل ۱۷۰ صرفاً قوه مجریه بدانیم مخالف اصل مسئولیت پاسخگویی کارگزاران در صورت تعرض به حقوق مردم است و ضروری است که به ماهیت مسأله توجه کرده و اصل را تفسیر کنیم. محدود کردن اصل ۱۷۰ به قوه مجریه، امکان دادخواهی شهروندان را محدود کرده و بخشی از نهادهای حکومتی را از نظارت قضایی خارج می‌کند. ضمن اینکه این اصل ناظر به وظیفه قضات به معنای عام است و می‌بایست با توجه به سایر اصول تفسیر شود.

قابل ذکر است که تا قبل از قانون سال ۹۲ که موسسات عمومی غیردولتی به صراحت در قانون نیامده و صرفاً شکایت علیه شهرداری ها در قانون دیوان پیش بینی شده بود، با تنقیح

۱- هدایت نیا، فرج الله، ۱۳۸۲، جایگاه دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات مردم از دستگاه های دولتی، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۱۹، تیرماه، ص ۴۳.

۲- همان، ص ۴۵.

مناطق و اینکه شهرداری به عنوان یک نمونه از موسسات عمومی غیردولتی ذکر شده است، استدلال می‌شد که می‌توان از سایر مصادیق این موسسات به دیوان شکایت کرد. هر چند در این زمینه تفسیری از سوی مجلس شورای اسلامی انجام شد و رسماً تمام مصادیق مندرج در قانون فهرست موسسات عمومی غیردولتی را داخل در صلاحیت دیوان دانست، این قانون تفسیر که ذیل ماده ۱۱ قانون دیوان مصوب سال ۶۰ انجام شد، در تاریخ ۱۳۷۴/۷/۱۹ بدون هیچ ایرادی به تایید شورای نگهبان رسید که از این مطلب رویه متغیر شورای نگهبان برداشت می‌شود.

بحث دیگری که راجع به خواندگان هیئت عمومی دیوان مطرح است راجع به نهادهایی مانند کانون وکلا و سازمان نظام پزشکی است که دیوان عدالت اداری معتقد است این نهادها خصوصی هستند و نمی‌توان علیه آنها در دیوان شکایت کرد، حال آنکه توضیح دادیم این نهادها نیز از اقتدارات عمومی استفاده کرده و در این بین ممکن است به مردم نیز ظلم بکنند، ضمن اینکه معتقدیم این نهادها می‌توانند مصادیقی از موسسات عمومی غیردولتی قرار بگیرند؛ چرا که دارای قانون تشکیل از مجلس شورای اسلامی، استقلال حقوقی، عهده‌دار بودن خدمت عمومی و سایر ویژگی‌های موسسات عمومی غیردولتی هستند و خصوصی تلقی کردن آنها صحیح به نظر نمی‌رسد. در مورد سایر صلاحیت‌های هیئت عمومی دیوان نیز باید گفت این نهاد برای جلوگیری از اطاله دادرسی در آراء مشابه و موضوع واحدی که شعب دیوان رأی صادر کرده اند اقدام به صدور رأی ایجاد رویه می‌کند و مزیت آن این است که صدور آراء در دعاوی مشابه بعدی نیازی به بررسی ماهوی مجدد نخواهند داشت. همچنین هیأت عمومی دیوان جهت ایجاد وحدت رویه قضائی بین شعب دیوان در آراء متناقض، صلاحیت صدور رأی وحدت رویه را نیز دارد.^۱

۱- مفهوم و اقسام اختلاف دستگاههای اجرایی

اختلاف جزء ارکان دعوا است یعنی تا اختلافی وجود نداشته باشد دعوایی حاصل نمی‌شود. بنابراین اختلاف در واقع مقدمه وجودی دعوا است که به معنای نداشتن تفاهم در خصوص یک موضوع یا حق است که اگر این اختلاف و عدم تفاهم بر سر هر موضوعی که باشد بین طرفین اختلاف حل نشود و برای حل آن به مرجع دیگری (قضایی) مراجعه شود عنوان دعوا پیدا خواهد کرد.

۱-۱- مفهوم اختلاف

اختلاف ارکانی دارد: اول: یکی از مهمترین آن طرفین اختلاف است که باید ۲ شخص

(حقیقی یا حقوقی) وجود داشته باشد که با هم اختلاف داشته باشند که اگر طرفین اختلاف هر دو شخص حقیقی باشند اختلاف جنبه خصوصی داشته و در مراجع قضایی ویژه حل و فصل خواهد شد. که می‌تواند کیفری یا مدنی باشد و یا اختلاف می‌تواند بین یک شخص حقیقی و یک شخص حقوقی حقوق عمومی (دولت) باشد که حل آن نیز دیوان عدالت اداری سپرده شده که عده ای ای دیوان را مرجع قضایی و عده ای آنرا مرجع حل اختلاف اداری می‌دانند که فرصت بحث پیرامون آن نیست.

دوم: اختلافی که بین دو شخص حقوقی باشد که این دو شخص هر دو متعلق به اشخاص حقوقی حقوق عمومی باشند که بزرگترین شخصیت حقوقی حقوق عمومی دولت است و این به معنای این است که اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی ایجاد شود. که البته در مورد این موضوع که آیا این اشخاص شخصیتی جدای از شخصیت دولت دارند و آیا می‌توانند علیه یکدیگر طرح دعوا کنند و اینکه آیا مراجع قضایی باید به این دعوای رسیدگی کنند؟

و از ارکان دیگر اختلاف «موضوع اختلاف» است که بسته به نوع موضوع، نوع اختلاف هم متفاوت می‌شود. اگر موضوع اختلاف مدنی باشد اختلاف حقوقی بوده و در مراجع حقوقی حل و فصل می‌شود. و اگر موضوع اختلاف کیفری باشد در مراجع جزایی حل و فصل می‌شود که البته موضوع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی انواع متفاوت و مختلفی می‌تواند داشته باشد. حال به تعریف اختلاف دستگاه‌های اجرایی می‌پردازیم:

اختلاف نظر دستگاه‌های اجرایی در برداشت از قوانین و مقررات و یا اختلاف ناشی از تداخل وظایف قانونی آنها و همچنین اختلاف آنها در مورد اموال و حقوق مالی^۱ که در واقع در این تعریفی که از اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی بیان شده موضوعاتی را که مطرح است نیز بیان کرده که بسته به موضوع مرجع حل اختلاف و راه حل آن متفاوت خواهد بود.

دستگاه طرف اختلاف، دستگاه اجرایی است که بر اساس درخواست نامه دستگاه متقاضی به دستگاه طرف اختلاف معرفی می‌شود. دستگاه متقاضی، دستگاه اجرایی که درخواست رسیدگی نسبت به موضوع اختلاف را از مرجع اختلاف می‌نماید.

بررسی موضوع اختلاف توسط مرجع اختلاف حسب تقاضای دستگاه متقاضی با استفاده از راهکارهای قانونی ساز و کارهای داخل قوه مجریه به ویژه بر اساس بررسی مقامات ذیربط قوه مجریه و هیأت دولت؛

مرجع رسیدگی و رفع اختلاف مندرج در آیین نامه چگونگی رفع اختلاف دستگاه‌های

۱- بر اساس شیوه نامه مربوط به آیین نامه اختلاف دستگاه‌های اجرایی (موضوع ماده ۸) تصویب نامه ۳۷۵۵۰/۲۱۲۷۶۷ ت مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۲۷.

اجرایی که عبارتند از استاندارد، رئیس دستگاه ستادی و معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور. دستگاه اجرایی که با توجه به شرح وظایف و اختیارات قانونی آن و حسب مرجع رفع اختلاف در موضوع مطروحه، ذینفع، دخیل یا مطلع باشد.^۱

۱-۲- شناسایی اقسام اختلاف دستگاههای اجرایی

اختلاف دستگاههای اجرایی می‌تواند انواع گوناگونی داشته باشد از یک حیث این اختلافات می‌تواند به اختلافات حقوقی و اختلافات کیفری تقسیم شود یعنی در مواردی که اختلاف جنبه حقوقی دارد مرجع حل اختلاف وارده حل اختلاف با مواردی که اختلاف جنبه کیفری دارد متفاوت است. که همانطور که بعداً اشاره خواهد شد اختلافات کیفری می‌تواند در دادگاههای عمومی مطرح شود و اگر اختلاف حقوقی باشد باید از طریق راه کارهای داخلی قوه مجریه حل و فصل شود.

انواع اختلافات دستگاههای اجرایی می‌تواند به شرح زیر باشد:^۲

۱- اختلاف برداشت و نظر نسبت به وظایف قانونی باشد. که در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد تصمیم هیأت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهوری اتخاذ می‌شود لازم الاجرا است. یعنی به این دلیل که وظایف قانونی دستگاههای اجرایی در قوه مجریه تعیین می‌شود و قوانینی که از طرف قانونگذار وضع شده در خصوص موضوع اختلاف روشن و آشکار بوده و رئیس جمهور و هیأت وزیران که در رأس قوه مجریه قرار دارند و حق وضع آیین‌نامه و تصویب نامه در محدوده‌ای که قانون اساسی مشخص کرده دارند، می‌توانند خود به حل و فصل این گونه اختلافات کمک کرده و آن را برطرف نمایند به نظر برخی مسئولین بیشتر اختلافاتی که بین دستگاه‌های اجرایی حاصل می‌شود در واقع اختلاف سلیقه است و نشان از پویایی و فعال بودن آنها دارد.

۲- موضوعی واحد از جهات مختلف مربوط به چند دستگاه باشد: که این مورد نیز از مواردی است باید مانند راه حل اولی از طریق ساز و کارهای داخلی قوه مجریه حل و فصل شود و طبیعی است بروز این اختلافات در اثر پایداری و تعهد مسئولان به اهداف و رسالت‌های دستگاه‌های متبوع است اما آنچه مهم است این است که این مسائل و اختلافات به لحاظ توجه به منافع عمومی و مسائل بزرگتری که نفعش به جمع بر می‌گردد، بر اساس قانون حل و فصل شوند.

۱- همان.

۲- نصرتی، زینب، ۱۳۸۸، چگونگی رسیدگی به دعاوی نهادهای دولتی علیه یکدیگر، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، ص ۳۵-۳۴.

۳- تشکیلات مضاعف بر سر موضوعی واحد پدیدار شده باشد که این خود باعث ایجاد اختلاف در انجام وظایف این دستگاهها خواهد بود که باید از طریق راهکارهای داخلی قوه مجریه حل و فصل شود که می‌توان گفت این موضوعات در واقع ماهیت اجرایی داشته و طبعاً هیأت وزیران مقام صالح برای حل اختلاف و فیصله دادن اموری باشد.

۴- تداخل وظایف بین دستگاههای اجرایی پیش بیاید.

۵- اختلاف در استنباط از قانون باشد و یا ناشی از اقدام قانونگذار باشد: مثلاً قانونگذار طی دو قانون جداگانه صلاحیت امری واحد را بر عهده دو دستگاه گذاشته باشد یا قانونی را که وضع کرده به روشنی معین نکرده باشد. که در این صورت اختلاف ماهیت اجرایی ندارد بلکه ماهیت استنباط از قانون را دارد که در این صورت دولت با تقدیم لایحه تفسیری نظر نهایی و قانونی مجلس را جویا می‌شود که در آن صورت مصوبه مجلس تکلیف را روشن می‌کند و لازم‌الاجرا خواهد بود که باید گفت موضوعات دیگری نیز می‌تواند بین دستگاهها وجود داشته باشد که البته در این دو قسم اختلاف خواهد گنجید که یا جنبه اجرایی دارد یا استنباط از قانون است.

۲- شناسایی شخصیت طرفین در دعاوی اشخاص با دولت

اقامه دعوا، در واقع با «تقدیم دادخواست» به عمل می‌آید. دادگاه در صورتی به دعوی مدنی یا جنبه مدنی امر کیفی رسیدگی می‌نماید که دادخواست تقدیم شده باشد. بدون تقدیم دادخواست دعوا اقامه نمی‌شود در حقیقت «تاریخ رسید دادخواست به دفتر تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود»^۱

لیکن در دعاوی اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی خصوصی با دولت، باید شخصیت طرفین دعوا شناسایی شود که خواهان در دعاوی علیه دولت چه شخص یا اشخاصی محسوب می‌شوند و خواننده دعوا در دعاوی مطروحه در دیوان عدالت اداری کدام یک از مراجع اجرایی یا دولتی خواهند بود.

۲-۱- مشخصات خواهان دعوا

در دعاوی دولت اگر دولت خواهان دعوا باشد، نماینده دولت دادخواست را تنظیم کرده و ارائه می‌دهد. خواهان شخصی است که حق ادعایی متعلق به اوست و بنابراین نتیجه دادرسی هر چه باشد بر او بار می‌گردد. چنانچه خواهان شخص حقوقی (وزارتخانه و شهرداری و...) باشد، نام و مشخصات و اقامتگاه شخص حقوقی به همان ترتیب که عملاً وجود دارد (اشخاص حقوقی حقوق عمومی - دولت) به گونه‌ای که ابلاغ برگ‌ها به آنها میسر باشد در قسمت مربوط به

۱- شمس، عبدالله، ۱۳۸۹، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، دوره بنیادین، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دراک، ص ۲۶.

دادخواست باید نوشته شود.^۱

اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری یا مؤسسات دولتی همچون اشخاص حقیقی یعنی انسانها موضوع حق و تکلیف قرار می‌گیرند و به اصطلاح دارای شخصیت حقوقی‌اند و اصولاً شخصیت حقوقی آنها مستقل از شخصیت حقوقی افراد تشکیل دهنده آنها می‌باشد. تصمیمات اشخاص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود. اگر خواهان دعوا شخص حقوقی باشد این اقدام باید توسط شخصی که به موجب قانون یا اساسنامه مؤسسه و شرکت اجازه اقامه دعوا از سوی شخص حقوقی را دارد صورت پذیرد. برای مثال رییس اداره و یا مسئول یک سازمان دولتی به نمایندگی از سازمان یا اداره متبوع خود طرح دعوا کرده و باید مدرک و دلیلی که نشانگر سمت او باشد پیوست دادخواست کند.

۲-۲- مشخصات خواننده دعوا

بر اساس ضابطه ای که مبتنی بر شخصیت خواننده است، تنها اشخاص حقوق عمومی می‌توانند در دادگاه‌های اداری در مقام خواننده قرار گیرند. بنابراین از اشخاص خصوصی نمی‌توان در دیوان عدالت اداری شکایت کرد. شکایت از اشخاص خصوصی باید در دادگاه‌های عمومی صورت گیرد. تکیه صرف به شخصیت خواننده برای تشخیص صلاحیت دادگاه اداری هر چند ساده است، اما منطقی به نظر نمی‌رسد؛ از این رو کشورهایی که از این ضابطه استفاده کرده‌اند، عموماً این معیار را با تلفیق معیارهای ماهوی دیگر به کار می‌برند.^۲

۲-۲-۱- دعوا متوجه خواننده باشد

شکایت مطروحه باید متوجه دستگاه اداری طرف شکایت باشد و در صورتی که صرف نظر از ذی‌حق بودن یا نبودن خواهان موضوع شکایت متوجه طرف شکایت نباشد شعبه رسیدگی کننده قبل از تبادل لوایح مبادرت به صدور قرار رد می‌نماید. در خصوص طرف شکایت ذکر این نکته ضروری است که چون هر یک از نهادها و واحدهای دولتی به لحاظ ذاتی و محلی دارای محدوده صلاحیت خاص می‌باشد بنابراین شکایت باید به طرف واحد یا نهادی که نسبت به اتخاذ تصمیم مورد اعتراض اقدام کرده یا از انجام وظایف قانونی خودداری نموده است مطرح شود و لذا هر چند دولت به معنای خاص قوه مجریه دارای شخصیت حقوقی واحدی است ولی شکایت از تصمیمات یا اقدامات واحدهای مختلف به طرفیت دولت به صورت مطلق قابل استماع

۱- همان، ص ۲۸.

۲- امامی، محمد و استوارسنگری، کورش، ۱۳۹۱، ضوابط دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ص ۴۹.

نخواهد بود زیرا با توجه به تقسیمات کاری صورت گرفته به لحاظ حدود وظایف و اختیارات هر یک از واحدهای دولتی مشخص شده است بنابراین شکایت از تصمیم و اقدام اداره کل آموزش و پرورش استان الف باید به طرفیت همان اداره مطرح شود و نمی‌توان با این استدلال که وزارت آموزش و پرورش است دارای یک شخصیت حقوقی است لذا به طرفیت اداره منطقه دیگر و اداره کل استان دیگری شکایت مطرح کرد زیرا محدوده اختیارات هر یک از ادارات مزبور به لحاظ محل جغرافیایی محدود بوده و اختیار اجرای این چنین آرایشی وجود نخواهد داشت ولی چنانچه از عدم اقدام قانونی که توسط یک اداره تابع وزارت آموزش و پرورش باید صورت گیرد به طرفیت وزارت آموزش و پرورش شکایت شود چنین شکایتی قابل استماع است و دعوا متوجه وزارت مذکور خواهد بود. چون وزارتخانه محدوده اختیارات ذاتی و محلی را برای موضوع مذکور دارد و می‌تواند اجرای مفاد رأی را از اداره کل تابعه خود مطالبه نماید ولی شکایت از تصمیمات و اقدامات مقامات و ادارات مافوق به لحاظ سلسله مراتب اداری به طرفیت واحدها و مقامات پایین‌تر قابل استماع نخواهد بود مثلاً شکایت از اقدام و تصمیم وزارت آموزش و پرورش به طرفیت یکی از ادارات کل تابعه آن مسموع نخواهد بود.^۱

نکته دیگر در خصوص طرف شکایت این است که برخی از امور اداری مستلزم اقدام از جانب دو واحد دولتی است آیا در مواردی که خواهان از یک واحد دولتی شکایت کرده است دعوا مطروحه قابل پذیرش خواهد بود یا خیر؟ در پاسخ به سؤال فوق باید گفت علی‌الاصول اجبار شخص خواهان به طرح شکایت از واحدهای مختلف خلاف اصل بی‌طرفی دادرسی در دستگاه قضایی است ولی در پاره‌ای موارد چون نتیجه رأی ایجاد تعهد و تکلیف به یک سازمان یا واحد دیگر می‌نماید لذا بر اساس آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری طرح شکایت از واحدهای ضروری است که فقط در مورد این موضوع پذیرفته شده است به عنوان مثال طبق رأی شماره ۶۷۵ مورخ ۸/۸/۸۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری چنانچه خواسته خواهان الزام به پرداخت حق بیمه باشد چون پرداخت حق بیمه موجد تکلیف و تعهد برای صندوق تأمین اجتماعی به عنوان صندوق بیمه‌ای است و محکومیت سازمان مذکور به انجام تعهد یا تکلیف قانونی قبل از استماع دفاعیات وی برخلاف دادرسی عادلانه است لذا در این گونه موارد پذیرش شکایت منوط به طرح شکایت از سازمان تأمین اجتماعی اعلام شده است ولی چون این امر استثنایی و برخلاف اصل است فقط در حدود نص مقرر در رأی هیئت عمومی راجع به خواسته الزام به پرداخت حق بیمه قابل اجرا است و نمی‌توان از آن قاعده کلی استفاده کرد و نسبت به سایر موارد

۱- مولایی، غلامرضا، ۱۳۹۳، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل (جاودانه)، ص ۱۸۶-۱۸۵.

تعمیم و تسری داد.^۱

۲-۲-۲- دعوا مشمول مرور زمان نشده باشد

طبق تبصره ۲ ماده ۱۶ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. صرفاً شکایت از آرای مراجع شبه قضایی دارای مهلت سه ماهه برای اشخاص مقیم داخل کشور و شش ماهه برای اشخاص مقیم خارج از کشور می‌باشد و چنانچه بعد از انقضاء مهلت مذکور شکایت مطرح گردد قابلیت استماع نخواهد داشت و قرار رد صادر خواهد شد.

طبق ماده ۶۵ قانون مذکور اعتراض از آرای بدوی در مهلت بیست روز برای اشخاص مقیم داخل و دو ماهه برای اشخاص مقیم خارج از کشور قابل استماع خواهد بود و شکایت خارج از مهلت مذکور قابل استماع نخواهد بود.^۲ بنابراین چنانچه شاکی خارج از مهلت‌های فوق‌الذکر دعوی خود را به طرفیت خوانده مطرح نماید، به جهت شمول مرور زمان و سپری شدن مهلت، مسموع نخواهد بود.

۲-۲-۳- شناسایی خواننده در شعب بدوی دیوان عدالت اداری

از اصل ۱۷۳ ق.ا.ج.ا.ا. برمی‌آید «خواننده» در دعوی که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی آن را دارد، «مأمور دولتی» و «واحد دولتی» است. این اصل می‌گوید: «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.»^۳

نکته در خور بحث در این اصل آن است که آیا مقصود از «دولتی» قوه مجریه است یا سایر قوا را نیز در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، در قانون عادی محدوده صلاحیت دیوان از جهت «خواننده» وسیع‌تر شده و شکایت از شهرداری‌ها و برخی مؤسسات عمومی غیردولتی نیز اضافه شده است. آیا می‌توان گفت شکایت از مؤسسات عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری است؟

۲-۲-۳-۱- مأمورین و واحدهای دولتی

ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. صلاحیت دیوان را محدود به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و شرکت‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها نموده است حال سوال اصلی

۱- همان، ص ۱۸۵.

۲- همان، ص ۱۸۸.

۳- میرداماد نجف‌آبادی، سیدعلی، ۱۳۹۰، صلاحیت و حدود اختیارات دیوان عدالت اداری، معرفت حقوقی، سال اول، شماره اول، ص ۴۴.

این است که منظور از دولت در قانون یادشده چیست؟ آیا دولت فقط قوه مجریه را در بر دارد یا قوه مقننه و قوه قضاییه نیز می‌گردد؟^۱

مأمور واحد دولتی به چه کسی و چه چیزی گفته می‌شود؟ آیا مقصود صرفاً مأموران و واحدهای قوه مجریه‌اند یا مأموران و واحدهای قوه قضاییه و مقننه را نیز شامل می‌شود؟ برای تبیین مفهوم این عبارت لازم است توجه شود که واژه «دولت» معمولاً در سه معنا کاربرد دارد: دولت - کشور، مجموعه قوای حکومتی، قوه مجریه.^۲ مقصود از واژه «دولت»، در اصل ۱۷۳ ق.ا.ج.ا.ا. کدام معنای ذکر شده است؟

۲-۳-۱-۱- نظریه حصر مصادیق واحدهای دولتی به دستگاه‌های قوه مجریه

بر اساس این نظریه، دیوان عدالت اداری منحصراً مرجع رسیدگی به شکایات از اعمال و مقررات قوه مجریه است و منظور از واحدهای دولتی، سازمان‌های اجرایی و اداری قوه مجریه است. طرفداران این نظریه، برای اثبات ادعای خود، دلیل‌های زیر را اقامه می‌کنند:

۱- از بررسی اصول قانون اساسی به دست می‌آید که مقصود از «دولتی»، قوه مجریه است. قانون‌گذار در اصل ۱۷۳، مأمورین و واحدها را به کلمه «آیین‌نامه‌ها عطف کرده است. اگر معلوم شود که مقصود از «آیین‌نامه‌های دولتی» چیست، می‌توان به قرینه عطف، مفهوم مأمورین و واحدهای دولتی را نیز معلوم نمود. ظاهراً مقصود از «آیین‌نامه‌های دولتی»، در اصل ۱۷۳، همان است که در اصل ۱۳۸ قانون اساسی آمده است.^۳

موضوع اصل مذکور، مصوبات قوه مجریه است. علاوه بر اصل ذکرشده، در اصل ۱۷۰، آیین‌نامه‌های دولتی، معادل مصوبات قوه مجریه گرفته شده است. این اصل می‌گوید: «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند. هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.»

با توجه به آنچه بیان شد، مقصود از آیین‌نامه‌های دولتی در اصل ۱۷۳، به قرینه اصول ۱۳۸ و ۱۷۰، مصوبات قوه مجریه است و چون عبارت مذکور عطف به عبارت «مأمورین یا واحدها» شده است، منظور از مأمورین یا واحدهای دولتی نیز، مأمورین و واحدهای قوه مجریه‌اند. نتیجه اینکه از نظر قانون اساسی، خواننده در دعوی مطرح شده در دیوان عدالت اداری، مأموران و واحدهای قوه مجریه‌اند.^۴

۱- مولایی، غلامرضا، همان، ص ۲۸.

۲- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۸۱، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان، ص ۵۳.

۳- هدایت نیا، فرج‌الله، همان، ص ۴۶.

۴- همان.

۲- ممکن است کسی در ردّ این نظریه بگوید «آنچه به عنوان صلاحیت‌ها و اختیارات دیوان عدالت اداری در اصل ۱۷۳ آمده، حداقل‌ها محسوب می‌شود. قانون‌گذار تعیین حدود اختیار این دیوان را به قانون عادی احاله کرده است.» ذیل اصل مذکور می‌گوید: حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند. بنابراین، شایسته است این موضوع را در قانون دیوان عدالت اداری مورد مطالعه قرار دهیم. در این خصوص باید گفت مقصود از «دولت» در قانون دیوان عدالت اداری نیز، همان قوه مجریه است. ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰، واژه «دولت» را معادل قوه مجریه گرفته بود.

در بخشی از این ماده آمده بود: «در اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری موظف است چنانچه شکایتی مبنی بر مخالفت بعضی از تصویب‌نامه‌ها و یا آیین‌نامه‌های دولتی با مقررات اسلامی مطرح گردید... و چنانچه شکایت مبنی بر مخالفت آنها با قوانین و یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه بود، شکایت را در هیئت عمومی دیوان مطرح نماید...»

۳- تبصره ۲ ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. مصوب ۱۳۹۲ تصمیمات و آراء دادگاهها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاههای انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح را قابل شکایت در دیوان عدالت اداری ندانسته است. همچنین تبصره ماده ۱۲ قانون جدید می‌گوید رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی قابل شکایت در دیوان نیست.

۴- دستگاه قانون‌گذاری و قضایی را نمی‌توان عرفاً از مصادیق واحدهای اداری و اجرایی دانست و اصولاً بررسی وظایف و اختیارات قوای مقننه و قضائیه در مباحث حقوق اداری - که موضوع قانون دیوان عدالت اداری است - نمی‌گنجد. لذا مقصود قانون‌گذار از دولت و واحدهای دولتی دستگاه‌های اجرایی قوه مجریه است.^۱ بنابراین، بر اساس این نظر، دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی مردم علیه دستگاه‌های قضایی و تقنینی را ندارد.

۲-۲-۳-۱-۲- نظریه گسترش مصادیق واحدهای دولتی به کلیه واحدهای قوای سه‌گانه

بر اساس این نظریه، آن دسته از اعمال قوای مقننه و قضائیه که خارج از امور قانون‌گذاری و قضایی هستند، اعمال اجرایی و اداری محسوب می‌شوند و به تبع آن از مقررات حقوق اداری پیروی می‌کنند. از آنجا که در ماهیت اقدامات اداری دستگاه قانون‌گذاری و قضایی و اقدامات اداری قوه مجریه تفاوتی وجود ندارد، لذا مقرراتی که مجلس شورای اسلامی و یا قوه

قضائیه تحت عناوین آیین‌نامه، تصویب‌نامه و غیره صادر می‌کند، مقررات دولتی محسوب می‌شوند و به همین دلیل نیز در صورت مغایرت با موازین اسلامی یا مخالفت با قانون، قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری می‌باشند.^۱

معتقدان به این نظریه علاوه بر بیان فوق شواهد و دلایل دیگری نیز بیان کرده‌اند:

۱- آنچه در ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰ آمده است، نافی صلاحیت‌های دیگر دیوان در خصوص رسیدگی به آیین‌نامه‌های دستگاه‌های تقنینی و قضایی نمی‌باشد. علاوه بر آن، این دلیل اخص از مدعاست؛ زیرا بحث در مأمورین، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی است. در حالی که موضوع ماده ۲۵ فقط آیین‌نامه‌های دولتی است. به عبارت دیگر، ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰ حداکثر می‌فهماند که مقصود از آیین‌نامه‌های دولتی، آیین‌نامه‌های قوه مجریه است. اما در مورد مأمورین و واحدهای دولتی، ماده مذکور ساکت است.^۲

۲- اما در مورد تبصره ۲ ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. می‌توان گفت مقصود از «تصمیمات و آرای دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی دادگستری و...» تصمیمات قضایی است که در این صورت، تصمیمات اداری و اجرایی محاکم، داخل در صلاحیت دیوان است.^۳ شاهد مدعا تبصره ماده ۱۲ است که تصمیمات قضایی رییس قوه قضاییه و آیین‌نامه‌های صادره از سوی این مقام را خارج از شمول دیوان در نظر گرفته است. مفهوم مخالف تبصره این است که تصمیمات و اقدامات اداری و اجرایی قابل رسیدگی در دیوان است.

۳- فلسفه وجودی تشکیل دیوان عدالت، رسیدگی به شکایات مردم از دولت است. به قرینه تقابل مردم و دولت، می‌توان چنین گفت که مقصود از دولت همه کسانی‌اند که در مقابل مردم قرار دارند؛ یعنی طبقه حکومت‌کنندگان که شامل قوای مجریه، قضائیه و مقننه و نیز تمام واحدها و مؤسسات وابسته خواهد بود.

۴- دیوان عدالت اداری در عمل نیز به شکایات مردم از تصمیمات اداری و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دستگاه قضایی رسیدگی کرده است. در این باره می‌توان به آرای شماره ۴۶، ۴۷ و ۴۸ مورخ ۱۳۶۷/۳/۱۶ دیوان، در اعتراض مردم به بخشنامه شماره ۱/۱۵۵۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۹ شورای عالی قضایی اشاره کرد.^۴ بنابراین، با توجه به قانون دیوان عدالت اداری، این دیوان صلاحیت رسیدگی به اعتراضات و شکایات مردم از دستگاه‌های اجرایی، قضایی و تقنینی را

۱- همان.

۲- هدایت‌نیا، فرج‌الله، همان، ص ۴۷.

۳- موسی زاده، رضا، همان، ص ۳۱۲.

۴- موسی زاده، رضا، همان، ص ۳۱۲.

دارد. با توجه به اختلاف نظرهای موجود دربارهٔ صلاحیت دیوان در خصوص «خوانده»، رئیس قوه قضائیه طی نامه‌ای در تاریخ ۸۳/۸/۲ از شورای نگهبان چنین درخواست می‌کند: «با توجه به اینکه اصل ۱۷۰ ق.ا.ج.ا. مقرر می‌دارد: "قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند. و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند." تفسیر آن شورای محترم را در این رابطه تبیین فرمایید که آیا محدودهٔ اختیارات دیوان عدالت اداری در این اصل شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های قوه مقننه و قضائیه و سازمان‌های وابسته به آنها و همچنین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات اداری شورای نگهبان و مجمع تشخیص و امثال آن نیز می‌شود یا مخصوص به تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت به معنای قوه مجریه می‌باشد.»

شورای نگهبان نیز نظریهٔ تفسیری خود را در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲۸ به شرح زیر بیان می‌کند: «با توجه به قرینهٔ قوه مجریه در قسمت اخیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی، مقصود از تعبیر دولتی در این اصل قوه مجریه است.» قانون جدید دیوان نیز با توجه به نظریهٔ تفسیری مذکور ضمن تبصره مادهٔ ۱۲ خود رسیدگی به شکایات از تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی را از شمول صلاحیت خود خارج کرده است.

«علی‌رغم صراحت نظریهٔ تفسیری شورای نگهبان، تبصره مادهٔ ۱۲ مذکور صرفاً تصمیمات قضایی قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات نهادهای فوق‌الذکر را از شمول صلاحیت هیئت عمومی دیوان خارج می‌نماید. به عبارت دیگر، تصمیمات غیرقضایی قوه قضائیه (مانند مقررات استخدامی) و سایر تصمیمات اداری نهادهای فوق‌الذکر قابل شکایت در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری می‌باشد. از سوی دیگر، باید خاطر نشان ساخت که رویهٔ دو دههٔ گذشتهٔ شورای نگهبان نیز دلالت بر این امر دارد که شورای مذکور طی سال‌های گذشته نه تنها تصمیمات اداری و استخدامی بلکه برخی از مصوبات نهادهای غیر از قوه مجریه را نیز به جهت مغایرت آنها با موازین شرعی ابطال نموده است.»^۱ به هر حال، به نظر می‌رسد هنوز تعریف دقیقی از «واحد دولتی» در قوانین کشور ارائه نشده است و دامنهٔ شمول صلاحیت دیوان بر اعمال این واحدهای دولتی کاملاً مشخص نیست.

در حالی که، شورای نگهبان مقصود از تعبیر دولتی در اصل ۱۷۰ را «قوه مجریه» می‌داند،

تبصره ماده ۱۲ با خارج کردن «تصمیمات قضایی قوه قضائیه» تلویحاً صلاحیت دیوان را بر «تصمیمات اداری قوه قضائیه» می‌پذیرد که این امر با نظریه تفسیری شورای نگهبان مطابقت ندارد، ولی با رویه عملی دیوان مطابق است.

صرفنظر از اینکه عبارت «تصمیمات قضایی قوه قضائیه» در تبصره ماده ۱۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. زاید است زیرا تصمیمات صادره از دادگاه‌های دادگستری، نظامی، دادگاه‌های انتظامی قضات و نیروهای مسلح در تبصره ۲ ماده ۱۰ به عنوان موارد غیرقابل شکایت در دیوان ذکر شده‌اند، عبارت «آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رییس قوه قضائیه» در تبصره ماده ۱۲ قانون جدید در قانون سابق قید نشده بود و تصویب عبارت «آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رییس قوه قضائیه» دلالت بر نسخ نظریه تفسیری شورای نگهبان است که رسیدگی به شکایات از مقررات مصوب مقامات قوه قضائیه را خارج از صلاحیت دیوان دانسته بود.^۱

آنچه از تبصره ماده ۱۲ قانون جدید استنباط می‌شود اینکه تصمیمات و مصوبات رییس قوه قضائیه به طور مطلق قابلیت شکایت در دیوان عدالت اداری نداشته و با تجمیع مفاد بند ۱ ماده ۱۰، ۱۱ و تبصره ماده ۱۲ این قانون می‌توان دریافت که تصمیمات قضایی تمامی ارکان قوه قضائیه مطلقاً قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد زیرا دیوان عدالت اداری به عنوان مرجع عالی اداری صلاحیت رسیدگی به آراء صادره از مراجع تالی اداری را دارد و مراجع و مقامات مندرج در مواد فوق‌الذکر مرجع یا مقام اداری شمرده نمی‌شوند.^۲

همچنین ممکن است گفته شود هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نباید قادر به کنترل مصوبات مقام مافوق خود باشد و لذا به لحاظ رعایت سلسله مراتب اداری این حکم مقرر شده است. اما باید گفت با پذیرش این نظر اصل استقلال قضایی قضات محل شک و تردید خواهد بود.^۳

و در مورد شکایت از بخشنامه یا دستورالعمل قوه قضائیه پیرامون موضوعات استخدامی، بین حکم مقرر در تبصره ماده ۱۲ و بند ۳ ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. تعارض وجود دارد و شاید برخی اذعان دارند که حکم مقرر در بند ۳ ماده ۱۰ مخصوص شکایت موردی کارکنان در خصوص حقوق استخدامی است و اگر شکایت کلی باشد قابل استماع نیست. اما در پاسخ بیان گردیده که حتی اگر تصمیم موردی راجع به حقوق استخدامی قضات اتخاذ شده باشد، رسیدگی موردی به موضوع فاقد اثر اجرایی است. و در جمع ماده ۱۲ و بند ۳ ماده ۱۰ و حل تعارض آنان

۱- کوچکی میاب، غلامرضا، ۱۳۹۵، دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بینه، ص ۸۲.

۲- همان.

۳- مولاییگی، غلامرضا، همان، ص ۱۰۸.

باید بیان داشت که بخشنامه های استخدامی قضات قابل شکایت و رسیدگی در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است.^۱

۲-۲-۳-۲- شهرداری ها و سازمان تأمین اجتماعی

بر اساس قسمت الف از بند ۱ ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. شکایت از شهرداری ها و سازمان تأمین اجتماعی در دیوان عدالت اداری قابل پذیرش اعلام شده و نسبت به سایر مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در قانون مذکور حکمی بیان نشده است.

۲-۲-۳-۳- مؤسسات وابسته به شهرداری ها و سازمان تأمین اجتماعی

دیوان عدالت اداری به استناد بند یک ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. صلاحیت رسیدگی به شکایت از مؤسسات وابسته به شهرداری و سازمان تأمین اجتماعی را نیز دارد مثلاً سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری‌ها، سازمان اتوبوسرانی و ... مشمول صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار می‌گیرند ولی آن دسته از سازمان‌های وابسته به شهرداری و تأمین اجتماعی که به صورت شرکت تشکیل و اداره می‌شوند از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری خارج خواهند بود زیرا موسسه و شرکت با هم متفاوت می‌باشند و مقنن فقط مؤسسات وابسته را در صلاحیت دیوان عدالت اداری اعلام نموده است.^۲

۲-۲-۳-۴- مأمورین و مؤسسات عمومی غیردولتی

بحث دیگر در اینجا آن است که آیا رسیدگی به شکایات از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری است یا خیر؟ در این باره در نگاه اول به نظر می‌رسد، صراحت اصل ۱۷۳ ق.ا.ج.ا.ا. که «به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد...»، جایی برای طرح این سؤال باقی نگذاشته است.

اما در بند ۱ ماده ۱۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات مؤسسات عمومی غیردولتی قرار داده شده است. پیش از پاسخ به پرسش پیش گفته، بیان این نکته لازم است که فهرست مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع تبصره ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور در ماده واحده «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۷۳ و موارد متعددی که طی قوانین الحاقی، به این فهرست افزوده شده، چنین بیان شده است: هلال احمر؛ کمیته ملی

۱- همان.

۲- همان، ص ۳۳-۳۲.

المپیک؛ فدراسیون‌های ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران؛ بنیاد امور بیماری‌های خاص؛ سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران؛ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی؛ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، سازمان دهیاری، و بنیاد فرهنگی هنری رودکی.^۱

مجلس شورای اسلامی در ماده‌ی واحد «قانون تفسیر ماده‌ی ۱۱ (ماده‌ی ۱۲ فعلی) قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی» مصوب ۱۱ مهرماه ۱۳۷۴ پرسش مذکور را این‌گونه پاسخ داده است: «با توجه به ماده‌ی ۱۱ (ماده‌ی ۱۲ فعلی) قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات علیه نهادهای عمومی احصاء شده در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد.»^۲ با توجه به اینکه مؤسسات عمومی غیردولتی جزء دولت نیستند و در زمره‌ی نهادهای حکومتی غیرمتمرکز محسوب می‌شوند و دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولتند، جای سؤال است که چرا در هنگام تصویب چنین قوانینی، با ایراد مغایرت با قانون اساسی روبرو نشده است که این سازمان‌ها دولتی نیستند و دیوان عدالت مرجع صالح برای رسیدگی به شکایات از آنها نیست؟

با توجه به سیاق عبارت بند ۱ ماده ۱۰ ق.ت.آ.د.ع.ا. و نیز سابقه تصویب بند مذکور که در پیش‌نویس اولیه مؤسسات عمومی غیردولتی ذکر شده بود که با ایراد شورای نگهبان مواجه و سپس مجمع تشخیص بند ۱ را به شرح مذکور تصویب کرد و با عنایت به صلاحیت خاص دیوان عدالت اداری براساس ماده ۱۰ قانون یاد شده فقط صلاحیت رسیدگی به شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی از مؤسسات عمومی غیردولتی را دارد و لذا مؤسسات عمومی غیردولتی فوق‌الاشاره و مؤسساتی مانند نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور یا دانشگاه آزاد اسلامی و ... قابل پذیرش در دیوان عدالت اداری نخواهد بود. شکایت از بانک‌های خصوصی شده نیز مشمول این حکم خواهد بود مانند بانک صادرات و تجارت و ملت که چون مؤسسه عمومی غیردولتی هستند لذا شکایت از آنها بعد واگذاری قابل استناد نیست.^۳

۳- مبانی صلاحیت هیأت وزیران در حل اختلاف بین دستگاه‌های دولتی

حال که مقدمات لازم جهت مطالعه راهکارهای قانونی و عملی حل اختلاف بین دستگاه‌های دولتی بررسی شده در این مبحث به مبانی حقوقی و قانونی و مقتضیات اداری صلاحیت هیأت وزیران در حل و فصل اختلاف بین این دستگاه‌ها می‌پردازیم و سپس به بررسی اصول ۱۳۴ و ۱۳۸ ق.ا.ج.ا. و نظر تفسیری شورای نگهبان و نقد و بررسی آنها خواهیم

۱- منصور، جهانگیر، ۱۳۸۳، مجموعه قوانین و مقررات، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، بخش رویه قضایی دیوان عدالت اداری، ص ۵۹.

۲- همان، ص ۶۰.

۳- مولایی، غلامرضا، همان، ص ۳۰.

پرداخت.

۳-۱- مبانی حقوقی صلاحیت

بروز اختلاف بین دستگاه‌های دولتی امری شایع و اجتناب ناپذیر است. این قبیل اختلافات نوعاً معلول عوامل متعدد و متفاوت است. اصلی‌ترین علل بروز این اختلافات را می‌توان عدم جامع‌نگری در تدوین قوانین و مقررات، بزرگ شدن اندازه دولت قبل از آمادگی نهادهای مستقر در آن، وجود سازمان‌های موازی یا مشابه، کم رغبتی در استفاده از دستاوردهای حقوق عمومی، اشتغال گسترده عامدانه یا ناخواسته دولت به امور تصدی‌گری، بعضاً تعصبات بخشی به جای نگاه ملی، کمبود آموزش‌های لازم برای متصدیان امور اداری و مشکل کم توجهی به شایسته‌سالاری در مدیریت نیروی انسانی و نتیجتاً کم رغبتی به تعامل قانونمند و حرکت بر محور قانون دانست.^۱

در قانون مؤسس برخی از دستگاه‌های دولتی، مثل وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مستقل هیچ اشاره‌ای به شخصیت حقوقی مستقل برای دستگاه‌های مذکور، نشده است، از این روی، می‌توان گفت این دستگاه‌های دولتی، اعمال خود را به اعتبار شخصیت حقوقی دولت انجام می‌دهند. به سخن دیگر، همان‌طور که قوه مجریه بخشی از حاکمیت ملی را از شخصیت حقوقی یکپارچه کشور می‌گیرد، در داخل قوه مجریه نیز برای رعایت اصل تخصص و ارائه بهینه خدمات عمومی، اعمال حاکمیت از طریق شعب مختلف تخصصی - وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مستقل - اعمال می‌گردد، ولی اقدامات آنها به نام و به اعتبار شخصیت حقوقی دولت صورت می‌گیرد. در نتیجه، اگر در انجام وظایف و حدود اختیارات آنها اختلافی ایجاد شود، رسیدگی به آن اختلافات علی‌الاصول در مراجع دادگستری نباید قابل طرح باشد، چرا که دستگاه‌های گفته شده شخصیت حقوقی مستقلی ندارند و همگی ذیل شخصیت حقوقی دولت قرار دارند، بنابراین، شرط مقدماتی دعوا - که اختلاف بین دو یا بیش از دو شخص است - در مورد آنها محقق نیست.^۲

در این باره می‌توان گفت از یک سو دستگاه‌های دولتی (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) شخصیت حقوقی مستقل و متمایز از شخصیت حقوقی دولت ندارد بلکه به اعتبار شخصیت حقوقی دولت هستند. علاوه بر دکتترین، به نظر قانونگذار نیز برای این دستگاه‌ها شخصیت حقوقی مستقل نائل نشده است. از سوی دیگر سیستم اداری حاکم و آثار مترتب بر آن ایجاب

۱- کاشانی، جواد، چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های دولتی، پاییز ۱۳۸۹، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰، ص ۲۰۵.

۲- امامی، محمد و استوارسنگری، کورش، ۱۳۹۱، ضوابط دعوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ص ۵۱-۵۰.

می‌نماید که اختلاف بین دستگاه‌های مزبور بروز نماید. بعد از بروز اختلاف بین دستگاه‌های مذکور، لزوماً جهت رفع موانع از سر راه کارکرد صحیح دستگاه‌های طرف اختلاف و ایجاد امکان برای انجام وظایف دستگاه‌های مزبور، اختلاف بین دستگاه‌های ذکر شده باید حل و فصل شود. برای حل و فصل اختلافات از طریق مراجع عمومی، طرح‌کننده دعوا باید شخص حقوقی (مستقل) باشد، از آنجایی که دستگاه‌های دولتی شخصیت حقوقی مستقل و متمایز از شخصیت حقوقی دولت ندارند، لذا نمی‌توانند در مراجع عمومی علیه یکدیگر جهت رفع اختلافات حاصله، طرح دعوا نمایند. همچنین از آنجایی که شخصیت حقوقی دولت واحد و غیرقابل تفکیک است به همین جهت دستگاه‌های دولتی علیه یکدیگر نمی‌توانند اقامه دعوا نمایند زیرا یک شخص علیه خود نمی‌تواند در مراجع عمومی طرح دعوا نماید و این از بدیهیات است. در صورت شکایت یک دستگاه دولتی علیه دستگاه دولتی دیگر همین روند حاکم می‌شود و این معقول نیست. بنابراین ضرورت حل اختلاف بین دستگاه‌های دولتی و مسائل مطروحه بالا در این مورد باعث می‌شوند هیأت وزیران برای حل اختلاف بین دستگاه‌های مزبور به وضع تصویب نامه مبادرت بورزند.

۴- مرجع صالح رسیدگی به دعاوی اشخاص علیه دستگاه‌های اجرایی

هدف از تشکیل دیوان عدالت اداری، صیانت از حقوق مردم در مقابل اعمال دولت و تصمیمات و آراء قطعی دادگاه‌های اداری، هیأت‌های بازرسی و مانند آن، از حیث نقض قوانین و مقررات است. از حیث کمی و کیفی ساختار تشکیلاتی دیوان عدالت اداری بایستی متناسب با قانون دیوان طراحی شده و از ایجاد هرگونه تشکیلاتی که با قانون منطبق نبوده و با پست‌های سازمانی که با قانون همخوانی ندارد، پرهیز شود.^۱ مطابق ماده ۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. این دیوان متشکل از شعب بدوی، تجدیدنظر، هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی می‌باشد. تشکیلات قضایی اداری با تصویب رییس قوه قضاییه تعیین می‌شود که البته طبق تبصره این ماده، رییس دیوان عدالت اداری می‌تواند پیشنهادات خود را به رییس قوه قضاییه ارائه نماید. دیوان عدالت اداری متمرکز نبوده و شعبی از آن در مشهد می‌باشد.

تعداد شعب دیوان با تصویب رییس قوه قضاییه تعیین می‌شود. دیوان همانند سازمان بازرسی کل کشور، از سازمان‌هایی است که زیر نظر رئیس قوه قضاییه اداره می‌شود و همچنان که از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر می‌آید دیوان عدالت، یکی از مراجع خاص قضایی است که به نوع به خصوصی از تظلمات و شکایات، یعنی تظلمات و شکایات مردم نسبت به مقررات، مأموران و واحدهای دولتی رسیدگی می‌نماید و این

۱- دلاوری، محمدرضا، ۱۳۹۲، قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات آویشن شمال، ص ۳۰.

موضوع که دعوای مورد رسیدگی در دیوان، «فی نفسه واجد ماهیت قضائی» (مدنی و کیفری) نیستند، بلکه اختلافاتی هستند که از «ماهیت اداری» برخوردارند، موجبی برای شبهه در قضایی بودن نهاد دیوان عدالت نخواهد بود. [آراء وحدت رویه شماره ۸۵۱ مورخه ۸۷/۱۲/۱۱ و ۴۸۳ مورخه ۸۷/۷/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری] با وجود اینکه دیوان، نهادی متمرکز است، اما به موجب جزء (۲) بند (ز) ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹، و ماده ۶ قانون جدید تشکیلات و آیین دادرسی دیوان به منظور تسهیل در رسیدگی به پرونده‌ها و ارتقاء کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها، قوه قضائیه مکلف شده است تا از محل منابع و امکانات موجود نسبت به ایجاد دفاتر نمایندگی استانی دیوان عدالت اداری در محل دادگستری استانها یا دفاتر بازرسی کل کشور در هر یک از مراکز استانها اقدام کند. به موجب مقرر اخیرالذکر دفاتر مزبور، کارویژه‌های «راهنمایی و ارشاد مراجعان، پذیرش و ثبت دادخواست‌ها و درخواست‌های شاکیان، ابلاغ نسخه دوم شکایات یا آرای صادر شده از سوی دیوان در حوزه آن دفتر که از طریق نامبر یا پست الکترونیکی یا به هر طریق دیگری از دیوان دریافت کرده‌اند و انجام دستورات واحد اجرای احکام دیوان در حوزه مربوط به آن دفتر» را بر عهده دارند.

۴-۱- شعب بدوی

مطابق ماده ۲ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی و تجدیدنظر و هیأت عمومی و هیأت تخصصی است تشکیلات قضایی و اداری و تعداد شعب دیوان با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

هر شعبه بدوی با یک رئیس یا دادرس علی‌البدل و هر شعبه تجدیدنظر با یک رئیس و دو مستشار شعبه تشکیل می‌شود برای رسمیت جلسه رسیدگی در شعبه تجدیدنظر حضور دو عضو کافی است. در شعبه بدوی همزمان یک دادرس علی‌البدل و یک رئیس شعبه می‌توانند مشغول خدمت باشند و دادرس علی‌البدل نسبت به پرونده‌هایی که توسط رئیس شعبه بدوی ارجاع می‌گردد حق رسیدگی دارد و حکم ماده ۳ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. دلالات بر منع از وجود یک دادرس و یک رئیس شعبه در شعبه بدوی ندارد.

آیا در یک شعبه بدوی حضور همزمان دو دادرس علی‌البدل مجاز می‌باشد؟ در پاسخ به سوال فوق می‌توان گفت پون معنی برای حضور دو دادرس علی‌البدل در یک شعبه وجود ندارد حضور دو دادرس علی‌البدل در یک شعبه بدوی به منزله تشکیل جلسات شعبه با حضور قضات متعدد نیست بلکه هر یک از اعضای شعبه در رسیدگی خود مستقل بوده و نسبت به پرونده تحت نظر خود مستقلاً و منفرداً رسیدگی می‌نمایند بنابراین حضور دو دادرس در یک شعبه بلاشکال

می‌باشد.^۱

۴-۲- شعب تجدیدنظر

یکی از تحولات مهم در ساختار دیوان عدالت اداری، ایجاد شعب تجدیدنظر است که در قانون جدید پیش‌بینی شده است. شعب تجدیدنظر در قانون سال ۸۵ حذف شد و به طور مجدد در قانون سال ۹۲ پیش‌بینی شد. به نظر می‌رسد قانونگذار تجدیدنظرخواهی از کلیه دعاوی مطرح در دیوان را مد نظر داشته و بر این اساس اقدام به تعبیه شعب تجدیدنظر در دیوان نمود.^۲ مطابق ماده ۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲: «... هر شعبه تجدیدنظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود. شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت است. آراء شعب تجدیدنظر دیوان قطعی است.» شعب تجدیدنظر در واقع یک نوع نظارت بر آراء شعب بدوی دیوان اعمال می‌نماید که شرح این نظارت در مواد ۶۵ الی ۷۹ ق.ت.آ.د.ع.ا. بیان شده است.^۳

در شعب تجدیدنظر حضور دو عضو از سه عضو جهت رسیدگی کافی است و عنوان اعضای مذکور موثر در مقام نیست یعنی جلسه شعب تجدیدنظر با حضور یک رئیس و یک مستشار و یا دو مستشار رسمیت می‌یابد لیکن رسیدگی و اتخاذ تصمیم با یک عضو فاقد وجاهت قانونی است. اداره امور جاری و اداری شعبه و نظارت بر عوامل دفتری شعبه از تکالیف و اختیارات رئیس شعبه است در شعب بدوی در صورت عدم حضور رئیس شعبه و حضور دادرس علی‌البدل این امر بر عهده دادرس علی‌البدل است لیکن در شعب تجدیدنظر در صورتی که رئیس شعبه حاضر نباشد و جلسه شعب تجدیدنظر با حضور دو مستشار تشکیل گردد هر دو عضو مستشار تکلیف اداره کردن شعبه را دارند و با انجام وظایف اداری شعبه توسط احد از مستشاران شعبه تکلیف از دیگری ساقط می‌شود و هیچ یک از مستشاران نسبت به همدیگر در اداره امور شعبه و نظارت بر عوامل دفتری تقدم و ارجحیت ندارند.^۴

این موضوع هر چند در قانون به صراحت بیان نشده است لیکن از آنجا که هر دو مستشار شعبه تجدیدنظر از نظر سمت در یک سطح و در عرض هم قرار دارند ترجیح هر یک از آنها نسبت به دیگری ترجیح بالمرجح خواهد بود.

بهتر بود مقنن در خصوص شعب تجدیدنظر وجود دادرس علی‌البدل را در غیاب رئیس شعبه تجدیدنظر جهت اداره امور جاری شعبه منظور می‌کرد و همچنین حداکثر مهلتی را که یک

۱- مولایی، غلامرضا، همان، ص ۶.

۲- کوچکی میاب، غلامرضا، همان، ص ۴۵.

۳- دلاوری، محمدرضا، همان، ص ۳۳.

۴- مولایی، غلامرضا، همان، ص ۷.

شعبه تجدیدنظر می‌تواند بدون حضور رئیس شعبه اداره شود مقرر می‌کرد تا در صورت انقضای مهلت مذکور و عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر دادرسی علی‌البدل برای شعبه تعیین می‌شد تا تکلیف اداره امور جاری و اداری شعبه نیز مشخص می‌شد.

ملاک در صدور رأی در شعبه تجدیدنظر، نظر اکثریت اعضا می‌باشد چنانچه شعبه با سه عضو تشکیل شده باشد و دو عضو از سه عضو نظر واحدی داشته باشند نظر اکثریت حاصل شده و رأی بر اساس نظر دو عضو صادر می‌شود و نظریه اقلیت نیز در پرونده صورت جلسه می‌گردد لیکن چنانچه شعبه با دو عضو تشکیل شده باشد در صورت عدم وجود اتفاق نظر بین دو عضو موضوع جهت تعیین عضو سوم به نظر رئیس دیوان یا معاون وی گزارش می‌شود تا نسبت به تعیین یک عضو مستشار جهت اظهار نظر در خصوص موضوع اقدام شود و چنانچه مستشار سوم نیز نظر ثالثی مطرح نماید باز موضوع جهت تعیین عضو مستشار دیگر به نظر رئیس دیوان یا معاون وی گزارش می‌شود تا نظر اکثریت حاصل گردد و رأی صادر گردد.^۱

۴-۳- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

از بد تاسیس دیوان، علاوه بر شعب، رکنی به نام «هیأت عمومی» در تشکیلات دیوان پیش بینی شد که دو وظیفه عمده داشت: یکی صدور آرای وحدت رویه، هنگامی که در موارد مشابه آرای متناقض از شعب بدوی یا تجدیدنظر صادر می‌شد؛ و دیگری تصمیم‌گیری در خصوص ابطال تصویب نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که وفق تبصره ۲ ماده ۸۴ ق.ت.ا.د.ع.ا. چنانچه شکایت مبنی بر مخالفت با مقررات اسلامی بود، هیأت عمومی شکایت را به شورای نگهبان ارجاع و طبق نظر آن شورا حکم به ابطال می‌داد و چنانچه شکایت مبنی بر مخالفت با قوانین یا خروج از حدود اختیارات بود؛ در هیأت عمومی مطرح و اگر اکثریت اعضا آن را وارد تشخیص می‌دادند، حکم ابطال صادر می‌شد.^۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با شرکت حداقل دو سوم قضات دیوان به ریاست رئیس دیوان یا معاون قضایی وی تشکیل می‌شود و ملاک در صدور رأی نظر اکثریت اعضای حاضر است.

تعیین حد نصاب برای تشکیل هیأت عمومی و رسمیت جلسه هیأت عمومی با حضور دو سوم قضات دیوان با توجه به افزایش تعداد شعب و تعداد قضات دیوان عدالت در عمل تشکیل جلسه هیأت عمومی را با مشکل مواجه ساخته است زیرا در پاره‌ای از موارد به لحاظ عدم حضور دو سوم قضات دیوان در هیأت عمومی تشکیل جلسه هیأت عمومی با مشکل مواجه می‌شود و

۱- همان.

۲- آگاه، وحید، ۱۳۸۹، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی در رویه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (۱۳۸۸-۱۳۶۱)، چاپ اول، تهران، انتشارات زیتون چاپ بهارن، ص ۱۲.

همچنین حضور دو سوم قضات به لحاظ کثرت تعداد آنها تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه می‌سازد و لذا پیشنهاد می‌گردد که جهت رسیدگی به ابطال مصوبات هیأتی با ترکیب تعداد کمتری از قضات مجرب و با سابقه دیوان تشکیل گردد.^۱

به موجب ماده ۸ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. حضور قضات در جلسه هیأت عمومی ضروری و جز تکالیف قضات می‌باشد. عدم حضور بدون عذر موجه مجاز نمی‌باشد همچنین حضور دو سوم قضات دیوان موجب سقوط تکلیف حضور در هیأت عمومی نمی‌گردد زیرا حد نصاب دو سوم قضات دیوان حداقل نصاب لازم است و تک تک قضات دیوان عدالت اداری تکلیف به حضور در جلسه هیأت عمومی را دارند.

ملاک در صدور رأی هیأت عمومی نظر اکثریت هیأت عمومی است که منظور از اکثریت هیأت عمومی اکثریت حاضرین در هیأت عمومی که در خصوص موضوع اظهار نظر کرده و رأی داده‌اند می‌باشد آن تعداد از حاضرین در جلسه هیأت عمومی که به هر دلیل از دادن رأی خودداری کرده‌اند نفیاً یا اثباتاً نباید در صدور رأی منظور شوند ولی در عمل بنا به رویه دیوان عدالت اداری برای ابطال مصوبات نظر اکثریت مطلق حاضرین در جلسه هیأت عمومی که به ابطال رأی داده‌اند ملاک عمل است که به نظر می‌رسد رویه مذکور با توجه به اینکه کسانی که به هر دلیل اعلام رأی نکرده‌اند جز کسانی که رأی به عدم ابطال داده‌اند محاسبه و منظور می‌شوند با ماده ۸ سازگاری نداشته باشد بلکه در اجرای ماده ۸ باید ملاک برای صدور رأی نظر اکثریت کسانی که نسبت به ابطال یا عدم ابطال رأی داده‌اند منظور شود. این موضوع از عبارت «ملاک در صدور رأی نظر اکثریت اعضای حاضر است» قابل استنباط است.

در تشخیص تعارض نیز رویه عملی این است که نظر اکثریت مطلق بر وجود تعارض ملاک صدور رأی مبنی بر تحقق تعارض است ولی در تشخیص رأی صحیح به رد یا ورود اکثریت نسبی کفایت می‌کند که این تفکیک در تعیین ملاک رأی‌گیری با توجه به حکم واحد ماده ۸ ق.ت.آ.د.د.ع.ا. که به صورت مطلق نظر اکثریت را ملاک صدور رأی هیأت عمومی تعیین کرده است با این اشکال مواجه است که مبنای تفکیک ملاک صدور رأی با اکثریت مطلق در خصوص ابطال مصوبه و وجود تعارض و با اکثریت نسبی در خصوص اعلام رأی صحیح چیست؟ و چگونه از یک حکم واحد دو استنباط مختلف را می‌توان توجیه کرد؟ در مقابل نظریه فوق طرفداران رویه عملی فوق استدلال می‌کنند که در خصوص ابطال مصوبات و احراز تعارض اصلی اولی بر عدم ابطال و اصل بر صحت مصوبات است و لذا کسانی که معتقد به ابطال مصوبات هستند باید دلیل مقنن بر ابطال مصوبات ارائه نمایند و چون با رأی اکثریت نسبی به

۱- مولایی، غلامرضا، همان، ص ۱۰.

بطلان مصوبه، تردید در ابطال مصوبه یا عدم ابطال آن وجود دارد لذا اصل اولی که عدم ابطال مصوبه است جریان پیدا می‌کند و با اکثریت مطلق تردید در خصوص عدم ابطال مصوبه به یقین تبدیل می‌شود بنابراین با رأی اکثریت مطلق می‌توان مصوبه را ابطال کرد و همچنین در خصوص تشخیص تعارض اصل اولی عدم تعارض است و صرفاً با رأی اکثریت مطلق می‌توان نسبت به احراز تعارض یقین حاصل کرد ولی در رأی به رد یا ورود چون اصل اولی وجود ندارد بنابراین با تحقق اکثریت نسبی رأی صحیح، مشخص می‌گردد. در پیش‌نویس آئین‌نامه اجرایی هیأت عمومی نیز با توجه به استدلال اخیر رویه عملی فعلی پیش‌بینی شده است که ملاک در ابطال مصوبات و احراز تعارض اکثریت مطلق و در تشخیص رأی صحیح اکثریت نسبی اعضای حاضر است.

نکته دیگری که راجع به نحوه صدور رأی در هیأت عمومی مطرح است این است که آیا افراد حاضر در جلسه هیأت عمومی مخیر به رأی دادن هستند یا تکلیف به اظهار نظر و دادن رأی دارند؟ از آنجا که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به شکایت از مصوبات به عنوان یک مرجع قضایی اقدام می‌کند و در مقام احقاق حق می‌باشد لذا قضات حاضر در جلسه تکلیف به رسیدگی و احقاق حق و صدور رأی دارند و حکم مقرر در اصل ۱۶۷ ق.ا.ج.ا. و ماده ۳ ق.آ.د.م. که استتکاف از صدور رأی و احقاق حق را برای قضات ممنوع اعلام کرده است شامل قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز می‌باشد و عدم صدور رأی علیرغم حضور در جلسه هیأت عمومی موجه به نظر نمی‌رسد و وجود رأی ممتنع در هیأت عمومی با تکلیف قاضی نسبت به احقاق حق و رسیدگی به شکایت منطبق نیست.^۱

۱- مولایی، غلامرضا، همان، ص ۱۱.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این تحقیق مطرح گردید می‌توان نتایج زیر را به طور خلاصه بیان داشت:

۱- گاهی اختلاف و دعوا بین دستگاه دولتی و اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی خصوصی نیست بلکه اختلاف بین دو دستگاه و سازمان دولتی است که این اختلافات بین دستگاه‌های اجرایی می‌تواند از جمله موانع انجام مسئولیت‌ها به نحو احسن باشد. رفع اختلاف بین دستگاه‌های دولتی نیز از طریق مذاکره و استفاده از ظرفیت‌های قانونی در اختیار قوه مجریه و عدم ارجاع چنین اختلافاتی به قوه قضاییه از جهات مختلف برای مسئولان قوه مجریه مطلوبیت داشته، مورد علاقه مقامات قضایی نیز می‌باشد. از ۳۰ سال پیش تاکنون تلاش‌های وثیقی انجام شده است تا هدف گفته شده محقق شود ولی نقص ساز و کارهای در نظر گرفته شده و مخالفت‌های ابراز شده از سوی مراجع قضایی و شورای نگهبان، قوه مجریه را در رسیدن به اهداف خود در این زمینه ناکام گذاشته است. در سال ۱۳۸۶، دولت با تدبیری جدید از یک سو کلیه دستگاه‌های دولتی را از پرداخت هرگونه هزینه‌ای بابت دادرسی ممنوع کرد و از سوی دیگر، با استقرار تشکیلات نسبتاً مناسب و تنظیم مقررات کاملتر گامی بلند به سوی هدف گفته شده برداشت. به نظر می‌رسد کارهای انجام شده و مساعدت قوه قضاییه در دلالت دستگاه‌های دولتی، به رفع اختلافات خود از طریق ساز و کارهای داخلی قوه مجریه، بازدارندگی کافی را برای پیشگیری از طرح این قبیل اختلافات در دادگاهها فراهم نموده است. اگرچه نمی‌توان مدعی بود که بدون تصویب قانون خاص و جامعی از طرح چنین دعاوی به طور مطلق در مراجع قضایی جلوگیری خواهد شد. بی تردید، در صورت توفیق دولت در اجرای شایسته مقررات گفته شده، هم در هزینه‌های دولت صرفه جویی می‌شود و هم اختلافات سریعتر رسیدگی و رفع می‌گردد و همچنین باعث ترویج فرهنگ رفع اختلاف از طرق غیرقضایی خواهد شد.

۲- در دکتترین حقوقی دو نظر راجع به شخصیت خواهان در دیوان عدالت اداری وجود دارد که یکی قائل به عدم صلاحیت دیوان نسبت شکایات مطرح شده از سوی اشخاص دولتی است اما نظر دیگر شخصیت خواهان را تأثیرگذار در پذیرش دعوا در دیوان نمی‌داند. از منظر رویه قضایی نیز آنگونه که از آراء بر می‌آید شخصیت خواهان در شعب، متفاوت از هیأت عمومی دانسته شده است که این خود نشان از عدم تأثیر شخصیت خواهان در اداری بودن دعوا در حوزه صلاحیت هیأت عمومی است. در واقع رویه قضایی به استناد واژه هر کس در اصل ۱۷۰ قانون اساسی امکان طرح شکایت را از سوی هر کس نسبت به تصمیمات عام‌الشمول پذیرفته است، اما در رابطه با صلاحیت شعب به استناد واژه مردم در اصل ۱۷۳ همان قانون، شکایت واحدهای دولتی را نمی‌پذیرد. به این ترتیب می‌توان گفت که رویه قضایی به عبارات اصول و مواد قانونی

توجه ویژه ای داشته و بر همین اساس، دو رویه متفاوت را در صلاحیت شعب و هیأت عمومی به وجود آورده است. رویکرد پذیرفته شده در حوزه صلاحیت شعب، متمایل به رویکرد صلاحیت خاص یعنی اختصاص جایگاه خواهان به مردم است، اما رویکرد پذیرفته شده در حوزه صلاحیت هیأت عمومی، متمایل به رویکرد قائل به صلاحیت عام، یعنی عدم تأثیرگذاری شخصیت خواهان در پذیرش دعوا است. از منظر رویکرد مطلوب در تبیین شخصیت خواهان در دیوان باید بین حوزه صلاحیت عام و خاص دیوان تفاوت قائل شد. در حوزه صلاحیت عام یعنی دعاوی اداری بنا به دلایلی که عنوان شد شخصیت خواهان تأثیری در اداری بودن دعوا و در نتیجه در پذیرش دعوا ندارد و نباید به عنوان ضابطه لحاظ شود. در مقابل، در حوزه صلاحیت خاص، یعنی رسیدگی به دعاوی حقوقی به تبع دعاوی اداری، محدود بودن شخصیت خواهان به اشخاص خصوصی را با توجه به خاص بودن صلاحیت دیوان، باید به عنوان یک ضابطه در نظر گرفته شود.

بر این اساس بر رویکردهای عنوان شده این ایراد وارد است که به طور مطلق راجع به شخصیت خواهان نظر داده اند در صورتی که باید به این نکته توجه داشت که دیوان در دعاوی اداری دارای صلاحیت عام و در دعاوی حقوقی که بنا به نص قانون به آن واگذار شده دارای صلاحیت خاص است و در این دو حوزه شخصیت خواهان متفاوت است.

بر رویه قضایی نیز این ایراد وارد است که برای تبیین شخصیت خواهان به جای تفکیک میان حوزه صلاحیت عام و خاص دیوان میان حوزه صلاحیت شعب و هیأت عمومی تفاوت قائل شده است در صورتی که اکثر دعاوی ای که در شعب مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، در حوزه صلاحیت عام دیوان قرار دارد و در این حوزه نباید شخصیت خواهان تأثیرگذار در پذیرش دعوا باشد. رسیدگی به آراء مراجع شبه قضایی، رسیدگی به قانونیت تصمیمات و اقدامات موردی و شکایات استخدامی همگی در حوزه صلاحیت عام دیوان است که رسیدگی به آنها به شعب دیوان واگذار شده است. در این دعاوی مخاطبین تصمیم اداری یا آراء مراجع شبه قضایی، فارغ از خصوصی یا دولتی بودن باید حق شکایت نسبت به تصمیم یا رأی را داشته باشند. چنین برداشتی از اطلاق عبارت اشخاص حقیقی و حقوقی در بند ۱ ماده ۱۰ و عدم اشاره به شخصیت خواهان در بند ۲ این ماده، قابل استنباط است و دیوان عدالت اداری همان طور که در رسیدگی به دعاوی قانونیت و شرعیت تصمیمات عام الشمول، خصوصی بودن شخصیت خواهان را به عنوان یک ضابطه مد نظر نداشته است، در دیگر دعاوی ای که در حوزه صلاحیت عام دیوان قرار دارد نیز باید به همین شکل برخورد می‌نموده است؛ اما متأسفانه، رویه قضایی بدون توجه به عام یا خاص بودن صلاحیت دیوان در دعاوی مطروحه با تفکیک صلاحیت شعب و هیأت عمومی، رویه متفاوتی را در هر یک از این دو حوزه در پیش گرفته است. و علاوه بر این در حوزه صلاحیت

شعب برای تشخیص دولتی بودن صرفاً بر معیارهای شکلی تکیه کرده است در صورتی که اگر به پیروی از رأی وحدت رویه ۱۵۵ به شأن و جایگاه طرف دولتی توجه می‌کرد از اثرات سوء چنین رویکردی که منجر به محدود شده حوزه صلاحیت دیوان شده است کاسته می‌شد.

۳- درباره شخصیت خوانده در دیوان عدالت اداری دو رویکرد وجود دارد؛ اختلاف این دو رویکرد در اصل به تفسیر لفظ دولت در اصل 137 برمی‌گردد. یک رویکرد لفظ دولت را مضیق تفسیر می‌کند و صلاحیت دیوان را منحصر به قوه مجریه می‌داند، اما رویکرد دیگر با در نظر گرفتن مفهومی موسع از دولت صلاحیت دیوان را فراتر از قوه مجریه و شامل تمامی نهادهای اداری و اجرایی می‌داند.

در این پژوهش در قسمت تبیین رویکرد دوم که می‌توان آن را رویکرد مطلوب دانست، به نحو مفصلی در زمینه مفهوم دولت بحث شد و ماحصل بحث اینکه: نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر اعمال دولت، از منظر حقوق اداری مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین، مفهوم دولت و اعمال دولتی در زمینه دیوان نیز باید از منظر حقوق اداری شناسایی شود. دولت در حقوق اداری معنا و گستره متفاوتی دارد و اداره نامیده می‌شود و اداره، سازمان یا تشکیلاتی است که با استفاده از حقوق و امتیازهای ویژه به حفظ نظم عمومی و انجام خدمت عمومی می‌پردازد.

بنابراین از منظر حقوق اداری دولت به هر نهاد دارای قدرت که متصدی امر عمومی است، قابل اطلاق است. در این رشته از حقوق، این دست نهادها سازمان اداری نامیده می‌شوند. اگرچه مصادیق سازمانهای اداری در قوه مجریه بیشتر است، به قوه مجریه محدود نمی‌شود، بلکه نهادهای اداری دیگر قوا و همچنین نهادهای غیرمتمرکز، نظامهای حرفه‌ای و نهادهای عمومی غیردولتی زمانی که عمل اداری انجام می‌دهند، یک سازمان اداری محسوب می‌شوند. در وضعیت ایده‌آل، نه تنها تصمیمات و اقدامات قوه مجریه یا فراتر از آن واحدهای متمرکز دولتی، بلکه تصمیمات و اقدامات تمامی اشخاص حقوق عمومی مانند نهادهای اداری دیگر قوا، مؤسسات عمومی غیردولتی و سازمانهای حرفه‌ای، بنا به برخورداری از عنصر اقتدار و امتیازهای ویژه، باید تحت کنترل قضایی دادرسی اداری باشد.

دیوان عدالت اداری مرجع عام دادرسی اداری در نظام حقوقی ایران است، از اینرو شایسته است در راستای صیانت از حاکمیت قانون و نظارت پذیری سایر نهادهای دارای قدرت، امکان نظارت بر تمامی سازمانهای اداری کشور توسط این نهاد در قانون پیش‌بینی شود.

بررسی قوانین نشان می‌دهد هر چند مواد مربوط، شفافیت لازم و مورد انتظار را در زمینه صلاحیت دیوان ندارند، قابلیت و ظرفیت چنین تفسیری را که جایگاه خوانده در این مرجع شامل تمامی سازمانهای اداری است دارند؛ به خصوص اگر صلاحیت عام دیوان در دعوی

اداری پذیرفته شود.

با وجود این ظرفیت قانونی، رویه قضایی هر چند خوانندگان دیوان را به نهادهای قوه مجریه محدود نمی‌داند، با این رویکرد که صلاحیت دیوان شامل تمامی نهادهای دارای قدرت عمومی و اختیارت ویژه است نیز فاصله دارد.

پیشنهادها

متأسفانه با وجود تحولات مثبت و کارآمدی که در آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها به چشم می‌خورد نقاط ضعفی نیز وجود دارد که گفتمان علمی - انتقادی صاحب‌نظران و حقوقدانان از یکسو و اولیای امور در دستگاه اجرایی به‌ویژه دادرسان محترم دیوان عدالت اداری از سوی دیگر را می‌طلبد. همچنان که تطبیق شأن و جایگاه دیوان و تحولات آن با آنچه که در کشورهای خاستگاه این مرجع خطیر، جریان دارد می‌تواند ما را در تعدیل نقاط ضعف یاد شده، یاری دهد. به نظر می‌رسد مهمترین نقطه ضعف قانون جدید، عدم تدقیق جایگاه خواهان و همچنین خواننده و نگرش انقباضی مفراط به حوزه صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری بدون توجه به بایسته‌ها و لوازم اجرای اصل حاکمیت قانون و شرع در نظام حقوقی ایران (در سطح قواعد حقوقی درجه سوم یعنی آیین‌نامه و تصویب‌نامه‌ها و...)، مفهوم عمل اداری و نیز نقش منحصر به فرد دیوان در تأمین آرمان‌های قانون اساسی در این خصوص، می‌باشد.

پیشنهاد نگارنده در خصوص جایگاه هیأت وزیران آن است که برای رسیدگی به اختلافات دستگاه‌های اجرایی موسسات عمومی دولتی شایسته است یک قانون مدون و جامعی از حیث ماهوی و شکلی تنظیم شود.

پیشنهاد می‌گردد رسیدگی به شکایات موسسات عمومی غیردولتی در شعب بدوی و تجدیدنظر علیه مأمورین واحدهای دولتی نیز در به عنوان جایگاه خواهان در دیوان عدالت اداری پیش بینی گردد و به شکایات علیه مراجع خصوصی همچون بانک‌های خصوصی و دانشگاه آزاد که از سرمایه‌های عمومی تشکیل می‌شوند نیز رسیدگی شود.

فهرست منابع

- ۱- آگاه، وحید، ۱۳۸۹، حقوق بنیادین و اصول حقوق عمومی در رویه هیات عمومی دیوان عدالت اداری (۱۳۸۸-۱۳۶۱)، چاپ اول، تهران، انتشارات زیتون چاپ بهاران.
- ۲- امامی، محمد و استوارسنگری، کورش، ۱۳۹۱، ضوابط دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- ۳- امامی، محمد و سلیمانی، مهستی، بهار ۱۳۹۳، شخصیت خواهان در دیوان عدالت اداری، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره اول.
- ۴- پاهکیده، امین، ۱۳۹۲، تشریفات ویژه رسیدگی به دعاوی دولت در آیین دادرسی مدنی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ۵- دلاوری، محمدرضا، ۱۳۷۷، اندیشه قضایی، چاپ اول، قم، انتشارات نگین.
- ۶- دلاوری، محمدرضا، ۱۳۹۲، قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در نظم حقوقی کنونی، چاپ اول، تهران، انتشارات آویشن شمال.
- ۷- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، ۱۳۸۹، دوره بنیادین، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات دراک.
- ۸- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، ۱۳۸۱، بایسته های حقوق اساسی، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
- ۹- کاشانی، جواد، چگونگی رفع اختلاف بین دستگاههای دولتی، پاییز ۱۳۸۹، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳۰.
- ۱۰- کوچکی میاب، غلامرضا، دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۵، چاپ اول، تهران، انتشارات نگاه بینه.
- ۱۱- منصور، جهانگیر، ۱۳۸۳، مجموعه قوانین و مقررات، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، بخش رویه قضایی دیوان عدالت اداری.
- ۱۲- موسی زاده، رضا، حقوق اداری، ۱۳۸۷، چاپ دهم، تهران، نشر میزان.
- ۱۳- مولاییگی، غلامرضا، ۱۳۹۳، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل (جاودانه).
- ۱۴- میرداماد نجف آبادی، سیدعلی، ۱۳۹۰، صلاحیت و حدود اختیارات دیوان عدالت اداری، معرفت حقوقی، سال اول، شماره اول.
- ۱۵- نصرتی، زینب، ۱۳۸۸، چگونگی رسیدگی به دعاوی نهادهای دولتی علیه یکدیگر، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی.
- ۱۶- هاشمی، سید محمد، ۱۳۸۱، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران - حاکمیت و نهادهای سیاسی، ج ۲، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
- ۱۷- هدایت نیا، فرج الله، ۱۳۸۲، جایگاه دیوان عدالت اداری در رسیدگی به شکایات مردم از دستگاه های دولتی، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۱۹، تیرماه.

رویکرد اخلاقی انسانی به دکترین ساختار حمایت مالکیت فکری از اختراعات نانو در سازمان جهانی تجارت

رضا سعودی^۱

سید قاسم زمانی^۲

ابومحمد عسگرخانی^۳

چکیده

سازمان جهانی تجارت به عنوان یک نهاد تنظیم گر اقدام به یکنواخت سازی برخی اصول حاکم بر حمایت از مالکیت های فکری کرده است هر چند نقش حل و فصل اختلافات توسط این سازمان نیز قابل توجه می باشد ولی باید گفت بخشی از اقدامات سازمان جهانی تجارت در برگیرنده اصولی است که مبنای حمایت از اموال فکری به شمار می رود. از آنجایی که فناوری نانو از جمله تکنولوژی هایی است که نیازمند حمایت جدی مالکیت فکری از اختراعات آن دارد به نظر ضروری می رسد چهارچوب حمایت از این فناوری به خوبی تشریح شود از طرف دیگر باید به این مساله اشاره کرد چهارچوب های مشخص شده در تریپس بعضا با وضعیت های موجود تطبیق ندارند و به نظر می رسد برخی ویژگی های فناوری نانو به خوبی در نظر گرفته نشده است. از این رو پیشنهاد می شود که جهت حمایت از فناوری نانو در چهارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت باید دکترین مخصوص به فناوری نانو در نظر گرفته شود زیرا ویژگی های موجود در فناوری نانو باعث شده است که برخی شرایط حمایت از این فناوری متفاوت با دیگر اختراعات تکنولوژی باشد. در این مقاله سعی شده است به جایگاه سازمان جهانی تجارت به عنوان یک نهاد تنظیم گر در ارتباط با اموال فکری بالاخص فناوری نانو پرداخته شود و در نهایت چهارچوب مدنظر از دکترین حمایت از فناوری نانو با توجه به مبنای سازمان جهانی تجارت ارائه گردد.

واژگان کلیدی

رویکرد اخلاقی، فناوری نانو، اختراع، سازمان جهانی تجارت، حمایت، تنظیم گر.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات متحده عربی.

Email: hard_sky_1351@yahoo.com

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

طرح مسأله

حمایت از فناوری نانو در سطح حقوق مالکیت فکری و چهارچوب های این رشته از حقوق صرفاً به دلیل حمایت از حقوق صاحبان ابداع کننده آن نمی باشد بلکه در این حوزه عوامل مختلف بسیار تعیین کننده وجود دارد که موجب می شود حمایت از تکنولوژی به عنوان یک هدف مطرح گردد. همچنان که در چند دهه اخیر مشاهده گردیده است سه گرایش عمده در سطح اقتصاد بین المللی قابل مشاهده می باشد نخست دانش فن آوری عامل مهم و تعیین کننده ای در ثروت و قدرت بوده که موفقیت های اقتصادی، نفوذ سیاسی به مراتب بیشتر از منابع طبیعی به توانایی رو به رشد فن آوری نیازمند است. ثانیاً سرعت تغییر فن آوری نیز مداوم در حال افزایش است. هرچند ماشین ها و به ویژه رایانه ها عمر طولانی دارند اما از نظر اقتصادی عمر کوتاهی دارند چرا که می بایست جای خود را به محصولات قوی تر و مفیدتری بدهند و نهایتاً اینکه دانش و فناوری قلمرو خود را به سرعت گسترش می دهد به طوری که انقلاب رایانه ها و ارتباطات این امکان را به وجود آورده است تا اطلاعات و عقاید به صورتی پویا در تجارت و در میان کشورها در سرتاسر جهان به کمک دیتاها در حرکت باشد.^۱ در میان فناوری مهم در عرصه تکنولوژی، نانو از جمله حوزه های مهم است که با ورود آن به عرصه جهانی، تحولات بسیاری را ایجاد کرده است که اهمیت آن ها به قدری است که فعالان عرصه حقوقی را به این اندیشه واداشت که جهت حمایت از حقوق صاحبان این حق از مالکیت فکری مدد بگیرند از این رو ساختارهای مختلفی جهت حمایت از اختراعات این حوزه مطرح شده است که از جمله این موارد را می توان موافقت نامه تریپس عنوان کرد. با این حال بررسی های صورت گرفته حکایت از آن دارد که این نظام نمی تواند به طور کامل در بردارنده ویژگی های حمایتی نسبت به حقوق صاحبان این نوع فناوری باشد.

۱- تاثیر سازمان تجارت جهانی در یکسان سازی تئوری های مختلف حقوقی

تجارت همواره یکی از منابع مهم و الهام بخش حقوق بین الملل بوده و عمده معاهدات بین المللی دو جانبه و چند جانبه منعقد شده میان دولت ها را موضوعات مرتبط با تجارت تشکیل داده است. سازمان جهانی تجارت نیز یکی از مهمترین پایه های حقوق بین الملل امروز به شمار می آید که بر اساس موافقتنامه چند جانبه مراکش ۱۹۹۴ تاسیس شده است.^۲ سازمان جهانی تجارت مجموعه ای از قواعد حقوقی است که یک نظام حقوقی را ایجاد کرده و حاکم بر جامعه

۱. ساعی، احمد؛ گیاه شناس، جواد، بررسی تاثیر حقوق مالکیت فکری بر روابط شمال - جنوب، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳.

2. Carmody, Choisis, a theory of WTO law, JIEL, vol. 11, 2008, p 527.

دولت های عضو است. در واقع سازمان مزبور با تاسیس خود، نظام حقوقی منحصر به فردی را به وجود آورد. نظم حقوقی که در درون نظام حقوقی بین المللی متولد شده و به حیات خود ادامه می دهد. به عبارت بهتر، روابط بین الملل به نحو روزافزونی تحت تاثیر عوامل اقتصادی قرار گرفته و از این رو سازمان جهانی تجارت نیز از گذشته خود فاصله گرفته و از رهیافت های دیپلماتیکی مبتنی بر قدرت در روابط تجاری به سوی شیوه های مبتنی بر قواعد حقوقی و حل و فصل بی طرفانه اختلافات رهسپار شده است.^۱ هر چند ویژگی های خاص سازمان جهانی تجارت منحصر به قواعد حل و فصل اختلافات نیست بلکه این نهاد در تلاش است با ارائه مدل هایی در حوزه های مختلف اقتصادی به نوعی قواعد عرفی و قواعد مبنایی را در چهارچوب اصول حقوقی تشریح و بسط دهد. کشورهای درگیر در تجارت نیز بر خود لازم می دانند که از اصول این نهاد پیروی کنند زیرا تجارت در بستر بین المللی نیازمند جدی توجه به اصول حاکم بر این نهاد می باشد. ویژگی نظم حقوقی موجود در سازمان جهانی تجارت که موجب نظم حقوقی یکپارچه و متمایزی شده، در سه موضوع قابل مشاهده است. نخست، سازمان مجموعه ای است از قواعد حقوقی. این مجموعه قواعد مشتمل بر بیش از ۵۰۰ صفحه متن پیرامون موضوعات داخل در صلاحیت سازمانی می باشد. قواعد مزبور در کنار تجربه ۵۰ ساله گات قرار دارد که دستاوردهای خود را در اختیار سازمان گذارده است.^۲ گرچه اصول حاکم بر سازمان همچنان بر محور مذاکره میان طرفین از طریق دیپلماتیک استوار است، موضوعی که یادگار دوران گات می باشد، اما در حال حاضر سازمان بر پایه اصول و قواعدی مبتنا یافته که غلبه صبغه حقوقی آن را بر وجهه سیاسی اش عیان می سازد.

بنابراین بر خلاف گات که در آن سیستم صرف اعتراض یک عضو، موجبات عدم تصویب آراء و توصیه های هیئت های رسیدگی را فراهم می آورد اما در نظام جدید، نهاد حل و فصل اختلاف برای عدم تصویب گزارش هیئت های رسیدگی و نهاد استینافی، باید به طور اجماع تصمیم به رد آن بگیرد و این موضوعی است که رسیدن به آن در نهاد مذکور غیرمحمتمل می نماید.

دوم اینکه قواعد حقوقی موجود در سازمان یک نظام یکپارچه را تشکیل می دهند. در واقع، موافقتنامه های سازمان حول یک تعهد واحد گرد آمده اند و موجودیتی را به وجود می آورند که می توان آن را موجودیتی واحد خطاب کرد.^۳ در این راستا بند دوم از ماده ۲ موافقتنامه تاسیس

1. Cameron, James and Kevin, R. Gray, principles of international law in the WTO dispute settlement body, ICLQ, vol. 50, 2001, p 248.

2. Lamy, Pascal, the place of the WTO and its law in international legal order, European journal of international law, vol. 70, 2006, p 972.

3. Ibid.

سازمان اشعار می‌دارد که موافقتنامه‌ها و اسناد پیوست آن جزء لاینفک موافقتنامه تاسیس به شمار می‌آیند.

این امر بر خلاف ساز و کارهای پراکنده حل و فصل اختلافات گات سابق است که دولت‌های متعهد به آن می‌توانستند با انتخاب آزادانه محاکم حل اختلاف که در چارچوب آن به اجرا در می‌آمد، موجب تضعیف عملکرد سیستم حل و فصل گات گردند. در حالی که ساز و کار حاضر، نظامی منسجم و یکپارچه است که بر کلیه موافقتنامه‌های تحت شمول سازمان جهانی تجارت اعمال می‌گردد. در واقع، ویژگی یکپارچگی به همراه یکسان بودن قواعد و مقررات رسیدگی و تلقی کلیه موافقتنامه‌های سازمان به عنوان یک تعهد واحد بیشتر موجب بارزتر شدن نهاد مزبور شده است.^۱

سوم، حقوق سازمان جهانی تجارت بر یک جامعه یعنی دولت‌های عضو خود حاکم است. نهاد استیناف در قضیه Japan-Taxes on Alcoholic Beverages به سال ۱۹۹۶ در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «موافقتنامه سازمان یک معاهده است که هم سنگ با یک قرارداد در عرصه بین‌المللی است. بدیهی است که دولت‌های عضو در جهت اعمال حاکمیت خود و در پی کسب منافع ملی خویش، به توافقی دست یافته‌اند. در تبادل این منافع، دولت‌های عضو انتظار کسب سود را دارند و بر این موضوع توافق کرده‌اند که منطبق با تعهداتی که در قالب موافقتنامه‌های سازمان بر عهده گرفته‌اند، حاکمیت خود را اعمال نمایند.»^۲

بر همین اساس، قواعد سازمان به نحوی موثر بر این جامعه حاکم است زیرا کوتاهی و قصور در انجام تعهدات مزبور در چارچوب نهاد حل و فصل اختلافات قابل پیگیری است و این نشان دهنده ایجاد یک نظم حقوقی نوین است.^۳ این نظم نوین رسالت خود را در تنظیم مقررات مختلف در حوزه‌ای خاص می‌باشد از این رو مالکیت فکری و بالاخص مالکیت صنعتی که نیازمند توجه جدی کشورهای مختلف است و حمایت از مالکیت فکری تبدیل به پدیده جهانی شده است، از این رو ساختار سازمان جهانی تجارت به خوبی می‌تواند این نظم را در سطح جهان نسبت به اموال فکری برقرار کند. پس می‌توان گفت مالکیت فکری که در حال بسط و گسترش به مرزهای فراملی است نیازمند حمایت نهادهایی است که اصل اول را بر جهانی شدن این حمایت گذاشته‌اند. لذا می‌توان گفت فناوری نانو نیز از جمله مصادیقی است که اختراعات این حوزه نیازمند توجه جدی دکتربین مالکیت فکری می‌باشد از این رو تحلیل ساختار دکتربین

۱. فورگو، اریک کانال، حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، ترجمه بهزاد ساعدی بناب، انتشارات مجد، ۱۳۸۷، ص ۱۹.

2 . Japan-Taxes on Alcoholic Beverages, WT/DS8/AB/R, adopted 1 November 1996, p 14.

3 . Lamy, Pascal, op.cit, p

مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت می تواند به چهارچوب اختصاصی حمایت از اختراعات فناوری نانو کمک فراوانی کند.

۲- تطور دکترین های حقوقی در سازمان تجارت جهانی

برخی حقوقدانان نیز بر این اعتقادند که جاذبه های سازمان و دنیای نهان نظارت سازمان جهانی تجارت صرفاً در سیستم حل و فصل اختلافات و مذاکرات تجار بلند پایه آن خلاصه نمی شود، بلکه باید به ارگان های سازمان نیز از جمله کمیته های سازمان که تعداد آنها به بیش از ۳۵ کمیته بالغ می شود، همین طور طرف های کاری و نهادهای بررسی کننده در سازمان که این دسته از موضوعات، از اهمیت بسزایی در درک بهتر حل و فصل اختلافات و جریان مذاکرات دارد و تصویری از سازمان ارایه می کند که نسبت به دو جاذبه مذکور سازمان، از پویایی، انعطاف و هماهنگی بیشتری برخوردار هستند. در این زمینه می توان به شورای خدمات اشاره داشت که مطابق بند پنجم از ماده ۴ موافقتنامه تاسیس سازمان ایجاد شد که بر کارکردهای موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات (گاتس) نظارت می کند. این شورا می تواند ارکان فرعی خود را به همراه آیین کاری مربوط به آنها به تصویب برساند. عضویت در این شورا نیز برای همه اعضا آزاد می باشد.^۱

این در حالی است که موافقتنامه آزادسازی خدمات به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه به شمار می آید. زیرا تا پیش از آن، آزادسازی خدمات بر مبنای دو جانبه استوار بود و جامعه اروپا و نفتا نیز مثالهایی در این خصوص به حساب می آمدند. به ثمر نشستن مذاکرات دور اروگوئه موافقتنامه چند جانبه جامعی در مورد تجارت خدمات ایجاد شد. آزادسازی خدمات باعث شده است که نظام های ملی با چالش هایی از جمله تعارض قوانین در حل و فصل اختلافات مواجه شوند از این رو سازمان جهانی تجارت به عنوان یک نهاد تنظیم گر سعی کرده است این چالش ها را ارزیابی و در جهت حل آن اقدام کند.^۲

همچنین نهادهای موثر دیگری مانند شورای تجارت کالا و شورای جنبه های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری نیز وجود دارد که مانند شورای خدمات از ارکان و کمیته های فرعی مختلف برخوردار بوده و به جنبه های تحت نظارت خود می پردازند. با توجه به ویژگی های خاص موجود در سازمان جهانی تجارت، برخی بر این اعتقادند که سازمان می تواند منبع مهم الهام بخشی در عرصه گرایش به حمایت از اموال فکری بالاخص اموال صنعتی در حقوق

1. Lang, Andrew, Scott, Joanne, the hidden world of WTO governance, EJIL, vol. 20, 2009, p 576.

2. Matsushita, Matsuo, Thomas, J.m Schoenbaum and Petros C., Mavroidis, the world trade organization: law, practice and policy, Oxford university press, 2006, p 604.

3. ibid.

بین الملل باشد.^۱ زیرا باور به اصالت حمایت از مالکیت فکری در حقوق بین الملل نه تنها فراتر از صرف همکاری میان دولتهاست، بلکه به دنبال توسعه تدریجی یک نظام ساختاری است که در آن اعمال هر گونه اقتدار عمومی در گرو قانون بوده و اختلافات به نحو اجباری و مسالمت آمیز حل و فصل می شوند. چنانکه هر گونه تصمیمی در ساختار سازمان متاثر از طی یک فرایند حقوقی است و حل و فصل اختلافات تابع صلاحیت اجباری نهاد حل و فصل اختلافات بوده و هدف آن، تصفیه مسالمت آمیز اختلاف و یا یافتن راه حلی مثبت می باشد. این در حالی است که چنین خصوصیتی را در درون مهمترین سازمان جهانی امروز یعنی ملل متحد شاهد نیستیم.

اصولاً سازمان ملل متحد به عنوان نهادی که کار ویژه آن بیشتر دیپلماتیک و سیاسی است و حفظ صلح و امنیت بین المللی که هدف بنیادین و اولیه سازمان مزبور بوده، به دلیل عدم تعیین دایره شمول و مصادیق، بیشتر صبغه سیاسی دارد. وجود حق وتو نیز نمونه ای از وجود رابطه قدرت در سازمان ملل محسوب می شود. ضمن اینکه حل و فصل اختلاف نیز در سازمان متاثر از اصل بنیادین حقوق بین الملل یعنی رضایت دولت ها در حل و فصل اختلافات است.^۲ به تعبیری، این رضایت دو مرحله دارد. نخست، هنگام پذیرش منشور که اساسنامه نیز ضمیمه لاینفک آن است و دیگری ابراز رضایت به صورت اختیاری و اجباری جهت ورود به حل اختلافات در پیشگاه دیوان بین المللی دادگستری.^۳

بنابراین سازمان جهانی به عنوان خرده نظامی که در بطن نظام حقوقی بین المللی زاده شده، از قواعد، اصول و هنجارهای آن برخوردار بوده تا رشد و نمو یابد، از جمله بهترین نمونه هایی است که توانسته به رغم اینکه در این نظم هنجاری به وجود آمده و تمام هستی خود را متعلق بدان می داند، اما موتور محرکه نظم حقوقی بین المللی نیز بوده و توانسته بر آن اثر گذار باشد. اما موضوعی که از اهمیت برخوردار است این که نظم حقوقی موجود در سازمان چنان که در ظاهر امر در تفاهم نامه حل اختلافات نیز بدان تصریح شده، صرفاً متکی بر هنجارهایی است که میان اعضای سازمان به رسمیت شناخته شده و از این رو از وابستگی خود به تکیه گاه نظم حقوقی بین المللی تا حد امکان کاسته است. به همین دلیل، برخی حقوقدانان از جمله تراچتمن معتقدند که نباید اصول و قواعد خارج از سازمان در حیطه حل و فصل اختلافات در آن به اجرا درآیند، در غیر این صورت بر خلاف موضوع مصرح در موافقتنامه تاسیس و تفاهم نامه حل و

1. Tiziano, Balmelli, Chaisse, Julian, the future of the world trade organization and the changing structure of the international legal system, Essays on the future of the world trade organization, 2008, p 7.

2. Anglo-Iranian oil Co., ICJ reports, 1952, p 120.

۳. ر.ک. میرعباسی، سیدباقر؛ سادات میدانی، سیدحسین، دادرسی های بین المللی؛ دیوان بین المللی دادگستری، انتشارات جنگل، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۳۲۰.

فصل اختلافات، رفتار کرده ایم.^۱

۳- تحلیل دکتترین اختراع بر اساس موافقتنامه تریپس

فناوری نانو به عنوان یک تکنولوژی می تواند تحت حمایت اصول حاکم بر مقررات موافقت نامه تریپس گردد از این رو براساس این موافقتنامه ابتدا باید به وضعیت ثبت اختراع توجه کرد به عبارت دیگر تحلیل ویژگی های حمایت از حق اختراع در این نهاد باید تشریح گردد تا بر اساس آن ساختار حمایتی روشن گردد.

ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس به موضوع قابل ثبت اختصاص یافته است. طبق بند ۱ این ماده، با رعایت مقررات بندهای ۲ و ۳ ماده حاضر، حق ثبت برای هر گونه اختراعی، اعم از محصول یا فرایند، در تمام رشته های فناوری وجود دارد، به شرط آنکه این اختراع دارای سه ویژگی باشد: جدید بودن، بدیع بودن، قابل کاربرد صنعتی بودن. ضمناً با رعایت بند ۴ ماده ۶۵، بند ۸ ماده ۷۰ و بند ۳ ماده حاضر، حق ثبت اختراع و برخورداری از حقوق ناشی از ثبت اختراع بودن تبعیض از لحاظ محل اختراع، رشته فناوری و این که محصولات وارد شده اند یا در محل تولید شده اند، وجود خواهد داشت. در این بند به الزامی بودن پذیرش حق ثبت محصولات و فرایندها اشاره اند یا در محل تولید شده اند وجود خواهد داشت. در این بند به الزامی بودن پذیرش حق ثبت محصولات و فرایندها اشاره شده ولی به استفاده های جدید از محصولات قبلی اشاره نشده است و از این امر می توان نتیجه گرفت که حمایت از استفاده های جدید و ثبت آنها اختیاری است. به علاوه در این بند تعریف دقیقی از سه معیار لازم برای ثبت یک اختراع ارایه نشده (و فقط در زیرنویس این بند آمده است که از لحاظ این ماده، یک طرف می تواند اوصاف بدیع و قابل کاربرد صنعتی را به ترتیب مترادف با غیربدیهی و مفید تلقی کند) و این امر دست کشورها را تا حدی در تعریف آن معیارها باز می گذارد.^۲ با این حال، در بسیاری از نظامهای حقوقی، واژه جدید به معنای برخورداری از ویژگی است که قبلاً در حوزه فنی مربوطه برای عموم شناخته شده نبوده باشد و به عبارت دیگر در فنی صنعت قبلی وجود نداشته باشد؛ واژه بدیع به معنای برخورداری از درجه ای از نوآوری و پیشرفت در دانش قبلی در حوز فنی مربوطه است که برای افراد دارای مهارت یا دانش متعارف در حوزه مذکور، بدیهی و عادی نباشد؛ و واژه قابل کاربرد صنعتی هم به معنای قابلیت استفاده از یک اختراع به نحوی در یکی از رشته های صنعت از جمله کشاورزی است. بر این اساس، فعالیت هایی که با هدف دستیابی به یک نتیجه فنی مستقیم انجام نمی گیرند و خصلتی انتزاعی و ذهنی دارند معمولاً از شمول ثبت اختراع مستثنی می شوند. برای

1. Pauwelyn, Joost, how to win a world trade organization dispute based on non world trade organization law? Questions of jurisdiction and merits, journal of world trade vol. 36, 2003, p 33.

۲. بزرگی، وحید، حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰.

احراز شرط جدید بودن هم لازم نیست که حتماً کلیه اجزا یک اختراع جدید باشند و کافی است که نحوه استفاده از آنها قبلاً برای عموم شناخته شده نباشد: به عنوان مثال، اختراع یک باتری جدید با استفاده از مواردی که قبلاً برای این منظور به کار نرفته اند می تواند یک اختراع جدید تلقی شود. جمله دوم بند مذکور هم با برخی ملاحظات، اعمال تبعیض از لحاظ محل اختراع، رشته فناوری، وارداتی یا داخلی بودن محصولات را منع کرده است و حتی طبق رای یکی از هیئت های رسیدگی در استفاده از استثنائات محدود مجاز شناخته شده در ماده ۳۰ هم نمی توان تبعیض اعمال نمود.

بندهای ۲ و ۳ ماده ۲۷ استثنائات مجاز در مورد ثبت اختراع اشاره کرده اند. طبق بند ۲، اعضا می توانند از اختراعات قابل ثبت، اختراعاتی را مستثنی سازند که ممانعت از استفاده تجاری از آنها در قلمروشان برای حفظ نظم عمومی یا اخلاق، از جمله برای حفظ حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه یا برای اجتناب از لطمه جدی به محیط زیست ضرورت دارد، مشروط به اینکه چنین استثنائی صرفاً به این دلیل نباشد که قانونشان چنین استفاده ای را منع کرده است. به عبارت دیگر باید یک رابطه عینی بین استفاده تجاری از اختراع مورد نظر و به خطر افتادن نظم عمومی و اخلاق در کشور مربوطه وجود داشته باشد.^۱

اختراعات مربوط به تکنولوژی فناوری نانو عموماً ویژگی های مشخص در این موافقت نامه را دارا می باشند زیرا این اختراعات این حوزه نیز دارای ویژگی هایی از قبیل جدید بودن، بدیع بودن، قابل کاربرد صنعتی بودن را دارد. علاوه بر این بسیاری از ویژگی های فناوری نانو می تواند از چندین جهت موضوع ثبت اختراعات این نهاد گردد.

۴- ثبت اختراعات فناوری نانو بر اساس اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی

مطابق قواعد تریپس، حق اختراع برای هر ابتکاری خواه محصول باشد یا روش و در همه رشته های فناوری می تواند صادر شود، مشروط بر اینکه: ۱- جدید باشد؛ ۲- ابتکاری باشد؛ ۳- قابلیت کاربرد صنعتی داشته باشد. البته بعضی ها افشای اختراع را شرط چهارم اختراع شمرده اند^۲ اما در آن اختلاف وجود دارد.^۳ معاهده همچنین تاکید می کند که حق اختراع بدون توجه به اینکه مکان اختراع کجاست، رشته فناوری چیست و اینکه محصولات از مکانی دیگر وارد شده اند یا در

۱. بزرگی، وحید، منبع پیشین، ص ۱۴۱.

۲. محرمانه بودن یکی از ویژگی های لازم جهت حمایت به شمار می آید. البته این امر منافاتی با حمایت از اطلاعات افشا شده نیز ندارد محرمانه بودن اطلاعات اختراع، حق انحصاری به صاحب این حق اعطا می کند که بر اساس این حق انحصاری می تواند در مرجع صالح حق خود را به اثبات رسانده و حمایت لازم را کسب کند. ویژگی محرمانه بودن در نظام حمایت از اختراعات به قدری اهمیت دارد که در تمام بند های ماده ۳۹ تریپس «اطلاعات افشا نشده» مورد حمایت قرار گرفته است.

همان مکان تولید شده اند، اعطا خواهد شد.

علاوه بر اصل عدم تفاوت در قابل ثبت بودن اختراعات در همه رشته های فناوری، معاهده تریپس اعضای سازمان جهانی تجارت را درباره تعریف اختراع آزاد می گذارد. برای هماهنگ سازی حمایت بین المللی در این قسمت مثل مذاکرات درباره معاهده حق اختراع مهم، تلاش هایی در واپیو شده است. یک نمونه برای اختیاری که کشورها در نتیجه عدم تعریف حق اختراع از آن برخوردار شده اند، قانون اختراعات هند مصوب ۲۰۰۵ است که اعمالی را از قلمرو ابتکار خارج می کند.^۱ معاهده تریپس همچنین قواعد کلی را درباره انواع استثنائاتی که کشورها می توانند برای قابل ثبت بودن ابتکارات قائل شوند این طور بیان می کند: «اعضا ممکن است بعضی ابتکارات را به خاطر جلوگیری از بهره برداری تجاری در قلمروشان که برای حمایت از حوزه عمومی یا اخلاق ضروری است شامل حمایت از انسان، حیوان یا زندگی گیاهی یا سلامت یا برای اجتناب از تبعیض جدی درباره محیط زیست از قابلیت ثبت استثنا کنند، مشروط به اینکه این قبیل استثنائات صرفاً به خاطر بهره برداری که توسط قانون ممنوع داشته است ایجاد نشده باشد.»^۲ همچنین اعضا ممکن است شیوه های تشخیصی، درمانی و جراحی برای درمان انسان یا حیوان را نیز از قابلیت ثبت، استثنا کنند.^۳ مقررات تریپس، مدت زمان مشخصی را جهت حمایت از اختراعات مربوط به تکنولوژی تعیین نکرده است و این امر به عهده کشورهای عضو نهاده شده است که براساس قوانین داخلی خود اقدام به تعیین مدت زمان مشخص جهت حمایت از این گونه اختراعات کنند.^۴ در اکثر کشورهای اتحادیه اروپا مدت زمان ده ساله جهت حمایت از اطلاعات اختراعات تکنولوژی تعیین شده است که انگلیس نیز از جمله معروفترین کشورهایی است که در این رابطه قائل به مدت زمان ده ساله شده است کشور اسپانیا مدت حمایت خود را از ۶ سال به ۱۰ سال در پایان سال ۱۹۹۰ میلادی افزایش داد. با این حال کشور اسپانیا و پرتغال حداکثر حمایت را مدت ۶ سال اعلام کرده اند زیرا در کشور آمریکا حداکثر مدت حمایت ۵ سال می باشد.^۵ اشاره به این نکته ضروری است که مدت حمایت ده ساله صرفاً برای برخی از اختراعات فناوری در نظر گرفته شد که این فناوری با عنوان «محصولات تکنولوژی عظیم» شناخته می شدند^۱ که اغلب شامل محصولات تکنولوژی زیستی^۲ می شد. هر چند

1. Tahir, A., (Indians patent act on trial), bridges montly, no. 11/1, ICTSD, Geneva, 2007, section 3.

2. TRIPS agreement, article 27.2.

3. TRIPS agreement, article 27.3.

4. Matthews, Duncan, trade- related aspects of intellectual property rights: will the Uruguay round consensus hold? Centre for the study of globalization and regionalization (CSGR), University of Warwick, Coventry, United Kingdom, No. 99/02. 2002, p 21. URL: //www/csg.org

5. Matthews, Duncan, op.cit, p 22.

6. high technology products

حمایت از اطلاعات فناوری نسبت به محصولات داوری هنگامی که دارای ابداعی نوین نیز بودند، مدت ده ساله تعیین می‌شد.^۳ به عقیده صاحب نظران هیچ دلیل نظری در پس ارقام تعیین شده برای مدت زمان حمایت وجود ندارد.^۴ با وجود این امروزه اغلب کشورها یک مدت یکسان را برای کلیه ابداعات و نوآوری‌های تعیین می‌کنند.^۵ برخی از این مدت‌ها در معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی نیز تأیید شده است و به عنوان مثال معاهده TRIPs^۶ از کشورهای متقاضی پیوستن به سازمان تجارت جهانی خواسته است بدون تبعیض و تفاوت گذاشتن^۷ میان انواع مختلف اختراعات مدت زمان حمایت را ۲۰ سال از تاریخ تنظیم اظهارنامه در نظر بگیرند.^۸ به عقیده برخی صاحب نظران از آنجا که تعیین مدت زمان‌های متفاوت، می‌تواند از جمله این تبعیض‌ها باشد، چشم انداز آینده قانونگذاری در کلیه کشورها ادامه رویه تعیین زمان واحد حمایت برای کلیه ابداعات فنی خواهد بود.^۹

1 . Correa, Carlos Maria, protection of data submitted for the registration of pharmaceuticals: implementing the standards of the TRIPs agreement, University of Buenos Aires, south centre, 2002, p 9.

2 . biotechnology products

3 . Correa, Carlos Maria, op.cit, p 10.

4. Blair, Roger D. and Thomas F. Cotter: "Intellectual Property, Economic and Legal Dimensions of Rights and Remedies", Cambridge University Press USA, NY., 2005, p 21. Available at : www.gigapedia.com .

۵ . در برخی کشورها مانند استرالیا برای حمایت از اختراعات کوچک تر و کم اهمیت تر، نظام حمایتی متفاوتی تحت عنوان طرح‌های مفید (Utility Models) یا حق اختراع کوچک در نظر گرفته است. در این نظام که شرایط حمایت از اختراع ساده تر از نظام حق اختراع است مدت حمایت نیز کوتاه تر و به عنوان مثال ۵ سال یا ۱۰ سال در نظر گرفته می‌شود. ر.ک طیبیه صاحب: "بررسی تطبیقی نظام حق اختراع در حقوق داخلی و معاهدات بین‌المللی"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، صص ۳-۱۰.

۶ . برای مطالعه بیشتر در خصوص قواعد معاهده TRIPs در قلمرو حق اختراع ر.ک: سعید حبیب: "نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPs)", مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۸۳، صص ۸۱-۱۴۵. همچنین برای مطالعه خلاءها و تفاوت‌های نظام حقوقی مالکیت فکری کشور ما با بایسته‌های قانونی معاهده TRIPs ر.ک: طیبیه صاحب: "بایسته‌های قانونی نظام مالکیت فکری ایران در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی"، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و نهم، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره‌های ۵۰ و ۵۱، صص ۴۶-۳۱۳. پس از تصویب قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷ بسیاری از خلاءهای حوزه حقوق مالکیت صنعتی مرتفع گردیده است.

۷ . ماده ۲۷: با رعایت مقررات بندهای ۲ و ۳ زیر، حق ثبت برای هر گونه اختراعی، اعم از محصولات یا فرایندها، در تمام رشته‌های تکنولوژی وجود دارد.....ثبت و برخورداری از حق ثبت بدون تبعیض از لحاظ محل اختراع، رشته تکنولوژی و...وجود خواهد داشت. (تأکید اضافه شده است.) ترجمه از: "سند نهایی دور اروگوئه"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دی ماه ۱۳۷۳، ص ۵۵۹.

۸ . ماده ۳۳ موافقت نامه TRIPs.

9. Roger D. Blair and Thomas F. Cotter, op.cit , p 21 .

باید تاکید کرد که طبق بند ۱ ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس، حق ثبت برای هر گونه اختراعی، اعم از محصولات یا فرایندها، در تمام رشته های تکنولوژی و بدون تبعیض از نظر محل اختراع، رشته تکنولوژی و وارداتی یا داخلی بودن محصولات وجود دارد، مشروط بر اینکه این اختراعات تازه، متضمن گامی ابداعی و دارای کاربرد صنعتی باشند. در زیرنویس این بند هم آمده است که می توان عبارت گام ابداعی و دارای کاربرد صنعتی را به ترتیب مترادف با غیربدیهی و مفید تلقی کرد. بند مذکور در واکنش به رویه های کشورهای در حال توسعه تنظیم شده است که اغلب شرط استفاده محلی را به کار بسته و بر اساس ملاحظات سیاست عمومی، برخی محصولات به ویژه محصولات دارویی و محصولات شیمیایی کشاورزی را از حق اختراع مستثنی می ساختند. در واقع بند مذکور با عبارت بندی عام آن یک دستاورد بزرگ برای کشورهای توسعه یافته بود.

۱-۴- اولین نوآوری یا اولین درخواست ثبت

یکی از اختلافات موجود بین قوانین مالکیت فکری آمریکا و سایر کشورهای توسعه یافته که در دور اروگوئه مشکل ساز شده بود اختلاف در مورد ملاک قرار دادن اولین نوآوری یا اولین درخواست ثبت برای تعیین تقدم در اعطای حق اختراع بود. در نظام حق اختراع آمریکا، حق اختراع به کسی اعطا می شود که برای اولین بار یک محصول را ابداع می کند و نه کسی که برای اولین بار درخواست ثبت آن را می دهد. در مقابل کلیه کشورهای توسعه یافته بر اساس نظام اولین درخواست ثبت عمل می کنند.^۱

۲-۴- موضوع قابل ثبت به عنوان اختراع

در این زمینه اکثر کشورهای توسعه یافته مثل ژاپن، سوییس و کشورهای اسکاندیناوی از این موضع آمریکا حمایت می کردند که دامنه شمول حق اختراع باید گسترده باشد و برای گیاهان و موجودات زنده نباید استثنا قایل شد، ولی اتحادیه اروپا با این موضع کشورهای در حال توسعه همراه شد که گیاهان و حیوانات باید از حوزه شمول حق اختراع مستثنی شوند. دلیل این موضع گیری اتحادیه اروپا وجود مخالفت داخلی شدید با ثبت موجودات زنده به عنوان اختراع بود و کنوانسیون ح اختراع اروپا نیز گیاهان و موجودات زنده را در بر نمی گیرد.^۲

۳-۴- استفاده های دیگر بدون کسب اجازه از دارنده حق

این موضوع که ماده ۳۱ موافقتنامه تریپس به آن اختصاص یافته است، عمدتاً به مساله مجوزهای اجباری مربوط می شود، یعنی ترتیباتی که کشورهای در حال توسعه از گذشته از آن استفاده کرده اند. اکثر کشورهای در حال توسعه مقرراتی درباره مجوزهای اجباری دارند که طبق آنها، صاحب حق اختراع تا یک مدت معین از حق انحصاری برخوردار است، ولی پس از آن مدت،

۱. بزرگی، وحید، منبع پیشین، ص ۷۱.

۲. بزرگی، وحید، منبع پیشین، ص ۷۲.

اگر صاحب حق اختراع، آن اختراع را در محل به کار نبنده، اختراع مذکور می‌تواند موضوع مجوز اجباری قرار گیرد.

در متن نهایی موافقتنامه تریپس، در حالی که استفاده از مجوزهای اجباری تا حدی که آمریکا می‌خواست، محدود نشده است، ولی حق استفاده از مجوز اجباری در صورت عدم استفاده محلی از اختراع وجود ندارد و از مواد ۲۷ و ۳۱ موافقتنامه چنین بر می‌آید که شرط استفاده محلی می‌تواند از طریق واردات محصولات مشمول حق اختراع برآورده شود.^۱

۵- چالش‌های ثبت اختراعات فناوری نانو براساس مقررات تریپس

با توجه به اصولی که در ماده ۲۷ ذکر شد به نظر می‌رسد برخی مشکلات ناشی از ثبت اختراعات این حوزه با دیگر اختراعات که مشمول ثبت ماده ۲۷ می‌شوند، وجود داشته باشد. به طوری که می‌توان گفت کاهش ابعاد اختراعات در حوزه فناوری نانو شرط عدم بدیهی بودن آن بر آورد نخواهد شد زیرا یکی از ویژگی اختراعات نانو کاهش حجم و ابعاد موضوع اختراع را عنوان کرد از طرف دیگر می‌توان به چگونگی ثبت اختراع محصولات طبیعی ساز (موادی که در طبیعت بدون دخالت مواد مصنوعی تهیه می‌شوند) اشاره کرد این موارد را می‌توان همراه برخی دیگر چالش‌های این حوزه به شرح زیر بیان کرد:

الف: از آنجا که فناوری نانو رویکردی جدید به علوم مختلف است و در بر گیرنده و پل ارتباطی علوم مختلف است، لذا گستردگی حوزه عمل آن با هیچ زمینه علمی و فناوری دیگر قابل مقایسه نمی‌باشد.

ب: فناوری نانو در قرن اخیر نخستین فناوری می‌باشد که ابتدایی‌ترین ایده‌ها (ایده‌های بنیادی) در آن به صورت پتنت درآمد است.

ج: به طور کلی در علوم و فناوری‌های مختلف، سهم دانشگاه‌ها در ثبت اختراعات در حدود یک درصد می‌باشد در حالی که در فناوری نانو این مقدار به طور میانگین در سالهای اخیر ۱۲ درصد بوده است و این اختلاف زیاد حاکی از اهمیت فوق‌العاده این فناوری بوده و بیانگر توجه ویژه‌ای می‌باشد که در دانشگاه‌ها به آن شده است. متولیان نظام ثبت نیز در کشورهای مختلف دنیا بر آنند جهت همگون سازی این نظام با نظام جهانی ثبت اختراع، تمامی ملزومات مورد نیاز را برآورده سازند.^۲ عوامل بسیاری موجب می‌شود که فناوری نانو نسبت به دیگر تکنولوژی‌های قابل حمایت مالکیت فکری دارای ویژگی‌های منحصر به فردی باشد. مهم‌ترین

۱. بزرگی، وحید، منبع پیشین، ص ۷۴.

۲. کوشا، ابوطالب؛ احمدی، مریم، چالش‌های حقوق مالکیت فکری فناوری نانو در حقوق بین‌الملل با نگاهی به موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۰۵۶، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷.

این عوامل شامل قلمرو و دایره حمایت می شود که هم به موضوعات مورد حمایت و هم به وسعت و پهنای حق اعطاء شده اشاره دارد.^۱ همچنین از آنجا که معیارهای حمایت و برخی قواعد محدود کننده حق انحصاری دارنده حق ولو آنکه در مقام اعطاء و با اجرای حق، موجب تنگ تر شدن دایره حمایت از ابداعات فنی و ادبی می شوند. تمامی این علل باعث می شود که نظام حاکم بر حمایت از حق اختراع صاحب فناوری نانو از جنبه های مختلفی با دیگر اختراعات مقرر در موافقت نامه تریپس متفاوت باشد. این تفاوت موجب می شود بعضاً جنبه های اثبات کننده حق و حقوق مکتسبه افراد با چالش های بسیاری مواجه شود. از این رو به نظر می رسد نظام حمایت خاص از اختراعات نانو ضرورت تحلیل برخی جنبه های این فناوری باعث ایجاد نظام خاصی جهت حمایت از اختراعات این حوزه می شود. با توجه به این وضعیت می توان گفت که باید در مقررات سازمان جهانی تجارت مقررات جدیدی جهت حمایت از گونه اختراعات ایجاد شود زیرا این سازمان نقش تنظیم کننده دارد هر چند در حقوق ملی دولت ها نیز می توان این گونه تمایزات را در عرصه قانونگذاری مشخص کرد با این حال تاثیر سازمان هایی از جمله سازمان تجارت جهانی می تواند به ایجاد چهارچوب هایی جهت ساختار دکتترین حمایت از فناوری نانو اقدام کند که این حمایت ممکن است در بردارنده ویژگی های خاص اختراعات این فناوری باشد. این نظام خاص موجب فاصله گرفتن از جنبه های عمومی حمایت از حق اختراع خواهد شد. در دایره حق ثبت اختراع و در خصوص موضوعات قابل حمایت همان گونه که موافقتنامه TRIPS پیش بینی نموده است و قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ کشورمان نیز در ماده ۴ قانون همان موارد را با برخی اضافات گنجانده است، برخی موضوعات از دایره حمایت قانون خارج شده اند. به موجب این ماده: " موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است:

- الف - کشفیات، نظریه های علمی، روشهای ریاضی و آثار هنری.
 - ب - طرحها و قواعد یا روشهای انجام کار تجاری و سایر فعالیتهای ذهنی و اجتماعی.
 - ج - روشهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان.
- این بند شامل فرآورده های منطبق با تعریف اختراع و مورد استفاده در روشهای مزبور نمی شود.

د - منابع ژنتیک و اجزاء ژنتیک تشکیل دهنده آنها و همچنین فرآیندهای بیولوژیکی تولید آنها.^۲

1. Ibid.

۲. دلیل مخالفت با ثبت منابع ژنتیکی، اجزا ژنتیکی تشکیل دهنده آنها و فرایندهای بیولوژیکی تولید آنها عمدتاً دلایل اخلاقی، دینی و مشکلات حقوق و فنی ثبت این قبیل اختراعات است. برای مطالعه بیشتر ر.ک سعید حبیبی: "امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)", مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲، صص ۹۷-۱۳۰.

ه - آنچه قبلاً در فنون و صنایع پیش‌بینی شده باشد. فن یا صنعت قبلی عبارت است از هر چیزی که در نقطه‌ای از جهان از طریق انتشار کتبی یا شفاهی یا از طریق استفاده عملی و یا هر طریق دیگر، قبل از تقاضا و یا در موارد حق تقدم ناشی از اظهارنامه ثبت اختراع، افشاء شده باشد. در صورتی که افشاء اختراع ظرف مدت شش ماه قبل از تاریخ تقاضا یا در موارد مقتضی قبل از تاریخ حق تقدم اختراع صورت گرفته باشد، مانع ثبت نخواهد بود. و - اختراعاتی که بهره‌برداری از آنها خلاف موازین شرعی یا نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد".

محدودیت‌هایی که در فوق به آنها اشاره شده است عمدتاً در راستای تأمین کارایی ایستا و ایجاد تعادل میان انگیزه و دسترسی پیش‌بینی شده اند. به عنوان مثال کشفیات، نظریه‌های علمی و روش‌های ریاضی از آن رو از دایره حمایت خارج شده اند که به عنوان اطلاعات اولیه ای به شمار می‌روند که ابزار کار دانشمندان را تشکیل می‌دهند یا دلیل استثنا شدن طرحها و قواعد یا روشهای انجام کار تجاری و سایر فعالیتهای ذهنی و اجتماعی از دایره حمایت آن است که نمی‌توان مردم را از فکر کردن یا انجام کارهای فکری بازداشت و انحصار آن را در اختیار یک فرد مشخص قرار داد. روشهای تشخیص و معالجه بیماریهای انسان یا حیوان نیز به لحاظ ارتباط آن با مسأله مرگ و زندگی انسانها از دایره حمایت خارج شده است و عمدتاً نیز انگیزه پزشکان در ابداع شیوه‌های جدید درمان، دلایل غیر مادی و انگیزه‌های روانی اقناع روحی، کسب احترام و شهرت و یا دلایل اخلاقی و انسانی نجات جان انسانها و حیوانات است.^۱ در مقابل از آنجا که به ادعای دست‌اندرکاران تولید اختراعات دارویی دسترسی به این قبیل اختراعات مستلزم سرمایه‌گذاری‌های مادی عظیم است و دلایل و انگیزه‌های مادی نقش عمده‌ای در اشتغال بنگاهها به این حرفه بازی می‌کند^۲، نه تنها در سطح داخلی اکثر کشورها حمایت از این دسته از اختراعات را منع نکرده اند بلکه در سطح بین‌المللی نیز معاهده TRIPS به موجب ماده ۷۰ اعضا را مکلف به اتخاذ تدابیر ویژه برای حمایت از اختراعات دارویی نموده است.^۳

همچنین معیارهای ثبت اختراع از قبیل جدید بودن، ابداعی بودن و دارای کاربرد صنعتی بودن (ماده ۲ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶) را نیز باید

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک صاحب، طیبه، منبع پیشین، ص ۱۱۴-۶۹.

۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص دلایل موافقان و مخالفان این نظر ر.ک: صادقی، محسن، حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.

۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صاحب، طیبه، منبع پیشین، ص ص ۶-۸۳.

از دیگر راهکارهای ایجاد تعادل میان کارایی ایستا و پویا در نظر گرفت که از طریق آن قانونگذار سعی داشته است تنها اختراعات با ارزش را مورد حمایت قانونی قرار دهد. سایر قواعد محدود کننده حق ثبت اختراع نظیر بند ج ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات در خصوص محدودیت های حقوق ناشی از گواهینامه اختراع^۱ و یا ماده ۱۷ همان قانون در ارتباط با پروانه های امتیاز اجباری^۲ را نیز باید در راستای محدود کردن دایره حمایت قانون از مخترع به علت حفظ کارایی ایستا و دسترسی گسترده مصرف کنندگان به نتایج ابداعات و اختراعات جدید تفسیر کرد.

۶- تحلیل رویه قضایی در رابطه با اختراعات نانو

در سازمان جهانی تجارت راجع به موضوع فناوری نانو پرونده خاصی مطرح نشده است زیرا بسیاری از اختلافات ایجاد در درون دولت های متبوع پدیدآورندگان آن حل می شود هر چند رکن حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت اقدامات فعالی را در جهت ایجاد رویه قضایی انجام داده است با این حال در این رابطه به یک پرونده مهم اشاره می شود:

در سال ۱۹۳۰ در آمریکا قانونی به تصویب رسید که بر اساس آن اختراع گیاهان قابل ثبت تلقی گردید، اما این قانون نسبت به دیگر موجودات زنده ساکت بود تا اینکه در سال ۱۹۸۰ رویه قضایی آمریکا ثبت اختراع گیاهان را به میکروارگانیسم ها نیز تسری داد. دیوان عالی آمریکا در دعوی دیامند علیه چکربارتی رای به مشروعیت ثبت اختراع میکروارگانیسمی داد که ساخته دست بشر بود^۳ و در آزمایشگاه طراحی شده بود.^۱

۱. «ماده ۱۵...ج - حقوق ناشی از گواهینامه اختراع شامل موارد زیر نمی شود:
 ۱- بهره برداری از کالاهایی که توسط مالک اختراع یا با توافق او در بازار ایران عرضه می شود
 ۲- استفاده از وسایل موضوع اختراع در هواپیماها، وسائط نقلیه زمینی یا کشتی های سایر کشورها که به طور موقت یا تصادفاً وارد حریم هوایی، مرزهای زمینی یا آبهایی کشور می شود.
 ۳- بهره برداریهایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت شده انجام می شود.
 ۴- بهره برداری توسط هر شخصی که با حسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا در مواقعی که حق تقدم تقاضا شده است، قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع، از اختراع استفاده می کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می آورده است.»

۲. پروانه امتیاز اجباری در دو حالت زیر صادر می شود: (۱) سوءاستفاده از ورقه اختراع در مواردی که اعمال حق مغایر با شرایط رقابت آزاد باشد یا حفظ منافع عمومی از قبیل امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه سایر بخش های حیاتی اقتصادی کشور اقتضاء نماید (بند الف ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات)، در این حالت پروانه امتیاز اجباری به نفع دولت و یا شخص ثالث مجاز از طرف دولت صادر می شود. (۲) در صورت بهبود و توسعه اختراع به نفع مخترع دوم. (بند ج همان ماده). برای مطالعه بیشتر ر.ک: صاحب، طیبیه، منبع پیشین، صص ۶۰-۲۴۰.
 ۳. M.Chakrabart. میکروبیولوژیستی است که موفق شد به روش اصلاح ژنی یک نوع باکتری را قادر به هضم نفت خام نماید، اما درخواست حق ثبت اختراعش توسط ممیزان به دو دلیل رد شد. اول به دلیل اینکه خالق این باکتری طبیعت می باشد و دوم به این علت که در آن زمان در مورد ارگانیزم های زنده حق ثبت اختراع صادر نمی شد. اما هیئت تجدیدنظر موسسه ثبت اختراع حکم صادر شده را نقض نمود، چرا که این باکتری ها به طور

پس از آن این پرونده به دادگاه عالی ارجاع شد تا در مورد قابل ثبت بودن یا نبودن باکتری های زنده حکم نماید. این دادگاه در نهایت اعلام کرد که به دلیل اینکه این باکتری ها دارای ویژگی هایی غیر از ویژگی های طبیعی شان هستند به آنها حق ثبت اختراع تعلق می گیرد. با استفاده از این قانون، برای عناصری که مشابه عناصر موجود طبیعی هستند اما در شکلی غیر از شکل اصلی و طبیعی شان ارایه می شوند، امکان صدور مجوز ثبت اختراع وجود دارد. به ژن ها و اجزای ژنی نیز حق ثبت اختراع تعلق می گیرد زیرا جداسازی و خالص سازی رشته های DNA دستاورد نبوغ بشر است و نه محصول طبیعت. پس از اینکه دادگاه فدرال استاندارد، جداسازی و خالص سازی را تصویب نمود، میزان اختراعات زیستی موسسه USPTO به این نتیجه رسیدند که باید به ارگانیزم های زنده ای که به گونه ای توسط نبوغ بشر اصلاح می شوند حق ثبت اختراع تعلق بگیرد، چرا که بدون وجود انگیزه دریافت حق ثبت اختراع، تمایل به سرمایه گذاری در تحقیقات DNA به شدت کاهش می یابد. مخترع این محصول ثبت اختراعش را مدیون این سیاست کلی است که حمایت از اختراع عامل بسیار مهمی در جهت پیشرفت محصولات زیست فناوری و نهایتاً پیشرفت پزشکی می باشد. مشابه چنین وضعی در زمینه نانو زیست فناوری نیز دیده می شود. این استدلال وجود دارد که نانو زیست فناوری یک فناوری جدید، دارای قابلیت بسیار عظیم است، همانطور که اعطای حق ثبت اختراع ها در حوزه زیست فناوری سودمند است، مزایای مشابهی نیز در این مورد وجود دارد.^۱ با این حال باید گفت محدودیت های مربوط به حقوق فناوری بالاخص فناوری نانو باعث شده است که دادگاه های داخلی در برخورد با موضوعاتی این چنینی نوعی قضاوت مغرضانه داشته باشند این در حالی است که اصول حاکم بر سازمان جهانی تجارت، اصول مشخصی است که در حل و فصل قضایی و غیرقضایی اختلافات می تواند کمک بسزایی داشته باشد. از طرف دیگر از آنجایی که قوانین یکنواخت بر این سازمان حکومت می کند مخترعین این حقوق می توانند به خوبی امیدوارم به حمایت جهانی از ابداعاتشان فراتر از مرزهای یک کشور باشند.

طبیعی چنین خصوصیتی را نداشتند و پس از اصلاح ژنی توسط انسان این قابلیت را به دست آورده بودند؛ اما دلیل دوم، مبنی بر اینکه ارگانیزم های زنده قابل ثبت شدن نبودند بازم به قوت خود باقی بود و بازم درخواست ثبت اختراع Chakrabarty پذیرفته نشد.

۱. کوشا، ابوطالب؛ احمدی، مریم، بررسی حقوق مالکیت فکری نانو زیست فناوری در معاهدات بین المللی، مجله دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۵۳، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱.
۲. کوشا، ابوطالب؛ احمدی، مریم، منبع پیشین، ص ۱۸۲.

نتیجه گیری

با اندک تاملی در می یابیم که دانش و فناوری سهم بسزایی در اقتصاد سیاسی بین المللی یافته است. تحول شگرف دانش فنی و اطلاع رسانی، کامپیوتر، ماهواره و اینترنت تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر کشورها را تحت الشعاع قرار داده است. به طوری که امروزه اکثر حاکمیت های سیاسی و حقوقی معنی قدیمی خود را از دست داده اند. دولت-ملت ها به طوری مستمر از درون و بیرون به چالش جدی با مفاهیم سنتی آنان می پردازند. همانگونه که سرعت تغییرات تکنولوژیک برای مردم اهمیت فراوانی یافته است این اهمیت برای شرکتهای تجاری اهمیت دوچندانی دارد چرا که برای آنها قدرت و ثروت به بار می آورد. بنابراین برای به دست آوردن بیشتر ثروت و قبضه کردن بازار شرکت ها لازم دارند تا دانش و فناوری را تحت کنترل خویش داشته باشند تا از بهره برداری ها و سوء استفاده های دیگران از برتری های تکنولوژیکی بدون پرداخت هزینه های مربوط بدان جلوگیری نمایند. در عصر حاضر انقلاب رایانه ها و سهولت جابجایی اطلاعات و دستاوردها جابجایی پیشرفتهای تکنولوژیکی و دانش و فرایندهای نوین تولید باعث کنترل بسیار سخت دستیابی دیگران به این دست از پیشرفت ها گردیده است.

موافقتنامه تریپس جنبه های مختلفی از ویژگی های اختراعات فناوری را مشخص کرده است که در ماده ۲۷ به طور کامل شرح آن قید شده است. با این حال باید گفت که اختراعات نانو علاوه بر ویژگی های گفته شده در این ماده دارای خصوصیت های متمایزکننده ای نسبت به سایر اختراعات دارد که این موافقتنامه به طور کامل در این رابطه نتوانسته است این خصوصیات را منعکس کند. هر چند در نظام ملی برخی تحولات و تغییرات در نظام حاکم بر اختراعات نانو مقرر شده است با این حال نظام های ملی نمی توانند جنبه بین المللی اختراعات تکنولوژی را منعکس کنند. از این رو نیازمند سیستمی فراملی هستیم که بتواند ویژگی های مختلف حقوق ناشی از ثبت اختراعات فناوری نانو و چگونگی اعطای این حق را مشخص کند. این در حالی است که سازمانهای بین المللی می توانند جهت حمایت از حقوق مکتسبه مبدعان فناوری نانو اقدامات قانونگذاری و رویه ای را در این رابطه اعمال کنند.

در نهایت می توان گفت دکتترین حمایت از حقوق فناوری نانو دارای ماهیتی متفاوت و ساختاری مجزا از دیگر اختراعات مربوط به تکنولوژی می باشد که علاوه بر دارا بودن ویژگی های عمومی ثبت اختراعات تکنولوژی برخی شرایط اختصاصی نیز جهت این اعمال وجود دارد که این دکتترین می تواند بیان کننده ساختار متفاوت و مجزای این نوع حقوق باشد.

فهرست منابع

۱. بزرگی، وحید، حقوق مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲. حبیب، سعید، امکان صدور ورقه اختراعات بیوتکنولوژی و موافقت نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۰، تابستان ۱۳۸۲.
۳. حبیب، سعید، نظام حق اختراع ایران پس از پذیرش موافقتنامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS)"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، تابستان ۱۳۸۳.
۴. ساعی، احمد؛ گیاه شناس، جواد، بررسی تاثیر حقوق مالکیت فکری بر روابط شمال - جنوب، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره نهم، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳.
۵. سند نهایی دور اروگوئه، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، دی ماه ۱۳۷۳.
۶. صاحب، طیب، بایسته های قانونی نظام مالکیت فکری ایران در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی"، مجله حقوقی دادگستری، سال شصت و نهم، شماره های ۵۰ و ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
۷. صاحب، طیب، بررسی تطبیقی نظام حق اختراع در حقوق داخلی و معاهدات بین المللی"، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۸. صادقی، محسن، حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
۹. فورگو، اریک کانال، حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، ترجمه بهزاد ساعدی بناب، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۱۰. کوشا، ابوطالب؛ احمدی، مریم، چالش های حقوق مالکیت فکری فناوری نانو در حقوق بین الملل با نگاهی به موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری، مجله دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۷۰۵۶، ۱۳۹۰.
۱۱. میرعباسی، سیدباقر؛ سادات میدانی، سیدحسین، دادرسی های بین المللی؛ دیوان بین المللی دادگستری، انتشارات جنگل، ج ۱، ۱۳۸۴.

12. Anglo-Iranian oil Co., ICJ reports, 1952.
13. Blair, Roger D. and Thomas F. Cotter: "Intellectual Property, Economic and Legal Dimensions of Rights and Remedies", Cambridge University Press USA, NY, 2005. Available at : www.gigapedia.com .
14. Cameron, James and Kevin, R. Gray, principles of international law in the WTO dispute settlement body, ICLQ, vol. 50, 2001.
15. Carmody, Chois, a theory of WTO law, JIEL, vol. 11, 2008.
16. Correa, Carlos Maria, protection of data submitted for the registration of pharmaceuticals: implementing the standards of the TRIPs agreement, University of Buenos Aires, south centre, 2002.
17. Japan-Taxes on Alcoholic Beverages, WT/DS8/AB/R, adopted 1 November 1996.
18. Lamy, Pascal, the place of the WTO and its law in international legal order, European journal of international law, vol. 70, 2006.
19. Lang, Andrew, Scott, Joanne, the hidden world of WTO governance, EJIL, vol. 20, 2009.
20. Matsushita, Matsuo, Thomas, J.m Schoenbaum and Petros C., Mavroidis, the world trade organization: law, practice and policy, Oxford university press, 2006.
21. Matthews, Duncan, trade- related aspects of intellectual property rights: will the Uruguay round consensus hold? Centre for the study of globalization and regionalization (CSGR), University of Warwick, Coventry, United Kingdom, No. 99/02. 2002. URL: [//www/csgr.org](http://www/csgr.org)
22. Pauwelyn, Joost, how to win a world trade organization dispute based on non world trade organization law? Questions of jurisdiction and merits, journal of world trade vol. 36, 2003.
23. Tahir, A., (Indians patent act on trial), bridges montly, no. 11/1, ICTSD, Geneva, 2007.
24. Tiziano, Balmelli, Chaisse, Julian, the future of the world trade organization and the changing structure of the international legal system, Essays on the future of the world trade organization, 2008.

ارائه الگوی عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر اساس رویکرد پدیدارشناسی

نیما شجاعی^۱

کامبیز حیدرزاده^۲

احمد روستا^۳

چکیده

هدف از تحقیق حاضر ارائه الگوی عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر اساس رویکرد پدیدارشناسی است. در این تحقیق از روش پدیدارشناسی استفاده شده است. در این مطالعه کارمندان شرکت آی سودا به عنوان مصاحبه شونده‌گان مورد بررسی قرار گرفتند که با انجام مصاحبه با ۴ نفر، اشباع نظری اتفاق افتاد. برای تایید پایایی تحقیق در این مطالعه به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. همچنین از تکنیک ممیزی نیز استفاده گردید و جهت ارزیابی اعتبار از روش زاویه بندی^۴ استفاده شده است. نتایج حاصل از استخراج مفاهیم و مقوله‌ها و مضمون‌های حاصل از ۴ مصاحبه با مدیران و فعالان صنعت شکلات، منجر به شناسایی متغیرها (مضمون‌ها) و مولفه‌های هر متغیر از دید فعالان و مدیران صنعت شده است. همچنین، با توجه به اینکه تمامی مصاحبه‌شونده‌گان از جمله فعالان در شرکت آی سودا می‌باشند، لذا کدهای به دست آمده حاصل از مصاحبه آزمودنی‌ها، قابلیت اتکای بیشتری پیدا می‌کنند. ۹ مولفه تعیین‌کننده متغیر (مضمون) محتوای پیام تبلیغاتی شامل موارد ذیل است: نگرش به صنعت تبلیغات، نگرش به برند، نگرش به صنعت تولید، نگرش به بازار، نگرش به بسته بندی، نگرش به واردات، نگرش به صادرات، نگرش به خرید، نگرش به مصرف.

واژگان کلیدی

پدیدارشناسی پیام تبلیغاتی، تبلیغات چاپی، عوامل موثر محتوایی، نگرش به برند، نگرش به تبلیغات.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Email: island.captain@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه مدیریت بازرگانی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: kambizheidarzadeh@yahoo.com

Email: drroosta1@gmail.com

۳. عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی (استاد مشاور).

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۴

طرح مسأله

مفهوم هیجان در تبلیغات چاپی سابقه طولانی دارد. پژوهش‌های گذشته که به مسئله نوع پیام‌های بکار رفته در تبلیغات پرداخته‌اند، به مسئله هیجان و میزان تاثیرگذاری اش بر نگرش نسبت به تبلیغات و برند اشاره کرده‌اند (سولومون، ۱۳۹۲، سرآبادی، ۱۳۹۰). در حالیکه این پژوهش‌ها مسئله هیجان را به صورت کلی در نظر گرفته‌اند و متجانس یا نامتجانس بودن آن را در تبلیغات در نظر نگرفته‌اند. همچنین میزان تاثیرگذاری تبلیغات را بر نگرش مصرف‌کننده بدون توجه به متغیر مهمی همچون طبقه محصول بررسی کرده‌اند. در حالیکه فعالان بازار به مسئله طبقه محصول به عنوان یک شاخص مهم در تعیین استراتژی تبلیغات اذعان دارند. از نظر دانشگاهیان و متخصصان تبلیغات، بایستی منطبق با طبقه محصول، هیجان متناسب با آن بکار رود. در این پژوهش برخلاف پژوهش‌های قبلی صورت گرفته، تلاش می‌شود تا اثر متجانس بودن هیجان بکار رفته در تبلیغات منطبق با محصول در مقابل نامتجانس بودن هیجان نسبت به محصول بررسی شود. از آنجایی که این پژوهش در کشوری صورت می‌گیرد که منطبق با نظر غربی‌ها، کشورهای آسیایی به تبلیغات با هیجان بالا توجه بیشتری می‌کنند؛ می‌توان این پژوهش را دارای اهمیت برشمرد (Okazaki et al. 2010). همانطور که اشاره شد، اهمیت تبلیغات در عصر مدرن با توجه به رشد تولید و در نتیجه رقابت در بازار افزایش یافته است. تبلیغات را می‌توان به صورت علمی دانست که با وجود پیشینه بسیار زیاد، همچنان ناشناخته می‌باشد. این علم که هر روز با علوم جامعه‌شناسی، آمار، اقتصاد و روان‌شناسی پیوستگی بیشتری پیدا می‌کند و هنرهایی مانند موسیقی، ادبیات، عکاسی، گرافیک و نقاشی را به خدمت می‌گیرد در رساندن پیام فروش به بازارها هزینه سالانه است که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان، به این رشته روی آورده‌اند (کاویانی، ۱۳۹۱، مون و ماینور، ۱۳۸۹). همه ما به وسیله تبلیغات احاطه شده ایم و به گونه‌ای با آن در سراسر جهان، به این رشته روی آورده‌اند. همه ما به وسیله تبلیغات احاطه شده ایم و به گونه‌ای با آن در ارتباطیم. در حال قدم زدن، استراحت مطالعه نشرات، تماشای تلویزیون و غیره. هر روز بارها و بارها اشکال و حروف تبلیغاتی را مشاهده می‌کنیم و می‌شنویم. بسیار از کارشناسان با تبلیغات موافقند و آن را نیروی خلاقانه‌ای برای ترغیب و تشویق میل عمومی به مصرف محصول می‌دانند، با این وجود گروه‌های بسیاری با آن مخالفت می‌کنند و آن را نوعی شست و شوی مغزی، برده‌سازی مردم، افزایش هزینه‌های تولید و سرانجام برای مصرف‌کننده امری زیان‌آور می‌دانند. با وجود نظرات موافق و مخالف، تبلیغات تجاری علمی پویا هستند که روز به روز با تحولات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی شکلی تازه به خود می‌گیرد و در محیط‌های متفاوت با توجه به آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب محتوای ویژه‌ای می‌یابد (چادهوری، ۱۳۹۱، طیبی و همکاران، ۱۳۹۰، هاوکینز، ۱۳۸۵). تبلیغات اغلب چیزی

بیشتر از محصولات و خدمات را به فروش می‌رساند. تبلیغات ارزش، جایگاه و مفاهیمی همچون عشق، احساس و موفقیت را می‌فروشد و شاید مهمتر اینکه این کار را در شرایط عادی انجام می‌دهد. تا حد زیادی به ما می‌گوید که ما چه کسی هستیم و چه کسی باید باشیم. در حال حاضر مردم بیشتر خود را در معرض تبلیغات قرار می‌دهند، زیرا مردم می‌خواهند بدانند که چه چیزی در حال تبلیغ است (Kibrien, 2000, Benson, C.E. & Lucas, 1929). پژوهش پیش رو، به بررسی اینکه تاثیر عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر نگرش به تبلیغات و نگرش به برند چگونه است می‌پردازد. محققان و پژوهشگران بخش تبلیغات اغلب اوقات بر این باورند که تاثیرگذاری تبلیغات چاپی منوط به عوامل متعددی است که این تبلیغات آنها را ترویج می‌دهند. این پژوهشگران معتقدند که عوامل متعددی بر محتوای پیام تبلیغات چاپی بر روی محصولاتی که لذت جویانه هستند تاثیر مثبت می‌گذارند تا آنهایی که جنبه سودآوری دارند (Geuns & et al., 2011, Fife, 2012). تحقیقات صورت گرفته در رابطه با نقش بهره‌گیری از عوامل محتوایی پیام تبلیغاتی در تبلیغات نشان می‌دهد که احساس لذت و انگیزندگی با تبلیغات رابطه مستقیمی دارد و پیشنهادها می‌کنند که مدیران می‌توانند با فهم بهتر از فاکتورهای هیجانی روش‌های بسیار کارایی را برای ایجاد رفتارهای پس از خرید مثبت در مشتریان به وجود آورند (Brennan & Binney, 2010). مساله اساسی تحقیق حاضر این است که عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر نگرش به تبلیغات و نگرش به برند از دیدگاه کارکنان شرکت آی سودا کدامند؟

روش تحقیق

در این تحقیق پژوهشگر با اجرای طرح تحقیق پدیدارشناسی هدف آن است که معنی یک پدیده یا مفهوم مورد مطالعه را از نظر یک گروه افراد بررسی کند. زیرا در پدیدارشناسی پدیده مورد مطالعه بر اساس دیدگاه معرفت‌شناختی تفسیری و بر پایه ذهنیت افراد و معنایی که آنان در تجربه زندگی خود از پدیده دارند بررسی هست. هدف این مطالعه پدیدارشناسی، فهم و کشف تجربه زیسته مشتریان در تمایل به بازدید مجدد از مال‌ها و ایجاد پاسخ بیشتر برای مال‌ها و ایجاد و استمرار فرآیند خرید می‌باشد و بر آنیم تا تجربه مشتریان و بازدیدکنندگان از مال‌ها را در موقعیتی که در آن به طور طبیعی و ناخودآگاه قرار می‌گیرند بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی و فقط از دیدگاه آنان درک کنیم. گام‌های عملی به منظور اجرای این بخش از پژوهش مطابق با طرح تحلیلی پارسه (۱۹۹۰) به شرح ذیل خواهد بود:

گام نخست، استخراج مفهوم درونی (ذات) توصیف‌های ضبط شده از زبان مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. در این مرحله، دقیق‌ترین توصیف را از آن چه گروه مطالعه برابمان روایت کرده‌اند گردآوری می‌نمائیم. گام دوم، ترکیب مفاهیم است؛ به این معنا که با

مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم استخراج شده در مرحله نخست، مقوله‌های تحقیق را شناسایی و سازماندهی می‌نمائیم. گام سوم، فرمول‌بندی یک یا چند قضیه از توصیف مشارکت‌کنندگان در تحقیق است. گام چهارم، استخراج مفاهیم هسته است که سایر مفاهیم حول آنها قرار می‌گیرد و نقش محوری در بیان تجربه زیسته دارد. گام پنجم از کنار هم قرار دادن یافته‌های حاصل از چهار گام نخست، تصویری از پدیده یا رخداد مورد مطالعه ترسیم می‌شود. بر اساس رویکرد پدیدار شناسی هستی‌گرایانه^۱ تجربیات مصرف‌سازکنان این واحدهای مسکونی (مشتریان بالفعل) با هدف شناسایی شیوه‌های مصرف آنان اقدام خواهد شد. قلمروی مکانی تحقیق مالکان واحدهای مسکونی که بیش از ۶ ماه ساکن در این مناطق می‌باشند مورد مطالعه قرار گرفتند. در این مطالعه کارمندان شرکت آی سودا به عنوان مصاحبه‌شوندگان مورد بررسی قرار گرفتند که با انجام مصاحبه با ۴ نفر، اشباع نظری اتفاق افتاد. بدین ترتیب از کارمندان شرکت آی سودا به عنوان متخصصین صنعت و همچنین با توجه به مطالعه موردی انتخاب شده در این تحقیق، مصاحبه صورت گرفت. پروتکل استفاده شده در این بخش براساس محورهای اصلی و چارچوب مفهومی و به بررسی الگوهای خرید و مصرف خانه پرداخته شد. نمونه سوالات پروتکل برای نمونه آماری تحقیق به شرح ذیل می‌باشند:

- نظر تان در مورد فعالیت‌های تبلیغاتی و تبلیغات در ایران چیست؟
- از نظر شما چه نوع تبلیغاتی موثرتر و موفق‌تر عمل می‌کند؟
- به نظر شما می‌توان برای همه نوع محصولی تبلیغات کرد؟ توضیح دهید؟
- تبلیغات چاپی را برای کدام نوع محصولاتی مناسب می‌دانید؟
- از نظر شما یک تبلیغ چاپی موفق که بتواند روی بیننده و خواننده تاثیرگذار باشد، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟
- از نظر شما تبلیغ چاپی برای محصولات جدید مناسب است یا برای یادآوری محصولات نیز مناسب هستند؟
- برای ایجاد هیجان بیشتر در مخاطب، چه ویژگی‌ها و المان‌هایی را می‌توان به تبلیغ چاپی اضافه نمود؟
- تاکنون تاثیر تبلیغات چاپی بر روی فروش محصولات شرکت آی سودا به چه میزان بوده است و تا چه اندازه این شرکت در زمینه این نوع تبلیغات فعال است؟
- رایج‌ترین روش تبلیغاتی در شرکت آی سودا چیست؟ علت انتخاب این روش را چه می‌دانید؟

- آیا در دوران شروع فعالیت تبلیغات چاپی روی یک محصول، میزان فروش شرکت آی سودا، افزایش می‌یابد؟ روی چه طبقه از محصولات خود بیشتر با افزایش فروش مواجه می‌شوید؟
- مخاطبان تبلیغات چاپی شرکت آی سودا، عموماً چه گروهی هستند؟
- پاسخ مخاطبان تبلیغات چاپی عموماً به تبلیغات شرکت آی سودا چگونه است؟
- برای تبلیغات چاپی معمولاً از چه المان‌هایی بیشتر استفاده می‌کنید؟
- چه میزان هزینه صرف انجام فعالیت‌های تبلیغاتی شرکت می‌کنید؟ چند درصد آن شامل فعالیت تبلیغاتی مختلف می‌شود؟ شرح دهید؟

بنابراین، روش تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از ابزار مصاحبه عمقی در این مطالعه پدیدارشناسی هستی‌گرایانه است. فن اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش، کدگذاری است که طی فرآیندی سه مرحله‌ای صورت می‌گیرد و عبارتند از:

- کدگذاری باز
- کدگذاری محوری
- کدگذاری انتخابی

در این تحقیق در حالی که داده‌های جمع‌آوری شدند، همزمان تحلیل آن نیز انجام شد. کدگذاری باز فرآیند تحلیلی است که با آن مفهوم‌ها شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. برای انجام کدگذاری باز راه‌های مختلفی وجود دارد که یکی روش سطر به سطر است. این روش با معاینه دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه انجام می‌شود (ایمانی، ۱۳۹۳). در این تحقیق، کدگذاری باز به روش سطر به سطر انجام شده است. اطلاعات در میدان تحقیق جمع‌آوری شده و در خارج از آن تحلیل گردید. البته جمع‌آوری و تحلیل در یک فرآیند رفت و برگشت انجام شد. در کدگذاری محوری، مجموعه‌ای از مفاهیم بر محور یک مقوله گروه‌بندی شده و به صورت طاق وار پوشانده شدند و مقولات مختلف را تشکیل دادند. این خوشه‌های مفهومی نقطه‌عزیمتی هستند که محقق را به نظریه سوق می‌دهند. در نهایت در کدگذاری انتخابی، محقق احساس می‌کند که در میان مقولات، یک مقوله اصلی و هسته‌ای وجود دارد که همه مقوله‌های دیگر به نحوی با آن ارتباط دارند. در این تحقیق سعی بر آن بود تا با تحلیل و کنار هم گذاشتن مقولات مستخرج شده از مفاهیم اولیه برگرفته از داده‌های تحقیق، مقوله‌ها هسته‌ای تحقیق کیفی به دست آید. برای تأیید پایایی تحقیق در این مطالعه به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. همچنین از تکنیک ممیزی نیز استفاده گردید که با استفاده از چند متخصص در کار نظریه زمینه‌ای و پدیدارشناسی هستی‌گرایانه مراحل کدگذاری را نظارت نموده و در حین

کار اشکالات را تذکر دادند و همچنین جهت بهبود فرآیند کار در مراحل کدگذاری نکات را گفته و ویرایش‌های لازم انجام گردید. جهت ارزیابی اعتبار از روش زاویه بندی^۱ استفاده شده است. زاویه بندی را می‌توان هم یک روش پژوهش مستقل کیفی تلقی کرد و هم شیوه‌ای برای افزایش کیفیت پژوهش کیفی. این روش یکی از محبوب‌ترین راهبردهای اعتبارسنجی در پژوهش کیفی است که عبارت است از همگرایی مبتنی بر یک یافته خاص با استفاده از انواع روش‌ها، نظریه‌ها، رویکردها، پژوهشگران و منابع اطلاعاتی (محمدپور، ب ۱۳۹۲). در این مطالعه از زاویه بندی پژوهشگر استفاده شد. زاویه بندی روش شناختی، متداول‌ترین شکل زاویه بندی است و به کنترل انطباق و سازگاری بافت‌های تولید شده با روش‌های گوناگون گردآوری داده‌ها اطلاق می‌شود. در این نوع زاویه بندی، در یک پژوهش کیفی از بیش از یک روش گردآوری داده یا روش‌های متعدد استفاده می‌شود. زاویه بندی پژوهشگر نیز به استفاده از بیش از یک پژوهشگر یا پژوهشگران متعدد برای بررسی و بازنگری یافته‌ها دلالت دارد. استفاده از زاویه بندی پژوهشگر، پتانسیل سوگیری را که ممکن است در مطالعه تک پژوهشگری رخ دهد، از بین می‌برد. به عبارتی در این مطالعه از بیش از یک پژوهشگر برای بررسی یافته‌ها استفاده شد و سازگاری نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده توسط پژوهشگران تایید مضاعفی بر اعتبار این مطالعه پدیدارشناختی بود است.

یافته‌های تحقیق

در این مطالعه با اجرای روش پدیدارشناسی و که با انجام مصاحبه‌های عمقی از میان گروه‌های کارکنان فعال در صنعت شکلات سازی صورت گرفت. جدول (۱) وضعیت مصاحبه‌های انجام شده در هر دو مرحله را نمایش می‌دهد.

جدول ۱: وضعیت مصاحبه‌های انجام شده

گروه کارکنان	
۴	تعداد مصاحبه‌شوندگان
۳۲۰	مجموع زمان مصاحبه
۱ ساعت و ۳۰ دقیقه	میانگین زمان مصاحبه هر فرد
۳	تعداد افرادی که پس از هماهنگی از مصاحبه امتناع کردند

با توجه جدول شماره ۲، از ۴ نفر مصاحبه‌شونده از میان کارکنان فعال در صنعت شکلات، ۷۵ آنها را خانم‌ها تشکیل داده‌اند. ۲۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان دارای سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال می‌باشند و در حدود ۵۰ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال و حدود ۲۵ درصد بین ۱۰ تا ۵۰ سال سن

دارند. همچنین در مورد کارکنان صنعت شکلات نیز در حدود ۵۰ درصد از تحصیلات در مقطع کارشناسی بودند.

جدول شماره ۲: ویژگیهای جمعیت شناختی

متغیرها	فراوانی	درصد فراوانی
جنس		
زن	۳	۷۵
مرد	۱	۲۵
سن		
۲۰ - ۳۰ سال	۱	۲۵
	۲	
۳۱ - ۴۰ سال	۲	۵۰
۴۱ - ۵۰ سال	۱	۲۵
تحصیلات		
کارشناسی	۲	۵۰
کارشناسی ارشد	۱	۲۵
دکتری	۱	۲۵

با توجه جدول شماره ۳، یافته‌ها نشان از استخراج تعداد ۱۰۷۱ کدباز (مفهوم) از درون مصاحبه‌ها داشته‌اند که با طبقه‌بندی و حذف برخی کدها تعداد ۵۰۸ کد باقی‌ماند و از مجموع این کدها ۱۰ کد به عنوان مقوله‌های اصلی و فرعی در نظر گرفته شدند و مورد تایید و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول ۳: مفاهیم، مقوله‌ها و مضمون‌ها گروه کارکنان (کدگذاری انتخابی)

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
صنعت ۴۸	صنایع غذایی ۵	صنایع غذایی کشور ۳	صنایع غذایی اروپا
	صنایع برتر دنیا		
صنعت شکلات ۲	صنعت خوشمزه	صنعت ظریف	
	رونق صنعت		
	مشکلات صنعت ۴	مشکلات جدی	
	صنعت پرطرفدار		
	صنعت پرسود ۲		
	صنعت تازه شکل گرفته		
	صنعتی ۲		
	نظارت هوشمندانه تر	نظرات کارشناسان خبره صنعت	
	لزوم حمایت ۲	لزوم برخورداری از تسهیلات دولتی	
		وزارت صنایع	
		فعالان صنعت	
		واسطه ۲	
		بخش خصوصی	
صنعت شکلات و شیرینی ایران ۳	صنعت شکلات و شیرینی ایران ۳	لوکس بودن صنعت شیرینی و شکلات	
		ارزآوری ۳	
		سیر صعودی	
		پیشرفت	
		تحقیق و توسعه ۲	
		رقابت ایران با سایر کشورها	
		قدرت رقابت	
		رقبای اصلی ۲	
		اشتغال زایی ۳	
		اشتغال ۳۰۰ هزار نفر	
صنعت شیرینی و شکلات	صنعت شیرینی و شکلات ۳	اشتغال	
		قطب صنعت	
		توسعه‌ی کسب‌وکار	
		توسعه‌ی ارتباطات	
		کسب‌وکارها	
		آینده کسب‌وکار	
		اهداف آینده	
		تجارت وسیع و	
		تجارت	
		کسب‌وکار ۱۳	

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
	فعالیت ۳	مدیران ۲	گسترده
			قوانین تجارت
			فعالیت های تجاری
			مدیریت خلاقانه
			مدیریت هوشمند
		مدیران شرکت های موفق	
		مشاوره	
		فعالیت های اقتصادی	
		عرصه اقتصاد	
		رشد ۳	
میزان توسعه اقتصادی			
درآمد بیشتری			
موتور محرکه اقتصاد			
سلامت اقتصاد			
سیاسی			
رمز بقای کشورها			
افت و خیزهای سیاسی			
تحریم			
صنایع بسته بندی			
آی سودا ۹	خوراکی		تافی ۳
			چوب شور
			دراژه ۲
			قرص نعنای
			ویفر
	کاراکتر آی سودا		لبخند ۲
	کمپین آی سودا		یک گاز ساده
	فوکوس گروپ		
	قدمت آی سودا ۲		
	دریافت لوح تقدیر از وزارت بهداشتی		
واحد نمونه		واحد تولیدی در تبریز	۸۵۰ واحد تولیدی شیرینی و شکلات در تبریز
			بهترین تولیدکنندگان شیرینی و شکلات

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
بازاریابی ۵	گروه مدیران ارشد برند آی سودا		صنعتی
	بازاریابی ایران		
	بازاریابی آنلاین		
	استراتژی بازاریابی ۴	بازاریابی دهان به دهان	
	ارتباطات بازاریابی	پیشبرد استراتژی‌های بازاریابی برند	
	ابزارهای آمیخته بازاریابی	تقویت ارتباطات بازاریابی	
	انجمن بازاریابی آمریکا	مهم ترین ابزارهای آمیخته بازاریابی	
	بازاریابی بین‌المللی ۲	تحقیقات گسترده	
	ترفندهای بازاریابی		
	سخت‌تر شدن بازاریابی		
	سرنخ‌های بازاریابی ۲		
	فعالیت‌های بازاریابی	بازاریابی صحیح	
		روش‌های خلاقانه بازاریابی	
		عدم توان برنامه‌ریزی و بازاریابی طولانی مدت	
		فنون بازاریابی	
بازار ۹	رویدادها		
	بازار داخلی	بازارهای ثابت ایران	بازارهای ثابت صادراتی ایران
	رقابت در بازار	محدودیت‌های بازار داخلی	
		اهمیت بازار کشورها	
		افزایش رقابت در بازار	
		سهولت ورود رقبای خارجی به بازار ایران	
	بازارهای جدید		
	بازارهای جهانی ۴	رمز بقای کشورها در بازارهای جهانی	
	بازارهای خارجی	بازارهای برون‌مرزی	بازارهای بین‌المللی ضعیف
	بازارهای خوب		
بازارهای فروش شکلات ۳	اندازه بازار کوچک شکلات		

مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون		
افزایش فروش ۴	افزایش فروش در اعیاد	رشد فروش			
	افزایش فروش شکلات				
	افزایش فروش کالاهای موجود				
دستیابی به حداکثر فروش					
رشد فروش ۳	رشد فروش درաژه روزهای پایان سال			خرده فروش ۲	
	مراسم شادی				
	مناسبت های فصلی				
	مناسبت های مختلف ۳				
تعیین نیازهای بازار هدف ۲	تعیین بازار هدف ۳			بازارهای هدف ۴	
	حضور در بازارهای هدف				
	برقراری ارتباط با بازار هدف				
	ظرفیت های سایر بازارهای هدف				
		تحقیقات بازار			
		رهبر بازار			
	سهم بازار ۵ درصدی ایران از بازار شیرینی و شکلات جهان	سهم بازار			
		کاهش ریسک از دست دادن بازار			
		ورود محصول به بازار			
	ارزش بازار ۱۰ میلیارد دلاری ۲	ارزش بازار محصولات شیرینی و شکلات ۲			
	برندهای ساخت ایران	برند ایرانی	برند ۱۱		
	برند با سابقه در صنعت	برند آی سودا ۲			
	تدوین منشور هویتی برند آی سودا				
	افزایش تمایل به برندهای مختلف	برند محبوب			

مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون
برندهای خارجی موجود		برندهای خارجی	
تقلید از برندهای خارجی			
کاهش قدرت رقابت با برندهای خارجی			
		برندینگ	
		تحلیل برند ها	
تصویر ذهنی بهتر و مثبت‌تر از برند		تصویر ذهنی از برند ۲	
ماندگاری در ذهن ۲			
تعامل و همکاری با سایر برندها			
وجهه برند			
یادآوری برند	ثبت نام برند در اذهان	نام برند	
افزایش آگاهی از برند	آگاهی از برند		
	تقویت ارزش نام و نشان تجاری		
		توسعه برندها	
	حفظ ارزش برند	ارزش ویژه برند	
		روند حرکتی برند	
		ریبرندینگ ۳	
		شخصیت برند	
		شعار برند	
		صاحبان برند	
		راه‌های موفقیت برندها	
	ظرافت لوگو	لوگو ۸	
	آرم و نشان		
	مارک‌های تبلیغاتی		
		مارک	
		محبوبیت برند	
		معرفی هیجان‌انگیزتر برند	
	هویت سازی	هویت	
	هویت مشخص		
	راه حل استراتژیک	واحد استراتژیک برند	
		بررسی وضعیت موجود برند	
		بسته بندی محصولات گران	بسته بندی

مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون	
		قیمت	محصولات ۲	
		بسته بندی محصولات لوکس		
		بسته بندی های جذاب شکلات		
		بسته بندی های زیبا		
	بیضی	اشکال هندسی	رنگ بسته بندی	
	دایره			
	کلیه اشکال			
	مثلث			
	مربع			
تصویر ذهنی از رنگ بسته بندی	رنگ ۱۰	رنگ بسته بندی		
رنگ های مرسوم در بسته بندی شکلات ها در اروپا				
توجه تولیدکننده به رنگ بسته بندی				
جیب بودن رنگ بسته بندی				
رنگ بندی خاص	رنگ بندی ۶			رنگ بسته بندی
رنگ سفید ۳				
تنوع رنگهای مورد علاقه مشتریان صنعت				
رنگ خاص				
	اثر بخشی رنگ ۲		سایز	
	اوپسیتی رنگ			
	بدون رنگ اضافی			
		استفاده موثر از فویل های برجسته		
		جلا دادن به سطح بسته بندی		
	کاری دور از ذهن	بسته بندی های متفاوت ۲		
خدمات پیشرفته بسته بندی شکلات	سبک	بسته بندی شکلات ۲۲		
کپی برداری				
	خرید محصول به دلیل بسته بندی	بسته بندی فریبنده		

مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون
عدم توجه مخاطب به حجم شکلات هر بسته			
		بسته بندی بزرگتر	
		برجسته سازی بسته ها ۲	
استرالیا ارائه دهنده خدمات پیشرفته بسته بندی شکلات		بخش بسته بندی محصولات شرکت های استرالیایی	
بیرون زدگی		چاپ روی بسته ها	
طرح ها و بسته بندی های جدید ۲			طرح بسته بندی
ساده ۳			
شکل ۲			
شکل اختصاصی			
عدم تمایز			
تمایز			
طراحی ۴	ایده‌هایی جذاب طراحی		طراحی بسته بندی
طراحی بسته بندی با رنگ های تند	طراحی متنوع		
طراحان ۵			
طراحان فعال			
طراحی جعبه ها ۲	طراحی جعبه های شکلات		
	طراحی محصولات جدید		
	طراحی و تجدید بسته بندی های شکلات		
	تکنیک های طراحی موثر		
	اثر بخشی اقلام طراحی بسته بندی		
	کاربردهای متنوع		
	کاربرد تبلیغ براساس نوع محصول	نوع بسته بندی ۲	
	کاربرد تبلیغ هر نوع محصول		
		کاربردی ۳	

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	
			کاربرد تبلیغات چاپی بعد از ورود محصول به بازار	
			کاربرد رنگ در تبلیغات چاپی ۲	
		لمینیت های آلومینیومی		
		کادوئی طلایی		
تبلیغات ۸۹	تبلیغات کالاها ۳	تبلیغات تصویری - ۲	شبکه های تلویزیونی	
		تبلیغات تلویزیونی	شبکه های مختلف تلویزیونی	
			شبکه های خبری	
		تبلیغ های بنری		
		تابلوهای تبلیغاتی ۲		
		تبلیغات محیطی - ۲	تبلیغات محیطی	تبلیغات محیطی
			آی سودا	آی سودا
			تبلیغات میدانی مترو	تبلیغات میدانی مترو
			تلویزیون ۲	تلویزیون ۲
			سالنهای فرودگاه	سالنهای فرودگاه
			تراکت های تبلیغاتی	تراکت های تبلیغاتی
			پله های برقی مترو	پله های برقی مترو
			تبلیغ های تیزری	تبلیغ های تیزری
		پوستر	پوستر	
		مطبوعات	مطبوعات	
		تیزر	تیزرهای متنوع	تیزر
برنامه ی تلویزیونی			برنامه ی تلویزیونی	
وسط فیلم			وسط فیلم	
کلیپ های تبلیغاتی			کلیپ های تبلیغاتی	
شبکه های تلویزیونی			شبکه های تلویزیونی	
تمرکز	تمرکز بر جذابیت ها	تمرکز	تمرکز بر جذابیت ها	
	فکر		فکر	
توجه	توجه انتخابی	توجه	توجه انتخابی	
	راهکارهای مختلف		راهکارهای مختلف	
	جلب توجه مخاطبان		جلب توجه مخاطبان	
			ثبت تصاویر آگهی	
	نیمکره مغز ۲	تمایل به ادراک جذابیت های بصری		

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	
		پردازش ۲	سیستم پردازش اطلاعات	
			پردازش اطلاعات تصویری	
			پردازش اطلاعات کلامی با نیمکره چپ	
			پردازش اطلاعات منطقی با نیمکره چپ	
		رموز ادراک		
		ساختار عصبی مغز	ایجاد حساسیت در سیستم عصبی	
		نیمکره راست مغز ۲	نیمکره راست پردازش سمت چپ تبلیغ	
		نیمکره های مغز ۲	نیمکره سمت چپ نیمکره مخالف	
		ترفند ۳		
		تصور ۲		
تبلیغات پنهان - ۳		سابقه ی استفاده از تبلیغات پنهان	نامرئی	
		افزایش تبلیغات پنهان		
		کاربرد تبلیغات پنهان		
		فقدان کارکرد های پنهان تبلیغات		
		شیوه های نوین تبلیغات پنهان	معنای مستتر در تبلیغات	
		ترفند هوشمندانه		
		تبلیغات چریکی - ۲	تبلیغات هدفمند	
		تبلیغات زیرحسی - ۲	تبلیغات نامحسوس	
		تبلیغات کارآمد	جزئیات بیشتر	
		تبلیغات تولیدکنندگان	تبلیغات ماندگار	
تبلیغات محصولات لوکس				
تبلیغ اقلام کیفی				
تبلیغ جهت افزایش فروش				
تبلیغ روی بسته بندی - ۲				
تبلیغات منفی - ۲	عدم سودآوری تبلیغ برخی محصولات			

مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون
عدم نیاز به تبلیغ برخی محصولات		تبلیغات موثر	
فراگیر ۲			
تحریک			
ترغیب به استفاده از خدمت			
ترغیب عمومی			
ملموس ترین حالت	ملموس		
	مناسب		
	مناظر زیبا		
	منحصر به فرد ۲		
	موثر		
	اثر بخشی تبلیغات		
	مورد پسند		
	میزان اثر گذاری تبلیغ		
	تبلیغات چند مرحله ای		
	فرآیند تصمیم گیری		
صرف هزینه کمتر تبلیغات چاپی		هزینه تبلیغات محدود	
		ترفیح	
شنونده		رادیو ۲	
برنامه های رادیویی			
صحبت با مخاطب			
بیلورد خاص		بیلورد ۵	
طرح بیلورد			
روزنامه ۳			
مجلات ۲		مطبوعات	
مجله تبلیغاتی			
بروشورهای تبلیغاتی	بروشور		
بروشورهای کسب و کارها			
بروشورهای محتوایی			
	تصاویر تلویزیونی	تصاویر ۵	
	تصاویر دریافتی		
	تصاویر ویدئویی		
تصویر ذهنی مثبت	تصویر ذهنی ۲		
برداشت			

مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون
تصویری مشخص	نمایش کالا		
مشاهده ۲			
جذابیت ۳			
متقاعد سازی مخاطب ۲	افزایش میزان مخاطبان		
	راه های متعارف		
جذب مخاطب	عوامل تاثیرگذار ۲		
کیفیت ۵	کیفیت بالا		
	کیفیت بسیار مطلوبی		
	کیفیت بهتر		
	کیفیت تصویر		
جنبه‌ی احساسی	عوامل مختلف حسی		
	احساس ۳		
	احساس بهتر		
	احساس شفاف		
چشمک ۲			
چهره			
مکانها	میدان دید		
	موقعیت مکانی		
	تصاویر		
	حالت های زنانه		
	حالت های مردانه		
	فرد		
	بیننده		
نوشیدنی ۴	فنجان قهوه		
	قهوه ی سرد		
	انواع نوشیدنی‌های گرم		
ایجاد هیجان	هیجان احساس شده		
حس	حس های چندگانه ۲		
	دل ضعفه		
	افزایش ترشح بزاق		
ادراک			
دیدن تصویر	زیبا		

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
			زیباترین
			شارپ بودن خطوط
			برش نامنظم
			فرورفتگی خطوط
			شدت
			فونت های به کار رفته
		فیلم	فیلم های سینمایی ۲
		درج لوگو	
		مدل تبلیغاتی	
		عکس	
		المان های تصویری ۲	المان های غیر واقعی
		واژه ۷	واژه اضافی
		لذت	
		کانسپت	
	چارچوب ۴		
	تصور جهان بدون تبلیغات	عاری از اطلاع رسانی	
		عاری از تبلیغات	
	حذف تبلیغات بیلборدی آی سودا		
	حوزه تبلیغات	حوزه تبلیغات کشور	
	نوآوری ۲		
	خلاقیت ۶	شکلات تبلیغاتی ۶	
		بکارگیری خلاقیت	
		کارت هایی شکلاتی	کارت ویزیت شکلاتی ۸
		فکر	
	خلق ایدئولوژی مصرف	صرف زمان زیاد	
	شعار تبلیغاتی		
	پیام تبلیغاتی ۲	پیام های دیداری	
		پیام های گفتاری	
		پیام های بازرگانی ۲	
	کارا کتر ۱۴	خنده ای دوست داشتنی	لبخند ۲
		خلق کارا کتر	کارا کتر تبلیغاتی
			کارا کتر نوزاد
		مظهر	مظهر عشق
			مظهر محبت

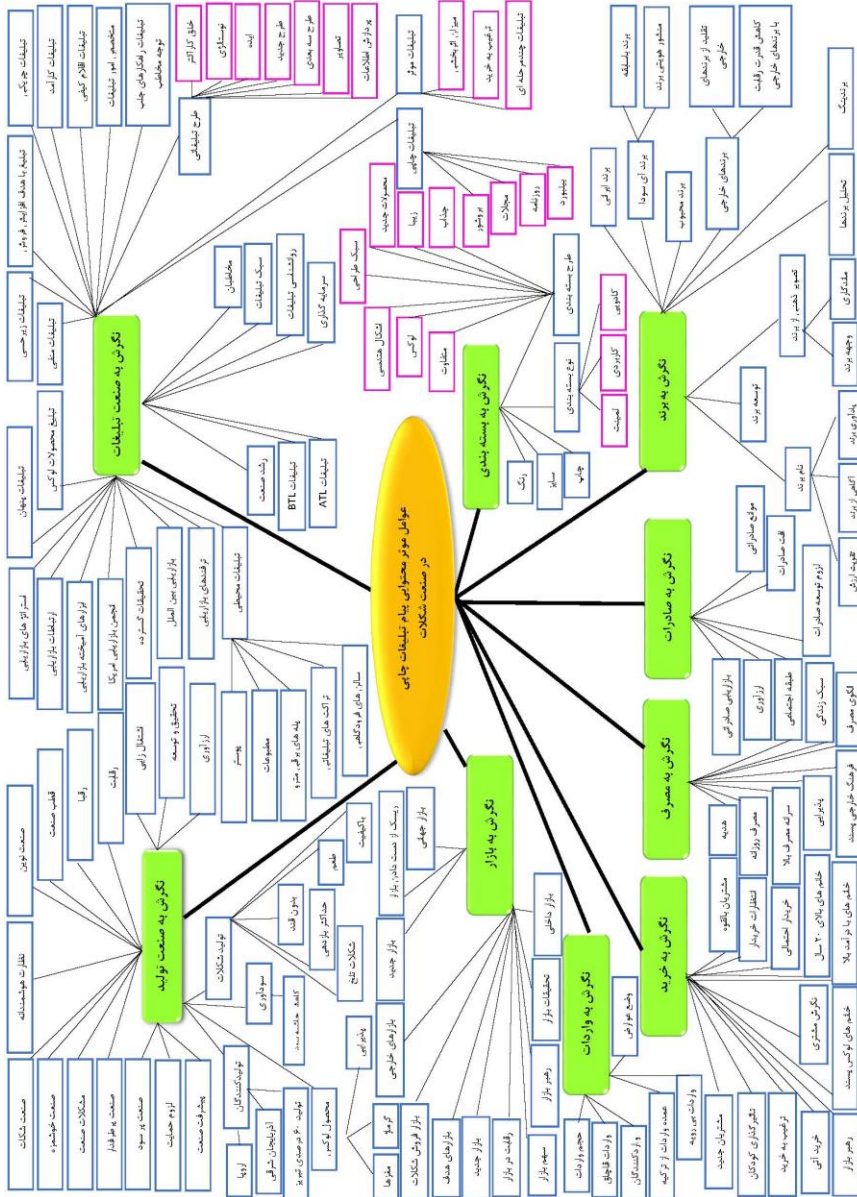
مفهوم اصلی	مفهوم فرعی	مقوله	مضمون
شخصیت اصلی			
شخصیت فانتزی آی سودا			
شخصیت های سینمایی			
شخصیت های فرهنگی			
شخصیت های ورزشی			
شخصیتی شاد			
شخصی سازی			
یک مدل زیبارو			
داستان آگهی ۲	ساخت آگهی ۲	آگهی ۲	
طرح های جدید			
طرح های حجمی			
طرح های دو بعدی			
طرح های سه بعدی			
طرح آی سودا			
استقبال از طرح			
طرح مورد نظر مشتری			
طرح های خاص			
طرح کوچک			
طرح های سمپلینگ			
تعامل با مخاطبان جدید			
تعامل سازنده با مخاطبان			
آگهی سازان تجاری	آگهی ساز		
آگهی تلویزیونی ۳			
ایده پردازی	ایده		
یادآور دوران کودکی	نوستالژی ۲		
	سفارش دهنده آگهی ۲		
	پیام آگهی		
	رایانه		
	اینترنت ۲		
	عصر دیجیتال امروزی		
	عدم محدودیت		
	شبکه های اجتماعی		
	ابزارهای کاربردی		
افزایش فروش با	تبلیغات 3- ATL	ابزارهای تبلیغات	

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی			
			تبلیغات ATL			
			تبلیغات ATL مطابق فصل			
			زمان شروع تبلیغ ATL			
			اثر بخشی تبلیغات ATL			
			تبلیغات 3 - BTL	افزایش سرعت فروش در BTL		
				اثر گذاری فوری تبلیغات BTL		
				ابزارهای آنلاین ۲		
				رسانه ۴	رسانه ملی	
				کشش رسانه‌ای قوی	رسانه‌های اجتماعی ۴	
				رسانه‌های تبلیغاتی	سایر رسانه ها	
				ظهور رسانه های نوظهور		
			رشد صنعت تبلیغات			روانشناس صنعتی
						روانشناسان اجتماعی
						افزایش تبلیغات
شرکت های تبلیغاتی	شرکت های ارائه دهنده خدمات تبلیغاتی					
روانشناسان تبلیغات ۳	کانون ایران نوین					
سهولت جریان اطلاعات	برقراری ارتباط با پیام تبلیغات چاپی					
	انتقال پیام					
عدم محدودیت						
سبک تبلیغات			شیوه			
			کف پیاده روها			
			هدایای تبلیغاتی ۵	هدایای تبلیغاتی جدید		
			هدیه‌ی تبلیغاتی خوب			

مضمون	مقاله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
			بهترین هدیه‌ی تبلیغاتی
			ارسال هدایای تبلیغاتی ۵
			ارسال هدایای تبلیغاتی برندها
			ارسال هدیه در مناسبت‌ها
		تبلیغ کالا روی کالا - ۲	تبلیغ روی شکلات
		سودآوری با تمرکز بر تبلیغات کادوئی	
		روش تبلیغ کالا	کالاپردازی
		متد روانشناسان تبلیغات	
		روش تبلیغاتی ۴	بهترین ابزار
			اقلام تبلیغاتی
			بهترین راهکارهای تبلیغاتی
			بهترین گزینه تبلیغاتی
			بدنه‌ی وسایل نقلیه
			ایستگاه های مترو
			ایستگاه های اتوبوس
			روش تبلیغ برند
		سمت چپ بیننده	
		سمت چپ تبلیغ	
		زبان مورد نظر	
		دانش بصری	
		دانش پایین	اطلاعات کم از تبلیغات ۲
		شرایط محیطی مناسب	
		شناخت	معرفی بهتر
			معرفی کالاهای جدید
		سیل عظیم واژگان	
		تبلیغات الهام بخش	
		روانشناسان	
		نورولوژیست	
		مسیر مستقیم	
	روانشناسی تبلیغات		
	صحبت مستقیم با مخاطب		

مضمون	مقوله	مفهوم اصلی	مفهوم فرعی
	طرح تبلیغاتی ۳	متقاعدسازی مردم	
		طراح تبلیغات ۲	
		افراد متخصص ۳	متخصص امور تبلیغات ۲
		طراحان پیام	
		طراحان کمپین های تبلیغاتی	
		کمپین ۸	کمپین جدید
			گروه های اجرایی کانون
	عرصه تبلیغات ۲	عرصه تبلیغات بین المللی	
فعالیت های تبلیغاتی ۳	فعالیت های ترفیعی	فعالیت های تبلیغاتی سنتی	قدیمی ترین نوع تبلیغات
		برون سپاری تبلیغات	
		پروموشن تبلیغاتی	کاهش پروموشن
مجموعه های تبلیغاتی	محتوا	محتوای جذاب	
		محتوای طنزآمیز ۲	
		بی محتوا	
		محتوای قوی	
		محتوای گرافیکی	محتوای گرافیکی در سمت چپ آگهی
		محرك ها	محرك ملايم
مخاطبان ۱۶	مخاطبان کم سن و سال	ذهن مخاطبان ۲	قدرت انتخاب
			تقاضای مداوم کالا
			قدرت تشخیص
			قضاوت
			ماندگار ۲

در نمودار شماره ۱ زیر عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر نگرش به تبلیغات و نگرش به برند از دیدگاه کارکنان آورده شده است:



شکل ۱: طبقه بندی مفاهیم و مقولات اصلی

نتیجه گیری

هدف از این تحقیق شناسایی و ارزیابی عوامل موثر محتوایی پیام تبلیغات چاپی بر نگرش به تبلیغات و نگرش به برند از دیدگاه کارکنان بوده است. نتایج حاصل از استخراج مفاهیم و مقوله ها و مضمون های حاصل از ۴ مصاحبه با مدیران و فعالان صنعت شکلات، منجر به شناسایی متغیرها (مضمون ها) و مولفه های هر متغیر از دید فعالان و مدیران صنعت شده است. همچنین، با توجه به اینکه تمامی مصاحبه شوندهگان از جمله فعالان در شرکت آی سودا می باشند، لذا کدهای به دست آمده حاصل از مصاحبه آزمودنی ها، قابلیت اتکای بیشتری پیدا می کنند. ۹ مولفه تعیین کننده متغیر (مضمون) محتوای پیام تبلیغاتی شامل موارد ذیل است: نگرش به صنعت تبلیغات، نگرش به برند، نگرش به صنعت تولید، نگرش به بازار، نگرش به بسته بندی، نگرش به واردات، نگرش به صادرات، نگرش به خرید، نگرش به مصرف. نگرش به صنعت تبلیغات، دربرگیرنده مولفه های رشد صنعت، تبلیغات BTL و ATL، تبلیغات محیطی، ترفندهای بازاریابی، تحقیقات گسترده، ابزارهای آمیخته بازاریابی، ارتباطات بازاریابی، استراتژی های بازاریابی، تبلیغات پنهان، تبلیغ محصولات لوکس، عدم تبلیغات منفی، تبلیغات زیرحسی، تبلیغات با هدف افزایش فروش، تبلیغات کارآمد، تبلیغ اقلام کیفی کالا، کاربرد متخصصین تبلیغات، کاربرد طرح تبلیغاتی، کاربرد موثر تبلیغات چاپی، و سرمایه گذاری در صنعت است. همچنین نگرش به بسته بندی دربرگیرنده مولفه های طرح بسته بندی، رنگ، سایز، چاپ، و نوع بسته بندی است. نگرش به برند شامل مولفه های توسعه برند، نام برند، تصویر ذهنی از برند که لزوم ایجاد ماندگاری و حفظ وجهه مثبت به برند است. که برند آی سودا را به عنوان یک برند محبوب نمایان می سازد. نگرش به صادرات و واردات محصولات نیز از جمله موارد تاثیرگذار بر تصویر ذهنی از برند محسوب می شود که می تواند دیدگاه مخاطبین پیام های تبلیغات چاپی را نسبت به محصول تغییر دهد. نگرش به مصرف و نوع مصرف که شامل خرید کالا به عنوان هدیه، مصرف روزانه شخص، سرانه مصرف بالای موجود در بازار، سبک زندگی افراد و طبقه اجتماعی افراد مصرف کننده نیز می تواند از جمله آیتام های موثر در نگرش افراد به مصرف محصول شکلات باشد. نگرش به خرید که دربرگیرنده مشتریان بالقوه، مشتریان جدید، و نگرش مشتریان موجود، ترغیب به خرید آنان و تاثیرگذاری کودکان به خرید محصول است. همچنین نگرش به تولید در صنعت، نیازمند حمایت، پیشرفت صنعت شکلات در دوره کنونی، و وجود صنعتی رپرسود، با وجود مشکلات فراوان صنعت، به همراه نظارت هوشمندانه، وجود رقبا، و اشتغال زایی که لازمه آن تحقیق و توسعه می باشد که منجر به ارزیابی هر چه بیشتر در صنعت می شود. یافته های تحقیق با نتایج سرآبادانی (۱۳۸۹)، کاتلر (۱۳۸۵)، رویز و سیسیلیا (۲۰۰۴)، کامنیسکی و ریچارت (۲۰۱۰) و گیونس و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

فهرست منابع

۱. پرسی، ل. روسیتر، ج. الیوت، ر. ۱۳۹۱، مدیریت استراتژیک تبلیغات، انتشارات مدیریت صنعتی، تهران.
۲. چادهوری، ا. ۱۳۹۱، "هیجان و منطق در رفتار مصرف کننده"، مترجم حیدرزاده، کامبیز، انتشارات سیته.
۳. سرآبادانی، م. ۱۳۹۰، "تاثیر جاذبه های فروش نرم و سخت آگهی های تجاری بر قصد خرید مصرف کنندگان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تحقیقات، تهران.
۴. سولومون، م. (۱۳۹۲)، رفتار مصرف کننده، ترجمه کامبیز حیدرزاده، انتشارات بازاریابی.
۵. طیبی، ج، ملکی، م، و دلگشایی، ب، ۱۳۹۰، تدوین پایان نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی، انتشارات فردوس، تهران.
۶. کاتلر، ف. ۱۳۸۵، مدیریت بازاریابی، فروزنده: مترجم، انتشارات رشد، تهران.
۷. کاویانی، م. (۱۳۹۱)، "روانشناسی تبلیغات با تاکید بر تبلیغ دینی"، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. مارشال ریو، ج. (۱۳۹۱)، "انگیزش و هیجان"، ترجمه سید محمدی، انتشارات ویرایش.
۹. مالهوترا، ن. ۱۳۹۲، تحقیقات بازاریابی، حیدرزاده و تیمورپور: مترجم، انتشارات مهربان نشر، تهران.
۱۰. محمدیان، م. (۱۳۷۹). "مدیریت تبلیغات"، انتشارات حروفیه.
۱۱. موون، ج. و ماینور، ر. ۱۳۸۹، "رفتار مصرف کننده"، حیدرزاده کامبیز: مترجم، نشر دانشگاه آزاده اسلامی، قزوین.
12. Benson, C.E. & Lucas, D.B. (1929), "The historical trend of negative appeals in advertising", *Journal of Applied Psychology*, Vol. 13, No.4, Pp. 346-356.
13. Brennan, L. & Binney, W. (2010), "Fear, guilt, and shame appeals in social marketing", *Journal of Business Research*, 63, 140-146.
14. Fife, D. Mendoza, J. Terry, R. (2012). "The Assessment of Reliability Under Range Restriction A Comparison of α , ω , and Test-Retest Reliability for Dichotomous Data", *Educational and Psychological Measurement*. Vol. 72, No. 5, pp. 862-888.
15. Geuens, M. Pelsmacker, P. & Fasseur, T. (2011), "Emotional

advertising: Revisiting the role of product category”, Journal of Business Research Vol. 64, Pp. 418–426.

16. Kaminski, H. & Reichert, T. (2010), “Using Sexual Appeals in Advertising to Sell Cosmetic Surgery: A Content Analysis from 1986 to (2007)”, Sexuality and Culture Vol. 15, Pp. 41-55.

17. Kibrien, S. (2000), “Emotions, Advertising and Consumer Choice”, Copenhagen Business School Press.

18. Lee, E., & Schumann, D. (2004), "Explaining the special case of incongruity in ad: Combining classic theoretical approaches", Marketing Theory, Vol. 4, No. 1/2, Pp. 59-90.

19. Okazaki, Shintaro & Mueller, Barbara & Taylor, Charles R. (2010a), "Measuring Soft-Sell versus Hard-Sell Advertising Appeals", Journal of Advertising, Vol. 39, No. 2, Pp. 5-20.

20. Ruiz, S. & Sicilia, M. (2004), “The impact of cognitive and/or affective processing styles on consumer response to advertising appeals”, Journal of Business Research 57, 657– 664.

21. Solomon, M., & Bamossy, G., Askegaard, S., Hogg, M., (2006), Consumer Behavior: European perspective, Europe: Prentice Hall

مدل سازی ویژگیهای بسته بندی محصولات غذایی و تاثیر آن بر روی تصمیم گیری خرید مشتریان با رویکرد اخلاقی

۱ داریوش زارعی

۲ حسین وظیفه دوست

۳ وحید رضا میرابی

چکیده

یکی از اجزای بسیار تاثیر گذار در فرایند فروش الگویی است که برای ساختار بسته بندی طراحی و انتخاب می شود. این طراحی گاهی الهام گرفته از عناصر مرتبط با محصول مثل هندسه محصول، منشا محصول یا جغرافیای تولید محصول می باشد. در شرایطی که امروزه مشتری ها از قدرت انتخاب بیشتری نسبت به گذشته برخوردار هستند، تمایلی به مشاهده توضیحات و مواد تشکیل دهنده هر یک از این محصولات برای مقایسه آنها ندارند. البته با توجه به اینکه هنوز در کشور ما فرهنگ خرید بر مبنای خرید فله و باز است هنوز راه درازی در پیش داریم تا شاهد رشد و رونق بسته بندی های محصولات باشیم ولی این روزها صادرکنندگان متوجه این شده اند که بدون توجه به این بخش توفیقی در بازار جهانی نخواهند داشت و همگان می دانیم که به خاطر همین بسته بندی بود که بازار زعفران را به اسپانیا واگذار کردیم و اگر تولید کننده ای گوشه چشمی به بسته بندی نشان می دهد در راستای ارتقای بسته بندی محصولاتش از بد به متوسط است و هنوز جایی برای بسته بندی های خلاقانه در صنعت کشور در نظر گرفته نشده است. براین راستا در این نوشتار انواع مدل ها و نظریه های بسته بندی را هم از لحاظ اخلاقی و اعتقادی نظریه های مختلف دانشمندان مورد بررسی قرار داده ایم، باشد که بتوانیم گامی در راستای کمک به تولیدکنندگان و افزایش فروش آن هابرداریم.

واژگان کلیدی

افزایش فروش، بسته بندی، مدل ها، رقابت، مصرف کننده، تولیدکننده، اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، مدیریت بازاریابی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، قشم، ایران.

Email: ctoc55@yahoo.com

۲. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Email: vazifehdust@yahoo.com

۳. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

Email: vrmirabi@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۶

طرح مسأله

بسته بندی یک عملیات تجاری پیچیده، پویا، علمی، هنری و بحث آفرین است که در بنیادی ترین شکل خود، کارکردهای محافظت، نگهداری، حمل و نقل، اطلاع رسانی و فروش را شامل می‌شود. بسته بندی نوعی عملکرد خدماتی است که به خودی خود نمی‌تواند وجود داشته باشد؛ زیرا به یک کالا نیازمند است. اگر کالایی وجود نداشت، هیچ نیازی به بسته بندی نبود. بسته بندی کارکردهای بسیار متنوعی دارد، از کارکردهایی که ماهیت فنی دارد گرفته تا آنهایی که به بازاریابی مربوط می‌شوند. مشخصات فنی بسته بندی نیازمند مهارت های علمی و مهندسی می‌باشند، درحالی که متخصصان بازاریابی نیازمند مهارت هایی در زمینه درک هنری و انگیزشی هستند. مدیران بسته بندی نیازمند یک درک بنیادی هستند که هر دو مقوله بازاریابی و فنی را، همراه با شم تجاری خوب، شامل می‌شود. این دامنه غیرمعمول مهارتی، صنعت بسته بندی را بریک گزینه شغلی منحصر به فرد تبدیل می‌کند. بسته بندی یک پدیده جدید نیست، فعالیتی است که ارتباط تنگاتنگی با تکامل جامعه دارد و از این دیدگاه می‌توان آن را تا دوره اولیه زندگی بشر ردگیری کرد. ماهیت درجه و کمیت بسته بندی در هر مرحله از رشد یک جامعه بازتاب نیازها، الگوهای فرهنگی، منابع، مواد و فن آوری آن جامعه می‌باشد. مطالعه نقش‌ها و اشکال متغیر بسته بندی در طول قرون، به معنای واقعی، مطالعه ای است از رشد و تمدن. به نظر می‌رسد که تغییر، از نقطه نظر فردی، اغلب به آن چیزی اطلاق می‌شود که قبلا رخ داده است، ولی جامعه دارای تغییرات روزانه است: برخورد با چالش‌های جدید، آگاهی ترکیب یافته جدید، پاسخ به نیازهای جدید و رد سیستم‌هایی که عدم مقبولیت آنها به اثبات رسیده است. این تغییرات، ناگزیر در نحوه بسته بندی، توزیع، و مصرف کالاهای ما بازتاب می‌یابند. از آنجایی که علم بسته بندی، با هر آنچه که به عنوان یک جامعه انجام می‌دهیم، رابطه تنگاتنگی دارد؛ پس تعجبی نخواهد داشت که صنعت بسته بندی نیز همواره در حال تغییر باشد. ممکن است یک بخش کامل، بدون هیچ اعتنایی رها شود و صنایع جدید با کشف مواد، فرآیندها و یا نیازهای جدید ایجاد گردد. برای نمونه یک بخش جدید در بسته بندی پس از یک حادثه فاجعه آمیز دستکاری در کالا (دوره تیلول در اکتبر ۱۹۸۲) زاده شد. جامعه ناگهان سیستم های بسته بندی را طلبید که دستکاری در کالا را نشان می‌دهد. ایران طی دهه ی گذشته تفاوت‌های چشمگیری در صنعت بسته بندی تجربه کرده است. علی رغم برخی مشکلات ریز و درشت، روندهای مشاهده شده نشان از سرعت اوج گیری گرایش به محصولات بسته بندی شده از طرف مصرف کننده است. به بیان دیگر این روزها تاثیرات بسته بندی خلاقانه بر زندگی روزمره مردم کاملاً قابل لمس است. قطعاً یکی از نتایج رشد شگفت انگیز افزایش شهر نشینی، تغییر در فرهنگ مصرف، تمایل بیشتر به صرفه جویی در زمان و استفاده از محصولات با دوره ماندگاری بالاتر، ارزش

افزوده بیشتر و دارای استانداردهای کیفی لازم خواهد بود. البته به شرطی که جایگزینهای شایسته ای برای محصولات تازه و بدون بسته بندی به بازار معرفی شود. عناصر بسته بندی نظیر اندازه، رنگ، تصویر پشت زمینه، مدل، طراحی لفاف بسته بندی، چاپ اطلاعات و نوآوری به طور پیش فرض وجود دارند. بسته بندی محصول زنجیره ارتقا را می سازد و این پایان فاصله با خرید واقعی است و از این رو به عنوان تابعی مهم در پیش بینی تصمیم خرید مصرف کننده عمل می کند. پژوهش انجام شده دیگری که در کراچی پاکستان به این نتیجه رسیده است که با توجه به سلف سرویس در حال ظهور و رو به رشد و تغییر سبک زندگی مصرف کنندگان، اینترنت در بسته بندی به عنوان یک ابزار بازاریابی، تبلیغات و مشوق رفتار خریدناگهانی در حال شکوفایی بیشتر و بیشتر است. تحقیقات نشان می دهد که بسته بندی نقش مهمی را در بازاریابی و تشویق یاحتی گاهی دلسرد کردن مصرف کننده از خرید یک محصول خصوصاً در لحظه خرید یا در زمانی که خریدار در حال انتخاب بین برند های متفاوت از یک کلاس محصول است. این مطالعه به بررسی تاثیر اجزاء و عناصر مختلف بسته بندی بر تصمیم خرید مشتری می پردازد و این موضوع را دنبال می کند که چگونه بسته بندی در شرایط مختلف بر فرآیند تصمیم گیری اثر گذار است؟ هدف کلی این نوشتار تعیین مولفه های بصری و اطلاعاتی بسته بندی برای جذب مشتری است. به همین منظور در این نوشتار در ابتدا تا فاکتورهای بسته بندی مشخص گردیده و در بخش های بعدی انواع مدل های بسته بندی تعیین و در آخر یک مدل رایج برای استفاده تولید کنندگان معرفی شده است.

پیشینه پژوهش

- ۱- سچاکرو فیسون و شوارتز، بسته بندی را متغییری می دانند که ارزیابی از محصول راحت تاثیر قرار میدهد.
- ۲- گاردنر و لیکولن به بسته بندی به عنوان ابزار ارتباطی برای شناسایی برند می دانند.
- ۳- مک دانیل و بیکر بسته بندی را متغییری برای اندازه گیریدرک مشتری از کیفیت محصول می دانند.
- ۴- فیض و سلحشور در سال ۱۳۸۹، تأثیر نسبت طلایی را بر می زان جدا بیت بسته بند بررس ی کردند. طبق تعریف آنها، نسبت طلایی در یک بسته بندی، اندازه ای است که به چشم زیبا و جذاب به نظر برسد. پژوهش آنها نشان داد که نسبت طلایی میتواند جدا بیت بسته بندی محصول را افزایش دهد.
- ۵- عارفی و نکویی در سال ۱۳۸۹، پژوهشی در راستای تأثیر دو عنصر تصویری بسته بندی، یعنی رنگ و شکل، بر دو تداعینمادین (شخصیت شناسه) و کارکردی (با و در مورد شناسه) انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان میدهد که رنگ و شکل بسته بندی به عنوان ابزار

ی بر ای متما یز کردن محصول و مقدمه‌های برای شکل گیری شخصیت و باورهای شناسه، است.

۶- آقازاده، حقیقی و ابراهیمی (۱۳۹۰) برای بررسی تأثیر بسته بندی محصول بر تصمیم خرید مصرفکنندگان مطالعه ای انجام دادند. آنها دو مؤلفه سطح درگیری مصرف کننده و فشار زمانی را به عنوان متغیرهای می انجی در نظر گرفتند. نتایج پژوهش آنها نشان م یدهد که در شرایط فشار زمانی، متغیرهای بصری بسته‌بندی، مثل رنگ، شکل و اندازه، به ترتیب نسبت به عناصر اطلاعاتی دارای اهمیت بیشتری هستند.

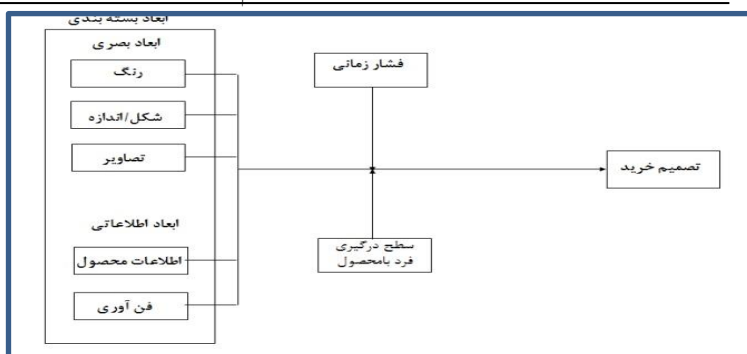
همانطور که مشاهده می کنبد هیچ یک از تحقیقات بالا به صورت کامل جنبه های بصری و اطلاعاتی جذب مشتری در خصوص طرح بسته بندی نپرداخته اند.

۱- مولفه های بسته بندی

۱-۱-۱- درگیری ذهنی

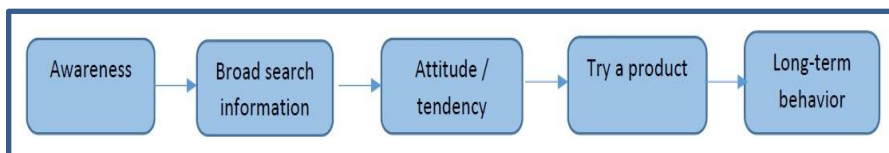
یکی از مفاهیم اساسی که در رفتار مصرف کننده مورد بررسی قرار می گیرد، پردازش اطلاعات مصرف کننده است که شامل سه عامل ادراک، درگیری ذهنی و حافظه می باشد. درگیری ذهنی مصرفکننده، به عنوان اهمیت شخصی متصور و علاقه مرتبط با اکتساب، مصرف و کنارگذاری کالا، خدمت یا ایده تعریف میشود

که نشاندهنده میزان توجه، علاقه و اشتیاق ایجاد شده توسط یک محرک و یا یک وضعیت خاص است (آقا زاده و دیگران، ۲۵:۱۳۹۰) پژوهشها نشان میدهد که مصرف کنندگانی با درگیری ذهنی پایین، بیشتر تحت تأثیر محرک های محیطی قرار میگیرند. همچنین مصرف کنندگانی که درگیری بالایی در مورد محصولات دارند، قبل از خرید خوب فکر میکنند و محصول را با بررسی دقیق برند و اطلاعات آن خریداری می کنند (سیلایو و اسپیس، ۱۴:۲۰۱۶). کالاهایی با درگیری کم، طبقه ای از محصولات هستند که به صورت روتین و بدون فکر، پژوهش و زمانبندی خریدی، خریداری میشوند. در مورد این طبقه از محصولات، افراد بر اساس عواطف و احساسات، برای خرید تصمیم میگیرند. به طور کلی، مواد غذایی و نوشیدنیها، محصولات با درگیری کم به حساب می آیند، چون آنها معمولاً کم ارزش (از لحاظ مالی) هستند و در حجم بالا خریداری میشوند. شکل ذیل تاثیر درگیری ذهنی افراد دبسته بندی را نشان می دهد.



شکل (۱)

به طور کلی میتوان گفت اگر فردی در اولین خرید یک محصول درگیری بالایی داشته باشد "حل مسئله گسترده" توالی مناسب تصمیم گیری می باشد، زیرا اطلاعات با یک ترکیب منطقی پردازش می شوند. تصور می شود افرادی که در یک خرید کاملاً درگیر هستند در مسیر فرایندی که در شکل ذیل ترسیم شده است حرکت می کنند (Marshall, 2006: 15).



شکل (۲)

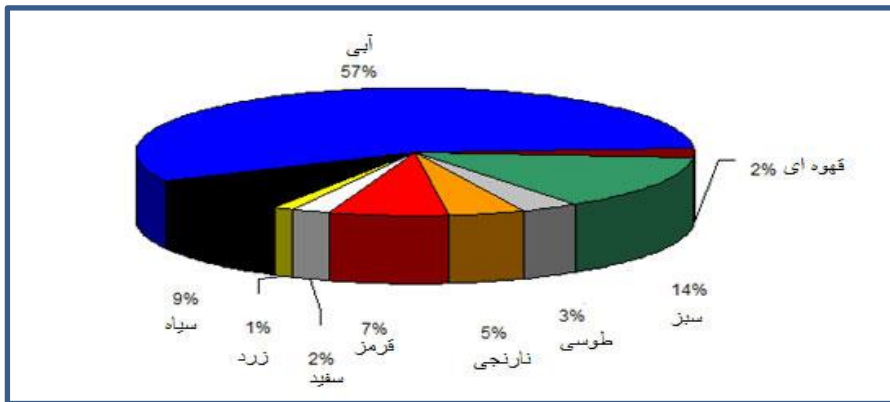
۲-۱-۱- مولفه های بصری و اطلاعاتی

۱-۲-۱-۱- طرح و رنگ

تینگوی و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین هارمونی رنگ طرح بسته بندی و درجه ارتباط آن با محصول، از طریق بررسی واکنش روانشناسانه پاسخگویان با استفاده از شیوه افتراق معنایی پرداختند.

نتایج پژوهش آنها نشان داد که هارمونی رنگ بسته بندی های آب میوه، باعث میشود مصرف کننده محصول را با کیفیت بالا ارزیابی کند. ادواردونگ (۲۰۱۳) در پژوهش خود برای بررسی اینکه چطور طرح بصری بسته بندی میتواند بر ادراکات و ارزیابی های بعدی مصرف کننده از محصول (کیفیت محصول، ارزش و ترجیح برند) اثر بگذارد، از بسته بندی محصول غذایی

اسنک استفاده کرد. نتایج نشان داد که نگرش نسبت به بسته بندی، به طور مستقیم بر درک مصرف کننده از کیفیت آن محصول و ترجیح برند و به طور غیرمستقیم بر ارزش غذایی محصول اثرگذار است. بازاریابان دریافته‌اند که روان‌شناسی رنگ نقش مهمی در چگونگی به نظر رسیدن یک کالا یا خدمت دارد. به رنگ‌های زرد و قرمز مک دونالد فکر کنید. این به چه معناست؟ به این معنی است که با درک اهمیت رنگ در بسته بندی محصول و بازاریابی، شرکت‌ها می‌توانند اثر برند خود را بر روی مشتریان به حداکثر برسانند (Metcalf, 2012: 268).



شکل (۳)

۱-۲-۲- استفاده از بسته بندی یکسان محصول در تمام بازارها

یک سؤال مورد توجه مؤسسات با فعالیت بین‌المللی این است که آیا از بسته بندی یکسان محصول در بازارهای داخلی و خارجی استفاده شود. بسیاری از شرکت‌های شناخته شده مثل کوکاکولا، پپسی کولا محصول خود را در تمام بازارها با بسته بندی مشخص عرضه می‌کنند. با این حال بعضی از نشانه‌ها، رنگ‌ها و لغات هستند که در بعضی جوامع معانی ناخوشایندی دارند. لذا صادرکنندگان مجبورند که با نام، طرح و یا رنگ متفاوتی محصول را در آن بازارها عرضه کنند. بعضی از تولیدات داخلی به دلیل عدم تطابق بسته بندی آنها با معیارهای پذیرفته شده بازارهای جهانی، نیز مجبورند با بسته بندی متفاوت به آن بازارها وارد شوند (Liu, 2006: 356).

۱-۲-۳- استفاده از بسته بندی یکسان برای طبقه بندی از کالاها

مثلاً تمام محصولات غذایی خود را با یک نوع بسته بندی، محصولات دارویی را با بسته بندی دیگر و تولیدات شیمیایی خود را با بسته بندی یکسان دیگری به بازار عرضه می‌کنند (Mitchell, 1999: 316). به این تصمیم، استراتژی بسته بندی خانوادگی گفته می‌شود. اتخاذ چنین تصمیمی مزایای زیر را دارد:

الف- هر کالای جدید از این شرکت از اعتبار و شهرت قدیمی استفاده خواهد کرد.

ب- موجب کاهش هزینه تبلیغات می شود.

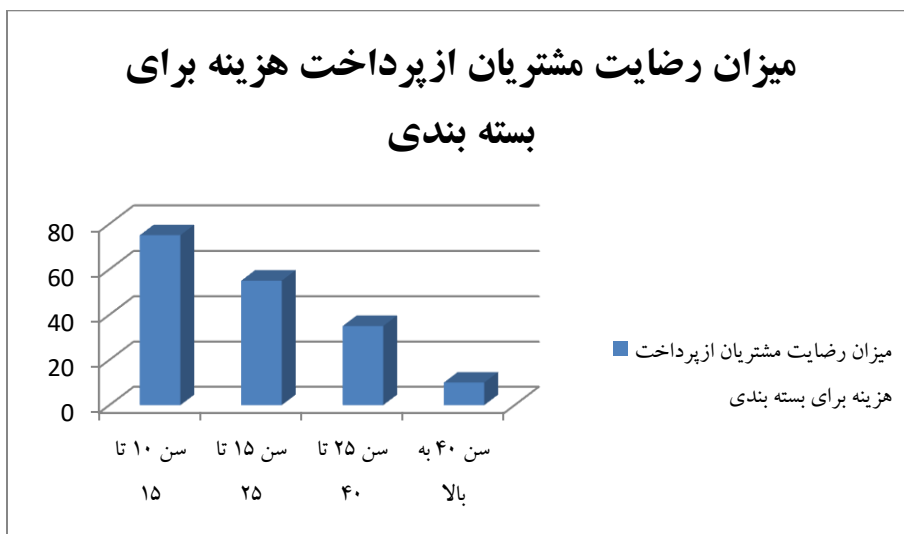
ج- موجب گسترش ارزیابی کیفیت محصولات جدید از محصولات موجود می گردد.

د- ریسک عدم موفقیت کالای جدید را کاهش می دهد.

ه- بسته بندی خود ایجاد هویت مشخص برای سازمان می کند.

۱-۱-۲-۴- هزینه بسته بندی

هزینه عامل دیگری است که در انتخاب طرح بسته بندی مورد توجه قرار دارد. ارزش بعضی از محصولات از قبیل اجناسی که هدیه داده می شود معمولاً با بسته بندی جذاب دو چندان می گردد و از نظر فروش صرف چنین هزینه ای بازده خوبی در پی خواهد داشت. معیارهای مورد ارزیابی مشتری در مورد محصولات متفاوت و در بازارهای مختلف، متفاوت است. در بعضی بازارها مشتری ترجیح می دهد که حتی یک کالای ساده، مثل سیفی جات را در بسته بندی زیبا بخرد؛ در حالی که در بعضی بازارهای دیگر فقط به جنبه های اصلی محصول توجه می شود. لذا تولید کننده باید بازده هزینه بسته بندی را مورد توجه قرار دهد. نمودار ذیل میتوان میزان رضایت مشتریان براساس سن رابرای پرداخت هزینه های بسته بندی نشان می دهد (Banerjee,2013:12).



شکل (۴)

۱-۱-۲-۴- جنس بسته بندی

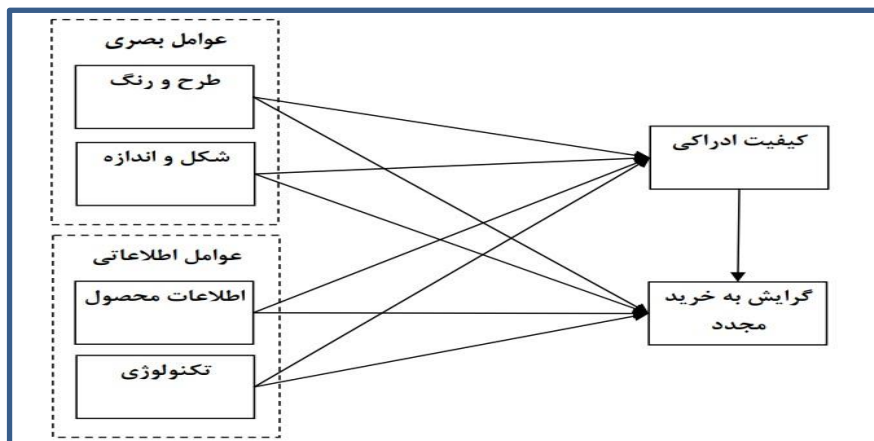
امروزه مواد مختلفی در بسته بندی محصولات به کار می روند. از جمله مقوا، فلز، شیشه، پلاستیک، سلفون. هر یک از مواد مورد استفاده از نظر هزینه، استحکام، زیبایی، جذابیت و تناسب با محصول مزیت هایی دارند. تولید کننده برای تحقق هدف های سازمان باید تعادلی بهینه بین این عوامل ایجاد کند. بسته بندی را می توان به نوعی، علم کاربرد مواد نامید (Kreuzbauer, 2005: 165). در بیشتر موارد اجناس داخل قفسه های فروشگاه ها، از مواد تشکیل دهنده بسته بندی آنها شناخته میشود و اغلب، خط تولید و مراحل ساخت بسته بندی، با توجه به مواد مصرفی آن تعیین می گردد. مواد و مصالح به کار رفته در یک بسته بندی همه عوامل دیگر راتحت تاثیر قرار داده و دگرگون میکند. مواد اولیه به کار رفته در یک بسته بندی، علاوه بر نقش قابل توجهی که در فرم و شکل آن دارد، حاوی پیامی خاص از هویت، کیفیت و قیمت کالا است و مشخص می کنند که چه کسی مصرف کننده آنهاست. از آنجاکه مواد به کار رفته در یک بسته بندی، بیش از سایر موارد باقیمت تمام شده، دوام محصول و فناوری ساخت بسته بندی ارتباط مستقیم دارد، اغلب این عامل بیشترین حس را در مورد بهای کالاهای بسته بندی شده و کاربرد آن به خریداران منتقل میکند. تعدادی شکلات در یک قوطی فاخر فلزی، بسیار گرانتر از همان تعداد شکلات در یک بسته بندی سلفونی ساده تلقی می شود (George, 2010: 310).

۱-۱-۲-۵- شکل و اندازه

شکل بسته بندی روشی موثر برای ایجاد تمایز است چون طراح بسته بندی میتواند بر تصمیم خرید مصرف کنندگان تأثیر بگذارد (بنرجی، ۲۰۱۳: ۲۳). منظر از شکل، کلیه فضاهای دو بعدی یا سه بعدی است که با چند خط محصور شده است. تنوع کالاهای و رقابت فشرده میان تولید کنندگان و بازرگانان، به تدریج، هنر را نیز علاوه بر علوم دیگر وارد مجموعه سیستم بسته بندی کرد. شکل بسته بندی میتواند محصول را جذاب تر نشان دهد، در واقع این یکی از کارکردهای بسته بندی است (لیو، ۲۰۰۶: ۳۵). اشکال متفاوت محصولات، کارشناسایی را برای خریداران آسان می کند. برای مثال، جعبه شکلات با بسته بندی شیر کاملاً متفاوت است. بازاریابان به طور مداوم از جذابیت های بصری، شخصیت های شناخته شده و رنگ و طرح برای جلب توجه بچه ها استفاده می کنند. یکی از اشکالی که به تازگی برای (Johnson, 2010) محصولات متفاوت و گوناگون به وفور دیده می شود، شکل حیوانات، شخصیت های خیالی برنامه های کارتونی، و وسایلی است که افراد به طور روزمره از آنها استفاده میکنند. به طور مثال، شکل بسته بندی شبیه به کوله پشتی است. این اشکال می تواند در جذب خریداران بسیار مؤثر باشد، خصوصاً اگر مصرف کننده احساس کند که میتواند مجدداً از بسته بندی برای

دیگر مصارف استفاده کند. البته ذکر این نکته ضروری است که اگر طرح بسته بندی با نوع محصول و موارد استفاده بعدی آن تناسب داشته باشد، جذابیت بیشتری خواهد داشت. (clement,2007:917).

نمودار ذیل نتیجه گیری از مطالب گفته شده در بالا را نشان می دهد.



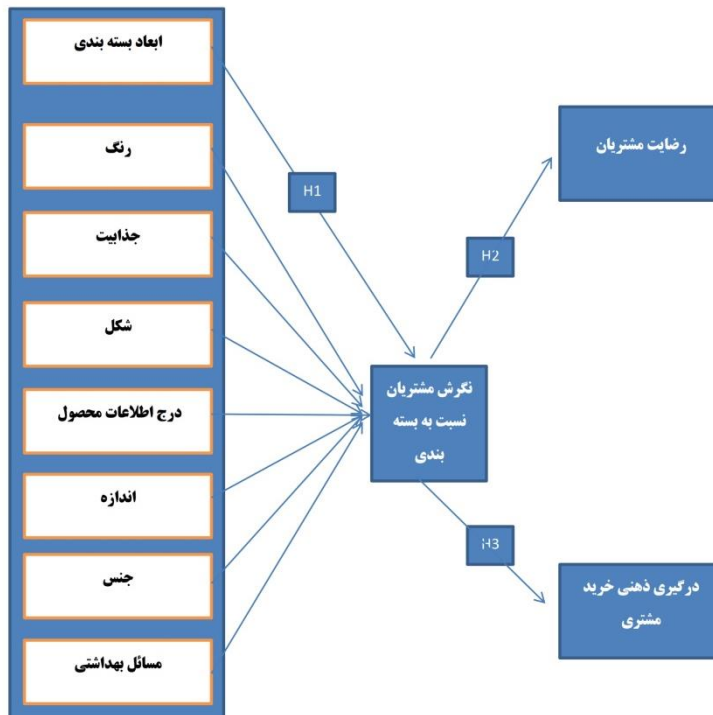
شکل (۵)

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که:

- ۱- متناسب بودن شکل بسته بندی بر ادراک مصرف کننده در مورد قابلیت استفاده از بسته بندی محصول تأثیری مثبت و معنادار دارد. این بدین معنی است که هرچه شکل بسته بندی محصول با فضای آن که در آینده احتمال دارد مورد استفاده قرار بگیرد، متناسب تر باشد، ادراک مصرف کننده در مورد این که این بسته بندی چندین کارکرد دارد بیشتر میشود.
- ۲- با توجه به عرف بسته بندی در هر حوزه خاص ابتدای به امر توصیه میگردد در طراحی بسته بندی از شکل های مختلف استفاده شود که این موضوع میتواند در راستای تمایز با سایر برندها بسیار مثر بوده و زمینه تأثیرگذاری بر تصمیم خرید را تقویت نماید. تولید بسته بندی با لحاظ همزمان جنبه های اطلاعاتی و زیبانشاخی آن به گونه ای که این جنبه بتواند اثر یکدیگر را تقویت نماید و به این منظور توصیه می گردد مثلا در بحث تصویرنگاری علاوه بر آنکه به بحث زیبانشاخی بسته بندی توجه میشود، تصاویری انتخاب و به کار گرفته شوند که ماهیت اطلاع رسانی در قبال محصول درون بسته داشته باشد. سعی گردد در هنگام طراحی محصول به ویژگی قابل رویت بودن محصول به عنوان یک عامل متمایز کننده در تولید محصول و بسته بندی توجه شده و از این اقدام در جهت تمایز برند استفاده نمایند.

۳- مدیران سعی نمایند در بسته بندی از موادی استفاده نمایند که در صورت نبود امکانات بازیافتی به سرعت بالایی جذب محیط شده و خسارت زیست محیطی به محیط پیرامون وارد نمایند. مدیران سعی نمایند، در مورد آشنایی مردم در زمینه ویژگیهای فرهنگی و رسوم های مختلف به صورت مختصر در بسته بندی اطلاعاتی را به مصرف کننده ها انتقال دهند. مدیران سعی نمایند برای بهبود اثرگذاری بسته بندی در تصمیم خرید سعی نمایند، شعار شرکت و هدف و رسالت خود را به مصرف کننده القاء نمایند. مدیران سعی نمایند در طراحی بسته بندی استفاده های دیگر و کاربردهای دیگری نیز برای بسته بندی خود در نظر داشته باشند. ودرپایان شکل ذیل بیانگر خلاصه مطالبی است که دراین تحقیق به آن پرداخته شده است.



شکل (۷)

فهرست منابع

1. Banerjee, S. (2013). An Empirical Analysis on Attitude of Indian Consumers towards Packaging & Labelling across Different Product Categories. *Journal of Marketing & Communication*.
2. -Clement, J. (2007). Visual influence on in-store buying decisions: an eye-track experiment on the visual influence of packaging design. *JOURNAL OF MARKETING MANAGEMENT*.
3. George, B., & Yaoyuneyong, G. (2010). Impulse buying and cognitive dissonance: a study conducted among the spring break student shoppers. *YOUNG CONSUMERS*.
4. -Kreuzbauer, R., & Malter, A. J. (2005). Embodied Cognition and New Product Design: Changing Product Form to Influence Brand Categorization*. *Journal of Product Innovation Management*, 22(2).
5. -Liu, Y., Tao, F., & Liu, F. (2006). STUDY ON VALUE-BASED MODEL OF PRODUCTS PACKAGE
6. MANAGEMENT. in *International Federation for Information Processing*, p.356-362.
7. Marshall, D, Stuart, M & Bell, R. (2006). Examining the relationship between product package colour and product selection in pre-schoolers. *Food Quality and Preference*, p.
8. Metcalf, L., Hess, J., Danes, J., & Singh, J. (2012). A mixed-methods approach for designing market-driven packaging. *Qualitative Market Research: An International Journal*, p.
9. - Mitchell, V.-W., & Papavassiliou, V. (1999). Marketing causes and implications of consumer confusion. *Journal of Product & Brand Management*, 8(4)..

حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی در سایه آموزه‌های اخلاقی

مریم شمعوئی اهوازی^۱

منصور عطاشنه^۲

باسم موالی زاده^۳

چکیده

حاکمیت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مرتبط با شکل‌گیری و دوام دولت - کشور است، که به صلاحیت‌ها و اقتدار دولت آن کشور جنبه مشروع و عینی میبخشد. این مفهوم دامنه اعمال اقتدار نظام سیاسی و نهادهای حاکم در درون کشور و در روابط خارجی را تعیین میکند. عرصه حاکمیت کشورها علاوه بر مرزهای سیاسی خشکی در مرزهای سیاسی آبی نیز راه یافته است. در محیط دریایی، کشورهای ساحلی بعد از خطوط مبدأ بر مناطق دریایی با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی صلاحیت دارند. در این راستا یکی از ریشه‌های اختلافات از اینجا نشأت می‌گیرد که کشورهای توسعه یافته خواهان تسلط بر مناطق اقتصادی و محدودیت تسلط دولت‌های ساحلی بر آب‌های پیرامون خود بود و هستند. از سوی دیگر، کشورهای استعمارزده و در حال توسعه خواهان عرض دریایی بیشتری برای حراست اقتصادی از مناطق خشکی خود را می‌باشند. در این پژوهش با هدف بررسی حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی بر آن هستیم این مطلب را مورد بررسی قرار دهیم و در این راستا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و فیش برداری به جمع‌آوری اطلاعات اقدام کنیم.

واژگان کلیدی

حقوق اقتصادی، آموزه‌های اخلاقی، کشورهای ساحلی، حاکمیت، کنوانسیون ۱۹۸۲.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، واحد امارات متحده عربی.

Email: maryamsh1351@yahoo.com

۲. استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

Email: matash1338@yahoo.com

۳. استادیار حقوق عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

Email: sb.mavalaly@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۵

طرح مسأله

جامعه بین‌المللی از دوران‌های گذشته و به خصوص از قرن نوزدهم همواره کوشیده است با قوانین و مقررات لازم جهت استفاده و بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر از دریاها را تدوین نماید و این مهم را همان‌گونه که به طور اجمالی سامان دهد، در همین رابطه طبق موازین حقوقی موجود علیرغم اینکه آبهای داخلی تابع قوانین دولت ساحلی حاکم است هر چه از ساحل به طرف دریاها پیش می‌رویم منافع اقتصادی دولت ساحلی در دریا به نفع جامعه بین‌المللی محدودتر می‌شود. همچنان که عبور بی‌ضرر کشتی‌ها خارج از شمول حاکمیت دولت ساحلی است زیرا بی‌ضرر بودن عبور نه تنها به نفع کشور ساحلی بلکه به نفع تمامی جوامع بین‌المللی تلقی شده است و این در حالی است که در دریای سرزمینی قوانین دولت ساحلی حاکمیت دارد. بعد از خاتمه مناقشه پیرامون دریای سرزمینی و توسعه منطقه و عدالت طلبانه آن معاهدات مختلف مناطق دیگر را مورد شناسایی قرار داده و برای کلیه طرف‌های درگیر حقوق قابل توجهی از جهات گوناگون تدوین گردید اما در منطقه مجاور (منطقه نظارت) به نحوی که دولت ساحلی نه تنها ناظر بر رعایت مقررات گمرکی و بهداشتی خود از طرف کشتیهای دول ثالث است بلکه در منطقه اقتصادی انحصاری دارای حقوق ممتاز (حقوق حاکمه) صید و استفاده از آب و شناور کردن جزایر می‌باشد، همچنان که در فلات قاره منابع طبیعی و معادن کف و زیر کف آب را استخراج می‌کند اما ناگزیر است حق عبور کابل و لوله زیردریائی توسط دول ثالث را محترم بشمارد.

از طرفی ماده ۷۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی بر دولت ساحلی حقوق حاکمه را به رسمیت شناخته است زیرا در مناطق اقتصادی دولت ساحلی از حاکمیت کامل برخوردار نیست لذا براساس این ماده این حق دارای علت غائی است و روشن‌گر این است که دولت ساحلی از لحاظ مسائل اقتصادی مشخص، اکتشاف و استخراج و حق انحصاری از حقوق کامل و آزادی لازم برخوردار است و اگر مایل به انجام این امور نباشد هیچکس قادر به الزام آن دولت در انجام امور مذکور نخواهد بود.

کشورهای ساحلی در مناطق مشخص شده بر اساس قوانین و مقررات حقوق دریاها و در کنار قواعد عرفی حقوقی حاکمیت متفاوتی دارا می‌باشند که بسته به دوری یا نزدیکی این مناطق از ساحل نوع حاکمیت مطلق یا نسبی خواهد بود. در این راستا حاکمیت اقتصادی کشورهای ساحلی دارای تغییراتی می‌شود.

پیشینه پژوهش

ملکم شاو (۱۳۹۴) در کتاب خود با عنوان حقوق بین الملل دریاها با نگاهی به مسائل ایران به این مطالب پرداخته است.

خلیلی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان بررسی مقررات و قوانین ایران در مورد حقوق دریاها از منظر حقوق بین الملل به بهره برداری از منابع دریایی پرداخته است.

۱. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی بر مناطق مختلف دریایی با بررسی قوانین قبل از

کنوانسیون ۱۹۸۲

کمیسیون حقوق بین المللی که با چنین اختلاف نظرهای زیاد چه از ناحیه مصنفین و چه از ناحیه دول موجه شده است چاره نداشت جز آنکه حل این اختلاف و اتخاذ تصمیم مقتضی را به یک کنفرانس بین المللی محول نماید و در ماده پیشنهادی خود اکتفا کرد به اینکه تصدیق نماید «در موضوع تحدید حدود دریای ساحلی عمل بین المللی یکسان و متحدالشکل نیست» لیکن این نکته را نیز خاطر نشان کرد که «حقوق بین الملل توسعه دریای ساحلی را بیش از دوازده میل تجویز نمی کند» و در بند سوم این ماده اضافه نمود «بسیاری از دولتها عرض دریای ساحلی بیش از سه میل را در صورتی که عرض دریای ساحلی خودشان کمتر باشد به رسمیت نمی شناسند» و این عبارت اضافی ماده را تا اندازه ای مشوش می کند و تفسیری که کمیسیون حقوق بین الملل حسب المعمول در ذیل این ماده درج کرده است مسئله را در نظر محققین پیچیده تر کرده است چه از یک طرف در این تفسیر گفته شده است که توسعه دریای ساحلی بیش از دوازده میل «تخلف از اصل آزادی دریا و بالتیجه مخالف حقوق بین الملل است» و از طرف دیگر این عبارت اضافه شده است که «اعتبار عرض یک دریای ساحلی را که از دوازده میل تجاوز نکند ممکن است یک دولتی که استناد به حقوق تاریخی نماید برای خود صحیح و جائز بدانند» و حال آنکه در جمله دیگر تأیید شده است که سایر دول «حق دارند عرض دریای ساحلی بیش از سه میل را به رسمیت نشناسند»^۱

البته در کمیسیون حقوق بین الملل که اعضاء آن از نواحی مختلف جهان انتخاب شده اند و نماینده افکار و مصالح احیاناً متعارض یکدیگر هستند نظرهای مختلفی اظهار می شود که جمع بین آن نظرها ناچار در بعضی موارد نظیر ماده فوق الذکر و تفسیر آن به ظاهر موهوم تضادهائی است. چنانکه در همین مورد این سؤال پیش می آید که شناختن این حق برای هر دولتی که دریای ساحلی خود را تا دوازده میل توسعه بدهد در صورتی که این حق مورد انکار سایر دول ممکن است واقع شود چه ارزش حقوقی خواهد داشت. لیکن کمیسیون حقوق بین الملل در

1. Oppenheim (L.), (1999), International Law: a Treatise, vol. I, Peace, 8th

گزارش نهائی خود اعتراف کرده است که «موفق شده است حدّ دریای ساحلی را بین سه میل و دوازده میل تعیین نماید» این عدم توفیق منحصر به کمیسیون حقوق بین الملل نبوده است.^۱

۱-۱-۱. حد شمول حقوق اقتصادی کشور ساحلی در دریای ساحلیش

مدت مدیدی است که همه قبول دارند کشور ساحلی می تواند در دریای ساحلیش تعداد معینی از حقوق حاکمیت را اعمال کند که آن حقوق شمول دارد هم در آنها هم در کف دریا و قسمت تحت الارضی و هم در هوای بالای آن از این قرار: انحصار صید ماهی و شکار، اقدامات برای تأمین امنیت و دفاع، قوانین گمرکی و مالیاتی، انتظامات بهداشتی، حکومت قضائی در امور مدنی و جزائی، مقررات بحری، بهره برداری از کف دریا و از قسمت تحت الارضی آن، تشریفات بحری.

۱-۱-۱. انحصار صید ماهی و شکار

به استثناء مواردی که به موجب معاهده با کشورهای دیگر مقرر شده باشد کشورهای ساحلی عموماً انحصار ماهیگیری و شکار در دریای ساحلی را برای اتباع خود محفوظ می دارند. یکی از مزایای مهم و جات حاکمیت در دریای ساحلی همین است. اما سیاست همه کشورهای چنین نیست عده ای از آنها مانند بلژیک، نروژ، سوئد و ایتالیا در ضمن دادن امتیازات مخصوص به اتباع خود صیادان خارجی را به کلی محروم نمی کنند. کشورهای دیگری مانند پرتغال و یونان در قوانین داخلی آزادی ماهیگیری را به شرط معامله متقابله برای اتباع بیگانه تأمین کرده اند. کشور ساحلی می تواند آزادانه راجع به حق ماهیگیری و شکار در دریای ساحلیش مقررات و تنظیماتی وضع کند و اقداماتی که برای محافظت از ثروت موجودات زنده دریا لازم می داند به عمل آورد. این نظامات البته هم شامل صیادان خارجی که اجازه صید در دیای ساحلی را تحصیل کرده اند و هم شامل صیادان تبعه داخلی است. حق وضع این مقررات و تنظیمات برای دول ساحلی در حکم صادر از دیوان دائمی داوری لاهه در سال ۱۹۱۱ در دعوی بین بریتانیای کبیر و ایالات متحده امریکا در موضوع شیلات ارض جدید، اسکاتلند جدید و لابرادور بالصراحه شناخته شده است.^۲

۱-۱-۲. قوانین گمرکی و مالیاتی

در حقوق عادی (عرف و عادت) برای کشور ساحلی همیشه این حق شناخته شده است که قوانین مالی و گمرکی خود را در حدود دریای ساحلی به موقع اجرا بگذارد به همان ترتیب و شرایطی که در قلمرو خشکی او معمول است. آیا مقامات ساحلی در نتیجه این قاعده حق دارند برای تفتیش گمرکی و مالیاتی وارد در کشتی هائی شوند که از دریای ساحل عبور می کنند؟

1. Ferron (Olivier de). (1960), Le droit international de la mer. Geneve, Paris,

2. Oppenheim (L.). (1999), International Law: a Treatise, vol. I, Peace, 8th

مسئلاً درباره کشتی هائی که بقصد ورود در یک بندر کشور ساحلی آمده‌اند این حق را دارند. اما در مورد کشتی هائی که فقط در دریای ساحلی عبور می کنند بدون اینکه خود را بخشی برسانند در طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل مقرراتی پیش بینی نشده است. و بطور کلی کمیسیون درباره مسائل گمرکی و مالیاتی تصریحاتی نکرده و اصلاً خود را به حقوقی که بموجب عرف و عادت دریائی برای کشور ساحلی تصدیق شده آشنا نکرده فقط در ماده ۱۷ طرح خود اعلام داشته است که کشور ساحلی می تواند در دریای ساحلیش «تدابیر لازم اتخاذ نماید برای جلوگیری از هر گونه لطمه ای که ممکن است وارد بشود به آن قسمت از سایر منافع او که قواعد مقرر در این طرح و سایر قواعد حقوق بین الملل اجازه حفظ آن را به او داده اند». این ماده کلی هم در کنفرانس ژنو مسکوت مانده و آن را در مقابله نامه درج نکرده اند.^۱

۱-۳. زمین کف دریا و طبقات تحت الارضی آن

دریای ساحلی چون جزء قلمرو کشور ساحلی است کف آن و طبقات الارض زیر کف آن ملک آن کشور محسوب می شود و حق مانعاً للغير بهره برداری از ثروتهای معدنی و حیوانی و حفر تونل و چاه ها و دالانهای که در معادن تعبیه می شود در این قسمت از دریای ساحلی متعلق به همان کشور است. از این لحاظ می توان گفت که حاکمیت کشور ساحلی در کف دریا و طبقات زیر آن کاملتر از این حاکمیت در آبهای مافوق آن است.

۱-۲. محدودیت‌های حاکمیت اقتصادی کشور ساحلی

حقوق کشور ساحلی در دریای ساحلی هر قدر هم توسعه داشته باشد معیضاً عرف و عادت و حقوق موضوعه در آن محدودیتی قائل شده و آن عبارت است از اجراء حق عبور بلامزاحمت که ناشی می شود از اصل اساسی آزادی دریاها. در گذشته اکثر حقوقدانان حتی آنهایی که مانند آلبریکو ژنتیلیس (Alberico Gentilis)، جان سلدن (John Selden) یا سرفیلیپ مدوز (Sir Philip Medows) برای کشور ساحلی قائل به مالکیت دریا بودند حق عبور بلامزاحمت را قبول کرده اند و امروز هم هیچ دولتی منکر آن نیست. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح خود اهتمام داشته است که حق عبور بلامزاحمت را تعریف بکند و نظامات مربوط به آن را با کمال دقت به رشته تحریر درآورد و بسیاری از قواعد ناشی از عرف و عادت مربوط به این قسمت را تدوین کرده است. کنفرانس ژنو بنوبه خویش پس از بحث لازم در مواد پیشنهادی کمیسیون اصلاحاتی نموده است.^۲

1. Grotius,(1993), (Hugo de Groot). Rights of War and Peace, an abridged translation of "De Jure Belli et Pacis" by William Whewell, Cambridge University Press,p97

2. Hall (W.E.),.(2004), A Treatise on International law, 8th edition, by Pearce Higgin,p125.

در مورد کشتی‌های ماهیگیری در بند پنجم از ماده ۱۴ مقاله نامه ژنو تصریح شده است که هر گاه آنها از قوانین و آئین نامه‌های کشور ساحلی دایر به منع صید در دریای ساحلی تبعیت نکنند ممکن است از دادن حق عبور به آنها امتناع بشود.^۱

۲. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی بر مناطق مختلف دریایی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲

۲-۱. حاکمیت کشورهای ساحلی

از آنجایی که دولت ساحلی دارای حاکمیت در دریای سرزمینی می‌باشد، این دولت می‌تواند مطابق با قواعد و مقررات حقوق بین الملل دریاها صلاحیت‌های ناشی از چنین حاکمیتی را در دریای سرزمینی اش به اجرا در آورد. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دامنه چنین صلاحیت‌هایی را افزایش داد. بر طبق بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها دولت ساحلی دارای صلاحیت قانونگذاری در دریای سرزمینی خود در موارد ذیل می‌باشد:

- الف). ایمنی کشتیرانی و تنظیم رفت و آمد دریایی.
- ب). حمایت از وسایل کمکی و تسهیلات دریانوردی و دیگر تسهیلات یا تاسیسات
- ج). حمایت از کابل‌ها و لوله‌های زیر دریایی.
- د). حفاظت از منابع زنده دریا.
- ه). پیشگیری از نقض قوانین و مقررات ماهیگیری دولت ساحلی.
- و). حفاظت از محیط زیست دریایی دولت ساحلی و پیشگیری از کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریایی.

- ز). انجام پژوهش‌های علمی دریایی و پژوهش‌های آب نگاری.
- ح). پیشگیری از نقض قوانین و مقررات گمرکی، مالی، مهاجرتی، و یا بهداشتی دولت ساحلی.^۲

دولت ساحلی در راستای این قوانین و مقررات می‌تواند صلاحیت‌های اجرایی خود را نسبت به کشتی‌های خارجی در دریای سرزمینی به اجراء بگذارد. در همین راستا ماده (۴) ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها کشتی‌های خارجی را ملزم می‌نماید که عبور بی ضرر خود را با رعایت همه این قوانین و مقررات از دریاها سرزمینی دولت‌ها به اجرا بگذارند^۳ بنابراین در صورت نقض این

1. Ceccato (G.M.), (2005), L'evolution juridique de la doctrine du plateau continental. Preface de M. Ch. Rousseau. Paris, p150

۲. شایگان، فرهاد، (۱۳۸۹)، مناطق دریایی در معاهدات بین المللی و حقوق جزای ایران، مجله کانون وکلا، ش

۲۰۸ و ۲۰۹

۳. همچنین ماده (۴) ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرر می‌کند کشتی‌های خارجی ملزم هستند تا مقررات بین المللی پذیرفته راجف به جلوگیری از تصادم در دریا را رعایت کنند.

قوانین و مقررات دولت‌های ساحلی از این حق برخوردار خواهند گردید تا اقدامات اجرایی خود را بر ضد کشتی‌های متخلف به اجراء بگذارند. البته باید توجه داشت که در جهت حمایت از عبور بی ضرر کشتی‌های خارجی، دامنه قدرت‌های اجرایی دولت‌های ساحلی در دریاهای سرزمینی به قوانین و مقررات ذکر شده در فوق محدود شده و به قوانین دیگر دولت‌های ساحلی گسترش نمی‌یابد.

۲-۲. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در منطقه اقتصادی انحصاری

بر طبق ماده ۵۶، دولت ساحلی دارای حق قلمرویی در منطقه اقتصادی انحصاری برای اهدافی مانند کشف و بهره برداری، محافظت و مدیریت منابع طبیعی (چه زنده یا غیرزنده) و آبهای فوقانی تا بستر دریا و آبهای بستر دریا و خاکهای زیری میباید و میتواند بر فعالیتهای بهره برداری اقتصادی و کشف منطقه مانند تولید انرژی از آب، جریان و بادها در این منطقه تمرکز کند. قلمرو قدرت که در این تبصره کنوانسیون با توجه به استقرار ایجاد شده است از جزایر مصنوعی، تاسیسات، و سازه‌ها، تحقیقات خاص دریایی و محافظت از محیط دریایی استفاده میکند.^۱

همچنین، حقوق و وظایف دیگر نیز وجود دارد که برای دولتهای ساحلی در این کنوانسیون در نظر گرفته شده است. برای اعمال حقوق و اجرای وظایف تحت این کنوانسیون در منطقه اقتصادی انحصاری، کشور ساحلی با توجه به حقوق و وظایف دیگر کشورهای انجام میدهد و بر طبق تبصره های این کنوانسیون عمل میکند.^۲ منطقه اقتصادی انحصاری بیشتر از ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبنا توسعه نخواهد یافت که از این خط مبنا، عرض قلمرو دریایی اندازه گیری میشود. در منطقه اقتصادی انحصاری، همه کشورها چه ساحلی و چه محصور در خشکی، مرتبط با این تبصره کنوانسیون، دارای آزادیهای دریانوردی و عبور هوایی و کابل کشی و لوله کشی دریایی و دیگر استفاده قانونی بین المللی دریا مربوط به این نوع آزادیها (مانند موارد مربوط به علمیات کشتی‌ها، هواپیما، و کابلها و لوله کشی دریایی) سازگار با دیگر تبصره های این کنوانسیون خواهند بود.

در اعمال قوانین و اجرای وظایف تحت کنوانسیون در مناطق اقتصادی انحصاری دولتها با توجه به حقوق و وظایف کشور ساحلی، حقوقی دارند و از قوانین و مقرراتی که بوسیله کشورهای ساحلی طبق تبصره این کنوانسیون و دیگر قوانین بین المللی پذیرفته شده است تبعیت میکنند.

1. Juda, L. (1986). The exclusive Economic Zone: Compatibility of National Claims and the UN Convention of the Law of the Sea, Ocean Development and International Law Journal, vol. 16, p. 58

2. Klein, N. (2005). Dispute Settlement in the UN Convention on the Law of the Sea, Cambridge University Press, p23

اساس حل کشمکشها با توجه به تخصیص حقوق و قلمرو قدرت در منطقه اقتصادی انحصاری است اگر این کنوانسیون، حقوقی یا قلمرو قدرتی به کشور ساحلی یا دیگر کشورهای در منطقه اقتصادی انحصاری تخصیص نداده باشد و یک کشمکش بین منافع دولتهای ساحلی و دیگر دولت (یا دولتها) ایجاد شود کشمکش براساس قاعده انصاف و در پرتو شرایط مربوطه با توجه به اهمیت منافع طرفین درگیر و جامعه بین المللی حل خواهد شد.^۱

در مناطق اقتصادی انحصاری، دولت ساحلی دارای حق انحصاری برای ایجاد، تصویب، تنظیم ساخت و ساز و عملیات است و میتواند از قسمتهای ذیل مستفید شود:

(الف) جزایر مصنوعی

(ب) تاسیسات و سازه‌هایی برای اهداف لحاظ شده در ماده ۵۶ و اهداف اقتصادی دیگر
(س) تاسیسات و سازه‌هایی که ممکن است با اجرای قوانین دولت ساحلی در منطقه تداخل داشته باشند.

دولت ساحلی، قلمرو قدرت انحصاری بر جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها، از جمله قلمرو قدرت در خصوص حقوق گمرکی، مالی، بهداشتی، ایمنی و قوانین مهاجرت و قانونگذاری دارند. اطلاعات کافی باید در خصوص ساخت چنین جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها، و وسایل دائمی داده شود که وجود آنها را هشدار میدهد^۲

هر تاسیسات و سازه‌ای که متروکه میشود یا از رده خارج میشود برای تضمین ایمنی دریانوردی با توجه به استانداردهای بین المللی پذیرفته شده باید برداشته میشود که به وسیله سازمانهای بین المللی شایسته ایجاد شده اند. برداشت تاسیسات متروکه باعث توجه کافی به ماهیگیری، محافظت از محیط دریایی و حقوق و وظایف دیگر دولتها میشود. آگاهی مناسب در خصوص عمق، موقعیت، ابعاد هر تاسیسات یا سازه داده میشود که به طور کامل برداشته نشده است.^۳

در صورت نیاز، کشور ساحلی ممکن است، منطقه ایمن منطقی پیرامون جزیره مصنوعی، تاسیسات و سازه ایجاد میکند که با معیارهای مناسب تضمین ایمنی دریانوردی و جزیره مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها را همخوانی دارد. عرض منطقه ایمنی بوسیله دولت ساحلی با

1. Juda, L. (1986). The exclusive Economic Zone: Compatibility of National Claims and the UN Convention of the Law of the Sea, *Ocean Development and International Law Journal*, vol. 16, p. 26
2. Buzan, B. (1981), *Negotiating by Consensus: Developments in Technique at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea*, *American Journal of International Law*, vol. 75, p. 321
3. Lupinacci, J. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, *Orrego*, cit. note 4, p. 93

توجه به استانداردهای بین المللی قابل اجرا تعیین میشود. چنین مناطقی طراحی میشوند تا تضمین کنند آنها به طور منطقی به طبیعت و عملکرد جزایر مصنوعی، تاسیسات یا سازه‌ها مربوط هستند و از فاصله ۵۰۰ متری پیرامون آنها تجاوز نکرده اند که از هر نقطه لبه بیرونی اندازه گیری میشود، به استثنای نقاطی که به وسیله استانداردهای بین المللی پذیرفته شده، مجاز شده اند یا بوسیله سازمان بین المللی شایسته پیشنهاد شدند. اطلاعات کافی در خصوص حدود مناطق ایمن داده خواهد شد.

همه کشتی باید به این مناطق ایمن احترام بگذارند و از استانداردهای بین المللی پذیرفته در خصوص دریانوری در مجاورت جزایر مصنوعی، تاسیسات، سازه‌ها و مناطق ایمن پیروی کنند. جزایر مصنوعی، تاسیسات و سازه‌ها و مناطق ایمن پیرامون آنها نباید ایجاد شوند جاییکه تداخل ممکن است موجب استفاده از خطوط دریایی شناخته شده شود که برای دریانوردی بین المللی ضروری است. جزایر مصنوعی، تاسیسات، سازه‌ها دارای وضعیت جزیره ای نیستند. آنها هیچ قلمرو دریایی متعلق به خود ندارد و وجود آنها بر تحدید حدود قلمرو دریایی، منطقه اقتصادی انحصاری یا فلات قاره (UNCLOS) تاثیری ندارد.

۲-۱. حقوق کشورهای محروم جغرافیایی

کشورهای محروم جغرافیایی به معنی کشورهای ساحلی است که دریایی را به طور کامل یا نیمه کامل احاطه کرده اند و آن دریا (یا خلیج) از طریق یک خروجی باریک به دریای بزرگتر و اقیانوس متصل میشود، شرایط جغرافیایی آنها باعث میشود آنها به بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دیگر دولتها در منطقه یا زیرمنطقه برای تامین ماهی جهت تغذیه مردم یا قسمتی از آن وابسته میکند یا به دولتهای ساحلی که نمیتوانند هیچ منطقه اقتصادی انحصاری برای خودشان ادعا کنند وابسته شوند. از لحاظ جغرافیایی، دولتهای محروم (ماده ۷۰) حق دارند بر مبنای حق برابر، در بهره برداری از قسمتهای مناسب مازاد منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دولتهای ساحلی همان منطقه یا زیرمنطقه با توجه به شرایط جغرافیایی و اقتصادی همه دولتهای مربوطه طبق تبصره‌های این ماده و ماده‌های کنوانسیون، مشارکت داشته باشند. شرایط و کیفیت چنین مشارکتی به وسیله دولتهای مربوطه از طریق توافق منطقه ای و زیر منطقه ای با توجه به موارد ذیل ایجاد میشود:

(الف) لزوم اجتناب از اثرات مضر برای جامعه ماهیگیری یا صنایع ماهیگیری دولتهای ساحلی؛

(ب) میزان مشارکت دولتهای محروم جغرافیایی طبق تبصره این ماده، یا میزان التزام برای مشارکت تحت توافق منطقه ای یا زیرمنطقه ای دوجانبه در بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دیگر دولتهای ساحلی؛

(س) میزان مشارکت دیگر دولتهای محروم جغرافیایی یا دولتهای محصور در خشکی در بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دولت ساحلی و لزوم اجتناب از بار مسئولیت خاص برای یک دولت ساحلی یا قسمتی از آن؛

(د) نیازهای تغذیه ای مردم دولتهای مربوطه

هنگامیکه برداشت ظرفیت دولت ساحلی به نقطه ای میرسد که آن را قادر به برداشت کل صید مجاز منابع زنده در مناطق اقتصادی انحصاری میکند دولتهای ساحلی و دیگر دولتهای مربوطه باید در ایجاد ترتیبات عادلانه بر مبنای منطقه ای، زیر منطقه ای و دوجانبه برای توجه به مشارکت دولتهای محروم جغرافیایی در حال توسعه مربوط به همان زیرمنطقه یا منطقه در بهره برداری از منابع زنده مناطق اقتصادی انحصاری دولتهای ساحلی زیرمنطقه یا منطقه، مشارکت کنند و ممکن است در شرایطی درست باشد و در شرایطی برای همه طرفین رضایت بخش باشد^۱

کشورهای محروم جغرافیایی توسعه یافته تحت تبصره این ماده مستلزم به مشارکت در بهره برداری از منابع زنده فقط در مناطق اقتصادی انحصاری دولتهای ساحلی توسعه یافته همان زیر منطقه یا منطقه هستند و کشور ساحلی هنگام ایجاد دسترسی دیگر دولتهای به منابع زنده منطقه اقتصادی و انحصاری به لزوم کاهش عوامل مضر بر روی جوامع ماهیگیری و نابسامانی اقتصادی در کشورهایی که عادت به ماهیگیری در منطقه دارند توجه میکند^۲

تبصره های بالا بدون تعصب برای ترتیبات توافق شده در زیرمنطقه یا منطقه هستند که دولتهای ساحلی ممکن است به کشورهای محروم جغرافیایی همان منطقه یا زیرمنطقه، حق برابر یا ترجیحی برای بهره برداری از منابع زنده در مناطق اقتصادی یا انحصاری بدهند.

حق ایجاد شده تحت ماده ۶۹ و ۷۰ برای بهره برداری منابع زنده، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دولتهای ثالث یا ملتهای آنها از طریق کرایه یا مجوز، ایجاد سرمایه گذاری مشترک، یا هر روش حاصل از چنین انتقالات، اعطا نمیشود مگر اینکه دولتهای مربوطه در این خصوص توافق کنند. تبصره فعلی، دولتهای مربوطه را از دستیابی به کمک مالی و فنی از کشور ثالث یا سازمانهای بین المللی برای تسهیل اعمال این حقوق باز نمیدارد

کشورهای ساحلی در اجرای حقوق قلمرو برای کشف، بهره برداری، محافظت، و مدیریت منابع زنده در مناطق انحصاری اقتصادی، اقداماتی مانند کشتی سواری، بازرسی، دستگیری یا

۱. قانون حفاظت و مدیریت شیلات ایالت متحده، ۱۹۷۶، ۶۳۶

2. Jayakumar S. (1977). The Issue of the Rights of Landlocked and Geographically Disadvantaged States in the Living Resources of the Economic Zone, Virginia Journal of International Law, vol. 18, p. 69

رویه قضایی، را انجام می‌دهد و ممکن است برای تضمین رعایت قوانین و مقررات پذیرفته شده طبق کنوانسیون، ضروری باشد.

کشتی‌ها و کارکنان کشتی دستگیر شده فوراً با ارسال ضمانت منطقی یا دیگر وثیقه‌های آزاد میشوند. مجازات کشورهای ساحلی برای متخلفان قوانین و مقررات شیلات در منطقه اقتصادی انحصاری ممکن است حبس در زندان در صورت عدم وجود توافق (از سوی وسیله دولتهای مربوطه) یا اشدال دیگر تنبیه بدنی نداشته باشد. در مورد بازداشت یا توقیف کشتی‌های خارجی، دولت ساحلی فوراً به کشور صاحب پرچم از طریق کانال مناسب در خصوص کارهای انجامی و مجازات بعدی اعلام میکند^۱

تحدید حدود (محدودیت زدایی) منطقه اقتصادی انحصاری بین دولتها با سواحل مجاور یا روبرو تحت تاثیر توافق بر مبنای قوانین بین المللی خواهد بود همانطور که در لایحه ۳۸ قانون اساسی دادگاه بین المللی برای دستیابی به راه حل عادلانه مورد اشاره قرار گرفته است. اگر هیچ توافقی در دوره زمانی منطقی حاصل نشود، با روحیه تفاهم و همکاری، تلاشهایی برای ورود به ترتیبات موقت با ماهیت عملی در طول دوره انتقال، بدون به خطر افتادن توافق نهایی یا ممانعت از توافق نهایی انجام میشود. چنین ترتیباتی بدون تعصب برای تحدید حدود نهایی خواهد بود. جاییکه توافقی بین دولتهای مربوطه انجام شده است سوالات مربوط به تحدید حدود منطقه اقتصادی انحصاری طبق تبصره‌های توافق تعیین میشود.

۲-۲-۲. محافظت از منابع زنده

دولت ساحلی، صید مجاز منابع زنده را در منطقه اقتصادی انحصاری تعیین خواهد کرد. با توجه به بهترین شواهد علمی موجود، دولت ساحلی از طریق محافظت صحیح و اقدامات مدیریتی تضمین خواهد کرد نگهداری منابع زنده در مناطق انحصاری و اقتصادی با بهره برداری بیش از حد به خطر نیفتد. در صورت نیاز، دولت ساحلی و سازمانهای بین المللی شایسته، چه زیرمنطقه، منطقه ای، یا جهانی، برای این هدف همکاری خواهند کرد. چنین اقداماتی برای حفظ و ذخیره جمعیت نمونه‌های برداشت شده در همه سطوح طراحی شده است که میتواند حداکثر بازده پایدار را ایجاد کنند همانطور که تحت شرایط عوامل اقتصادی و محیطی مربوطه از جمله نیازهای اقتصادی ماهیگیری ساحلی، جوامع و نیازهای خاص توسعه دولتها هستند در ضمن به الگوی ماهیگیری وابستگی متقابل ماهیهای تخم ریز در آب شیرین، و حداقل استانداردهای بین

1. Carroz, J. E. & Savini, M. (1983). The Practice of Costal States Regarding Foreign Access to Fishery Resources, Report of the Expert Consultation on the Conditions of Access o the Fish Resources of the Exclusive Economic Zone, FAO Fisheries Report, Nr. 293, Rome, p.50

المللی پیشنهادی چه به صورت زیرمنطقه ای، منطقه ای، جهانی توجه میشود. با انجام چنین اقداماتی، دولت ساحلی به اثرات بر روی گونه مرتبط (یا وابسته به گونه) برداشت شده توجه میکند^۱. با این بینش که جمعیت چنین گونه‌هایی وابسته یا مرتبط را بالای سطح خاصی حفظ کنند یا احیا کنند تا جمعیت آنها به طور جدی تهدید نشود. اطلاعات علمی موجود، آمار تلاش صید و ماهگیری، و دیگر اطلاعات مرتبط با محافظت ماهیهای تخم ریز در آب شیرین کمک کننده خواهد بود و به طور منظم از طریق سازمانهای بین المللی شایسته، چه منطقه ای، زیرمنطقه ای یا جهانی مبادله خواهد شد که ملتهای آنها برای ماهیگیری در منطقه انحصاری یا اقتصادی مجاز هستند.

دولت ساحلی، اهداف بهره برداری اولیه منابع زنده را در منطقه انحصاری اقتصادی بدون تعصب ترویج میدهند. دولت ساحلی، ظرفیتش را برای برداشت منابع زنده منطقه اقتصادی انحصاری تعیین خواهد کرد. آن از طریق توافقنامه یا دیگر ترتیبات مطابق با شرایط و قوانین و مقررات، به دیگر دولتها اجازه دسترسی به مازاد صید مجاز با توجه به تبصره ماده ۶۹ و ۷۰ بخصوص در رابطه با دولتهای در حال توسعه میدهد. هنگام اجازه دسترسی به دیگر دولتها به منطقه اقتصادی و انحصاری، دولتهای ساحلی باید به همه عوامل مربوطه از جمله اهمیت منابع زنده منطقه برای اقتصاد کشور ساحلی مربوطه و دیگر منافع ملی، تبصره ۶۹ و ۷۰، توجه کنند همچنین به این نکته نیز توجه کنند که کشورهای در حال توسعه در زیرمنطقه یا منطقه به برداشت قسمت اضافی برای کاهش نابسامی اقتصادی (در دولتی که مردم عادت به ماهیگیری در منطقه دارند) نیاز دارند و تلاشهای پایدار برای تحقیق و شناسایی دسته ماهیها انجام دهند.^۲

ملتهای دولتهای دیگر که در منطقه اقتصادی انحصاری ماهیگیری میکنند باید اقدامات محافظت از منابع طبیعی و دیگر شرایط درج شده در قوانین و مقررات دولتهای ساحلی رعایت کنند. این قوانین و مقررات با این کنوانسیون همخوانی دارد و ممکن است از طریق مجوز ماهیگیری، قایق و تجهیزات ماهیگیری، از جمله پرداخت هزینه و دیگر اشکال پرداخت انجام شود که در مورد کشورهای ساحلی در حال توسعه، ممکن است شامل جبران کافی در حوزه مالی، تجهیزات و فناوری مربوط به صنعت ماهیگیری است؛ در حالیکه نمونه‌هایی که ممکن است صید شوند را تعیین کنند و سهمیه صید در رابطه با دسته یا گروه ماهیها را تعیین کنند یا صید به ازای کشتی طی دوره زمان خاص یا صید طبق ملیت هر کشور در طول دوره خاص

1. Conforti, B. (1987). The Mediterranean and the Exclusive Economic Zone, Milano, p187

2. Lupinacci, J. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4, p. 93

باشد؛ و فصول و مناطق ماهیگیری، نوع، اندازه، و مقدار ابزار، نوع، اندازه و تعداد کشتیهای ماهیگیری مورد استفاده تنظیم شوند؛ سن و اندازه ماهی و دیگر نمونه‌ها که ممکن است گرفته شوند، معین شود؛ اطلاعات مورد نیاز برای کشتیهای ماهیگیری از جمله صید و آمارهای تلاش و گزارشات موقعیت کشتی مشخص شود. تحت نظارت و کنترل دولت ساحلی به اجرای برنامه ریزی تحقیقی شیلاتی معین نیاز است و اجرای چنین تحقیقی شامل نمونه‌گیری صید، وضع نمونه و گزارش اطلاعات عملی مربوطه میشود. ناظران یا کارورزان در عرشه کشتی از سوی دولت ساحلی قرار داده میشوند؛ همه یا قسمتی از صید به وسیله چنین کشتیهایی در بندر کشور ساحلی فرود میاید. شرایط مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک یا دیگر ترتیبات همکاری ذکر میشود؛ پیش‌نیازهای آموزش پرسنل و انتقال فناوریهای شیلات از جمله بهبود توانایی انجام تحقیقات شیلات و رویه‌های اعمالی دولت ساحلی فراهم شود^۱

دسته ماهیهایی که در منطقه اقتصادی انحصاری دو یا چند دولت ساحلی به وجود می‌آیند یا در داخل منطقه اقتصادی انحصاری و در حوزه مجاور یا فراتر از آن به وجود می‌آیند باید تابع قوانین خاصی باشند. جاییکه همان دسته ماهی یا دسته ماهی نمونه‌های مرتبط در داخل منطقه اقتصادی انحصاری دو یا چند کشور ساحلی به وجود می‌آیند این دولتها به طور مستقیم یا از طریق سازمانهای منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای مناسب در پی توافق منصفانه در مورد اقدامات لازم برای همکاری و تضمین محافظت از منابع طبیعی و توسعه چنین دسته ماهیها هستند. جاییکه همان دسته ماهی یا دسته‌های گونه‌های مرتبط هم در منطقه اقتصادی انحصاری و هم در حوزه مجاور منطقه یا فراتر از آن به وجود می‌آیند، دولت یا دولتهای ساحلی، که چنین ماهیهایی را در منطقه مجاور صید میکنند باید به دنبال توافق به طور مستقیم یا از طریق سازمانهای منطقه‌ای یا زیرمنطقه مناسب جهت اقدامات لازم برای محافظت این ماهیها در منطقه مجاور باشند.

۲-۳. حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی بر تنگه‌های بین‌المللی

دولت ساحلی در دریای سرزمینی مجاز به قانونگذاری در موارد ذیل است:
 کشتیرانی، حفاظت از کابل‌ها و لوله‌ها، شیلات، تحقیقات علمی و گمرکات و حفاظت از محیط زیست دریایی و جلوگیری و کاهش یا مهار آلودگی‌ها را بعهده خواهد داشت.
 همچنین دولت ساحلی حق دریافت هیچگونه عوارضی را از کشتیهای خارجی بابت عبور آنها از دریای سرزمینی اش ندارد، مگر در ازای انجام خدمات ویژه، آن هم به شرطی که بدون

1. Buzan, B. (1981), Negotiating by Consensus: Developments in Technique at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75, p. 324

تبعیض دریافت شود.^۱

۲-۳-۱. کشتی‌های تجاری

حق عبور ترانزیتی از داخل تنگه‌های بین‌المللی و آب‌های سرزمینی کشورهای در آن را دارند و ملزم اند قوانین و مقررات دولتهای ساحلی تنگه را در زمینه مسائل مختلف مربوط به بارگیری و تخلیه بار، مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی، مهاجرتی و پیشگیری از آلودگی دریا را رعایت کند؛ همچنین ملزم اند از مسیرهای تفکیک تردد تعیین شده عبور کند و دولت ساحلی نیز حق تعلیق عبور آنها را به هیچ وجه ندارد، ولی در صورت تخلف کشتی‌ها دولت ساحلی می‌تواند آن را فقط از مجاری دیپلماتیک پیگیری کند.

۲-۳-۲. عبور ترانزیت

دولت ساحلی بدون اینکه مشکلی برای عبور ترانزیتی ایجاد کند می‌تواند درباره تخلیه و بارگیری، ارز، کالا، افراد، ماهیگیری و صیادی، ایمنی دریانوردی، تعیین خطوط ترانزیتی یا طرح‌های تفکیک تردد و پیشگیری از آلودگی مانند آن، مقررات و قوانین وضع کند و پس از ابلاغ آن به کشورهای دیگر نسبت به اجرا و نظارت بر آن قوانین در منطقه تنگه مجاور خود اقدام کند. نیز می‌تواند نفت کش‌ها و کشتیهایی را که با نیروی اتمی کار می‌کنند و یا اساساً حامل مواد اتمی و خطرناک اند، به عبور از طرح‌های تفکیک تردد ملزم کند.^۲

۲-۴. جزایر مصنوعی

بر پایه ی ماده 56 کنوانسیون 1982 اگر جزایر مصنوعی در منطقه ی انحصاری اقتصادی برپا شود، دولت ساحلی موظف است همراه با برخورداری از مزایای این منطقه، حقوق کشورهای دیگر را رعایت و موارد زیر را رعایت کند

۱. اعلام ذخیره ماهیان موجود در منطقه و اندازه صید؛

۲. تلاش و برنامه ریزی برای پاسداری از زیست‌جانداران موجود در منطقه؛

۳. دادن اجازه رفت و آمد آزاد کشتیها.

بر پایه ی ماده ی 5 کنوانسیون 1958، تأسیسات ویژه کشف و استخراج منابع طبیعی در فلات قاره، منزلت حقوق جزایر (طبیعی) را ندارد و در تعیین مرزهای دریایی هیچ امتیازی برای کشور مالک جزیره مصنوعی ایجاد نمیکند. پس بر پایه کنوانسیون 1985، جزایر مصنوعی نمی‌تواند پایه‌های برای خط مبدأ باشد. کنوانسیون 1982 نیز بر سر هم تغییری در دیدگاه کنوانسیون

۱. افشردی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، بررسی میزان مطابقت و تفاوت مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با کنوانسیون ۱۹۸۲.

۲. اردلان، اسعد، (۱۳۶۹) رژیم حقوقی تنگه هرمز ۱۱ مجله بندر و دریا شماره ۲۱، ص ۲۲

1958 در مورد جزایر مصنوعی پدید نیآورده است. بر پایه ی ماده 11 کنوانسیون 1982 « تأسیسات و جزایر مصنوعی بیرون از ساحل را نمیتوان تأسیسات بندری ثابت به شمار آورد» بر پایه ی مواد 60 و 80 این کنوانسیون نیز جزایر مصنوعی و تأسیسات واقع در منطقه ی انحصاری اقتصادی یا فلات قاره، دریای سرزمینی برای خود ندارد و هیچ اثری در اندازه ی مرزهای دریایی کشورها نخواهد داشت.

بر پایه ماده ی 87 همان کنوانسیون، هرچند در آبهای آزاد فراتر از منطقه ی انحصاری اقتصادی دولت‌ها می‌توانند جزایر مصنوعی برپا کنند، ولی از تملک بخشی از دریای آزاد در مناطق دریایی برای خود منع شده‌اند. در مورد دریای سرزمینی و منطقه ی انحصاری اقتصادی که سراسر خلیج فارس را در بر میگیرد، بر پایه ماده ی 60 هواداران محیط زیست میگویند که ساخت این جزایر زیانهای سنگینی به اکوسیستم زده است. بر پایه ی برآوردهای کارشناسی، تنها ساحل مرجانی دویی، در سایه ی این عملیات از میان رفته است، آشیانه های ساحلی لاکپشت های دریایی ویران شده، مسیر جریانهای طبیعی آب تغییر یافته و گل و لای ناشی از کار، آبهای شفاف و شیشه‌های دریا را به شکل لجنزار درآورده است. کنوانسیون 1982، تنها دولت ساحلی اجازه برپا کردن جزایر مصنوعی را دارد؛ اما در آبهای آزاد، همه ی دولت‌ها چه ساحلی و چه غیر ساحلی میتوانند جزایر مصنوعی برپا کنند^۱

۲-۵. حقوق اقتصادی دولت های ساحلی بر آب های داخلی

آبهای داخلی محیط اعمال صلاحیت و سلطه دولت ساحلی است، با این وجود دولت مذکور از همان صلاحیتی که در سرزمین دارد، در دریا برخوردار نمی‌باشد، چون در خشکی با فرد مواجه است، در صورتیکه در دریا (آبهای داخلی) با کشتی مواجه است که تابع مقررات خاصی می‌باشد. کشتی‌ها با ورود به بنادر و آبهای داخلی در قلمرو حاکمیت دولت ساحلی قرار می‌گیرند.

۲-۶. حقوق اقتصادی دولت های ساحلی بر دریای سرزمینی

حاکمیت دولت ساحلی علاوه بر قلمرو زمینی و آبهای داخلی منطقه‌ای از دریای متصل به ساحل آن دولت که دریای سرزمینی خوانده می‌شود گسترش می‌یابد (۱۲ مایل پس از خط مبدأ). این حق حاکمیت به فضای هوایی بالای دریای سرزمینی و همچنین کف و زیر کف این دریا گسترش می‌یابد، اما این حاکمیت مطلق نیست. دریای سرزمینی تابع دو اصل مخالف است: یکی اصل عبور بی‌ضرر کشتی‌های دول بیگانه و دیگری اعمال صلاحیت دولت ساحلی به منظور جلوگیری از عبور مضر کشتی‌ها و تضمین منافع خود. (کنوانسیون مشخص می‌نماید که در چه مواردی عبور بی‌ضرر تعلق نخواهد شد. بنابراین از یک طرف هیچ هزینه‌ای

۱. موسی زاده، رضا، (۱۳۹۲)، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران: میزان، ص ۵۹۲.

نباید به عهده کشتیهای خارجی مگر برای خدمات مشخص شده تحمیل شود و از طرف دیگر کشتی‌هایی که عبور بی‌ضرر را رعایت نکنند تحت صلاحیت دولت ساحلی هستند و دولت ساحلی دارای حق تعلیق عبور این گونه کشتیها در نقاطی که عبور آنها نظم عمومی را به مخاطره می‌اندازد خواهد بود. اما ماده ۲۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ به دولت ساحلی اجازه می‌دهد تا دربارہ هر یک از موارد ذیل قانون وضع نماید: موارد مربوط به کشتیرانی. - حفاظت از کابلها و لوله‌های دول ثالث. امور مربوط به صید آبزیان. - آلودگی. - تحقیقات علمی. - گمرکات و امور مالی. دولت ساحلی قادر است از عبور غیر مجاز ممانعت به عمل آورد و حتی به خاطر مسائل امنیتی عبور بی‌ضرر را در منطقه مشخصی از آبهای ساحلی معلق نماید^۱

۲-۷. حقوق اقتصادی دولت‌های ساحلی بر فلات قاره

به موجب ذیل بند ۸ ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها، دربارهٔ توصیه‌های کمیسیون فلات قاره چنین می‌خوانیم: حدود فلات قاره ای که یک دولت ساحلی بر مبنای این توصیه‌ها تعیین می‌نماید نهایی و لازم‌الاتباع خواهد بود دربارهٔ این قسمت از بند یادشده آرای فراوانی وجود دارد. در وهلهٔ اول تأکید شده است که کمیسیون صلاحیت ندارد دربارهٔ اینکه آیا یک دولت ساحلی حدود فلات قارهٔ خود را بر مبنای توصیه‌های کمیسیون تعیین کرده اظهار عقیده کند^۲ به بیان دیگر، کمیسیون فقط می‌تواند درخواست یا درخواست تجدیدنظرشده یا درخواست مجدد را که به آن تسلیم شده بررسی کند، اما ارزیابی و احراز اینکه آیا دولت ساحلی به توصیه‌های کمیسیون عمل کرده یا نه، در صلاحیت کمیسیون نیست. تشخیص این معنا به عهدهٔ سایر دولت‌هاست که به این ملاک حدود خارجی فلات قاره را به رسمیت شناخته یا بدان اعتراض دارند^۳ از طرفی اکتشاف دولت ساحلی در فلات قاره و بهره‌برداری از منابع طبیعی آن نباید موجب مداخله غیر موجه در امور کشتیرانی و ماهیگیری یا حفاظت منابع جاندار دریا گردد. دولت ساحلی نمی‌تواند مانع اعمال آزادی کابل‌کشی و لوله‌کشی دول ثالث در کف فلات قاره گردد، اما جهت جلوگیری از آلودگی ناشی از گسستگی لوله‌های نفتی دولت ساحلی قادر است مسیر کابل‌ها و لوله‌ها را نیز تعیین نماید.

۱. همان، ص ۳۴

2. International Law Association (ILA) (2004). Report of the Committee on Legal Issues of the Outer Continental Shelf, Adopted at the 71st Conference of the International Law Association, held in Berlin, Germany, 16-21 August 2004.

3. McDorman, Ted L. (2002). "The Role of the Commission on the Limits of the Continental Shelf: A Technical Body in a Political World", The International Journal of Marine and Coastal Law, 17(3): 301-324

۲-۸. حقوق اقتصادی دولت‌های ساحلی بر مناطق مجاور

دولت ساحلی در منطقه نظارت تنها از صلاحیت‌های محدودی برخوردار است، منطقه نظارت منطقه محدود شده‌ای است که دولت ساحلی در منطقه‌ای واقع در مجاورت دریای سرزمینی می‌تواند مقرراتی را وضع و نظارت لازم را اعمال نماید تا از نقض مقررات و قوانین گمرکی، مالی و بهداشتی و مهاجرتی جلوگیری به عمل آورد. نظر به محدودیت‌های فوق، منطقه نظارت از لحاظ رژیم حقوقی با دریای سرزمینی متفاوت است و جزء دریای آزاد محسوب می‌شود. صلاحیت دولت ساحلی در منطقه نظارت محدود به امور مشخص شده‌ای است که نظام حقوقی رژیم حقوقی حاکم بر دریای آزاد کاملاً متفاوت است (چون در منطقه نظارت همانند منطقه اقتصادی انحصاری و فلات قاره اصل آزادی بهره‌برداری از منابع طبیعی اعمال نمی‌شود). دول ثالث دارای حق کشتیرانی آزاد در منطقه نظارت و پرواز بر فراز آن می‌باشند. نتیجتاً منطقه نظارت جزئی از منطقه اقتصادی انحصاری محسوب می‌شود و به همین دلیل دارای ماهیت حقوقی خاصی می‌باشد. دولت ساحلی در منطقه نظارت فاقد حق مالکیت است و فقط حقوق حاکمه را اعمال می‌نماید.^۱

۲-۹. حقوق اقتصادی دولت‌های ساحلی بر مناطقی جهت اکتشاف و بهره‌برداری

بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، حاکمیت دولت ساحلی بر منابع طبیعی بستر و زیر بستر دریا در محدوده‌ی دریای سرزمینی و منطقه‌ی انحصاری اقتصادی و فلات قاره به رسمیت شناخته شده است؛ اما این مقررات تا زمانی مفید و راهگشا است که موضوع تداخل ادعای حاکمیت بین کشورها در میان نباشد. در صورت وجود چنین ادعاهایی می‌بایست به قواعد تحدید حدود مراجعه کرد. در صورت عدم انعقاد موافقت‌نامه‌ی تحدید حدود دریایی، دولت‌های عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ باید در قالب تدابیر موقت، اقدامات عملی را با حس نیت انجام دهند؛ به نحویکه موجب خدشه به روند توافق‌نهایی آنها نشود. افزون بر راهکار کنوانسیون مذکور، که می‌تواند مبنایی برای هم‌کاری در منابع مشترک نفت و گاز باشد، اصل همکاری در بهره‌مندی از این منابع در رویه‌ی قضایی بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۱. تدینی، عباس، حاتمی، علی اصغر، (۱۳۸۷)، شیوه اعمال صلاحیت ملی در دریاها، دیدگاه‌های حقوق قضایی،

۲-۱۰-۱. ابزار ایجاد آموزه های اخلاقی در حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی

۲-۱۰-۱. حق نظارت بهداشتی و تأثیر آن بر ایجاد آموزه های اخلاقی

در حقوق اقتصادی کشورهای ساحلی در مناطق مختلف دریایی آموزه های اخلاقی در بسیاری از موارد برای حفظ حقوق طرفین دارای اهمیت می باشد و در صورت عدول از آن شاهد اختلافات شدید کشورهای ساحلی با یکدیگر هستیم. در این راستا حق نظارت بهداشتی یکی از این ابزار می باشد.

حق نظارت بهداشتی کشور ساحلی شامل امور ذیل است: اجراء نظامات کلی بهداشتی، ورود بکشتی ها برای بازرسی طبی، کنترل اوراق بهداشتی، قرنطینه، اقدامات ضد عفونی. حق پلیس بهداشتی با اینکه بموجب عرف و عادت و حقوق موضوعه شناخته شده معذک تاکنون درست تعریف نشده و مقررات جامعی ندارد. در کنفرانسهای بهداشتی قرن نوزدهم سعی کرده اند که مقاله نامه بین المللی درباره حق پلیس بهداشتی تنظیم کنند ولی منتهی به نتیجه نشده است. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح خود وارد این موضوع نشده در مقاله نامه ژنو نیز حکم صریحی در خصوص حق پلیس بهداشتی کشور ساحلی نیست. در این راستا ایجاد تفاهمنامه ها و مقاله نامه های که مسئله بهداشت را تشکیل و شرح دهد می تواند بسیار زیاد بر مسائل اخلاقی مؤثر باشد.

۲-۱۰-۲. حق وضع قوانین اخلاقی در جهت عبور و مرور کشتیها و جلوگیری از آلودگی

دریاها

مقرراتی که کشور ساحلی برای نظامات مربوط به امنیت کشتی رانی و نصب دستگاه های رادار هدایت کننده کشتی ها برای جلوگیری از مواجهه آنها با مخاطرات و همچنین دستگاههای هشدار دهنده کشتیها برای پیشگیری از آلودگی آنها و منع آلوده کردن آب دریا وضع می کند تا حدود دریای ساحلی شامل همه کشتیها اعم از تبعه داخله یا خارجه می شود و این مسئله تأثیر فراوانی بر رعایت حریم کشورهای ساحلی و حفظ قوانین اخلاقی می شود. کشور ساحلی می تواند برای تخلف از آن مجازات ها و جرائم نقدیمعین کند. کمیسیون حقوق بین الملل در طرح خود پیش بینی کرده بود که این مقررات شامل کشتی هائی نیز بشود که فقط اقدام به عبور بلامزاحمت بکنند بدون اینکه وارد آبهای داخلی شوند اما در کنفرانس ژنو این قسمت از طرح کمیسیون مسکوت ماند قطعاً باین ملاحظه که با تصریح اصل کلی حاکمیت دولت در دریای ساحلیش در ماده اول و دوم مقاله نامه ژنو دیگر احتیاجی به ذکر این قواعد که از متفرعات آن اصل می باشد نخواهد بود.

نتیجه گیری

جامعه بین‌المللی همواره کوشیده است با قوانین و مقررات لازم جهت استفاده و بهره‌برداری هر چه صحیح‌تر از دریاها را تدوین نموده و این مهم را سامان دهد. حاکمیت کشورهای ساحلی در دریاها محدود به مناطقی خواهد شد که کنوانسیون‌های حقوق دریاها آن را تعیین می‌کنند. کشورهای ساحلی در مناطق مشخص شده بر اساس قوانین و مقررات حقوق دریاها و در کنار قواعد عرفی حقوقی حاکمیت متفاوتی دارا می‌باشند که بسته به دوری یا نزدیکی این مناطق از ساحل نوع حاکمیت مطلق یا نسبی خواهد بود. حاکمیت کشور ساحلی بر دریای ساحلیش هیچگاه مورد تردید نبوده و اگر هم ایرادی به آن شده باشد چندان جدی نبوده است. در بین مسائل حقوق دریائی بندرت مسئله ای دیده می‌شود که مانند این حاکمیت تقریباً مورد اتفاق نظر باشد. کمیسیون حقوق بین الملل هم آن را در طرح خود با این عبارت تأیید کرده است: «این عقیده مورد قبول عموم و مطابق قواعد حقوق جاریه است» در مقاله نامه ژنو هم تصریح شده است که حاکمیت کشور ساحلی شمول دارد بر دریای ساحلی و فضای هوائی بالای آن و کف (بستر) دریا و قسمت تحت الارض آن (مواد ۱ و ۲ مقاله نامه).

حاکمیت کشورهای ساحلی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای شرایط و تعاریف مربوط به خود می‌باشد.

دولت ساحلی، صید مجاز منابع زنده را در منطقه اقتصادی انحصاری تعیین خواهد کرد. با توجه به بهترین شواهد علمی موجود، دولت ساحلی از طریق محافظت صحیح و اقدامات مدیریتی تضمین خواهد کرد نگهداری منابع زنده در مناطق انحصاری و اقتصادی با بهره‌برداری بیش از حد به خطر نیفتد. در صورت نیاز، دولت ساحلی و سازمانهای بین‌المللی شایسته، چه زیرمنطقه، منطقه ای، یا جهانی، برای این هدف همکاری خواهند کرد. چنین اقداماتی برای حفظ و ذخیره جمعیت نمونه‌های برداشت شده در همه سطوح طراحی شده است که میتواند حداکثر بازده پایدار را ایجاد کنند

دولت ساحلی در دریای سرزمینی طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای حقوقی می‌باشد که می‌توان از آنجمله به کشتیرانی، حفاظت از کابل‌ها و لوله‌ها، شیلات، تحقیقات علمی و گمرکات و حفاظت از محیط زیست دریایی و جلوگیری و کاهش یا مهار آلودگی‌ها اشاره داشت. همچنین دولت ساحلی می‌تواند بنا بر ضرورت و به دلایل امنیتی، از کشتیهای در حال عبور از دریای سرزمینی خود بخواهد تا از مسیر خاصی که آن کشور تعیین می‌کند، عبور نمایند یعنی حق تعیین مسیر تردد و وضع مقررات جداسازی ترافیکی را دارد.

کشور ساحلی می‌تواند در دریای سرزمینی خود کلیه تدابیر لازم را به منظور جلوگیری از هر گونه عبوری که بی‌ضرر نیست، معمول دارد. همچنین دولت ساحلی می‌تواند بدون هرگونه

تبعیضی، چه حقوقی و چه عملی میان کشتیهای خارجی، حق عبور را در مناطق بخصوص از دریای سرزمینی موقتاً به حالت تعلیق در آورد، به شرطی که این اقدام برای تضمین امنیت کشور ساحلی، از جمله مبادرت به تمرینات نظامی، ضروری باشد.

همچنین دولت ساحلی حق دریافت هیچگونه عوارضی را از کشتیهای خارجی بابت عبور آنها از دریای سرزمینی اش ندارد، مگر در ازای انجام خدمات ویژه، آن هم به شرطی که بدون تبعیض دریافت شود. دولت ساحلی بدون اینکه مشکلی برای عبور ترانزیتی ایجاد کند می تواند درباره تخلیه و بارگیری، ارز، کالا، افراد، ماهیگیری و صیادی، ایمنی دریانوردی، تعیین خطوط ترانزیتی یا طرحهای تفکیک تردد و پیشگیری از آلودگی مانند آن، مقررات و قوانین وضع کند و پس از ابلاغ آن به کشورهای دیگر نسبت به اجرا و نظارت بر آن قوانین در منطقه تنگه مجاور خود اقدام کند. نیز می تواند نفت کش ها و کشتیهایی را که با نیروی اتمی کار می کنند و یا اساساً حامل مواد اتمی و خطرناک اند، به عبور از طرحهای تفکیک تردد ملزم کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. اردلان، اسعد، (۱۳۶۹) رژیم حقوقی تنگه هرمز ۱۱ مجله بندر و دریا شماره ۲۱
۲. افشردی، محمد حسین، (۱۳۸۶)، بررسی میزان مطابقت و تفاوت مناطق دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان با کنوانسیون ۱۹۸۲
۳. تدینی، عباس، حاتمی، علی اصغر، (۱۳۸۷)، شیوه اعمال صلاحیت ملی در دریاها، دیدگاه های حقوق قضایی ، ، شماره ۱۵ و ۱۶
۴. شایگان، فرهاد، (۱۳۸۹)، مناطق دریایی در معاهدات بین المللی و حقوق جزای ایران، مجله کانون وکلا، ش ۲۰۸ و ۲۰۹
۵. موسی زاده ، رضا، (۱۳۹۲)، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران: میزان.

منابع غیر فارسی

6. Buzan, B. (1981), Negotiating by Consensus: Developments in Technique at the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75
7. Carroz, J. E. & Savini, M. (1983). The Practice of Coastal States Regarding Foreign Access to Fishery Resources, Report of the Expert Consultation on the Conditions of Access o the Fish Resources of the Exclusive Economic Zone, FAO Fisheries Report, Nr. 293, Rome
8. Conforti, B. (1987). The Mediterranean and the Exclusive Economic Zone, MilanoLupinacci
9. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4
10. Ceccato (G.M.), (2005), L'evolution juridique de la doctrine du plateau continental. Preface de M. Ch. Rousseau. Paris
11. Ferron (Olivier de). (1960), Le droit international de la mer. Geneve, Paris,
12. Grotius, (1993), (Hugo de Groot). Rights of War and Peace, an abridged translation of "De Jure Belli et Pacis" by William Whewell, Cambridge University Press,
13. Hall (W.E.), (2004), A Treatise on International law, 8th edition, by Pearce Higgin
14. International Law Association (ILA) (2004). Report of the

Committee on Legal Issues of the Outer Continental Shelf, Adopted at the 71st Conference of the International Law Association, held in Berlin, Germany, 16-21 August 2004

15. Jayakumar S. (1977). The Issue of the Rights of Landlocked and Geographically Disadvantaged States in the Living Resources of the Economic Zone, Virginia Journal of International Law, vol. 18

16. Juda, L. (1986). The exclusive Economic Zone: Compatibility of National Claims and the UN Convention of the Law of the Sea, Ocean Development and International Law Journal, vol. 16

17. Klein, N. (2005). Dispute Settlement in the UN Convention on the Law of the Sea, Cambridge University Press,

18. Lupinacci, J. Cesar. (1983). The legal Status of the Exclusive Economic Zone in the 1982 Convention on the Law of the Sea, Orrego, cit. note 4

19. McDorman, Ted L. (2002). "The Role of the Commission on the Limits of the Continental Shelf: A Technical Body in a Political World", The International Journal of Marine and Coastal Law, 17(3): 301-324

20. Nations Conference on the Law of the Sea, American Journal of International Law, vol. 75

21. Oppenheim (L.), (1999), International Law: a Treatise, vol. I, Peace, 8th.

صفحات ۲۹۶ - ۲۶۹

تبیین اخلاق نخبگی و الگوسازی از نخبگان بر مبنای متون اسلامی ایرانی با تکیه بر آثار ناصر خسرو، قشیری و هجویری

حبیب اله گرگیچ^۱

حبیب جدیدالاسلامی قلعه نو^۲

چکیده

بزرگان دین ما در طی قرون متمادی به ذکر ویژگی‌های نخبه و اخلاق نخبگی پرداخته‌اند و در این میان به ویژگی‌های نظیر: عبادت، علم و دانش، تفکر و تعقل، ولایت‌پذیری، حبّ الهی، تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی، عمل‌گرایی، عفا و پاکدامنی، امر به معروف و نهی از منکر، عدل و عدالت، راستی و راست‌گویی، مبارزه با ظلم و ستم، ریاستیزی، تقوی و پرهیزگاری، نفی تقلید کورکورانه، ایثار و از خودگذشتگی و تواضع و فروتنی اشاره کرده‌اند. نگارندگان در این مقاله به مواردی اشاره کرده‌اند که در آثار و شخصیت هر سه (ناصرخسرو، قشیری و هجویری) مشاهده می‌شوند و نمونه دارند. پژوهش حاضر با بهره‌مندی از روش کیفی که مبتنی بر گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای است، با هدف پاسخ‌گویی به اصلی‌ترین سؤال پژوهش، مبنی بر این‌که در راستای فرایند الگوسازی از نخبگان، چه ویژگی‌ها و خصوصیات برجسته‌ای، مبین اخلاق نخبگی در متون اسلامی - ایرانی (در آثار ناصرخسرو، ابوالقاسم قشیری و علی جلّابی هجویری)، است، به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی

نخبه، اخلاق نخبگی، ناصرخسرو، قشیری، هجویری.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

Email: habib.gorgich1367@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: eslami2631@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۸

طرح مسأله

هر چند واضح و میرهن است که الگوی ناب نخبگی برای بشریت در طول اعصار مختلف، خاتم پیامبران، حضرت محمد رسول الله (ص) است که واجد شاخصه‌های برجسته اخلاق نخبگی می‌باشد؛ با وجود این، چنانچه تأمل و تفکر در متون اسلامی - ایرانی صورت پذیرد بی‌شک می‌توان شاخصه‌ها و مصادیق چنین اخلاقی را درک نمود. لذا بر این مبنا در پژوهش حاضر، این متون «متون اسلامی - ایرانی» نامیده می‌شود. نخبگی، موهبتی الهی است که بر اساس حکمت الهی تبیین شده و تنها با توانمندی فرد نخبه در جهت‌دهی به استعداد‌های الهی خویش برای هدایت انسان‌ها و در مسیر کسب رضایت الهی معنا می‌یابد. مسیری که بی‌تردید پیشرفت و کمال مادی و معنوی را برای آحاد جامعه دنبال خواهد داشت.

در پژوهش حاضر، پژوهش‌گر ضمن آگاهی از جایگاه نخبگان در جامعه، برآن شده است با مبنا قرار دادن متونی اسلامی - ایرانی (مشمول بر آثار ناصر خسرو، ابوالقاسم قشیری و علی جلّابی هجویری)، به تبیین اخلاق نخبگی و به تبع آن، الگوسازی از نخبگان، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، برای جامعه ایران اسلامی پردازد.

این پژوهش از آن باب که موضوعی را مطرح نظر قرار داده است که تاکنون پژوهشی در این باره به انجام نرسیده است، دارای نوآوری می‌باشد. از سویی دیگر، با توجه به این‌که پژوهش‌گر در پژوهش حاضر، از تلقی معمول در خصوص متون اسلامی خارج شده و با تعمیم دادن چنین تلقی‌ای به برخی متون ادبی ایران زمین که برگرفته شده از آموزه‌های احکام اسلام، مندرج در آثار ناصر خسرو، ابوالقاسم قشیری و علی جلّابی هجویری و قرآن و نهج‌البلاغه می‌باشد، در صدد است الگوسازی از اخلاق نخبگی را بر مبنای چنین منابعی سامان دهد، لذا می‌توان گفت این جنبه از پژوهش، دارای نوآوری بوده و بدیل می‌باشد.

پیشینه تحقیق

بررسی‌ها حاکی از آن است که در ارتباط با موضوع اصلی پژوهش حاضر (تبیین اخلاق نخبگی و الگوسازی از نخبگان بر مبنای متون اسلامی - ایرانی) پژوهشی به انجام نرسیده است. اما در مقابل، محققین مختلف در کشور، پیرامون موضوعات مرتبط با موضوع پژوهش ما، پژوهش‌هایی به انجام رسانده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به شرح ذیل هستند:

ایزدی (۱۳۷۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه تطبیقی مکتب نخبه‌گرایی و بحث خواص»، ضمن بیان تفاوت مبنای مکتب نخبه‌گرایی در غرب و بحث خواص در آموزه‌های وحیانی، از تلاش برای کسب قدرت و عدم پذیرش هرگونه ارزش حقیقی به عنوان ویژگی نخبگان بر اساس تعریف مکتب نخبه‌گرایی نام می‌برد.

قدرت‌الله مشایخی در اثری با عنوان «موانع نخبگی از منظر قرآن و حدیث»، ماهیت و آثار تعدادی از گناهان کبیره‌ای را که در اثربخشی خواص بر عموم جامعه نقش دارند، بررسی نموده است.

مهیار خانی‌مقدم و محمدتقی دیاری بیدگلی (۱۳۹۵) در پژوهش مشترکی با عنوان «مبانی و ارکان بنیادین نخبگی در آموزه‌های قرآنی»، با هدف محوریت‌بخشی به آموزه‌های قرآنی در بازنگری به مفاهیم غربی رایج در جامعه اسلامی ایران، به عنوان نمونه، درصدد تبیین مبانی و ارکان بنیادین نخبگی در آموزه‌های قرآنی بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که: ۱. می‌توان واژه «الصفوة» را به عنوان کلیدواژه نخبگی در آموزه‌های قرآنی دانست؛ ۲. می‌توان در قالب دو بخش موهبت‌های غیراختیاری و اختیاری، هفت رکن بنیادین نخبگی شامل «ویژگی‌های وراثتی»، «خداباوری و توکل»، «خودباوری و خودباوری»، «اهتمام در کسب دانش و بینش»، «تفکر روش‌مند و خلاقیت»، «شجاعت در ابراز و اجرای نظرات» و «توانمندی راهبری دنیای پیرامونی» را تبیین کرد؛ ۳. بر خلاف نگرش رایج در جوامع غربی و مکتب نخبه‌گرایی که هدف از نخبگی را کسب قدرت و سلطه می‌داند، نخبگی در آموزه‌های قرآنی، موهبتی الهی است که بر اساس حکمت الهی تبیین شده و تنها با توانمندی فرد نخبه در جهت‌دهی به استعداد‌های الهی خویش برای هدایت مادی و معنوی انسان‌ها و در مسیر کسب رضایت الهی معنا می‌یابد.

رسول تقی‌خواه قره‌بابا در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «شاخصه‌های فرهنگی نخبگی در آموزه‌های اسلامی»، تصریح نموده، در استخراج شاخصه‌های فرهنگی نخبگی از آموزه‌های اسلامی، مبانی نخبه‌پروری مورد بحث قرار می‌گیرد. در مبانی، سه موضوع قابل بررسی است: الف) چپستی ارتباط دین و فرهنگ، ب) وابستگی اخلاق به دین، ج) مفهوم‌شناسی علم اسلامی. بدین ترتیب که در تناسب دین و فرهنگ، دین مبدأ فرهنگ‌سازی است که این مسأله بر اساس فطری بودن معرفت دینی و پیشوایی ائمه معصومین (ع) در هدایت‌گری آن قابل اثبات است. در مورد اخلاق نیز، زمانی که مبتنی بر آموزه‌های اسلام باشد، از ویژگی‌هایی همچون ضمانت اجرایی داشتن، قداست‌بخشی به گزاره‌های اخلاقی حاصل از عقل و مهم‌تر از همه، اسوه‌سازی و معرفی مصادیق نخبگان پیشرو در هدایت نخبگان جامعه اسلامی، برخوردار است. موضوع سوم؛ علم اسلامی از مؤلفه‌های اصلی نخبگان است که بر اساس مراتب ایمان، تقوا و عمل صالح تعریف می‌شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که شاخصه‌های فرهنگی و اخلاقی نخبگی از منظر آیات و روایات عبارتند از: عقل را مقهور منطلق قرآنی و روایی دانستن، مقهور قدرت و لذت‌ها نشدن، بلکه دنیا را مقدمه آخرت پنداشتن، مراتب علم را با مراتب تقوا در نوردیدن، ژرف‌اندیشی در کسب حقیقت را با تسلیم بر حق بودن آمیختن، سبقت در اندیشه، عمل صالح و سکوت سازنده را به سبقت در قدرت و لفاظی ترجیح‌دادن و در نهایت با

کسب بصیرت، نفس خویش را در تمییز حق و باطل تربیت کردن، می‌باشد (تقی‌خواه قره‌بابا، ۱۳۹۱).

«نخبه‌گرایی مشارکتی (با توجه به لزوم بازسازی مفهوم نخبه)» عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد پگاه مصلح است. در این پژوهش آمده، نخبه مفهومی است که متضمن دو عنصر جدانشدنی زبَدگی و انتخاب است. به طوری که نادیده‌گرفتن هر کدام از این دو عنصر موجب تغییر اساسی معنای آن می‌شود. در ادبیات سیاسی امروز، ترادف این مفهوم با الیت که در یک گفتمان اقتدارگرا معنا سازی شده است، موجب شده که ترکیب عناصر مذکور به سود یک برتری بالفعل به هم بخورد. طبق این تلقی، نخبه یا الیت سیاسی، فرد یا طبقه‌ای است که دارای قدرت است و این یک دور را پدید می‌آورد زیرا هرگاه پرسیده شود که چه کسی قدرت را در دست دارد، گفته می‌شود: نخبه. این تعریف دوری موجب شکل‌گیری فرهنگ سیاسی مبتنی بر جدایی و تقابل الیت و توده گشته، نوعی هویت‌سازی و فساد سیاسی را ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که برای ایجاد تحول بنیادین در روابط قدرت به بازسازی مفهومی در گفتمان دموکراتیک نیاز می‌باشد. مفهوم نخبگی از مهم‌ترین مفاهیم حوزه سیاسی به شمار می‌رود و شکل‌گیری نظریات کارساز منوط به شالوده‌شکنی از آن و نشان‌دادن این موضوع است که نخبه شدن و نه نخبه بودن، فرآیندی است که انتخاب یک جزء ذاتی آن است. در راستای شکل‌دهی چنین برداشتی می‌توان نخبه را این‌گونه تعریف نمود: نخبه کسی است که در هر یک از حوزه‌های کنش فکری انسانی، بالاترین توانایی را داشته و با توجه به فرآیند حصول دستاوردهایش، مورد انتخاب مخاطبان همان حوزه قرار گیرد. با این تعریف، مشاهده می‌شود که مشارکت مردم به عنوان مخاطبان حوزه سیاسی بخشی اساسی از عناصر مقوم نخبه سیاسی است و به همین لحاظ، نخبه‌گرایی مشارکتی می‌تواند به عنوان الگویی سیاسی در گفتمان دموکراتیک قابل طرح باشد (مصلح، ۱۳۸۳).

مرتضی علی‌آبادی و امین نیک‌مرام در پژوهش مشترکی با عنوان «بیین/همیت جایگاه نخبه‌گرایی بر شکل‌گیری شهرهای خلاق گذشته و معاصر»، تصریح نموده‌اند، شهر خلاق، ایده‌ای است که در سال ۱۹۸۰ ارائه شده و بر بهتر شدن محیط زندگی و ارتقای کیفیت زندگی به واسطه تفکرات نوین شهروندان تکیه دارد. از طرفی جایگاه نخبگان و سرآمدان در برنامه‌ریزی، مدیریت و تحقق این ایده جای تأمل بسیار دارد. این پژوهش، با روش تحلیلی-تطبیقی و شیوه‌های تحقیق مرور منابع کتابخانه‌ای شامل متون، منابع و اسناد و مدارک مرتبط با موضوع، به بررسی در زمینه تأثیر وحدت نظر نخبگان معماری و شهرسازی در ایجاد شهرهای خلاق ایرانی-اسلامی پرداخته است. همچنین در این راستا، به نظریه‌های نخبه‌گرایی و اجماع نظر نخبگان و رویکردهای متفاوت آنان نسبت به مسأله توسعه شهری اشاره کرده و اهمیت نظر نخبگان و

توجه به این نظرها را مورد تأکید قرار داده است. بر حسب نتایج به دست آمده، ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که بهره‌گیری از نخبگان در زمینه‌های مختلف در حوزه شهرسازی و نظریه‌پردازان معاصر به دلیل وجود ارتباط تنگاتنگ میان شهرسازی و مفاهیم سایر علوم و رشته‌های تخصصی مرتبط، می‌تواند ارتباط مستقیمی با ایجاد شهر خلاق موفق چه در گذشته و چه در دوران معاصر داشته باشد (علی‌آبادی و نیک‌مرام، ۱۳۹۲).

«رفتارشناسی سیاسی نخبگان فرهنگی عصر اموی»، عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمیله رضایی است. در این پژوهش آمده، رفتار سیاسی نخبگان فرهنگی به لحاظ تأثیر و الگوسازی در جریان‌های تاریخی حائز اهمیت فراوان است. با توجه به این که دوره اموی هم‌زمان با شکل‌گیری نحلها و گروه‌های مختلف فرقه‌ای و سیاسی است، نخبگان فرهنگی با عملکرد خود به صورت مستقیم یا غیرمستقیم هدایت این گروه‌ها و در حقیقت جامعه را بر عهده داشتند. قابل ذکر است که نوع رفتار سیاسی نخبگان فرهنگی با حاکمیت سیاسی اموی با توجه به سه عامل علایق مذهبی، قومیت و منزلت اجتماعی سنجیده شده است و بر این اساس، نخبگان فرهنگی در چهار سنخ موافق، مخالف، بی‌طرف و مذذب دسته‌بندی شده. این پژوهش با رویکردی توصیفی - اکتشافی و دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات به قصد سنخ‌شناسی نخبگان فرهنگی انجام شده است. بر این اساس، با استفاده از منابع تاریخی، ادبی، انساب و طبقات به استخراج اطلاعات و در نهایت با چالش داده‌ها به مقایسه و بررسی کمی داده‌های آماری پرداخته شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، ادبیات همگام با علوم رایج این دوره (علوم اسلامی) رشد کرده و شاعران بار اصلی ادبیات را به دوش می‌کشیدند، بیشتر شاعران این دوره از قوم عدنانی و از طبقه متوسط جامعه بودند، این در حالی است که حضور کمرنگ موالی در عرصه شعر و شاعری و خطابه قابل تأمل است. اما از سوی دیگر، موالی پا به پای اعراب عدنانی و قحطانی در علوم اسلامی (فقه، حدیث، قرآن و تفسیر) فعالیت می‌کردند و گاه نیز در این علوم پیشرو بودند، به طوری که بیشترین آمار را در چهار سنخ رفتاری به خود اختصاص دادند (رضایی، ۱۳۸۸).

صابر صفرپور نوردی در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر نخبه‌کشی و نخبه‌پروری بر فرآیند توسعه در جهان اسلام (مطالعه موردی: مصر و ترکیه)»، تصریح کرده است، نخبگان هر جامعه‌ای از مهم‌ترین و برجسته‌ترین عوامل شکل‌گیری توسعه محسوب می‌شوند و جای تأمل وافر است که چگونه کشورهایی با موقعیت جغرافیایی نامساعد و جمعیت اندک، نسبت به کشورهایی با موقعیت جغرافیایی مساعد و جمعیت قابل توجه، مسیر پیشرفت را پیدا نموده و به ابعاد مختلف توسعه دست یافته‌اند. وجود نیروی انسانی متخصص و کارآمد است که موجب پیشرفت کشورها و بهره‌وری سازنده از امکانات و منابع بالقوه و بالفعل می‌گردد؛ اما به نظر

می‌رسد که اهمیّت نیروهای متخصص و شایسته در جهان اسلام مورد غفلت قرار گرفته و این امر را می‌توان در زمره مهم‌ترین علل عدم توسعه‌یافتگی کشورهای اسلامی قرار داد. با توجه به این‌که موضوع توسعه از مهم‌ترین مفاهیمی است که در چند قرن اخیر ذهن پژوهش‌گران و محققان بسیاری را به خود مشغول کرده است، این پژوهش درصدد است تا به موضوع عدم توجه به نخبگان به عنوان یکی از برجسته‌ترین علل توسعه‌نیافتگی در جهان اسلام به طور عام و در کشورهای مصر و ترکیه به طور خاص بپردازد. به همین منظور در اثر حاضر به تبیین و تشریح اندیشه‌های نخبگانی چون امیرکبیر، ماهاتیرمحمد، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و نجم‌الدین اربکان توجه شده است و نقش این نخبگان در فرآیند توسعه مورد مذاقه قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش مبین آن است که، در برخی از کشورهای اسلامی همچون مالزی و در مقطعی ترکیه، زمانی که زمینه برای فعالیت نخبگان مهیا شده است، شاهد توسعه بوده‌ایم و در هر کشوری که با حاشیه‌نشینی نخبگان به خصوص در کشوری مانند مصر مواجه شده‌ایم، فرآیند توسعه دچار نقصان شده است (صفرپور نورودی، ۱۳۹۶).

تی. بی. باتومور (۱۳۶۹) در اثری با عنوان «نخبگان و جامعه»، در چارچوب نظامی که بر اساس حقوق مدنی و سیاسی و قدرت تأثیرگذاری عموم مردم بر سیاست‌های خرد و کلان گسترش می‌یابد، مدعی تخفیف نقش و اهمیّت نخبگان در جامعه است.

بحث و بررسی

امروزه، اهتمام مکتب‌های بشری به ارائه شاخصه‌های برگزیدگی و نخبگی است؛ به‌طوری‌که می‌توان الگوسازی‌های کاذب توسط کانون‌های ثروت و قدرت را که با هدف ترویج عقاید و سبک زندگی مطابق با نظام سرمایه‌داری و تهی از معنویت اصیل صورت می‌پذیرد، در این راستا دانست (خانی‌مقدم و دیاری بیدگلی، ۱۳۹۴: ۱۱۲)؛ چرا که نقش و جایگاه نخبگان در زمینه تولید علم و دانش و نیز سرعت بخشیدن به روند پیشرفت و اعتلای کشور، مهم و مستلزم توجهی ویژه است؛ زیرا نخبگان هر جامعه‌ای، از مهم‌ترین و برجسته‌ترین عوامل شکل‌گیری توسعه چندجانبه محسوب می‌شوند (صفرپور نورودی، ۱۳۹۶: ۱۱)؛ بر این مبنای، در اکثریت قریب به اتفاق جوامع، نخبگان علمی - فرهنگی از اهمیّت بسیاری برخوردار هستند، چرا که آگاهی و عملکرد فرد «نخبه» تا چندین نسل بعد و یا برای همیشه پویا و زنده می‌ماند.

نخبگان در هر جامعه‌ای به لحاظ دارا بودن نقشی در مجموعه تصمیم‌گیریهای درون جامعه، در کنش تاریخی آن مشارکت دارند و آثار این مشارکت، همواره به صورت مستقیم و غیرمستقیم ظاهر می‌شود. در حقیقت این گروه، نفوذ خود را از طریق نوعی الگوسازی اعمال می‌کنند.

نخبه

نُخبَة (ع ص): برگزیده (منتهی‌الارب و آندراج)، برگزیده از هر چیزی (اقرب‌الموارد) و برگزیدگان مردم (الرائد).

در زبان انگلیسی (Elite) به معنای: «گروهی از مردم که به خاطر داشتن قدرت، ثروت و یا مهارت‌های خاص، قدرت و تأثیر زیادی در جامعه دارند» (Longman dictionary). طبقه ممتاز جامعه، سرآمدان، خواص، نخبگان، برگزیدگان طراز اول (نوروزی خیابانی، ۱۳۹۴: ۱۶۰). فرهنگ (Merriam Webster) ریشه این واژه را از فرانسه (Élite)، فرانسه کهن (eslite) از مؤنث (eslit) صفت مفعولی از (eslire) از لاتین (eligere) می‌داند.

«نخبگان طبقه‌ای از رهبران فکری و اجتماعی جوامع بودند که در نتیجه قدرت در اختیارشان یا به دلیل بهره‌مندی از توانایی تأثیرگذاری و یا با عملی ساختن ایده‌ها و تصمیم‌های خود، می‌توانستند با ایجاد هیجان و اوج‌بخشیدن به احساسات در آن مقطع تاریخی و در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، علمی، اخلاقی و به‌ویژه دینی، نقشی مؤثر بر عهده گیرند» (حسینی‌هرندی، ۱۳۸۷: ۱)

«نخبگان انسان‌هایی هشیار و فرصت‌طلبند که به هر حال و در هر وضعیتی برگزیده جوامع به شمار می‌آیند؛ کسانی که باید وجدان بیدار جوامع باشند، پیشاپیش مردم حرکت کنند و در امور، راهنما و راهگشای آنان باشند» (حسینی‌هرندی، ۱۳۸۷: ۱۱)

«جالب توجه است که در آثار جامعه‌شناسی غربی، نخبگان به افشاری خاص محدود شده و آنان را به روشن‌فکران، مدیران صنایع، دیوان‌سالاران و افسران نظامی منحصر نموده و جایی برای عالمان دینی باقی نگذاشته‌اند، و این در حالی است که حتی در تحقیقات غربی که در خصوص جریانات تأثیرگذار اجتماعی در جوامع اسلامی - به‌ویژه ایران اسلامی - صورت گرفته است، به نقش بی‌بدیل عالمان دینی در نقش‌آفرینی اجتماعی و حتی سیاسی اعتراف کرده‌اند» (باتومور، ۱۳۹۶: ۱۰۰ و ۱۱۶) همچنین (رک: اعرافی و حسین‌پناه، ۱۳۹۳: ۳۰)

با این تعاریف، ناصر خسرو، قشیری و هجویری هم نخبگان اجتماعی و صاحب کرسی هستند که می‌توانند با سخنان خود نقش مهمی در هدایت عامه مردم داشته باشند.

نخبه‌گرایی

«نخبه‌گرایی، خارج از حوزه اندیشه سیاسی، محصول اندیشه جامعه‌شناسانی است که در پایان قرن ۱۹ و آغاز قرن بیستم میلادی ظهور کردند. این که امروز وجود نخبگان در سیاست و جامعه مدنی مورد قبول دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است، به دلیل تحقیقات سه نفر از جامعه‌شناسان، به نام‌های «ویلفردو پاره‌تو، گائتانو موسکا و روبرت میخلز» است که این تئوری را محور نقد و سنجش ایدئولوژی‌های سیاسی قرار دادند.» (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۲) بحث «نخبه-

کشی» به جای «نخبه‌گرایی» در ایران درازدامن است، اما باید گفت که ناصر خسرو، قشیری و هجویری نخبگان سیاسی (به طور کامل) نیستند که سیاست حاکم به آنها گرایش داشته باشد یا در صدد قتل آنان برآید. لذا آنان را باید از جنبه نخبه‌گرایی اجتماعی بررسی کرد.

مؤلفه‌های نخبگی از دیدگاه قرآن کریم

بر اساس آیات قرآن کریم هدف از خلقت انسان، خداگونه شدن و عبد خدا بودن است؛ یعنی هدف کلان تربیت، توحید و ادراک همراهی پیوسته و حضور مستمر حق است «هو معکم اینما کنتم» (علم‌الهدی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). پس از منظر اسلام، شخص نخبه در ابتدا باید تربیت دینی صحیح داشته باشد. «بر اساس یافته‌های پژوهش (تاج‌الدین و بازارگادی، ۱۳۸۸)، مجموعه شاخص‌ها و معیارهای تربیت اسلامی که از آیات قرآن استنباط می‌شود را می‌توان تحت سه مؤلفه فرایندهای ذهنی، رفتار و تمایلات دسته‌بندی کرد. شاخص‌های ذیل هر مؤلفه عبارتند از: مؤلفه فرایندهای ذهنی شامل شاخص‌های: علم و دانش، تفکر و تعقل، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی، مؤلفه رفتار شامل شاخص‌های: تعهد و مسئولیت‌شناسی اجتماعی، عمل‌گرایی، عفت و پاکدامنی، امر به معروف و نهی از منکر، عبادت، مؤلفه تمایلات شامل شاخص‌های: حبّ الهی و ولایت‌پذیری.»

اخلاق و جایگاه آن از منظر قرآن کریم

اخلاق جمع خُلق است. «خُلق ملک‌های است که منشأ صدور افعال از نفس، به سهولت و آسانی بدون فکر و رویت و تکلف است. و اما صفات نفسانی مانند غضب، حلم، که غیر راسخ در نفس است، خُلق نیست. خُلق به فضیلت - که کمالات است - و رذیلت - که مبدء نقصان است - تقسیم می‌شود. بعضی گویند که تصوّف عبارت از خُلق است یعنی بذل معروف و کشف اذی که به سه چیز ممکن شود: علم و جود و صبر. و بالجمله تخلّی از صفات ذمیمه و تخلّی به صفات حمیده است که موجب مجاهده می‌باشد. نیز گفته‌اند لفظ خُلق عبارت است از هیأتی راسخ در نفس که به سهولت مبدء صدور افعال خیر یا شر گردد؛ و مبادی افعال شر را اخلاق سیئه می‌خوانند (سجّادی، ۱۳۸۳: ۳۵۸)

اخلاق نخبگی

مسائل اخلاقی بر اساس آیات قرآن کریم، به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. مسائل فردی؛ یعنی مسائلی که در آنها اصول و ضوابطی برای پیراستن فرد از رذایل اخلاقی و آراستن او به فضایل، رعایت قواعد برای حفظ سلامت و بهداشت جسم و جان و تعدیل و کنترل گرایش، آمده است، مثل: مراقبت در خوردن و آشامیدن، داشتن صفاتی چون وفای به عهد، محبت به همگان، اخلاص، تواضع، پرهیز از غرور و خودپسندی و... ۲. مسائل جمعی؛ یعنی مسائلی که در آنها رعایت حال دیگران مطرح است، مثل: نیکی به والدین، حمایت و هدایت مردم، تربیت فرزندان،

اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و...

پس فردی که دارای اخلاق نخبگی است باید ابتدا مسائل اخلاقی فردی را در خود تقویت کند و سپس در مسائل اخلاقی جمعی بکوشد. عبدالرزاق کاشانی گوید: «خلق را سه درجه است: درجه اول آن که مقام آدمی را بدانی، و دریایی که وابسته به قدرت پروردگارتند و بر حکم قضا و قدر موقوفند. از این آگاهی سه امر مستفاد می‌شود: امن، محبت خلق و نجات خلق. درجه دوم، نیکوکردن خلق خود با خدای خود است. یعنی بدانی که هر آنچه انجام دهی، عذر تقصیر را ایجاد می‌کند. چه، نتوانی که آن را بدان‌سان که باید، انجام دهی؛ و آنچه خداوند انجام می‌دهد موجب شکر و سپاس است. درجه سوم آن است که در کسب خلق نیکو، جهد کنی، و از این نیز فراتر روی و بدانی که همه چیز به دست خداوند است و سالک نباید خود را ببیند. از این نیز بالاتر روی و متعرض قبول تجلیات الهی، و تخلص از کثرت اخلاق و صفات شوی. (کاشانی، ۱۳۵۴: ۱۰۳-۱۰۵) همچنین (رک، سجادی، ۱۳۸۳: ۳۵۸)

نقش و جایگاه نخبگان دینی (اسلامی)

ناصر خسرو، قشیری و هجویری، هر سه از نخبگان اجتماعی/دینی هستند و باید نقش و جایگاه آنان از این منظر در جامعه بررسی شود. از میان آیات و روایات رسیده، ادله‌ای برای اقامه دلیل برای نقش نخبگان دینی وجود دارد. این ادله به دو بخش «عام» و «خاص» تقسیم می‌شوند. ادله عام شامل: «نشر علم (در مواردی نشر علم واجب است؛ از جمله نشر علم دین و امور دینی و علوم اخروی)، احسان، اعانه بر نیکی، نفی سییل و حفظ عزت اسلامی» (اعراف و حسین پناه، ۱۳۹۳: ۳۳ و ۳۴) و ادله خاص شامل: «قاعده ارشاد جاهل (قاعده فقهی)، آیات ناظر به نقش علما در میان امت‌های پیامبران (دلیل قرآنی محض)، آیات ناظر بر نبوت عموم انبیا به ضمیمه روایت «العلماء ورثة الأنبياء» (دلیل قرآنی - روایی)، آیات ناظر به رسالت پیامبر اکرم (ص) با تعمیم آنها به علما (دلیل قرآنی - روایی - عقلی)، نامه امام سجّاد (ع) به زهری (دلیل روایی محض)» (همان: ۳۴)

پس نخبگان اجتماعی/دینی بر اساس ادله عام و خاص، موظفند که به نقش خود در قبال مردم و جامعه عمل کنند و در فصول بعدی به نقش و جایگاه آنان پرداخته خواهد شد. در زیر به مؤلفه‌های نخبگی در آثار و شخصیت سه نخبه ایرانی - اسلامی (ناصر خسرو، قشیری و هجویری) پرداخته می‌شود.

تأثیرپذیری از قرآن کریم

فرهنگ اسلام برخاسته از قرآن و احادیث ائمه طاهرين عليهم السلام است و حدیث پس از قرآن، دومین منبع و سرچشمه جوشان معارف اسلام است (پیرزادینیا و باقری، ۱۳۹۴: ۱۴۵) ناصر خسرو خود در برخی از اشعار تصریح می‌کند که انیس و مونس جز خواندن قرآن و دانستن

و عمل کردن به آن نداشته است (محقق، ۱۳۹۰: ۳):

خواندن فرقان و زهد و علم و عمل مونس جانند هر چهار مرا

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۱۱)

و از این بیت او چنین استنباط می‌شود که قرآن را از بر داشته:

مقرّم به مرگ و به حشر و حساب کتابت ز بر دارم اندر ضمیر

(همان: ۱۹۰)

ناصرخسرو به صورت‌های مختلف از قرآن در اشعار خود استفاده کرده است. گاهی مفردات لغات قرآن را در میان جمله‌های خود می‌آورد مانند: «مسنون»، «عرجون»، «غسلین»، «شعوب»، «قبائل»، «سزاء»، «ضراء» و مانند آنها و گاهی هم لغات مرگب را مانند: «دارالسلام»، «أصحاب الرّقیم»، «عروة الوثقی»، «لؤلؤ مکنون» و مانند آنها. و در برخی موارد خود ترکیبی از قرآن ساخته است مانند: «مکان العلی» از «مکاناً علیاً» و «شمس الضحی» از «والشمس و ضحیها» و گاهی هم اشاره به نام سوره‌های قرآن کرده، مانند «سورة التّین»، «سورة اللیل»، «سورة طه»، «سورة یس». و در بیشتر موارد معنی و مفهوم آیات را در اشعار خود آورده است (محقق، ۱۳۹۰: ۳ و ۴).

تأثیر قرآن کریم بر شعر ناصرخسرو فراوان است؛ برای دیدن تمام موارد رک: (محقق، ۱۳۹۰: ۱-۲۸)

قشیری به میزان زیادی تحت تأثیر قرآن کریم است، تفسیر قرآنش که بماند، در باقی آثارش هم فراوان به قرآن کریم استناد جسته است و اگر فهرست‌وار هم به آنها پردازیم بی‌گمان در چندین صفحه هم نمی‌گنجد. آثار قشیری آمیخته با قرآن کریم است و مستقیم و غیر مستقیم به این کتاب آسمانی اشاره دارد.

کشف‌المحجوب هجویری - به صورت مستقیم و غیر مستقیم - کاملاً تحت تأثیر قرآن کریم است. هجویری حدود ۳۰۰ آیه را مستقیماً در اثر خود آورده و به آنها استناد جسته است. با توجه به این حجم زیاد استناد به قرآن کریم، برای اینکه کلام به درازا نکشد، از آوردن شاهد مثال پرهیز شد.

تأثیرپذیری از احادیث

حدیث در لغت در برادر قدیم است و در تعریف اصطلاحی آن میان شیعه و اهل سنت اختلاف است. از نظر اهل سنت عبارت است از قول پیامبر (ص) و حکایت فعل و تقریر و صفت پیامبر (ص) (تهانوی، ۱۴۰۴: ۲۷۹) و از دیدگاه شیعه عبارت است از کلامی که قول، فعل یا تقریر معصوم (ع) را حکایت می‌کند (شریفی، ۱۳۹۱: ۴۶) همچنین رک: (پیرزادنی و باقری،

۱۳۹۴: ۱۴۵). ناصر خسرو چون مبلغ دین و حجت فاطمیان در خراسان بوده است به اخبار و احادیث نبوی خاصه آنچه مربوط به امامت و ولایت حضرت علی (ع) و تعظیم و تکریم فرزندان اوست احاطه فراوانی داشته است. او در مواردی تصریح می کند به اینکه گفته پیغمبر را نقل کرده است مانند دو مورد زیر (محقق، ۱۳۹۰: ۲۹):

این گور تو چنانکه رسول خدا گفت یا روضه بهشتت یا کنده سعیر

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

که اشاره است به حدیث: «إِنَّمَا الْقَبْرُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ» (بحار الانوار، ج ۳: ۱۴۸)

قصه سلمان شنیدستی و قول مصطفی کو ز اهل بیت چون شد با زبان پهلوی

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۲۶۰)

که اشاره است به حدیث: «إِنَّ سَلْمَانَ مِمَّا أَهَلَ الْبَيْتِ» (سفینه البحار، ج ۱: ۶۴۷)

ناصر خسرو بسیار از احادیث در شعر خود بهره گرفته است و برای پرهیز از طولانی شدن کلام از ذکر نمونه خودداری شد.

اما استفاده قشیری از احادیث:

ص ۹۹: أَلْ مُحَمَّدٌ كُلُّ تَقِيٍّ (از خاندان محمد (ص) است هر پرهیزگاری). جامع الصغیر ۱/۱-

۱۵؛ به نق از سیوطی در «الاوسط» طبرانی هم آمده است.

ص ۹۹: أَبُكُو فَإِنَّ لَمْ تَبْكُوا فَتَبَاكُوا (بگریید اگر گریه تان نیامد، خود را چون گریندگان نمایید). سنن ابن ماجه / زهد - ۴۱۹۶؛ كشف المحجوب / ۲۲۹؛ ابونعیم این جمله را به ابوموسی اشعری نسبت داده است: حلیة الاولیا ۱ / ۲۶۱.

ص ۲۲۳: أَتَضَحَّكُونَ؟ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلاً وَ لَبَكَيْتُمْ كَثِيراً (می خندید؟ اگر می دانستید آنچه را که من می دانم، کمتر می خندیدید و بسیار می گریستید). صحیح بخاری / ایملن ۳، رقائک ۲۷، نکاح ۱۰۷، کسوف ۲ و تفسیر سوره ۵ / ۱۲؛ سنن ترمذی / زهد ۹؛ صحیح مسلم / صلاة ۱۱۲، کسوف ۱ و فضائل ۱۳۴؛ سنن دارمی، رقائک ۲۶؛ سند احمد حنبل ۲ / ۲۵۷، ۳ / ۱۰۲، ۶ / ۸۱...؛ سنن ابن ماجه / زهد ۱۹؛ موطا مالک / کسوف ۱؛ شرح تعرّف / ۲۶۲ و ۸۸۷؛ سنن نسائی / سهو ۱۰۲، کسوف ۱۱ و ۲۳؛ تعلیقات حدیقه / ۲۶۸.

ص ۳۴۳: إِنَّهُ فِرَاسَةٌ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (از تیزی بینی مؤمن بترسید، زیرا او به نور خدای عز و جل [نهانی ها را] می بیند). جامع الصغیر ۱/۱ - ۱۵۱.

۱. رقم سمت راست، شماره جلد، و رقم سمت چپ شماره صفحه، و نشان (-) شماره حدیث است. (رک: رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۶۲)

در بالا نمونه‌هایی ذکر شد و برای طولانی‌نشدن کلام از ذکر باقی موارد - که فراوان هم هستند - پرهیز شد.

هجویری در جای جای کتابش از احادیث بهره می‌گیرد. استنادجستن او به احادیث چند دلیل دارد؛ از جمله: تحکیم کلام خود، تشویق، مستدل کردن بحث و هجویری در کشف-المحجوب مستقیماً از حدود ۲۰۰ حدیث بهره می‌گیرد که برای پرهیز از اطالۀ کلام، مختصراً در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ص ۵۷۸: «أبشروا صعالیک...»، ص ۱۱۹: «أبشروا یا اصحاب...»، ص ۲۷۹: «أبکو فإن لک تبکون...»، ص ۴۸۴: «أجعبو بطونکم...»، ص ۴۷۱: «أحس حواشک...»، ص ۳۱۱: «أخوف ما أخافک...»، ص ۵۲۱: «أخوف ما أخاف علی...»، ص ۴۹۱: «أدبنی ربی...»، ص ۲۹: «أدنوا منی...»، ص ۴۶۴: «إذا أتاکم...»، ص ۴۴۶: «إذا أحبب الله العبد...»، ص ۴۲۹: «إذا أحبب الله العبد...»، ص ۲۹۶: «إذا اراد الله بعید خیراً بصره بعبود نفسه»، ص ۱۱۸: «إذا اراد الله بعید خیراً بصره بعبود نفسه و...»، ص ۴۷۱: «إذا صمت...»، ص ۴۴۲ و ۴۴۱: «أرحنا، یا بلال...»، ص ۲۷۲: «أسألک الرضا...»، ص ۳۰۷: «إستقیموا و لن...»، ص ۵۶۵: «أشد البلاء...»، ص ۵۸۰: «أصدق کلمه...»، ص ۵۲۷: «أطلبوا الحوائج...»، ص ۱۷: «أطلبوا العلم...»، ص ۴۸۴: «أعبد الله کأنک...»، ص ۳۱۰: «أعدی عدوک...»، ص ۱۷: «أعوذ بک نفسک...»، ص ۱۵: «أفلا أکون عبداً...»، ص ۴۹۵: «أکثروا من الإخوان...»، ص ۴۸۳ و ۴۸۴: «الأرواح جنود...»، ص ۴۱۹: «الایمان أن...»، ص ۴۲۹: «التائب من الذنب...»، ص ۴۸۰: «الحاج وفذ...»، ص ۹۹، ۳۷۵: «الحق ینطق...».

علم و دانش

ناصرخسرو گرچه تا چهل و سه سالگی را با شادخواری و کامجویی گذراند اما با وجود این «از همان جوانی در علوم یونانی از ارثماتیفی و مجسطی و بطلمیوس و هندسه اقلیدس و طب موسیقی و بالاخص علم حساب و نجوم و فلسفه و همچنین در علم کلام و حکمت متالهین تبحر پیدا کرده بود و اساساً عنوان حکیم ناظر به آشنایی وی با فلسفه ارسطو، افلاطون، فارابی و ابن‌سیناست و مخصوصاً در کتاب‌هایی چون زادالمسافرین و روشنایی‌نامه (جامع‌الحکمتین) به این مهم اشارات رفته است.» (تقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۹-۱۲) همچنین رک: (بالو و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱) وی گوید:

به هر نوعی که بشنیدم ز دانش نشستم بر در او من مجاور...

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۵۳۶)

ناصرخسرو همچنین با علم منطق آشنا بوده و در شعر خود به آن اشاره می‌کند:

و اندر کتب بر سخن منطقی چون آفتاب روشن برهان کنم

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۳۷۲)

ناصر خسرو اهمیت کسب علم را از حدیث معروف پیامبر (ص) استشهد می‌کند:

طلب علم فرمود رسول حق گر سفر باید کردن تا چین

(همان: ۳۴۲)

قشیری در نیشابور زندگی می‌کرد، شهری که در عالم اسلامی از نظر کثرت محدثان و مهارت آنها در حدیث، شهرت فراوانی داشته است. مسلم بن حجاج، صاحب صحیح مشهور، دومین کتاب معتبر حدیث نزد اهل سنت، اهل این شهر بوده است. از مطالعه سیر علمای این عصر، به درستی این امر درک می‌شود که حدیث در روزگار قشیری، به ویژه در نیشابور، منزلت و پایگاه ارزشمندی داشته است. قشیری از این خوان گسترده به بهترین نحو استفاده برد و حدود سی سال از عمر خود را صرف تحقیق و آموزش حدیث نمود و از محضر استادان بزرگ کسب فیض کرد و نهایتاً به درجه‌ای رسید که ریاست مجلس حدیث در مسجد «مطرز» نیشابور را بدو محول کردند و در ایام آن محنت جانگداز، وقتی مجبور به جلای وطن شد و به بغداد هجرت کرد، آوازه‌اش از قبل به بغداد رسیده بود، به طوری که گروهی از طالبان این علم به گردش حلقه زدند و از او استماع حدیث کردند. یکی از این افراد، خطیب بغدادی، مؤلف کتاب تاریخ بغداد بود که در تاریخ خود، به این موضوع اشاره کرده و چنین گفته است: «قشیری در سال ۴۴۸ هجری نزد ما به بغداد آمد و برای ما حدیث گفت و از او حدیث نوشتیم. ثقه بود. روایت می‌گفت و وعظی نیکو و اشارتی زیبا داشت» (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹، ج ۱۰: ۸۳) و (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴: ۱۳)

هجویری (۱۳۹۰: ۲۵) علم را از قول محمد بن فضل البلخی سه نوع می‌داند: «الْعُلُومُ ثَلَاثَةٌ: عِلْمٌ مِنَ اللَّهِ، و عِلْمٌ مَعَ اللَّهِ، عِلْمٌ بِاللَّهِ. علم بالله علم معرفت است که همه اولیای او، او را بدو دانسته‌اند و تا تعریف و تعریف او نبود ایشان وی را ندانسته‌اند؛ از آنچه همه اسباب اکتساب مطلق از حق تعالی منقطع است، و علم بنده مر معرفت حق را علت نگردد؛ که علت معرفت وی -تعالی و تقدیر- هم هدایت و اعلام وی بود. و علم من الله علم شریعت بود که آن از وی به ما فرمان و تکلیف است. و علم مع الله علم مقامات طریق حق و بیان درجت اولیا بود. پس معرفت بی پذیرفتن شریعت درست نیاید و برزش شریعت بی اظهار مقامات راست نیاید». هجویری با نقل سخن محمد بلخی، کلام او را نیز تأیید می‌کند و نظر بلخی را مطابق با میل و نظر خود می‌یابد. پس هجویری نیز علم را همین ۳ مورد می‌داند و در ادامه می‌گوید: «علم زندگی دل است از مرگ جهل و نور چشم یقین از ظلمت کفر، و هر که علم را معرفت نیست دلش به جهل مرده است و هر که را علم شریعت نیست دلش به نادانی بیمار است. پس دل کفار مرده باشد؛ که به خداوند -تعالی- جاهل‌اند و دل اهل غفلت بیمار؛ که به فرمان‌های وی جاهل‌اند» (همان: ۲۵ و ۲۶). کسب علم دشوار است و هجویری این مسئله را می‌داند و تصریح می‌کند که: «و

ابویزید بسطامی - رحمه الله علیه - گوید: عَمِلْتُ فِي الْمَجَاهِدَةِ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَمَا وَجَدْتُ شَيْئاً عَلِيٍّ مِنَ الْعِلْمِ وَ مُتَابَعَتِهِ. سی سال مجاهدت کردم بر من هیچ چیز سخت‌تر از علم و متابعت آن نیامد. و در جمله قدم بر آتش نهادن بر طبع آسان‌تر از آن که بر موافقت علم رفتن، و بر صراط هزار بار گذشتن بر دل جاهل آسان‌تر از آن‌آید که یک مسئله از علم آموختن، و اندر دوزخ خیمه زدن نزدیک فاسق دوست‌تر که یک مسئله از علم کار بستن» (همان: ۲۸).

ولایت‌پذیری

علامه طباطبایی معتقد است که ولایت در قرآن کریم به معنای محبت نیست بلکه به معنای مالکیت تدبیر و سرپرستی است (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸: ۲۶ و ۲۷) برخی یکی از مهم‌ترین آیات در مذهب شیعه را آیه ۵۵ سوره مائده دانسته‌اند که به آیه «ولایت» مشهور است. به نظر بسیاری از علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت مانند زمخسری، طبری، نیشابوری و فخر رازی این آیه در وصف حضرت علی (ع) نازل شده است (رحیمی اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۱۹-۱۲۱). در اعتقاد ناصر خسرو «گرچه رسول اکرم (ص) را یاران پاک و مؤمن و متقی بسیار بود، اما هیچ کدام در فضایل انسانی و نزدیکی به رسول اکرم (ص) به پای امام علی (ع) نمی‌رسید» (خضری، ۱۳۹۴: ۸۵). ناصر خسرو گوید:

از پس پیغمبر آن باشد خلیفه که بود هم مبارز هم به علم اندر سوار ای ناصبی

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۴۲۰)

«ناصر خسرو شیعه و مبلغ تشیع بود و مهم‌ترین دلائلی که شیعیان برای اثبات خلافت و اولویت حضرت علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام یاد کرده‌اند در دیوان خود آورده است» (محقق، ۱۳۹۰: ۳۵۵) از جمله:

۱. تصریح پیامبر بر ولایت علی در غدیر خم:

پس از خطبه غدیر خم شنیدی علی او را ولی باشد به پیمان
بیاویزد آن کس به غدر خدای که بگریزد از عهد روز غدیر

(دیوان: ۲۱۵ و ۱۹۲)

۲. قرابت و نزدیکی حضرت علی (ع) با پیامبر:

از مرد یابد ملک هر گز چز پسر یا دخترش نشنود ترسا جز چنین گفتاری از پیغمبرش
منکر شدش نادان ولی نیست دانا منکرش هر کو بداند حق را این قول ناید منکرش
(دیوان: ۲۱۹)

۳. احادیثی که از پیغمبر درباره حضرت علی (ع) روایت شده است مانند:

عَلِيُّ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (سیوطی، جامع‌الصغیر، ج ۲: ۱۴۰)
و هم‌چنین:

انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیات الباب (سیوطی، جامع الصغیر، ج: ۱: ۳۴۶)
ناصر خسرو، واقعه غدیر خم و حدیث مربوط به آن را غیر قابل انکار می‌داند و از آن برای اثبات مسئله امامت بسیار استفاده می‌کند:

در راه حق، تو به راه کسی مرو
بنگر که خلق را به که داد و چگونه گفت
کو را ز رهبری نه صغیر است و نه کبیر
روزی که خطبه کرد نبی بر سر غدیر
بی حجت و بصارت سوی تو خویشتن
دست علی گرفت و بدو داد جای خویش
با چشم کور نام نهاده است بوالبصیر
گر دست او گرفت تو جز دست او مگیر
(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۱۰۵)

و در جای دیگر گوید:

آنکه پیش از دگران بود به شمشیر و به علم
و آنکه بگزید و وصی کرد نبی بر سر ماش
آنکه معروف بدو شد به جهان روز غدیر
وز خداوند ظفر خواست پیمبر به دعاش
(همان: ۲۷۶)

یکی از نشانه‌های ولایت‌پذیری ناصر خسرو، تعمق او در نهج‌البلاغه حضرت علی (ع) است. مضامین مشترک نهج‌البلاغه و اشعار ناصر خسرو گویای این مدعا است که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

حضرت علی در نهج‌البلاغه (نامه ۳۱) می‌فرماید: «و باین أهل الشَّرِّ تَبین عنهم» (از بدان بپرهیز تا در شمار ایشان در نیایی). ناصر خسرو گوید:

از نام بد ار همی بترسی با یار بد از بنه میبوند

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۱۴۸)

حضرت علی در نهج‌البلاغه (حکمت ۱۴۷) می‌فرماید: «لا تصحب الشَّریرَ فَإِنَّ طَبَعَكَ یَسْرِقُ مِنْ طَبَعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (از مصاحب با مردم شرور و فاسد بپرهیز که طبعت به طور ناآگاه بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او می‌دزدد و تو از آن بی‌خبری) ناصر خسرو گوید:

با مردم نفاقه مکن صحبت زیرا که از نفاقه بیلایی

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۴۲۱)

و در جای دیگر گوید:

بدخو شدی ز خوی بد یار بد چنانک خنجر خمیده گشت چو خمیده شد نیام

(همان: ۳۸۲)

حضرت علی در نهج‌البلاغه (حکمت ۱۱۹) می‌فرماید: «مَثَلُ الدُّنْیَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَیْنٌ مَسْهًا وَ السَّمُّ التَّاقِعُ فِی جَوْفِهَا. یَهْوِی اِلَیْهَا الغُرُّ الجَاهِلُ وَ یَحْدَرُهَا ذُو اللُّبِّ العَاقِلُ» (دنیا همچون ماری سمی است که لمس کردن آن نرم و هموار و درون آن زهر مرگبار است. فریفته نادان، دوستی آن

پذیرد و خردمند دنا، از آن دوری گیرد). ناصر خسرو گوید:

در گردن جهان فریبنده کرده دو دست و بازوی خود چنبر
ایدون گمان بری که گرفتستی در بر به مهر خوب یکی دلبر
و آگاه نیستی که یکی افعی داری گرفته تنگ و خوش اندر بر

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۱۲۷)

قشیری (۱۳۸۵: ۴۲۶ و ۴۲۷) دربارهٔ ولایت گوید: «قال الله تعالى آلا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. عایشه گوید رضی الله عنها که پیغامبر صلی الله علیه و سلم [خبر داد از حق سبحانه و تعالی که] گفت هی کی ولّیتی را [از آن من] برنجاند با من به جنگ بیرون آمده باشد و بنده به من تقرّب نکند به هیچ چیز بهتر از گزاردن آنچه بر وی فریضه کرده‌ام و بنده به من تقرّب می‌نماید به نوافل تا [آنگاه که] وی را دوست [خویش] گیرم. استاد امام [ابوالقاسم] رَجَمَهُ اللَّهُ گوید ولی را دو معنی است یکی آنک حق سبحانه و تعالی متولّی کار او بود چنانک [خبر داد و] گفت وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ و یک لحظه او را به خویشتن باز نگذارد [بلکه او را حق عَزَّ اسْمُهُ در حمایت و رعایت خود بدارد] و دیگر معنی آن بود که بنده به عبادت و طاعت حق سبحانه و تعالی قیام نماید بر دوام و عبادت او بر توالی باشد که هیچ گونه به معصیت آمیخته نباشد».

هجویری گوید: «بدان که قاعده و اساس طریقت تصوّف و معرفت جمله بر ولایت و اثبات آن است» (همان: ۳۱۷) و به آیه قرآن کریم استناد می‌جوید که: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» (الکهف/ ۴۴) (همان) و می‌گوید: «أَمَّا وَوَلَايَت - به فتح واو - نصرت بود اندر حق لغت، و ولایت - به کسر واو - امارت بود، و نیز هر دو مصدر و لیت باشد. و چون چنین بود باید که تا دو لغت بود، چون دلالت و دلالت، و نیز ولایت ربوبیت بود» (همان).

وی «نصرت» را به این اعتبار می‌گوید که، شخصی که به مقام ولایت رسیده، از نفس خود فانی شده و در حق باقی گردیده، شایسته نصرت الهی است (شریفی و سرامی، ۱۳۹۳: ۱۱۰) «لا محاله مؤمنان را ناصر بود که نصرت کند بر عقول ایشان اندر استدلال آیات و بیان معانی دل-های ایشان و کشف براهین بر اسرار ایشان و نصرت کند ایشان را بر مخالفت نفس و هوا و شیطان و موافقت امور خود» (هجویری، ۱۳۹۰: ۳۱۷ و ۳۱۸).

تفکر و تعقل

«در پهنهٔ ادب فارسی دو شاعر حکیم بیش از دیگران درد خرد و دغدغهٔ خردورزی دارند و بر کارکرد و اهمّیت آن تأکید می‌ورزند؛ حکیم فردوسی توسی و حکیم ناصر خسرو قبادیانی» (پیرانی، ۱۳۹۴: ۷۱) در اندیشهٔ ناصر خسرو همانندی انسان با خدا به سبب عقل است «شرف مردم بر دیگر چیزها آن است که او مر عقل را پذیرنده است» (زادالمسافرین: ۱۹۲) و این یگانه

وجود خردپذیر (عاقل) فقط فرمانروای این جهان محسوس و موجودات آن نیست «خدا مردم (انسان) را بر ملک باطن هم پادشا کرده است» (همان: ۱۲۲) و پادشاهی انسان بر دو جهان از برکت وجود عقل است که خود موهبت الهی است. ناصر خسرو گوید:

نهاده خدای است در تو خرد چو در نار و چو در مشک شم
سخن را به میزان دانش بسنج که گفتار بی علم باد است و نم
سخن را به نم کن به دانش که خاک نیامد به هم تا ندادیش نم
خرد دوست جان سخنگوی توست که از نیک شاد است و از بد دژم

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۶۲)

خردورزی ناصر خسرو تا بدان جا است که دانش و خرد را در یک همراهی و هماهنگی معنادار، به ماندهٔ قضا و قدر تعیین کنندهٔ سرنوشت انسان می‌داند:

هر کس همی حذر ز قضا و قدر کند وین هر دو رهبرند قضا و قدر مرا
نام قضا خرد کن و نام قدر سخن یاد است این سخن ز یکی نامور مرا

(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۶)

وی انسان بی‌خرد را ارج نمی‌نهد و او را به سنگ خاره تشبیه می‌کند:
از سنگ خاره رنج بود حاصل بی‌عقل مرد سنگ بود خاره

(همان: ۳۸۶)

ناصر خسرو، خرد و خردورزی را عامل تعالی انسان می‌داند و می‌گوید:
گر خرد را بر سر هشیار خویش افسر کنی سخت زود از چرخ گردان ای پسر سر بر کنی
(همان: ۴۳۱)

درخت تو گر بار دانش بگیری به زیر آوری چرخ نیلوفری را
(همان: ۶۴)

قشیری تفکر در خداوند را منوط به عنایت الهی می‌داند و می‌گوید: «شبلی گوید: هر که بر یک ذره علم توحید رسید، عاجز بود از برگرفتن پشته‌ای از گرانی آنچه بر وی بود» جنید گفت: بزرگوارترین قلعه اندر توحید آن است که ابوبکر صدیق گفت: پاک آن خدایی را که به معرفت خویش راه نداد مگر به عجز از معرفت خویش» (قشیری، ۱۳۸۵: ۴۴۲)

هجویری دربارهٔ تفکر قول پیغمبر (ص) را نقل می‌کند و می‌گوید: «پیغمبر گفت، علیه السلام: تفکر ساعة خیر من عبادة سنة. و به حقیقت اعمال باطن فاضل‌تر از اعمال جوارح، و تأثیر اعمال باطن تمام‌تر از تأثیر اعمال ظاهر، و از آن بود که گفتند: نَوْمُ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَ سَهْرُ الْجَاهِلِ مَعْصِيَةٌ. خواب عالم عبادت بود و بیداری جاهل معصیت؛ از آنچه اندر خواب و بیداری سرش مغلوب باشد و چون سر مغلوب گردد، تن نیز مغلوب گردد. پس سر مغلوب به غلبه حق بهتر از

نفس غالب به حرکات ظاهر و مجاهدت» (همان: ۱۶۵ و ۱۶۶).

امر به معروف و نهی از منکر

ناصر خسرو به فراوانی امر و نهی می‌کند و برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود. وی در نهی ندانسته سخن گفتن گوید:

آن به که نگویی چو ندانی سخن ایراک ناگفته سخن به بود از گفته رسوا

(همان: ۵)

در امر به راست‌گویی و نهی از دروغ‌گویی گوید:

جز راست مگوی گاه و بی‌گاه تا حاجت نایدت به سوگند

گنده‌ست دروغ‌ازو حذر کن تا پاک شود دهانت از گند

(همان: ۲۳)

در جای دیگر گوید:

راست گوی و طاعت آر و پاک باش و علم جوی فوج دیوان را بدین معروف لشکرها شکن

(همان: ۲۶۵)

ناصر خسرو در نهی از علم بی‌عمل گوید:

در خور قول نکو باید کردنت عمل تو ز گفتار عقابی و به کردار ذباب

قول را نیست ثوابی چو عمل نیست برو ایزد از بهر عمل کرد تو را وعده ثواب

(همان: ۱۸۹)

قشیری در باب امر به معروف و نهی از منکر گوید: «و گفته‌اند که عبودیت به جای آوردن است آنچه [تو را] فرموده‌اند و دست برداشتن از آنچه [تو را] نهی کرده‌اند» (قشیری، ۱۳۸۵: ۳۰۳)

در باب نیکی کردن به پدر و مادر گوید: «بلال خَواص گوید اندر تیه بنی اسرائیل همی رفتم مردی با من همی رفت مرا شگفت آمد از وی پس مرا الهام دادند کی این خضرست او را گفتم... به چه پایگاه بود کی دیدار تو یافتم؟ گفت به تیکی کردن تو با مادر و پدر خویش» (همان: ۳۳)

در باب عدم اسراف و صرفه‌جویی گوید: «بشر را گفتند نان با چه خوریم گفت عافیت یاد کن و نان خورش کن» (همان: ۳۳). همو گوید: «بشر گفت حلال اسراف نپذیرد» (همان).

قشیری (همان: ۳۶) از قول داود طائی گوید: «بسیار نگریستن کراهیت دارد همچنانک بسیار گفتن».

در ردّ حرام‌خواری گوید: «و اتفاق است میان پیران کی هر که حرام خورد میان الهام و وسواس فرق نداند کرد» (همان: ۱۲۸).

در امر به مقابله با هواجس نفس گوید: «و از استاد ابوعلی شنیدم که هر که قوت او معلوم بود میان الهام و وسواس فرق نداند کرد و هر که هواجس نفسش خاموش گشت به صدق

مجاهدت او فصاحت دلش سخن گوید به حکم مکابدت او» (همان).

قشیری (همان: ۱۳۷) درباره توبه می‌گوید: «و توبه اول منزلی است از منزل‌های این راه و اول مقامی [است] از مقام‌های جویندگان و حقیقت توبه در لغت [بازگشتن بود و توبه اندر شرع] بازگشتن بود از نکوهیده‌ها باز آنچه پسندیده است از شرع و قال صلی الله علیه و سلم ندامت توبه است».

قشیری (همان: ۱۴۶) در امر به جهاد گوید: «قال الله تعالی جاهدوا فینا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». همچنین گوید: «استاد ابوعلی [دقاق] گوید هر که ظاهر خویش را بیاراید به مجاهده، خدای باطن او را بیاراید به مشاهده. و بدانک هر که اندر بدایت صاحب مجاهده نباشد از این طریقت هیچ بوی نیابد. ابوعثمان مغربی راست کی هر که پندارد که این در بر وی بازگشایند و هیچ چیز یابد از حقیقت مگر به مجاهده اندر غلط است.» (همان).

وی در امر به حق‌گویی گوید: «ابوسعید رضی الله عنه گوید پرسیدند پیغامبر را صلی الله علیه و سلم از فاضل‌ترین جهاد، گفت کلمه حق پیش سلطان ستمکار گفتن و اشک از چشم ابوسعید فرو ریخت» (همان).

قشیری (همان: ۱۴۷) در امر به «حرکت» گوید: «استاد ابوعلی گفت هر که اندر بدایت او را برخاستی نبود اندر نهایت وی را نشستی نبود. و هم از وی شنیدم اندر لفظ أَلْحَرَكَهُ بَرَکَه، حرکات ظاهر برکت سر بر آورد».

در نهی از حسد گوید: «قال الله تعالی اعدوْ بَرَبِّ الْفَلَقِ پس گفت وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ. [این سوره را که پناهی کرد از شرها، مهر کرد به ذکر حسد]. ابن مسعود گوید رضی الله عنه که پیغامبر گفت صلوات الله و سلامه علیه سه چیز است که اصل همه گناهان است از آن حذر کنید و بترسید و دور باشید از کبر که ابلیس را کبر بر آن داشت که آدم را سجود نکرد و دور باشید از حرص که آدم را حرص بر آن داشت تا گندم بخورد و دور باشید از حسد که پسران آدم از حسد دیگری را بکشت. و گفته‌اند که حاسد با خدای تعالی ستیزه کند از آنک به قضای خدای رضا ندهد و گفته‌اند حاسد هرگز مهتر نشود.» (همان: ۲۳۰). «و اندر این معنی قول خدای تعالی گفته‌اند قُلْ اِنَّمَا حَرَمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ. خدای فواحش را حرام کرد ظاهر و باطن، فاحشه باطن حسد است.

در امر به توکل گوید: «عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گوید که پیغمبر گفت صلی الله علیه و سلم همه امتان را به من نمودند به موسم، [امت] خویش را دیدم کوه و بیابان همه پر آمده از ایشان، عجب بماندم اندر بسیاری ایشان و هیئت ایشان، مرا گفت خشنود شدی گفتم شدم، گفتند باز این همه هفتاد هزار دیگراند که اندر بهشت شوند بی‌شمار، [و ایشان آنها باشند که] داغ نکنند و فال نگیرند و افسون نکنند، و بر خدای تعالی توکل کنند.» (همان: ۲۴۵).

در امر به دعا کردن گوید: «انس مالک رضی الله عنه گوید که پیغمبر صلی الله علیه و سلم گفت دعا مغز عبادت است» (همان: ۴۳۶). «استاد امام [ابوالقاسم رحمه الله] گوید دعا کلید [همه] حاجت‌ها است [و راحت خداوند حاجت است] و راحت درماندگان [است] و پناهگاه درویشان [است] و غمگسار نیازمندان [است]». (همان).

هجویری در نهی از غرض‌ورزی نفسانی در کارها چه زیبا می‌گوید: «اندر هر کاری که غرض نفسانی اندر آید برکت از آن کار برخیزد، و دل از طریق مستقیم به محلّ اعوجاج و مشغولی اندر افتد، و آن از دو بیرون نباشد: یا غرضش برآید، و یا برنیاید. اگر غرضش برآید، هلاک وی اندر آن بود، و در دوزخ را کلید بجز حصول مراد نفس نیست، و اگر غرض بر نیاید، باری وی بیشتر آن از دل بسترده باشد که نجات وی اندر آن بود، و کلید بهشت را بجز منع نفس از اغراض وی نیست.» (هجویری، ۱۳۹۰: ۵).

در تشویق به قناعت و امر به آن گوید: «از عمر خطّاب -رضی الله عنه- می‌آید که وی مرقعه‌ای داشت، سی پیوند بر آن گذاشته. و هم از عمر خطّاب -رضی الله عنه- که گفت: «بهترین جامه‌ها آن بود که مؤنث آن کمتر بود، و از امیرالمؤمنین علی -رضی الله عنه- می‌آید که پیراهنی داشت که آستین آن با انگشت او برابر بود، و اگر وقتی پیراهنی درازتر بودی سر آستین آن فرو دیدی.» (همان: ۶۲).

هجویری مردمان را از حرص و آز و طمع نهی کرده (همان: ۳۱ و ۵۹) و همچنین مریدان راه سلوک را از تکبر و غرور نهی می‌کند. وی همچنین دروغ و غیبت را نهی می‌کند و می‌گوید: «بدان زبان که شهادت گفته است دروغ و غیبت نگوید و مسلمانان را نرنجاند، و درویشان را به نام مجرد نخواند، و تا چیزی از وی نپرسند نگوید، و سخن گفتن ابتدا نکند. و شرط خاموشی درویش آن بود که بر باطل خاموش نباشد، و شرط گفت آن که جز حقّ نگوید» (همان: ۵۲۵) و همچنین گوید: «دل را محلّ حرص مگردان» (همان: ۸۶).

در نهی از نفاق و دورویی گوید: «اندر دلی که اندر او غبار نفاق نباشد؛ از آنچه نفاق خلاف وفاق باشد و رضا عین وفاق. و محبت را با نفاق هیچ تعلق نیست و محلّش رضاست. پس رضا صفت دوستان بود و نفاق صفت دشمنان» (همان: ۱۳۶). در جای دیگر گوید: «از وی (حیب العجمی) پرسیدند که: رضای خداوند -تعالی- اندر چه چیز است؟ گفت: فی قلب لیس فیهِ غبارُ النفاق» (همان).

در نهی از عُجب گوید: «و اصل عُجب از دو چیز خیزد: یکی از جاه خلق و مدح ایشان و آن که کردار بنده خلق را پسند افتد بر وی مدح کنند، وی بدان معجب شود، و دیگر کردار کسی مر آن کس را پسند افتد و خود را شایسته داند، بدان معجب شود» (همان: ۸۶).

در امر به استغنا می‌گوید: «خزینة بزرگ‌تر مرد را رضای خداوند است و اشارت به غنای

خداوند است -جلّ جلاله- پس هر که بدو غنی بود از غیر وی مستغنی بود» (همان: ۱۴۰).
در امر به بی‌اعتنائی به مدح و ذم گوید: «و این صفت محققان مشایخ باشد- رضوان الله علیهم- که مدح و ذمّ خلاق به نزدیک ایشان یکسان شده باشد و به جفا گفتن متغیّر نشوند» (همان: ۱۰۸).

در نهی از اسراف داستان پیری را مثل می‌زند که: «هر چیزی که آدمی را در آن نصیبی بودی نخوردی و نپوشیدی. چیزهایی خوردی که مردمان بینداختندی، چون ترة پوسیده و کدوی تلخ و گزر تباه‌شده و مثلهم. و پوشش از خرقة‌هایی ساختی که از راه برچیدی و نماز کردی و از آن مرّقه ساختی» (همان: ۶۹).

در امر به حفظ اسرار گوید: «و حقیقت آن بود که بنده مخاطب است به حفظ اسرار، همچنان که به حفظ اظهار. پس حفظ اسرار از التفات به اغیار بود و حفظ اظهار از مخالفت جبار» (همان: ۱۰۵).

در امر به نیک‌خویی می‌گوید: «تصوّف نیک‌خویی باشد، هر که نیک‌خوتر، وی صوفی‌تر. خوی نیکو بر دو گونه باشد: یکی با خلق، و دیگری با حق» (همان: ۵۴).

در نهی از خودبینی گوید: «و از وی (بایزید بسطامی) می‌آید -رضی الله عنه- که گفت: یک بار به مکه شدم، خانه مفرد دیدم. گفتم حجّ مقبول نیست؛ که من سنگ‌ها از این جنس بسیار دیده‌ام. بار دیگر برفتم خانه دیدم و خداوند خانه دیدم. گفتم که: هنوز حقیقت توحید نیست. بار سدیگر برفتم همه خداوند خانه دیدم و خانه نه. به سرّم فرو خواندند: یا بایزید، اگر خود را ندیدی و همه عالم را بدیدی شرک نبودی، و چون همه عالم نبینی و خود را ببینی شرک باشد. آنگاه توبه کردم، و از توبه نیز توبه کردم، و از دیدن هستی خود نیز توبه کردم» (همان: ۱۶۴).
در نهی از بخل گوید: «و البخیلُ بعیدٌ مِنَ اللهِ، بعیدٌ مِنَ الْجَنَّةِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ» (همان: ۴۶۳).

در نهی از زیاده‌گویی و پرحرفی گوید: «و در جمله گفتار چون خمر است که عقل را سست کند، و مرد چون اندر شرب آن افتاد هرگز بیرون نتواند آمد و خود را از آن باز نتواند داشت. و چون این معلوم اهل طریقت شد که گفتار آفت است، سخن جز به ضرورت نگفتند؛ یعنی در ابتدا و انتهای سخن خود نگاه کردند، اگر جمله حقّ را بود بگفتند و الاّ خاموش بودند؛ از آنچه معتقد بودند که خداوند عالم الاسرار است.» (همان: ۵۲۱ و ۵۲۲).

عمل‌گرایی

ناصر خسرو در عمل‌گرایی می‌تواند بهترین الگو باشد. وی تبعید و سختی در یمگان‌دره را به جان خرید اما پای حرف خود ایستاد و از اعتقاد و آرمان خود بازنگشت و تنها به خدای خود پناه برد:

من به یمگان در به زندانم از این دیوانگان عالم‌السری تو فریاد از تو خواهم، آی رب
اندر این زندان سنگین چون بماندم بی‌زوار از که جویم جز که از فضلت رهایش را سبب؟
(قبادیانی، ۱۳۹۳: ۳۲)

توجه قشیری به کلام و اخلاص او در مذهب اشعری، فقط در حرف و حدیث خلاصه نمی‌شود، او در روزگار سلطان طغرل بیک و وزیرش، کندری، با شجاعتی کم‌نظیر، عملاً اخلاص و سرسپاری خود را به مذهب اشعری نشان داد و در این راه، محنت‌های زیادی تحمل کرد چنان که حدود ده سال از موطن خود تبعید شد اما سبب ابوالحسن اشعری را به اتهام مبتدع که در منابع صورت می‌گرفت، برنتافت (کیشه‌خاله، ۱۳۸۴: ۲۰) و حتی در این باره کتابی با عنوان «شکایه اهل السنه» تألیف کرد. «با اینهمه وی از آن مردان آزادفکر و بلندپرواز تصوف و رندان چالاک نیست که هرگز زندانی رسوم و حدود ظاهری نمی‌شدند و گام بر سر تعلیمات مسجد و مدرسه و خانقاه می‌نهادند و از آن سوی بشریت و نتایج و آثار آن پر و بال می‌گشودند و چه می‌توان گفت درباره کسی که تعصب او در فروع مذهب شافعی به جایی برسد که برای هفده‌ساله‌ای را چون ابوسهل محمدبن موقق به خاطر سابقه ریاست خاندانش با وجود پیران کهن سال از فقهاء حنفیه و شافعیه، با اصرار و ابرام بر کرسی ریاست مذهب در نیشابور بنشانند و یا بر اثر اسارت و رقیبت اعتقاد به اصول اشعری با این و آن درآویزد و در خصومت‌های محلی شرکت کند و نامه به علمای دین و شهرهای مختلف بفرستد و مردم را به مخالفت برانگیزد تا مجبور به جلای وطن شود و اگر این چنین کارها از کسانی که متصدی امور ظاهر بودند و بر مسند قضاء یا تدریس مدرسه فقه می‌نشستند جایز شمرده شود و به غیرت دین توجیهش کنند، بی‌گمان از پیری که شرط اولین ارادت را خروج از دنیا و امور آن می‌داند سخت دور است و به هر حال این اعمال شایسته ظاهرپرستان پوست‌خای قشیری است نه درخور پیران مغزگرای معانی‌نوش در مقام قشیری. ما می‌دانیم که مقصود از تصوف آزادگی است به معنی وسیع و پهناور خود تا بدان حد که پیران راستین، همچنان که در بند مال و جاه نبودند، در آنچه تعلیم گرفته و یا خوانده بودند هرگز متوقف و پای‌بست نمی‌شدند و بیرون از عالم خود جهانی والاتر و گرانمایه‌تر می‌جستند و ظواهر و رسوم به‌طور مطلق در چشم حقیقت‌بین آنها آن قدر ارزش نداشت که بر سر آنها به لجاج ایستند و به خصومت برخیزند و دلی بیازارند و خاطری را رنجور سازند بلکه با نظر ژرف‌بین خویش دریافته بودند که هر کس در عقیده خود معذور است و بر چنین کس به رحمت و شفقت می‌نگریستند و چون طبیق حاذق و مهربانی به فکر چارهٔ امراض و دردهای این گرفتاران عادات و تلقینات بودند و از راه قول لین و اندرزه‌های مهرآمیز به مداوای آنها می‌پرداختند و یا آن‌که از استغراق در حقیقت، خلق را به حال خود می‌گذاشتند اما نفرین و لعنت و دشنام و ناسزا و زدن و کشتن و سوختن و برکندن، هرگز طریق صحیح تربیت نبوده و نیست و مردان حقیقت از این

روش همواره بیزاری جسته‌اند و اجرای حدود و درّه‌برگرفتن و زدن را با محتسبان و عوانان رها کرده‌اند و بدین جهت هرچند ما قشیری را از نظر علم و اطلاع می‌ستاییم ولی به ناچار روش او را خلاف طریق می‌بینیم و گمان می‌کنیم که اینها همه تبعات قدرت و نفوذی مادی و اقبال عامه خلق بوده است (قشیری، ۱۳۸۵: ۴۶ و ۴۷).

قشیری در باب روایتی که گوید «مسلمان از کافر میراث نیابد» (همان: ۳۴) گوید: «گویند هفتاد هزار درم از پدرش (پدر بشر حافی) میراث ماند، دانگی بر نگرفت از بهر آنک پدرش قدری بود و اندر ورع روا نداشت آن بر گرفتن، و گفت روایت شده است از پیغمبر صلوات الله و سلامه علیه که مسلمان از کافر میراث نیابد». همو گوید: «ابن مسروق گوید کی حارث محاسبی بمرد و به درمی محتاج بود و از پدرش بسیار ضیاع باز ماند و هیچ چیز بر نگرفت. از استاد علی دقاق شنیدم که حارث محاسبی چون دست فرا طعمای کردی که اندر وی شبهت بودی رگی بر انگشت وی بجنیدی و از آن باز ایستادی.»

قشیری (همان: ۴۶) به نقل از ابوتراب گوید: «چون بنده‌ای صادق بود اندر عمل حلاوت بیابد پیش از آنکه آن، آن عمل بکند، چون اخلاص به جای آرد اندر آن حلاوت آن بیابد آن وقت که عمل بکند.»

از قول خواص گوید: «ابوبکر رازی گوید خواص گفت علم به بسیاری روایت نیست، عالم آن است که متابعت علم کند و بدان کار کند و اقتدا کند به سنت‌ها و اگرچه علم وی اندک بود». هجویری در مورد عمل‌گرایی گوید: «و گویند چون داود طایب -رحمه الله علیه- علم حاصل کرد و مُصَدَّر و مُقْتَدِر شد، به نزدیک ابوحنیفه -رضی الله عنه- آمد و گفت: اکنون چه کنم؟ گفت: علیک بالعمل فَإِنَّ الْعِلْمَ بِلَا عَمَلٍ كَالْجَسَدِ بِلَا رُوحٍ. بر تو بادا به کار بستن علم، به جهت آن که هر علمی که آن را کار بند نباشند چون تنی باشد که وی را جان نباشد. اَمَّا فَدَيْتُكَ -تا علم به عمل مقرون نگردد صافی نشود و روزگار مخلص نه. و هر که به علم مجرد قناعت کند وی عالم نباشد؛ که عالم را به مجرد علم قناعت نبود؛ از آنچه عین علم متقاضی عمل باشد، چنانکه عین هدایت مجاهدت تقاضا کند. و چنانکه مشاهدت بی مجاهدت نباشد، علم بی عمل نباشد؛ از آنچه علم موارث عمل باشد و تخریب و گشایش علم با منفعت به برکات عمل بود، و به هیچ معنی عمل را از علم جدا نتوان کرد، چنانکه نور آفتاب از عین آن) (همان: ۱۴۶ و ۱۴۷).

هجویری مهم‌ترین بخش عمل را اخلاص می‌داند. وی از قول مالک بن دینار گوید: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ الْإِخْلَاصُ فِي الْأَعْمَالِ. دوست‌ترین کردارها بر من اخلاص است اندر کردارها؛ از آنچه عمل به اخلاص عمل گردد، و اخلاص مر عمل را به درجه روح بود مر جسم را؛ چنانکه جسد بی روح جمادی بود، عمل بی اخلاص هبایی بود. اَمَّا اخْلَاصُ مِنْ جَمَلَةِ أَعْمَالِ بَاطِنِ اسْتِ وَ طَاعَاتِ مِنْ أَعْمَالِ ظَاهِرِ، وَ أَعْمَالِ ظَاهِرِ بِأَعْمَالِ بَاطِنِ اسْتِ وَ أَعْمَالِ بَاطِنِ بِأَعْمَالِ ظَاهِرِ اسْتِ»

ظاهر قیمت گیرد؛ چنانکه اگر کسی هزار سال به دل مخلص بود تا عمل به اخلاص نکند اخلاصی نباشد، و اگر کسی به ظاهر هزار سال عملی می‌آرد تا اخلاصی به عمل وی نپیوندد آن عمل وی عمل نگردد» (همان: ۱۳۸).

اما نظر خود هجویری که در قالب نقل قول از دیگران نیامده و عین کلام اوست، دربارهٔ عمل: «پس بدان که از علم اندک عمل بسیار توان گرفت، و باید که علم مقرون عمل باشد؛ کما قال، علیه السلام: الْمُتَعَبِّدُ بِلَا فِقْهِ كَالْحِمَارِ فِي الطَّاحُونَةِ. متعبدان بی فقه را به خر خراس مانند کرده که هر چند می‌گردد بر پی نخستین باشد و هیچ راهشان رفته نشود. و از عوام گروهی دیدم که علم را بر عمل فضل نهادند، و گروهی عمل را بر علم. و این هر دو باطل است؛ از آن که عمل بی علم عمل نباشد. عمل آنگاه عمل گردد که موصول علم باشد تا بنده بدان مر ثواب حق را متوجه گردد. چون نماز که تا نخست علم ارکان طهارت و شناخت آب و معرفت قبله و کیفیت نیت و ارکان نماز نبود، نماز نماز نبود. پس چون عمل به عین علم عمل گردد، چگونه جاهل آن را از این جدا گوید؟ و آنان که علم را بر عمل فضل نهادند هم محال باشد؛ که علم بی عمل علم نباشد؛ از آن که آموختن و یادداشتن و یادگرفتن وی جمله عمل باشد، از آن است که بنده بدان مُثاب است. و اگر علم عالم به فعل و کسب وی نبودی/ف وی را بدان هیچ ثواب نبودی. و این سخون دو گروه است: یکی آنان که نسبت به علم کنند مر جاه خلق را و طاقت معاملت آن ندارند و به تحقیق علم نرسیده باشند، عمل را از آن جدا کنند؛ که نه علم دانند نه عمل، تا جاهلی گوید: قال نباید، حال باید، و دیگری گوید علم باید، عمل نباید. و از ابراهیم ادهم -رحمه الله علیه- می‌آید که: سنگی دیدم بر راه افکنده، و بر آن سنگ نبشته که: مرا بگردان و بخوان. گفتا: بگردانیدمش، بر آن نبشته بود که: أَنْتَ لَا تَعْمَلُ بَمَا تَعْلَمُ، كَيْفَ تَطْلُبُ مَا لَا تَعْلَمُ. تو به علم خود عمل می‌نیاری، محال باشد که نادانسته طلب کنی. یعنی کاربند آن باش که دانی تا به برکات آن نادانسته نیز بدانی (همان: ۱۷-۱۹).

راستی و راست‌گویی

چنان که گفته شد، شاعر سر در پی راستی و حقیقت می‌نهد و بر اعتقاد خویش می‌ماند و سختی‌های آن را به جان می‌خرد. ناصر خسرو علت تبعیدش به درّهٔ یمگان را «صداقت» خود می‌داند:

من مانده به یمگان درون ازانم	کاندر دل من شبهت و ریا نیست
آهوی محالات و آرزو را	اندر دل من معدن چرا نیست
ای خواجه ریا ضد پارسائی است	آن را که ریا هست پارسا نیست

(همان: ۵۵)

پیش‌زمینهٔ راستی، اخلاص است؛ «از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌آید که

گفت خداوند سبحان: اخلاص، سرّی است از اسرار من، اندر دل بنده‌ای می‌نهم که او را دوست دارم» (قشیری، ۱۳۸۵: ۳۲۷). «ذوالنون مصری گوید سه چیز است علامت اخلاص: یکی آنکه مدح و ذمّ عام نزدیک او یکی باشد. و [دوم آنکه] رؤیت اعمال فراموش کند سوم آنکه در آخرت هیچ نبیند عمل را عمل خویش. و گفته‌اند: اخلاص آن بود که برای حق کند و بدان صدق خواهند. و کسی دیگر را پرسیدند از اخلاص، گفت: آن بود که بر کار خویش، جز خدای را، کس را گواه نکند» (همان: ۳۲۸)

قشیری نخستین شرط ورود به حلقهٔ تصوّف را قدم صدق و درست کردن اعتقاد میان بنده و خدای می‌داند و بعد فراگیری علم شریعت، آن قدر که فریضه بدان بگذارد (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۴: ۲۵)

وی دربارهٔ حق‌گویی در برابر ظالمان گوید: «ابوسعید رضی الله عنه گوید پرسیدند پیغامبر را صلی الله علیه و سلم از فاضل‌ترین جهاد، گفت کلمهٔ حق پیش سلطان ستمکار گفتن و اشک از چشم ابوسعید فرو ریخت» (همان: ۱۴۶).

همو گوید: «انس مالک رضی الله عنه گوید که پیغامبر صلی الله علیه و سلم گفت سه چیز است که دل مسلمان را از خیانت پاک کند، اخلاص اندر عمل خدای را و نصیحت کردن پادشاه و جماعت مسلمانان را ملازمت کردن.» (همان: ۳۲۲). «عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گوید که رسول گفت صلی الله علیه و سلم بنده‌ای صدق می‌گوید و صدق می‌جوید تا نام وی در جریدهٔ صدیقان نویسد و بنده‌ای دروغ می‌گوید و دروغ می‌جوید تا نام وی در جریدهٔ دروغ‌زنان نویسد. استاد امام گوید رَحِمَهُ اللهُ صدق ستون همهٔ کارها است و تمامی [همه] کارها بدوست [و نظام کارها از اوست] و صدق دوم درجه‌ای [است از] نبوت چنانک خدای تبارک و تعالی می‌گوید: فَأَلْتِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ النَّبِيِّنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَ صَادِقِ نَامِيْ اِسْتِ لَازِمِ اَزْ صَدَقِ وَ صَدِيقِ مَبَالِغْتِ اِسْتِ اَزْ وِيْ [و آن، آن بود که او را صدق بسیار بود و غلبهٔ حال او صدق بود و کمترین صدق راست کردن ظاهر و باطن بود و صادق، آن بود که سخن راست گوید و صدیق آن بود که اندر جملهٔ افعال و اقوال و احوال صادق بود.» (همان: ۳۲۷ و ۳۲۸).

هجویری از قول ذی‌النون گوید: «راستی شمشیر خدای است - عزّ و جلّ - اندر زمین و بر هیچ چیز نیاید الا که آن را ببرد» (همان: ۱۵۵). وی همچنین در حکایتی به برکت صداقت و راست‌گویی اشاره می‌کند که: «هنگامی که حسن بصری از دید مأموران حجّاج وارد صومعهٔ حبیب العجمی شد و حبیب در جواب مأموران گفت: حسن داخل صومعه است ولی مأموران هرچه گشتند نیافتند. حسن نجاتش را به برکت وجود حبیب می‌داند، ولی او می‌گوید: «نه به برکات من بود که تو را ننمودند بدیشان، بل که به برکت راست گفتن، تو را ندیدند» (همان: ۱۳۶). در جای دیگر گوید: «و اندر میان این طایفه معروف است که چون حسن از کسان حجّاج بگریخت به

صومعه حبيب اندر شد. ايشان بيامدند و گفتند: «يا حبيب، حسن را جايي ديدی؟» گفتا: «بلی» گفتند کجاست؟ گفت: اينک در صومعه من است. به صومعه اندر آمدند کس را نديدند و پنداشتند که حبيب بر ايشان استهزا می کند. وی را جفا گفتند که راست نمی گویی. و وی سوگند ساد کرد که راست می گویم، و اينک در صومعه من است. ديگر باره و سديگر باره آمدند و نيافتندش، برفتند. حسن بيرون آمد و گفت: يا حبيب، دانم که خدای -تعالی- به برکت تو مرا بدین ظالمان نمود. چرا گفتي با ايشان که وی در اين جای است؟ گفت: ای استاد، نه به برکات من بود که تو را نمودند بدیشان، بل که به برکت راست گفتن تو را نديدند. اگر من دروغ گفتمی مرا و تو را هر دو رسوا کردندى» (همان: ۱۳۶).

نتیجه گیری

در تعريف نخبه مشخص شد که ناصرخسرو، قشیری و هجویری هم جزو نخبگان اجتماعي / دینی هستند و زندگی و اعمال و کردار آنان با توجه به نخبه گرایی اجتماعي - نه سياسي - باید مورد بررسی قرار بگیرد. از دیدگاه قرآن کریم، نخبه باید در ابتدا دارای ویژگی های شاخص تربیتی باشد که شامل: عبادت، علم و دانش، تفکر و تعقل، ولایت پذیری، حبّ الهی، تعهد و مسئولیت شناسی، معرفت و بصیرت، نقد و ارزیابی، عمل گرایی، عفت و پاکدامنی و امر به معروف و نهی از منکر می شود. پس نخبه اجتماعي / دینی ابتدا باید شاخص های تربیتی را در خود داشته باشد. در این مقاله مؤلفه های نخبگی در آثار و شخصیت سه تن از نخبگان ایران اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. از میان ویژگی هایی که بزرگان دین برای نخبگان برشمرده اند، ناصرخسرو، قشیری و هجویری در چندین مورد مشترک بوده اند و مهم ترین اشتراکات آنها در تأثیرپذیری از قرآن کریم، تأثیرپذیری از احادیث، علم و دانش، ولایت پذیری، تفکر و تعقل، امر به معروف و نهی از منکر، عمل گرایی و راستی و راست گویی است که در این مقاله نشان داده شد هر سه آنها حدّ اعلاي مؤلفه های نخبگی از منظر قرآن کریم و روایات را در خود دارند و می توان آنها را نخبگان دینی - اجتماعي نامید.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه بهاء الدین خرّمشاهی، تهران: جامی و دوستان.
قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند.
۱. ابراهیمی، تقی. (۱۳۹۲)، *مبانی و شرایط عمومی قرارداد مشارکت در حوزه نفت و گاز، بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخزن، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق، استاد راهنما: دکتر محمد عیسائی تفرشی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.*
 ۲. اعرافی، علیرضا و علی حسین پناه. (۱۳۹۳)، «نقش نخبگان دینی در تربیت دینی»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۱، ص ۲۵-۴۴.
 ۳. باتومور، تی. بی. (۱۳۶۹)، *نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران: دانشگاه تهران.*
 ۴. بالو و دیگران. (۱۳۹۴)، «ناصرخسرو و فیلسوفان یونانی»، مجموعه مقالات همایش حکیم ناصرخسرو قبادیانی، ص ۳۰-۳۸.
 ۵. پیرانی، منصور. (۱۳۹۴)، «عقل در قرآن و اندیشه ناصرخسرو بر مبنای قصابید»، مجموعه مقالات همایش حکیم ناصرخسرو قبادیانی، ص ۷۱-۸۳.
 ۶. پیرزادینا، مینا و کلثوم باقری. (۱۳۹۴)، «بازنمایی احادیث اسلامی در اشعار ناصرخسرو قبادیانی»، مجموعه مقالات همایش حکیم ناصرخسرو قبادیانی، ص ۱۴۵-۱۵۴.
 ۷. تاج‌الدین، مرضیه و مهرنوش بازارگادی. (۱۳۸۸)، «قرآن کریم و نهضت تربیتی-پرورشی: مؤلفه‌ها و شاخص‌های تربیتی از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۳۲، ص ۴۷-۶۲.
 ۸. تقی خواه قره بابا، رسول. (۱۳۹۱)، *شاخصه‌های فرهنگی نخبگی در آموزه‌های اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، استاد راهنما: دکتر رقیه صادقی نیّری، استاد مشاور، دکتر صمد عبدالهی عابد، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.*
 ۹. حسینی‌هرندی، محمدحسین. (۱۳۸۷)، *نخبگان و انقلاب اسلامی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.*
 ۱۰. خضری، علی. (۱۳۹۴)، «بازتاب نهج البلاغه در شعر ناصرخسرو»، مجموعه مقالات همایش حکیم ناصرخسرو قبادیانی، ص ۸۴-۹۷.
 ۱۱. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی. (۱۳۴۹)، *تاریخ بغداد، بغداد: المكتبة العربیه.*
 ۱۲. رضایی، جمیله. (۱۳۸۸)، *رفتارشناسی سیاسی نخبگان فرهنگی عصر اموی، پایان نامه*

- کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، استاد راهنما: دکتر علی محمد ولوی، استاد مشاور: دکتر فاطمه جمیلی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ.
۱۳. سجادی، سیدجعفر. (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ هفتم، تهران: طهوری.
۱۴. سفینه البحار
۱۵. شریفی، ثریا و قدمعلی سرامی. (۱۳۹۳)، «بررسی «ولایت» در کشف‌المحجوب هجویری»، عرفانیات در ادب فارسی، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۱۰۷-۱۳۳.
۱۶. طاهری، مازیار. (۱۳۸۷)، «نخبه و نخبه‌گرایی»، رشد علوم اجتماعی، شماره ۴، ص ۳۲-۴۲.
۱۷. طباطبایی، حسین. (۱۳۶۲)، المیزان فی تفسیر القرآن.
۱۸. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۶)، اهداف تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی رشد.
۱۹. علی‌آبادی، مرتضی و امین نیک‌مرام. (۱۳۹۲)، «تبیین اهمیت جایگاه نخبه‌گرایی بر شکل‌گیری شهرهای خلاق گذشته و معاصر»، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار.
۲۰. قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۹۳)، دیوان اشعار، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، چاپ نهم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۹۱)، رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی حسن‌ابن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ سوم، تهران: زوار.
۲۲. کاشانی، عبدالرزاق. (۱۳۵۴)، شرح بر منازل الشائین انصاری، تهران: حامد.
۲۳. محقق، مهدی. (۱۳۹۰)، تحلیل اشعار ناصر خسرو، چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. مصلح، پگاه. (۱۳۸۳)، نخبه‌گرایی مشارکتی (با توجه به لزوم بازسازی مفهوم نخبه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: جهانگیر معینی علمداری، استاد مشاور: رحیم ابوالحسنی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۵. نوروزی خیابانی، مهدی. (۱۳۹۴)، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، چاپ دهم، تهران: نی.
۲۶. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۹۰)، کشف‌المحجوب، تصحیح محمود عابدی، چاپ هفتم، تهران: سروش.

صفحات ۳۱۴ - ۲۹۷

بررسی تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی

لیلا مرادی^۱

سید محمد امیری^۲

محبوبه خراسانی^۳

چکیده

اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به واسطه تمرکز بر جزئیات، از دو شاخه فرا اخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌گردد. درباره ماهیت، محتوا و شیوه‌های استدلال آن، اتفاق نظر وجود ندارد. یکی از مسائل مهم و کلیدی در ادبیات و بیانات ائمه اطهار (ع) که مورد توجه قرار گرفته؛ اخلاق کاربردی است. اخلاق کاربردی در جهان‌بینی توحیدی اسلامی و تبیین رابطه آدمی با خداوند در تعالیم اسلامی، از جایگاه ممتازی برخوردار است. در آموزه‌های ادبی و اسلامی منابع اصلی و اصیل دینی، یعنی: قرآن سنت پایندی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های اخلاق کاربردی لازمه نیکبختی بشروسعادت وی در دو جهان فانی و باقی شمرده شده است. اخلاق کاربردی با آسیب‌شناسی نفس آدمی و شناخت کمینگاه‌های شیطانی در نفس، درصدد اصلاح بیماری‌های درونی است. در این مقاله به بررسی تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی

اخلاق کاربردی، مؤلفه، آموزه، صحیفه سجادیه، بوستان سعدی.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: Moradi_lila1355@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Dr.amiri@live.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Email: Khorasani.m@iaun.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱

طرح مسأله

اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به واسطه تمرکز ویژه بر موارد عینی و جزئی و تلاش برای بررسی و حل معضلات اخلاقی، از فرااخلاق، و نظریه های هنجاری متمایز می‌شود؛ این شاخه که به لحاظ محتوایی می‌توان نشانه‌هایی از آن را در آثار سقراط، افلاطون، لاک، کانت، بنتام، میل، نتیچه و سارتر یافت، رسماً از سال ۱۹۶۰ میلادی به عنوان شاخه‌ای از اخلاق مطرح گردید. پیش از سال ۱۹۶۰ م، نظریه‌های اخلاق هنجاری و فرااخلاق، بخش اصلی فلسفه اخلاق را تشکیل می‌داد و در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ م، تلاش فیلسوفان درباره مباحث زبانی و تحلیلی اخلاق به اوج خود رسیده بود.

پیتر سینگر، اولین فیلسوفی است که با بکاربردن واژه اخلاق کاربردی و راه اندازی مرکز پژوهشی، شرایط اعلان موجودیت اخلاق کاربردی را فراهم کرده است. پیش از وی، هنری سیجویک، با نگارش کتاب اخلاق عملی به گونه‌ی غیر محسوسی برای تلفیق نظریه اخلاق و عمل، به بررسی نزاع های اخلاقی پرداخت که بعدها تحت عنوان اخلاق کاربردی مطرح گردید. پیتر سینگر، سال ۱۹۶۰ میلادی، را سال احیای این نوع رویکرد نسبت به مسائل اخلاقی تلقی می‌کند، نه پیدایش آن.

برخی ترجیح می‌دهند که اخلاق کاربردی را به لحاظ ارتباطش با نظریه‌ها و اصول کلی اخلاقی از اخلاق عملی که به اعتقاد آنها با امور جزئی و عینی ارتباط دارد نقطه شروع استدلال اخلاقی تلقی می‌شود، متمایز کنند.

در مجموع اخلاق کاربردی را به لحاظ گستره می‌توان در حوزه فردی شامل؛ اخلاق خانواده، روابط شخصی مثل دوستی با دیگران، و رابطه با پیران و جوانان، و در حوزه اجتماعی شامل؛ اخلاق علم و تکنولوژی، زیست پزشکی، سیاسی، حقوقی، رسانه ای، ورزشی دانست که طبیعتاً اخلاق حرفه‌ای را نیز در برمی‌گیرد.

برخی، علاقه فیلسوفان را به اخلاق کاربردی، صرفاً بخشی از گرایشهای آنان به تحلیل و حل مشکلات اجتماعی ناشی از نابسامانی‌های اخلاقی می‌دانند، زیرا به اعتقاد آنها مشکلات اخلاقی، علت نارسایی‌ها و رویدادهای ناگوار اجتماعی اند، نه معلول یا بخشی از آنها (Noble & Singer, 1982: 7).

و بعضی دیگر، گرایش به اخلاق کاربردی را در سالهای اخیر، ناشی از پیچیدگیهای جامعه مدرن و رشد تکنولوژی می‌دانند که باعث شده تا حوزه‌های متعددی را به لحاظ اخلاقی درگیر کند و برخی معتقدند با افزایش مشکلات اخلاقی و مشخص نبودن راه‌حل مناسبی در این باره و ایجاد این تردید، که احتمالاً هیچ قانون و شیوه مشخصی برای تفکیک امور درست از نادرست، وجود ندارد، فیلسوفان رابه صرافت انداخت تا برای حل معضلات اخلاقی، شیوه‌هایی از استدلال

اخلاقی را مطرح نمایند تا براساس نظریه‌های اخلاقی، راهی برای حل مشکلات اخلاق عملی و اجتماعی بیابند.

کتاب صحیفه سجادیه میراث ارزشمند امام زین‌العابدین (ع) شامل نیایش‌های ایشان با حضرت باری تعالی است. این کتاب سرشار از معارف الهی و فضایل نیکوی اخلاقی است که در قالب دعا و مناجات با خداوند بر فضایل والای اخلاقی تأکید می‌نماید. از سوی دیگر کتاب بوستان سعدی شیرازی، سرشار از نکات حکمی و اخلاقی فراوانی می‌باشد که با بسیاری از محسنات اخلاقی در صحیفه سجادیه مشترک است؛ از این رو تبیین مبانی اخلاق براساس آموزه‌های صحیفه سجادیه و بوستان سعدی محور اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

صحیفه سجادیه و بوستان سعدی در واقع کلاس‌های درسی هستند که همواره با معارف سرشار از مضامین عرفانی و اخلاقی، رسیدن به سعادت ابدی و رهایی از پلیدی‌های شرک و ذیلت- های اخلاقی را به ارمان می‌آورد و از آنجایی که این دو کتاب ارزشمند، صرفاً در زمره کتاب دعا و یا کتاب امثال و حکمت قرار نمی‌گیرد؛ لذا نمونه بسیار برجسته برای بهره‌مندی رفتاری به عنوان راهکار جامع اخلاقی محسوب می‌شوند و بر مؤلفه‌های اخلاق کاربردی از قبیل احسان و نیکی، شفقت و مهربانی به مردم، یاری ضعیفان و مظلومان استوار است.

حال با توجه به مطالب فوق، به تطبیق دو کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه و بوستان سعدی با یکدیگر و وارد شدن در حوزه‌ی اخلاق کاربردی یا عملی به بررسی و تحلیل این دو اثر جاودانه از حیث محتوا و مضمون می‌پردازم.

بدین طریق که احادیث صحیفه سجادیه و اشعار بوستان را به چندین مؤلفه تقسیم می‌کنم و بعد از تقسیم اشعار و احادیث به تطبیق مؤلفه‌های مذکور پرداخته و اخلاق کاربردی یا عملی را در آن، مورد تحلیل قرار می‌دهم.

اهمیت و ضرورت موضوع

از آنجایی که داشتن اخلاقی نیکو همواره در اسلام و آموزه‌های دینی مسلمانان سفارش فراوان شده است و به عنوان یکی از اصول اساسی و مهم سرلوحه زندگی بشری می‌باشد؛ لذا با توجه به این مهم، ائمه اطهار (ع) گاه در سخنان و گاه در کتاب‌های دعای خویش، بسیار به تبیین مؤلفه‌های اخلاقی پرداخته‌اند؛ حال با عنایت به این موضوع، شاعران بسیاری در طول تاریخ، اشعار و کلام خویش را به دریای بیکران سخنان ائمه متصل نموده‌اند که در این میان سعدی شیرازی، شاعر توانمند و فارسی‌زبان، از جمله این شاعران است که در اشعار خویش به صحیفه سجادیه امام زین‌العابدین (ع) توجهی خاص داشته است. حال از یک سو با توجه به اهمیت اخلاق نیکو در زندگی بشری، و از سوی دیگر پرداختن شاعران بدان، این ضرورت احساس می‌شود که تجلی اخلاق و آموزه‌های آن در شعر یکی از شاعران برجسته و به نام ایران زمین، با تکیه

بر صحیفه سجادیه را بررسی و تبیین نماییم تا از این طریق اهمیت این مسأله را نزد ائمه و بزرگان دین و شاعران بزرگ درک کنیم.

سؤال اصلی

مهم‌ترین مؤلفه‌ها و آموزه‌های اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی کدامند؟

هدف اصلی

تبیین مهم‌ترین مؤلفه‌ها و آموزه‌های اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی
معنا و مفهوم اخلاق کاربردی

اخلاق، اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای سه اصطلاحی است که به علت نزدیکی معنای آنها اغلب، به اشتباه به جای یکدیگر بکار می‌روند و تفاوت آنها مغفول می‌ماند. علم اخلاق، که اغلب با حذف کلمه علم از ابتدای آن به طور مطلق بکار می‌رود، علمی است که با شناساندن صفات نیک و بد و اعمال درست و نادرست اخلاقی، انسان‌ها را به کسب صفات نیک و انجام اعمال درست توصیه می‌کند و راه کارهای عملی این مهم را بیان می‌کند. لذا علم اخلاق، علم بایدها و نبایدها و علم چگونه زیستن و چگونه عمل کردن است.

شأن علم اخلاق، توصیف و توصیه است. اما فلسفه اخلاق، که شاخه‌ای از فلسفه است، شأنیت تحلیلی و فلسفی دارد؛ مسائل فلسفه اخلاق، به دوحوزه فرا اخلاق و اخلاق هنجاری تقسیم می‌شود که اخلاق هنجاری به دویبخش نظریه‌های اخلاق و اخلاق کاربردی تقسیم می‌شود. نظریه‌های اخلاقی در صدد ارائه معیارها و قواعد کلی درستی و نادرستی اعمال هستند. این معیارهای کلی، با بکار بسته شدن در یک حوزه خاص و جزئی، اخلاق کاربردی را ایجاد می‌کنند. نکته مهم در تعریف اخلاق کاربردی، توجه به شأن تحلیلی و فلسفی بودن آن و همچنین، معضل و مشکل اخلاقی بودن مسائل آن است به طوری که به سادگی جواب روشن و واضحی نمی‌توان به آنها داد و عمدتاً مسائل دو وجهی و سیاه و سفید هستند که هر دو طرف آن دارای استدلال است. اخلاق کاربردی شاخه‌های متعددی چون اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق بازرگانی، اخلاق حکومتی، اخلاق زیستی، اخلاق کامپیوتر، اخلاق محیط زیست، اخلاق تعلیم و تربیت و ... دارد که به حل معضلات اخلاقی این حوزه‌ها می‌پردازد. اصطلاح دیگر که توضیح آن لازم است، اخلاق حرفه‌ای است. اخلاق حرفه‌ای به بیان الزامات و وظایف اخلاقی یک حرفه و شغل خاص مانند معلمی، پزشکی، مدیریت، تجارت و ... می‌پردازد؛ اخلاق حرفه‌ای، مجموعه استانداردها و قواعدی است که بر نحوه رفتار اعضای یک حرفه حاکم است. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای را باید جزئی از علم اخلاق دانست؛ برخی از الزامات اخلاقی عام و کلی هستند که متعلق به همه انسان‌ها است و برخی مختص به انسان‌های خاص در یک حرفه و شغل خاص.

اگر در اخلاق حرفه ای، مسأله و معضل اخلاقی وجود داشته باشد که نیازمند تحلیل و تفکر فلسفی باشد، جزء مسائل اخلاق کاربردی خواهد بود. بنابراین، اخلاق مدیران، اخلاق روحانیت، اخلاق پزشکان، اخلاق دانشجویان، اخلاق حاکمان و دولتمردان و این قسم تعابیر همه از انواع اخلاق حرفه ای خواهند بود نه اخلاق کاربردی (اترک، ۱۳۸۸).

اهداف اخلاق کاربردی

هدف اصلی اخلاق کاربردی؛ ارائه توصیه‌هایی است که به طور عملی مفیدند یا برای تصمیم‌گیری اخلاقی، مؤثر واقع می‌شوند و به جای حل معضلات فرضی با مشکلات واقعی سر و کار دارد که حرفه‌های گوناگون و موضوعات مختلف با آن مواجهند، در نتیجه صرفاً با بکاربردن نظریه‌ها و اصول کلی نمی‌توان مشکلات اخلاقی رایج را حل کرد؛ زیرا این مشکلات گرچه هنجاری‌اند، اغلب به شیوه پیچیده‌ای با پرسشهای تجربی مرتبطند؛ به همین دلیل فیلسوفان علاوه بر این که نیازمند به کارگیری شیوه‌های عملی‌تر و کاربردی‌تر برای ارائه راه‌حل‌های عملی هستند، لازم است تا گذشته از اطلاع از نظریه‌های اخلاقی، در باره حوادث و روابط واقعی نیز، آگاهی‌های جزئی و عینی داشته باشند.

ویژگی‌های اخلاق کاربردی

امروزه فلاسفه اخلاق، درصدد برآمده‌اند تا بیشتر به مسائل و اموری بپردازند که کانون بحران و معضلات عملی اخلاق را نشانه رفته باشد. اصول و قواعدی نظیر عدالت‌ورزیدن، دروغ-نگفتن، به حق حیات دیگران احترام گذاشتن، آسیب نرساندن به دیگران و ... که مورد قبول عموم نظریه‌های هنجاری‌اند و دراصل اخلاقی بودن آنها اختلاف‌چندانی مشاهده نمی‌شود و فاعل اخلاقی در کاربرد آنها نیز در بسیاری موارد، با پیچیدگی و دشواری‌های خاصی مواجه نمی‌شود؛ اما شناسایی و تشخیص رفتار درست از نادرست، در بسیاری از حوزه‌های عملی - خصوصاً با پیشرفتی که فن‌آوری داشته و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی دشواری را در حوزه‌هایی بکر فراروی فیلسوفان اخلاق قرار داده است - پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی دارد که در این باره معضلات اخلاقی را پدیدآورده است. همین مسأله توجه فیلسوفان اخلاق را به رشته‌ای به‌نام اخلاق کاربردی جلب کرده است (فاخوری، ۱۳۷۷: ۲۸۷).

برخی ویژگی‌های اخلاق کاربردی عبارت است از:

- ۱- توجه بیشتر به زمینه‌ها و جزئیات.
- ۲- برخورداری از روشی نه کاملاً قیاسی و نه کاملاً استقرایی، بلکه شیوه‌ای که به استعاره از جان راولز، آن را «موازنه متفکرانه» می‌خوانند.
- ۳- توجه مستقیم به موضوعات عملی و کاربردی در اخلاق.
- ۴- بررسی مسائل جدید اخلاقی که در نتیجه پیشرفت تکنولوژی و علم مطرح شده است.

۵- پی‌جویی راه‌حل‌های عملی در مورد تعارضات اخلاقی و تلاش برای ارائه پاسخ‌های جدید به برخی مسائل چالش‌خیز قدیمی.

۶- تلاش برای نهادینه کردن اخلاق میان گروه‌ها و جوامع مختلف (همان: ۲۸۸)

روش‌شناسی پژوهش

پس از گردآوری مطالب درخصوص بررسی ظرفیت اخلاق کاربردی یا عملی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی، اطلاعات مورد نظر طبقه‌بندی می‌شوند؛ بدین شکل که ابتدا بعد از جمع‌آوری اشعار مربوط به اخلاق کاربردی یا عملی در بوستان سعدی و نیز جمع‌آوری احادیث مربوط به صحیفه سجادیه و کلام امام سجاد (ع)، هریک از این اشعار و احادیث به چندین مؤلفه اخلاقی تقسیم می‌شوند که برای مثال می‌توان به مؤلفه دستگیری از ضعیفان، شفقت به همنوعان، احسان و نیکی و... اشاره کرد. سپس پس از تقسیم اشعار و احادیث به چندین مؤلفه، به تطبیق اشعار سعدی و احادیث صحیفه سجادیه در مؤلفه مربوط، پرداخته می‌شود.

مطالعه تطبیقی صحیفه سجادیه و بوستان سعدی

یکی از کهن‌ترین متون اسلامی که در قرن اول هجری تألیف شده، کتاب الصحیفه الکامله یا الصحیفه السجادیّه، تألیف امام زین‌العابدین و سیدالساجدین، علی‌بن‌الحسین (ع) است. این کتاب به زبور آل محمد نیز مرسوم است و به تواتر، توسط فرقه زیدیه و اسماعیلیه و امامیه به طرق گوناگون از آن امام همام روایت شده است (فتاحی، ۱۳۸۵: ۶۹). در این مجموعه گرانقدر، ضمن مناجات با خالق هستی، عالی‌ترین خلق و خوی انسانی در رفتار فردی و اجتماعی تعلیم گردیده‌است و هرکس که به مطالعه مضامین آن بپردازد، به شخصیت والا و پیامبرگونه گوینده آن اعتراف خواهد کرد. (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۲۲۳)

در دعاهای صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع) ضمن راز و نیاز با خداوند به‌طور غیرمستقیم از فضایل و ردایل اخلاقی سخن می‌گوید. گویی در دیدگاه امام (ع) از طریق سخن گفتن و راز و نیاز با خداوند، می‌توان همه کمالات انسانی و وظایف فردی و اجتماعی را بازشناخت (باقریان، ۱۳۸۲: ۹۷).

دعاهای صحیفه، غالباً آمیخته با ستایش باری تعالی و توحید است، به گونه‌ای که هیچ مجموعه دیگری در معارف توحیدی قابل‌مقایسه با آن نیست، به‌ویژه آنکه جامه‌ای زیبا از حسن بیان، برخاسته از معدن فصاحت اهل بیت پیامبر (ص) نیز بر زیبایی محتوایی آن‌ها می‌افزاید (پهلوان، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

یکی از مزایای معنوی شعر کهن فارسی، وفور نصایح اخلاقی و رهنمودهای ارزشمندی است که در زمینه حکمت عملی و وظایف فردی و اجتماعی انسان، توسط شاعرانی چون سعدی ارائه گردیده و راه و رسم زندگی شرافتمندانه، در خلال مواعظی که خود عصاره‌ای از تعلیمات عالیّه

اسلامی است، تفسیر و توجیه شده است. با نگاهی گذرا به درونمایه اغلب اشعار و حکایات سعدی معلوم می‌شود که وی علاوه بر داشتن طبعی خلاق و برخوردار از قدرت سخنوری و هنر شاعری، خردمندی فرزانه و معلمی راه‌شناس و آگاه به رمز و رازهای هستی بوده و به سهم خود کوشیده است تا اسرار حیات متعالی و هدفدار انسان را به صورت لطیف‌ترین تعبیرات تفسیر کند تا فراز و نشیب‌های راه زندگی را ضمن دستورالعمل‌هایی خردمندانه نشان دهد. به راستی این وظیفه خطیر را آن‌گونه دقیق و استادانه به انجام رسانیده است که کلامش در پاره‌ای موارد رنگی از سخنان انبیا و عطر و بویی از کتب آسمانی یافته است و به لحاظ کثرت استعمال، در ردیف کلمات قصار و ضرب‌المثل‌های متداول در زبان فارسی درآمده است (صفا، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

سعدی به حق معلم اخلاق بوده و در علوم دینی، عرفان، سیاست و شناخت اجتماع متبحر و استاد بوده است. بنابراین بوستان آکنده از نیکی، پاکی، ایمان و صفاست و شاعر با گشودن ده باب به روی کسانی که قصد گذر در این فضای معنوی را دارند، آنان را به آرمان شهری از اخلاق و فضیلت رهنمون می‌کند تا چشم‌انداز زیبایی را فرا روی انسان بر قلّه رفیع آدمیت برآورد و از رذایل اخلاقی پاک و منزّه گردد، اسراری از حیات متعالی انسان تفسیر گردیده و راز و رمزهایی از مباحث عملی در قالب تعابیر لطیف، بیان شده است، (محلّاتی، ۱۳۴۶: ۳۴) از جمله:

۱. نخواهی که باشد دلت دردمند / دل دردمندان برآور ز بند
 ۲. خنک آن که آسایش مرد و زن / گزینند بر آسایش خویش‌تن
 ۳. چو انسان نداند بجز خورد و خواب / کدامش فضايلت بود بر دواب
 ۴. اگر بد کنی چشم نیکی مدار / که هرگز نیارد گز انگور بار
 ۵. حذر کن ز پیکار کهنتر کسی / که از قطره سیلاب دیدم بسی
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۵۴)

در اغلب اشعار سعدی، زندگی تفسیری هدفدار و تبیین وظایف فردی، خانوادگی و اجتماعی انسانی مدنظر است (معبودی، ۱۳۸۴: ۱۹) و موضوعاتی چون: احسان به پدر و مادر، صلّه رحم، احترام به معلم، اکرام میهمان، شفقت به یتیم و اسیر و فقیر، آداب سخن گفتن، تربیت فرزند، فواید پرهیزگاری و پاکدامنی، ایثار و بخشندگی، حق‌شناسی، فروتنی، شکیبایی، وفاداری، امیدواری، رازداری، پاکیزگی، نظم و ترتیب در امور، اعراض از لغوگویی، عیبجویی، غیبت، آزمندی و غرور و حسادت و... به کرات دیده می‌شوند.

اخلاق کاربردی، در حقیقت به معنای کاربست مبانی و معیارهای اخلاقی است، و وظیفه اخلاق کاربردی این است که مبانی و معیارهای اخلاقی را در عمل به کارگیرد (مهدوی‌کنی، ۱۳۷۴: ۴۱).

نگارنده در این مقاله درصدد است با تکیه بر مصادیق اخلاق کاربردی، این نوع اخلاق را

در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی مورد تطبیق قرار دهد تا از این منظر ارزش‌گذاری و ارزیابی اخلاقی و در نتیجه پذیرش یا انکار خط‌مشی‌ها و رفتارها را مشخص نماید.

یافته‌ها

بارزترین نمونه‌های تطبیقی اخلاق کاربردی در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی به اختصار شرح داده خواهند شد:

اخلاق معاشرتی

نیاز آدمی به زندگی اجتماعی و دوری از انزوا و فردیت‌طلبی، انسان را به معاشرت و ارتباط با دیگران سوق می‌دهد. زندگی اجتماعی از نظر دینی و اخلاقی دارای فرآیندهای حسی و عاطفی است که بر بنا نهادن اصول و مقدمات آن، به درکی عمیق در برقراری ارتباط با دیگران نیاز است (شریفی، ۱۳۸۷: ۳۵). از جمله آن می‌توان تواضع و فروتنی، انصاف، برقراری عدالت و ... اشاره کرد.

حسن معاشرت: حُسن معاشرت و نحوه برخورد نیکو با مردم یکی از فضیلت‌های زیبای اخلاقی می‌باشد که بارها در کتب معتبر دینی و اسلامی توصیه شده است، در این وادی صحیفه سجادیه سرشار از دستورهای اجتماعی و اخلاق گروهی است و کتاب بوستان سعدی نیز در زمینه خاص آموزش اخلاقی و رفتارهای اجتماعی، گسترده و متنوع، هرچند به ظاهر پراکنده و نظام نیافته‌اند؛ اما اغلب این نظریات در پرتو ایجاز در کلام، فصاحت و بلاغت سخن شاعر، نفوذ و قاطعیتی دیگر یافته‌اند. امام سجّاد (ع) درباره اخلاق خوب و خوش‌رویی، چنین می‌فرماید:

«و إن اقربکم من الله اوسعکم خلقاً»

و نزدیک‌ترین شما به خداوند کسی است که دارای وسعت خلق (نرم‌رویی، خوش‌رویی) باشد. (همان: ۳۹۲)

شیخ اجل، سعدی شیرازی نیز اهمیت فراوان این مسأله را درک نموده، زیرا معاشرت نیکو لازمه اخلاق اسلامی می‌باشد (رزمجو، ۱۳۶۶: ۱۵۹). وی در زندگی اجتماعی و معاشرت و مدارا با مردم، نرم‌خویی و نیک‌خواهی، به ویژه دوری از خشونت را مایه افزایش دوستان می‌داند:

۱. به نرمی ز دشمن توان کرد دوست چو با دوست سختی کنی دشمن اوست
 ۲. به اخلاق با هر که خواهی بساز اگر زیر دست است و گر سرافراز
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۳۰۵)

تواضع و فروتنی

دوران عمر آدمی فرصتی است که در آن براساس دستورهای الهی به سرمایه‌برد و با انجام طاعات و ادای وظایف بندگی، به قرب پروردگاریکتا برسد. شایستگی‌های اخلاقی، پله‌های نردبان

این پیشرفت هستند که پیمودن آن‌ها، انسان را به سر منزل سعادت می‌رساند؛ به شرط آن‌که دچار غرور نشود و همواره با صفت زیبایی فروتنی با هموعان خویش سلوک کند. (کارل، ۱۳۵۵: ۳۰۲).

در تحلیل و پردازش مفهوم اخلاقی تواضع و فروتنی باید توجه داشت که به‌طور کلی می‌توان این مفهوم را در دو قسم بررسی نمود:

الف) تواضع در برابر خداوند که شامل تواضع در برابر حق و قانون خدا، تواضع در برابر پیامبران و امامان و اولیاء خدا می‌شود.

ب) تواضع در معاشرت با مردم، از دوست و همسایه، پدر و مادر و ... روشن است که تواضع در برابر خدا، عالی‌ترین و مهم‌ترین درجه تواضع است. این نوع از تواضع، نشانه نهایت تسلیم در برابر فرمان‌های خدا و اطاعت از او، و کمال خضوع و خشوع در برابر عظمت اومی باشد (حبوباتی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

تواضع در برابر خداوند

امام سجاده (ع) در دعای چهل و هفتم از صحیفه سجادیه، نمونه‌ای گرانبها از خشوع و خضوع قلبی را به پیشگاه خداوند کریم ابراز می‌دارد که در مورد آن چنین می‌خوانیم:

«وَهَا أَنَا دَا بَيْنَ يَدَيْكَ ضَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَائِعًا خَائِفًا مُعْتَرِفًا بِعَظِيمٍ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ»

(و اکنون این منم که در پیشگاه تو ایستاده‌ام، کوچک، خوار، خاضع، خاشع، خائف، و معترف به گناهان عظیمی که بر دوش کشیده‌ام). (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۴۹۶)

سعدی، یکی از هفت ابواب کتاب بوستان را به تواضع و فروتنی اختصاص داده است. شاعر در ابیات زیر به روشنی

اذعان می‌دارد که انسان باید در مقابل پروردگار خویش که او را آفریده، بنده‌ای مطیع و فروتن و افتاده و از هرگونه حرص و سرکشی به‌دور باشد؛ چراکه خداوند انسان را از خاک و پاک آفریده، نه از آتش سرکش.

۱. ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک
۲. حریص و جهانسوز و سرکش مباش ز خاک آفریدت چو آتش مباش (سعدی، ۱۳۶۶: ۲۳۹)

در اینجا به تحلیل نمونه‌هایی از کاربرد تواضع در معاشرت با مردم در صحیفه سجادیه و بوستان سعدی می‌پردازیم که نمونه بارزی از اخلاق کاربردی در اجتماع در آن آشکارا به چشم می‌خورد؛ زیرا همان‌گونه که می‌دانیم دیگر اخلاق شایسته، افزون بر اینکه موجب مهربانی دیگران با انسان می‌شود، به خودی خود نوعی آراستگی برای جسم و جان است، زیرا شرط دارا بودن کردار نیکو، ترک اخلاق ناپسند است و در چنین حالتی است که دل انسان مؤمن به زیور اخلاق نیکو

آراسته می‌گردد و قابلیت درک عنایات خاص پروردگار را به دست می‌آورد. بدیهی است، خشوع و فروتنی که یکی از بارزترین مظاهر اخلاق کاربردی در جوامع بشری است، بسیار درسیرۀ عملی دو شخصیت برجسته دینی و ادبی مشاهده گردد. بهترین فروتنی آن است که هنگام سربلندی پدیدار نشود و همین فروتنی، خود شکر نعمت عزت و سرافرازی است. امام علیه‌السلام در بخشی از صحیفه سجادیه، آراستگی به صفت نیکوی فروتنی را از خدای متعال تقاضا می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّني بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَخَلِّني بِالْخُضُوعِ»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۲۱۵)

خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و مرا با حلیه وزیر صالحان، و به خضوع و خشوع بیارای.

سعدی آراستگی به زیور تواضع و فروتنی را نیز از مشخصه‌های والای اخلاقی می‌داند و به صراحت بیان می‌کند که اگر آدمی به عرش و بلندای آن برسد، باید راه تواضع و فروتنی را در پیش بگیرد. انسان‌های بزرگ و آزاده هرگز غرور و تکبر را در وجود خود راه نمی‌دهند، آن‌ها آنقدر افتاده و متواضع هستند که اگر خاکستر بر سرشان فرود آید، خم به ابرو نمی‌آورند، دست شکر به درگاه ایزد متعال برمی‌دارند؛ از این رو سعدی چنین می‌گوید:

۱. بزرگان نکرند در خود نگاه خدا بینی از خویشان بین مخواه
 ۲. بزرگی به ناموس و گفتار نیست بلندی به دعوی و پندار نیست
 ۳. تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازد
- (همان: ۲۴۳)

دعوت به صبر و بردباری

اهمیت صبر و بردباری در دعاها و کلام ارزشمند امام سجاد (ع) تا آنجایی والاست که ایشان همواره چه برای خویش و چه برای دیگران خواهان آن از سوی باری تعالی است.

«اللَّهُمَّ وَ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَ تَرْكِ الْإِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَ مَجْمَعِ الْخَصْمِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ آيِدِنِي مِنْكَ بِنَيْتِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ، وَ أَعِزِّنِي مِنَ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَ هَلَعِ أَهْلِي الْجَرْحِ» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۱۷۳)

خداوندا اگر انتخاب تو به نفع من در این است که گرفتن حقم را به تأخیر اندازی و انتقام از کسی که به من ستم کرده تا یوم‌الفصل و به هنگام گرد آمدن متخاصمان، ترک کنی. بنابراین بر محمد و آلش درود فرست و مرا از جانب خود با نیتی صادق و صبری دائم، تأیید فرما و از تمایلات بد و حرص سرکش حریصان پناهم ده.

دعوت به صبر و بردباری در امور و مسائل مختلف، در اشعار سعدی به فراوانی توصیه شده است که اینک به ذکر نمونه‌هایی از این امر اشاره می‌کنیم:

شاعر شیرازی در ابیات زیر به صراحت بیان می‌دارد که اگر سختی و ناراحتی از جانب کسانی - که بارها بر انسان نیکی کرده‌اند، پیش بیاید باید در مقابل آن صبور بود؛ چرا که شکیبایی در برابر اعمال آن‌ها یک ضرورت است.

۱. خوشا وقت شوریدگان غمش اگر زخم بین اند و گر مرهمش
 ۲. گدایان از پادشاهی نفور به امیدش اندر گدایی صبور
 ۳. دمامد شراب الم درکشند اگر تلخ بینند دم درکشند
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۱۹۶، ۱۹۵)

امر به معروف و نهی از منکر

درباب امر به معروف آنچه مسلم است، بیان عیوب دیگران، اولاً به روش موعظه حسنه افراد صورت بگیرد و نه به قصد ریختن آبروی آن‌ها، و ثانیاً انجام شود، نه تنها به عنوان یک صفت بد قلمداد نمی‌شود که به یکی از فرائض دینی تبدیل می‌شود که در قرآن و روایات ائمه اطهار توصیه‌های اکیدی درباره آن وجود دارد (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۳۳).

امام سجاد (ع) فلسفه امر به معروف و نهی از منکر را در بخشی از دعای اول شرح می‌دهد:

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدْوَاتِ الْقَبْضِ، ثُمَّ أَمَرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتْنَا، وَ نَهَانَا لِيَتَّبَلَى شُكْرْنَا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۳: ۷۶)

(و ستایش مخصوص خداوندی است که ابزار و وسائل بسط و قبض را در ما آفرید).

امام سجاد (ع) درباره اهمیت هدایت و راهنمایی به معروف‌ها و رهنمایدن از گمراهی می - فرماید: «به شیعیان من مژده ثواب بزرگ و پاداش فراوان بدهید». که خدای تعالی به موسی (ع) چنین امری نمود که: «مرا نزد آفریدگانم و آفریدگانم را نزد من محبوب ساز!» موسی پرسید: «چگونه؟» فرمود: «رحمت‌ها و نعمت‌های مرا به یادشان بیاور؛ چرا که اگر فرارکنند از در خانه یا گمگشته از آستانه مرا به سوی من باز گردانی، برای تو بالاتر از عبادت صدسال است که روزهایش را روزه بداری و شب‌هایش را به نماز و عبادت بگذرانی» (علامه مجلسی، ۱۳۸۵: ۷۱).

سعدی ایجاد روحیه امر به معروف و نهی از منکر در افراد جامعه را یکی از اصول اخلاق اجتماعی دانسته و در بوستان به اصل تربیتی فوق اشاره می‌نماید:

۱. نصیحت که خالی بود از غرض چو داروی تلخ است بر دفع مرض

(سعدی، ۱۳۶۶: ۲۳۷)

شیخ اجل، سعدی شیرازی نیز در کتاب بوستان در قالب مثلی جذاب و دلنشین، به مسأله امر به معروف و نهی از منکر چنین اشاره کرده است:

۱. یکی پادشه زاده در گنج‌ه بود که دواز تو ناپاک و سرپنجه بود
۲. به مسجد درآمد سرایان و مست می اندر سر و ساتگینی به دست
۳. به مقصوره بُد پارسایی مقیم زبانش دلاویز و قلبش سلیم

۴. تنی چند بر گفت او مجتمع چو عالم نباشی کم از مستمع
 ۵. چو بی عزتی پیشه کرد آن حرون شدند آن عزیزان خراب اندرون
 ۶. چو منکر بود پادشه را قدم که یارد زد از امر معروف دم؟
 ۷. تحکم کند سیر بر بوی گل فرو ماند آواز چنگ از دهل
 ۸. گرت نهی منکر بر آید زدست نشاید چو بی دست و پایان نشست
 (همان: ۲۵۶، ۲۵۵)

حفظ زبان

حفظ زبان از جمله ارزش‌هایی است که آدمی در ارتباط‌ها و معاشرت‌های خویش، همواره در پی حراست از آن است؛ زیرا کم‌توجهی بدان موجب خدشه‌دار شدن روابط‌های اجتماعی می‌گردد (نعمتی، ۱۳۸۷: ۸۹).
 امام سجاد(ع) آفت‌های کلامی و زبانی را در خلال دعاهای خویش برمی‌شمارد و به درگاه باری تعالی پناه می‌برد:

«يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شْتَمٍ عَرَضِي أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ خَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ دَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ وَ اعْتِرَافًا بِإِحْسَانِكَ وَ إِحْضَاءً لِمَنِّكَ» (همان: ۱۰۳)

یا ارحم راحمین! چنان‌کن که بر زبان من به‌جای دشنام و ناسزا و عیب‌جویی و عیب‌گویی و بر باطل گواهی دادن و بر ضد حق سخن گفتن و از برادر غایب غیب کردن و به برادر حاضر تهمت‌زدن، سپاس تو و ستایش تو و شمردن نعمت‌های تو و ذکر اعلای تو موج زند و بگذارد که همواره قلب و زبان من به یاد تو روشن و روان باشند.

سعدی در بوستان و دیگر آثارش به برشماری آفت‌ها و آسیب‌های ناشی از عدم حفظ نکردن زبان پرداخته و غفلت

از این امر را سبب خدشه‌دار نمودن روابط اجتماعی می‌داند (موحد، ۱۳۷۴: ۶۳). حفظ زبان در اندیشه سعدی مقوله بسیار گسترده‌ای است و شامل تأمل و اندیشه در سخن گفتن، پرهیز از زیاده‌گویی، پرهیز از عیب‌جویی، پرهیز از گفتن اسرار شخصی به دیگران و پرهیز از سخن‌چینی می‌باشد. سعدی در باب اول و هفتم بوستان ما را به تأمل و اندیشه در سخن گفتن فرامی‌خواند و این نکته را گوشزد می‌نماید که فرد خردمند ابتدای اندیشد و سپس گفتاری را بر زبان می‌آورد، زیرا کلامی که به زبان آمد، دیگر قابل بازگشت نیست (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

۱. دل است ای خردمند، زندان راز چو گفستی نیاید به زنجیر باز
 (سعدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸)

سخن‌چینی نیز از دیگر نتایج حفظ نکردن زبان است که یک ردیلت اخلاقی محسوب

می‌شود و در روابط اجتماعی آسیب به وجود می‌آورد. سعدی در ابیات زیر این ویژگی را مایهٔ ایجاد تفرقه و خدشه‌دار نمودن روابط افراد می‌داند و

به همین دلیل چنین افرادی را مورد نکوهش قرار می‌دهد:

۱. سخن چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیک مرد سلیم
۲. از آن همنشین تا توانی گریز که مر فتنه‌ی خفته را گفت خیز
۳. میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هی‌مزم است

اخلاق خانواده

خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با ترکیب دیگر خانواده‌ها، جامعه را تشکیل می‌دهد. در این بخش، به بررسی اخلاق در میان اعضای خانواده می‌پردازیم که شامل اخلاق زناشویی، اخلاق والدین با فرزندان و اخلاق فرزندان با والدین است.

اسلام، آیین الهی و مقدسی است که برای خانواده اهمیت فراوان قائل است و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می‌شناسد. اسلام معتقد است هرگونه نظم و سازندگی باید از خانواده آغاز گردد و دامنهٔ سازندگی و گسترش به جامعه کشانده شود و حیات اجتماعی تحت نظم و ضابطه درآید (فریدونی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

اسلام خواستار نسلی است سالم، پاک و عقیف و موجد افتخار برای جامعهٔ انسانی؛ چنین نسلی جز در دامن خانواده‌ای سالم نمی‌تواند تربیت شود. وظیفه‌ای که خانواده در قبال تربیت فرد دارد و نقش مهمی که در این زمینه ایفا می‌کند در واقع به وظیفه او در قبال تربیت جامعه پیوند می‌خورد (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

دین اسلام، شیوه‌های مناسب تربیتی را پیش روی خانواده‌ها قرار می‌دهد. به طوری که با تأکید بر تکریم و تشویق فرزندان خانواده را از اعمال روش‌های تنبیهی باز می‌دارد. امام سجاد(ع) نیز در این باره چنین می‌فرماید:

(پروردگار من! بازوان مرا به نیروی فرزندانم نیرومند ساز و چنان کن که پشتیبان من باشند و بر توانایی من بیفزایند و زینت افزای خانهٔ من گردند و نام مرا در این دنیا به نیکویی زنده بدارند. خداوند! پس از مرگ من همچنان فرزندان مرا در سایهٔ عنایت و رعایت خویش نگهدار و کمک کن تا چنان ببارآیند که کمکم کنند، و عنایتی فرما که دوستم بدارند و از من روی برنگردانند. گوش بفرمان من فرا دهند و از خشم و ناخشنودی من پرهیز کنند. بامن به عناد و خلاف برنخیزند و به دنبال من از راه خطانروند. پروردگار! به من در تعلیم و تربیتشان کمک کن) (صحیفه سجاده، ۱۳۷۳: ۱۲۴).

سعدی شیرازی نیز پیرو سخنان بزرگان دین، در اشعارش بسیار به اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان تأکید ورزیده است. حال با توجه بر میزان اهمیت این امر در تحکیم بنیان خانواده و ارتباط

گسترده آن با شاخصه‌های اخلاق کاربردی به تحلیل یکی از شایسته‌ترین اشعار شاعر، در این زمینه خواهیم پرداخت.

ادیب بلندآوازه‌ی پارسی، در این نمونه از شعر خویش، چندین بارزه اخلاقی را برمی‌شمرد که در تربیت فرزندان، نمی‌توان به سادگی از آن گذشت. در گام نخست، حُجُب و حیا را یادآور می‌گردد؛ چرا که هدایتگر سرشت آدمی در مسیر سعادت است. پرورش انسانیت و آویختن پرده‌های حیا در زیبا شکل گرفتن هویت آدمی از همان اوان کودکی بسیار مؤثر است (طاهری، ۱۳۸۳: ۶۲).

۱. چو خواهی که نامت بماند بجای پسر را خردمندی آموز و رأی
 ۲. که گر عقل و طبعش نباشد بسی بمیری و از تو نماند کسی
 ۳. بسا روزگارا که سختی برد پسر چون پدر نازکش پرورد
 ۴. خردمند و پرهیزگارش برآر گرش دوست داری بنمازش مدار
 ۵. به خردی درش زجر و تعلیم کن به نیک و بدش وعده و بیم کن
 ۶. نو آموز را ذکر و تحسین و زه زتویخ و تهدید استاد به
- (همان: ۱۶۵)

شاعر در مرحله پایانی، به تحلیل دیگر ابعاد تربیتی فرزندان؛ همچون دادن آموزش عزت‌نفس، صبر، پاکدامنی و ... اشاره می‌نماید. شیخ اجل نیز برای مقام والای پدر از خداوند مَنان طلب مغفرت و آرامش می‌نماید و این‌گونه ارادت خویش را به چنین جایگاه برجسته‌ای نمایان می‌سازد.

۱. ز عهد پدریادم آید همی که باران رحمت بر او هر دمی
 ۲. که درطفیلم لوح و دفتر خرید ز بهریکی خاتم زرخرید
- (سعدی، ۱۳۶۶: ۱۸۹)

اخلاق اجتماعی

محور اصلی اخلاق اجتماعی ارتباط انسان با دیگران است و بر اساس معاشرت با افراد زندگی اجتماعی پدیدمی‌آید؛ مثل احسان به دیگران، یا توهین به دیگران (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۴).

انسان یک موجود اجتماعی است، زندگی در اجتماع نیازمند یک سیستم و نظام جامعی است که حقوق و تکالیف

افراد را در رفتار و ارتباط با دیگران مشخص می‌نماید؛ اسلام به عنوان مجموعه دستورات عبارات در این باب مربوط به کلام امام سجاد(ع) است (همان: ۱۱۴).

امام(ع) در بخشی از این صحیفه سجادیه به ترویج فضایل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد، تا افراد بارعایت آن اصول، همزیستی مسالمت‌آمیزی را در کنار یکدیگر داشته باشند(اقتصادی فرد، ۱۳۸۰: ۷۶).

از منظر سعدی سازگاری اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز کمال مطلوب جامعه آرمانی است. او مدینه فاضله‌ای را ترسیم می‌کند که این دواز بنیان‌های مستحکم شخصیت هر فرد از افراد آن جامعه، از فضائل عالی و فروغ انسانیت و آدمیت که بر آنان حاکم است سخن می‌گوید و عدالت، تواضع، صلح، احسان، انصاف، همدلی، و... را به عنوان ویژگی‌های افراد این جامعه مطلوب و عوامل پدیدآورنده روحیه سازگاری اجتماعی مطرح می‌نماید و در دل‌ها شوق ساختن چنین جامعه‌ای با این ویژگی‌ها را پدید می‌آورد(بهشتی و همکاران، ۱۳۸۲: ۲۷).

«سعدی به عنوان یک مصلح اجتماعی که همه جانبه همه مصالح اجتماعی را مطرح کرده، قصدش واقعاً یک تربیت ساده اجتماعی بوده است»(اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

اخلاق کاربردی را چه شاخه‌ای مستقل از دیگر شاخه‌های اخلاق بدانیم و چه آن را جنبه کاربردی نظریه‌های اخلاقی تلقی کنیم، ذیل نظریه‌های هنجاری قرار می‌گیرند و از جهت کاربردشان در مسائل جزئی و کلی، کاربردی نامیده می‌شوند.

نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد که هر انسانی برای اینکه در زندگی فردی و اجتماعی رفتار و هنجار مطلوب داشته باشد؛ ابتدا باید روش و هدف اصلی که همان رشد تکامل معنوی و کسب مقامات والای دینی و انسانی است را مشخص کند و برای پیشرفت در این مرحله باید رفتار، کردار و گفتار خود را طبق دستورات قرآن رشد و تکامل دهد؛ در مکتب تشیع، کامل‌ترین سیره و شیوه تربیتی، شیوه تربیتی ائمه معصومین (ع) است؛ سیره‌ای که از یک سو، به منبع وحی الهی متصل است؛ و از سوی دیگر، در مقام عمل نیز آثار خود را نشان داده است؛ تربیت‌شدگان در این مکتب، انسان‌هایی کامل و دارای مقام‌های عالی و معنوی‌اند که به برکت راهنمایی‌های امامان معصوم (ع) به این مراتب عالی دست یافته‌اند.

با بررسی آثار امام سجاد(ع) و به خصوص صحیفه سجادیه شیوه‌های تعلیم و تربیت و انسان - پروری در مدار اخلاق، این

چنین عنوان گردیده شده است؛ فروتنی و خدمت به مردم، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم امر به معروف و نهی از منکر، حق‌مداری و حرکت به سوی خدا و خداگونه ظاهر می‌گردد. راز بزرگواری و ماندگاری سعدی علاوه بر شیوه سخن‌سرایی و نویسندگی او، در امتزاج ارزش‌های انسانی و اخلاقی و اجتماعی است. هم‌ظرف ممتاز است و هم‌مظروف‌ها پربها. اخلاق و تربیت اخلاقی افراد جامعه، محور اندیشه و سخن سعدی است. در جمع‌بندی نهایی اصول؛ در هشت محور با عناوین عدالت، تواضع، حفظ زبان، امر به معروف و نهی از منکر، خلق و خوی نیکو، نوع دوستی و خدمت به خلق، تغافل و دستگیری و احسان دسته‌بندی گردید.

امام زین‌العابدین(ع) مقام و جایگاه خانواده را تا آنجا والا و بی‌همتا می‌داند که در قالب دعا‌های گوناگون به ستایش، نیایش، و پردازش روابط میان والدین بایکدیگر، والدین با فرزندان پرداخته است.

سعدی شیرازی در کتاب بوستان به‌طور واضح به مسائل خانوادگی، زناشویی، نگرش‌ها و ارزش‌های مذهبی پرداخته است. وی در واقع، سخنگوی واقعی زندگی و اخلاق است. او باب زندگی را همراه با تصویرهای روشن در پیش روی مخاطب گشوده است.

امام زین‌العابدین و سعدی شیرازی، در باب اخلاق و ارتباط آن با عرفان عملی، بر تربیت اخلاقی، در مسیر حرکت به سوی عبودیت و کسب رضایت الهی، توصیه می‌نمایند، با این تفاوت که کلام آن حضرت از سرچشمه‌های نور و بر زبان دعا جاری گشته و کلام سعدی از سرچشمه ذوق و بر زبان شعر ارائه گردیده است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اترک، حسین (۱۳۸۸). اخلاق کاربردی، معنا و مفهوم.
- ۳- امام زین العابدین (ع)، (۱۳۸۵ هـ.ش)، رساله الحقوق، ترجمه: علی شیروانی (نسخه تحف العقول)، قم: دارالفکر.
- ۴- _____، (۱۳۷۳ هـ.ش)، صحیفه السجادیه، ترجمه: علی شیروانی، قم: دارالفکر.
- ۶- اسلامی، ناصر، (۱۳۸۸ هـ.ش)، مبانی تربیتی خانواده در فرهنگ اسلامی، قم: نشر راه امید.
- ۷- اقتصادی فرد، پری سیمما، (۱۳۸۰ هـ.ش)، جایگاه اخلاق در صحیفه سجادیه، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی مرکز، دانشکده الهیات، قم، دانشکده اصول الدین.
- ۸- باقریان، احمد، (۱۳۸۲ هـ.ش)، آشنایی با صحیفه سجادیه، تجلی پیام عاشورا، قم: انتشارات زائر.
- ۹- بهشتی، احمد، (۱۳۸۲ هـ.ش)، خانواده در قرآن، قم: انتشارات بوستان کتاب
- ۱۰- بهشتی، محمد، (۱۳۸۷ هـ.ش)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن کریم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۱۱- _____، _____، (۱۳۸۳ هـ.ش)، مقاله دعا، دائرة المعارف شیعیه، ج ۷، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاءالدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: انتشارات محبی.
- ۱۲- پهلوان، منصور، (۱۳۸۴ هـ.ش)، مبانی اخلاقی در صحیفه سجادیه، سفینه، شماره هشتم، پاییز.
- ۱۳- حبوباتی، سید رضا، (۱۳۸۴ هـ.ش)، شرح دعای مکارم الاخلاق، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۱۴- رزمجو، حسین، (۱۳۶۶ هـ.ش)، شعر کهن فارسی در تراوی نقد اخلاق اسلامی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۹ هـ.ش)، حدیث خوش سعدی، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۶- سعدی شیرازی، شرف الدین مصلح بن عبدالله، (۱۳۸۵ هـ.ش)، بوستان، تصحیح محمد علی فروغی، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۱۷- _____، _____، (۱۳۸۴ هـ.ش)، بوستان سعدی (سعدی نامه)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۸- _____، _____، (۱۳۸۶ هـ.ش)، گلستان، تهران: انتشارات خوارزمی.

- ۱۹- شریفی، احمدحسین، (۱۳۸۷ هـ.ش)، *آئین زندگی و اخلاق کاربردی*، تهران: نشر پیدایش.
- ۲۰- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۴ هـ.ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۲۱- طاهری زاده، فاطمه، (۱۳۸۳ هـ.ش)، *مبانی تعلیم و تربیت در ادبیات ایران*، تهران: انتشارات سایه گستر.
- ۲۲- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۳ هـ.ش)، *جلاء العیون* (تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام) تحقیق سید علی امامیان، تهران: انتشارات سرور.
- ۲۳- _____، _____، (۱۳۸۵ هـ.ش)، *بحار الانوار*، جلد ۴۶، چاپ هفتم، قم: انتشارات فراهانی.
- ۲۴- عمید، حسن، (۱۳۶۳ هـ.ش)، *فرهنگ فارسی عمید*، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲۵- فاخوری، حنا، (۱۳۷۷ هـ.ش)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلام*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۶- فتّاحی، سید حمید، (۱۳۸۵ هـ.ش)، *صحیفه کامله سجادیه همراه با پیام‌ها*، پاسخ‌گوی نیازها، قم: انتشارات میرفتّاح.
- ۲۷- فریدونی، محمدتقی، (۱۳۸۶ هـ.ش)، *اسلام و خانواده*، تهران: نشر نوین.
- ۲۸- کارل، آلکسیس، (۱۳۵۵ هـ.ش)، *نیایش* (بخش مقدمه)، مقدمه و ترجمه: محمدتقی شریعتی، قم: نشر کیمیای سعادت.
- ۳۱- مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۰ هـ.ش)، *اخلاق در قرآن*، جلد سوم، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سرّه)
- ۳۲- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸ هـ.ش)، *فلسفه اخلاق*، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۳- _____، _____، (۱۳۷۶ هـ.ش)، *سیری در سیره ائمه اطهار (ع)*، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۵- ملکی، فرامرز، (۱۳۷۹ هـ.ش)، *حقوق والدین و فرزندان در اسلام*، تهران: انتشارات محبت.
- ۳۸- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۴ هـ.ش)، *نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

39- Noble, Cheryl N., Singer P., (1982), "Ethics and experts", The Hastings Center.

40- Report, vol.12, no.3, pp.7-15.

بررسی رابطه اخلاق کار اسلامی با تعهد سازمانی کارکنان و تاثیر آن بر ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی (مطالعه موردی: خوشه صنعتی نفت، گاز و پتروشیمی استان مرکزی)

رضا یادگاری^۱

کمال الدین رحمانی^۲

فرزین مدرس خیابانی^۳

چکیده

هر سازمانی در تلاش است تا میزان تعهد سازمانی و وفاداری کارکنان خود را بمنظور کسب منافع پایدار توسعه و بهبود دهد. یکی از عوامل موثر که در پژوهش های مختلف و به ویژه در رویکرد دینی بر آن تاکید شده است، نقش اخلاق در دستیابی به این مهم است. اخلاق کاری در سالیان اخیر به دنبال شکست شرکت های بزرگ و بحرانهای به وجود آمده در کسب و کار های مختلف اهمیت ویژه ای پیدا کرده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه اخلاق کار اسلامی با تعهد و وفاداری سازمانی کارکنان و تاثیر آن بر ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی بود. در این تحقیق جامعه آماری مورد بررسی، خوشه سازندگان تجهیزات نفت، گاز و پتروشیمی استان مرکزی بود که از بین مدیران شرکت های فعال در این خوشه، نمونه آماری از طریق فرمول کوکران انتخاب شد. جمع آوری داده ها از طریق مطالعه تحقیقات پیشین و پرسشنامه های استاندارد به همراه پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفت و جهت بررسی پایایی این پرسشنامه ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. پس از جمع آوری اطلاعات با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس در نرم افزار Smart PLS فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین متغیر اخلاق کار اسلامی بر متغیر ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی در جامعه آماری مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و همچنین متغیر تعهد سازمانی کارکنان در رابطه بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی، نقش میانجی را ایفا می کند.

واژگان کلیدی

اخلاق کار اسلامی، تعهد سازمانی کارکنان، ابعاد عملکردی، خوشه های صنعتی، معادلات ساختاری.

۱. گروه مدیریت صنعتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: Msanayereza1@yahoo.com

۲. گروه مدیریت صنعتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: Kamaleddinrahmani@iaut.ac.ir

۳. گروه ریاضی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: f.modarres@iaut.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۴

طرح مسأله

کلمه اخلاق در اصطلاح اخلاق کسب و کار از کلمه یونانی اتوس به معنی سیرت و عادت و سجیه آمده است (Taghizadeh and Soltani, 2011). اخلاق در لغت جمع خلق و از ماده خ، ل، ق است و به شکل باطنی و نفسانی انسان نظر دارد. چنانچه خلق بر ایجاد شکل ظاهری دلالت دارد. خلق به معنی صفت پایدار و راسخ یا حالتی است که به آن ملکه می‌گویند. از این رو اگر صفتی تنها یک بار در فردی دیده شد، به عنوان اخلاق وی به حساب نمی‌آید. پس اخلاق همان صفت راسخ و پایدار نفسانی است و با رفتاری که به طور لحظه‌ای و آنی از انسان سر می‌زند تفاوت دارد (Saeedpor, 2009). پژوهشگران، اخلاق را اینگونه تعریف می‌کنند: "اخلاق به انصاف و راستی و درستی مربوط می‌گردد، به تصمیم‌گیری در زمینه‌ای که چیز خوب است و چه چیز بد، و به فعالیت‌ها و قواعدی که رفتار پاسخگویانه را بین افراد و گروه‌ها پی‌ریزی می‌کند" اخلاقی بودن و اخلاقی عمل کردن شامل: انجام دادن اقدام‌هایی در جهت کسب اطمینان از اینکه رفتار اخلاقی همواره و در همه شرایط اعمال می‌گردد (Abzari and Yazdanshenas, 2007). بسیاری از صاحب‌نظران بیان می‌دارند که رفتار اخلاقی مدیریت، بر اثر پنج عامل اصلی شکل می‌گیرد: وضعیت و شرایط کسب و کار، وظیفه‌ای که باید انجام گیرد، گروه همکاران، سبک رهبری و تجربه‌های گذشته. همچنین محیط خارجی و نیز برداشت جامعه از سازمان بسیار مهم و تاثیرگذار می‌باشد. در ضمن باید توجه داشت که ممکن است استنباط مشتریان و تولیدکنندگان از اخلاق، از یکدیگر متفاوت باشد. اخلاق سازمانی نشانگر این امر است که چگونه یک سازمان اخلاقی به یک محرک داخلی یا خارجی پاسخ می‌دهد در واقع اخلاق سازمانی با فرهنگ سازمانی وابسته است. اخلاق سازمانی بیانگر ارزش‌های یک سازمان به کارکنان خود و اشخاص دیگر بدون در نظر گرفتن قوانین دولتی و نظارتی می‌باشد (Arnaudov and Koseska, 2012). اخلاق کار یک هنجار فرهنگی است که به انجام کار مناسب و خوب در جامعه، ارزش معنوی مثبت می‌دهد و بر این باور است که کار فی‌نفسه دارای یک ارزش ذاتی است (توسلی، ۱۳۸۷). اخلاق کار اسلامی نیز به عنوان مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و معنوی در بافت اسلامی است که آنچه درست است را از نادرست متمایز می‌سازد (Rokhman, 2010). اخلاق کار اسلامی گرایش و تمایل نسبت به کار را به عنوان یک فضیلت در زندگی بشر دیدن است (Rizk, 2008). اکثر تحقیقاتی که در مورد اخلاق کار و در این حیطه صورت گرفته است در غرب و متمرکز بر اخلاق کار پروتستانی و مبتنی بر تجارت کشورهای آمریکایی و اروپایی است. نظریه وبر، موفقیت در تجارت و کسب و کار را با اعتقاد مذهبی پیوند زده است. وبر معتقد بود ایمان و عقیده‌ی کالونیست‌های پروتستان نیروی جهت‌دهنده در نظام سرمایه‌داری ایجاد می‌کند و این نیرو مبتنی بر این فرض است که

موفقیت مالی و کاری ابزاری نه تنها برای دستیابی و تحقق اهداف شخصی، بلکه به منظور دستیابی و تحقق اهداف مذهبی نیز می باشد (Yousef DA, 2000). در حالی که سرچشمه اخلاق کار اسلامی، قرآن و گفتار و اعمال پیامبر گرامی اسلام و ائمه ی اطهار است. پیامبر اسلام (ص) فرموده است: کار سخت موجب آموزش گناهان است و هم چنین هیچ خوراکی و روزی ای بهتر از آن نیست که انسان از ماحصل دسترنج خود بدست آورده باشد (Rizk, 2008). با توجه به نقش اخلاق در محیط های کاری و بطور خاص تاثیر گذاری اخلاق اسلامی کار بر ابعاد مختلف عملکردی در سازمان ها، در این پژوهش تلاش می شود نقش اخلاق اسلامی کار و تاثیر آن بر ابعاد عملکردی در شرکت های فعال خوشه صنعتی نفت؛ گاز و پتروشیمی استان مرکزی با توجه به متغیر میانجی تعهد سازمانی مورد بررسی قرار گیرد، از این رو مسله اصلی این پژوهش بررسی رابطه اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی و ابعاد عملکردی در خوشه های صنعتی می باشد، با توجه به اینکه در این پژوهش هدف اصلی بررسی تاثیر اخلاق کار اسلامی بر ابعاد عملکردی شرکت های فعال در خوشه صنعتی های صنعتی است، می توان گفت بررسی موضوع اخلاق کار اسلامی در خوشه های صنعتی، نوآوری اصلی این تحقیق نسبت به پژوهش های پیش از خود است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

اخلاق کار اسلامی

اخلاقیات و اصول اخلاقی از جمله مباحثی است که بکارگیری آن در جامعه مورد تاکید اسلام است به طوری که پیامبر اسلام (ص) هدف از رسالت خویش را به کمال رساندن مکارم اخلاقی معرفی کردند. از این رو اخلاقیات به عنوان مجموعه ای از ارزش ها، بایدها و نبایدها می تواند نقش مهمی را در مدیریت اثر بخش سازمان ها ایفا کند. انضباط کاری، مهرورزی، دادورزی، معاشرت سازنده، مشاورت، وفای به عهد، خدمتگذاری از جمله شیئه های مطلوب اخلاقی مورد تاکید اسلام در مدیریت سازمان ها محسوب می شود که جهت تحقق آنها تدوین منشور اخلاقیات و عملی ساختن آن در سازمان ها ضروری است. در این راستا با ایجاد ضمانت های اجرایی و نهادینه کردن رفتار اخلاقی در سازمان می توان اخلاقیات و اصول اخلاقی را در سازمان تقویت کرد (اعظمی و همکاران، ۱۳۸۷). اخلاق کار اسلامی بر همکاری و مشارکت در کار تاکید می کند و مشاورت را راهی برای رفع موانع و دوری از خطاها می بیند (Ali JA, 2007). در اخلاق کار اسلامی زندگی بدون کار معنایی ندارد و اشتغال در فعالیت های اقتصادی لازم و وظیفه ی هر مسلمانی است. اخلاق اسلامی بر انکار زندگی و محروم ساختن افراد از نعمت های زندگی موضع نمی گیرد بلکه بر تکمیل و شکوفایی زندگی تاکید کرده و انگیزه های تجاری و کسب و کار را به عنوان یکی از اولویت های زندگی می داند (Rokhman, 2010).

تعهد سازمانی

تعهد سازمانی به عنوان یکی از نگرش‌های شغلی، از عوامل موثر در انگیزش کار محسوب می‌شود (Wagner, 2010). تعهد سازمانی یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده و پیش‌بینی‌کننده رفتار سازمانی است. مدیریت صحیح تعهد سازمانی می‌تواند به نتایج مطلوبی از جمله اثربخشی سازمان، بهبود عملکرد، کاهش غیبت و جابجایی، افزایش انگیزش و رضایت شغلی کارکنان منجر شود (Chang, 2007). از نظر واگنر و هلن بک (۲۰۱۰)، تعهد سازمانی قدرت و توانایی واقعی است تا کارکنان خود را نسبت به سازمان ملتزم و سازمان را معرف خود بدانند. در رابطه با تعهد سازمانی، الگوها و دیدگاه‌های متعددی تاکنون مطرح شده است. معروف‌ترین این مدلها، مدل سه بعدی می‌یر و آلن (۱۹۹۱) است. از این مدل چند بعدی در سالهای گذشته در تحقیقات فراوانی استفاده شده است (Cohen, 2007). می‌یر و آلن، تعهد سازمانی را در سه بعد متمایز عاطفی، هنجاری و مستمر بررسی کرده‌اند. تعهد عاطفی مهم‌ترین عنصر تعهد سازمانی بوده و به میزان وابستگی عاطفی فرد به سازمان و اهداف آن اشاره می‌کند (Meyer and Allen, 1997). در حقیقت تعهد عاطفی وابستگی احساسی فرد به سازمان است. تعهد هنجاری دومین عنصری است که موجب ایجاد تعهد سازمانی می‌شود. افرادی که دارای تعهد هنجاری بالایی هستند به این دلیل به کار خود در سازمان ادامه خواهند داد که احساس می‌کنند این کار از نظر اخلاقی درست است (Handlon, 2009). به عبارت دیگر در این بعد از تعهد، فرد ادامه دادن به کار در سازمان را وظیفه و تکلیف خود می‌داند و افرادی که دارای تعهد هنجاری بیشتری نسبت به سازمان هستند، به احتمال زیاد تلاش و فداکاری بیشتری برای سازمان انجام خواهند داد (Meyer and Allen, 1997). تعهد مستمر نیز به عنوان نیاز به ماندن در سازمان به دلیل هزینه‌های بالای ترک سازمان تعریف شده است (Handlon, 2009). تعهد مستمر به تمایل در باقی ماندن در سازمان به خاطر هزینه‌های ترک سازمان یا پاداش ناشی از ماندن در سازمان مربوط می‌شود.

اخلاق کار و تعهد سازمانی

محققان و مولفان زیادی روابط میان اخلاق کار و تعهد سازمانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. Elizur و Rokhman از اولین محققانی بودند که به بررسی رابطه‌ی اخلاق کار (اخلاق کار پروتستانی) و تعهد سازمانی پرداختند و نتیجه گرفتند که اخلاق کار پروتستانی کارگران با تعهد معنوی و اخلاقی نسبت به تعهد محاسبانی رابطه‌ی بیشتری دارد (Elizur, Rokhman, 2001). بطور مشابه سایر محققان دریافته‌اند که اخلاق کار رابطه‌ی

معنی داری با تعهد سازمانی دارد و کارکنانی که ارزش‌های مشارکتی قوی از خود بروز می‌دهند، تعهد نسبتاً بیش‌تری نشان داده‌اند و کارکنانی که ارزش‌های ابزاری داشتند، تعهد نسبتاً کم‌تری را نشان داده‌اند (Oliver, 1990). همچنین نشان داده‌اند که اخلاق کار رابطه‌ی مستقیمی با تعهد سازمانی دارد و معتقدند که اخلاق کار ذاتی و درونی رابطه‌ی بسیار نزدیکی با تعهد سازمانی نسبت به معیارهای اخلاق کار جهانی یا اخلاق کار بیرونی دارد (Putti. Et Rokhman. al, 1989) در پژوهش خود اثرات اخلاق کار اسلامی را بر پیامدهای کاری (رضایت شغلی، تعهد سازمانی و قصد ترک شغل) مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفت که اخلاق کار اسلامی اثرات مثبت و معنی‌داری بر رضایت شغلی و تعهد سازمانی داشته و اثر قابل توجهی بر قصد ترک شغل ندارد. Elizur و Koslowsky در پژوهش خود به بررسی رابطه میان ارزش‌های کاری، جنسیت و تعهد سازمانی در ۲۰۴ نفر از دانشجویانی که خارج دانشگاه کار می‌کردند، پرداختند. این بررسی نشان داد که ارزش‌های کاری خصوصاً ارزش‌های شناختی رابطه مثبت با تعهد سازمانی داشته و تعامل ارزش‌ها با جنسیت به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده‌ی تعهد دیده شده است (Elizur and Koslowsky, 2001). علتی که تعهد سازمانی در کنار اخلاق کار و اخلاق کار اسلامی بسیار مورد توجه قرار گرفته این است که تعهد سازمانی از جمله سازه‌هایی است که بر رفتار کارکنان در سازمان اثر گذاشته و بر بسیاری از متغیرهای سازمانی از جمله قصد جابجایی کارکنان، عملکرد شغلی، رفتار شهروندی سازمانی و همچنین تعارض و استرس شغلی افراد تاثیر می‌گذارد (Francesco, 2005).

ابعاد عملکردی در خوشه صنعتی

علیرغم انجام مطالعات فراوان در مورد شاخص‌های عملکرد سازمان‌ها، در خصوص سنجه‌های عملکردی خوشه‌های صنعتی تحقیقات مسنجمی انجام نشده است، ولی مدل‌هایی مرتبط با عملکرد خوشه‌های صنعتی توسعه داده شده‌اند. این مدل‌ها، عموماً ترکیبی از ابعاد، سنجه‌ها و تعیین‌کننده‌های عملکرد خوشه‌های صنعتی هستند و هر یک نگاه متفاوتی را ارائه می‌دهند. استیمسون و همکاران (۲۰۰۶) به منظور تحلیل خوشه‌ها از پانزده معیار عملکرد اقتصادی استفاده کردند: اشتغال، تغییرات اشتغال، دستمزد متوسط سالیانه، نرخ تغییر در دستمزد متوسط سالیانه، تاسیس شرکت‌های جدید، نرخ تغییرات در تعداد شرکت‌های تازه تاسیس، سطح دستمزدها نسبت به سطح دستمزدهای ملی صنعت، نرخ تغییر در دستمزد نسبی، وابستگی بین صنعتی، بهره‌وری، نرخ تغییر در بهره‌وری، کمک به تولید ناخالص ایالت، نرخ تغییر در کمک به تولید ناخالص ایالت، بهره‌وری مکانی و تغییرات در بهره‌وری مکانی (Stimson, Stough & Robert, 2006). آیونسکیو (۲۰۰۵) بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند بطور مستقیم به دو طریق عملکرد خوشه را تحت تاثیر قرار دهد: حمایت از نوآوری و

کاهش هزینه های تعامل. این تحقیق بطور ضمنی نوآوری و هزینه ها را به عنوان دو سنجه عملکرد خوشه صنعتی مطرح می کند (Ionescu, 2005). سل ول و همکاران (۲۰۰۳) به منظور ارزیابی اقدامات سازماندهی شده برای افزایش عملکرد خوشه درون یک منطقه، مدلی را طراحی نمودند. در این مدل به منظور نمایش اثر برنامه های بهبود بر ارتقای عملکرد خوشه صنعتی، سه شاخص رقابت پذیری، رشد و دستیابی به اهداف تعریف شده است (Sölvell, Lindqvist, & Ketels, 2003). در تحقیق حاضر پس از مطالعه تحقیقات پیشین در رابطه با ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی، ابعاد و سنجه های عملکردی در چهار گروه کلی (بُعد): مالی، اقتصادی، رقابتی و زیست محیطی تقسیم بندی شدند. بر اساس نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته بُعد عملکرد مالی به اثرات خوشه بر شاخص های مالی بنگاه ها اشاره دارد و به چهار مؤلفه ی فروش، هزینه، سود و سرمایه گذاری تقسیم می شود. بعد عملکرد رقابتی، به موفقیت خوشه در نوآوری، توسعه بازار و کیفیت اشاره دارد و شامل این سه مؤلفه نیز می باشد. نوآوری در حیطه فرآیند تولیدی، محصول و بازار می تواند نمود پیدا کند و رشد سهم بازار در زمینه محصولات جدید یا قدیمی یا بهبود یافته می تواند مورد بررسی قرار گیرد و کیفیت محصول توان رقابتی فعلی خوشه را مشخص می کند. بُعد عملکرد اقتصادی، به اثرات خوشه صنعتی بر اقتصاد منطقه اشاره دارد که از یک طرف باعث افزایش اشتغال در منطقه می شود و از طرفی با تبدیل مواد اولیه به کالا، به ارزش آفرینی و ایجاد ثروت می پردازد و اقتصاد منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد. بُعد عملکردی دیگر، زیست محیطی است که به اثرات مخرب خوشه های صنعتی بر محیط طبیعی اشاره دارد.

پیشینه پژوهش

رجبی پور مبینی و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان رابطه اخلاق کار اسلامی با تعهد سازمانی و رضایت شغلی در پرستاران، به بررسی رابطه بین اخلاق کار اسلامی با تعهد سازمانی و رضایت شغلی پرستاران استان یزد پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که بین اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی پرستاران رابطه معنی داری وجود دارد ولی بین اخلاق کار اسلامی و رضایت شغلی رابطه معنی داری وجود ندارد، ضمن اینکه نقش تعهد سازمانی در پیش بینی واریانس اخلاق کار اسلامی بالاتر می باشد.

انصاری و اردکانی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، به بررسی رابطه یی میان اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی و ابعاد سه گانه آن شامل تعهد عاطفی، مستمر و هنجاری پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل عاملی چند بعدی بودن تعهد سازمانی را اثبات کرد و همچنین نتایج تجزیه و تحلیل آزمون همبستگی نشان داد که رابطه مثبت و مستقیمی میان اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی

کل وجود دارد و متغیرهای جمعیت شناختی تأثیری بر اخلاق اسلامی و تعهد سازمانی ندارند. اردلان و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان رابطه اخلاق کار اسلامی با یادگیری شغلی، به بررسی وضعیت اخلاق کار اسلامی و درگیری شغلی در میان کارکنان دانشگاه کردستان و نیز ارتباط این دو متغیر با یکدیگر پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین اخلاق کار اسلامی و مولفه‌های آن با درگیری شغلی روابط معنی داری وجود دارد و بین این دو متغیر رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

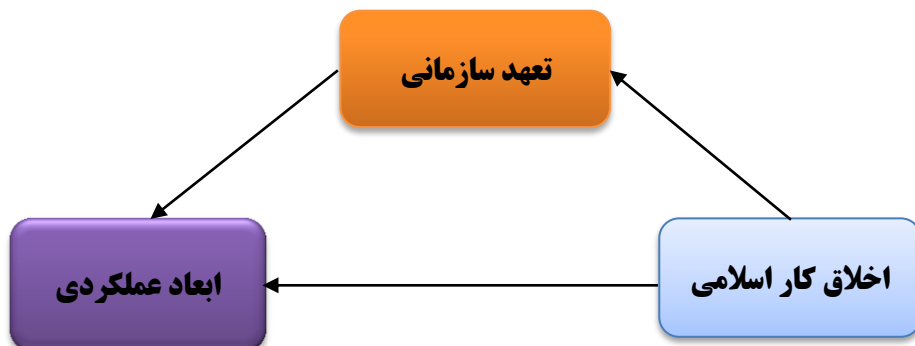
واحد اسرمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش میانجی احساس انرژی در رابطه بین اخلاق کاری

اسلامی و تمایل به ترک خدمت پرداختند، جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی (۲۰۴) نفر بودند. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد که اخلاق اسلامی بر احساس انرژی اثر مثبت و معنی داری دارد، احساس انرژی بر تمایل به ترک خدمت اثر منفی معنی داری دارد و در نهایت اخلاق اسلامی بر تمایل ترک خدمت اثر منفی معنی داری ندارد.

گل پرور و نادری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه اخلاق کاری اسلامی، انصاف و علاقه به پول با رضایت شغلی معلمان پرداختند. جامعه آماری پژوهش را معلمان پنج شهر یزد، کرمان، شهرکرد، لردهگان و اصفهان تشکیل دادند و نتایج حاصله نشان داد که پس از کنترل متغیرهای سن، سابقه شغلی، تحصیلات، جنسیت و وضعیت تاهل، از بین ابعاد علاقه به پول، اخلاق کاری اسلامی و انصاف تطبیقی و اخلاق کار اسلامی قادر به پیش بینی رضایت شغلی هستند.

مدل مفهومی پژوهش

چارچوب نظری، الگویی مفهومی است و بر روابط نظری میان تعدادی از عوامل که در مورد مساله پژوهش با اهمیت تشخیص داده شده اند، تأکید دارد. این چارچوب درباره پیوندهای درونی میان متغیرهایی که در پویایی موقعیت مورد بررسی نقش دارند، بحث می کند. پدید آوردن چنین چارچوب مفهومی به محققین کمک می کند که روابط خاصی را در نظر بگیرد، آنها را آزمون کنند و درک خود را در زمینه‌های پویایی‌های موقعیتی که قرار است پژوهش در آن صورت گیرد، بهبود بخشند، مدل و چارچوب مفهومی پژوهش حاضر به شکل زیر است:



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

در این مدل، متغیر اخلاق کار اسلامی، متغیر مستقل، ابعاد عملکردی متغیر وابسته و تعهد سازمانی به عنوان متغیر میانجی تعریف می‌شوند و بر همین اساس و با توجه به هدف اصلی تحقیق، فرضیات تحقیق به شرح زیر تعریف و تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی در خوشه صنعتی نفت، گاز و پتروشیمی استان مرکزی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی در خوشه صنعتی نفت، گاز و پتروشیمی استان مرکزی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین تعهد سازمانی و ابعاد عملکردی در خوشه صنعتی نفت، گاز و پتروشیمی استان مرکزی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: متغیر تعهد سازمانی در رابطه بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی در خوشه صنعتی نفت، گاز و پتروشیمی استان مرکزی نقش میانجی را ایفا می‌کند.

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی است. هدف از تحقیق کاربردی به دست آوردن درک یا دانش لازم برای تعیین ابزاری است که به وسیله آن نیازهای مشخص و شناخته شده برطرف گردد در این نوع تحقیقات هدف کشف تازه ای است که کاربرد مشخصی را درباره فرآورده یا فرآیندی در واقعیت را دنبال می‌کند. به عبارت دقیق تر، تحقیق کاربردی تلاشی برای پاسخ دادن به یک معضل و مشکل عملی است که در دنیای واقعی وجود دارد. در پژوهش حاضر جامعه آماری مورد نظر کلیه مدیران و سرپرستان بخش تولید شرکت های فعال در خوشه صنعتی نفت، گاز و پتروشیمی در استان مرکزی می باشند که تعداد آنها ۲۸۰ نفر می باشد. جهت برآورد حجم نمونه از روش کوکران استفاده شد. با توجه به محاسبات انجام شده، حجم نمونه بدست آمده ۱۶۲ نفر می باشد. با توجه به روش تحقیق، جهت جمع آوری داده های تحقیق از پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه یکی از متداولترین روش

های جمع آوری داده‌ها در تحقیقات میدانی است. در این پژوهش برای سنجش متغیر اخلاق اسلامی کار از پرسشنامه اخلاق اسلامی کار، برای سنجش تعهد سازمانی بر اساس سه جنبه: عاطفی، مستمر و هنجاری از پرسشنامه‌ی تعهد سازمانی و در نهایت برای سنجش متغیر ابعاد عملکردی خوشه‌های صنعتی از پرسشنامه‌ی استفاده‌شده که بر اساس چهار بعد: مالی-اقتصادی-رقابتی و زیست محیطی تدوین شده بود. برای اطمینان از پایایی پرسشنامه‌های توزیع شده بین اعضای حجم نمونه با استفاده از نرم افزار آماري SPSS ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های این پژوهش محاسبه گردید که برای پرسشنامه‌های فوق به ترتیب ۸۴٪، ۸۹٪ و ۷۹٪ بدست آمد. بدین ترتیب نتیجه‌گیری شد که پرسشنامه‌ها از پایایی لازم برخوردار می‌باشند. است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده در این مطالعه از نرم افزارهای آماري SPSS و Smart PLS استفاده می‌شود و فرضیه‌های تحقیق با روش مدل معادلات ساختاری مورد آزمون قرار می‌گیرند. بطور کلی دو نگرش برای تخمین روابط در مدل معادلات ساختاری وجود دارد: ۱- روش‌های مبتنی بر کوواریانس ۲- روش‌های مبتنی بر واریانس. روش‌های مبتنی بر کوواریانس که با نرم افزارهایی مانند LISREL و AMOS انجام می‌شوند، بر حداکثر کردن کوواریانس تبیین شده بین سازه‌ها تمرکز دارد در حالی که روش‌های مبتنی بر واریانس که با نرم افزارهایی همچون Smart PLS انجام می‌شوند، بر حداکثر کردن واریانس تبیین شده بین سازه‌های مختلف تأکید می‌کند. روش‌های مبتنی بر واریانس بر خلاف روشهای مبتنی بر کوواریانس، پیش فرض‌های کمتری درباره‌ی کیفیت توزیع فراوانی داده‌ها و حداقل حجم نمونه دارند. بنابراین روشهای مبتنی بر واریانس جایگزین مناسبی برای روشهای مبتنی بر کوواریانس می‌باشند. بنابراین در این تحقیق روش مدل معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس با نرم افزار Smart PLS برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به کار می‌رود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

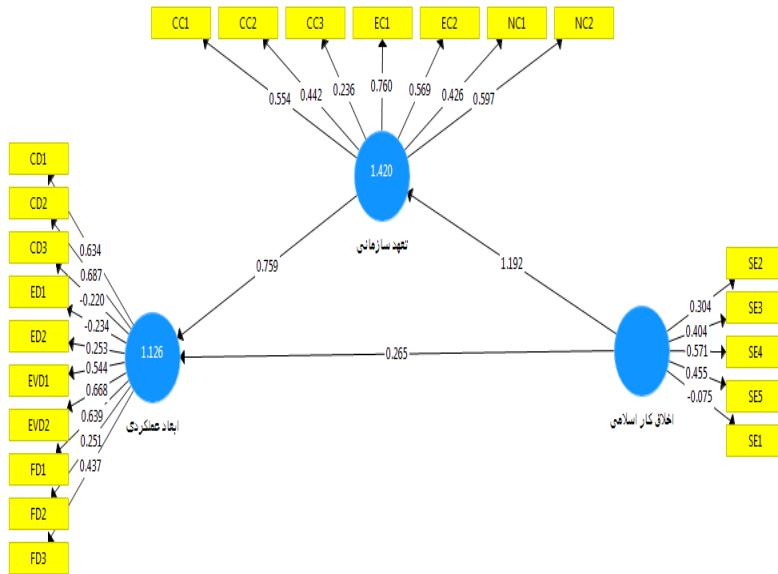
در این بخش به بررسی مدل ساختاری پرداخته و مدل کلی تحقیق مورد برآزش قرار می‌گیرد. برای این منظور، معنی‌داری و ضرایب مسیر مدل تحقیق با استفاده از روش بوت استرپ (نمونه‌گیرهای مجدد و متوالی) و آماره آزمون تی استیوننت مورد بررسی قرار گرفته است. در حقیقت ضریب تعیین نسبت به ضریب همبستگی معیار گویاتری به شمار می‌رود و مهم‌ترین معیاری است که با آن می‌توان رابطه بین دو متغیر را توضیح داد. این ضریب بیان‌کننده درصد تغییرات تابع به وسیله متغیر مستقل است. ضریب تعیین عددی بین صفر و یک است. اگر ضریب تعیین برابر صفر باشد یعنی خط رگرسیون هرگز نتوانسته است تغییرات متغیر تابع را به تابع مستقل نسبت دهد. به عبارت دیگر چنانچه هیچ‌گونه تغییری در متغیر وابسته به وسیله رابطه رگرسیون توضیح داده نشود، مقدار ضریب تعیین برابر صفر است. اگر ضریب تعیین برابر

یک باشد یعنی خط رگرسیون دقیقاً توانسته است تغییرات متغیر وابسته را به تغییرات متغیر مستقل نسبت دهد. به عبارتی اگر تمام تغییرات در متغیر وابسته توسط رابطه رگرسیون توضیح داده شود، مقدار ضریب تعیین برابر یک خواهد بود و مقادیر دیگر بین این دو حد قرار می‌گیرند. مقادیر R^2 نزدیک به ۶۷٪ مطلوب، نزدیک به ۳۳٪ معمولی و نزدیک به ۱۹٪ ضعیف محسوب می‌شوند. در پژوهش حاضر قابلیت پیش بینی مدل نیز با استفاده از آزمون نا پارامتری استون گیسر مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این آزمون دو مقدار (مقادیر Q^2) ارائه می‌شود: CV.Redundancy و CV.Community مقدار اول به ارزیابی مدل معادلات ساختاری و مدل سنجش بطور همزمان می‌پردازد و مقدار دوم، فقط به ارزیابی مدل سنجش می‌پردازد. مقدار Q^2 مثبت و بزرگ نشان از قابلیت بالای پیش بینی مدل دارد و مقدار Q^2 منفی و کوچک نشان دهنده تخمین بسیار ضعیف متغیر پنهان است. جدول شماره (۱)، مقادیر Q^2 و R^2 را نشان می‌دهد.

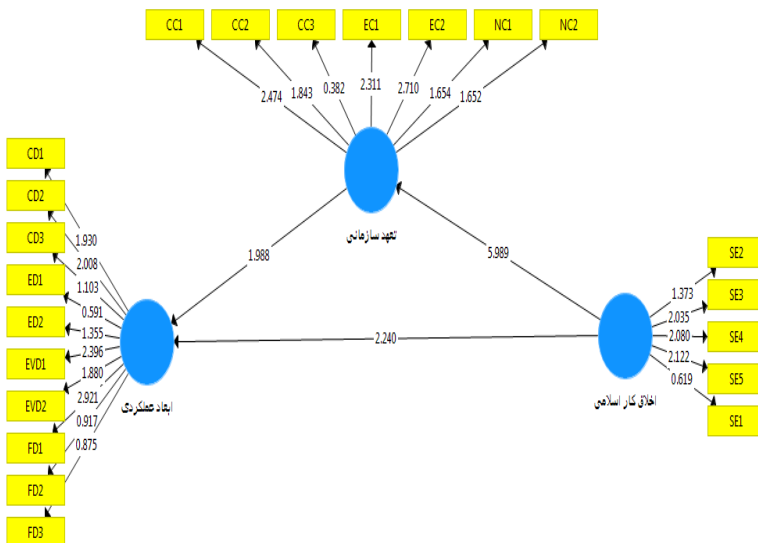
جدول شماره ۱: ضرایب تعیین مدل مفهومی تحقیق

متغیرها	ضریب تعیین (R^2)	CV.Redundancy	CV.Community
اخلاق کار اسلامی	-	-	۰.۸۲۱۱
تعهد سازمانی	۱.۴۲۰	۰.۲۶۱۲	۰.۷۹۴۱
ابعاد عملکردی	۱.۱۲۶	۰.۲۸۳۱	۰.۷۸۶۲

با توجه به نتایج جدول شماره ۱، می‌توان نتیجه گرفت که مقادیر ضریب تعیین برای متغیرهای مکنون مدل، بیان‌کننده میزان تاثیرپذیری متغیرهای وابسته مستقل است. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که ۱.۱۲۶ درصد از تغییرات سازه ابعاد عملکردی به وسیله سازه های اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی بیان می‌شوند. همچنین ۱.۴۲۰ درصد از تغییرات سازه تعهد سازمانی به وسیله سازه اخلاق کار اسلامی که وارد شونده به آن است، بیان می‌شود. بررسی مقادیر Q^2 ، نشان می‌دهد که هیچ یک از مقادیر Q^2 منفی نبوده و حداقل مقادیر لازم برای پیش بینی، برآورده شده است. در ادامه شکل های (۲) و (۳) نشان دهنده ضرایب مسیر و مقادیر آماره تی مدل ساختاری تحقیق می‌باشند.



شکل (۲): ضرایب مسیر مدل مفهومی تحقیق



شکل (۳): مقادیر آماره تی مدل مفهومی تحقیق

در ادامه به آزمون فرضیات تحقیق و تحلیل این نتایج می‌پردازیم. در پژوهش حاضر، فرضیه‌های تحقیق به وسیله ضرایب مسیر و آماره تی مورد آزمون قرار گرفتند. چنانچه مقدار آماره تی برای مسیری بزرگتر از ۱.۹۶ باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این مسیر معنی دار بوده و فرضیه مورد نظر در سطح خطای ۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. نتایج آزمون آماره تی در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون آماره تی

فرضیه	متغیر			نتیجه آزمون
	مستقل	وابسته	میانجی	
فرضیه اول	اخلاق کار اسلامی	ابعاد عملکردی	-	تایید
فرضیه دوم	اخلاق کار اسلامی	تعهد سازمانی	-	تایید
فرضیه سوم	تعهد سازمانی	ابعاد عملکردی	-	تایید
فرضیه چهارم	اخلاق کار اسلامی	ابعاد عملکردی	تعهد سازمانی	تایید

با توجه به نتایج بدست آمده از جدول شماره ۲، می‌توان نتیجه گرفت تمامی فرضیه‌های تحقیق بر اساس مقادیر ضرایب مسیر و آماره تی مورد تایید قرار می‌گیرند.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان گفت که ضریب مسیر رابطه میان اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی خوشه‌های صنعتی برابر با ۰.۲۶۵ می‌باشد و آماره تی برای این ضریب مسیر نیز ۲.۲۴۰ بدست آمده و مقدار آن بالاتر از آستانه معنی داری یعنی ۱.۹۶ می‌باشد که نشان دهنده تایید فرضیه نخست این پژوهش می‌باشد و لذا رابطه مثبت و معنی دار بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی در خوشه‌های صنعتی استان مرکزی وجود دارد. همانطور که در جدول شماره ۲ مشخص است، ضریب مسیر میان اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی کارکنان ۱.۱۹۲ بدست آمده و آماره تی برای این رابطه ۵.۹۸۹ است و به دلیل اینکه این مقدار از ۱.۹۶ بیشتر است، نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی کارکنان در جامعه آماری مورد مطالعه است. نتایج بدست آمده با نتایج تحقیق رجیب پور میدی و دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۱) و نیز پژوهش انصاری و اردکانی (۱۳۹۲) مطابقت دارد، نتایج هر سه پژوهش نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار بین اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی کارکنان می‌باشد.

باشد. مدل برازش شده نشان می‌دهد که مقدار ضریب مسیر میان سازه‌ی تعهد سازمانی و ابعاد عملکردی خوشه‌های صنعتی ۰.۷۵۹ است و از آنجا که مقدار آماره تی برای این ضریب ۱.۹۸۸ است، می‌توان نتیجه گرفت که ضریب بدست آمده معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر سازه‌ی تعهد سازمانی بر سازه‌ی ابعاد عملکردی خوشه‌های صنعتی در جامعه آماری مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری دارد. برای تایید نقش واسط تعهد سازمانی در مسیر اخلاق کار اسلامی - ابعاد عملکردی باید چهار شرط فراهم باشد: اولاً بین متغیر مستقل (اخلاق کار اسلامی) و متغیر وابسته (ابعاد عملکردی) رابطه وجود داشته باشد. ثانیاً بین متغیر مستقل و متغیر واسط (تعهد سازمانی) رابطه وجود داشته باشد. ثالثاً، بین متغیر واسط (تعهد سازمانی) و متغیر وابسته ابعاد عملکردی رابطه وجود داشته باشد. رابعاً، میزان تغییرات در متغیر وابسته (ابعاد عملکردی) که توسط متغیر مستقل (اخلاق کار اسلامی) توضیح داده می‌شود، باید در صورت کنترل متغیر واسط، به سطح پایین تری کاهش یابد.

با توجه به ضریب مسیر، شرط‌های اول تا سوم محقق می‌شود. به منظور بررسی شرط چهارم حاصل ضرب ضریب مسیر اخلاق کار اسلامی - تعهد سازمانی و تعهد سازمانی - ابعاد عملکردی با ضریب مسیر اخلاق کار اسلامی - ابعاد عملکردی مقایسه می‌شود، اگر حاصل ضرب مذکور بیشتر از ضریب مسیر اخلاق کار اسلامی - ابعاد عملکردی باشد، شرط چهارم برقرار است و فرضیه چهارم نیز مورد تایید قرار می‌گیرد. با توجه محاسبات انجام شده مقدار حاصل ضرب میر اخلاق کار اسلامی - تعهد سازمانی و تعهد سازمانی - ابعاد عملکردی برابر است با :

$۱.۱۹۲ \times ۰.۷۵۹ = ۰.۹۰۴$ که این مقدار از ضریب مسیر اخلاق کار اسلامی - ابعاد عملکردی (۰.۲۶۵) بیشتر است و در نتیجه فرضیه چهارم پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر سازه‌ی تعهد سازمانی در مسیر اخلاق کار اسلامی - ابعاد عملکردی خوشه‌های صنعتی نقش میانجی را ایفا می‌کند.

در راستای نتایج بدست آمده از تحقیق حاضر پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
پیشنهاد بر اساس فرضیه اول: با توجه به تایید رابطه مثبت و معنی دار بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی خوشه‌های صنعتی در جامعه آماری مورد مطالعه (خوشه صنعتی نفت- گاز و پتروشیمی استان مرکزی) پیشنهاد می‌شود مدیران شرکت‌های فعال در این خوشه صنعتی جهت توسعه ابعاد چهارگانه خوشه صنعتی خود توجه خاصی به ایجاد و ارتقای فرهنگ اخلاق اسلامی کار در میان کارکنان خود باشند. همچنین به دلیل آنکه اصول اخلاقی به صورت بخشی از سیاست‌های رسمی و فرهنگ غیر رسمی سازمان‌ها درآمده است، توجه به این حوزه می‌تواند به سازمان‌ها در راستای توسعه و ارتقای ابعاد عملکردی کمک شایانی نماید.

پیشنهاد بر اساس فرضیه دوم: با توجه به تایید رابطه مثبت و معنی دار بین اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی کارکنان پیشنهاد می شود که یک توجه ویژه میزان بالاتری از اخلاق اسلامی کار را ایجاد و سعی کنند در میان کارکنان اصول و کدهای اخلاقی اسلامی را اجرا کنند به گونه ای که کارکنان در عمل آن را مشاهده کنند. نکته قابل توجه این است که ارائه کدهای اخلاقی اسلامی در محیط کار می تواند برای هر جنسی و هر رده ی سنی و تا حدودی با هر سطح تحصیلاتی به کار برده شود و همه افراد صرف نظر از ویژگی های خود به آنها اعتقاد و ایمان کامل دارند. بنابراین توصیه می شود مدیران به منظور توسعه و بهبود تعهد سازمانی کارکنان، ابتدا خود باید از ارزش ها و اصول اخلاقی کار اسلامی به طور جد حمایت کنند.

پیشنهاد بر اساس فرضیه سوم: با توجه به تایید رابطه مثبت و معنی دار بین تعهد سازمانی و ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی پیشنهاد می شود با توجه به رابطه نزدیک و تنگاتنگ مشاهده بین تعهد سازمانی و ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی در جامعه آماری مورد مطالعه و فضای مثبتی که تعهد سازمانی در جهت ارتقای رضایت و عملکرد کارکنان خوشه های صنعتی ایجاد می کند، مدیران خوشه های صنعتی از طریق راه کارهایی نظیر اصلاح نظام پیشنهادات، اصلاح نظام پاداش و جبران خدمت، مشارکت افراد در تصمیمات سازمانی و توجه به افراد سازمان و موفقیت و رفاه آنان زمینه ارتقای و پیشرفت سازمان را بر اساس ابعاد چهارگانه عملکردی فراهم نموده و با توجه به یافته های این تحقیق مبنی بر وجود رابطه قوی بین دو متغیر تعهد سازمانی و ابعاد عملکردی، پیشنهاد می شود که مدیران برای بهبود ابعاد عملکردی خوشه های صنعتی، به راهکارهایی توجه نمایند که موجبات ارتقای تعهد سازمانی افراد را فراهم می کند.

پیشنهاد بر اساس فرضیه چهارم: با توجه به تایید رابطه مثبت و معنی دار بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی با توجه به متغیر میانجی تعهد سازمانی و تایید این مطالب که متغیر تعهد سازمانی در رابطه بین اخلاق کار اسلامی و ابعاد عملکردی نقش میانجی دارد. پیشنهاد می شود که مدیران خوشه ی صنعتی نفت - گاز و پتروشیمی در استان مرکزی، دوره های آموزشی در زمینه ی آشنایی با اصول اخلاق کار اسلامی را برگزار و اطمینان حاصل کنند که همه ی کارکنان مشارکت فعال در برنامه های آموزشی دارند و سعی کنند روحیه تلاش و پشتکار و دوری از تنبلی و سستی در محیط کار را تقویت کرده و مطلوب کار کردن و رعایت عدالت و ایثار در کار را به عنوان فضیلت سرلوحه ی کار خود قرار داده و به کار به عنوان منبع سعادت و خوشبختی نگاه کنند و این دیدگاه به کار واقعا در عمل به کار گرفته شود و نه اینکه به آن معتقد باشند که در صورت اعتقاد تنها بدون عمل به آن، نتیجه ام میزان تعهد سازمانی پایین را به دنبال خواهد داشت.

فهرست منابع

۱. اردلان، محمد رضا و همکاران، (۱۳۹۳)، رابطه اخلاق کار اسلامی با یادگیری شغلی، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۱۳، سال چهارم.
۲. اعظمی امیر و همکاران، (۱۳۸۷)، رهبری و مدیریت اخلاق اسلامی، دوماننامه توسعه انسانی پلیس، شماره ۱۷، سال پنجم.
۳. انصاری، محمد اسماعیل، اردکانی، محمد شاکر، (۱۳۹۲)، اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی در میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۲، دوره ۱ ششم.
۴. توسلی، غلامعباس، نجار نیاوندی، مریم، (۱۳۸۷)، مطالعه تجربی اخلاق کار با تاکید بر جنسیت، مجله پژوهش زنان، شماره ۳، دوره ۱ ششم.
۵. رجبی پور مبیدی، علیرضا، دهقانی فیروزآبادی، مرتضی، (۱۳۹۱)، رابطه اخلاق کار اسلامی و تعهد سازمانی و رضایت شغلی در پرستاران، فصلنامه اخلاق زیستی، شماره ۶، سال دوم.
۶. گل پرور، محسن، نادى، محمد علی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه اخلاق کار اسلامی، انصاف و علاقه به پول با رضایت شغلی معلمان، مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، شماره ۳، دوره ۱ ششم.
۷. واحد اسرمی، محمد جواد و همکاران، (۱۳۹۴)، بررسی نقش میانجی احساس انرژی در رابطه بین اخلاق کاری اسلامی و تمایل به ترک خدمت، مجله پژوهش های مدیریت عمومی، شماره ۲۸، سال هشتم.
8. Abzari M, Yazdanshenas M. (2007). Work ethics social responsibility in modern quality management. *Organizational culture management*; 5(15): 5.
9. Arnaudov K, Koseska E. (2012). Business ethics and social responsibility in tourist organizations in terms of changing environment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*; 44: 387-397.
10. Ali JA, Al-Kazemi AA. (2007) Islamic work ethic in Kuwait. *Cross Culture Manage Intern J*; 14(2): 93-104.
11. Chang, H, T. (2007). testing the relationship between three-component organizational /occupational commitment and organizational /occupational turnover intention using a non-recursive model. *journal of vocational behavior*, 7(70), 352-368.
12. Cohen, A., (2007). commitment before and after: an evaluation and reconceptualization of organizational commitment. *human Resource Management Review*, 3, 356-375.
13. Elizur D, Koslowsky M. (2001). Values and organizational commitment. *Intern J Manpower*; 22(7): 593-9.
14. Francesco AM, Gold BA. (2005). *International Organizational Behavior: Text, Cases, and Exercises*, 2nd ed. NJ: Prentice-Hall.
15. Handlon, R. L. (2009). *The departure of the insurance agent: the impact*

organizational commitment, organizational justice, and job satisfaction have on intent to leave in the insurance industry, dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of philosophy, canella university. available at: <http://ProQuest.umi.com/login>.

16. Ionescu, D. (2005). Social Capital: A Key Ingredient for Clusters in Post-Communist Societies in J. Möhring Ed.), business clusters: promoting enterprise in central and eastern Europe (pp. 33-56).

17. Meyer, P & Allen, N. J, (1997). Commitment in the workplace. Thousand Oaks, CA: sage.

18. Oliver N. (1990). Work reward, work values, and organizational commitment in an employee owned firm: evidence from the UK. *Hum Relat*; 43(6): 513-26.

19. Putti LW, Aryee S, Liang TK. (1989). Work values and organizational commitment: a study in the Asian context. *Human Relat*; 42(3): 275-88.

20. Rokhman, W. (2010). The effect of Islamic work ethics on work outcomes, *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, Vol. 15, No. 1, Pp 21-27.

21. Rizk RR. (2008). Back to basics: An Islamic perspective on business and work ethics. *Soc Respons J*; 4(1/2): 246-54.

22. Saeedpor K. (2009). Organizational ethics. Tehran: Jamal publication.

23. Sölvell, Ö., Lindqvist, G., & Ketels, C. (2003). The Cluster Initiative Green book.

24. Stimson, R. J., Stough, R. R., & Roberts, B. H. (2006). Regional economic development: analysis and planning strategy: Springer.

25. Taghizadeh H, Soltani- Feseghandis GH. (2011). The Effect of Business Ethics on the Corporate Social

26. Responsibility. *Ethics in science & technology*; 5(3-4): 94.

27. Wagner, J. A., & Hollenbeck. J. R. (2010). organizational behavior, New York: Routledge.

28. Yousef, D.A. (2000). "Organizational commitment as a mediator of a relationship between Islamic work ethic and attitude toward organizational change". *Human Relations towards the Integration of the Social Sciences*, 4(53), 739-740

Abstracts

Investigating the Relationship between Islamic Labor Ethics and the Organizational Commitment of Employees and Its Impact on the Functional Dimensions of Industrial Clusters (Case Study: oil, Gas and Petrochemistry Industrial Clusters in Markazi Province)

*Reza Yadegari
Kamaleddin Rahmani
Farzin Modarres Khiyabani*

Abstract

Each organization is trying to develop and improve the level of organizational commitment and loyalty of its employees in order to obtain sustainable benefits. One of the effective factors, emphasized in various researches, especially in the religious researches, is the role of ethics in achieving this aim. In recent years, ethics has become especially important because of the failure of large companies and crises in various businesses. The main purpose of this study was to investigate the relationship between Islamic labor ethic and organizational commitment and loyalty of employees and its impact on the functional dimensions of industrial clusters. In this research, the statistical population of the survey was the cluster of oil, gas and petrochemistry equipment manufacturers in Markazi province. the sample was selected among managers of companies active in this cluster through the Cochran formula. Data were collected through studying previous study and standard questionnaires and researcher-made questionnaires. To assess the reliability of these questionnaires, Cronbach's alpha test was used. The research hypotheses were tested using the Structural Equation Modeling (VAR) method via Smart PLS software. The results showed that there is a positive and significant relationship between Islamic labor ethic and the functional dimensions of industrial clusters in this statistical population. Also, the organizational commitment of employees plays a mediating role in the relationship between Islamic Labor ethic and functional dimensions of industrial clusters.

Keywords

Islamic Labor Ethics, Organizational Commitment, Functional Dimensions, Industrial Clusters, Structural Equations.

Comparative Study of Applied Ethics in Sahifeh Sajjadiyeh and Boostan Saadi

Leila Moradi
Seyed Mohammad Amiri (responsible author)
Mahboubeh Khorasani

Abstract

Applied ethics is a branch of normative ethics that is distinguished from the two branches of meta-ethics and normative theories by focusing on details. There is no consensus on the nature, content and methods of reasoning. One of the key issues in the literature and the statements of the Imam (PBUH), which has been considered, is applied ethics. Applied ethics in the Islamic world of monotheism and the explanation of the human relationship with God in the Islamic teachings are of prime importance. In the literary and Islamic teachings, the main sources of religion, namely, the Quran, are the tradition of adhering to the components and practicalities of the necessary ethics for the goodness of his innocence in the two mortal worlds and the rest. Applied ethics with human pathology and knowledge of evil spirits in the soul, seeks to correct internal diseases. In this paper, we will review the comparative application of ethics in Sajjadiyeh and Bostan Saadi.

Keywords

Applied Ethics, Component, doctrine Sajjadiye Sahifeh, Bostan Saadi.

Elite Ethics and Patterns of Elite Explained Based on the Works of Naser Khosrow, Ghashiri and Hojawiri

Habibollah Gargiche

Habib Jadid-ol eslami Ghal, e no

Abstract

The elders of our religion over the centuries have mentioned the elite and elite morality, among which are the characteristics of worship, science and knowledge, thinking and reasoning, authority, divine, commitment and responsibility Social justice, knowledge and insight, critique and evaluation, pragmatism, perfection and purity, good faith and forbidding evil, justice and righteousness, truth and righteousness, the fight against oppression, presidency, piety and piety, negation Immortal blindness, sacrifice, sacrifice, humility and modesty. In this article, the authors point out that in the works and character of all three (Naser Khosrow, Ghashiri and Hojaviri) are observed and samples. The present study utilizes a qualitative method based on information gathering from library resources with the aim of answering the main research question that in the process of modeling of elites, what features and The prominent features that illustrate the elitism of ethics in Islamic-Iranian texts (in the works of Naser Khosrow, Abolqasem Ghashiri and Ali Jabbani Hojawiri) have been accomplished.

Keywords

Elite Ethics and Patterns of Elite Explained Based.

The economic rights of coastal countries in different maritime areas In the shadow of moral teachings

*Maryam Sham,ouni Ahvazi
Mansour Atashaneh
Basem Mavalizadeh*

Abstract

Governance is one of the most fundamental concepts related to the formation and sustainability of the state-state, which gives the legitimate and objective faculties of the government of that country. This concept defines the scope of the authority of the political system and governing institutions within the country and in foreign relations. In addition to the political borders of the land, the sovereignty of the countries has come at the blue borders. In marine environments, coastal countries are qualified after considering the economic bases of the maritime zones. In this regard, one of the roots of the disagreements arises here from which developed countries want to dominate economic zones and limit the domination of governments The coast was around the waters around you. On the other hand, colonized and developing countries are demanding more seaweed for economic protection from their land areas. In this study, the purpose of this study was to examine the economic rights of coastal countries in different marine areas. And then collect information using the library method and phishing.

Keywords

Economic rights, coastal states, sovereignty, 1982 convention.

Modeling the properties of food packaging and its impact on the decision making of customer purchasing with a moral approach

Dariush Zarei

Hossein Vazifeh Dust

Vahid Reza Mirayei

Abstract

One of the most influential components in the sales process is the design and design of the packaging structure. This design is sometimes inspired by product-related elements such as product geometry, product origin, or product geography. As customers nowadays have more power than ever, they tend to look at the descriptions and ingredients of each These products are not comparable to them. Of course, given the fact that there is still a bulk buying culture in our country, there is still a long way to see the growth of packaging products, but these days, exporters have realized that No matter, this sector will not succeed in the global market, and we all know It was because of this package that we handed over the zooghfran to Spain, and if the manufacturer of the corners of the box shows that it is in order to improve the packaging of its products from bad to medium and still a place for innovative packaging in the country's industry It is not intended to be included in this paper. In this paper, we have reviewed the packaging packing protocols, so that we can take steps to help producers and increase sales.

Keywords

Sales increase, Packaging, Models, Competition, Consumer, Producer.

Presentation of the Effective Factor Principles of the Content of a Printable Advertising Message Based on the Phenomenological Approach

*Nima Shojaei
Kambiz Heydarzadeh
Ahmad Rousta*

Abstract

The purpose of this study is to present a model of the effective factors of the content of a printed advertisement message based on the phenomenological approach. In this research, the phenomenological method has been used. In this study, employees of the I-Soda Company were interviewed as interviewees, with an interview with 4 people, theoretical saturation. To confirm the reliability of the study, raw data was presented to compare the construction of the theory with raw data. Audit techniques have also been used and the angle method has been used to assess validity. The results of the extraction of concepts, categories and themes from four interviews with managers and chocolate industry activists have led to identifying the variables (themes) and the components of each variable from the viewpoint of the activists and industry managers. Also, given that all the interviewees are among the activists in the company, they will be more reliant on the results obtained from interviewing the subjects. 9 The determinant component of the content (content) of the message is the following: Advertising attitudes, Brand Attitudes, Attitudes toward the Manufacturing Industry, Attitudes toward the Market, Attitudes towards Packaging, Attitudes towards Imports, Attitudes towards Exports, Attitudes to Shopping , Attitude towards consumption.

Keywords

Phenomenology of advertising message, print advertising, effective content factors, brand attitude, attitude towards advertising.

The analysis of the doctrine of the intellectual property support structure of nanotechnology in the World Trade Organization

Reza Soudi

Seyyed Qasem Zamani

Abu Mohammad Asgerkhani

Abstract

The World Trade Organization (WTO), as a regulator, has begun to harmonize some of the principles governing intellectual property protection. Although the role of resolving disputes by the organization is also remarkable, it should be noted that part of the activities of the World Trade Organization include the principles that underpin the protection of intellectual property. Since nanotechnology is one of the technologies that requires serious intellectual property protection from its inventions, it seems necessary to provide a framework for supporting this technology. On the other hand, it should be pointed out that the frameworks specified in the TRIPs are sometimes not in line with the existing situation, and it seems that some features of nanotechnology are not well considered. It is therefore proposed that the Nanotechnology Doctrine be considered in support of nanotechnology in the framework of the WTO rules, because the features in nanotechnology have made some conditions for supporting this technology different from other inventions of technology. In this paper, we try to place the World Trade Organization as a regulator in relation to intellectual property, especially nanotechnology, and, finally, consider the framework of the Nanotechnology Support Doctrine in accordance with the foundations of the World Trade Organization.

Keywords

Ethical approach, Nanotechnology, Invention, World Trade Organization, Support, Regulator.

Educational Personality Analysis of the Parties to the Disputes between the Governmental Institutions and the competent authority to deal with them

Abdul Mohammad Saniri

Ahmad Asadiyan

Abstract

Obviously, obtaining the legal claims of the claimant or government apparatus of the claimant requires the submission of the necessary documents and documents to give a clear vote of authority from the competent authority, which in turn requires the important procedures of the hearing, especially the process of exchange of bills with the party to the dispute. In this case, the question arises, what are the conditions for the handling of litigation and disputes between individuals and the government, or the lawsuits and disputes of government agencies? And what are the principles behind it? In the cases and disputes of individuals with the state, the question of whether the person seeking and being heard complies with all the lawsuits brought before the Administrative Court by a single procedure and that the order in the Tribunal's case includes claims against non-governmental organizations, In this research, one can conclude that the results of this research reveal that the personality is different from each other and demands that every person is a natural and legal person of private law, and that the reader is composed of both governmental units and their agents and revolutionary institutions and institutions, and In the Tribunal's case, the reader must also include officials and NGOs. But sometimes there may be disagreements between government agencies, in which case we will examine the regulations and approvals that all disputes of executive agencies are referred to the legal assistants of the devices. Unless the cause of the problem is due to the lack of knowledge of the laws, regulations and unconditional legal principles, the issue will be resolved by agreeing on the existence of a specific ruling in the abovementioned sources, and if resolution of the dispute is not possible, The issues will be discussed and decided by a commission composed of the Legal and Legal Affairs deputies and the deputies of the Ministry of Economic Affairs and Finance of the Organization for Management and Planning of the country, and the principles governing the procedures of judicial proceedings do not address these differences.

Keywords

Personality analysis, Competent authority, lawsuits, disputes, government, executive agencies.

Concept of Salaam (peace) and Peaceful Cooperation in Mulla Hadi Sabzevari's View Compared to that of Rumi and Hafez

Mohammad Javad Sami

Mohammad Yousef Nayeri

Abstract

Serenity in the behavior and speech of Hakim Sobzavari is a product of his peaceful thought. The current paper aims at illustrating the effect of the peacefulness and symbiosis of the speaker's behavior. This issue comes from Hakim friendship with Rumi and Hafez. This moral and mystical position may not be achieved unless for the experience of various disasters such as diseases, famine, civil war, Bob insurrection, Tbilisi Wars and catastrophic wars of Kerman, the ten-year war with Russia separating the lands of northwest Iran from the country. In this age Sabzevari's wisdom prevails the Qajar era and rationalism dominates militant thoughts. In Hakim view, the fragrance of peace and friendship is a substitute for war and conflict. The argument is that why wise men, poets and mystics are more peaceful than others. This concept is doubled in Hakim thought influenced by Mulla Sadra's transcendent wisdom as well as the poetry of Rumi and Hafez. This paper studies the cooperation of mystics and people using library sources. This move occurs when Hakim Sabzevari wields rationalism in the pursuit of philosophy and adheres to decent ethical behaviors in a time when people of the both conflicting parties seek refuge at Salar Al-dole home.

Keywords

Hafez, Wisdom, Salaam, Masnavi, cooperation.

renegotiation in upstream contracts of the oil industry from the perspective of law a

*Rahele Seyed Morteza Hosseini
Bahram Taghipour
Mehdi Abbasi Sarmadi
Fatemeh Amiri*

Abstract

Because of the long-term nature of the upstream contracts of the oil industry, it is always possible for these contracts to be subject to fundamental changes in the situation. In such a way that economic, political, technical or economic, economic or economic changes will overcome, in such a way that it is difficult for one party to fulfill the obligation, while the other party may benefit from these conditions. In such a case, re-negotiation is one of the solutions that can help resolve this problem. What many of these contracts today are of interest to the parties. Using this method, the parties can review the contract and allow it to continue to be implemented, the parties are required to observe ethics and goodwill to pave the way for an agreement to resolve the problem and exit the stalemate. . Re-negotiation may be entered in the conditional condition at the time of the conclusion of the contract or after agreement of the terms of the parties. This condition will stabilize the contract, and this will encourage foreign companies to invest in oil projects, which will result in economic development of the host country. In fact, this is a condition of a dispute resolution mechanism that prevents the liquidation of the contract in the event of a change of circumstances. However, observance of ethics and good faith requires the contracting party to seriously negotiate and make rational and enforceable proposals.

Keyword

upstream contracts of the oil industry, fundamental change of circumstances, re-negotiation, re-negotiation ethics, economic equilibrium, partnership agreement, concession contract, service contract.

The Causes and Consequences of Ethical Delinquency of Children and Adolescents in Telegram and Instagram Social Networks

*Mohammad Sadiq Chavoshi
Hadi Karamati Moez*

Abstract

Children and teenagers are the most vulnerable in social networking telegrams and instagrams; social networks expose under-age users to a huge amount of information, partly because of their inappropriateness of age and rational growth and the rate The child's knowledge can have harmful effects. Therefore, it is essential that the skills needed to be present on the social networks of telegrams and instagrams are taught to children and their parents, as well as the causes and effects of the moral delinquency of this vulnerable stratum in social networks. Prevent possible damage.

In this paper, through analytical-descriptive research method, a library is used to identify the causes and effects of moral delinquency of children and adolescents in the social networks of Telegram and Instagram.

Keywords

Ethical Victimization, Social Telegraph Network, Instagram Network, Children and Adolescents.

Criminal Sanction of infringement of Trade Secrets, in the imamiyya Jurisprudence, Iranian and united states Laws

Ali Beigzadeh

Jafar Kousha

Sayed Bagher Mir Abbasi

Abstract

Trade secrets are among the most valuable branches of intellectual property, which, like material possessions, need to be protected from any aggression or abuse of individuals. Therefore, the preservation and protection of trade secrets has led most developed and developing countries to formulate special legal rules for the criminal protection of this valuable asset. In this article, following the disclosure of intellectual property, trade secrets and its taxes, and some concepts related to this issue, and finally the evaluation of the criminal protection of trade secrets from the perspective of Imamiyya jurisprudence, the rights of Iran and the United States have been investigated. The results indicate that the opposition of the jurists to the principle of intellectual property protection lacked legal reasoning and did not explicitly mention the criminal law, and that Iran's right to full protection of trade secrets was ineffective and weak, but American law and practice in this country have a favorable criminal law protection for any kind of infringement of trade of the development of this article.secrets.

Keywords

Intellectual property, Trade secrets, infringement, Criminal Sanction.

Investigating the Ethical System in the Arbitration of Foreign Investment

*Habibullah Brahui Moghadam
Mohammad Abouata
Hamid Masjed Serai*

Abstract

As national laws and regulations have been established for the purpose of resolving and resolving disputes between the corporate entities, governments have been created. In international relations, there has also been an imperfect, even incomplete, regulation of disputes between individuals and individuals, including a country and an international organization and a company that has been subject to these disputes. International trade was adopted as the latest and most important legislative change in Iran in the field of arbitration, mainly aimed at promoting arbitration and harmony with the international legal system. Foreign investment is one of the areas that has been heavily influenced by international arbitration, and the first step in this direction is to create a proper legal system for balancing and balancing through the application of financial mechanisms and the establishment of appropriate rules and regulations, Provide guarantees to investors. Therefore, in this research, the frameworks and ways of resolving disputes between foreign investors and governments are discussed at the time of the occurrence of the dispute.

Keywords

Neglect, Investment, Investment, Investment, Bilateral Investment Treaties.

Moral support in the performance guarantee of government approvals in Iran and the United

Mohammad Saeed Ansari

Ali Al Boyah

Nader Mardani

Abstract

The Islamic Consultative Assembly in its most important task, that is, legislation in accordance with Article 71 of the Constitution, has general jurisdiction and can legislate in general matters. Nonetheless, the parliament has a constraint on this role, which is set out in various constitutional principles. Article 72, for example, states: "The Islamic Consultative Assembly can not legislate to comply with the principles and rules of the official religion of the country or the constitution ..." All laws must be approved by the Guardian Council. Without a Guardian Council, the Islamic Consultative Assembly has no statutory authority, except in the case of approval of the credentials of the representatives, and the election of six lawyers of members of the Guardian Council. In cases where the Assembly of the Islamic Consultative Assembly considers the Council of Guardians to be in violation of the Shari'a or the Constitution, and the Assembly shall not provide the Guardian Council with due consideration to the expediency of the system. The Expediency Council adopts the necessary decisions. In US law, the three executive powers, the judiciary and the legislature are completely independent of each other. The president will not vote for confidence from Congress, but for his ministers, he needs two-thirds of the senators to vote.

Keywords

Legislature, parliament, government, constitution, guardian council, decrees, US, president.

Ethical Components in the Structure of the Commercial Model between Iran and Russia

*Beitollah Akbari Moghadam
Alireza Keshavarz Ghasemi*

Abstract

In a turbulent world today, all countries are thinking of exporting their goods outside the domestic markets. Due to the rapid change in the business environment at the international level, it is important to examine factors affecting the export performance of enterprises. The present study has two parts. The first part involves a quantitative analysis using a quasi-gravity model. In the second part, based on the structural equation technique, the effect of individual and environmental factors on the export performance of the business enterprises has been investigated. Considering the fact that the number of exporting companies to Russia is limited in Qazvin and Tehran provinces, the sampling method (available) has been used and 39 questionnaires have been distributed among the main exporters. The research findings indicate that trade between Iran and Russia follows the Hakeshir-Oholian Relative Advantage Act, and the trade between the two countries for Iran is between industrial and non-industrial ones. In the qualitative analysis, the present study also concluded that factors such as the trust of Iranian exporters in the Russian importer's private sector and the existence of a reliable bank for currency transfers, as well as attention to other Russian regions (except Moscow) among other personal factors And the environment with the first to third ranks of the export performance of Iranian business firms.

Keywords

Moral components, Pseudo-Gravity Model, Relative Advantage of Heckscher-Oehlin, Export Performance, Industrial, Inland Industrial.

Examining the Expediency Function in Education and Ethics in dealing of Children

Ali Isfahanian Semnani

Seyyed Mohammad Mousavi Bojnourdi

Seyyed Mohammad Hosseini

Abstract

Since the best criterion is to use the element of "expediency" in realizing high education for children in the face of new incidents, this study, using the features of expediency in jurisprudence and expressing the standards and guidelines of Islamic ethics, has a fundamental interest in education For children. The ethical and educational pattern with emphasis on the spirituality of children is described. Using the analytical and descriptive method and taking into account the dimensions of the lives of children and respecting the particularities of dealing with them, the weakness of the concept of pedagogical education as a means of inference and implementation is comprehensively reviewed and well-educated, which should be with moral values And the norms of Islamic law.

How to implement ethical and ethical principles in pediatric education is a fundamental function of the growth and dignity of the child, and the diagnosis and parenting of the child has been delegated to parents and parents. The way of expressing the interests of the educational affairs and the powers of the parents and wives has many shortcomings and should be targeted by the main axis of the educational material, targeting the scope of parents and the wise in order to achieve good ethics in dealing with educational affairs and providing the best interests of the children.

Key words

Expediency, ethics, education, interests, support.

Ethical Research

The Quarterly Journal

Vol. 9, No. 2, Winter 2019/ No: 34/ ISSN: 2383-3279

Proprietor: *Iranian Association for Islamic Thought. (ISSN: 2383-3279)*

Chief Director: *Reza Haji Ebrahim Ph. D*

Chief Editor: *Mahmoud ghayyomzade Ph. D*

Board of Writers

Hojatoleslam Alireza Amini; Mohsen Javadi, Ph. D; Ahmad Deilami, Ph. D; Amir Divani, Ph. D; Jafar Shahnazari, Ph. D; Jafar Sadri, Ph. D; Amir Abbas Alizamani, Ph. D; Mahmoud ghayyomzade, Ph. D; Abdollah Nasri, Ph. D.

Internal director and Editorial- board director: *Alireza Moazami*

Translator: *Ehsani*

Page Design: *Ehsan Computer*

Editor: *Hamidreza alizadeh*

Note

The Journal Ethical Research accepts papers on the Ethics ‘Islamic Ethics ‘applied ethics ‘comparative ethics ‘and ethical challenges of Modernism and moral training. The papers received will be published provided that they are written according to the house style of the journal. The authors will bear responsibilities for their own papers.

Address: *Bolward Al-Ghadir ‘University of Qom ‘Central Library ‘office of the journal.*

Tel: *0098-25-32103360*

Fax: *0098-25-32103360*

Email: *Akhlagh_1393@yahoo.com*

This journal is cooperatively being published by Iranian Association for Islamic Thought.

فرم اشتراک مجله علمی - پژوهشی "پژوهش‌های اخلاقی" انجمن معارف اسلامی

لطفا در این قسمت چیزی ننویسید کد اشتراک:			
نام و نام خانوادگی			
نام سازمان (مخصوص سازمان‌ها)			
شغل، محل کار، سمت			
میزان تحصیلات و رشته تحصیلی			
آدرس پستی			
پست الکترونیک			
شماره فیش بانکی	تاریخ فیش بانکی	تعداد نسخه دریافتی	شروع اشتراک از شماره
امضای متقاضی		تاریخ	

هزینه اشتراک (با احتساب هزینه پست)

اشتراک یک ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای اشخاص (افراد حقیقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای دانشجویان با ارائه کپی کارت دانشجویی: ۷۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک یک ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

اشتراک دو ساله برای سازمان‌ها (افراد حقوقی): ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

خواهشمند است مبلغ اشتراک یا خرید شماره‌های قبلی را به حساب ۱۵۳۱۰۷۱ بانک تجارت

شعبه صفائیه قم واریز و اصل فیش را به همراه فرم تکمیل شده اشتراک به نشانی

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی،

دفتر فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی

ارسال فرمایید:

جهت اطلاع بیشتر با تلفن ۳۲۱۰۳۳۶۰ - ۰۲۵ تماس حاصل فرمایید.